رضاشاه کبیر

یا

ایران نو

بقلم . اِل . پی . اِلول ساتن

ترجمهٔ . عبدالعظیم صبوری

رضاشاه کبیر

یا

ایران نو

بقلم . اِل . پی . اِلوِل ساتن مستشرق معروف انگلیسی

ترجمهٔ . عبدالعظیم صبوری

چاپ دوم

قیمت : دویست ریال

چاپ «تابش» تهران

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز
مرده آنست که نامش بنکوئی نبرند

منم داریوش بزرگ شاه شاهان ممالک پسر ویشتاسب نوه ارشام هخامنشی

اهورمزد شاهی را بمن اعطا کرد ، اهورمزد مرا یاری کرد تا این ملک را بدست آورم . بفضل اهورمزد من سلطنت را دارا گشتم .

ای آنکه پس از این شاه خواهی بود مردی را که دروغگو باشد و آنرا که بیداد کند دوست مباش از او با شمشیر پرسش کن .

« از کتیبه داریوش کبیر در بیستون »

در نهاد ایرانی قوه ای وجود دارد که هستی فاتحین را میبلعد و هر فکری را هضم میکند ولی خودش همیشه زنده و پایدار است .

اِل . پِی . اِلوِل ساتِن



اعلیحضرت رضا شاه کبیر



اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه ایران

فهرست کتاب رضاشاه کبیر یا ایران نو

موضوع	صفحه
	۲۷۶

موضوع	صفحه

موضوع	صفحه

فهرست عکس‌های کتاب رضاشاه کبیر یا ایران نو

موضوع	صفحه
۲۱ ـ والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی	۲۱۳
۲۲ ـ والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی	۲۱۷
۲۳ ـ والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی درسال ۱۳۳۰ پس ازاتمام دورهٔ خدمت افسری	۲۲۱
۲۴ ـ والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی	۲۲۵
۲۵ ـ اصفهان : میدان شاه یامیدان نقش جهان، عالی‌قاپو، مسجد شاه، مسجد شیخ لطف‌الله	۲۳۷
۲۶ ـ اصفهان : قصر چهل ستون ازآثار صفویه	۲۵۳
۲۷ ـ اهواز : پل‌کارون	۲٦۵
۲۸ ـ اصفهان : مسجدشاه وقسمتی ازمیدان‌شاه‌ازآثار صفویه	۲۸۵
۲۹ ـ دبیرستان رضا شاه‌کبیر که بنـام پادشاه بزرگ ایران بنـا شده است	۲۹۹
۳۰ ـ والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ریاست عالیهٔ جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران در لباس مخصوص جمعیت بامدال وبازوبند	۳۳۷
۳۱ ـ یکی ازبنا های دانشگاه تهران	۳۵۵
۳۲ ـ رضا شاه‌کبیر باوالاحضرت شاهپور محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران هنگام بازدید ازتخت جمشید	۳۷۹
۳۳ ـ نمای جنوبی کاخ وزارت امور خارجه	٤۲۳
۳٤ ـ شهرری :آرامگاه رضا شاه‌کبیر	٤٦۷
۳۵ ـ بانك سپه که ازساختمانهای دورهٔ سلطنت اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی است	٤۹۳
۳٦ ـ موزهٔ ایران باستان ازآثـار دورهٔ سلطنت رضا شاه‌کبیر	۵۱۵
۳۷ ـ تصفیه خانهٔ‌آب تهران که درزمان سلطنت اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی بناگردیده است	۵۲۹
۳۸ ـ فرودگاه عظیم ومجهز مهرآباد که درزمان سلطنت اعلیحضرت‌محمدرضا شاه پهلوی بناگردیده‌است	۵٤۵
۳۹ ـ مترجم کتاب رضا شاه کبیر یا ایران نو	۵۵۹

مقدمهٔ مترجم

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

برای افراد هرملتی اطلاع کامل از تاریخ کشورش لازم وواجب است زیرا هرانسانی طبعاً میخواهد از آنچه درادوار گذشته رخ داده مطلع گردد و از رفتارو کردار پیشینیان پند گیرد و آنرا درکارهای خود و اموری که در پیش دارد بکار بندد و بهمین جهت است که میتوان گفت در بین رشته های مختلف دانش وفرهنگ که دانستن آن برای آدمیزادگان لازم وحتمی است تاریخ اهمیت خاصی را داراست .

تاریخ کشور عزیزما ایران در بین تاریخ ملل جهان درخشنده و تابناك است زیرا این کشور کهنسال از قرنها پیش مرکز تمدن جهانی و علم وهنر عالم بوده ونیاگان پرافتخار ما از نظر عدالت و نوع پروری در بین کلیهٔ کشورهای دنیا معروفیت داشته‌اند میهن پرستی وایران دوستی آنان زبانزد خاص وعام است .

وقتی که انسان موقع مطالعهٔ تاریخ ایران باستان از طرز حکومت و فرمانروائی کورش کبیر و داریوش کبیر و انوشیروان دادگر آگاه میگردد وعدالت و نوع پروری و بشردوستی را در خلال تاریخ سلطنت

پر افتخار آنان می‌بینند ازهر قوم‌وملتی که باشدبرروان‌این سلاطین‌داد گستر درود میفرستد و برملتی که این پادشاهان عادل و دانا از بین آن ملت برخاسته‌اند آفرین‌میگوید.

بطوری که تاریخ کشور کهنسال ایران حاکی است این سرزمین فرزندان لایق وفداکار زیادی داشته است وهریك از این فرزندان از خود گذشته اوراقی زرین که حاکی ازجانبازی و فداکاری آنها درراه ملك و ملت است درتاریخ کشور ما از خود به یادگار گذارده‌اند.

دانشمندان و علمای اجتماع عقیده دارند که هر وقت ملتی به‌منتهی درجهٔ انحطاط میرسد فردنابغه‌ای از میان‌آن ملت بر می‌خیزد رستاخیزی بپا میسازد روح تازه‌ای درکالبدملت خود میدمد استقلال و حاکمیت از دست رفته را باز می‌یابد اوضاع هرج و مرج و درهم و برهم کشورش را با فداکاری واز جان گذشتگی وصف ناپذیری‌سرو صورت میدهد و اصلاحات عمیقی در تمام شئون اداری و اجتماعی سرزمین خود بعمل میآورد که معاصرین خودش و یا مطالعه کنندگان تاریخ‌زمامداری او ازاین عمل‌دچار حیرت و تعجب میگردند.

آنچه در سطور بالا بنظر خوانندگان گرامی‌میرسد دربارهٔ رضاشاه کبیر سر سلسلهٔ خاندان پهلوی صدق میکند زیرا موقعی این پادشاه لایق و توانا ازبین مردم ایران برخاست و زمام امور کشور را بدست گرفت که ملت ایران به منتهی درجهٔ انحطاط رسیده بود و از استقلال و حاکمیت کشورماهم جزاسمی بی‌مسمی چیز دیگری باقی‌نمانده‌بود.

برای اینکه‌از علت قیام اعلیحضرت‌رضاشاه کبیر بخوبی‌آگاه گردیم و از اوضاع آن روز کشورمان‌هم اطلاع حاصل کنیم بااجازهٔ خوانندگان

ارجمند به روزسوم‌اسفند ماه سال ۱۲۹۹ که‌آنرا باید روز سعادت‌وسیادت ملت ایران دانست برمیگردیم وضعیت وموقعیت آن تاریخ راموردبحث و مطالعه قرار میدهیم .

قبل از سوم اسفند ماه سال ۱۲۹۹ اوضاع کشورما درهم و برهم وپرهرج ومرج بود . در گیلان و مازندران طغیان و یاغی گری بحد اکمل ادامه داشت عده‌ای بنام انقلاب با پشتیبانی بیگانگان سرنوشت مردم رابدست گرفته وبرجان ومال آنان حکومت میکردند وعده‌ای هم در شهر رشت حکومت کمونیستی تشکیل داده بودند .

سربازان و کشتیهای یك دولت خارجی به‌اراضی وآبهای ایران وارد شده وعلناً درامور داخلی ما دخالت میکردند ودستور میدادند . دامنهٔ تحریکات خارجیان به‌ایالات دیگرنیز کشیده شد وچیزی نمانده بود که نظیر همین جریان در آذربایجان و حتی خراسان رخ دهد . قشون انگلیس که در زمان جنگ بین المللی اول در ایران باقیمانده بود آزادانه وبدون اعتنا بحق حاکمیت ما ازجنوب تاشمال رامیدان عملیات خود ساخته بود. یك قسمت ازقوای سابق روسیهٔ تزاری تحت فرماندهی بیچراخف دراثر سازش با انگلیسیها در حوالی قزوین موضع گرفته و مستقر گردیده بودند . در جنوب ایران یك نیروی انگلیسی بنام تفنگداران پلیس جنوب تشکیل‌شده بود که درتمام امورآن نواحی دخالت میکرد . ایلات وعشایر محلی بااین نیرو درحال جنگ بودند ودرنواحی دیگرهم هرجا که‌ایل وعشیره‌ای بود براوضاع تسلط داشت. بعلت‌آشفتگی اوضاع وپیچیدگی امور شیرازهٔ حکومت مرکزی بکلی ازهم گسیخته واز دولت ایران جزاسمی باقی نمانده بود . ازتعطیل مجلس شورای ملی سالها

میگذشت وبااینکه انتخابات دورهٔ چهارم تحت شرایط خاصی انجام گرفته بود معهذا افتتاح مجلس صورت نمیگرفت .

دولت وقت قرارداد سال ۱۹۱۹ رابا دولت انگلستان منعقد ساخته واجازه داده بود که مستشاران انگلیسی امور وزارتخانه‌ها ومؤسسات دولتی راتحت نظر بگیرند . مردم بشدت بااین قرارداد مخالفت میکردند بازاریها ودانشجویان دست بتظاهرات دامنه‌داری زدند .

دولتها میآمدند ومیرفتند وکاری ازدستشان ساخته نبود هیچ مشکلی حل نمیشد وبرآشفتگی اوضاع روزبروز افزوده میگشت . بکار کنان دولت بجای حقوق ماهیانه حوالهٔ آجر و گچ میدادند که آن رادربازاربفروشند و پولش را بمصرف اعاشهٔ خودشان برسانند .

دولت اصولا بودجه‌ای نداشت زیرا مالیات وصول نمیشد و خزانه بکلی تهی بود امورتجارت وصنعت بسرعت بطرف انحطاط میرفت یأس و نامیدی همه رافرا گرفته بود .

درچنین شرایطی تحول تاریخی سوم اسفند ماه انجام گرفت . رضا خان میرپنج با سه هزار نفر قزاق تحت فرماندهی خود که در قزوین مستقر شده بودند تصمیم گرفت بسوی تهران حرکت کند ابتدا تکلیف حکومت مرکزی را روشن سازد وپس ازآن بااعتماد واطمینانی که بخود داشت یاغیان وخارجیان رابرسرجای خود بنشاند .

سربازان تحت فرماندهی رضاخان میرپنج آنهائی بودند که بدون دردست داشتن وسایل و تجهیزات لازم با دست خالی در مقابل دشمنان ایستادگی کرده وچند ماه بود که حتی حقوق خود را نگرفته بودند وعائلهٔ آنها درتهران وسایرشهرها باعسرت زندگی میکردند .

عصر روز دوم اسفند ماه سال ۱۲۹۹ این عده از کرج عبور کرده وبطرف تهران پیش آمدند. رئیس الوزرای وقت آنچنان درخواب غفلت بود که باین نیروتوجهی نکرد وفقط عده‌ای ژاندارم برای جلوگیری ازورود آنان اعزام داشت که این عده هم چون ناراضی بودند درچند کیلومتری خارج شهر توقف کردند ومنتظر شدند تابه بینند اوضاع چه خواهد شد.

ساعت سه‌بعد از نصف شب‌بود که نیروی قزاق ازمیدان جلالیه‌عبور کرده وارد تهران شددرحین ورود قزاقها نه تنها هیچگونه مقاومتی در مقابل آنان انجام نگرفت بلکه نیروی انتظامی دولت وقت مقدم آنها را گرامی‌داشت وپیروزی‌آنانرا آرزو میکرد.

وقتی که رضاخان‌میرپنج بانیروی‌تحت فرماندهی‌خود وارد پایتخت شد مردم تهران درخواب خوشی فرورفته بودند. تمام خیابانها بسهولت بتصرف قزاقها درآمد وفقط شهربانی که تحت نظر افسران سوئدی اداره میشد مقاومت مختصری ازخود نشان داد که‌آن راهم باچند گلولهٔ توپ بمباران کردند وآخرین مرکز مقاومت شهررا هم تصرف نمودند.

قبل ازاینکه‌آفتاب روزسوم اسفند طلوع کند پیروزی قطعی نصیب فرمانده شجاع ولایق نیروی قزاق شده‌بود واهالی تهران موقعی که از خواب برخاستند دریافتند که‌آن هرج ومرج وناامنی برای ابد ازشهر و مملکت‌آنان رخت بربسته است وازآن پس میتوانند باآسودگی خیال بکار روزانهٔ خودشان مشغول گردند.

رضاخان میرپنج بااین ترتیب‌آتش طغیان وناامنی‌را خاتمه دادابتدا وزیر جنگ وبعد ازآن رئیس الوزراء شد واندکی بعدازآن تاریخ موقعی که احمد شاه‌آخرین پادشاه سلسلهٔ قاجار برای خوشگذرانی به اروپارفته

بود ودر آنجا اقامت داشت ازسلطنت خلع‌شد ورضا خان میرپنج به سلطنت رسید واولین پادشاه سلسلهٔ پهلوی درایران گردید .

این بود اوضاع واحوال کشور عزیزما ایران قبل ازاسفند ماه سال ۱۲۹۹ و جریان قیام اعلیحضرت رضا شاه کبیر بنیان‌گذار ایران نو.

اعلیحضرت رضاشاه کبیربرای حفظ‌استقلال‌ایران و برانداختن‌اساس ملوك الطوایفی ابتدا ارتشی قوی ونیرومند بوجود آورد زیرا بدون داشتن قوای تأمینیه محیط ایران بهیچوجه برای انجام اصلاحات‌آماده نبود وفرو نشاندن‌آتش طغیان دراطراف واکناف‌مملکت میسر نمیگردید وپس‌ازآن طبق برنامهٔ دقیق ومتین اصلاحات امور کشوری واجتماعی را شروع کرد.

این مردبزرگ‌ک‌کلیهٔ شئون‌اجتماعی ونظامی‌وفرهنگی‌ایران را با فکر توانای خویش اصلاح کردوبه نیروی ایمان واعتمادبه نفس بتمام مشکلات فائق آمد .

براهل نظر پوشیده نیست که اغلب ازمردان بزرگ دنیا دریك یا دومورد بخصوص استعداد فطری دارند وفردی که بتواندکلیهٔ شئون ملتی‌را تحت نظر بگیرد وانواع واقسام دردهای بی‌درمان ومتعدد آنرا بررسی و چاره جوئی کند ودرکلیهٔ امور اصلاحات دامنه داری را شروع وعملی سازد البته نادر است واکثریت ندارد .

این قبیل افراد کم نظیر بندرت یافت میشوند والحق والانصاف یکی ازآنان‌اعلیحضرت رضاشاه کبیر بوده‌است .

بگواهی دوست ودشمن رضاشاه کبیر دارای نبوغ خارق‌العاده‌ای بود زیراتمام آرزوهای ملی مارا با سرعتی عجیب اجرا و عملی نمود و ایرانی مترقی وسربلند بوجودآورد .

آری وقتی که مشیت الهی بر بقـای ملت و مملکتی تعلق میگیرد چنین‌مردان‌فداکارولایقی راباقوای خارق‌العاده‌ای برمیانگیزد که آن ملت ومملکت راازپرتگاه سقوط ونابودی نجات دهند وازهیچ همه چیزبسازند.

رضاشاه کبیر بدون اینکه ازدول قوی ومنابع مالی بین‌المللی کمکی بگیرد جاده‌های شوسه وراه‌آهن سرتاسری ایران را بوجودآورد و باوارد کردن کارخانجات صنایع کشور رابنیان گذاری کرد .

بهداشت وفرهنگ و کشاورزی رابحدا کمل ترقی خود رسانید واین مردبزرگ باارادهٔ آهنین خود وبادست‌ایرانی وهوش‌ایرانی‌وسرمایهٔ ایرانی درمدت کوتاهی باندازهٔ چند قرن ایـران را ترقی داد پیش آورد وما را در میان ملتهای دنیا سربلند ساخت .

مطلعین‌درامور‌بین‌المللی ومورخین خارجی که اوضاع واحوال کشور ایران را درسال ۱۲۹۹؛ دیده بودند ویا بوسیلهٔ مطبوعات وخبرگزاریهـا ازآن وضع رقت بار ومنحط مطلع شده بـودند یقین داشتند که دیگر این کشور کمرراست نخـواهد کرد و برای ابد نام کشور کهنسال ایران ازصفحهٔ تاریخ محوخواهد شد وحقاً هم انصاف باید داد که تاحدی هم نظر آنان بجا وبمورد بود زیرا هر کسی که ایران‌آنروز رامیدید نظرش دربارهٔ کشورعزیزما جزاین نمیتوانست باشد وبهمین‌جهت است عده‌ای ازمورخین خارجی که مطالعاتی دربارهٔ اوضاع ایران دارند عقیده‌مندند بهمان اندازه که قرن بیستم برسایرقرنها ازنظرترقیات مادی ومعنوی برتری دارد بهمان اندازه‌هم مقام اجتماعی رضاشاه کبیر نسبت به‌اسلاف خودش که خدماتی در این کشور انجام داده‌اند مشخص‌تراست . این نظربسیار منطقی وبرای تمام مطلعین درامور قابل قبول است بـرای آنکه کشیدن راه آهن سرتاسری

ایران‌الغای امتیازات وحقوق ویژهٔ یکصد وپنجاه سالهٔ بیگانگان سر کوب ومطیع ساختن یاغیان وبرهم زدن اساس نافرمانی ایلات وعشایر وبرانداختن بنیان یاغی ویاغیگری توسعه و تعمیم فرهنگ تأسیس دانشگاه تهران ونظایر آن ازاقداماتی بوده که بااوضاع واحوال قرن بیستم مربوط است و انجام واجرای آن بامشکلات طاقت فرسای این قرن ارتباط دارد .

امانباید ازنظردور داشت که رضاشاه کبیر بااراده‌ای آهنین وعزمی راسخ وبا نیروی خارق‌العاده‌ای که تماماً ازحس وطن دوستی ومیهن پرستی شدید وی سرچشمه میگرفت برتمام این مشکلات فائق آمد چون خدای بزرگ ایران‌این رادمرد مشکل گشا رابرای سروسامان دادن باین مرزو بوم وحل مشکلات بوجودآورده بود .

تا کنون کتاب جامع وکاملی که حاکی ازخدمات رضاشاه کبیرباشد وافراد کشور را از اقدامات اساسی فرزند لایق ایران آگاه سازد وجود نداشت واگرهم دربعضی ازموارد بخصوص اطلاعاتی دردسترس همگان قرار میگرفت خالی ازحب وبغض نبود ودرنتیجه منظور نهائی وغائی که همان درک حقیقت تاریخ است میسرنمیگردید .

اینجانب از دیرزمانی مترصد بودم که باجمع آوری مدارک ودلائل کافی کتابی دربارهٔ زندگی اعلیحضرت رضاشاه کبیر برشتهٔ تحریر درآورم ولی از نظر اینکه مردم از آنچه این رادمرد بزرگ کرده است بخوبی مستحضر گردند و خود کتاب هم خالی ازهر گونه حب و بغضی باشدتصمیم گرفتم از نظر نویسندگان خارجی که قطعاً مردمانی بی طرف وبی‌نظرند استفاده کنم و کتابی را که آنان در بارهٔ ایران و پادشاه فقید مانوشته‌اند ترجمه کرده و دردسترس عامه قراردهم زیرا ملت ایران برای ابراز حق

شناسی وقدردانی از خدمتگزاران که یکی از اوصاف و خصائل باستانی اوست لازم است از تفصیل و جزئیات مجاهدات و تلاش رضاشاه کبیر بنیان گذار ایران‌نو بوسیلهٔ کتب و نشریات مختلفی که درآن باره انتشار یافته آگاه گردد مخصوصاً تألیفات خارجیها در مورد پیشوای فقید ماباید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

کتابی‌را که‌اکنون خوانندگان گرامی‌مطالعه خواهند کردترجمهٔ کتابی است بنام ایران نو (Modern Iran) که بقلم آقای ال . پی . الـول ساتن (L. P. Elwell-Sutton) نـویسندهٔ دانشمند و مستشرق معروف انگلیسی نگارش یافته وشامل خلاصه‌ایست از تاریخ صحیح‌وکامل کشور عزیز ما ایران از ابتدای ورود ایلامی‌ها اولین واردین باین سرزمین و از سومین هزارهٔ قبل از میلاد مسیح‌تاسال ۱۹۴۱ میلادی یعنی سال ۱۳۲۰ شمسی‌وهمچنین جزئیات‌وتفصیل‌خدمات گرانبهای اعلیحضرت رضاشاه کبیر به کشور وملت ایران .

نویسندهٔ دموکرات انگلیسی همانطوریکه یك نویسندهٔ آزاد و روشنفکر دور از نظرهای سیاسی وخصوصی مطلبی را عنوان کرده وحقایق را باطلاع مردم میرساند بدون اینکه نکته‌ای را نا گفته بگذارد تـاریخ کشور عزیز ما ایران و همچنین خدمات بی ریـا و صادقانهٔ اعلیحضرت رضا شاه کبیر را جزءِ به جزءِ تشریح کرده و در کمال انصاف و روشن‌بینی آنطوریکه شایستهٔ یك نفر مورخ بی‌طرف خارجی است حق مطلب‌را ادا نموده است .

آقای الول ساتن در مواردی که اشتباهی از طـرف سیاستمداران و زمامداران وقت انگلستان دربارهٔ ایران‌ویادررفتار و کردارانگلیسی‌های

مقیم کشور ما شده است بدون هیچگونه طرفداری در کمال آزادی آن اشتباه وموارد دور ازحزم واحتیاط رامتذکرشده است که خوانندگان گرامی ضمن مطالعهٔ این کتاب بمواردی که گفته شد برخورد کرده وبروح بزرگ این نویسندهٔ دموکرات و آزادیخواه پی خواهند برد .

چون مصیبت جنگ دوم جهانی که دامنگیرعالمیان گردید باعث وسبب شد که اعلیحضرت رضاشاه کبیر از کار کناره گیری کرده وبخارج از کشور برده شوند برای تکمیل کتاب هفت فصل که عبارتست از: مقدمات جنگ دوم جهانی- آغاز جنگ دوم جهانی- حملهٔ آلمان به روسیهٔ شوروی - منشور اتلانتیک - اثرات جنگ روسیه وآلمان واستعفای اعلیحضرت رضا شاه کبیر - حملهٔ ژاپن به ایالات متحدهٔ امریکا - تسلیم آلمان وژاپن از کتاب تاریخ طبیعی و سیاسی بریتانیا ترجمه وتألیف اینجانب که چندسال قبل منتشر گردیده است باین کتاب اضافه شود در واقع کتابی را که مستشرق شهیر انگلیسی نوشته است در فصل چهل وششم پایان می یابد و از فصل چهل وهفتم تا فصل پنجاه وپنجم مطالبی است که قبلا ازمنابع موثق وبیطرف جمع آوری وهفت فصل آن ازانگلیسی بفارسی ترجمه شده ودر کتاب تاریخ طبیعی وسیاسی بریتانیا درج گردیده است که با اضافه کردن دو فصل در چاپ دوم وتوضیحات لازم در پاورقی فصول فوق الذکر برای تکمیل کتاب رضا شاه کبیر یا ایران نو باین کتاب اضافه میگردد .

تهران : هفتم خردادماه ۱۳۳۵

عبدالعظیم صبوری

مقدمهٔ چاپ دوم

بنام خداوند متعال

نظر باینکه همهٔ قوای خود را دراین چند ساله مصروف امور کشور کرده وناتوان شده‌ام حس میکنم که اینك وقت‌آن رسیده است که قوه وبنیهٔ جوانتری بکار کشور که مراقبت دائم‌لازم دارد بپردازد که اسباب سعادت ورفاه ملت‌را فراهم‌آورد بنابراین امور سلطنت‌را بولیعهد وجانشین خودتفویض‌ و ازکار کناره نمودم ازامروز که روزبیست وپنجم شهریور ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری ولشگری ولیعهد وجانشین قانونی مرا باید به سلطنت بشناسند وآنچه ازپیروی مصالح کشور نسبت بمن میکردند نسبت بایشان منظور دارند .

کاخ مرمر . تهران . بیست وپنجم شهریور ۱۳۲۰

رضا شاه

درموقعیتی بسیارحساس یعنی وقتی که کشور عزیزماایران ازشمال وجنوب بوسیلهٔ قوای متفقین اشغال شده بود وحتی بعضی ازشهرستانها را هواپیما های همسایهٔ شمالی مابمباران کرده ویکباره شیرازهٔ کشوری که بیست سال تمام درنهایت امنیت وآسایش بسربرده واهالی آن در اینمدت حتی برای یکبار هم‌دچار ناامنی وآشفته گی نشده بودند رضا شاه کبیر پادشاه مقتدر وفداکار ایران برای حفظ مصالح عالیهٔ کشور بشرح مذکوراز

سلطنت استعفا دادند وپادشاهی کشوری را که درمدت بیست سال سلطنت خود بازحمات شبانه‌روزی آباد ومعمورساخته ودرهمین مدت بگواهی‌دوست ودشمن صدسال بجلوبرده بودند بموجب قانون‌اساسی بولیعهد وجانشین‌خود اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی تفویض کردند .

پادشاه جوان ایران موقعی زمام امور کشور را بدست گرفتند که بواسطهٔ اشغال مملکت ازطرف نیرو های خارجی اوضاع بکلی دگرگون شده ودرهم وبرهم بود وهمسایگان شمالی وجنوبی بواسطهٔ وضع خاص و موقعیت جغرافیائی ایران کشور مارا اشغال کرده وسربازان آنها در نقاط سوق‌الجیشی مملکت مراکز ومواضع دفاعی خودرا مستحکم میکردندو از کشورایران که‌اهالی آن‌درمدت سلطنت رضاشاه کبیردرامنیت‌وآرامش‌کاملی بسربرده وباسربلندی میزیستند جز تهران وهیئت دولت باقی‌نمانده بود .

پادشاه دموکرات ایران که دراولین روز سلطنت خود با این همه درهم ریختگی وازهم گسیختگی هامواجه بودند برای نجات کشور قیام کردند ودرهمان روز اول که برای‌ادای سوگند بمجلس شورای ملی‌رفتند اهالی وطنپرست و شاهدوست تهران درمسیر شاهنشاه اجتماع کرده وفقط چشم امیدشان بشاه‌جوان که مظهر استقلال وحاکمیت کشورند دوخته‌شده وبقدری ابراز احساسات کردند که وصف ناکردنی است‌وحتی بااتوموبیل پادشاه درخیابانها براه‌افتاده وعده‌ای ازجوانان اطراف اتوموبیل را احاطه کرده بودند وبااین اسکورت که ازملت تشکیل شده‌بود شاهنشاه بمجلس شورای ملی تشریف فرما شده وپس ازادای سوگند بهمان ترتیب بکاخ اختصاصی مراجعت کردند .

آشفته‌گی ودرهم ریختگی اوضاع‌آنروز ومصائب ومشکلاتی که جنگ دوم جهانی برای‌ملت نجیب ایران بوجودآورده بود مسئولیت ادارهٔ

امور کشوررا بسیار مشکل و گران ساخته وپادشاه‌جوان بافعالیت‌خستگی ناپذیری بانجام وظایف دشوار وطاقت فرسای‌خود مشغول گشتند ودروهلهٔ اول بادولتهای قوی وزورمند که کشور مارا اشغال کرده بودند پیمان اتحاد منعقدوپس ازچندی کشور ایران که بگواهی جهانیان پل پیروزی متفقین بود تحت راهنمائی پیشوای خود بدول محور اعلان جنگ داد ورسماً جزءِ کشورهای‌متفق‌درآمدوچندسال‌بعدآلمان‌نازی ودولی که‌باآن کشورهمکاری داشتندوبنام‌دول‌محورخوانده میشدندازپای درآمدند ومتفقین که‌خوشبختانه کشورایران هم جزءِ آنهاست درجنگ دوم جهانی پیروز گشتند .

چون پیمان اتحاد سه گانه واعلامیهٔ سران سه دولت معظم درتاریخ ایران اثری بسیار عمیق داشته است برای‌آنکه خوانندگـان ارجمند از چگونگی انعقاد پیمان وصدور اعلامیهٔ سران‌دول بزرگ وهمچنین اعلان جنگ دولت‌ایران به‌دول محورآگاه کردند وبه ارزش‌این خدمت بزرگ که مسیرتاریخ کشورما را تغییرداد بخوبی پی ببرند درفصول پنجاه و دوم وپنجاه وسوم این کتاب توضیحات‌کافی داده شده واین‌دوفصل درچـاپ دوم به کتاب رضاشاه کبیر یاایران نواضافه گردیده است .

مجاهدات اعلیحضرت همایونی برای‌حفظ تمـامیت ارضی واستقلال و حـاکمیت ایران بر همه روشن است و صفحـات درخشانی از سلطنت معظم‌له را تشکیل میدهد وبدون تردید هنوز مردم ایران و جهان وقایع دلخراش وخونین‌آذربایجان که استقلال‌وتمامیت این کشور کهنسال را درمخـاطره انداخته بود فراموش‌نکرده‌اند وبخوبی میدانند که روشن‌بینی‌وحسن تدبیر ومراقبتهای دائمی شاهنشاه که تماماً از حس وطن‌دوستی ومیهن پرستی‌شدیدایشان سرچشمه میگیرد باعث‌نجات‌آذربایجان گردید.

گشایش مجلس سنا، ایجاد سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و

بنگاههای خیریهٔ بنیاد پهلوی، تقویت و تجهیز ارتش و نیروهای انتظامی کشور، تقسیم املاك پهلوی بین زارعین و کشاورزان، ایجاد فرودگاهها در نقاط مختلف کشور ومخصوصاً فرودگاه عظیم و مجهز تهران، لوله کشی آب تهران، اتصال راه آهن سرتاسری ایران به مشهد مقدس، تبریز، کاشان، احداث راههای شوسه، ملی شدن صنعت نفت، ساختن سدهای متعددی در نقاط مختلف و مراکز حاصلخیز کشور، بسط و تعمیم فرهنگ، مبارزه با بیسوادی، مبارزه با کشت و استعمال تریاك، ایجاد دبستان و دبیرستانهای دولتی، تصویب و اجرای قانون تعلیمات اجباری وهمچنین انعقاد قرارداد هائی برای استخراج نفت با شرکتهای بزرگ خارجی که در بعضی ازاین قراردادها سهم ایران به هفتاد وپنج درصد میرسد، تحکیم وتثبیت سیاست داخلی وخارجی کشور ازجمله اقداماتی است که درزمان سلطنت اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی در کشور عزیزما ایران صورت گرفته است که جزئیات آنرا درخلال فصول پنجاه وپنجگانهٔ این کتاب مطالعه خواهند کرد.

روابط دولت اعلیحضرت پادشاه ایران با کشور های خارجی همواره برپایهٔ دوستی واحترام متقابل استوار است و کشور ایران باستناد منشور ملل متحد به پیمان بغداد ملحق شده وپیمان تدافعی دیگری هم با ایالات متحدهٔ امریکا منعقد نموده است.

پادشاه دموکرات ایران که به پشتیبانی ملت بیدار وشاهدوست خود متکی هستند خواسته های ملت را برآورده میسازند ودرطول مدت سلطنت خود بارها به ثبوت رسانده اند که درراه سربلندی وعظمت ایران ازهیچگونه سعی و کوششی دریغ ندارند.

تهران . پانزدهم اسفند ماه ۱۳۳۷ شمسی

عبدالعظیم صبوری

مقدمهٔ نویسندهٔ کتاب

وقایعی که در عرض چند ماه گذشته در کشور ایران روی داد باعث و سبب شد که کشور مذکور بیش از پیش درجهان مشهور ومعروف شودو نظرجهانیان را یکباره بسوی خودجلب نماید .

در حال حاضر حوادث ووقایع سیاسی کشورهابقدری زودتغییرمییابد که مجال چاپ وانتشارآن دست نمیدهد واغلب دیده شده است از وقتیکه تاریخ کشوری را برای چاپ آماده میسازند تا موقعیکه بصورت کتاب درآیدتغییرات زیادی پیدا میکند وباین جهت‌است که‌مورخین نامی‌ومشهور جهان هم دربارهٔ اوضاع سیاسی کشور ها نمیتوانندنظرقطعی خودرا ابراز دارند وبطور قطع ویقین میتوان گفت تاریخ‌نویسان معاصرهم از اظهارنظر قطعی وصریح دربارهٔ وضعیت کنونی ممالك عالم عاجزو ناتوانند .

در فصل آخر این کتاب اوضاع سیاسی‌وسوق‌الجیشی کشور کهنسال ایران بطوریکه باید وشاید بیان‌شده و مراحلی را که این کشور بایدبرای نیل بمقاصد خود درراه پیشرفت اوضاع داخلی واصلاحات ضروری بپیماید جزءِ به جزءِ تعیین وتصریح گردیده است ودرعین حال دو عامل بسیارمؤثر وشایان توجه در مطالعهٔ دقیق تاریخ مفصل ایران جلب نظر میکند که مطلعین در اموراز آن دوعامل بخوبی اطلاع دارند و دراینجا برای استحضار

خوانندگان گرامی توضیح میدهیم که اساس و بنیان کشور ایران همواره بردو اصل مسلم استوار بوده‌است .

در وهلهٔ اول قدرت استقامت شگفت انگیز این ملت جاویدان در مقابل تهاجم و حملات پی در پی‌ایست که ازناحیهٔ بسیاری ازملل‌متجاسر بعمل‌آمده ولی ملت مذکور تمام این ناملایمات وحملات ناجوانمردانه‌را با نهایت‌شهامت‌وبردباری تحمل کرده و باوجود تمام‌این مصائب‌ومشکلات هنوزهم در شمار ملل زندهٔ‌دنیا محسوب میگردد .

دوم آنکه کشور وملت ایران ازابتدای تاریخ چندهزار سالهٔ‌خود تاکنون از تمامی خصومت‌ها و دشمنی‌هائی که از طرف دول مهاجم‌واشغال کننده نسبت باوشده است منتهای استفاده را نموده بدین معنی که عقاید و افکار پسندیدهٔ مهاجمین واشغال کنندگان را پذیرفته و پس ازمدتی آنرا بصورت بهتری درآورده است بدون آنکه در ارکان واساس ملیت وتمدن باستانی‌آن کوچکترین خللی راه یابد .

موضوع قابل توجه دیگری که باید در نظر گرفته شود علاوه بردو عامل بسیار مؤثر اشاره شده در فوق موقعیت مهم جغرافیائی کشور ایران است زیرا این مملکت در بین شرق و غرب واقع شده وبرای دول اروپا اهمیت حیاتی‌دارد بدین معنی که از یکطرف باکشور هندوستان وخاور دور مربوط است و ازطرف دیگر بممالك اروپائی میپیوندد و ازاین راه با اروپائیان و نسل سام بن‌نوح مانند اعراب و یهودمربوط میگردد که‌ملل اخیرالذکر بنابر خصایص ذاتی‌خود مردمانی ناراحت وتجاوزکارندوهمیشه سعی دارند که کشورهای همسایه را تحت تسلط خود درآورند وآنان را مطیع خویش سازند و با اینکه خواهی نخواهی کشور ایران از نظر

موقعیت جغرافیائی با این ملل متجاوز نزدیك است و بـا تمام آنها روابط نزدیك دارد معهذا باتمام کوششهائی که بکار رفته است خللی دراستقلال و حاکمیت این کشور کهنسال راه نیافته‌است .

بدون شك فرهنگ وتربیت ملی‌ایرانیان بمراتب قوی‌ترازشم‌سیاسی آنان بوده و همین حس غرور ملی است که ایران را بـرای ابد پایدار و مستقل نگاهداشته است .

از سال ۱۹۳۵ نام ایران درکشورهای زندهٔ دنیا ورد زبانها شده ونظرجهانیان را بسوی خود جلب کرده است زیرا دراثر اقـدامات اساسی در داخلهٔ مملکت و در کشورهای خارجی ملل جهان فهمیدند کشوری را که قبلا بغلط پارس میگفتند ایران نام دارد و کشور کهنسـالی است که با تمام مصائب ومشکلاتی که اوضاع طبیعی وجغرافیائی باعث شده‌دول مهاجم برایش فراهم آورند استقلال وحاکمیت خودرامحفوظ داشته و در شمار ملل زندهٔ دنیاست .

در این کتاب سعی شده است موفقیت هائی که نصیب کشور ایران شده واقدامات‌اساسی که برای بهبودوضع‌سیاسی واجتماعی‌آن بعمل‌آمده باطلاع علاقمندان برسد ونیزخوانندگان گرامی‌مقامی راکه این کشوراز نظراوضاع سوق‌الجیشی دردنیادارد دریابند وایران‌وایرانی‌رابهتر بشناسد .

دربارهٔ‌ایران‌قبلا کتابهائی‌نوشته‌شده‌است‌امااین کتاب‌باآنچه‌دیگران نوشته‌اند فرق بسیاری دارد زیرا اوضاع عمومی وسیاسی ایران مانند سایر ممالك جهـان بکلی عوض شده وموفقیت هائی نصیب ایرانیان گردیده‌است که باید به‌اطلاع علاقه‌مندان برسد .

خوانندگان گرامی بـایدآگاه باشند که مراحل تکامل زندگی

اجتماعی و بسط فرهنگ وعمران و آبادانی کشور ایران اززمان سلطنت رضاشاه شروع‌شد وتمام موفقیت هائی که نصیب ملت ایران‌شده است نتیجهٔ زحمات وتدابیر عاقلانهٔ اوست .

دراین کتاب سعی شده است تصورات باطل بعضی ازملل جهان که هنوز کشور کهنسال ایران را پارس سابق می‌شناسند برطرف شود ونیز باید این موضوع برای جهانیان روشن‌شود وملت های‌عالم بدانند که ایران‌نوین مقام بسیارمهمی رادربین‌ملل‌آزاد جهان داراست که چه درزمان جنگ‌وچه بعدازشکست ومتلاشی شدن نازیسم همواره این مقام مهم رادارا‌خواهد بود.

من این موضوع را برای افراد تحصیل کرده که تا کنون ایران را بخوبی نمی‌شناختند ذکر کرده‌ام والا یقین دارم که متخصصین امورخاور نزدیك خود باین امرواقف وواردند .

اطلاعات من‌دربارهٔ ایران وحقایقی‌را که دراین کتاب مطالعه‌خواهند کرد ازمنابع‌موثقی جمع‌آوری شده والبته این اطلاعات ازمنابع انگلیسی نیست بلکه سه سال تمام من در کشور ایران ودربین مردم این سرزمین زندگی کرده‌ام تاتوانسته‌ام‌چنین اطلاعات پرارزشی‌را بدست‌آورم ودرواقع کتابی را که دردسترس علاقمندان قرار داده‌ام نتیجهٔ اقامت سه سالهٔ من‌در کشور ایران است .

درپایان متذکرمیشوم که این کتاب باتشریك مساعی‌خانم من‌نوشته وچاپ شده‌است ومشارالیها باوجود گرفتاریهای زیاد درحاضر کردن‌نسخه‌های خطی برای چاپخانه کوشش‌زیادی کرده است ومن وظیفهٔ خود میدانم که بمناسبت همکاری صمیمانه‌اش تشکر کنم .

کینگهام ـ سپتامبر ۱۹۴۱

یادداشت چاپ دوم

موقعی که من این سطور را برای چاپ دوم کتاب مینویسم وقایع قابل توجه وتغییرات مهمی در کشور ایران روی داده است .

فرمانروای مقتدر ایران ازکار کناره گیری کرده وایرانیان ازاین‌پس باید با رژیم دموکراتیك و قدرت قوانین موجوده در آن کشور اداره شوند . ولی‌آنهائی که تصور میکنند تغییرات کنونی اثر عمیقی در اوضاع عمومی کشور مذکور باقی خواهد گذارد باید باین نکته توجه داشته‌باشند که مراقبت‌های دائمی وبیداری ملت ایران همواره تمدن خودرا از گزند حوادث گوناگون که بکرات دراین سرزمین بوقوع پیوسته مصون داشته است وهر گونه تهاجمی که ازطرف دول خارجی واشغالگر به ایران شده باستقامت ملت ایران وتقویت‌آن در مقابل حملات بیگانگان کمك کرده است .

بطوریکه ازروحیهٔ ملت ایران بخوبی استنباط میشود رژیم سلطنت رضا شاه برای‌آن ملت بسیار خوب وسودمند بوده است واینگونه حکومت موافق میل و کمال مطلوب ایرانیان میباشد .

هرچند بعضی ازسیاستمداران مرتجع از کناره گیری پادشاه ایران

خوشحال گشتند اما این موضوع را نباید بحساب ملت آن کشور گذارد زیرا اکثریت مردم از رفتن چنین پادشاهی متأسف شدند و بطور قطع خدمات رضا شاه مورد تحسین وتقدیر مردم بوده ودر واقع باید گفت ممکن نیست ملت ایران اقدامات اساسی پادشاه خود را نادیده انگارد .

خطر بسیار مهمی که خیلی سریع وفوری درایران پیش آمد این بود که دولت مقتدر مرکزی یکباره ازکار افتاد ودر نتیجه اموردداخلی وارکان اساسی مملکت درهم ریخته شده ومتلاشی گردید ونباید فراموش کرد که این آشفتگی قابل ملاحظه درامور داخلی ایران از آن جهت است که دولتین انگلستان وروسیه دفعتاً کشور ایران را اشغال کردند وهمین اشغال فوری باعث شد که دولت مقتدر قبلی ازبین برود وامور داخلی وخارجی این کشور مختل گردد .

پس از آنکه قشون دو کشور مزبور به ایران وارد شدند چیزی نگذشت که دولت ایران اصلاحات لازمه را برای ترمیم اوضاع عمومی بعمل آورد وپس ازمدت بسیار قلیلی این سرزمین وضع قبلی خودرا بازیافت وحکومت مرکزی براوضاع تسلط یافت وآنهمه ازهم گسیختگی ها از بین رفت . اما باید دانست که کشور های بریتانیا وروسیهٔ شوروی درقبال اشغال ایران مسئولیت سنگینی برعهده دارند واگر خدای نا کرده این دو دولت هم شکست بخورند نتیجه بس ناگوار وغیرقابل جبران خواهد بود .

همانطوریکه در فصل آخر این کتاب پیشنهاد شده است ما میتوانیم ایران را به بهترین وجهی کمك کنیم تا آنکه قادر باشد اصلاحات اساسی را درامور داخلی خود بعمل آورد و خرابی‌های حاصله ازاشغال کشور را مرمت نموده واوضاع عمومی ملت را بهبودی بخشد .

ما دراولین فرصت درقبال خساراتی که بااشغال ایران به‌آن کشور وارد ساخته‌ایم غرامت عادلانه‌ای پرداخت خواهیم کرد وازطرف دیگر هم باین کشور کمك های مالی خواهیم نمود.

حوادثی که ازماه اوت گذشته تا کنون درایران روی داده است‌قابل توجه بوده وبااینکه موانع ومشکلات فراوانی درکار بود معهذا تاجائی که امکان داشت وقایع سیاسی وقابل ملاحظه‌را ذکر کرده‌ام ولی بهرصورت‌این کتاب حاکی از خدمات مردی است که باوجود اشتباهاتی چند اثری فنا ناپذیر درتاریخ کشور خود باقی گذارد و باید نام رضا شاه در شمار فرمانروایان بزرگ تاریخ جاویدان ثبت گردد.

ال. پی. الول ساتن



فصل اول

کشور ایران

آنهائیکه ازاروپا بقصد ایران مسافرت میکنند ازچند سومیتوانند بکشور مذکور بیایند .

هرگاه مسافری باترن مسافرت کند باید درموصل پیاده شود واز راه معروف گردنهٔ رواندوز (Rowanduz Gorge) بشهر تبریز وارد گردد و یا ممکن است ازهمان موصل به بغداد پایتخت کشور عراق برود واز آنجا با اتوموبیل به کرمانشاه که یکی از استانهای ایران است وارد شود .

دوراه دیگر هم برای ورود بـه ایران موجود است که اولی ازراه کشور ترکیه یعنی از طرابوزان بـه تبریز و دیگری ازکشور عراق مستقیماً باترن به بصره میروند ازشط العرب عبور میکنند وبه بندر خرمشهر وارد میگردند .

هریك ازاین راهها را برای مسافرت بکشور ایران انتخاب کنند باید ازکوههای عظیم که مانند نرده های آهنین این کشور رااحاطه کرده اند عبور کرده وبداخل مملکت بروند .

مهمترین کوههای مرزی ایران سلسله جبال زاگراس (Zagros) است که ازقفقازشروع شده وازمرزترکیه میگذردوپس ازعبور از کنارخلیج فارس بسرحد وصحاری لم‌یزرع بلوچستان منتهی میگردد.

در انتهـای شمالغربی ایران هم کوههائی وجود دارند که طول قلهٔ آنهابه ۱۲۰۰۰ تـا ۱۳۰۰۰ پامیرسد و این کوههـای مرتفع هم دریاچهٔ معروف رضائیه را که مساحت آن به ۱۷۰۰ تا ۲۳۰۰ میل مربع در فصول مختلف سال بـالغ میگـردد و بزرگترین دریـاچهٔ نمك محسوب میشود احاطه کرده‌اند.

این دریاچه ازهرحیث قابل توجه است ودر مواقعیکه باران میبارد آب باران دردریاچه جمع میشود وبطورمحسوسی افزایش مییابد بطوریکه میتوان گفت هرساله ۲۰ اینچ آب دریـاچهٔ رضائیه بالا میآید ازسال پیش زیادترمیشود.

باید دانست که رضائیه یکی ازنقاط معمور وحاصلخیز ایران است محصول آن عبارتست از: ابریشم، پنبه، توتون، برنج، غله ونیز انـواع میوه‌ها ازقبیل: خربوزه، هندوانه، انگور وسایرمیوه‌های فصلی دررضائیه بحد وفور وجود دارد وازهمه بالاتر ثروت زیرزمینی آن را باید ذکر کرد که عبارت است ازمعادن: طلا، سرب، مس، آهن ونفت.

ناگفته نماند که نفت رضائیه تاکنون استخراج نشده‌واز آن‌بهره‌برداری نمیکنند.

تبریـز یکی‌از شهرهـای‌بزرگ وآبـاد ایران است که در حدود ۲۵۰۰۰۰ نفرسکنه دارد ودومین شهر معمور این حدود همان شهررضائیه است که ساکنین آن ۵۰۰۰۰ نفرند. این دو شهر در حدود پنجهزار پا

ازسطح دریا ارتفاع دارند ودرنتیجه‌آب وهوای نواحی مزبور ملایم ومعتدل است . درفصل تابستان هوای آن حدود بسیار خوب ونشاط آوراست ودر فصل زمستان هم هوا ازسایر نـواحی ایران سردتر میشود . و بهمین جهت ساکنین کوهپایه‌های این مناطق حاصلخیز باید لباسهای ضخیم بپوشند و خودشان را از سرما حفظ کنند که پوشیدن اینگونه لباسها برای ساکنین سایر نقاط کشور ایران لازم نبوده ودربین آنان معمول نیست وفقط آنهائی که درسواحل بحرخزر سکونت دارند بـاید درفصول معین لباسهـای کلفتی بپوشند .

کردستان که‌درزمان‌قدیم کردستان‌جنوبی‌ایران‌وقسمتی‌از آذربایجان محسوب میشد محل سکونت قبایل سر کش ومتمرد کرد است که ساکنین آن قبلا ازاجرای اوامرحکومت مرکزی سربازمیزدند و اکرادی که در کشورهای عراق و ترکیه زندگی میکنند از اقـوام و منسوبین کردهای ایران هستند که درایام قدیم ازایران مهاجرت کرده وبرای ادامهٔ حیات به کشورهای مذکور رفته‌اند .

کردهای ساکنین نواحی نامبرده با اعمال وکردار خود اضطرابی دائمی برای دولت ایران بوجود آورده‌اند زیرا آنهـا هم مانند اکراد و کوه‌نشینهای سایر کشورهای جهان خود راآزاد میدانند ودر این راه هم خیلی متعصب هستند اما بهرصورت دولت اقدامات اساسی‌دراین باب بعمل آورده و میتوان گفت که اکنون در نقاط کردنشین ایران امنیت کاملی برقرار است و اکراد هم درنظردولت مانند سایر هموطنان خود هستند .

کردهـای ایران زبـان مخصوصی دارند و همگی به‌آن زبان تکلم میکنند ودقت درصحبت‌های آنان ثابت میکند که این لهجه اززبان فارسی

گرفته شده و دراثر طول زمان باین صورت درآمده است.

درجنوب کشور ایران بجای نشیب وفرازهای سبز و خرمی که در آذربایجان و کردستان وجود دارد کوههای خشك و بی آب وعلف وناهمواری می‌بینیم که درعین حال مناظری بس زیبا وتماشائی دارند.

معمولا رنگ کوههای این نواحی خاکستری است. درهمان نگاه اول کوههای عظیم خاکستری رنگ که بیننده تصورمیکند ازیك پارچه سنگ هستند جلب نظرمیکند که بفواصل مختلف از یکدیگر قراردارند وچون تعداد این کوهها زیاد است تقریباً تودهٔ سنگ‌های بسیارعظیمی را تشکیل‌داده‌اند که در اثر مرور زمان طبیعت فواصلی در بین آنها ایجاد کرده باشد، این کوهها زیاد هم بلند نیستند وتقریباً بلند ترین کوه این نواحی بین ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ پا ازسطح دریا ارتفاع دارد.

در همین فلات پهناور شهرهای مهم وآبادی وجود دارند که یکی ازآنها همدان است که شهر ییلاقی محسوب میشود ودرفصل تابستان هوای بسیارمطبوع ونشاط‌آوری دارد واهالی شهرهای مجاوربرای گذراندن ایام تابستان به‌همدان میروند.

کرمانشاه هم‌شهر بزرگ و معموری‌است که بواسطهٔ نفت زیادی که دارد در آنجا مرکز تصفیه و پخش نفت احداث کرده‌اند. شهر دیگری هم درنقاط کوهستانی مورد بحث ماوجود دارد که‌آنرا بروجردمیگویند.

درفواصل بین شهرهمدان ـ کرمانشاه وبروجرد بنا باقتضای‌آب و هوای آن مناطق درزمستان دراثربرف وباران وسیل هائی که اغلب جاری میشود راههای شوسه خراب شده و برای صاحبان وسایل نقلیه تولید زحمت میکنند.

از طرف غرب مناطق کوهستانی با نشیب وفراز زیادی به صحاری مسطح کشورعراق منتهی میشود ویکی ازمرزهای مشترك کشورهای ایران وعراق همین منطقه است .

این سرحد ازهردو طرف خیلی مهم و قابل توجه است زیرا ازیك طرف در خاك کشور ایران نفت باندازهٔ کافی وجود دارد و ازتصفیه خانهٔ کرمانشاه بتمام نقاط شمالی کشور حمل میگردد واز طرف دیگر همین راه از کشور عراق هم که دارای معادن نفت است میگذرد وبه بندر حیفا که درفلسطین قرار دارد وبه بندرنفت معروف است منتهی میگردد .

پس ازآنکه ازدرهٔ رودخانهٔ آب دیز گذشتیم (این رودخانه به‌کارون میریزد وپس‌ازآن بادجله وفرات یکی‌شده به‌خلیج فارس میرود) رود فرات وچند رودخانهٔ دیگر که از کشور عراق سرچشمه میگیرند به خلیج فارس میریزند . این خلیج معروفیت جهانی دارد واغلب ازجهانیان آنجا رابخوبی میشناسند .

کوه زرد لرستان که غالباً از یخ پوشیده است از کوههای عظیم ایران محسوب میشود ودربعضی از نقاط ارتفاع قلل آن به چهارده هزارپا میرسد ودرسرتاسر لرستان قبایل و طوایف مختلف لرزندگی میکنند که سعی دارند زندگی آزاد ومستقل خود رامحفوظ بدارند .

سعی و کوشش فراوانی بکاررفت تا در سرتاسر خطوط مرزی کشور ایران جادهٔ شوسه‌ایجاد گردد ومرز نشینان باهم مربوط شوند اما ازاین اقدام نتیجه‌ای حاصل نشد .

دورنمای‌قلل کوه‌زردلرستان و کوههای متصل‌بآن‌مخصوصاً بریدگی‌های‌آن درجائی که مضرس است بقدری زیباست که بیننده را مجذوب و

متحیر میسازد زیرا هر گونه منظره ای که درطبیعت وجود دارد بحدا کمل دراین مناطق کوهستانی دیده‌میشود وبقدری این مناظر بانظم وترتیب‌کامل درجلوی چشم بیننده خود نمائی میکند که اثری جاویدان درمغز وفکر اوباقی میگذارد وتعجب دراینجاست که برف وباران وسایر عوامل طبیعی هم نتوانسته است کوچکترین اثری دراین مناظر زیبا وفراموش نشدنی باقی گذارد.

این کوهها که ازصخره های عظیم تشکیل یافته‌اند ازطرف شمال‌با رنگهای سفید وخاکستری شروع میشوند ودرقسمت جنوبی که بکوههای گچ وسنگ خارا میرسد به رنگهای قرمز وزرد مبدل میگردند.

آنچه دراین کوهستان جلب نظر میکند وبهیچوجه تغییر نمی‌یابد وتاکنون هم سیاحان بدان توجه نکرده‌اند این است که کوههای لرستان درفصل تابستان که باران نمیبارد رنگ دائمی خودرا ازدست میدهند زیرا دراثر تابش‌آفتاب صخره های رنگارنگ داغ میشوند رنگ‌آنها هم‌موقتاً ازبین‌میرود امااولین بارانی که درماه نوامبر (آبان‌وآذر) میبارد روپوش‌نازک وسبز رنگی ازانواع گیاهها وعلفهای نورس روی‌آنها کشیده میشود ودر فصل بهار نیز به علفهای بلند وانواع گلها مبدل میگردد.

درماه‌آوریل (اردیبهشت) علفها و گلهای این مناطق رو بـه خشکی میگذارندودرپایان ماه‌مه(خرداد)صخره‌ها رنگهای‌اصلی‌خودرا بازمی‌یابند.

درماه‌ژوئن (تیر) تابش خورشیدونبودن باران‌باعث میشود که‌حرارت این کوهستان بحدا کثر برسد وبرای‌عابرین ازآنحدود تولیدزحمت میکند وباوجود تمام اینها زندگی دراین سامان درتمام فصول سال بآسانی میسر است. دراین‌مناطق حیواناتی‌مانند گوزن، گرگ ، شغال، کفتار و به ندرت

خرس وپلنگ یافت میشود اما وجود این‌حیوانات باعث زحمت گله‌داران آنحدود نیست.

درمیان ایلات وعشایر ایران دوتیرهٔ بزرگ لر وبختیاری از نظر زیبائی طبیعی جالب‌توجه هستند. زندگی‌آزاد واستقلال طلبی‌آنان که‌توأم با زحمات ومشقات زیادی است باعث شده است که به‌زندگانی‌تجملی‌شهر-نشین‌ها بادیدهٔ حقارت بنگرند وبرای معاش وامور عادی‌خود اهمیتی قائل نباشند اما روی‌همرفته مردمان وافراداین دوتیره دارای احساسات واخلاق پسندیده‌ای هستند که بمحض برخورد با آنان بیننده باین موضوع پی میبرد و از روحیهٔ مستحسن لرها و بختیاری‌ها بخوبی آگاه میگردد.

درسنوات پیشین این دوتیرهٔ بزرگ بنابااقتضای فصل بنقاط مختلف نواحی لرستان کوچ میکردند وبرای‌مسافرین ورهگذران آنحدود مخاطرهٔ بزرگی بشمار میآمدند ولی‌پس ازاستقرار رژیم کنونی واقدامات حکومت مقتدر فعلی‌آن ناامنی‌ها و تجاوزات ازسرتاسر خاك کشورایران رخت بر-بست وتمام ایلات وعشایر را درنقاط معینی جای دادند وبه‌آنان فهماندند که باید باکشت وزرع زمین‌های حاصلخیز کشور خود زندگی‌آرام و سعادتمندانه‌ای داشته باشند وازغارت وچپاول اموال هموطنان خودشان برای ابدچشم بپوشند (۱).

---

۱ - برای استقرار امنیت و برطرف ساختن خطراتی که ایلات و عشایر ایران ایجادکرده بودند برحسب امر اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر قانون اسکان عشایر بتصویب رسید وپس ازآن قوانینی بشرح ذیل برای تکمیل قانون اسکان تصویب شدکه عیناً درج میگردد: مادهٔواحده-بوزارت مالیه‌اجازه داده میشودقلاع وابنیه و ساختمان‌هائی که دولت برای تخت قاپونمودن الواردرلرستان ساخته‌وتهیه‌نموده هرطورمقتضی بداند←

لرها وبختیاری‌ها بالهجهٔ مخصوصی صحبت میکنند که خالی ازلطف وملاحت نبوده وبرای زبان شناسان بسیار جالب توجه است ولی تا کنون دراین باره مطالعات لازمه بعمل نیامده وطرزسخن گفتن دو طایفهٔ مذکور آنطوری که باید وشاید مورد بررسی واقع نشده است .

درجنوب ایران چند طایفهٔ کوه نشین اقامت دارند که درفصل تابستان و زمستان بنقاط ییلاقی و قشلاقی کوچ میکنند . چنانکه میدانیم ترك ها درقرون وسطی به‌آسیای صغیرحمله کردند واین کوه نشینان ترك از همان تاریخ درایران باقی ماندند .

بقیه از صفحهٔ ۴۲

اعم ازفروش یاغیرآن به‌خود آنها بطور ملکیت واگذار نماید . (مصوب سی‌ام خرداد ۱۳۱۰).

مادهٔ واحده ـ وزارت مالیه مجازاست بهرفردی ازطوایف الوار که چادرنشینی‌را ترك کند وده‌نشین گردد ازخالصجات واقعه درلرستان حصه‌ای که بقدر کفاف معاش اووخانواده‌اش باشدمجاناً واگذار نماید. (مصوب۲۸ مهرماه ۱۳۱۱) ماده ۱۳ متمم قانون بودجه سال ۱۳۱۱ ـ وزارت مالیه مجاز است مازاد اعتبارات ـ ۱۳۱۰ عمران، لرستان ، کردستان، خوزستان، وبلوچستان و کوچانیدن وتخت قاپو کردن‌طوایف‌را براعتبارعمران مصوب سال۱۳۱۱ علاوه نماید . بودجهٔ جزء اعتبار ۱۳۱۱ عمران واصلاح بودجه که‌درظرف سال‌ممکن‌است‌لازم‌شود به تصویب‌هیئت وزراء برسد .(مترجم)

فصل دوم

دشت خوزستان و بلوچستان

قبل ازآنکه بطرف خاور برویم باید بیك تکه زمین مثلث شکل نظری بیاندازیم . ایـن زمین سه گوش را قلل کوههای مرزعراق و خلیج فارس قطع کرده است . این دشت مسطح که درنزدیکی خلیج فارس ارتفاع آن ازیك یا هم کمتر میباشد ازنظر زمین شناسی تقریباً متعلق بدورهٔ تازه است وبه‌حکایت تاریخ کرانه‌های دریا از۵۰تا۱۰۰ میل‌دورتر بطرف شمال میرفته است وبااین ترتیب وضع امروز در نتیجهٔ تشکیل سطح زمین پیدا شده است . در هر صورت پس از پیمودن یك رشته کوههای متوازی که تدریجاً ارتفاع‌آنها کمترمیشود به دشت های مسطحی میرسیم که پس از پیمودن مسافتی چند میلی ارتفاع دوهزار پایك مرتبه به ۱۵۰۰ پا میرسد وازاین نقطه ببعد افق بازدرپیش چشم بیننده بخوبی هویداست .

این زمین هموار ومسطح همان دشتی است که ازرود بزرگ کارون یگانه رود قابل کشتیرانی ایران مشروب میگردد . آهو وپرندگانی که صیادان‌آنهارا شکار میکنند دراین دشت زیادند. اینجا که کوههای بختیاری هم جزءآن بود زمانی مرکز امپراطوری ایران بشمارمیرفت . خرابه‌های

کاخ‌ها و آثار سدهای شکسته بخوبی میرساند که این ناحیه روزی بسیار آباد و معمور بوده است ولی افسوس غفلت و اهمال درنگاهداری آن ، این آثارمهم را بسرعت عجیبی بکلی ازبین برد و آنجا رابه‌صحرای خراب و بی فایده‌ای مبدل ساخت .

ساکنین خوزستان بیشترعرب هستند وازنظرجغرافیائی اراضی این ناحیه به‌عراق عرب و سوریه وصل میگردد . تمام اهالی آن نقاط دچار فقروفاقه هستند وخانه های محل سکونت آنان از کلبه‌های گلی تاریك تشکیل یافته است وزندگی پرمشقتی رامیگذرانند. این مردمان تنگدست زمین‌های اطراف کلبه‌های خود را کشت وزرع میکنند وازاین راه محصولی که شبیه گندم وجواست بدست میآورند .

در آغاز این قرن پیدایش نفت در کوههای خوزستان و تأسیس پالایشگاه‌عظیم آبادان‌درنزدیکی خلیج‌فارس باعث وسبب شد که تااندازه‌ای خوزستان‌اهمیت پیشین خود رابازیابد وهمچنین رسیدن راه‌آهن سرتاسری ایران به‌اهوازآنجا رابیك مرکزمهم تجارتی مبدل ساخت اماباوجود تمام اینها اراضی حاصلخیز این ناحیه در اثر کم‌آبی مشروب نمیشود وازآنهمه دشت های وسیع بهره برداری نمیکنند . و همینکه باران میبارد راههای فعلی که نمیتوان آنها را جادهٔ شوسه تلقی کرد به باطلاق های متعددی مبدل میشوند .

قهرطبیعی دیگری که ساکنین خوزستان باآن مواجه هستند این است که درفصل بهاردراثر آب شدن برف کوههای اطراف رود عظیم کارون طغیان میکند وخسارات جانی ومالی وارد میسازد .

هوای خوزستان بسیار گرم و ناسازگار است بطوریکه در فصل

تابستان گرما درسایه به ۱۲۰ درجه میرسد وهمینکه این گرمای طاقت فرسا باوزش بادهای گرم ومرطوب خلیج فارس توأم میشود زندگانی را درآن نواحی حتی برای بومیان عرب که همیشه درهمان نقاط اقامت دارند دشوار میسازد.

متأسفانه تاکنون باین قسمت عظیم ومهم کشور ایران کمتر توجه میشد ولی درحال حاضر امید میرود که وجودمعادن نفت واحداث بندرشاهپور خوزستان را دوباره موردتوجه خاص دولت ایران قراردهد.

صحرای وسیع خوزستان هرقدر که بطرف خلیج فارس میرودباریکتر میشود اما از طرف دیگر به کوههائی میرسد که ارتفاع آنها ۱۲ تا ۱۳ هزار پاست.

آب وهوای کرانهٔ خلیج مرطوب ولزج است ودرفصل تابستان که هوا گرم میشود هوای کرانه ناسازگار ومالاریائی میگردد. این نواحی‌در نزدیکی خط استوار قراردارد وازاینرو محصولات عمدهٔ آن خرما، مروارید، نی‌شکر وشیرهٔ تریاك است.

درقسمت جنوبی ایران جمعیت نسبتاً کم است ولی در کنار رودخانه‌ها و دره های حاصلخیز همین نواحی جمعیت زیادی سکونت دارند. شهر - های مهم جنوب یکی شیراز ودیگری بندر بوشهر است اما اخیراً دولت ایران باین بندر توجه چندانی ندارد. شیراز وبندر بوشهرباجادهٔ‌شوسه‌ای بداخل ایران وصل میگردند وازطریق درهٔ‌آب دیزهم راهی بداخلهٔ کشور ایران میآید.

جنوب شرقی کشور ایران ازاراضی بایر وبی‌آب وعلف تشکیل‌یافته وصحراهای وسیع آن حدود غیرمسکون افتاده است. تنها سکنهٔ این نواحی

طوایف نافرمان و سرکش بلوچ میباشند . در این نقاط باران کمتر میبارد و بهمین لحاظ نواحی جنوب شرقی خشک ترین نقاط ایران محسوب میگردد .

کوهها و تپه های کم ارتفاعی در بلوچستان وسیستان وجود دارند که مرتفع ترین آنها به پنج هزار پا میرسد . بیشتر زمینهای این حدود شوره زار و باطلاقی هستند .

کشور ایران درجنوب شرقی با کشور افغانستان هم مرز وهمسایه است (۱) .

---

۱ ـ رود معروف هیرمند اراضی سیستان را مشروب میسازد که ازهمین رود کشور افغانستان هم اراضی مزروعی خودرا سیراب میکند وبطوریکه خوانندگان گرامی اطلاع دارندپس ازاستعفای اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر وخروج معظم له ازکشور ایران برسرآب همین رودهرروز کشورهم کیش وهمسایهٔ ما افغانستان بهانه جوئی میکند و بعناوین مختلف مانع رسیدن آب به اراضی هموطنان سیستانی ما میشوند که امیدواریم با اتخاذ روش عادلانه و عاقلانه ای که دولتین ایران و افغانستان در پیش گرفته اند این اختلاف خاتمه یابد و برادران سیستانی ما هم مانند ازمنهٔ گذشته از حق مشروع وقانونی خودشان بهره مند گردند .
(مترجم)

فصل سوم

سلسله جبال البرز و دریای خزر

ناحیه‌ای که در شرق سلسلهٔ جبال زاگراس واقع است کمتر پست و بلندی دارد ودشت وسیع ومرتفع و مسطحی را تشکیل میدهد که تا مرز افغانستان امتداد میابد.

قسمتی از این دشت وسیع که بدامنهٔ کوه متصل است از حاصلخیز-ترین اراضی کشور ایران بشمار میرود واین قطعه زمین که درآن باغهای میوه بحد وفور موجوداست به آذربایجان وصل میگردد ودر همین نواحی شهرهائی احداث شده‌اند که نام آنها را خارجیان بخوبی میدانند و آن شهرهای معروف ومشهور را میشناسند.

شهر های کاشان ، اصفهان و کرمان از نظر دوستداران قالی شهرت دارند ، قم و یزد شهرهای مقدسی هستند (۱).

این شهرها درسابق از مراکزمهم تجارتی بوده‌اند و نمونهٔ کاملی از ایران قدیم هستند ودرحال حاضر که کارخانه‌های متعددی درآن شهرها

۱- تصورمیرودنویسندهٔ کتاب شهر یزد را از آنجهت شهرمقدس نامیده است که در آنجا آتشکده های « زرتشتی » فراوان بوده و مرکز «زرتشتیان» ایران بشمار میرود والا از نظر مسلمانان بقاع متبرکه‌ای در آن شهر وجود ندارد که شهر مقدس بآن اطلاق شود. (مترجم)

مشغول کارند نمونهٔ بارز و قابل توجهی از ایران‌نو بشمار میآیند .

جاده‌های شوسه برای حمل کالاهای تجارتی و ایاب وذهاب مسافرین بتمام نقاط کشور ایران احداث شده و ازآنجمله راهی است که از تهران پایتخت کشور ایران به قم ، اصفهان و شیراز میرود و راه دیگری هم که ازنظر اهمیت نظیر راه اولی است تهران را به شهرهای کاشان ، یزد و کرمان متصل میسازد و برای عمران و آبادی شهرهای مذکور و متجدد ساختن ساکنین آنها ازطرف پادشاه سعی وافری مبذول شده است .

محصولات عمدهٔ این نقاط عبارت‌است از پنبه ، تریاك و توتون و نیزمعادن مس، سرب و نقره هم دراین نواحی یافت میشود . شهر بزرگ اصفهان که زمانی پایتخت کشور ایران بوده استدرحال حاضر شهری‌است که ۱۰۰،۰۰۰ نفرجمعیت دارد [۱]. باغهای مصفای اصفهان شهرت‌زیادی دارند و انواع میوه‌های فصل محصول این شهر را برای‌فروش به بازار تمام شهرهای ایران میبرند .

شهرهای یزد و کرمان در ناحیهٔ جنوب شرقی ایران واقع‌شده‌اندو محصول چندانی ندارند زیراازنظر زمین‌شناسی‌آب وهوا وهمچنین اراضی آن حدود مانند اصفهان حاصلخیز نیست .

تهران که از ۱۵۰ سال پیش پایتخت کشور ایران است دراین‌دشت واقع شده و در نزدیکی این‌شهر دو رشتهٔ مهم جبال زاگراس و البرز بهم میپیوندند که در بارهٔ سلسله جبال‌زاگراس درصفحات قبل توضیح‌کافی‌داده

---

۱ ـ شهراصفهان‌ازشهرهای بزرگ‌صنعتی‌و تجارتی‌ایران است و اینکه نویسندهٔ کتاب جمعیت‌آنرا ۱۰۰،۰۰۰ نفرذکر کرده است مربوط بسال۱۹٤۱میلادی میباشد واکنون جمعیت‌این شهر به‌چند برابر رقم‌مزبور افزایش یافته است . (مترجم)

شده وبرای معرفی سلسله جبال البرز هم‌همینقدر کافی است که بگوئیم‌این رشته کوههای‌عظیم و مرتفع‌مانند دیوار بلندی کرانه‌های مسطح دریای‌خزر را از دشت وسیع موردبحث ماجدا میکند و سراشیبی‌های جنوبی این کوه مانند صفحات مرکزی بی‌آب‌وبایراست وازصخره‌های بسیار سختی‌تشکیل مییابد اما همینکه از گردنه هائی به ارتفاع نه هزار تاده هزارپا گذشتیم خود را در سرزمینی می‌بینیم که با سایر نواحی و اراضی کشور ایـران متفاوت است .

در این نقـاط باران زیادی میبارد (درعرض سال ازسی‌تاپنجاه‌اینچ) محصول و میوه‌هم در این‌نواحی‌در فصول معینی ازسال‌بحدوفورموجوداست. کسانی که در کرانهٔ دریای خـزر مسافرت میکنند بیاد نواحی انگلستان میافتندزیرا مناظر این حدودعیناً شبیه مناظر کوهپایه‌های بریتانیا است .

مرزعه‌های سبز ـجنگلهای انبوه با انواع گیاهها. جاده های باریك گل‌آلود و بوته‌های خاری که بنظر ما انگلیسیها خیلی آشناست از هـر سوجلب نظرمیکند . نا گفته نماند که در حین سیروسیاحت نا گهان‌به‌تپه‌ـ هائی میرسیم که اراضی مزروعی اهالی را تشکیل میدهد ومزارع برنج‌آن بیش از حدتصور زیبا وقابل توجه‌است .

درکرانهٔ دریای خزر دشت مسطحی است که دربعضی جاهاحتی از سطح دریاهم پائین‌تر است و چون بسیار خوش‌آب و هواست اهالی تهران وسایر شهرهای ایران درفصل تابستـان برای گردش وتفریح باین حدود وسایر نقاط ساحلی مسافرت میکنند .

بیشتر الوارها و چوب‌هائی که در ایران برای ساختمان‌بناها ودرو پنجره ومبل وصندلی بکار میروداز جنگلهای دامنهٔ شمالی کوه البرز بدست

میآید. خرس، گرگ، ببر و گاهی هم پلنگ در این جنگلها یافت میشوند.

درختهای معروف ومشهور این جنگل‌ها عبارتند از: بلوط، نارون، زبان گنجشک، بید، کبوده، شمشاد، سرو - ودربعضی جاها کوههای سلسه جبال البرز خیلی مرتفع است واز جملهٔ قلهٔ دماوند را میتوان نامبرد که ۱۸،۷۰۰ پا ارتفاع دارد وبلندترین قلهٔ کوههای ایران محسوب میگردد.

در این نواحی وقدری دورتر ازمشرق ایران به چشم های کج مغولی برمیخوریم که شاخه‌ای ازایلات ترکمن آسیای مرکزی هستند.

در این نواحی برخلاف سایر نقاط ایران که کلبه‌هایشان را از گل میسازند کلبه‌ها از چوب وسنگ ساخته شده و بام آنها راهم باتخته‌هائی که بابعاد مختلف بریده‌اند درست کرده‌اند.

سلسله جبال البرز ازدشت حاصلخیز وآبادخراسان میگذردودیواری تشکیل میدهد که مشرف برجلگهٔ سرسبز وخرمی است که ترکمن‌ها در آنجا سکونت‌دارند وسپس همین رشته جبال به کشور افغانستان وهندو کش وصل میگردد.

در داخل ایران و میان این دو رشته جبال طویل دشت وسیع و مسطحی وجود دارد که به صحرای کویر و یا دشت شوره زار ایران معروف است. مساحت این دشت خشك وبی آب وعلف درحدود یکصد وپنجاه هزار میل مربع وتقریباً باندازهٔ یك چهارم خاك تمام کشور است. ظاهراً این قسمت ازایران درازمنهٔ قدیم دریائی بوده که بحر خزر وخلیج فارس را بیکدیگر متصل میساخت ولی امروزه صحرای خشك و بی‌آب وعلفی است که بلااستفاده افتاده است.

سطح این کویر بطور متوسط دوهزار پاارتفاع دارد ومستقیماً بمرز

ایران وافغانستان امتداد میابد .

دربعضی ازنقاط کویر ایران مختصر نخلستانی یافت میشود ولی بقیه شورهزار بی مصرفی است واگرهم آب کمی دراثر باریدن باران دراین نقاط شوره‌زار پدیدآید درفصل تابستان خشك شده وازبین میرود .

درضلع شمالشرقی صحرای کویر درطول همین نمك‌زار وسیع قطعه زمین آباد وحاصلخیزی است که شهر مقدس مشهد هم درآنجا واقع است .

گرچه مشهدسومین‌شهر بزرگ ایران‌محسوب میگرددولی چون‌از مرکز کشور دورافتاده است درقسمت فرهنگ پیشرفت چندانی ندارد.

درسالهای اخیر نسبت باقدامات دولت اعلیحضرت پادشاه ایران در مشهد تظاهراتی صورت گرفت ومخالفتهائی شد ولی این مخالفتها تماماً صحنه سازی بود وازمرحلهٔ حرف تجاوز نکرد .



فصل چهارم

وضعیت جغرافیائی ایران

درفصول گذشته خوانندگان گرامی راتااندازه‌ای بوضع جغرافیائی کشور ایران آشنا نمودیم واینك برای تکمیل اطلاعات قبلی اضافه میکنیم که مساحت این کشور ششصد وسی‌هزار میل مربع وقدری‌هم ازپنج برابر مساحت کل جزایر بریتانیا وسیع‌تر است .

در زمان سابق افغانستان ، بلوچستان ، ترکستان ، قفقاز و عراق جزءِ کشور ایران بودند وسرحدات ایران‌آنطرف مرز کشور های مذکور بوده‌است ولی امروزه کشورهای نامبرده بکلی ازایران جداشده‌اند ومادربارهٔ آنها بحثی نداریم .

ضمن تشریح وضع جغرافیائی ایران به صحاری کویر وزمینهای بایر زیادی برمیخوریم که ازآنها استفاده نمیشود اما امکان وجود معادن مهمی درزیر زمین همین صحاری بی‌آب وعلف میرود که تاکنون کشف نکرده اند .

باید دانست که کشور ایران‌اراضی حاصلخیززیادی‌دارد واگرروزی این‌اراضی زرخیز بااصول‌صحیح کشت وزرع گرددبطورحتم خواربار مردمی

بیشتر ازمردم فعلی ایران تهیه وفراهم خواهدشد .

ثروت مهم دیگری که کشور ایران از آن بحدکافی برخوردار است معادن‌نفت در نقاط مختلف آن کشور است وازاین مادهٔ‌حیاتی هم که‌بگذریم سایرمواد معدنی ایران ازهرحیث مهم‌وقابل توجه میباشدواگر این‌ثروت‌های زیرزمینی‌بااصول صحیح وجدیدی استخراج شوند بطور حتم جمعیت ایران خیلی زیادتر.ازنفوس فعلی وطرز زندگانی‌آنسان هم خیلی بهتر از زندگانی کنونی خواهد بود .

باید دانست که استخراج معادن واصلاحات داخلی وبهبود اوضاع اجتماعی ایران باین‌شرط میسر است که این کشور را بحال خودواگذارند تافارغ‌البال آسایش خودرا فراهم‌آورد واین‌آسایش وآسودگی موقعی‌عملی خواهد بود که‌ایران مانند کشورهای مترقی کوچك سایر نقاط جهان‌قربانی حرص وطمع دولتهای بزرگ نگردد .

منظور من‌همان دولتهائی هستند که فلسفهٔ سراپا کذب‌آنان‌چشم‌هایشان را نابینا ساخته باحساسات واحتیاجات واقعی افراد وملتها در هر جائی که باشند اعتنا وتوجهی ندارند .

دربارهٔ نقاط ومراکزسوق‌الجیشی وراجع‌بوضع نظامی‌ایران درفصول آینده توضیح بیشتری خواهیم داد .

ایرانیان قرنهاست که دراین کشور سکونت‌دارند وزبان‌آنان نشان میدهد که ازنژاد قومی هستند که بزبان هند وآریان صحبت میکنند و بهمین‌لحاظ تئوریست‌های نازی کوشش‌فراوانی کردندآنهارا ازتیرهٔ‌آلمانی‌های‌شمالی‌نوردیك(Nordic) بشمارآورنداماصورتهای سیاه رنگ ایرانی‌ها نظر نازی‌ها را متزلزل میکند وباوجود تمام اینها نمیتوان‌آنها را ازنژاد

سیاهان دانست زیرا مردمان شهرنشین ایران ازاهالی اروپای جنوبی هم سفیدترند و اینکه رنگ وروی دهاقین ودهاتیان ایران قدری تیره بنظر میرسد ازآنجهت است که آنان تحت تأثیر آب وهوای دهات محل سکونت خودشان قرار گرفته‌اند ونمیتوان این تیرگی رنگ راعلت اصلی بشمار آورد.

معمولا ایرانیان دارای موی مشکی، سیمای بازوجذاب، بینی بزرگ وچانهٔ کوچك هستند. ایلات وعشایر ایران که درهوای آزاد زندگی میکنند زیبائی طبیعی خودرا که جزءِ خواص نژادی ایرانی‌ها بوده ومیباشدبیشتر ازشهری‌ها محفوظ داشته‌اند.

کار معمولی ایرانی‌هاتااین اواخر کشت وزرع بود،بدریا علاقهٔ زیادی ندارندعرب‌ها وارمنی‌های ساکن ایران بیشترازخودایرانی‌ها بادریامأنوسند.

درطرز رفتارواخلاق بین ایرانیان وپروسی‌های خودپسند هیچگونه شباهتی نمیتواند وجود داشته باشد.

ایرانی‌ها مردمانی آرام، صلح‌جو، خوشحال ومتفکر هستند.

عشق وعلاقهٔ زیادی بشعر وهنرهای زیبا دارند.

هنرهای زیبا مدت خیلی زیادی نیست که درایران معمول ومتداول گردیده است. این صنعت ریشهٔ عمیقی ندارد ودرحالیکه خیلی ظریف و خیالی است مواد اصلی آن زیادنیست.

ایرانیان آن اندازه که بصورت ظاهر توجه دارند بماهیت اشیاءِ وبا دوام بودن آن اعتنا نمیکنند.

مردم ایران زیاد حرف میزنند وبیانشان فصیح وروان است.

بهترین تفریح یك فرد ایرانی آنستکه درقهوه‌خانه بارفقای خودبنشیند وازاین طرف وآنطرف صحبت بدارد ودرآن استکانهای کوچك بلوری پی‌در

پی‌چای شیرین بنوشد وبهمین جهت است که بعضی‌ها ایرانی‌ها را بیکاره و تنبل دانسته‌اند وحال آنکه چنین نیست .

ایرانیان درمحیط پرمشقتی زندگی میکنند وهمیشه باناملایمات و مصائب زندگی‌دست بگریبان هستند. طبیعت کوچکترین تسهیلاتی برای آنان‌فراهم نساخته‌است والبته‌چنین مردمی‌طبعاً جنگجو ، مبارز ، علاقمند بورزش بارمیآیند وباید این موضوع مهم را همواره درنظر داشت که طبق آداب وسنن باستانی ایرانیان بفرزندانشان اسب سواری، چوگان بازی ، زوبین افکندن ، تیراندازی وشنا کردن را میآموختند .

چوگان بازی ازاختراعات ایرانیان‌بوده است که سیاحان انگلیسی آنرا ازایران به هندوستان برده‌اند .

جوانان ایرانی‌امروزهم که همان روح دلیری باستانی خود رادارند بورزشهائی ازقبیل‌فوتبال ، والیبال ، بیسبال علاقمندند . درقسمت جنگجوئی هم ایرانیان دارای همان سیرهٔ باستانی میباشند .

بارها اتفاق افتاده است که ملت ایران دچار بدبختی‌های دشواری گشته است وهمه قطع داشته‌اند که این کشور بکلی ازهم پاشیده شده و نابود خواهد گشت ولی این مردم دلیر ومتحد بایك قیام ونهضت خود را اززیربار زور وانقیاد دیگران‌آزاد ساخته است .

بارها اتفاق افتاده است که همسایه‌های متعدی و متجاوز ایران که خیلی‌حریص وطماع‌بوده‌اند روی حساب غلط‌بکشور ایران هجوم‌آورده‌اند اماهمان روح باستانی ودلیری این ملت باعث شده است که بادادن تلفات جانی ومالی دست خالی بر گردند .

این روح جنگجوئی ودلیری ایرانیان بیشتر ازآن جهت است که

دارای پیشوایانی شجاع‌وفداکار بوده‌اند وهمین‌موضوع بخوبی میرساند که ایرانی‌ها طبعاً دلاوری وشجاعت راستایش میکنند .

اعتماد واطمینان، عقیدهٔ کامل به پیشوا، به ملت، برسوم وعقاید مذهبی دراکثراوقات فداکاریهای معجزه‌آسائی درمیان ایرانیان بوجودآورده‌است.

ایرانی‌ها مردمانی علم‌دوست هستند واستعداد مافوق تصوری برای قبول مرام وفکر جدید دارند .

صرفنظر ازاینکه تاریخ ایران این موضوع را تأیید میکند کسانی هم که معلم یامربی ایرانیان بوده‌اند همین عقیده را دارند ونکتهٔ شایان توجه این است که باوجود اینکه این ملت خیلی هم سهل‌القبول است تاکنون هیچ‌فکر وعقیدهٔ تازه‌ای‌نتوانسته است‌خواص روحی وفکری‌ایرانی را تغییردهد .

درنهاد ایرانی قوه‌ای وجود دارد که هستی فاتحین را می‌بلعد وهر فکری راهضم میکند ولی خودش همیشه زنده وپایدار است .

کنت گوبینو(Count Gobineau)میگوید :

ایران مانند صخرهٔ بزرگی است که از کوه عظیمی جداشده وبوسط جریان شدیدآب بیفتد . گرچه این قطعهٔ جدا شده ازکوه لحظه‌ای چند در آب میغلطد واندکی سائیده میشود اما بزودی جای‌اول‌خودرامیگیرد .

کشور ایران در حدود پانزده میلیون جمعیت دارد که قریب بیك میلیون‌ونیم‌آن در شهرهای بزرگ‌زندگی‌میکنند[1] ودومیلیون ایلات و عشایر کوه نشین هستند که تعداد آن روبکاهش میرود وبقیه در شهرهای

۱ــاین رقم آماری‌است که‌نویسندهٔ کتاب‌درسال ۱۹۴۱ نوشته‌است‌ولی اکنون جمعیت کشور ایران به‌بیست میلیون نفر بالغ میگردد. وهمین شهر خودمان تهران‌متجاوزازیك میلیون ونیم جمعیت دارد . (مترجم)

گوچك ودهات بسرميبرند.

كرانه و سواحل درياى خزر پرجمعيت ترين نقاط كشور ايران بشمارميرود . دراين نواحى هشتاد تاصد نفردرهر ميل مربع ودرآذربايجان چهل تاپنجاه نفردر هرميل مربع ودرساير نقاط ايران بيست وپنج نفر در هرميل مربع زندگى ميكنند .

دربيشتر نقاط ايران نژاد خالص ايرانى سكونت دارند .

درقسمت جنوب غربى ايران عربها وايرانى‌ها باهم زندگى ميكنند ومخلوطى ازايرانى‌وعرب هستند ودرقسمت شمالشرقى تركمن‌ها ودرمغرب كردها وارمنى‌ها وتركها سكونت دارند .

جمعيت ارمنى‌ها پنجاه هزارنفر ونفوس كردها قريب‌به‌هشتصد هزار نفرميرسد وهردو دسته عقايد مذهبى وآداب ورسوم خودرا حفظ كرده‌اند.

درمرزهاى غربى ايران‌درحدود بيست وپنجهزار نفرآسورى زندگى ميكنند . اعراب هم كه جزءِ ساير اقليت‌ها هستند در صحراهاى جنوب غربى اقامت گزيده‌اند .

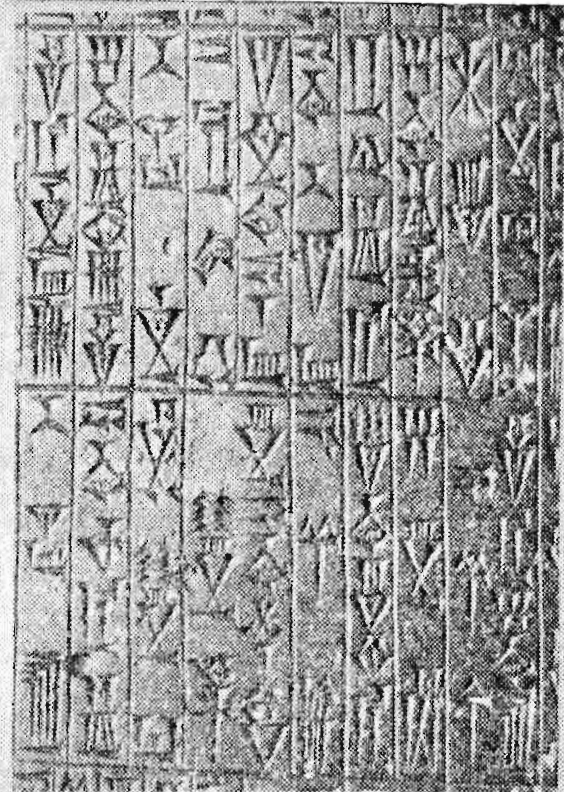
گروهى از ارمنى‌ها در آذربايجان و گروهى ديگر در نزديكى اصفهان(۱) سكونت كرده‌اند .

ارمنى‌ها اغلب مشغول تجارت و كسب وكارند ودر اجتماعات ايرانى همان موقعيتى را دارند كه يهودى‌ها در اروپا حائزند . بديهى است تا حدى هم ازهمان بدنامى‌هاسهم ميبرند .

تعداد يهودى‌ها درايران كم است وميتوان گفت كه اين اقليت‌كليمى درميان ايرانى‌ها مستهلك گرديده است .

۱ـ منظور نويسندهٔ كتاب جلفاى اصفهان است . (مترجم)





نقوش برجستهٔ نقش هامورابی وقسمتی از کتیبهٔ زرتشت که در شوش بدست
آمده و اکنون درموزهٔ ایران باستان‌است

فصل پنجم

دورهٔ باستانی ایران

ریشهٔ اصلی ساکنین قدیم ایران تا کنون بخوبی شناخته نشده وبرای علما ومحققین پیچیده ومرموزمانده است.

مردمان باستانی این سرزمین را که دراثر تحقیقات زیاد ما میتوانیم دراینجا نام ببریم ایلامی‌ها هستند که البته ازنژاد فعلی نبوده‌اند وباحتمال قوی ازنژاد تورانی بوده‌اند که به‌ترک‌های آسیای مرکزی می‌پیوندند.

ایلامی‌ها دردرهٔ رودکارون سکونت داشته‌اند وپایتخت آنان شوش بود که باشهرجدید دزفول فاصلهٔ چندانی ندارد وازچهارهزار تاهزار سال قبل ازمیلاد مسیح دائماً با سامی‌های همسایهٔ خود، عقادیها، بابلی ها، آسوری‌ها وهمچنین سومری‌هامؤسس تمدن بزرگ جهان درجنگ بودند واز نظر اینکه ناگزیر بودند همیشه باهم تماس داشته باشند گاهی هم صلح دربین آنان برقرار میگردید وبدون شك مسئولیت رواج افکار وعقاید سومری‌ها در ایران بعهدهٔ ایلامی های ساکنین باستانی آن سرزمین بوده است.

چنین بنظرمیرسد که در سومین هزارهٔ پیش از میلاد مسیح برای

اولین بارسرزمین ایران را ایرانیان حقیقی اشغال کردند.

آنها قسمتی ازیك موج[1] هجوم آریائی بودند که درآن ایام از آسیای مرکزی بیرون جست وبه‌سه شاخه تقسیم گردید:

شاخهٔ اول در جلگهٔ شمالغربی سکونت گزید و در اروپا بنام «مد» شناخته شد.

شاخهٔ دوم فارس‌ها بودند که بطرف مشرق و جنوب ایران رفتند و شاخهٔ سوم هم هندوها بودند که بطرف درهٔ ایندوس(Indus)شتافتند ودر هندوستان اقامت گزیدند.

این مردم هر جا رفتند فلسفهٔ آریائی راکه پایه واساس آن روی پرستش نیروهای طبیعت و نزاع و کشمکش میان خوبی وبدی استواربود باخود بردند وبعدها همین افکارموجب شدکه آنرا بصورت مذهب زرتشت درآوردند.

یکنفرانگلیسی که اهل مطالعه باشد ازشرح وتفصیلهای مختلف و متضادی که دربارهٔ ایران میخواندچارحیرت میگرددزیرادرموقع‌تحصیلات ابتدائی نام مدها و فارس ها را در کتاب مقدس می‌بیند وبعدازآن هرگاه یونانی ولاتین هم بخواند ازلشگرکشی‌های فارس‌ها بطرف ممالك یونان مطلع میگردد وازجنگهای اشکانیان بارومی ها آگاه میشود وهرقدرفکر کند نمیتواند آمدن حاجی بابای موریه را به بیت‌اللحم باقالی‌هالی‌ایران وعمرخیام و میدانهای نفت مربوط سازد اما درحقیقت بین تمام این وقایع ارتباط کاملی موجوداست که این‌قضایای بنظرماپیچیده راباهم متصل‌میسازد.

ما ابتدا دربارهٔ مدها بحث میکنیم زیرا آنها اولین طایفهٔ آریائی

۱ــ کلمهٔ مناسبتری یافت نشد. (مترجم)

هستند که نامشان بچشم میخورد وبا دنیای غرب مربوط گشته‌اند .

پایتخت مدها اکباتان ویا شهر جدید همدان کنونی بوده‌و گرچه آثار و مدارك کتبی اززبان آنها دردست نیست ولی احتمال قوی داردزبان مدها نخستین شکل زبان فارسی بوده است .

طایفهٔ مدها تقریباً هفتصدسال قبل از میلاد مسیح روی‌کارآمده‌اند و این‌سال‌مقارن‌باموقعی‌بود که‌نبوکادنزار (Nebuchadnezzar) یعنی‌بخت‌النصر در بابل حکومت میکرد .

مدها بواسطهٔ‌جنگ با آشوری‌ها شهرت بسزائی یافتند وآخرالامر در ششصدسال قبل از میلاد مسیح نینوا پایتخت آشوری‌ها راتصرف کردند و دوران‌آن جنگ‌ها که‌سبب شهرت مدها گردید پایان یافت.

برای تکمیل مطالعات مانکتهٔ‌بسیار مهمی‌را باید ازنظر دورنداریم وآن موضوع با اهمیت اینست که زرتشت پیغمبر درزمان فرمانروائی‌مدها ظهور کرد .

روایات‌مذهبی حکایت دارد که‌مدهازرتشت پیامبررا ازقلمروحکومت خود راندند. او بطرب مشرق گریخت ودر خراسان تحت حمایت گشتاسب پادشاه فارس قرار گرفت .

در هر صورت باید دانست که فلسفهٔ منتسب به زرتشت کاملا جنبهٔ آریائی ویا ایرانی دارد .

در ابتدای امرزرتشت‌مردم رابطرف خدای یگانه‌ای بنام اهورامزدا دعوت میکرد که او را خداوند روشنائی هم [1] میخواندند ولی متدرجاً نفوذ افکارآشوری‌هاو سامی‌ها عقیده و مرام‌خدایان متعددی رامیان‌ایرانیان

---

۱ ــ منظور نورپاك حضرت احدیت است . (مترجم)

بوجود آورد که درنتیجه بمعرفی اهریمن (خدای تاریکی) منتهی گردید.

ایرانیان معتقد شدند که دائماً بین دو اصل نیکی و زشتی جنگ سختی جریان دارد و بالاخره اوضاع جهان وجهانیان بسته به پیروزی یاشکست یکی ازاین دو دسته میباشد وهرفرد ایرانی مکلف بود که باپاك نگاهداشتن زمین، تن وجان خودوچهارعنصر : آب، آتش، خاك، باد رضایت اهورامزدا را جلب کند ودر پیروزیش بکوشد.

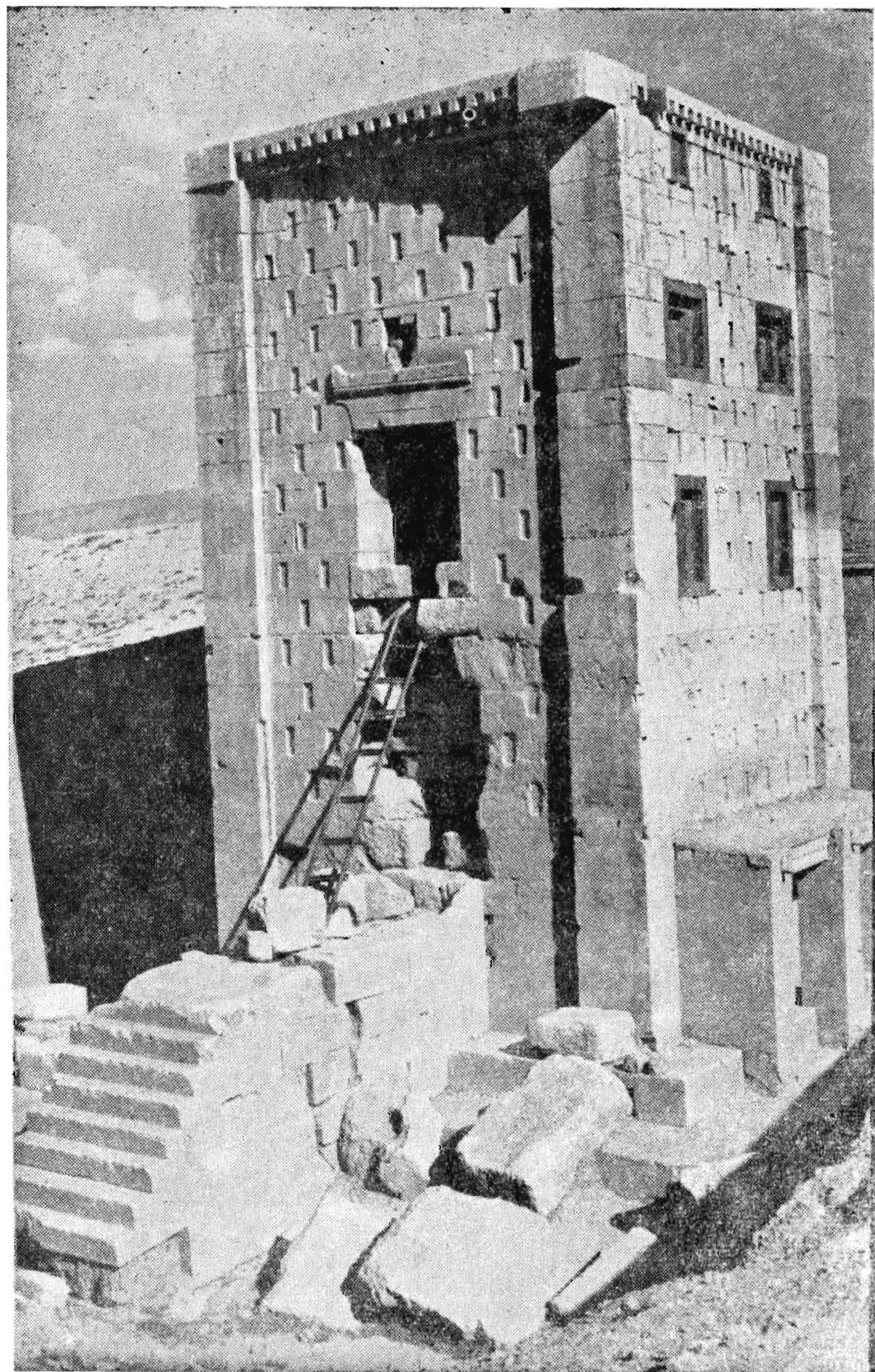
طبق عقاید مذهبی زرتشتیان باید اراضی کشور را بهر وسیله‌ای که ممکن باشد کشت وزرع کرد زیرافقط کشاورزی‌است که تندرستی وفراوانی بار میآورد و همچنین لاشهٔ افرادی را که میمیرند نباید درزیر خاك مدفون ساخت بلکه باید در برابر آفتاب و هوا بماند تا دراثر تابش خورشید وهوا دوباره جذب گردد.

برای زائیدن و بچه‌آوردن مقررات خاص وحتمی‌الاجرائی داشتند که عدول ازاین مقررات برای افراد زرتشتی غیر ممکن بود.

طبق آداب و رسوم دین زرتشت تمام افراد باید ورزش کنند و باین وسیله تن را نیرومند وتوانا سازند و نیز تحصیل علم و دانش جزء فرایض دینی آنهاست:

تعجب در این‌است که بعضی ها تصور میکنند آئین آتش پرستی جزء مقررات دینی زرتشت است وحال آنکه چنین نیست وآتش پرستی بعد اززرتشت دربین ایرانیان تاحدی معمول ومتداول شد واحتمال میرود که ازتورانیان به‌ایرانیان رسیده‌باشد.

واما اینکه چه موضوعی سبب پیدایش آئین آتش پرستی شده احتمال دارد که رواج دهندهٔ این آئین ابتدا ازمشاهدهٔ شعله‌های طبیعی کوههای نفت



کعبهٔ زرتشت در نقش «رستم» نزدیک تخت جمشید

مغرب ایران الهام گرفته ومتدرجاً این عقیده در بین مردم ایران پدید آمده است.

اعتقاد بمعاد که درمذهب یهود نیز دیده میشود بنیان واساسش از اقوام آریائی است .

دستورات وتعلیمات مذهبی زرتشت در کتاب «اوستا» نوشته شده که این کتاب خود قابل توجه است زیرا همین تعلیمات مذهبی کراراً در تاریخ ایران مؤثر بوده و چون قسمتی از دستورات آئین مذکور درزمان حیات خود زرتشت تدوین شده است بنابراین میتوان گفت که اوستا قدیمی ـ ترین کتابی است که ایرانیها برشتهٔ تحریر درآورده‌اند .

اما «مغ» و یا «مجوس» که ساحری وجادوگری است طایفه‌ای از اصل تورانی میباشند و این گروه همان موقعیتی را داراست که لاوی‌ها در بین یهودیان حائز بوده‌اند .

فصل ششم

سلاطین سلسلهٔ هخامنشی

در قرن ششم قبل ازمیلاد مسیح دورهٔ استیلا و برتری مدها سپری شد وشاخهٔ دیگری از آریائی باطراف وجـوانب سرزمین قلمرو حکومت مدها هجوم آورد .

این شاخهٔ اخیر را همسایه های غربی پارس میگویند واطلاق کلمهٔ پرشیانز(Persians) ویاپارس‌ها ازآن جهت است که این گروه پایتخت خود را درایالت پارس ویا پرسیس(Persis)که امروزه فارس نامیده میشود قرارداده بودند . اجداد ونیاکان ایرانیان امروز هم همان پارس‌هاهستند .

ایالت پارس از آن جهت قـابل تـوجه است که درزمـان سلطنت پادشاهان هخامنشی برای اولین بار در این سرزمین ملت بزرگی بوجود آمدکه بنام ملت ایران نامیده شد .

هخامنشیان از خـاندان سلطنتی پازارگاد بـودند که هم اکنـون خرابه‌های آن درشصت میلی شهر شیراز دیده‌میشود و این سلسله از آنرو هخامنشیان خوانده میشوندکه جدآنان هخامنش نام داشت .

برای مالازم نیست که موفقیت‌ها ویامحرومیت‌های یکایك پادشاهان



تختجمشید قصر داریوش کبیر بنام تالار آئینه (تچر)

این سلسله راذکر کنیم.

نام کورش وکامبیز و داریوش را بطور قطع ویقین همه شنیده‌اند .

درسال ۵۵۰ قبل از میلاد مسیح کـورش کبیر کشور مد را تصرف کرد وپس ازآن کشور کشائی وفتوحات خـود را از شرق به غرب توسعه داد نتیجهٔ این لشگر کشی‌هاوپیروزی‌های مکرر آن بود که ممالك بابل ولیدی وهمچنین کشورافسانه‌ای وپر ثروت کروسوس (Croesus)رادرآسیای صغیر تسخیر کرد .

کامبیز پسر بزرگ وجانشین کورش رویهٔ پدررا پیروی کرد ومصررا ضمیمهٔ امپراطوری خویش ساخت ودر اواخر قرن ششم قبل ازمیلاد مسیح که داریوش به‌سلطنت رسید خودش را فرمانده وپادشاه امپراطوری عظیمی دید که وسعت خاك آن ازپنجاب(Panj b)که در هند شرقی واقع‌است تا مقدونیه و دانوب امتداد داشت .

داریـوش در اداره کردن سرزمین امپراطوری عظیم ایران وتشکیل ادارات ومؤسسات عام‌المنفعه استعداد فوق‌العاده‌ای داشت وتوانست بطوری سازمان امپراطوری بزرگ خـود را بانظم وترتیب خاصی برروی پایه و اساس محکم‌وثابتی برقرار سازد که بعقیدهٔ معـاصرین وی‌آن‌سازمان برای ابد پایدارو جاویدان میماند .

درزمان سلطنت داریوش کبیرامپراطوربزرگ‌ایران راههای متعددی در سراسر کشورایجاد گردید ،کاروانسراها ساخته شد ، علما ودانشمندان مورد تقدیر و تشویق قرار گرفتند وعلم و هنر رونق بسزائی یافت .

پول رایج سراسر امپراطوری را بنام نامی امپراطور عظیم‌الشأن ایران سکه زدند وصنعتگران مورد حمایت وتشویق پادشاه واقع شدند .

متأسفانه وجود همین سازمانهای متعدد ونحوهٔ کارآنها باعث ضعف قدرت امپراطوری گردید وماننند سایررژیم‌های دیکتاتوری واستبدادی هم نوع خود ازمجموع آن همه قوانین ومقررات شدیدنتایج سخت‌تری بدست آمد چنانکه تاامروزهم شدت قوانین مدی‌ها وایرانی‌ها در زبان انگلیسی ضرب‌المثل است.

شاه در امپراطوری خود دارای قدرت بی‌انتهائی بود وتمام هم خود رابرای دفاع از سرزمین‌های امپراطوری وعظمت و سربلندی ایران صرف میکرد و ازهمان تاریخ در کشور ایران زن‌ها تحت حمایت و مطیع محض مردان بودند.

تعداد زوجات و گوشه نشینی که بعداً بسایرطوایف ونژادهاسرایت کرد احتمال دارد از ایران سرچشمه گرفته باشد. جای بسی خوشوقتی است که درحال حاضر ایرانیان اولین ملت شرقی هستند که این عادات را ترك میگویند.

بهرصورت نباید منکراقدامات مهم وقابل توجه هخامنشیان شد. خرابه‌های حیرت‌آوربیستون[1] ـ پازارگاد ـ پرسپولیس وشوش‌عظمت و لیاقت ووسعت فکر ونظر پادشاهان هخامنشی را بخوبی نمایان‌میسازد.

---

۱ ـ برای اطلاع خوانندگان گرامی دربارهٔ بیستون و آثار تاریخی آن توضیحاتی داده میشود وهمچنین ترجمهٔ کتیبه‌های داریوش کبیر عیناًاز کتاب جغرافیای نظامی کرمانشاهان که از طرف وزارت‌جنگ منتشر شده نقل میگردد.

آثار بیستون

حجاریها ـ این حجاریهای بیستون راجع بواقعهٔ بردیای دروغی و نه نفری است که در بدوسلطنت داریوش یاغی شده هریك خودراپادگان مملکتی خواند ـ حجاری های مذکور چنین است: ←

نکتهٔ مهم و قابل توجهی که در مطالعهٔ این تاریخ باید در نظر گرفته شود اینستکه آثار بعدی وقایع دورهٔ هخامنشیان بمراتب بیشتر از عملیات معاصر آنان درتاریخ‌وروحیه وروایات‌ایران مخصوصاً ایران کنونی تأثیر دارد.

این روایات و داستانها اگرچه فاقد جنبهٔ تاریخی است اما موارد

داریوش‌ایستاده در بالا «فروهر» پرواز میکند و داریوش به‌تقدیس اهورمزد دست‌راست‌خودرا بلند کرده‌و‌پای چپ خودرا برسینهٔ «گئومات‌مغ» که بر پشت خوابیده واسلحه بدست دارد گذارده پشت سر داریوش‌دو نفر که باید از رجال درجهٔ اول درباری بوده‌باشند ایستاده‌اند (حدس میزنند که یکی‌ازآنها «گئوبرو» پدرزن داریوش است ولی‌معلوم نیست این حدس چیست) درمقابل داریوش اشکال نه نفر که باعث شورشهای ایالات بودند حجاری شده اینها همه دست بسته‌یکی پس ازدیگری واقعند و کتیبه‌هریك رامعرفی میکند.

داریوش در اینجا دو کتیبه بزبان وخط پارسی قدیم و ایلامی بابلی نویسانده یکی بکتیبهٔ‌بزرگ موسوم است ودیگری بکتیبهٔ کوچك،در کتیبهٔ کوچك قسمت اولی که داریوش را معرفی‌میکند نسخهٔ بابلی ندارد وقسمت آخری‌هم ناتمام مانده.

مضامین کتیبه‌ها چنین است:

کتیبهٔ بزرگ ـ قسمتی ازترجمهٔ کتیبهٔ بزرگ بیستون بمناسبت‌وقایع سلطنت‌داریوش‌میباشد.

ستون اول

بند ۱ ـ منم داریوش بزرگ شاه شاهان ممالك پسر وشتاسب نوهٔ ارشام هخامنشی.

بند ۲ ـ داریوش شاه‌گوید مرا پدروشتاسب‌است، وشتاسب را پدر ارشام، ارشام را پدر آریامن، آریامن را پدرچش‌پش، چش‌پش را پدر هخامنش از قدیم سلطنت دردودمان ما بود.

بند ۳ـ در کتاب نوشته نشده.

بند ٤ـ هشت نفراز دودمان‌ما پیش‌ازمن شاه‌بودند من‌نهمین شاهم ←

وسوژهٔ خوبی برای حماسهٔ ملی‌بوجودآورده است وهمان‌نقشی را که روایات وداستانهای مربوط به‌آرتور (Arthur) پادشاه انگلستان ودلاوران دور میز گرد اوو همچنین داستانهای مربرط به آلفرد کبیر(King Alfred) وکلبهٔ هیزم شکن پادشاه دیگرانگلستان درافکار یك فردعادی ومعمولی انگلیسی

از دودمان دوگانه ماشاهیم .

بند ٥ ـ با ارادهٔ اهورمزد من شاهم ، اهورمزد شاهی را بمن عطا کرده .

بند ٦ ـ این است ممالکی که تابع منند بارادهٔ اهورمزد من شاه آن هایم .

پارس ـ خوزستان ـ بابل ـ آسور ـ مصر ـ جزایر و دریا ـ سپرد ـ یونیه ـ ماد ـ ارمن ـ کاپادوکیه ـ پارت(خراسان) ـ زرنگ (سیستان) ـ هرات ـ خوارزم باختر ـ سغد ـ گنداز .

سکائیه ـ ث ت کوش ـ رخج مکیا جمعاً ۲۳ مملکت .

بند ۷ ـ این ممالك که مطیع‌من‌اند بفضل اهورمزد تابع من‌اندبمن باج میدهند آنچه راکه بآنها امرمیکنم شب یاروزاجرا میکنند.

بند ۸ ـ در این ممالك مردی راکه دوست بود یاآنکه دشمن بود سخت کیفر دادم بفضل اهورمزداین ممالك قوانین مرامجری داشتندچنانکه امر کردم همچنان رفتار کردند .

بند ۹ ـ اهورمزدشاهی را بمن اعطاکرد اهورمزد مرایاری کرد تا این ملك را بدست‌آورم بفضل اهورمزد من سلطنت‌را داراگشتم .

بند ۱۰ ـ ۱۵ ـ این بندهاراجع به بردیای دروغی است.

بند ۱٦ و ۱۹ ـ این بندها ستون اول‌راجع بشورش بابل است.

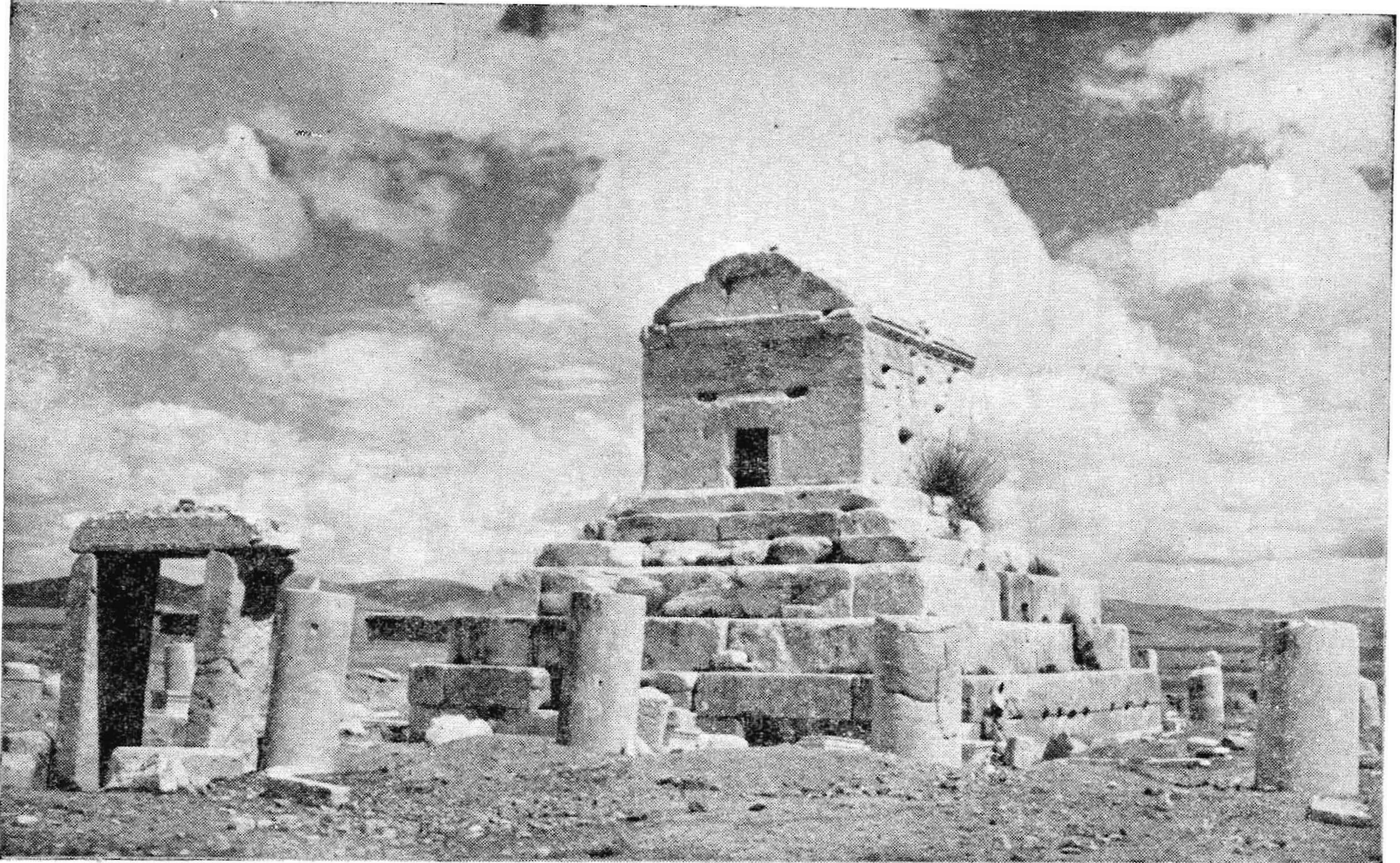
ستون‌دوم

بند ۱ ـ ۱٦ ـ راجع بشورش بابل و مادوساکارتی و پارت و غیره است .

ستون سوم

بند ۱ ـ ۱٥ ـ راجع است بشورش پارت مرو ـ باختر بردیای دوم دروغی ـ وشورش دوم بابل .

←



فارس پازادگاد آرامگاه کورش کبیر

بازی میکند همان نقش وبلکه مهمتراز آنـرا داستان های هخامنشیان در افکار وروحیهٔ یك ایرانی متوسط بازی کرده است .

اینگونه داستانها بیشتر درکتاب اوستا ذکر گردیده است و بنـا بآنچه درایـن کتاب مندرج است اولین مردی که سلسلهٔ سلاطین پیشدادی

ستون چهارم

بند ۱ ـ ۱۵ ـ داریوش آنچه راکه راجع بشورش ایالات گفته خلاصه کرده و اسامی یاغیان رانوشته .

بند ۳ ـ این ۹ شاه‌را درمیان گیرودار جنگ گرفتم .

بند ٤ ـ اینها بودند ایالاتی که شوریدند دروغ آنها را قیام داشت زیرا اینها مردم‌را فریب دادند بعداً اهورمزدآنها رابدست من‌دادوچنانکه میخواستم باآنها رفتار کردم .

بند ٥ ـ ایکه پس از این شاه خواهی بود خود را سخت از دروغ نگاهدار. اگر فکر کنی کـه چکنم تـا مملکتم امن باشد فریب دهنده را کیفرده .

بند ٦ ـ آنچه کردم بفضل اهورمزد ازجزئی وکلی کرده‌ام ای‌آنکه در آینده این کتیبه را خوانی باور کن که کارهارا کرده‌ام‌آن رادروغ‌مدان.

بند ۷ ـ اهورمزد مراگواه است اینکه اینکارها را از جزئی وکلی کرده‌ام راست است نه دروغ .

بند ۸ ـ بفضل اهورمزد کارهای بسیار دیگر نیز کرده‌ام که در این کتیبه ننوشته‌ام ازآن جهت ننوشته‌ام تاآنکس که‌پس از این‌نوشته راخواند نپندارد که اینکارها بس زیاداست‌آنرا باورندارد دروغ بداند .

بند۹ـ شاهان قبل درزمان زندگانیشان چنین کار ها نکردند، ومن بفضل اهورمزد ازجزئی وکلی کردم .

بند ۱۰ ـ اکنون توباورداشتی آنچه راکه‌کرده‌ام پس آنرا پنهان مدار اگر پنهان نداری بمردم بگوئی اهورمزد تورا یـاری‌کناد دودمان تو پاینده وعمرت درازباد .

بند ۱۱ ـ اگر این‌گفته‌ها را پنهان داری بمردم نگوئی اهـورمزد تورا بزند ودودمان تونپاید.

راتشکیل داد کیومرث بود. جمشید یکی ازاحفاد کیومرث معمولا باسلیمان که یکی از قهرمانان اسلامی است تطبیق میشود و بسیاری از خصایص وداستانهای افسانه‌آمیزی را که سامی‌هابه سلیمان خودشان نسبت میدهند ایرانیان دربارهٔ جمشید میگویند وهمین تشابه جمشید وسلیمان باعث و سبب گشته است که اغلب آثارهخامنشیان را بآن دونسبت دهند . مثلا هم

بند ۱۲ـ آنچه من ازجزئی وکلی کردم باارادهٔ اهورمزد بود،اهورمزد مرا کمك کرد و ایزدان دیگر نیز.

بند ۱۳ ـ ازآن جهت اهورمزد مرایاری کرد و ایزدان‌دیگر نیز که چه من وچه‌دودمانم نه دشمن(یعنی بدقلب) بودیم نه‌دروغگو ونه بی‌انصاف من موافق حق وعدالت سلطنت کردم نه بنده‌ای را آزردم و نه مردم‌پست (یعنی ضعیف) را . مردی که دودمان مرا یاری کرد اورا نواختم آنکه را که بدی کرد فشردم .

بند ۱٤ ـ ای‌آنکه پس از این‌شاه خواهی بود مردی‌را که‌دروغگو باشد وآنرا که بیداد کند دوست مباش ازاو باشمشیر پرسش کن.

بند ۱۵ ـ ایکه این نوشته راکه من‌نوشته‌ام با این پیکرها بینی آنها را برمیفکن تاتوانی نگاهش دار .

بند ۱٦ ـ اگر این نوشته واین‌پیکرها بینی وآنها را بر میفکنی‌تا دودمان تو باشد آنهارا نگاهداری اهورمزد تورا یار نسلت زیاد وعمرت درازباد آنچه توکنی اهورمزد آن کناد(یعنی‌عوض‌بدهد) .

بند ۱۷ ـ اگر این نوشته واین پیکرها بینی آنها را بر افکنی وتا دودمان تو باشدآنها را نگاه نداری اهورمزد تورا بزندودودمان تونپاید و آنچه کنی اهورمزدآن کناد .

بند ۱۸ـ این مردانی که با من بودند وقتیکه من گئومات مغ راکه خود را بردیا مینامید کشتم اینها مرا یاری کردند .

بند ۱۹ـ ای‌آنکه پس ازاین شاه خواهی بود این مردان باکفایت راکه باداریوش بودند وبکمك آنها من این کارها راکردم نگاهدارچنین مردان راهمیشه نگاهدار(این بندرا مختلف خوانده وبعضی گذشته‌اند ولی آنهائیکه خوانده‌اند تقریباً ترجمه کرده‌اند) .

بند ۲۰ـ بفضل اهورمزد این کتیبه را ... که کردم ... این کتیبه‌را ←

اکنون ایرانیان پرسپولیس را تخت جمشید و پازارگاد را تخت سلیمان میخوانند.

وقتیکه اسلام به ایران آمد زرتشتیان این شایعات راتقویت کردند که تا تـا انتشارآن بتوانند خود را در برابر مسلمانان جزءِ ملتهای اهل کتاب بشمارآورند وبـاکلیمیان ومسیحیان که پیغمبران آنها یعنی موسی

نوشتم ... بمن بعدکتیبه را بتمام ... بتمام ایالات و مردمان ... (نسخهٔ پارسی این بندکتیبه خراب است ولی نسخهٔ ایلامی خوب مانده ویسباخ نسخهٔ مزبوره راچنین خـوانده) بفضل اهورمزدا من کتیبه‌هـا بطوردیگر نوشتم بآریانی که سابقاً نبود ... نوشته وبرای من خوانده شد ... من این کتیبه ها را بتمام ممالك فرستادم بامضامین‌آن آشنا شدند.

(کشفیات نوین این نوشتهٔ داریوش راتأیید کرده زیرا نسخهٔ بابلی کتیبه را دربابل ونسخهٔ آرامی‌آنرا درالفان تین مصریافته‌اند).

(ویسباخ بنـابرنسخهٔ ایلامی این بندکتیبه عقیده داشت که خط نسخهٔ پارسی کتیبه را داریـوش ترتیب داده بـود ولی سایرین که ازجملهٔ ادوار می‌یراست این عقیده رارد کرده‌اند. آنها میگویند که مقصود داریوش از طور دیگر خطی است که برای سالنامه‌ها وتحریرات دفترخانه ها ومکاتبات جاریه ترتیب داده بود زیرا استعمال خطوط میخی برای این موارد خیلی مشکل بود. اینها درکلمهٔ «آریانی» هم تردید دارند).

ستون پنجم

داریوش شاه گوید اینست‌آنچه من کردم (درسومین سال سلطنت) ایالتی هست که خوزستان نام دارد. این ایالت برمن شورید (بعضی ترجمه کرده‌انددردفعهٔ سوم‌ازمن‌برگشت) مردیرا «ماماتئی‌تا» نام (بعضی‌خوانده‌اند ای یائیم نام) خوزستانی‌ها سردار کردند.

درسال چهارمین لشگرخود رابه‌خوزستان فرستادم مردی بودگئوبرو وپارسی تابع من اورا سردار کردم پس ازآن گئوبرو بالشگری بخوزستان رفت باشورشیان جنگیدآنها راشکست داد سردار راگرفته نزد من‌آورد و من اوراکشتم پس این ایالت ازآن من‌گردید.

بند ۲- پس ازآنها (یعنی خوزستانیها) ترسیدند واهورمزدآنها را

کلیم‌الله وعیسی روح‌الله را دیانت اسلام بخوبی میشناخت وآنان رافرستادهٔ خداوند متعال وپیامبر بحق میدانست برابر باشند وزرتشت رابنـام ابراهیم بخوانند .

فریدون یکی دیگر ازاحفاد کیومرث بود که سه‌پسر بنام ایرج، سلم و توورداشت که درمیان سامی‌ها به سام و حام و یافت اولادهای نوح برابر

بدست من داد . به‌ارادهٔ اهورمزد باآنها چنان کردم که خواستم .

بند ۳ـ هر کس که اهورمزد را پرستش کند تازمانی که خانواده‌اش باقی است زندگانی ... و ....

بند ٤ ـ با لشگری به مملکت سکاها رفتم ... در سکائیه ... درتیکر (دجله) ... در دریا باکشتی‌ها گذشتم جنگ کردم ... قسمتی راگرفته بسته نزد من آوردند ... سکون خا نامی راگرفتم ... دیگری را رئیس کردم چنانکه ارادهٔ من بود پس ازآن مملکت ازآن من شد (ازاینکه اسم دجله برده شده واینکه‌داریوش ازدریا گذشته معلوم‌است که‌این‌بند راجع بلشگر-کشی داریوش به‌سکائیهٔ اروپائی است) .

بند ٥ ـ ... اهورمزد نه ... من اهورمزد را سپاسگزارم به ارادهٔ اهورمزد من چنانکه میخواستم باآنها کردم .

بند ٦ـ کسی که اهورمزد راپرستش کند تا خانوادهٔ اوباقی باشد ...

کتیبهٔ کوچك الف ـ (که فقط بپارسی وایلامی نوشته‌شده) .

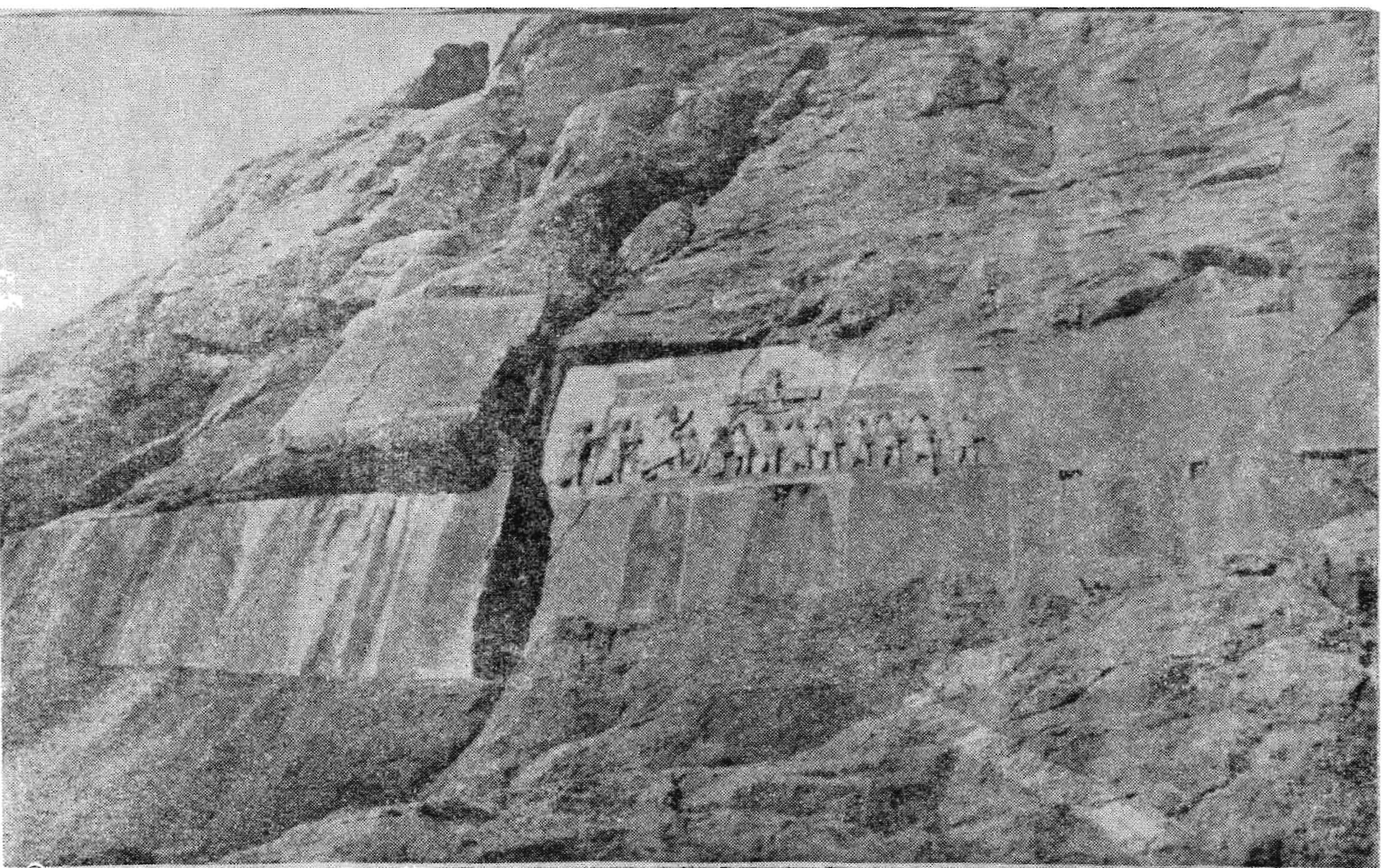
بند۱ـ منم داریوش شاه بزرگ شاه شاهان شاه ممالك پسروشتاسب نوهٔ ارشام هخامنشی .

بند ۲ـ داریـوش شاه گـوید پدرمن وشتاسب ، پدر ویشتاسب ارشام پدر ارشام‌آریامن، چش‌پش، پدرچش‌پش‌هخامنش .

بند ۳ ـ ازاین جهت ما را هخامنش نامند . دودمان ما از قدیم‌است از قدیم دودمان ماشاهی داشتند .

بند ٤ ـ هشت نفر از دودمان من پیش ازاین شاه بودند . من‌نهمین شاهم از زمانی دور ما شاهیم (بعضی ترجمه کرده‌اند از دودمان دو شاخه ماشاهیم) .

ب ـ این گئومات مغ است که دروغ گفت چنین گفت من بردیا پسر کورش هستم من‌شاهم . ←



کتیبهٔ معروف ومشهور بیستون

میشوند . ایرانیان ازنژاد ایرج وتورانیان از نژاد تور میباشند .

بعد ازجنگهای افسانه آمیزی که بین ایرانیان وتورانیان اتفاق افتاد سلسلهٔ کیان میآیند که همان هخامنشیان میباشند وتصور میرود جنگهای افسانه‌ای بین ایران وتوران همان هجومهای حقیقی باشد که درسومین هزارهٔ

ج ــ این آترین است که دروغ گفت چنین گفت من شاه خوزستانم .

د ــ این نی‌دین توبل است که دروغ گفت چنین گفت من بخت‌النصر پسر نبونیدم من‌شاه بابلم .

هـ ــ این فرورتیش‌است که‌دروغ گفت‌چنین گفت‌من‌خشتریت ازدودمان هووخشترهستم من شاه مادم .

و ــ این مرتیه است که‌دروغ گفت‌چنین گفت من‌اومانش (ای‌مانیس) شاه خوزستانم .

ز ــ این چیترتخم است که دروغ گفت چنین گفت من‌شاه‌ساکارتیم از دودمان هووخشتر.

ح ــ این‌وهی یزدات است که دروغ گفت چنین گفت مــن بردیه پسر کورش هستم من شاهم.

ط ــ این ارخ است که دروغ گفت چنین گفت من بخت‌النصر پسر نبونیدم من شاه بابلم .

ی ــ این فرداست که دروغ گفت چنین گفت‌من‌شاه مروم.

ك ــ این سکون خای سکائی است (فقط بپارسی و ایلامی نوشته شده) .

چنین است مضامین کتیبه‌های بزرگ و کوچك بیستون چیزی که در بادی امرجلب توجه میکند مکرراتی است که در این کتیبه ها دیده میشود و جهت‌آن بایداز اینجاباشد که داریوش امکان خراب‌یا محوشدن‌قسمتهائی را ازکتیبه‌ها پیش بینی میکرده و خواسته است که اگرجاهائی ازمیان‌رفت جاهای دیگری باقی‌مانده‌مطلب رابرساند ونیز بایددرنظرداشت که اکنون وقتیکه میخواهیم بمطلبی توجه خواننده را مخصوصاً جلب کنیم زیرعبارت را خط میکشیم یاآن عبارت را خطی درشت‌تر مینویسیم ولی در آن‌زمان هیچکدام ازاین نوع‌وسایل‌معمول نبوده وداریوش برای جلب‌توجه بمطلبی آنراتکرارکرده یابعبارت‌دیگرهمان‌مطلب‌رادردفعهٔ دوم‌نوشته‌است.(مترجم)

قبل ازمیلاد مسیح بدست آریانها صورت گرفته است .

گفته میشود که گشتاسب حامی زرتشت ازآن سلسله بوده و داستانهای سهراب و رستم که ماتیو آرنولد (Matthew Arnold) برای انگلیسی ها نقل کرده مربوط بهمان عصراست .

درآخراین داستان بشخصی موسوم به‌بهمن میرسیم که بدست رستم کشته شد بهمن رابه اردشیردراز دست تعبیرمیکنند که درسال ٤٥٠ قبل ازمیلاد مسیح سلطنت میکرد و همین شخص یعنی اردشیردراز دست اولین کسی است که بعنوان پادشاه حقیقی تاریخی معرفی میگردد .

داستانهای افسانه مانند تاریخ ایران تاظهور اسلام بهمین نحوادامه می‌یابد وازقرن هفتم بعدازمیلاد مسیح‌ازشکل‌افسانه‌ای خارج شده وصورت حقیقت بخود میگیرد واز آن تاریخ ببعد احساسات ملی ایران بجای افسانه‌های حماسی تاریخی بصورت مذهبی بازمیگردد .



فصل هفتم

پارت ها یا اشکانیان

تسخیر آسیای صغیر برای اولین بار باعث وسبب شد که قدرت و توانائی ایران باتمدن یونان متصل ومرتبط گردد و دنیای‌قدیم ناظریکی‌از مهمترین و بزرگترین زد وخوردهائی شد که گاهگاهی در تاریخ بین‌تودهٔ مردم ازیکطرف ودولت و یافرمانروای مقتدری ازطرف دیگرواقع‌میگردد.

جدال عظیم وقابل توجه مورد بحث ما عبارت از کشمکش و زدو خوردی بود که یك طرف‌آنرا جمعیتی تشکیل میداد که روی اطاعت و فرمانبرداری درراه عظمت پادشاهان خود با نظم وترتیب خاصی‌وبافداکاری قابل تحسینی میجنگیدند وطرف دیگرآن افراد وجماعاتی بودند که با تشکیل اتحادیه‌های منظمی برای استقلال وخودمختاری مبارزه میکردند وگاه‌بگاه هم بین‌خودشان نزاع وزد وخورد وقوع میبافت.

در بادی امر چنین بنظرمیرسید که سازمان عظیم و نیرومندی که از آن نام بردیم باید پیروز گردد اما تجربه نشان داده است که صمیمیت وخلوص نیت و داشتن هدف مشترك وپیروی از اصل اتحاد واتفاق‌مخصوصاً در صورتیکه با پیشوائی فرماندهان وسرکردگان غیور وشجاع‌توأم باشد

به حملات شدید ولی بی نقشه و بی‌هدف توده‌های عظیم فائق میگردد.

برای اثبات این امر همینقدر کافی است بگوئیم که در جنگهای ایران با ایالات یونان در مدتی که از ۲۰ سال متجاوزاست پیروزیهای یونان در ماراتون (Marathon)، ترموپایلی (Thermopyl e) وسالامیس (Salamis)و پلاتیا(Plataea)کافی بود که سپاهیان خشایارشاه رااز اروپا به‌آسیای‌صغیر براند و همین شکست های بظاهر کم ارزش آغاز سقوط امپراطوری ایران محسوب میشود .

حوادث ووقایعی‌هم درسالهای‌بعد روی‌داد که مربوط به‌زدوخوردهای داخلی است که از آنجمله میتوان مسافرت معروف ومشهور اکس‌نوفون (Xenophon) رابه‌آسیای صغیر نام برد.

در همین اوقات ایالات یونان که هریك خود را دولتی خودمختار میدانستند بواسطهٔ اختلافات و کشمکش‌های داخلی و نداشتن پیشوائی مقتدر ودلسوز دچار مخاطرات گوناگونی گشتند وازهمه بدتر هرآن خطر هرج ومرج و اغتشاش آنانرا بطرف انحطاط و نابودی سوق میداد ولی در همین لحظهٔ حساس روح تازه‌ای درمیان آنها دمیدن گرفت که نه تنهاعلوم و فلسفهٔ یونان را برای‌سراسر جهان آنروز محفوظ نگاهداشت بلکه‌ضعف آنانرا به نیروئی شگرف مبدل ساخت که آن نیرو تا حد زیادی موجب اصلاح خاور نزدیك گردید وحتی اروپا هم از نتایج آن بطور غیرمستقیم برخوردار شد .

این نیروی تازه عبارت ازهلنیزم(Hellenism) بود که ازخون تازه وقوهٔ‌تازهٔ مقدونیه(Macedon) بوجودآمد .

مقدونی‌ها درتوسعه وترقی فرهنگ یونان‌اقدامی‌نکردند ولی از آن

نتایج نیکوئی گرفتند .

مقدونی‌ها دارای آنچنان خواص تهاجمی بودند که توانستند فرهنگ یونان را تا حدی پیش برانند که اگر آن تهاجم و تحریك لازم مقدونیه ظاهر نمیگشت بطور حتم فرهنگ یونان کم کم ضعیف شده و از میان میرفت .

بهرحال در اثر این تهاجم افکار و مرام‌های گوناگونی بوجود آمد که از آن زمان تا کنون در تاریخ بشر سابقه نداشته و ندارد .

خاصیت اصلی هلنیزم چنین بود که فرهنگ و عقایدی را که با آن تماس میگرفت محو و یا ناقص نمیساخت بلکه از مجموع آنها چیزهای لازم بیرون میکشید.

هلنیزم روح اغماض کننده ودموکراسی داشت وطبعاً از جنبهٔ بازرگانی واستعماری هم سهم وافری میبرد .

با یك دست فلسفهٔ آریائی ایران وهندوستان و با دست دیگر داستانهای تیوتونیك (Teutonic) جن وپری اروپا را حفظ میکرد .

دوران حیات واقعی وعملی این نهضت پیش از چند قرن دوام نیافت ولی تأثیر و نفوذ آن در فلسفه ومذهب وعلوم (مخصوصاً در خاور) خیلی مهم و قابل توجه بود بهرحال چه در آسیا وچه در اروپا سالهای متمادی اساس موضوعات علمی روی تحقیقات یونان دور میزد و موقعی که اروپا خواست مطالعات خود را ادامه دهد بمفسرین و محققین عرب مراجعه شد درصورتی که آنها هم از سرچشمهٔ علمی وفلسفی یونان استفاده میکردند .

افسانه هائی که راجع به اسکندر کبیر در داستانهای مشرق زمین موجود است بهترین دلیل برای اثبات این مدعاست زیرا طبق داستان‌ها اسکندر از طرفی سرداری بزرگ وفاتحی دلیر جلوه گر شده واز طرف دیگر

اورا عامل ورواج دهندهٔ علم وتمدن هلنیزم ذکر کرده‌اند .

بطورقطع ویقین گذشته‌ازاستعدادنظامی‌وسپاهی گری‌عوامل دیگری هم برای پی‌بردن به‌علل پیشرفت سریع اسکندر وجود داشته‌است که باید مطالعه کنندگان تاریخ‌آن عوامل مهم ومؤثررا ازنظر دورندارند .

البته امپراطوری ایران در آن زمان ضعیف وناتوان شده وبه ایالات متعددی تقسیم گردیده بود وازاین گذشته مرامها وعقـاید تازه‌ای که دنیا را دچار زحمت ومرارت ساخته بود میبایستی دیریـا زودآثارمتزلزل خود راآشکارسازد .

خلاصهٔ مطلب مدتی که کمتراز دهسال بـود کافی شد که اسکندر مقاومت امپراطـوری ایـران را در هم بشکند وسلسلهٔ هخامنشی را منقرض سازدآسیای صغیرو سوریه ومصروبین‌النهرین وایران وباکتریا(Bactria)یا ترکستان وهند شمالی راتحت سلطه واستیلای هلنیزم درآورد .

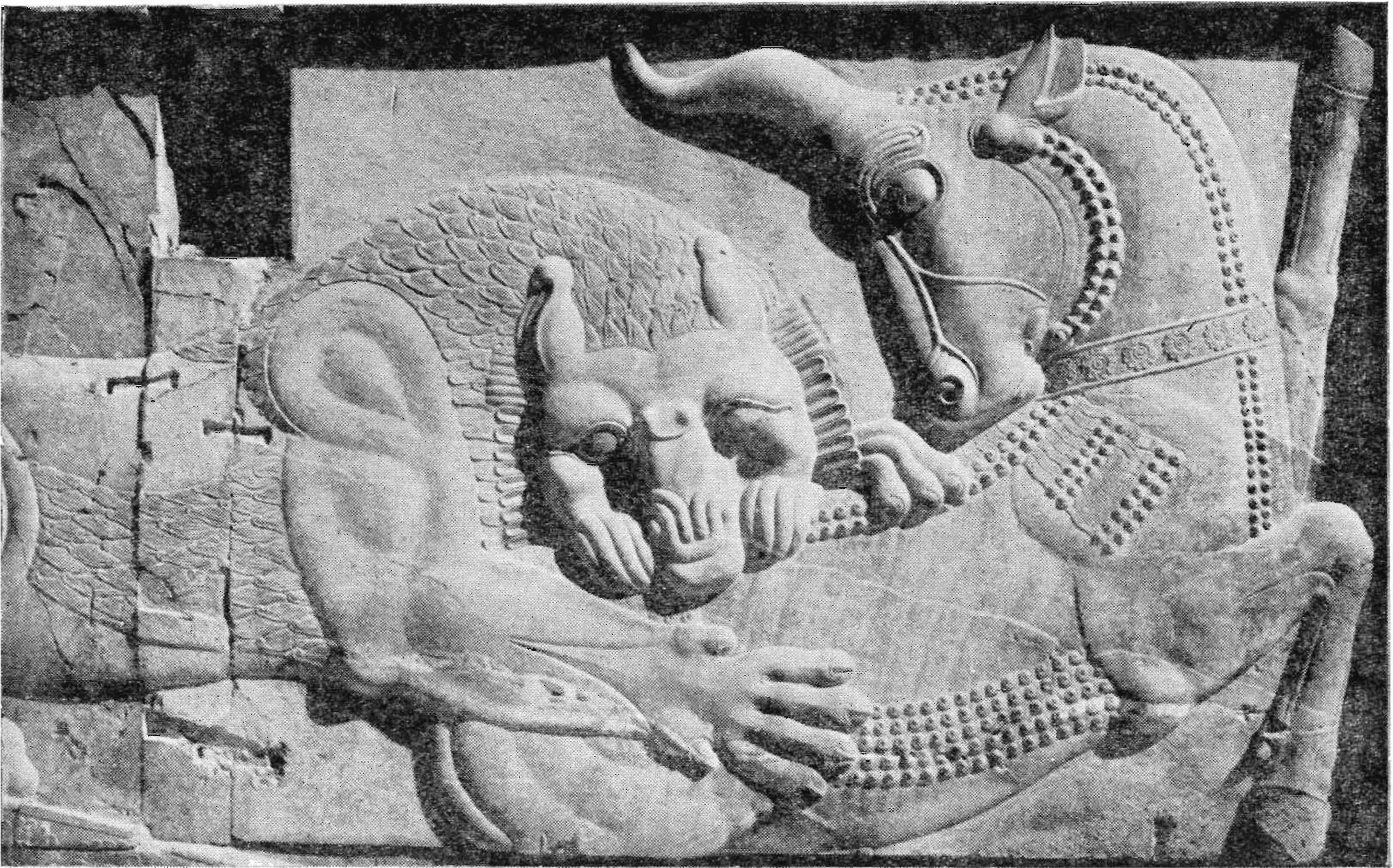
پیروزیهای شخص‌اسکندرچندان دوام نیافت زیرااودرسال ۳۲۳قبل ازمیلادمسیح‌ازاین جهان‌رخت بربست ولی‌شهرت ونفوذ وی مدتها باقی‌ماند.

نام اسکندر درقرآن ذکرشده است(۱) ودر افسانه‌های جنگجویان ملی ایران اورا یکی از افراد خاندان هخامنشی مـیدانند و همین موضوع بخوبی‌میرساند که درداستانهای‌ایرانی جدیت خاصی بکار میرود تاهرچه را خوب ومورد پسند باشد به ایران نسبت دهند .

امپراطوری عظیم و وسیع اسکندر را چندی سلوکوس (Seleucus)

---

۱ ــ در قرآن مجید اسمی از اسکندر برده نشده و تصور میرود که مقصود مؤلف کتاب کلمهٔ ذوالقرنین بـاشد که دربعضی ازسوره ها بچشم میخورد . (مترجم)



تخت جمشید نقوش برجستهٔ شیر و گاو که مکرر در پله‌کانها حجاری شده است

سردار بزرگش اداره میکرد وهمین مدت کوتاه کافی بود کـه یونانی‌ها و مقدونی‌ها با استعداد مافوق تصوری درادارهٔ امورمستعمرات موقعیت‌خویش را مستحکم سازند .

در آن هنگام ارتباط کاملی بین اشرافیت مقدونیه واشرافیت ایران بر قرار گردید . مستعمرات یونان درهمه‌جا مخصوصاً درباکتریا که‌امروزه ترکستان نامیده میشود مستقر شدند که هم اکنون آثار آن ازموی بورو چهرهٔ بازو روشن پاره‌ای مردم ترکستان بخوبی مشهود است.

امپراطوری اسکندر مانند هرامپراطوری وسیع دیگری بزودی به دولت های مستقل کوچکی تقسیم گشت . خاندان سلوکوس کـه آنان را سلوکید(Seleucids)مینامندقریب‌به‌یکصدسال دیگردرخاورنزدیك‌سکونت داشتند ودرهمان موقع سلسلهٔ دیگری بنام بطالسه(Ptolemies)درمصر تأسیس یافت .

مقدونیه چندی دوراز صحنه‌های مبارزه بزندگی خود ادامه میدادو پس ازآن نخستین قربانی دولت مقتدری شد که بنام روم(Rome)از مغرب قیام کرده بود .

در همان ایام سلسلهٔ مقتدر تازه‌ای درایران پدیدارگشت که‌توانست سلوکیدها یعنی سلسلهٔ سلوکوس سردار معروف اسکندر راکه در اثرطول زمان ناتوان وضعیف شده بودند منقرض‌سازد .

پارت‌ها نظربه پاره‌ای ملاحظات درتاریخ رزمی‌ملی‌ایران نام‌ونشانی ندارند و از این گذشته دورهٔ پانصدسالهٔ سلطنت‌آنان بواسطهٔ ایجاد شکافی عمیق چنان بدست فراموشی سپرده شده است که نشانی هم ازآن در دست نیست و چنین بنظر میرسد ساسانیان که در قرن سوم بعد از میلاد مسیح

بروی‌کار آمدند بلافاصله بعد از انقراض هخامنشیان درقرن چهارم قبل از میلادمسیح به‌سلطنت‌رسیده‌اندو درخلال این چندقرن یعنی بین قرن‌چهارم‌قبل‌از میلادوقرن‌سوم‌بعدازمیلاد وازهخامنشیان تاساسانیان، اشکانیان وجودخارجی نداشته‌اند و ممکن است این موضوع ازآن نظر باشد که اشکانیان اصلا ایرانی نبوده‌و تورانی هستند ولی درهرحال باوجودی که نفوذآنان‌چندان دوامی نداشت درتاریخ ایران مقام مهمی‌را حائز میباشند .

در سال‌دویست‌وپنجاه قبل ازمیلاد اشکانیان ازامپراطوری‌سلوکیدها جدا شدند و بزودی برضد آنان قیام کردند ولی تامدتی سلوکیدها علاوه برجلوگیری از پارت‌ها بفتوحاتی هم نائل میشدند چنانکه در سال ۲۰۶ قبل از میلاد مسیح آنتیوچ کبیر(Antioch)تا هندوستان هم پیش رفت‌ولی باوجود تمام اینها جانشین‌های اسکندر از مدتها قبل رو‌بسقوط میرفتند و همینکه مقدونیه درغرب درتحت استیلای جمهوری جدید وحریص روم قرارگرفت بخوبی معلوم‌وآشکاربود که سلوکیدها هم درشرق بزودی‌سقوط کرده و منقرض خواهند شد.

سلوکیدها که وظایف خود را در استحکام مقررات و مبانی هلنیزم انجام داده‌بودند میبایستی‌دیریازودجای‌خود رابه‌نیروی‌فاتح‌تازه‌تری بدهند.

امپراطوری‌آنان بین رومی‌ها وپارت‌ها تقسیم شده دو کشور کوچك پادشاهی ازمیان آن خرابه‌ها باقی ماند که یکی ازآنان پادشاهی کوچك پونتوس (Pontus) درآسیای صغیرودیگری دولت ارمنستان بود .

ارمنی‌ها که ازنژادآریائی بودندازطرف مغرب پیش‌آمده ودرجنوب قفقازسکونت گزیدند وازهمان‌موقع‌دچاریك سلسله وقایع غم‌انگیز تاریخی گشتند که هنوزهم پایان نیافته است .

دودولت ضعیف وپوشالی پونتوس و ارمنستان در درجهٔ اول باعث و سبب شدند که رومی‌ها وپارت‌ها را بایکدیگر اصطکاك دهند وتا مدتی هم همین اصطکاك موجب شد که هر دودولت پوشالی مذکور استقلال خود را حفظ کنند و حتی در خلال آن مدت تا حدی هم برقدرت خود بیفزایند تاآنکه آخرالامردرسال شصت قبل ازمیلاد مسیح هردو کشوربتصرف پمپی (Pompey)درآمدند.

رومی‌ها وپارت‌ها بایکدیگر هم‌مرزشدند بطوریکه هر کدام تا هر جامیتوانستند پیش میرفتند.

درسال پنجاه وسه قبل ازمیلاد مسیح رومی‌هاپس ازجنگ سختی در کاراهی(Carrhae) کهاکنون حران (Harran)نام دارد ودریکی از نقاط سرحدی دولتین سوریه و ترکیه واقع است شکست خوردند وازآن تاریخ ببعد پیشرفت وموقعیتی درشرق نصیب آنان نگردید.

درحدود دوقرن بعد زدوخوردهائی که هدف معین ومشخصی نداشت بین رومی‌ها و پارت‌ها ادامه یافت وگاهی هم موفقیت‌هائی نصیب طرفین میشد تا آنکه هردوطرف متخاصم دچارضعف داخلی گشتند.

ازدودولت متخاصم اولین طرفی که ازپای درآمد پارت‌ها بودند اما بهرصورت آنان تکالیف ووظایف خود راازنظر مسئولیتی که نسبت به‌حفظ وحراست کشورشان داشتند انجام دادند زیرا درمدتی که متجاوزازسه قرن میشود ازتجاوزات يك دولت‌نیرومندی که میخواست قلمروفرمانروائی خود راتوسعه‌دهد وتمام دولتهائی‌را که درسرراه خودمی‌یافت بدون اندك ترحمی ازپای در میآوردمقاومت کردندوازتجاوزات بی‌حدوحصررومی‌ها جلوگیری نمودند.

هنگامی که اشکانیان یعنی پارت ها از کار میافتادند حریف آنـان یعنی رومی‌ها هم ناتوان شده بودند وخدمت بزرگی که پارت هـا بتاریخ ایران کردند همین قضایا بود .

پارت‌هـا درقسمت فرهنگ کارمهمی انجام نداده‌اند ودراین بـاره آثاری ازآنان دردست نیست .

امپراطوری پارت‌ها که از شمالشرقی ایران آغاز گردید ودر اندك زمانی درسراسر کشور توسعه یافت ازحکومت‌هـای ملوك‌الطوایفی تشکیل میگردید وتحت نظرمستقیم خاندان‌سلطنتی‌اشکانیان اداره میشد وحکومت روحانی ومذهبی آن دوره هم بامغ‌ها بود .

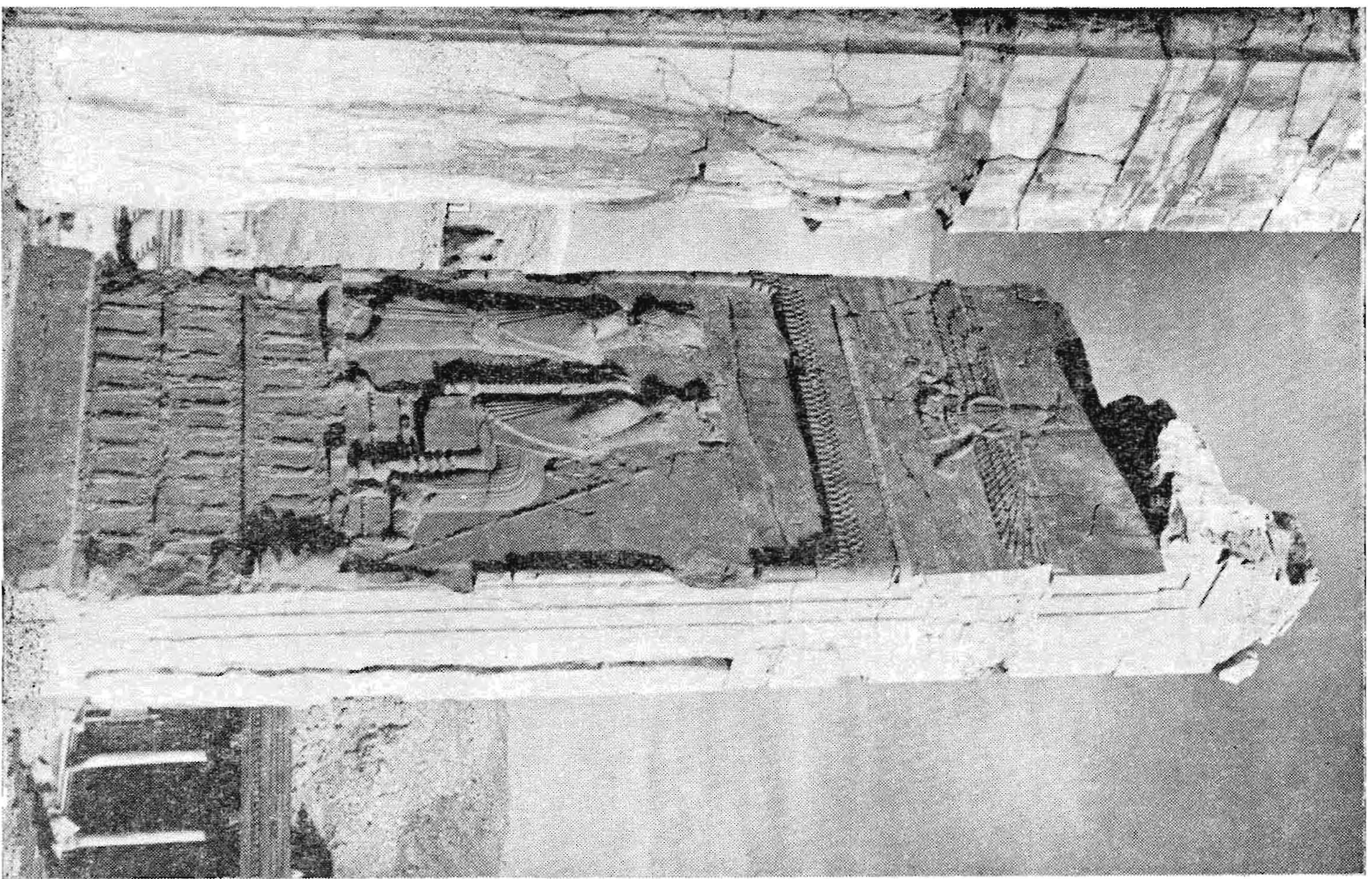
نیروهای اصلی پارت ها را سپاهیان چریك ملوك الطوایفی تشکیل میدادند. این سپاهیان ظاهراً ازاصول‌فنی وعلمی جنگی اطلاعاتی نداشتند و فقط باتاکتیك سادهٔ ایلاتی میجنگیدند و یگانه مهارت‌آنـان این بود که بقول امروزی‌ها بخوبی میتوانستند بطور دروغی عقب نشینی کنند .

مذهب پارت‌ها نوعی‌مذهب زرتشتی مانند بود که باپرستش اجداد و خورشید و ماه و ارباب انواع یونان وعقاید خرافاتی سامی‌ها توأم گشته‌و بقول معروف مذهبی هفت رنگ شده بود .

در زمان سلطنت اشکانیان زنان گوشه‌نشین بوده و درپرده میزیستند وپرده‌ای ازفرهنگ «هلنیك» برروی همه چیز کشیده‌شده بود.

مذاهب یونانی برای پیروان آئین‌یونانی و یهود ومسیحیت‌احترامی قائل بوده وآزادی آنانرا رعایت میکردند .

گرچه‌زبان رسمی‌آنروز اشکانیان پارتی‌بود که حالا بنام‌زبان‌پهلوی شهرت یافته است ولی‌ادبیات آنان ازمنابع ادبی‌یونان سرچشمه میگرفت



تخت جمشید ، نقوش برجستهٔ داریوش وخشایارشا ازکاخ سه دروازه

و نیز ارتباطی هم باچین داشتند که درآنموقع دولت مهمی شده قدرت و توانائی خود را درباختر هم جلوه گرساخته بود .

درسال یکصدوپنجاه قبل از میلادمسیح حملهٔ قبایل هون (Hun) بسرحدات شرقی پارت‌هاازوقایع مهم تاریخ‌است که زیان‌آن مستقیماًمتوجه اشکانیان گردید .

از آثار معماری اشکانیان میتوان معبد وآثار مسجد سلیمان رانام برد که درمیدانهای نفت خوزستان ودرنزدیکی‌شرکت‌نفت انگلیس‌وایران قرار دارد .

اشکانیان بساختن طالارهای مسقف وطاق نماها باسقف‌های ضربی و طاق‌نما دار شهرت دارند .



فصل هشتم

سلسلهٔ ساسانیان

در سال ۲۲۶ بعداز میلاد مسیح اردشیر پسر ساسان آخرین پادشاه سلسلهٔ اشکانی را مغلوب‌ساخت وازطرف مشرق تا هندوستان پیش‌رفت‌وپس از آن متوجه مغرب گردید، ارمنستان را ازپای درآورده و امپراطوری روم را که از هرحیث ضعیف شده رو بانحطاط و نابودی میرفت بمبارزه طلبید.

با این ترتیب سلسلهٔ‌ساسانیان پدیدآمد اوضاع واحوال هم باآنان مساعد گشته وترتیبی پیش‌آمد تاتوانستند جائی‌را در تاریخ ایران‌بگیرند که درجهٔ دوم هخامنشیان باشند و بقدری داستان نویسان ایرانی در این مورد تند رفته‌اند که ساسانیان را بدون واسطه به‌نیاکان مشهور خودشان هخامنشیان چسبانده‌اند .

طبق‌روایات‌ایرانی اردشیرپسرساسان رااز اولاد برادربهمن‌دانسته‌اند و بطوریکه اطلاع داریم بهمن نخستین کسی است که تاریخ ایران او را قهرمان ملی ایران میداند واین انتساب هم بهیچوجه درست نیست زیرا اردشیریکی ازامرای دست نشاندهٔ پارت ها بوده است ولی روح‌افسانه‌سازی ایرانی بقدری قوی است که اردشیرمؤسس سلسلهٔ ساسانی رادرشمار

سلاطینی قرارداد که دارای مقام روحانیت وارتباط آسمانی بوده‌اند .

درموقع تسلط اعراب برایران هم بهمین نوع احساسات ملی برمیخوریم.

تاریخ سیاسی ساسانیان مشتمل بریك سلسله جنگهای طولانی است که بارومی‌ها داشته‌اند وازسال ۳۷۰ میلادی ببعد هم باامپراطوری بیزانتین (Byzantine) یعنی روم شرقی درجدال بوده‌و گاهی هم‌درمشرق باهون‌ها[1] وترك‌ها زد وخورد کرده‌اند .

ازسلسلهٔ ساسانیان پادشاهان بزرگ وسرداران شجاعی برخاسته‌اند. شاهپوراول در سال ۲۶۰ میلادی والرین (Valerian) امپراطور روم را اسیر کرده به‌ایران آورد و پادشاهان دیگراین سلسله عبارتند از شاهپور کبیر (۷۹ـ۳۰۹ میلادی) بهرام گورشکارچی‌معروف(۴۰ـ۴۲۰ میلادی) انوشیروان دادگر (۷۹ـ۵۳۱ میلادی) که در زمـان سلطنت آنان سازمان امپراطوری ایران تجدید شد ـ قوانین لازم بمنظور رفاه وآسایش مردم تنظیم وتدوین گردید ـ راهها وپلها ساخته شد ـ سدها ومجاری آبیاری احداث گردید .

باید باین نکته توجه داشت که پادشاهان ساسانی تنهاهم خود را مصروف جنگهای تـاریخی و توسعهٔ خاك سرزمین قلمرو فرمانروائی خود نمیکردند بلکه اصلاحات داخلی ورفاهیت اهالی مملکت هم همواره مورد نظر آنان بود .

راهها ، پلها ووسایل آبیاری آنها ازبهترین نوع عصرخودشان بشمار میآمد وآثار آن هنوزهم درنقاط جنوبی و غربی کشور ایران دیده میشود

---

۱ ـ هون ویاهان نام نژاد دربدرآسیائی است که درسده‌های چهارم وپنجم میلادی دراروپا تاخت وتاز کرده‌اند وآنانرا خراب کنندگان آثار تمدن هم میگفتند . (مترجم)

که ازآن جمله بند قیصردر شوشتروسدآب گرگر درصحرای خوزستان رامیتوان نام برد .

ایوان‌مشهورومعروف‌مدائن تیسفون(Ctesiphon)[1] که درنزدیکی بغدادپایتخت کشورعراق واقع است وهمچنین‌کاخ‌های‌قصرشیرین وکازرون ونیشابور ومحلی موسوم به‌نقش رستم که درنزدیکی کرمانشاه واقع شده و درآنجاعکس‌رستم راحکاکی کرده‌اند نمونه‌ای ازکارهای‌ساسانیان میباشند.

ساسانیان به ورزش وبازی‌هائی که نیروی تن را زیاد میکند خیلی اهمیت میدادند. چوگان بازی راخیلی دوست‌داشتند .

پیدایش بازی شطرنج را درایران بآنان نسبت‌میدهند واز همه‌بالاتر آنها برای ترویج ادبیات‌اقدامات اساسی بعمل آورده‌اند وصاحبان‌علم‌وهنر راگرامی داشتند .

بسیاری ازداستانهای حماسی‌وملی ایران درزمان‌آنان جمع‌آوری

۱- ایوان مدائن یاطاق کسری که درمحلی بنام سلمان پاك واقع‌است بیننده را دچار حیرت میسازد وخود اینجانب همین امسال که برای گذراندن ایام تعطیل عید به‌عتبات عالیات مشرف شده بودم ازطاق کسری دیدن کردم وازاینکه نیاگان ما چنین بنائی را ازخود بیادگار گذارده‌اند درخود احساس غرور وسربلندی کردم . البته خوانندگان گرامی هر وقت سال که بدیدن طاق کسری بروند ایرانیان زیادی رادرآنجاخواهند دید . سبك معماری وساختمان این ایوان بیننده رادچارحیرت میسازد وتعجب در این است که درآنموقع‌بانبودن وسایل لازم چگونه توانسته‌اند ایوانی باین عظمت رابسازند. مقبرهٔ حضرت سلمان پارسی که ازاصحاب عالیقدر حضرت محمدبن عبدالله (ص) بوده است در۳۰۰ متری طاق کسری واقع است و بهمین جهت‌آنجا راسلمان پاك مینامند که شیعیان مولای متقیان علی علیه - السلام‌همگی برای‌زیارت‌آن حضرت بآنجامیروند وازطاق کسری هم که جزء مفاخرملی ایرانیان است دیدن میکنند . (مترجم)



کرمانشاه، طاق بستان، نقش برجستهٔ خسروپرویز درحال شکار ازآثار ساسانی

گردید . کتاب مذهبی اوستا که بصورت جزوه‌های کوچکی بود بدستور ساسانیان جمع‌آوری گردید و با تفسیر دریك جلد بزرگ تدوین شد .

لازم است دربارهٔ زبانهای مختلفی که نام آنان در موقع مطالعهٔ ادبیات ایران بچشم میخورد نکتهٔ مهم و قابل توجهی را باطلاع خوانندگان گرامی برسانیم .

مطابق تحقیقاتی که بعمل آمده قدیمی‌ترین زبانهای ایران زبان اوستائی میباشد و اینطور استنباط میشود که زبان اوستائی همان زبانی باشد که مدها بآن سخن میگفتند . پس از آن زبان قدیم هخامنشیان میآید که روی آثار آن سلسله حجاری کرده‌اند . سپس زبان پارتها یعنی اشکانیان که همان زبان پهلوی باشد رواج پیدا کرد که مورخین آنرا زبان متداول تاریخ ادبیات ایران دانسته‌اند و مربوط به اشکانیان وساسانیان میباشد .

زبان کنونی ایران زبانی است که پس ازاستیلای اعراب به ایران تحت تأثیر زبان عربی واقع گردید و با الفبای عربی پدیدآمده است .

اوستا در آغاز باالفبای مخصوص بخود نوشته میشد ولی اوستای دورهٔ ساسانیان باالفبای تازه تری نوشته شد که آثار عوامل آسوری و آرامی نیز درآن خط دیده میشود .

کتاب زند یا تفسیر اوستا با خط دورهٔ ساسانیان نوشته شده است و بعداً تفسیرهای دیگری موسوم به پازندرا با خطوط اوستائی و یا عربی (فارسی) نوشته‌اند .

چون درزمان سلطنت پارتها، مغها ضعیف شده‌بودند ومذهب زرتشت نیز فاسد گشته بود ساسانیان کوشش زیادی کردند که آئین زرتشت را بپاکی روز نخستین بر گردانند وحقیقت مذهب را همانطوریکه قبلا بوده

است مستقر سازند ونفوذ باستانی آریائی را باتشریفات مذهبی که ازمیان رفته بود بهمان صورتی که روز اول بوده استدوباره تجدید کنند .

یکی ازجالب‌ترین آن موضوعات آئین میترائیسم (Mithraism) بود. این آئین زمان پمپی در امپراطوری روم پدیدآمد وچنین بنظر میرسید که این آئین میتوانداحتیاجات آنروزمردم‌را مرتفع سازدزیرا تعلیمات آن‌عمیق‌تر و بمراتب بهتر وروحانی‌تر ازپرستش خدایان نرومادهٔ حادثه جو وعشقی یونان و روم بشمار میآمد وتا مدتی هم رقیب جدی مسیحیت بودو شایدهم شکست وسقوط آن بیشتر ازاین جهت بود که به مادیات زیاد تکیه داشتو مبانی اخلاقی را کمتررعایت میکرد .

جانشین میترائیسم رومی‌درایران آئین‌مانی‌بود که‌اهمیتش‌ازمیترائیسم بمراتب بیشتر شد .

آئین مانی درقرن سوم میلادی درست درموقعی که ساسانیان‌مشغول استحکام مبانی‌دینی خود بودند ظهور کرد .

تعلیمات این مذهب جنبهٔ انتخاب و گلچینی داشت وبرای تفاهم‌بین مذاهب زرتشتی و مسیحیت وبودائی وآسوری کوشش‌میکرد و درعین حال برخلاف تعلمیات زرتشت که از زندگانی مادی و آسوده طرفداری میکرد آئین مانی زندگانی انزواو رهبانیت را سفارش مینمود و برعکس مذهب زرتشت که عناصرجسمانی وروحانی را دراصل خوبی مشمول میدانست‌مانی معتقد بود که جهان مادی نتیجهٔ اختلاط نور وظلمت استو بنابراین‌شرارت کامل میباشد و بهمین دلیل برهم‌زدن جهان مادی مورد پسند واقع‌میگشت و هر عملی که از قبیل‌ازدواج وغیره موجب ادامهٔ حیات گردد جزءِ اعمال خبیثه بود .

این موضوع تا حدی شگفت‌آور است که اگرچه مانی، بودا ومسیح و زرتشت را برسمیت میشناخت‌ولی‌بامطالعهٔ مقررات آئین او بخوبی استنباط میشد که‌تعلیمات مانی مخالف باتمام‌آن‌مذاهب میباشدوبهمان جهت‌پیروان مانی دائماً دررنج و عذاب بودند.

باوجود تمام اینها آئین‌مانی توسعه وانتشار یافت‌و کشور تبت‌مرکز آن شد ودرقرن سیزدهم میلادی اساس بدعت های مشهوری بنام آلبی‌جن-سیس (**Albigenses**) گردید.

افکار و عقاید منفی و خراب کنندهٔ مانی با طبیعت ایرانیان تناسب داشت زیرا اینگونه نهضت‌ها در ایران سابقه دارد. درقـرن ششم میلادی پیامبردیگری بنام مزدك از ایران برخاست او نیز مـردم را بـرهبانیت و انزوا میخواند.

مزدك متهم به دارا بودن ونشرافکار کمونیستی بود ولی این قسمت یعنی کمونیستی‌مزدك‌تهمتی‌است که کهنه‌پرستان‌بهر فلسفهٔ تازه‌ای‌واردمیآورند.

سیاست ساسانیان نسبت بافکار و عقاید تازه بطورکلی سیاست تسامح و تاحدی هم تشویق‌آمیز بنظر میرسید. مثلا تعلیمات جدید افلاطون که به ایران آمد ومورد مطالعه قرار گرفت جای خود را محکم نگاه‌داشت و آنقدر دوام‌آورد که در فلسفهٔ اسلامی‌نیز نفوذیافت وبالاخره به‌نهضت‌صوفی-گری قرون وسطی منتهی شد وباید باین نکته‌توجه داشت فقط در موقعی که آئین وبدعت تازه استحکام مبانی دولتی را متزلزل میساخت با کمال شدت ودراسرع وقت ازبین میرفت.

آئین مزدك بافساوت و بی‌رحمی زایدالوصفی درهم شکست وتاریخ مسیحیت بخوبی نشان میدهد که دردورهٔ ساسانیان‌سیاست آن سلسله‌برروی

ملاحظات عملی استوار بود وهمینکه در سال ۳۲۳ میلادی کنستانتین کبیر (Constantine) به‌آئین مسیح گروید ودین مسیح مذهب رسمی امپراطوری روم شد مسیحیان ایران مانند ستون پنجم در این سرزمین معرفی شدند و تمامی آنانرا متهم کردند که ازدشمنان‌تاریخی ایران یعنی رومی‌های‌مسیحی طرفداری میکنند ودرسال ٤٢٤ میلادی این اختلاف بقدری شدت گرفت و احساسات‌ملی ایرانیان بطوری برانگیخته‌شد که مسیحیان شرقی‌استقلال خود را اعلام کردند وکلیسای آنان ازکلیسای مسیحیان غربی جداشد اما ساسانیان نظر بمقتضیات سیاسی‌طوری عمل کردند که علاوه‌برجدائی‌دسته‌های مختلف مسیحیان و ایجاد نفاق و کدورت بین آنان بجنگ های مذهبی با یکدیگر مشغول گشتند و در همانموقع بود که بواسطهٔ بدعت نسطور(Nestorius) اسقف اعظم قسطنطنیه عقایدمسیحیت بشعبات متعددی تقسیم گردید .

چنین بنظر میرسید که ایجاد این اختلاف بواسطهٔ دقت و موشکافی در عقاید مسیحیت پدید آمده‌است ولی باید خوانندگان گرامی آگاه‌باشند که این موضوع جنبهٔ‌سیاسی‌داشت ومانندسایر مواردآنرابرنگ دین‌وعقاید مذهبی جلوه‌گرساخته‌اند .

نسطور عقیده داشت که حضرت مسیح‌دارای دوذات و دوطبیعت‌است وکلیسای مغرب معتقد بود که این پیغمبر مرسل یك‌ذات ودوطبیعت داشت و بیزانتاین‌ها به پیروی ازفلسفه مونوفیزایت[1] (Monophysite)میگفتند که اودارای‌یك ذات ویك طبیعت بوده‌است .

---

۱ ـ مونوفیزایت کسی که عقیده دارد بأینکه مسیح دارای یك ذات‌است و بس.(مترجم)

پادشاهان ساسانی از این فرصت استفاده کردند واز زرتشتی شدن مسیحیان چشم‌پوشیدندو درمقابل آسوری‌های بین‌النهرین‌راتشویق‌میکردند تا مذهب نسطور را بپذیرند وازکلیسای بیزانتیوم جدا گردند .

ارمنی‌ها به فلسفهٔ مونوفیزایت که مسیح را دارای یك ذات و یك طبیعت معرفی‌میکرد متمسك گشتند ولی با وجود قبول این فلسفه ازعقاید بیزانتیوم‌اطاعت‌نکرده وازکلیسای آنان‌جداشده‌کلیسای‌دیگری‌برای‌خودشان تشکیل دادند که کلیسای هردو دسته تا کنون باقی است .

نسطوری‌ها در واقع عادت وسیرت ایرانی داشتند ومبلغین‌آنهابرای ترویج عقایدشان تا هندوستان وچین ونقاط دیگرعالم رفتند وحتی‌معتقدند که‌ایوزمقدس(St Ives)اسقف‌اعظم‌ایرانی بوده ودرقرن‌ششم میزیسته است در اواخر سلطنت سلسلهٔ ساسانی نفوذ نسطوری ها در ایران بسیار قوی بود بطوریکه همسر خسروپرویز آخرین پادشاه سلسلهٔ ساسانیان مسیحی بوده است .

فصل نهم

ظهور پیامبر بزرگ اسلام

ما تاکنون ایرانی را مورد مطالعه قرار داده بودیم که بندرت تحت تسلط وحکمفرمائی بیگانگان بوده است.

مهاجمین بیگانه بارها کشور ایران را مورد تاخت وتاز قرار دادند و فاتحین بزرگ وموفق جهان هم باین کشور روی‌آوردند و گاهی هم در این‌سرزمین نفوذآنان‌قدرت‌وقوت بسزائی‌یافت ولی‌این تجاوزات واین‌تسلط وفرمانروائی‌هانتوانستندتأثیر عمیقی‌درتودهٔ سخت‌ومحکم ایران‌داشته‌باشند.

چنین بنظر میرسد که فقط یك‌قدرت جهانگیر دارای این‌شانس‌شد که بتواند طوری‌برتودهٔ ایران تأثیر بخشد که سرشت‌آنرا بکلی عوض کند و ایرانی را باطرز فکر وعقیدهٔ جدیدی غیر ازآنچه قبلابود درآورد.

موقعی که اعراب هجوم بی‌سابقهٔ خود را بخارج از عربستان آغاز کردند با دوامپراطوری‌مواجه گشتند که عبارت بودند از امپراطوری روم و امپراطوری‌ایران‌وهردوامپراطوری بواسطهٔ جنگهای خارجی‌و کشمکش‌-های مداوم داخلی ضعیف شده وهردو بیش از حد معمول یك امپراطوری دوام یافته بودند.

اعراب امپراطوری اول را که همان امپراطوری روم باشد در آسیای صغیر مجبور به عقب نشینی کردند وامپراطوری ایران‌را هم‌بکلی از پای در آورده منقرض ساختند .

این اولین باری نبود که ایرانیان بااعراب تماس حاصل کردندزیرا قبل از آنهم کشورهای کوچك سلطنتی عرب در صحراهای سوریـه وجود داشتند که با ایرانیان درتماس‌بودند وازآنجمله میتوان کشورسلطنتی‌حیره را در عراق وغسان را در سوریه نام برد .

این کشورهای کوچك سلطنتی با درنظر گرفتن مصالح خودشان و مقتضیات روزگاهی تابع‌امپراطوری ایران بودندوگاه خودرا تحت الحمایهٔ بیزانتیوم یاروم شرقی میدانستند .

در جنوب عربستان که حالاً بنام یمن معروف است کشور پرنعمت حمیری‌ها حکومت میکرد که در سال ۵۷۶ میلادی ایرانیان این دولت را بکلی منقرض ساختند ودرهمان موقع بود که ارتش ساسانیان مهاجمین‌را از حبشه بآنطرف ساحل دریای قرمز راند .

واقعهٔ مهم‌دیگری که درسال ۶۱۰میلادی روی‌داد این بود که‌اعراب حیره در ذوقار قوای ایران را شکست داد ولی هیچ یك از این وقایع علت سقوط ساسانیان نبوده است .

در تاریخ‌اولیهٔ خاورنزدیك اعراب گاهگاهی‌بعنوان اقلیت‌بی‌اهمیتی خودنمائی میکردند .

سازمانهای بدوی و سادهٔ آنها مانع ازآن بود که اهمیتی پیدا کنند و مورد توجه دول آنروزجهان واقع گردند .

تشکیلات آنها عبارت از تشکیلات عشایری غیرمرتبی بود وبیشتر

زندگانی آنان ازحمله وغارت یکدیگرمیگذشت وتاموقعی که یك روحیهٔ غیرعادی در میان این اعراب دیده نشد نتوانستند باهم متحد شوند .

مذهب وزندگانی اجتماعی اعراب خیلی ساده میگذشت .

ابتدا مذهب آنان آنی‌میزم (Animism) خالص بود ومعتقد بودند که درخت‌ها وسنگ‌ها وچشمه سارها دارای روح هستند وآنها رامیپرستیدند.

متدرجاً افکارآنان ترقی کرد وهرطایفه‌ای برای خودخدائی انتخاب کرد وهرشهری بیك آئین وبیك الوهیت خاصی قائل گشت که از اطراف برای زیارت آن خدای انتخابی میرفتند .

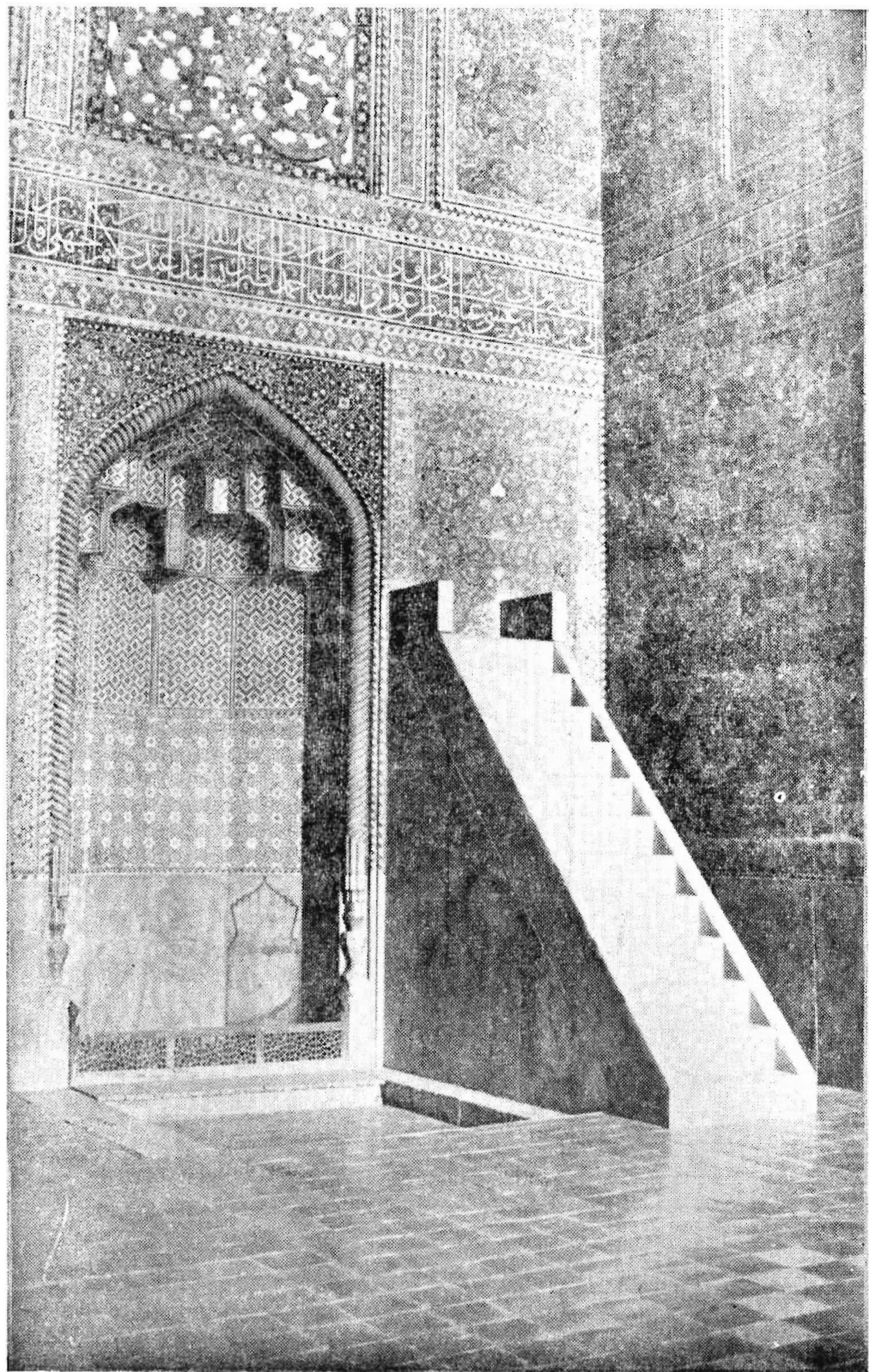
این رویه بدون تردید برای پیشرفت امور اقتصادی اتخاذ شد زیرا هرشهری که‌خدای‌قبیله وطایفه‌درآن شهربودمرکز تجارت‌وتمدن میگردید.

مکه ومدینه‌ازشهرهای حجاز که درسرراه کشورحاصلخیز وپرنعمت یمن قرار داشتند ازشهرهای عمدهٔ عربستان بشمار میآمدند ودراین دوشهر مذهب اعراب بواسطهٔ نفوذ محیط خارج اصلاح گردید .

قویترین عنصر وعامل این نفوذخارجی آئین ماندیان(Mandaean) یاصابیان (Sabaean) که آنرا یمنی هم میگویند بود که باحتمال قوی از ریشهٔ بابلی‌ها باشد .

اساس این آئین ایمان بخدای یگانه بود که شاید قبل از توحید یهودیان و مسیحیان درمیان اعراب رسوخ داشت اما نباید فراموش کرد که توحید دوآئین‌موسی وعیسی‌هم درمیان عرب‌ها نفوذ زیادی داشته‌است.

آئین ماندی یا ماندیان تاکنون در میان صابیان کشور عراق باقی است. سیاحان وجهانگردانی که بخاورمیانه میآیند آثارحکاکی صابئی‌ها راخوب میشناسند که بنام کارهای عماره شهرت دارد .



چون صابئی‌ها رسوم تعمید رامجری میدارند بعضی‌ها اشتباهاً آنانرا پیرو یحیای تعمید دهنده دانسته‌اند. نفوذ آئین مسیح ازطرف دولتهای کوچك غسان وحیره درمیان اعراب پدیدآمد.

دراین دو کشورعناصر آرامی نفوذ ورسوخ مهمی داشتند.

یهودی‌ها درمکه و مدینه ویمن سکنی گزیده بودند.

سنگ سیاهی که به حجرالاسود معروف است درخانهٔ کعبه که در شهرمکه واقع است قراردارد وبهمین‌جهت این شهراز قدیم‌الایام زیارتگاه کلیهٔ اهالی‌عربستان محسوب میشدوهمین‌امر سبب گردید که طایفهٔ‌قریش که جنبهٔ پیشوائی‌مردم راداشت‌توانست نفوذ واحترام‌خاصی برای خودپیدا کند.

درحدود سال ۵۷۰ میلادی خداوند متعال به‌عبدالله نوادهٔ هاشم از سران‌قبیلهٔ‌بزرگ‌قریش پسری عطا فرمود که اورا محمد صلی‌الله علیه وآله نام نهادند ومقدر چنین بود که همین محمد صلی‌الله علیه وآله در پایان زندگانی بی‌حادثه وآرامی قیام کند وطوفان فتوحات وشورعظیم مذهبی‌را که ازعربستان پدیدآمد اداره نماید.

چنین بنظرمیرسید که محمد صلی‌الله علیه وآله درآغازکارنمایندهٔ یك عده تجار مکه بود[1] محمد صلی‌الله علیه وآله جوانی جدی، با هوش، بافکر وپرهیزکار بود و بزندگانی تجملی علاقه‌ای نداشت. اوبایك بیوه زن ثروتمند مسن‌تر از خودش ازدواج کرد[2] وزندگی بی‌سروصدائی راآغازنمود.

مذاکرات محمد صلی‌الله علیه وآله با یهودیان و مسیحیان باعث شده‌بود که او

۱ـ محمدبن عبدالله‌صلی‌الله علیه‌وآله پیامبر بزرگ اسلام وخاتم‌الانبیا در ابتدا نمایندهٔ بازرگانان مکه بود ودراثر درستی وصداقت بآن حضرت لقب امین دادند. (مترجم)

۲ـ منظور مؤلف حضرت خدیجة‌الکبری سلام‌الله علیها زوجهٔ پیغمبر اکرم ومادرفاطمهٔ زهرا علیهاسلام است. (مترجم)

نسبت به‌خدایان متعدد نرو ماده (اله والهه) متنفر گردد وازبت‌پرستی هم‌میهنان خویش نیز بیزار شود و بالاخره شوق و شور مذهبی که در نهاد محمد (ص) نهفته‌شده بود او را بر آن داشت که با این نرو ماده پرستی‌ها و بت‌پرستی‌ها خاتمه دهد و آنگاه ازطرف حضرت احدیت برسالت انتخاب شد و بجهانیان اعلام داشت که من فرستادهٔ خداوند متعال هستم و برای رستاخیز نوع بشر آمده‌ام.

فعالیت بی‌نظیر محمد (ص) دراثر ابلاغ پیام‌هائی که یکی ازملائکه‌های آسمان بنام جبرئیل امین به او میرساند باعث شد که طایفهٔ بت پرست خودش ازوی دوری جویند بقسمی که ناچار ازمرز و بوم خود مکه به‌مدینه نقل مکان کرد واین انتقال که درعرف مسلمانان هجرت مشهور است در بیستم ماه سپتامبر سال ۶۲۲ میلادی صورت گرفت و بقدری این اقدام پیغمبر اسلام جدی ومهم بود که مبداء تاریخ مسلمانان جهان شد.

محمد (ص) در مدینه‌زمینه مناسب‌تری برای انتشار تعلیمات خود یافت وفقط کلنی‌های یهود شهر مدینه با او مخالفت داشتند وهمین اختلاف باعث شد که یهود واسلام ازیکدیگر جدا گشتند.

درسال ۶۳۰ میلادی محمد (ص) باپیروزی به‌مکه بر گشت ودرخلال این چند سال هجرت و بازگشت با حوادثی مواجه بود که گاه بشکست و گاه به‌پیروزی وی انجام مییافت ولی ازهمان تاریخ یعنی سال ۶۳۰ میلادی پیشرفت نهضت مقدس این پیامبر بزرگ محقق گردید.

دو سال بعد مرگ محمد (ص) مانع ازآن شد که انتشار دین مبین اسلام را درخارج مرزهای عربستان به‌بیند ولی شکی نیست که پیامبر بزرگ اسلام یقین داشت آئین حقهٔ اوجهانگیر میگردد و بهمین جهت درسال ۶۲۸ میلادی رسولانی ازطرف خود نزد هراکلیوس (Heraclius) امپراطور بیزانتیوم یا روم شرقی وخسرو پرویز پادشاه ایران و سلاطین مصر و یمن وحبشه فرستاده بود.

فصل دهم

حلمهٔ اعراب به‌ایران

خلفا یا جانشینان محمد صلی الله علیه و آله[1] (ابوبکر ٤-٦٣٢) و(عمر ٤٤-٦٣٤) فتوحات اورا تکمیل کردند.

درزمان خلافت عمر مصرو سوریه مسخر گشت وارتش امپراطوری روم شرقی (بیزانتیوم) بکلی مغلوب گردید.

درسال ٦٣٦میلادی آخرین زدوخورد باارتش پادشاه ایران صورت گرفت وبنیان سپاهیان ایران برافکنده شد. کشورایران بتصرف اعراب درآمد وچند سال بعد یزدگرد سوم آخرین پادشاه سلسلهٔ ساسانیان در اسیری جان سپرد[2].

اینک پیش ازآنکه راجع بنفوذ اعراب وفتوحات آنان درکشورهای خارج ازعربستان بحث بیشتری بکنیم لازم است اندکی بعقب برگردیم و ببینیم اسلام چه‌وجه ارتباطی باموضوع تاریخ مایعنی تاریخ ایران دارد.

۱- جانشین به‌حق محمدبن‌عبدالله صلی‌الله علیه‌وآله حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است. (مترجم)

۲- یزدگرد سوم پادشاه ایران درحین اسارت نمرد بلکه هنگام آوارگی در «مرو» بدست آسیابانی بهلاکت رسید. (مترجم)

باید این موضوع مهم راهمواره درنظرداشت که اعراب حتی از نظر سیاسی هم نتوانستند کاملا ایـران رادرخود مستهلك سازند بلکه برعکس عربها ازهمان آغازکار سازمانهای اداری خود رابادرنظر گرفتن تشکیلات و نحوهٔ کار ایرانیان و بیزانتیوم یعنی روم شرقی بنانهادند وهمچنین آثـار فرهنگی ومذهبی اسلام درایران خیلی کمتر از آن است که بعضی ها تصور میکنند.

بطورحتم مردم ایران مذهب اسلام راپذیرفته‌اند وباآن خو گرفته‌اند وزبان فارسی باافزایش لغات وواژه‌های عربی مستغنی گردید بطوریکه در بعضی مواردکلمات اصلی ازمیان رفته است اما باید باین نکته توجه داشت که این هردو موضوع بمرور ایـام عملی گشته و مخصوصاً جنبهٔ ایرانیت بخود گرفته است .

کمتر احتمال میرفت که اختلافات اساسی موجوده بین طبع دموکراسی اعراب وطبع اشرافی ایرانیان تحت تأثیر یکدیگر واقع گردد وهمچنین انتظار نمیرفت که آئین اسلامی غربی باسرشت آریائی شرقی بآسانی مخلوط شوند امابهرصورت میبینیم که فرهنگ اساسی ایران تقریباً ازاین بحران بدون تغییر بیرون آمد .

اصول مذهب اسلام درقرآن مندرج است(معنی لغوی قرآن خواندن است) که از طرف خداوند یکتا بوسیلهٔ جبرئیل امین برحضرت محمدبن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلم نازل شد .

بادرنظر گرفتن دلائل موجوده بطورقطع متنی که امروز از قرآن مجید دردست میباشد عین کلمات حضرت محمدبن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلم است .

اسلام بدون تردید مطالب بسیاری راازادیان دیگر گرفته است .

باید درنظر داشت که درمذهب اسلام پیغمبران پیشین یعنی ابراهیم

وموسی و زرتشت وعیسی پذیرفته شده‌اند و مسلمانان آنها را فرستادگان حضرت احدیت میدانند فقط بااین فلسفه که تعلیمات آنان بواسطهٔ پیروان آنهافاسد گشته است .

آنهائیکه بـاین نوع مذهب منتسب هستند (اهل کتاب) خـوانده میشوند ودارای وضع خاصی میباشند .

مـا قبلا باطلاع خوانندگان گرامی رساندیم که چگونه مخالفت یهودیان مدینه موجب جدائی یهود واسلام گردید باوجود این دین یهود مانند دین مسیح وزرتشت مورد تساهل اسلام واقع گشت .

صرفنظراز پارسیانی که درهندوستان سکونت‌دارندوتشکیل‌اجتماع بزرگی را داده‌اند واز پیروان آئین زرتشت هستند درحدود نه هـزار نفر زرتشتی در کشورایران زندگی میکنند[1] .

حضرت محمدبن‌عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باسایر پیغمبران این‌فرق رادارد که اوآخرین پیغمبری است که ازطرف حضرت احدیت برای‌هدایت نوع بشر براه راست فرستاده شده وپس ازوی پیغمبری نخواهدآمد .

کلمهٔ اسلام متضمن معـانی لغـوی ادبی است . اسلام یعنی تفویض اختیارات وتسلیم‌کامل باارادهٔ‌الهی‌ولی درهرصورت این‌موضوع موجب نمیشود که اسلام فلسفهٔ قضا وقدرراهم شامل باشد .

همین قضیه درقرون‌وسطای روشن یکی‌ازمسائل مورد اختلاف شدید ومشاجره بود وبالاخره تعلیمات‌خشن‌تری دربیشترقلمرو اسلام‌رواج یافت.

گرچه درایران عقیدهٔ آزاد مانند سابق مـورد قبول واقع شد ودر

۱ــ هرچند من‌آمار صحیحی از زرتشتیان ایران دردست ندارم ولی گمان میکنم رقمی‌را که مؤلف محترم‌ذکر کرده‌اند اشتباه باشد . (مترجم)

حقیقت انتخاب میـان آن دو طریقه ربطی باصول عقاید اسلامی نداشت و بیشتر بواسطهٔ تناسب آن باساختمان دماغی ایرانیان واعراب وترکها بود.

اسلام برای توحید خالص اهمیت زیادی قائل است و شارع مقدس اسلام دراینمورد به پیروان خود تأکید کرده است .

پیغمبران حتی خود حضرت محمدبن‌عبدالله (ص) بندگان پاك و مقرب الهی هستند و پیام خدا را دریافت میدارند اما هیچگاه دارای مقام الوهیت نیستند ونباید پرستش شوند .

چنین بنظرمیآید که پاره‌ای ازفرقه های اسلام مخصوصاً درایـران بپیشوایان خود نسبت الوهیت میدهند ولی‌اینها مربوط به‌اسلام‌نیست وحتی همین‌فرقه‌هاهم جرأت‌نکرده‌اند که پیشوایان‌خودشان راشریك‌خدابخوانند.

این موضـوع مهم است که دراسلام کشیشی بمعنی سخت معمولی آن وجود ندارد .

دربین‌مسلمانان‌عده‌ای آموزگاران مذهبی‌هستند که شغلشان‌توضیح و تفسیرکلمات مقدس است ولی همین اشخاص دارای وضـع خـاص‌مذهبی نیستند وفرق فاحشی که آنان‌با کشیشان مسیحی‌دارند این‌است که‌پیش‌نماز مسلمانان درمسجدمانند سایرین‌روبقبله میایستدامادرکلیساها کشیش‌مسیحی خود را واسطهٔ بین خدا وخلق میخواند ومسیحیان روبه‌کشیش می‌ایستند و از اوطلب بخشش وآمرزش میکنند .

یکی از اصول مهم‌آئین اسلام اعتقاد بزندگانی بعدی‌است وشاید این موضوع بیش ازهر چیزسبب ارتباط اسلام بامذاهب غربی یعنی یهودو مسیحیت میشودوبهمان‌اندازه‌مخالف‌بافلسفه‌های دیگرشرقی ماندهندوئیزم وبودائیزم وغیره میباشد.

حضرت محمدبن‌عبدالله ﷺ در آغازکار باعدهٔ زیادی مردمان‌بدوی مواجه بود که همگی زندگانی سخت وطاقت فرسائی داشتندوی با بیان فصیحی لذتهای بهشت وشکنجه‌های دوزخ را شرح میدهد و گرچه محیط مختلف است‌اما عقاید وافکار عیناً شبیه‌احادیث واخبار جنگها وفرشته‌های مسیحیت میباشد.

فلسفهٔ عقیده به معادیگانه رابط بین‌زندگانی مذهبی و اجتماعی را در مذهب اسلام‌ایجاد میکند واقعاً اگرزندگانی بعدی دربهشت باشدباید راه بدست‌آوردن آنهم نشان داده شود و اعمالی که برای نیل باین منظور لازم است‌توصیه گردد.

بهمین مناسبت سازمان وسیعی برای تدوین قوانین وآداب‌ومقررات مذهبی ایجاد میگردد.

پنج تکلیف مهم و منظم در مذهب اسلام وجود دارد که انجام‌آن بر همهٔ مسلمانان واجب است واین پنج تکلیف مهم‌عبارتند از طهارت (غسل، وضووتیمم)، نماز، روزه،حج[1] وزکوة که هریك ازفرق‌اسلامی‌مطابق‌مقررات مخصوص بخود مجری میدارند.

حضرت محمدبن‌عبدالله ﷺ بخوبی‌درك کرده‌بود که اجرای‌مراسم و تشریفات ومقررات مذهبی عامل مؤثری برای ایجاد اتحادبین پیروان او خواهدشد و صحت این‌نظرمکرر درتاریخ اسلام محقق گردیده‌است.

بزودی در اطراف این مقررات مذهبی‌نظامات فرعی‌دیگری‌وضع‌شد که در کلیهٔ شئون زندگانی مسلمانان راه یافت و از جمله برای خوردن، آشامیدن، ارث، ازدواج و غیره مقررات منظمی‌وضع گردید.

---

۱ - برهرمسلمانی‌موقعی‌حج‌واجب میگردد که‌مستطیع باشد.(مترجم)

باید درنظرداشت که حضرت محمدبن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم گذشته‌از اعلام فلسفهٔ مذهب جدید تشکیلات محیط بدوی خویش را نیز منظم میکرد و از آنرو بعنوان احکام‌منتسب به خدای‌یگانه تمایل‌به حفظ قواعد گوناگون زندگی می‌بینیم که مناسب با جامعه‌های نیمه بدوی میباشد وبا محیط‌های متمدن عالی امروزی تناسبی ندارد .

مثلا قوانین ازدواج که بمنظور جلوگیری‌ازعادات خلاف اخلاق[1] بدوی‌های بت‌پرست وضع شده‌بوددر ایام اخیربهانه‌ای برای‌خوشگذرانیها شده است .

این‌نکته نیز قابل توجه‌است که دولتهای‌متجددمانند ایران‌وترکیه قوانین جدیدی معمول داشته‌اند که برمبانی قوانین اروپائی استوار گشته و بجای‌قوانین مذهبی قدیم بکار میرود .

---

۱ ـ طبق روایات متعدد اعراب بدوی در زمان ظهور رسول اکرم محمدبن عبدالله صلی‌الله علیه وآله‌اگر فرزندانشان اناث بودندآنهارازنده بگور میکردند . (مترجم)

فصل یازدهم

خلافت عباسیان

سرعت عجیب پیشرفت اسلام درخاور نزدیك وخاور دور باعث گردید که اعراب قدرت مافوق تصوری بدست آورند و نیز اوضاع خراب ودرهم و برهم آنقسمت از جهان پس ازجنگهای طولانی ایران سبب شد که تمایلاتی به حفظ و یا تأسیس مرزها و سرحدات ملی اظهار نشود.

ملل مغلوب مخیر بودند که مسلمان شوند و باملتهای فاتح مساوی بمانند و یا اینکه آئین قدیم خود را حفظ کنند و تحت‌الحمایهٔ مسلمانان باشند اما تمام سرزمین هائی را که ارتش اسلام تصرف کرده بود دارالاسلام میخواندند و کشورهای غیرمتصرفی را دارالحرب مینامیدند.

در نواحی دارالاسلام فقط مسلمانان و کفاری که اهل کتاب بودند و در پناه اسلام میزیستند اقامت داشتند. کفار دیگر در دارالحرب ساکن بودند.

خلیفه در رأس دارالاسلام قرار داشت و مسئول ادارهٔ امور مذهبی و اجتماعی مسلمانان بود.

باید در نظر داشت که مقام خلیفه دراسلام با مقام پاپ درمسیحیت بهیچوجه قابل مقایسه نیست (بعضی اوقات سیاست خارجی انگلستان

دچار این مقایسهٔ غلط شده است) اینکه گفته شد خلیفهٔ اسلام که مسئول امور مذهبی است با پاپ درمذهب مسیح قابل مقایسه نمیباشد از آن‌جهت است که یکنفر کاتولیك میتواند هم‌به‌پاپ که پیشوای دینی‌است‌عقیده‌داشته باشد وهم‌اینکه از حکومت کشور خودش که مسئول ادارهٔ امور مملکتی و اجتماعی‌است تبعیت کند وحال اینکه در اسلام چنین‌تقسیم وتفرقه‌ای‌نیست.

همینکه دارالاسلام با تمایلات فرارازمرکز کشورهای شرقی‌مواجه گشت هریك از فرمانروایان مستقل‌ظاهراً از خلیفهٔ‌بغداد اطاعت‌میکردند و خودشان را خلیفه میخواندند .

حس اتحاد و اتفاق بین مسلمانان که بوسیلهٔ زیارت سالیانه [1] تقویت و تجدید میگشت تقریباً در مدت هزار سال بطوری نافذ بود که یکنفر مسلمان حتی‌در موقعی که نواحی مختلف عالم‌اسلام باهم درجنگ بودند میتوانست بسراسر کشورهای اسلامی مسافرت کند و در همه‌جا مورد خوش‌آمد واقع گردد ومسلمانان نقاط مختلف نه‌تنهامانندیك مهمان عزیز ازاوپذیرائی میکردند بلکه مانند یك همشهری ارجمند مقدم اورا گرامی میداشتند .

درقرن شانزدهم میلادی احساسات ملی که همیشه درایران ملاحظه میگردید دربرابرآن حس اتحاد مذهبی مقاومت کرد وبعد ازآنهم تأسیس ایران مستقل ملی یك‌سد مؤثروبسیار مهمی میان دوقطعهٔ دارالاسلام قرار گرفت وطبعاً عمل تجزیهٔ کشورهای اسلامی راتسریع کرد وباید گفت که ایران دراین موضوع قبل ازسایر کشورهای آنروز جهان اقدام کرده‌است.

۱ـ منظور مؤلف زیارت خانهٔ خداست که درعرض سال فقط یك بار صورت میگیرد . (مترجم)

دو خلیفهٔ اول قرابت نزدیکی با حضرت محمدبن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم نداشتند[1] وانتخاب آنان روی اصول دموکراسی صورت گرفت ولی درسال ۶۴۴ میلادی موقعی که انتخاب خلیفهٔ سوم (عثمان) آغاز شد نزاع و کشمکش‌های آشتی ناپذیر خانوادگی بین مردم رویداد.

این کشمکش های خانوادگی ایلاتی گرچه اکنون خیلی دور از موقع بنظر میرسند اماچون همین نزاعها و کشمکش‌های داخلی بین قبایل ریشهٔ تقسیماتی هستند که اسلام را ازسربه ته واژگون کرده‌اند جا دارد که آنرا بصورت جدولی بخوانندگان گرامی نشان بدهیم.

مطالعهٔ جدول انساب که در صفحهٔ بعد چاپ شده است موضوع را برای خوانندگان ارجمند کاملا روشن میسازد.

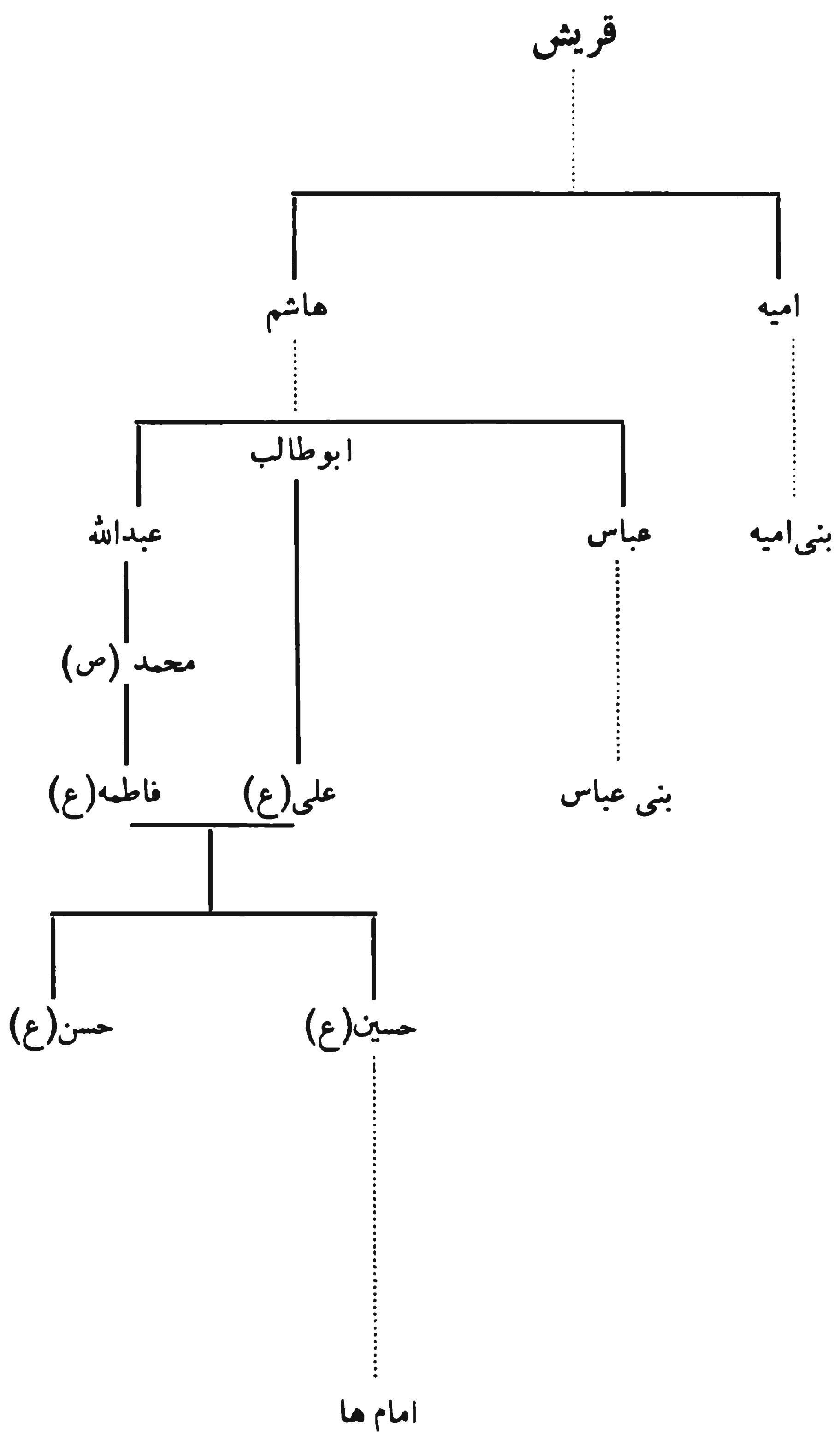
عثمان ازخاندان امیه بود که رقیب خونین و دشمن دیرین خاندان بنی‌هاشم بوده‌اند و چنانکه میدانیم و در جدول هم نشان داده شده است حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم ازخاندان هاشم بوده‌اند. کینه بنی‌امیه بخاندان جلیل حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم حتی بعقاید وافکار مذهبی آن حضرت نیزسرایت کرده بود ودر سال ۶۵۶ میلادی موقعی که عثمان بقتل رسید این نزاعهای خصمانه علنی گردید.

نمایندهٔ هاشمیان حضرت علی علیه السلام پسر عمو و داماد حضرت محمدبن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم پیامبربزرگ اسلام بود وامویان معاویه را برای خلافت کاندید میکردند وبالاخره این دشمنیهاو کشمکش‌های علنی درسال ۶۶۱ میلادی با شهادت حضرت علی بن ابوطالب علیه السلام پایان یافت و معاویه برای تغییرصورت ظاهرپایتخت خود را به‌دمشق[2] انتقال داد.

۱ ـ همانطوریکه قبلا گفته شد جانشین بحق رسول اکرم پسر عمو وداماد آنحضرت علی بن ابوطالب علیه‌السلام است. (مترجم)

۲ـ درزمان خلافت غاصبانهٔ معاویه لعنت‌الله علیه‌اسم شهردمشق شام بوده است. (مترجم)

جدول سلسلهٔ انساب قریش



ازاین تاریخ جدائی و تفرقه بین مسلمانان آغاز میگردد وبنی‌امیه چنانکه میدانیم برضد تعلیمات حضرت محمد بن عبدالله ﷺ و آنچه منتسب بایشان بود قیام کردند ونمایندهٔ افکار ارتجاعی بت‌پرستی گشتند.

بنی‌امیه در دمشق پایهٔ یك امپراطوری مجلل جاه طلبی را ازروی نمونه‌های امپراطوریهای ایران و روم شرقی بنانهادند وبتجهیزات عظیمی دست زدند که درظرف چند سال ازاسپانیا تاهندوستان ومرزهای چین جزو قلمرو اسلام درآمد ولی بزودی بنی امیه شهرت ومعروفیت خود را ازدست دادند زیرا گذشته ازآنکه اعراب بدوی دموکرات از آنان متنفر گشتند هاشمیان و مسلمانان غیرعرب هم تنفر وانزجار خود را از بنی‌امیه علناً ابرازداشتند.

کوشش‌های هاشمیان ابتدا دراطراف حضرت علی‌بن ابوطالب علیه‌السلام و پسرش حضرت حسین بن علی علیه‌السلام دور میزد شیعیان حضرت علی بن ابوطالب علیه‌السلام دربدوامر ازیك دستهٔ سیاسی و نهضت طلبان خالص عرب تشکیل مییافت و هیچگونه اختلافات مذهبی وجود نداشت اما عملیات مرتجعانهٔ بت‌پرستی بنی‌امیه وبی‌احترامی آنان بشهرهای‌مقدس مکه ومدینه وازهمه بالاتر شهادت حضرت حسین بن علی علیه‌السلام درجنگ کربلا که در سال ۶۸۰ میلادی اتفاق‌افتاد(بیاد این‌واقعهٔ‌غم انگیزهنوزهم درمیان شیعیان علی علیه‌السلام مراسمی درماههای محرم و صفر اجرامیگردد) باعث شد که بر تعداد شیعیان اضافه‌شود وبسود دستهٔ شیعه عقایدمذهبی‌محکمی‌ایجاد گردد.

خاندان جلیل هاشمی بعنوان اشراف اسلام معرفی شده‌اند وحتی دربارهٔ آنان پاره‌ای حقوق الهی متصور است حضرت علی بن ابوطالب علیه‌السلام که نزدیکترین مرد منتسب بحضرت محمدبن عبدالله ﷺ بود (یگانه

پسرخرد سال حضرت رسول اکرم صلوة‌الله وسلامه علیه در زمان کودکی مرد) بنظر میرسید که حق طبیعی جانشینی او را دارد[۱] بااین ترتیب هاشمیان وشیعیان نه‌تنها خلفای بنی‌امیه راقبول نداشتند[۲] بلکه خلافت ابوبکر و عمر و عثمان را هم غاصبانه میدانستند زیرا آنها برخلاف دستورصریح پیغمبراسلام عمل کرده بودند.

ایرانیان که سردستهٔ مخالفین مسلمان غیرعرب بودند در این صحنه کمترخودشان رانشان میدادند ودرواقع آنان بدست‌اعراب‌مغلوب گشتند.

برای اثبات این ادعا گوشزد میکنیم که‌آثاراین مغلوبیت ازاستیلای زبان عربی برزبان فارسی‌کاملا هویداست خلاصه پس ازتسلط‌کامل اعراب به‌ایران‌بیشتر ایرانیان بآئین باستانی خود چسبیدند[۳].

گرچه‌تبدیل‌مذهب برای پیشرفت‌کاربیشتر دربین‌طبقات عالی‌معمول بود ولی‌اگر واقعاً‌آن‌اصول اصلی‌اسلامی که حضرت محمدبن‌عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم راجع بتساوی حقوق‌کلیهٔ مسلمانان مقرر فرموده بود رعایت میشد بطورحتم اسلام بعنوان حکومت بیگانه کمتر مورد انتقاد ایرانیان واقع میگشت.

۱- حضرت محمدبن عبدالله(ص) درمحلی بنام غدیرخم حضرت علی‌بن ابوطالب علیه‌السلام رابجانشینی خود بتمام مسلمانان معرفی فرمود وشیعیان آن حضـرت در سراسر عـالم این روز فرخنده را جشن میگیرند وبشادی میپردازند. (مترجم)

۲- حقاًهم نباید قبول داشته باشند زیراجانشین حضرت رسول اکرم صلی‌الله علیه‌وآله پسرعم ودامادش حضرت علی بن ابوطالب‌علیه‌السلام‌است ابوبکرعمروعثمان به‌ناحق خود راخلیفه قلمداد کرده‌اند. (مترجم)

۳- این نظرشخص مؤلف است والابخوبی میدانیم که پس ازتسلط اعراب برکشور عزیز ما ایران، ایرانیان موحد وپاکدل ازروی عقیده و ایمان دین مبین اسلام راپذیرفتند واکنون افتخارداریم که جزو پیروان این دین وشیعهٔ حضرت علی‌بن ابوطالب (ع) هستیم وپیامبربزرگی مانند رسول اکرم(ص) وکتاب آسمانی مانند قرآن مجید داریم. (مترجم)

هرچند ایرانیان بطورطبیعی حاضربه‌پذیرش این آئین گشتند ولی اعراب کمتر بآنان روی خوش نشان دادند ویك حس رنجشی بین ایرانیان راه یافته آتش ملیت پرستی آنها را دامن زد وگذشته ازاین تمایل روحی ایرانیان که درانتظارموعود میباشند باآن احساسات توأم گردید وچنانکه می‌بینیم درکلیهٔ شورشهای آنزمان که درخاورایران رویداد تمایل بظهور موعود درآن یافت میگردد .

درآغازقرن هشتم میلادی تبلیغات وسیع ودامنه داری بنفع عباسیان که یك تیره از خـاندان هاشمی میباشند درخراسان ایالت خاوری ایران آغاز گردید .

این تبلیغات طوری ماهرانه بود که نه‌تنهـا شامل تیره‌های دیگر هاشمی (شیعیان حضرت علی‌بن ابوطالب علیه‌السلام) هم میشد بلکه طوری تنوع داشت که ایرانیان ناراضی را هم جلب میکرد وبقدری این عادت به‌تبلیغ متنوع درنهضت های انقلابی ایران سرشته گشته است که ما میتوانیم یقین داشته بـاشیم در تبلیغات آنروز هم عناصر مهم وقابل توجه ایرانی دست داشته‌اند .

بالاخره عباسیان آنقدر نیرومند شدند که تـوانستند در سال ۷۵۰ میلادی امویان رادرهم بشکنند وپایتخت خودرا درعراق مستقرسازند .



فصل دوازدهم

رواج مذهب حقهٔ جعفری در ایران

عباسیان بر تمام قلمرو حکومت امویان جز شمال افریقا و اسپانیا دست یافتند و از آن موقع مجرای تاریخ آن نقاط از سایر ممالك اسلامی مجزا گشت.

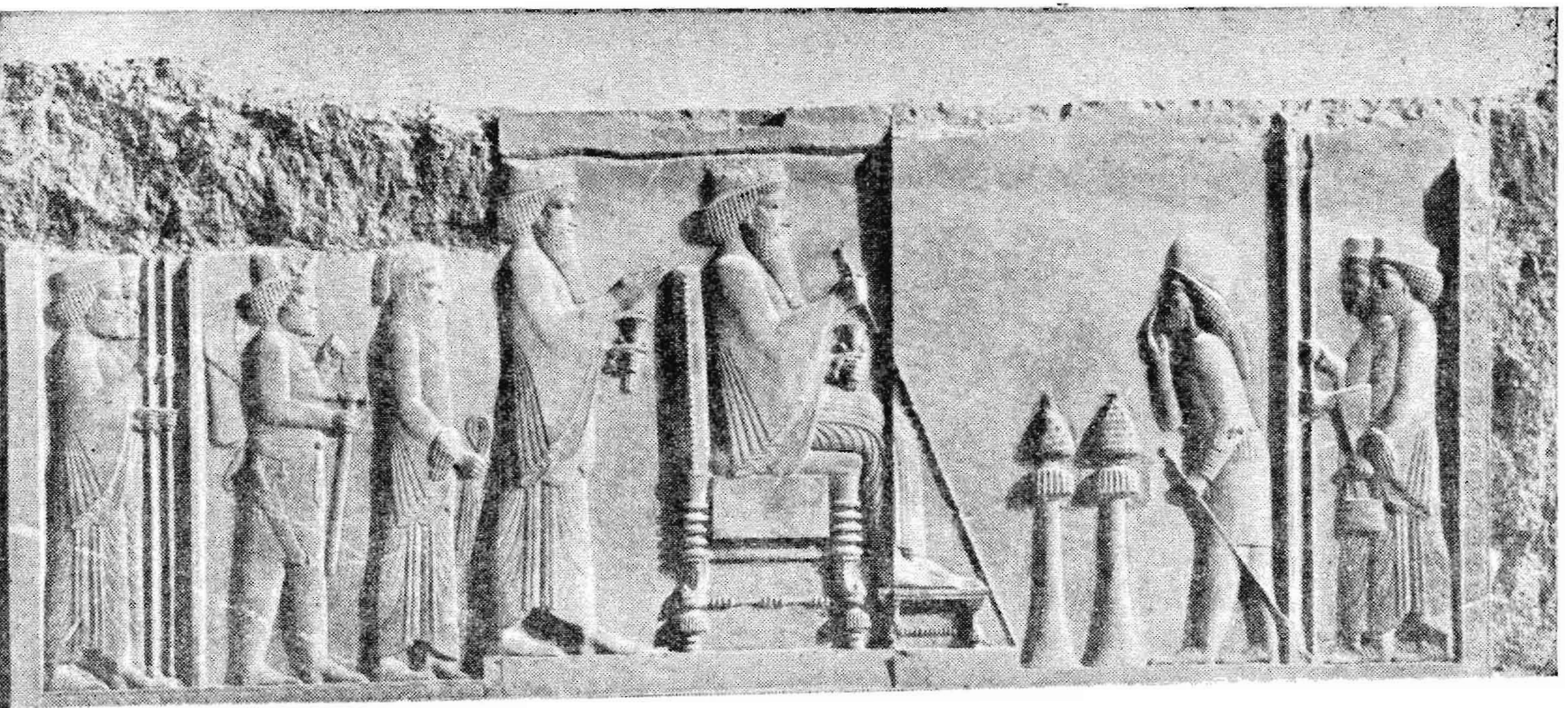
تأسیس شهر جدید بغداد نشانهٔ بارزی است که سیاست ضد عرب عباسیان را بخوبی نشان میداد .

در اینموقع البته با کمك و نفوذ ایرانیان تمایلات سلحشوری و بیسوادی قبایل بدوی عرب بتحصیل علوم و ادبیات مبدل میشود .

کتابهائی از یونانی ترجمه میکنند و ارتباط بیشتری با چین و اروپا پدید میآید .

هنرهای زیبای ایرانی مانند مینیاتور ، نقاشی ، خط نویسی ، قالی‌بافی ، ابریشم‌کاری رواج و رونق تازه‌ای میگیرند و طبقات عالی ایرانیان که خوب بآداب اسلامی آشنا شده و بآن ایمان دارند در اداره کردن کشور شرکت میجویند و روشهای اداری ساسانیان را به‌اعراب میآموزند .

برای مثال تذکر میدهیم که کلمهٔ وزیر از یك کلمهٔ قرون وسطای فارسی میآید .



تخت جمشید ، نقش برجستهٔ داریوش کبیر و خشایارشا

در زمان هارون‌الرشید خلیفهٔ مشهور عباسی بغداد مرکز فرهنگی دنیای متمدن شد . سخنوران ، هنرمندان ، دانشمندان وفیلسوفان در آن شهربزرگ گرد آمدند وبایکدیگررقابت علمی وادبی داشتند .

ادیان و بدعت‌ها باکمال تسامح آزاد بودند . بسیاری ازیهودیان و مسیحیان مناصب مهمی راعهده دارشدند .

این موضوع که آنرا نهضت معتزله مینامند و راجع باراده وآزادی افراد است بیشتراز فلسفه یونان سرچشمه میگیرد وسپس ازطریق اسپانیا درمیان علمای مسیحی نفوذ یافته است .

دراین اثناءِ اوضاع شیعیان حضرت علی‌بن ابوطالب علیه‌السلام هم تغییر یافت زیرا دربدوامرآنها امیدواری زیادی ازعباسیان داشتند امادرآنموقع بکلی نومید شده بودند وهمینکه ازنظر یك حزب سیاسی شکست خوردند بیشتربافکار وعقاید مذهبی‌متوجه گشتند وسردسته مخالفین‌فرقهٔ سنی شدند.

سنی‌ها چون از سنت یعنی سیرهٔ حضرت محمدبن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیروی میکنند لذا بآن اسم معروفند .

باوجود این شیعیان وجههٔ سیاسی خود رابکلی از دست ندادند زیرا بیشتر ازطرف طبقات‌غیرممتازه تقویت میشدند .

این موضوع مشمول ایرانیان و اعراب هردومیشد زیرا درعین حال که ثروتمندان زرتشتی ایرانی‌برای تأمین موقعیت خود مذهب اهل تسنن را میپذیرفتند بسیاری ازایرانیان طبقهٔ متوسط وطبقات رعایا و دهاقین در سلك شیعیان در میآمدند وازاینرو تشیع که تا آنموقع یك نهضت سیاسی وبدون وجههٔ مشخص مذهبی بود کم کم نضجی گرفت ووسیلهٔ رسوخ افکار آریائی‌دراسلام گردید که مهمترین آن‌موضوع حقوق‌الهی یاروحانی میباشد .

تشیع فکری بود که کمتر باروحیهٔ واقعی اعراب تناسب داشت بلکه کاملا بـا طرز فکر ایرانیان وفق میداد وتحت نفوذ شیعیان کوشش لازم بعمل آمد تاحضرت حسین بن علی علیه السلام را بوسیلهٔ ازدواج با شهربانو دختر یزدگرد سوم بـا پادشاهان ساسانی ربط دهند ولی انتساب مستقیم حضرت حسین بن علی علیه السلام باپیغمبر اسلام کافی بود که حقوق آن حضرت راتأمین کند.

در هر حال حضرت علی بن ابوطالب علیه السلام مهمترین شخصیت عالم تشیع بشمار میرود وغـالباً شیعیان بآن حضرت بیش از حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله اهمیت میدهند وپاره‌ای ازفرقه‌های افراطی اوراخداخوانده‌اند.

احفاد حضرت علی بن ابوطالب علیه السلام ازطرت حضرت حسین بن علی علیه السلام امام‌های شیعه شدند وبرای آنان بمنزلهٔ خلفای سنی بشمارمیآیند بـااین تفاوت که شیعیان معتقدند امام ها ازطرف خداوند متعال تعیین میشوند و آخرین ودوازدهمین امام که غایب است بنام مهدی بایدظهور کند.

(اکثریت شیعیان دوازده امـامی هستند) ودرعین حال فرمانروایان وقت غاصب میباشند.(۱)

فلسفهٔ غیبت مهدی (مسیح موعود) وتجسم وحلول ارواح درمیـان همهٔ ایرانیان مسلمان وغیرمسلمان یافت میشود.

برای مدتی ایرانیان افراطی دراین جریانات شرکت نداشتند ودر قسمت عمدهٔ نهضت‌های انقلابی امثال نهضت مزدکی وارد بودند ولی باید دانست که افکار موجد این انقلابات همیشه مربوط به‌ایرانیان خالص نبوده

۱ـ منظور از فرمانروایان غاصب ابوبکر، عمر و عثمـان هستند که برخلاف دستور صریح رسول اکرم(ص) حق حضرت علی بن ابوطالب(ع) راغصب کردند وخود رابجای آن حضرت خلیفهٔ مسلمین خواندند. (مترجم)

است . بلکه از عناصر و افکار یهودی گری ومانی گری و مسیحیت وغیره اقتباس میشده است.[1]

درقرن نهم میلادی خلفای عباسی عده‌ای غلام ترك استخدام کردند وبعضی ازاین غلامان دارای موقعیت مهمی گشتند ونفوذ زیادی پیدا کردند.

ترك‌ها ازقبایل آسیای مرکزی بودندو دراین موقع درمغرب پدید آمدند.

بیشتر ترك‌ها بطرف آسیای صغیر رفتند وعده‌ای هم درجاهای دیگر اقامت کردند که ازآنجمله درجنوب غربی ایران نیز عده‌ای ساکن شدند وتا امروزهم درهمانجا اقامت دارند.

ظاهر خشك و هولناك ترك‌ها در بغداد شهرت زیادی پیدا کرد و درسال ۸۵۰ میلادی زمان خلافت متوکل باعث عکس‌العمل شدیدی در برابر افکار آزاد خلفای پیشین عباسی گردید .

این تغییر وضع ومنظره که قسمت‌عمدهٔ انحطاط تمدن اسلامی‌رانیز موجب شد درسازمان سیاسی اسلام تأثیر مهمی داشت.

فرمانروائی خلفای بغداد فقط تا دروازه های شهر محدود ماند و در خارج پایتخت حکومت‌های مستقلی ایجاد گردید که‌تحت حمایت‌فرمانروایان آن نواحی گوش شنوائی برای استماع افکار شیعه ومعتزله بوجودآمد .

در سال ۸۷۱ میلادی اولین سلسلهٔ فرمانروایان مستقل ایرانی بعد از اسلام بنام‌صفاریان درجنوب ایران پدیدآمدند[2] و درقرن دهم‌میلادی

۱- مطالبی راکه خوانندگان ارجمند دراین سطورراجع به‌پیدایش افکار و عقاید شیعیان مطالعه میکنند نظر شخصی مؤلف است و بدیهی است که این‌نظرمورد قبول‌اینجانب‌وپیروان‌مذهب‌حقهٔ‌جعفری نیست.(مترجم)

۲ ـ نظرمؤلف محترم‌کتاب دراین مورد اشتباه است زیراصفاریان از مشرق ایران برخاسته‌اند . (مترجم)

سلسلهٔ دیگری بنام آل بویه از مغرب ایران طلوع کرد و آئین شیعه را در قلمرو حکومت خود برسمیت شناخت.

تشیع بسیاری از مبادی معتزله را ترویج میکند و یکی از اختلافات مهم تشیع با تسنن آنست که بجای تمسك خشك بروایات و احادیث سنت مذهب تشیع وساطت روحانی افرادی را بنام امام میپذیرد.

تقسیم شیعه وسنی کم کم با تقسیم اموراجتماعی و اقتصادی اصطکاك پیدا کرد.

ایرانیان انقلابی که تا آنموقع از اسلام بر کنار بودند به شیعیان پیوستند وهمان افکار وعقاید پیشین خودرا نیز حفظ کردند چنانکه بعداً در طی عقاید فرقه‌های تازهٔ اسلامی خواهیم دید.

یکی از فرقه‌های تازهٔ اسلامی اسمعیلیه هستند که مطالعهٔ شرح حال آنان تا حدی قابل توجه است زیرا نه تنها ادامهٔ عقاید باستانی مذهبی ایرانی را درضمن مطالعهٔ عقاید این فرقه می‌بینیم بلکه به استعداد وهوش ایرانی هم پی میبریم که چگونه میتواند عقاید خارجی را نیز درخود مستهلك سازد.

ریشهٔ اصلی عقاید فرقهٔ اسمعیلیه از اختلاف میان دو پسران امام ششم سرچشمه میگیرد بدین معنی که شیعهٔ اثنی عشری بعد از امام ششم به امامت دیگر امامان معتقد است اما عقیدهٔ اسمعیلیه آنست که با غیبت پسر امام ششم امامت خاتمه مییابد ولی این اختلافات فردی بهانه‌ای بیش نبود و میخواستند با این بهانه یك انجمن سری تشکیل دهند ومسلمانان را برضد اعراب فاتح متحد سازند وهمانطوری که درنهضت‌های پیشین دیدیم دراین نهضت هم تبلیغ مرام جدید بدست مبلغین ماهری افتاد که بتناسب حال اقوام مختلف ایرانی و یهود ومسیحی نحوهٔ تبلیغ راتغییر میدادند ولی

منظور و مرام اصلی این مبلغین زبردست آن بود که طبقات رنج کشیدهٔ اجتماع را بخود جلب کنند و مخصوصاً بطبقهٔ کارگر و هنرمندان توجه زیادی داشتند و درواقع جنبهٔ اجتماعی نهضت شیعه بمراتب بیشتر ازجنبهٔ مذهبی آن بود.

عقاید سابق مذهبی ایران دوباره در تشیع پیدا شد چنانکه در پیدایش بابی‌ها وبهائی‌هانیزهمین رویه درقرن‌نوزدهم‌میلادی‌تجدید گردید.

تجسم حق‌غیبت ورجعت مسیح معرفی وارتقاءِ تدریجی اتباع ودرهر حال مرحلهٔ تدریجی معرفی واردین به فرقه نمونهٔ کاملی از خواص ضد مذهبی آن فرقه میباشد.

ماطبعاًاز مراحل عالی تازه واردین‌خبری‌نداریم ولی‌همینقدرمیدانیم که نه مرحلهٔ معرفی وتقرب برای اشخاصی که به فرقه وارد میشدندوجود داشته است که در هریك ازاین مراحل نه‌گانه متدرجاً مطالب ضداسلامی بآنهاتلقین میشد ودرآخرین مرحله یعنی‌مرحلهٔ نهم‌اصول‌جامد مذهبی بیك سلسله فلسفهٔ روشنی تبدیل مییافت.

دشمنان اسمعیلیه آن فرقه را به کمونیستی متهم میسازند واگرچه این تهمت دربارهٔ هریك از فرقه‌های جدید گفته میشود اما نباید این موضوع را از نظر دور داشت که اصول تبلیغات سری وزیر زمینی‌اسمعیلیه وجه مشترکی باتبلیغات ودخمه‌های زیرزمینی کمونیستی امروز دارد.

شعبات این فرقه باشکال مختلف توسعه یافت.

نهضت اصلی متوجه جنوب عربستان و افریقای شمالی گشت‌وبطور تصادف مؤسس خلفای فاطمی مصر گردید (۱۱۷۱ ـ ۹۰۹ میلادی) و در تحت حمایت همین خلفای فاطمی انجمن آزاد وروشن فکری دایر شد که

فقط گاهگاهی باوقوع حوادث قتل عام واعمال زورلکه‌دار شده‌است .

فرقهٔ دروز که در حال حاضر در کشور سوریه وجود دارد از بقایای همانهاست .

در بحرین این‌فرقه بنام قرامطه‌پدید آمدندو با منهدم ساختن‌اماکن مقدس اسلامی عالم اسلام راسخت مضطرب وپریشان کردند و دستهٔ‌دیگری ازآنها هم در کشورهای عراق و سوریه رخنه کردند ودرقرن یازدهم‌میلادی بنام جمعیت اخوان‌الصفا ظاهر شدند که میخواستند تعلیمات خود رادربین توده‌ها رواج دهند.

در اینجا نیز مشاهده میشود که بیشتر بطبقات پست وغیر ممتاز توجه داشته‌اند .

عدهٔ دیگری از اسمعیلیان بنام حشاشین یعنی کسانی که حشیش و بنگ‌میکشند دیده میشوند که‌درالموت مجاور کوه البرزسکونت‌داشتند.

حشاشین دستهٔ آدمکشان بودند ودرجات ومراحل متعددی داشتند که پست‌ترین افراد آن دسته آدمکش‌ها و یا فدائیان خوانده میشدند ویك شاخه ازهمین دسته‌بودند که در سوریه صلیبیان رادچارزحمت ساختند و بهمان‌مناسبت درزبانهای‌اروپائی کلمهٔ آساسین(Assassin)برای‌آدمکش از کلمهٔ حشاشین اسمعیلیه متداول شده است و بالاخره امروز فرقهٔ بسیار محترمی از اسمعیلیه بنام بهره در هندوستان وجود دارد که پیشوای آن آقاخان میباشد .

پدران آقاخان در سال ۱۸٤۰ میلادی از ایران به بمبئی مهاجرت کرده‌اند .

نهضت های دیگری هم درآن ادوارمشاهده میشود که به صورتهای

مختلفی پدید آمدند و منظور آنان اتحاد وجمع‌آوری فرقه ها ودسته‌های متشتت‌مخصوصاً طبقات‌غیر ممتاز درتحت حمایت یك فلسفه وآئین‌زندگانی روشنی بوده است و باآنکه این نهضت‌ها دائماً هم جنبهٔ خراب کننده و انهدامی نداشته‌اند ولی چون با وضع حاضر خود مخالف بوده اند و بآن حمله میکردند ناچار آن نهضت‌ها با دشمنی فرمانروایان و دولت های وقت مواجه میگردیده‌اند .

کلیهٔ این عملیات ترقیخواهانه که از طرف فرقه‌های تازهٔ اسلامی انجام میگرفت ناگزیر بر ضد محافل قضائی و روحانی سنی‌های متعصب ارتجاعی عکس‌العملی ایجاد میکرد .

این عکس‌العمل بصورت نهضت صوفی گری آغاز گردید .

درقرون وسطی وحتی قرون‌اخیرحدسیات وتصورات بسیاری دربارهٔ صوفی گری بوده وهست اما باید توجه کرد که نکتهٔ مهمی دراین مورد وجود دارد که خیلی صریح و روشن است وآن نکته این است که صوفی بفرقهٔ بخصوصی اطلاق نمیشود بلکه طریقه و وضع مرموز فلسفی در بارهٔ حیات میباشد .

درواقع صوفی‌ها عضو جمعیت و دسته‌ای نبودند ورویهٔ بخصوصی را پیروی نمیکردند بلکه باکلیهٔ نهضت های ارتجاعی و تعصب آمیز مخالفت داشتند وترجیح میدادند که هردسته‌ای فکر مخصوص بخودشان را پیروی کنند وبطورآزاد ازافکار وطریقه‌های مسیحیت وفلسفهٔ یونان و کیش مانی اقتباس میکردند ودرمراحل‌اولیه خلوص نیت وازخود گذشتگی وبی‌اعتنائی بدنیا طریقهٔ لازمهٔ صوفیان بود وپس ازآن روش اسرارآمیز ایرانی متدرجاً بصوفی گری علاقه پیدا کرد وهمانطوری که درموارد مشابه هم دیدیم

بزودی موفق شد که رویهٔ اصلی صوفی گری راهم بصورت دیگری درآورد. تأکیدات مربوط به بی‌اعتنائی بدنیا جنبهٔ منطقی افراطی پیدا کرد بقسمی که جهان مادی را بکلی منکر شدند و هستی را فقط مخصوص خدا دانستند.

مرام صوفی آن شد که از قیود ارضی رها گردد ودر زیبائی جاویدان مستغرق شود وپس از آنکه ازهستی خود گذشت و نیست محض گشت در حقیقت الهی مستهلك گردد.

این طریقهٔ افراطی وحدت وجود راپدیدآورد وبلکه بدعوی‌الوهیت منتهی گردید چنانکه‌الحلاج[1] درقرن دهم میلادی دعوی مافوق تصوری کرد وبمردم گفت حقیقت محض منم.

البته عقاید درست وصحیح مذهبی نمیتوانست این لقمهٔ ثقیل راهضم کند وپس از آنکه درقرن یازدهم میلادی‌الغزالی توانست توافق مؤثری میان مذهب سنت و صوفی گری برقرار سازد صوفیان افراطی یك طریقهٔ مخصوص ایرانی شدند و صوفی گری نفوذ وتأثیر بسیاری در اشعار ایران پیدا کرد وازهمان تاریخ پیدایش صنایع بدیعی تصوری دراشعار ایران آغاز گردید که‌غالباًموضوع‌بدیعی‌تصوری معنوی راازاشیاءِ عادی مثلاشرابخواری اقتباس میکنند ودر نتیجه معانی این اشعار که در عین حال بیلطف نیست پیوسته مرموز ونامفهوم میماند.

۱ـ منظورازکلمهٔ الحلاج منصورحلاج است. (مترجم)

فصل سیزدهم

حملهٔ ترکها ومغولان به کشور ایران

ما تاکنون در بارهٔ وقایع تاریخی ادواری که راجع بآنها صحبت داشتیم کمتر بحث کرده‌ایم.

از آنچه بنظر خوانندگان گرامی رسیده است معلوم میگردد که تقسیمات و اشکالات سیاسی نسبتاً با ترقی فرهنگ ملل مختلف خاورنزدیك کمتر ارتباط دارد ولی از قرن یازدهم میلادی ببعد در این قسمت ازجهان وقایع و حوادثی روی داد که صرف‌نظر از تأثیرات سیاسی اثرات دیگری هم در برداشت.

مهمترین حوادث تاریخی این بود که عده‌ای فاتح غیر عرب و غیر ایرانی از آسیای مرکزی آمدند واز اعراب خلع‌ید نمودند.

این فاتحان تازه وارد بطور موقت کشورهای اسلامی را بصورت امپراطوری‌هائی در آوردند که بزودی همان امپراطوری ها هم تجزیه‌شدند و بصورت ممالك کوچکی درآمدند.

نخستین دستهٔ این‌فاتحان ترکان سلجوقی هستند که تقریباً در سال ۱۰۵۰ میلادی پدیدآمدند و مهمترین رقیب امپراطوری روم‌شرقی گشتندو

تقریباً پس از یکصد سال فرمانروائی امپراطوری آنان به کشورهای سلطنتی کوچکی تجزیه گشت که بایکدیگر بجنگ ودعوا پرداختند.

از نظر تمدن جهانی بزرگترین فاجعه، حملات مغول در قرن سیزدهم میلادی بود. این قبایل وحشی که تنها هنر آنها مهارت در جنگ بود در سرتاسر خاور نزدیك به قتل وغارت پرداختند و بطرف روسیه وحتی قسمتی از اروپاحمله بردند وتاسیلسیا(Silesia)و موراویا (Moravia) وهانگاری (Hungary)یعنی مجارستان پیش رفتند.

بغداد که یگانه مرکز تمدن عالم اسلام بود بدست آنان ویران گردید و درسال ۱۲۵۸ میلادی آخرین خلیفهٔ بی‌پناه عباسی بدست مغولان به قتل رسید. فقط مصر وترکها توانستند از پیشرفت مغولان جلوگیری کنند. کتابخانه‌های بی‌نظیر آثار و نتیجهٔ قرنها آموزش و معرفت طعمهٔ حریق گردید و کم کم خطر سقوط قطعی تمدن اسلامی پدیدار میگشت زیرا خرابی مغول ازسطح ظاهری تمدن اسلامی هم تجاوز کرد.

صدمات مغول در بارهٔ امور کشت و زرع وآبیاری طوری بود که نه تنها تجدید و اعادهٔ تمدن اسلام را بتأخیر انداخت بلکه در واقع آنرا از تجدید و اعاده بکلی محروم ساخت. تنها نتیجهٔ خوبی که از این مصیبت عظمی بدست آمدآن بود که فشار مغولان به ترکها وفشار متوالی ومتواتر ترك هابه روم شرقی باعث شد که شالودهٔ اولیه نهضت رنسانس (Renaissance) در اروپا ریخته شود و از همان تاریخ آسیای صغیر مرکز دائم سکونت ترك‌ها میگردد.

طریقه مخصوص وراثت مغول که هر پسری بطور تساوی ازاملاك و ماترك پدرسهم میبرد سبب گشت که امپراطوری بزودی تجزیه گردد.

فرمانروایان مختلف پس از آنکه دورهٔ خرابکاری خود را بپایان رسانیدند بصورت دیکتاتور های صالح درآمدند وآنچه را که از تمدن و فرهنگ رعایای خود باقی دیدند آنرا توسعه دادند و بخود جذب کردند.

غازان خان فرمانروای ایران در سال ۱۲۹۵ میلادی شیعه شد وعلم وهنر وادب راترویج کرد و برای جبران خرابیهای اسلاف خود کوشش زیادی بخرج داد ولی بدبختانه این وضع هم دوام چندانی نیافت زیرا در سال ۱۳۵۰ میلادی فاتح خونخوار دیگری پدیدآمد. این فاتح خون‌آشام تیمورلنگ بود که با پیروان ترك خویش ازآسیای مرکزی قیام کرد و تقریباً فتوحات خود را باندازهٔ فتوحات مغول توسعه داد و پس ازآن خود تیمور وجانشین های اومانند مغولان صنایع وهنررا ترویج وحمایت کردند ودرحقیقت شعروادب ونقاشی ایران دردورهٔ پادشاهان تیموری باعلی درجهٔ ترقی خود رسید.

باید باین نکته توجه داشت که درهمان مواقع ترکها از طرف مغرب پیش رفتند واستامبول را گرفتند وهمین موضوع سبب شد که نهضت رنسانس راه‌مستقیم‌خودرابپیمایدودر کنارداردانل شرق وغرب ازهم‌جداشوند.

نکتهٔ دیگرقابل توجه‌آن زمان که باید ازنظر دورنگرددآنستکه ادبیات درآن عصر درکشور ایران پیشرفت زیادی کرد.

درابتدا چنانکه دیدیم فاتحین عرب فرهنگ ایرانی وزبان فارسی راتقریباً منسوخ داشتند.

زبان عربی زبان مذهبی ورسمی‌واداری بودورعایای غیرعرب درآن اوقات نمیتوانستند ازآن رویه تخطی کنند.

اینکه گفته شد تقریباً برای آنستکه بمحض تجدید ادبیات ایرانی

معلوم بود که قسمت عمدهٔ ادبیات مذکور مرهون روایات ما قبل اسلام ایران میباشد .

آنگاه زبان عربی بموضوعهای تاریخی ، فلسفی و علمی اختصاص یافت زیرا این موضوعها گذشته از آنکه از نظر ماهیت عربی بودند از نظر اصطلاحات فنی هم بتسهیلات موجوده در آن زبان نیازمند میشدند اما موضوعهای شعری برعکس میتوانست درمحیط محدودزبانهای محلی جریان پیدا کند .

ادبیات ایرانی دارای خواصی است که قطعات منظوم و یا مقالهٔ فصیح نثرکاملا بهم ارتباط دارد .

اشعارفارسی نیزجزء بجزءِآن دارای همین استقلال وارتباط میباشد.

هربیت فارسی نه‌فقط ازنظر گرامری بلکه ازطریق مفهوم ومفاد نیز مستقل وکامل است .

شنوندگان زبان‌فارسی‌ازیك شعرکامل‌باندازهٔ چندین مقاله وچندین اظهار عواطف واحساسات مطلب درك میکنند وبرای آن ارزش قائلند .

یك شعرایرانی‌مانند یك رشته مرواریدی است که بمراتب ازالماس کوه نور درخشانتر وتابناکتراست .

همین خاصیت عالی در مینیاتور ونقاشی ایران هست که عشق‌وعلاقه به ریزه‌کاری درآن برهنرنمائی‌کلی فزونی دارد .

اولین شاعرنامی مسلمان ایران رودکی‌است که در قرن دهم‌میلادی میزیست اما فردوسی بزرگ بعد از او جانشینش شد و رودکی را تحت الشعاع قرار داد .

فردوسی شاعر عالیقدر ایران بطوری در بین ممالك جهان مشهور

و معروف است که درسال ۱۹۳٤ میلادی موقعی که جشن هزارهٔ وی برگزار شد نمایندگان ادبی سراسرجهان برای شرکت در این جشن به کشور ایران آمدند .

این شهرت عالمگیر فردوسی مربوط به کتاب شاهنامه یعنی «کتاب شاه» اوست که درسن پیری تألیف کرد .

فردوسی در سن شصت سالگی مشغول تألیف شاهنامه شد و مدت یازده سال تمام طول کشید تا این کتاب که نمونهٔ کاملی از اشعار رزمی ایران است بپایان رسید .

فردوسی در کتاب شاهنامه افسانه‌های ملی ایران راکه تاآنروز تدوین نشده بود وسینه به سینه نقل میشد بابهترین نظم فارسی مسجل کرد و از روی همین نظر وعالی بودن نظم حماسی شاهنامه است که هم اکنون در کشور ایران فردوسی یگانه قهرمان ملی بشمار میآید .

یکی از نکات جالب توجه اشعار فردوسی که تا امروز موردتحسین و تقدیر قرار گرفته آنستکه کلمات شاهنامه فارسی خالص میباشداما گویندگان اشعار و نویسندگان ایرانی بعد از فردوسی رویهٔ او را تعقیب نکردند .

فردوسی سردستهٔ عده‌ای از شعرای برجسته ونامی ایران بود که ما میتوانیم نام چندتای آنانرا در اینجا ذکر کنیم .

نظامی شاعر رمان نویس قرن یازدهم میلادی است که امسال یعنی سال ۱۹٤۱ بیاد هشتصدمین سال تولدش مراسمی برپا میکنند .

رومی شاعر عرفانی ازخراسان و سعدی شاعر مشهور بزمی هردودر قرن سیزدهم میلادی میزیستند .

حافظ شیرازی که در قرن چهاردهم میلادی میزیست و بسیاری از

ایرانیان اورا با سعدی برابر میدانند .

فردوسی ، سعدی و حافظ شیرازی بزرگترین شعرای نامی ایران محسوب میشوند .

جامی از خراسان که درقرن پانزدهم میلادی میزیست وشاعر بزرگ عرفانی بوده است.

از شعرای نامی ایران که بگذریم نویسندگان ، فیلسوفان ، تاریخ نویسان و علمای دیگرهم ازمیان ایرانیان برخاسته‌اند که نوشته‌های آنان بیشتر بزبان عربی بوده است ولی در هرحال باید اسامی بعضی از آنها در اینجا ذکر شود .

دانشمندان بزرگ ایرانی کهمانام‌آنان را در این کتاب‌ذکرمیکنیم عبارتند از طبری تاریخ نویس ، رازی وابن سینا ازعلما ودانشمندان . بیرونی عالم جغرافی و عمرخیام ستاره شناس وفیلسوف‌بزرگ که در میان ما انگلیسیها بیشتر برای رباعیات شیرینش که ظاهراً درایام‌فراق وجدائی از معشوق نوشته است شهرت دارد .

در این عصربود که‌آموزش وپرورش در کشور ایران شکل‌مخصوصی بخود گرفت که تا قرن دوازدهم میلادی بین‌کلیهٔ ملل و ممالك اسلامی متداول بوده است .

عقیدهٔ اساسی درآموزش وپرورش کودك ویا شخص بالغ (آموزش و پرورش کودك و شخص بالغ ممیزات مخصوصی نداشت) این بود که باو ترس ازخداوند متعال وفراگرفتن قوانین اسلامی رابیاموزند سپس روشهای نیك اخلاقی را درطرز رفتاراوبادیگران وطرززندگانی در اجتماع وطریقهٔ سخن‌گفتن ، خوردن ،آشامیدن ، راه رفتن وآداب لازمهٔ دیگررا بوی یاد

دهند وبالاخره اورا استاد یك فن ویادانشمند دریك رشتهٔ ازعلوم باربیاورند.

درابتدای امر تعلیمات مذهبی واحکام اسلامی راخلفا درمساجد بمردم میآموختند وبعداً این وظیفه بوعاظ ومبلغین مخصوص محول گشت که بزهد ودانش شهرت داشتند اما وضع وجنبهٔ خاصی بآنان داده نمیشد سپس کلاسهای جداگانه‌ای برای کودکان درمساجد وپس ازآن در خانه های معلمین دایر گردید وباین طریق در کشورهای اسلامی مدارس پدیدآمد.

کودکان از پنج ویاشش سالگی بمدرسه میرفتند و تا سن چهارده سالگی بفراگرفتن علوم مشغول بودند ودر آنموقع میبایستی کاری بیابند ومشغول کار شوند.

آموختن وتعلیمات آن زمان رسمی نبود.

شاگردها روی زمین دورمعلم خودشان مینشستندومعلم ازمسن‌ترین شاگردان میخواست که شاگردان کوچك رادرس بدهد.

پایه و اساس دروس عبارت از آموختن الفبا بود بطوریکه شاگرد بتواند بخواند وبنویسد ونیزهر شاگردی میبایستی قرآن راازبر بخواند.

درتدریس قرآن مجید کمترمعانی آنرا توضیح میدادند وهیچگاه از نحوهٔ تدریس انتقاد بعمل نمیآمد.

شاگردان با استعداد قسمتی از احادیث محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلم واشعارساده وحکایات کوچك وشیرین ومواد مختصری ازصرف ونحو عربی میآموختند.

پس از آن نوبت فراگرفتن زبان فارسی میرسید اما در هیچیك از مراحل آموزش و پرورش روح تحقیق و تتبع وجود نداشت بلکه برعکس مواردی راباچوب و کتك بشاگردان تحمیل میکردند وآنان نیزطوطی وار

آنرامیآموختند .

عده‌ای ازشاگردان بااستطاعت ماهیانهٔ مختصری به‌معلمین میدادند ولی بقیهٔ هزینهٔ معلم ازمحل عطیه وخیرات وکاغذ نویسی و سایر ممرهائی که برای یك شخص‌باسواد دربین‌تودهٔ بیسوادان مقرر است تأمین میگردید .

تا قرن یازدهم میلادی برای تعلیمات عالیه سازمانهای جداگانه‌ای درمیان مسلمانان‌وجود نداشت و فقط کلاسهای غیررسمی برای تعلیم‌مسائل مذهبی، رسوم وعادات‌وقوانین اسلامی درمساجد ومکانهای دیگردایرمیشد .

اولین آموزشگاههای عالی اسلامی درمرو ونیشابور تأسیس یافت و درقرن دوازدهم‌میلادی‌نظام‌الملك وزیرمعروف سلجوقیان چندین‌آموزشگاه عالی تأسیس کرد که ازآن جمله مدرسهٔ عالی نظامیهٔ بغداد بود .

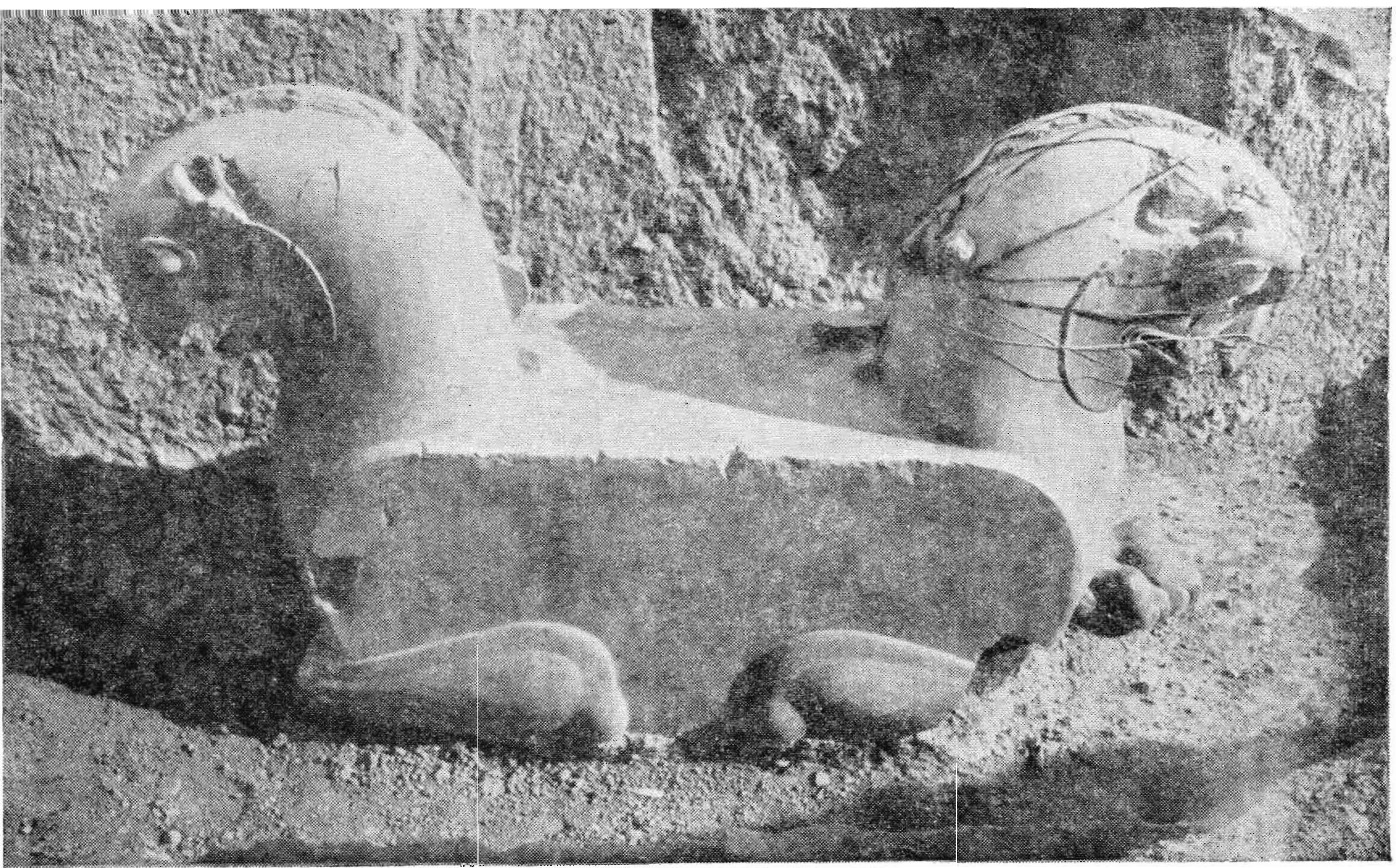
این مؤسسات نخستین‌آموزشگاههای عالی اسلامی هستند که‌برنامه و دورهٔ آنها طبق قواعد و اصول صحیحی بود.

متدرجاً این آموزشگاههای عالی فزونی‌مییافت بطوریکه در اواخر قرن سیزدهم میلادی تنها درشهر بغداد سی‌آموزشگاه عالی‌تأسیس گردید.

برای ورود باین آموزشگاههای عالی‌خواندن ونوشتن‌عربی،دانستن قرآن مجید ومختصری صرف ونحوعربی‌لازم بود .

برنامهٔ این آموزشگاههای عالی بطور کلی عبارت بود از زبان و ادبیات عرب وتفسیر کلام الله مجید احکام اسلامی ، فلسفه ، منطق و علوم نقلی که نمونهٔ کامل آن آموزشگاهها در حال حاضر مدرسهٔ چهار باغ اصفهان است .

مدرسهٔ چهار باغ اصفهان مانند همان آموزشگاههای‌عالی عبارت از حیاط بزرگی است که دور تا دور آن‌حجره‌های متعددی ساخته‌اند و



سرستون عقاب که اخیراً درتخت جمشید کشف شده است مربوط بکاخ آپادانا

محصلین دراین حجره‌ها زندگی میکنند.

کارمیکنند و پولی نمیپردازند و همچنین در این مدرسهٔ عالی یک کتابخانهٔ بزرگ که تمام کتابهای آن خطی است وجود دارد.

ضربتی که در اثر حملهٔ مغولان وترك ها برپیکر ادبیات ایران وارد شدآنقدر مهلك نبود که بتواند باعث سقوط قطعی وحتمی آن گردد بلکه بعداز سقوط بغداد که مرکز فرهنگ اسلامی بود زبان فارسی بعنوان زبان علمی وادبی اهمیت جدیدی پیدا کرد بطوریکه نه تنها در کشور ایران بلکه در میان ملتهای مسلمان غیر عرب و مخصوصاً ترك ها رواج بسیاری پیدا کرد.

نثر فارسی در ابتدای امر بسیار ساده نوشته میشدولی پس ازآنکه مغولان وترك ها بر کشورایران دست یافتند طرز انشائی که دربین شرقی‌ها معمول بود درزبان فارسی هم راه‌یافت.

تغییری که در اثر حملهٔ مغولان وترك‌ها در زبان فارسی پیش‌آمد بزودی بر اثر پیرویازاصول محافظه کاری و انشاءِ مصنوعی که از خواص ملت‌های عقب افتاده است آنرا جامد ساخت واز روح وحیات بازداشت و گرچه بعداً اقداماتی برای‌اصلاح‌آن بعمل‌آمد ولی بهرحال بایدآن‌زمان را آغاز سقوط وانحطاط فرهنگ وتمدن اسلامی دانست.

فصل چهاردهم

پادشاهان سلسلهٔ صفوی و نادرشاه

امپراطوری تیمورلنگ مانند امپراطوری‌هائی که قبلاً مهاجمین دیگری در ایران تشکیل داده بودند بزودی درهم شکست ومتلاشی گردید وبعد از آن این امپراطوری بصورت سلطنت‌های کوچك ترك وترکمن درآمد که سلسلهٔ فرمانروایان مغول درشمال هندوستان وحکمرانان عثمانی درآسیای صغیر ازنژاد آنان میباشند.

از این دودسته فرمانروایان آسیا هندوستان کمتر به ایران ارتباط دارد گواینکه فرمانروایان مغول زبان فارسی وصنایع ظریفه را باخود به هندوستان بردندو آنرا تاجائی که ممکن بودرواج و توسعه‌دادند امامتأسفانه نفوذ متقابلی ایجاد نکردند و هندوستان مانند همیشه بصورت دنیای جداگانه و مستقلی باقیماند. ترکان عثمانی پس‌از آنکه قسمت مهمی از جهان عرب‌را مسخر کردند و کشورمصر راهم متصرف‌شده وجزءِ مستملکات خود ساختند مانند رقیب سرسختی‌در برابر ایران‌ایستادگی کردند.

در آغاز قرن شانزدهم میلادی وطن دوستی و ملت پرستی ایرانیان آنچنان نیروئی یافت که توانستند در برابرنفوذ ترك‌ها مخالف نیرومندی

بنام سلسلهٔ صفویه بوجود آورند که پادشاهان این سلسله توانستند بیش از دویست سال باقدرت کاملی در ایران سلطنت کنند.

این واقعه نه تنها برای ایران بلکه برای تاریخ تمام کشورهای خاور نزدیك امری قاطع بود.

ایران ادعا داشت که باید یك ملت مستقل شناخته گردد اما این امر با سیاست کلی اتحاد اسلامی مخالف و مغایر بود زیرا ترك‌های عثمانی میخواستند مجدداً ملل اسلامی را متحد سازند (البته باعوامل غیرمؤثر) ایران دارالاسلام را بدو قسمت تجزیه میکرد و آنگاه خودش مانند مانع ورادعی در آن میان باقی میماند. کشور ایران پس از آنکه مذهب شیعه را بعنوان مذهب رسمی اعلام داشت خودرا از نظر سیاست و دیانت با امپراطوری عثمانی که سنی بود مخالف معرفی کرد. (صفویه مدعی بودند که از نسل امام‌ها هستند) و این اختلافات و کشمکش ها بناچار بصورت جنگهای خونینی درآمد و سرزمین بین‌النهرین همانطوری که در زمان هخامنشیان بر ضد یونان و در زمان ساسانیان برضد رومیان میدان جنگ بود مجدداً میدان جنگ ایران و عثمانی شد.

در اینجا لازم است نسبت به پاره‌ای از اقدامات اولیهٔ اروپائیان در امور ممالك شرقی اشاره‌ای بشود.

کشورهای غربی که ازپیشرفت روز افزون ترك‌ها سخت نگران بودند کشور ایران را وسیله‌ای برای انحراف توجه ترك ها بطرف مغرب دیدند و باپیشنهاد اتحاد و تحریکات گوناگون کوشیدند تا پادشاهان صفوی را را بمحیط سیاست اروپا بکشند.

پادشاهان صفوی بزودی بطرف این سیاست جلب شدند اما سیاست

خارجی آنها تهاجمی نبود و در امور فرهنگی ارتباط نزدیکی بین ایران و ترکیه برقرار گشت.

در آن موقع ایران مانند همیشه برای اصلاحات داخلی علاقهٔ شدیدی نشان میداد و بهیچوجه خیال نداشت که سر زمین و قلمرو حکومت خود را توسعه دهد.

در زمان سلطنت شاه عباس (۱۶۲۹ - ۱۵۸۷ میلادی) که افسانه هائی راجع باو گفته‌اند و در عصر سلطنت الیزابت و شارل پنجم اسپانی و اکبر امپراطور مغول میزیست علم و هنر بانواع وسائل ترویج میشد..

اصفهان پایتخت جدید شاه عباس نمونهٔ کامل زیبائی معماری اسلامی گشت.

راهها و پل‌های جدیدی درسراسر کشور احداث گردید.

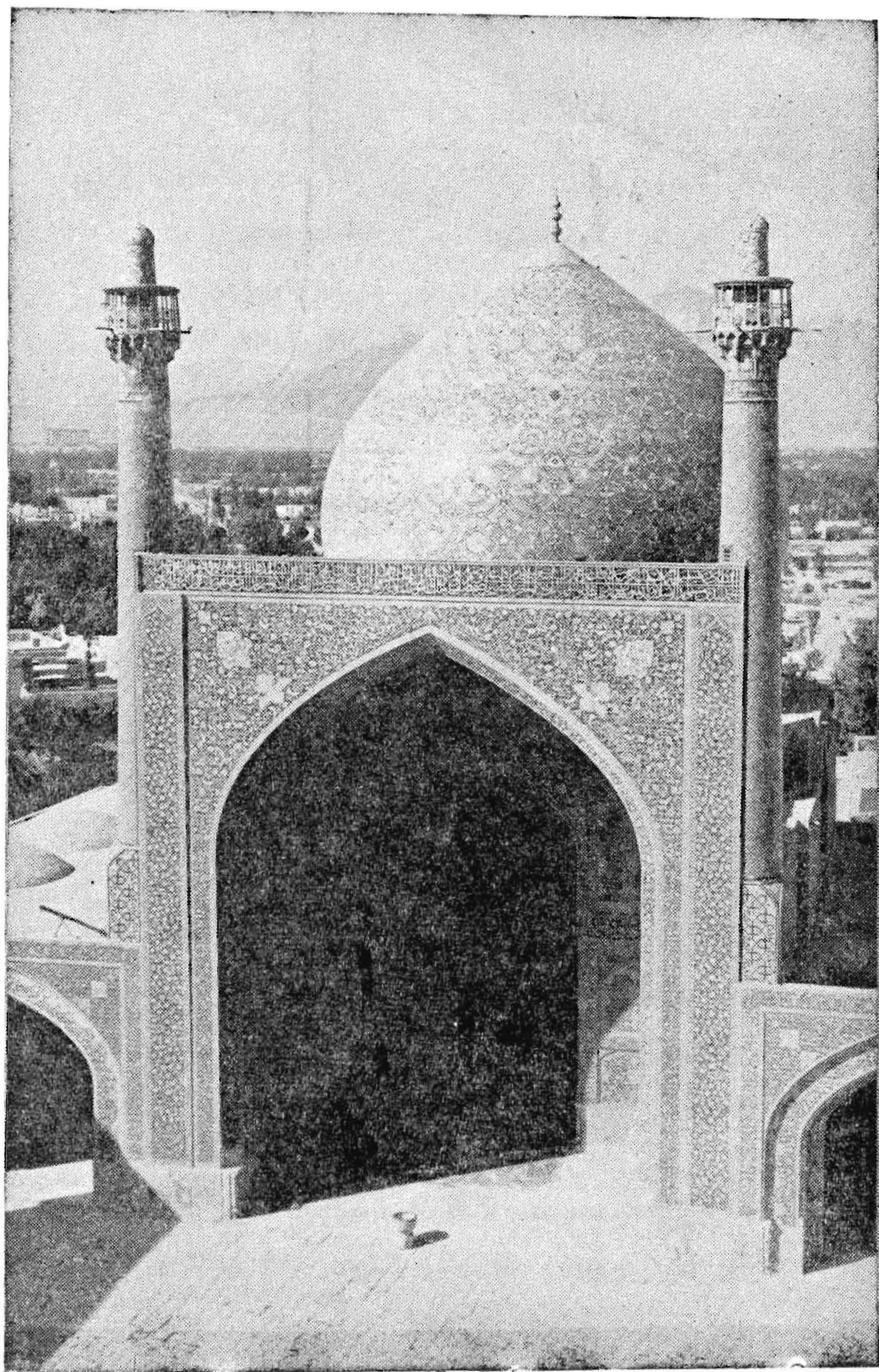
صنایع وهنرهای زیبا توسعه وترقی یافت.

مینیاتور، نقاشی، قالی بافی، نساجی، خط نویسی وفلزکاری معمول ومتداول شد.

اینگونه آثار وصنایع دستی بتدری پیشرفت وتوسعه یافت که حتی در همین زمان ایرانی ها اشیاءِ خوب قدیمی را که تاریخ ساختن آنها بیش از یکصد سال باشد منتسب بدورهٔ سلطنت شاه عباس میدانند.

پادشاهان صفوی درامورمذهبی نسبت به اقلیت ها گذشت فراوان داشتند.

دو موضوع مهم وقابل توجه مربوط بدورهٔ سلطنت صفویه است که باید در اینجا ذکر شود اول آنکه شاه عباس به جامعهٔ ارامنه اجازه داد که در جلفای اصفهان متمرکز گردند و باساختن کلیسا مراسم مذهبی خود را آزادانه انجام دهند موضوع دوم آنست که بمناسبت شهادت حضرت حسین بن علی علیه‌السلام در ماههای محرم و صفر تعزیه خوانی در کشور ایران معمول



ایوان و گنبد مسجد شاه اصفهان ازآثار صفویه

شد وهمه ساله این مراسم در ماههای مزبور اجرا میگردید که اکنون هم تاحدی معمول است .

پادشاهان صفوی سعی داشتند که اعتقادات مذهبی را درافراد کشور بسیار قوی ومستحکم سازند و روی این نظر شهرهای مشهد وقم و کربلاو نجف مدفن مطهر حضرت علی بن ابوطالب (ع) را زیارتگاه شیعیان قرار دادند که وسایل وشرایط زیارت آنها بمراتب ازمکه فراهم ترو سهلتراست.

مقصود این بود که بااین ترتیب بجای آنکه نظر ایرانیان بوقایع وحوادث جهان معطوف گردد فقط متوجه خودشان باشند اما این نظر بعداً نتیجهٔ مطلوب نداد زیرا محدودیت های داخلی مخصوصاً در امور مذهبی منجر به رکود ومختل ماندن کارها شدو برطبق عقاید واصول مذهب شیعه موضوع اجتهاد پیش آمد که به مجتهدین اجازه میداد آیات کلام‌الله مجید را آزادانه وبمیل خودشان تفسیر کنند و همین امر بطوری در امور ایجاد اختلال کرد که کاملا نتیجهٔ معکوس داد وحکومت مجتهدین از حکومت قرآن شدیدتر شد ونفوذ آنان بقدری قوت یافت که حتی در وقایع وامور سیاسی هم تأثیر داشت وباید اعتراف کرد که این اختلال در امور داخلی باعث وسبب شد که کشور ایران اولین قربانی فاتحین مقتدر جهان آنروزی بشود ودردام سیاست استعماری روزافزون اروپائیان بیفتند .

درسال ۱۷۲۲ میلادی پس از آنکه سلسلهٔ صفوی سقوط کرد و کشور نامنظم وپرهرج ومرجی ازدوران سلطنت خودباقی گذارد نادرشاه ازخراسان قیام کرد .

این پادشاه مانند تیمور لنگ یکی ازجهانگیران بزرگ جهان است بـا این تفاوت که میدان تاخت وتـاز ووسعت خـاك امپراطوری او بحد

تیمورلنگ نرسید .

نادرشاه قبلا مدتی در ارتش پادشاهان مختلف ایرانی خدمت کرده بود وپس ازآنکه برای نجات کشورش قدمردانگی علم کرد سپاهی دلیر و جنگجو گرد آورد و در اولین لشگر کشی که بفرماندهی شخص خودش اداره میشد رومی‌ها و ترک‌ها را باموفقیت پیروزمندانه‌ای شکست داد .

در سال ۱۷۳۶ میلادی آخرین پادشاه سلسلهٔ صفوی که کودك شیرخواری بود بدرود حیات گفت و نادرشاه خودش تاجدار ایران گشت و بفتوحات درخشانی نائل گردید .

یکی از مشهورترین لشگر کشی‌ها وفتوحات نادرشاه فتح هندوستان است که تخت طاوس معروف را دردهلی بغنیمت گرفت وآنراباخود بایران آورد(تختی شبیه همین تخت طاوس هم اکنون درتهران میباشد) نادرشاه در اداره کردن امور کشور هنر چندانی نداشت و همینکه در سال ۱۷۴۷ میلادی بقتل رسید در حدود پنجاه سال کشور ایران دچار هرج و مرج گردید .

این هرج ومرج ونا امنی سرانجام با پیروزی قاجار یکی ازطوایف ترك ساکن شمال ایران خاتمه یافت ودرسال ۱۷۹۴ میلادی تهران پایتخت ایران وپادشاهان قاجار گشت .

باآغاز سلطنت سلسلهٔ قاجار دورهٔ جدیدی درتاریخ ایران پدیدآمد که بحث دراین موضوع محتاج بفصل جداگانه ایست .

فصل پانزدهم

توسعه و پیشرفت نفوذ غرب در ایران

قرن نوزدهم میلادی برای ایران زمانی است که با کشورهای اروپائی مربوط شده واین تماس ازهمان موقع تاکنون ادامه داشته ودارد.

البته در گذشته هم ایران بااروپا مربوط بوده ولی رشتهٔ ارتباطی آنان مانند قرن نوزدهم میلادی محکم و ناگسستنی نبوده است . ما نام یکنفر کشیش ایرانی رابنام «ایوزمقدس» ذکر کردیم وهمچنین گفته شده‌است که درسال ۷۲۲ میلادی یکنفر انگلیسی بنام ویلی بالدمقدس (ST-Willibald) اولین کسی بود که بکشور ایران آمده است .

درقرن‌دهم میلادی بین شارلمان (Charlemagne) وهارون‌الرشید روابط سیاسی برقراربوده است ودرپایان قرن یازدهم‌میلادی نخستین حملهٔ صلیبیان شروع گردید و آنطوریکه تاریخ آنان حکایت میکند بیشتر منظورشان غارت وچپاول بوده وبهمین جهت برای پیشوایان مسیحی خود نام نیکی باقی نگذارده‌اند .

چون کشور ایران از میدان جنگ صلیبیان دور بود طبعاً نقش مهمی درآن کارزار بازی نکرد اما درقرن سیزدهم و چهاردهم میلادی از

طرف کشورهای صلیبی مذاکراتی با فرمانروایان مغول آغاز گردید که ازعقب سر به‌ترك ها حمله کنند ولی این مذاکرات که برای آغاز آن کوشش زیادی معمول گردیده بود بی‌نتیجه ماند .

از همان تاریخ داستانهای افسانه‌مانندی دربارهٔ شخصی بنام یحیی کشیش پرسترجان (Prester John) بوجود آمد که مذهب نسطوری را پذیرفت واحتمال دارد که یکی ازفرمانروایان مغول بوده است .

ارتباط دائمی ایران بااروپادرقرن پانزدهم وشانزدهم میلادی شروع گردید و آن هنگام موقعی بود که بازرگانان ونیزی (Venice) درصحنهٔ تجارتی ایران ظاهر شدند .

برای مدتی بازار تجارت ایران منحصراً دردست ونیزی هابودتااینکه در دورهٔ سلطنت پادشاهان صفوی بازرگانان انگلیسی ازراه روسیه بکشور ایران وارد شدند .

حوادثی که دراثر رفتارو کردار برادران مشهور شرلی (Sherley) درایران رویداد ارتباطی باکتاب ماندارد اما همان حوادث معروف نمونهٔ بارزی ازوضع نفوذ اروپائیان و مخصوصاً انگلیسی‌ها است که بنام تجارت نفوذ سیاسی خودرا توسعه دادند .

این ادعا ازآنجهت است که برادران شرلی مأموریت داشتند که صفویه رابرای حمله به‌ترك‌ها تحریك وآماده سازند .

قرن شانزدهم میلادی همانطوریکه آغاز نفوذ اروپائیان در ایران بشمار میرود دوره ایست که امور بازرگانی ایران از نظر بین‌المللی بی‌اهمیت بود .

کشف دماغهٔ امید نیك (Cape) باعث وسبب شد که پیشرفت ترك‌ها

در اروپا متوقف بماند وباین‌جهت فعالیت هـردو عامل اقتصادی و سیاسی از راه‌خشکی هندوستان منحرف گردید وعلاوه برآن استحکام امپراطوری عثمانی مانع مؤثری برای بازرگانان آینده ایجاد میکرد.

این وقایع وپیش آمدها که بطور مؤثری وضع اقتصادی عالم اسلام را تحت الشعاع در آورد در کشور ایران نسبت به جاهای دیگـر کمتر بحرانی بود .

خلیج فارس برای رفتن به هندوستان باز ماند و تجارت ابریشم در آن نواحی رونقی بسزا یافت.

کمپانی هند شرقی خیلی زودوسریع در مقابل پرتغالی ها که‌اولین واردین بسرزمین ایران بودند پدیدار گشت و در بندرعباس کارخانه‌ای بنا کرد وانگلیسی‌ها که در تمام مراحل بارقابت شدید پرتغالی‌ها و هلندیها و فرانسویها روبرو بودند درقرن هیجدهم میلادی در نواحی خلیج قدرت و نفوذ فوق‌العاده‌ای پیدا کردند .

انگلیسی‌ها بیشتر توجهشان به‌ایران از آن‌جهت بود که این کشور با هندوستان هم مرزبود و درآنموقع اقداماتی صورت میگرفت که کشور زرخیز هندوستان جزءِ مستملکات امپراطوری بریتانیا درآید .

در آنموقع انگلیسی ها از نفوذ زیاد فرانسویان در داخلهٔ ایـران نگران بودند و بیشتر نفوذ فرانسویان در ایران از نظرفرهنگی بود ولی سیاستمداران آنروز بریتانیا این موضوع را نمیدانستند .

نگرانی انگلیسی‌ها از فرانسوی ها درآن ایام بسیاربجا بود زیرا ناپلئون (Napoleon) تصمیم داشت که از راه ایران خود را به هندوستان برساند اما بعد ازشکست ناپلئون بناچار بین ایـران و انگلستان دوستی

بسیار نزدیکی برقرار گشت ولی دیری نپائید که انگلیسی‌ها بخطر عظیمی که از طرف شمال به‌آنان نزدیك میشد پی بردند.

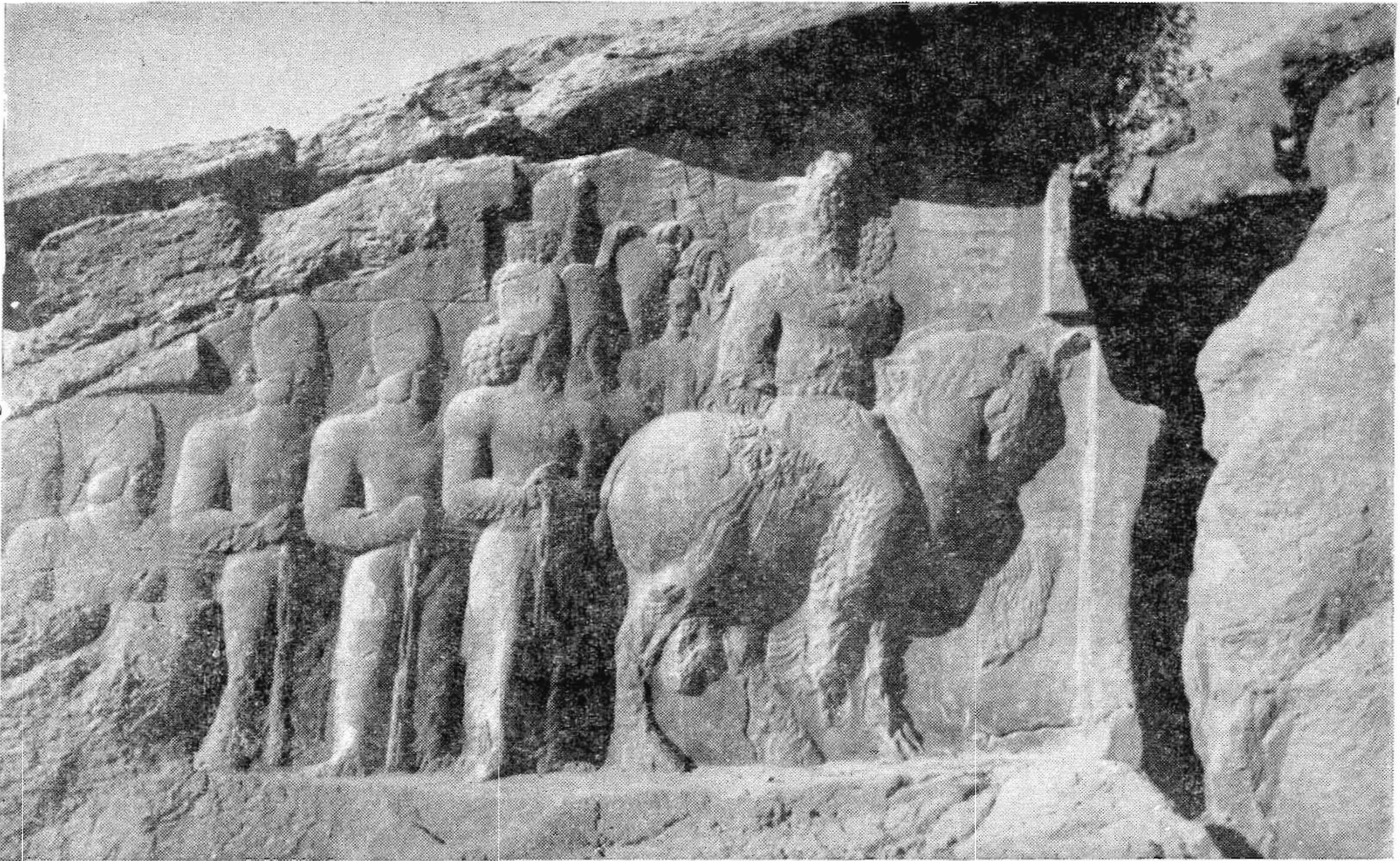
اولین هیئت سیاسی سفارت روسیه درسال ۱۶۶۴ میلادی به ایران واردشد درآن تاریخ سرحدات ایران و روسیه از یکدیگر فاصلهٔ زیادی داشتند ولی از یکصدوپنجاه‌سال پیش‌روسها بطرف جنوب شرقی‌پیش‌میآمدند و هیئت اعزامی بایران هم نمونه‌ای ازآن‌جنبش محسوب میگردید.

در موقع جنگهای‌ناپلئون هردو کشور فرانسه و روسیه گاهی‌باهم و گاهی بضدیت ومخالفت یکدیگربرای حمله‌به هندوستان مانورمیدادند و هریك ازآنها پی فرصت میگشت که زودتر از دیگری نظر خودراعملی سازد و همینکه فرانسه از میدان دررفت روسیه باقی ماند وبه کوششهای قبلی خود افزود.

چند سالی ازاین موضوع نگذشته بود که جنگهای روسیه در قفقاز پیشرفت زیادی کرد قلمرو سرزمین های شوروی به مرزهای ایران رسیدو در سال ۱۸۲۸ میلادی پیمان ترکمن چای بین ایران وروسیه انعقاد یافت و فتوحات روس‌ها بمنتهی درجه رسید.

در اثر انعقاد پیمان ترکمن چای باستقلال وحاکمیت ایران‌لطمهٔ بزرگی وارد آمدو تجارت خارجی این کشور بدست روس‌ها افتاد و از همان تاریخ کاپیتولاسیون (Capitulation) یعنی حقوق ویژهٔ بیگانگان درایران معمول گردید ولی تاسال ۱۹۲۸ میلادی بیشتر دوام نداشت.

بالاترازهمه بانزدیك شدن بریتانیا ازطرف مرزهای خاوری محصور بودن ایران تکمیل‌تر شد ودر واقع ازهمان تاریخ کشور ایران آلتی بود که برای پیشرفت مقاصدونقشه‌های بریتانیا ویاروسیه بنوبت بکارمیرفت.



نقش برجستهٔ شاپور و درباریان در نقش رجب نزدیک تخت جمشید

سالهای بعد بین ایران و افغانستان جنگی درگرفت که بایدآنرا جنگ مالیخولیائی نام گذارد وهمین‌جنگ بادست دودولت قوی بریتانیا وروسیه بوجودآمد .

روسیه قبایل ترکمن را درکرانهٔ خاوری دریای خزر مطیع خود کرد وبا ساختن راه آهن موقعیت نظامی خویش رادرآن حدود مستحکم ساخت .

بریتانیا کوشش میکرد که سرحدی بین ایران وبلوچستان بوجود آورد ونفوذ خود را درجنوب توسعه دهد .

درسال ۱۸۸۰میلادی این نظرتأمین وتکمیل گردید فقط درسرحد غربی بین ایران وترکیه اختلافی باقی ماند .

درهمین حیص وبیص یك نوع راه نفوذ جدیدی پدیدآمد که برای تصرف اراضی‌بکارنمیرفت بلکه بااعمال رویهٔ تازه‌ای‌این نفوذ توسعه مییافت.



فصل شانزدهم

احداث خطوط تلگراف و راه‌آهن درایران

نزدیك شدن راه‌آهن روسیه ازطرف شمال وواقعهٔ مهم افتتاح‌کانال سوئز درسال ۱۸۶۹میلادی ایران وسایر کشورهای خاور نزدیك را بعرصهٔ سیاست بین‌المللی کشانید اما از آنموقع دولتهای مقتدر غربی دیگر از رویهٔ سابق امپریالیستی که رنگ ونقشهٔ ممالك را تغییر میداد پیروی نمیکردند وبجای تسلط و فرمانروائی نظامی میخواستند نفوذآنان درامور اقتصادی ومالی کشورها پیشرفت کند و بازی تازه‌ای راآغاز کردند که عبارت ازگرفتن امتیازات ازکشورهای خاورنزدیك بود .

ایران درمیان راه مستقیمی واقع شده بود که مانند زنجیری اروپارا باهندوستان مربوط میساخت و برای ارتباطات بین‌المللی بسیارمهم وقابل توجه بود ازاینرو دربدوامر نظراستفاده جویان بطرف تلگراف وراه‌آهن معطوف گردید ودر عرض چند سال خط تلگرافی مهمی احداث شدکه از اروپا تا بغداد وتفلیس ازطریق تهران امتداد داشت و تهران راهم بخلیج فارس وهندوستان وصل میکرد .

گرچه این خط مهم‌وطویل تلگرافی راکشورهای مختلفی دایر

کردند اما عملا تاسال ۱۹۲۰ میلادی بدست عمال انگلیسی اداره میشد و اسماً هم تحت کنترل دولت ایران بود.

راه‌آهن ایران برخلاف تلگراف مورد قبول واقع نگردید ودورقیب یعنی بریتانیای کبیر و روسیه که هریك سعی داشتند مقام و موقعیت خود را در کشور ایران محکمتر سازند ساختن راه آهن را مفید نمیدانستندوهر یك سررقیب خودرا باحرف گرم میکرد و باین علت تاسال ۱۹۲۷ بطورکلی چهار رشته راه‌آهن در کشور ایران بوجودآمد که طول تمام‌آن چهاررشته جمعاً از ۲۰۰ میل هم کمتر بود و ازآن جمله یکی راه آهن سبك پنج میلی تهران به‌شاه عبدالعظیم ودیگری راه‌آهن هفت میلی رشت به‌پیربازار بود که میتوان گفت این‌دوخط از هردوجهت متعلق به ایران بودندودوخط دیگر دنبالهٔ خطوط راه آهن هندوستان و روسیه بودند که بخاك ایران میآمدند. (۱)

بقیهٔ تاریخ قرن نوزدهم میلادی کشور ایران عبارتست از یك سلسله وقایعی که بین دورقیب‌سرسخت ودو ملت بزرگ‌روی داد و با افکارسرمایه‌داری و امپریالیستی توأم بود بدین معنی کـه فرمانروایان ظاهری ایران برضد یکدیگر عمل میکردند بامیدآنکه نفعی عایدشان شود اما درپایان کاروقتی که‌درست توجه کردند دریافتند که همه‌چیزخود را ازدست‌داده‌اند.

در همـان تاریخ بود که میتوان گفت تقریباً تمام منابع کشورایران دردست خارجیان قرار داشت .

کشور روسیه کـه در آن تاریخ از نظر مادی از کشورهای دیـگر

---

۱ ــ این خطوط راه آهن باچهل وسه میل راه‌آهن سبکی که بوسیلهٔ شرکت نفت انگلیس وایران احداث وازآن بهره برداری میکردندربطی ندارد . (مؤلف)

برتری داشت بواسطهٔ موقعیت مهم جغرافیائی بر حکومت تهران یعنی دولت ایران تسلط داشت و این مقام برتری را برای خود حفظ کرده بود، درمقابل دولت انگلیس درسال ۱۸۸۹ بانك شاهنشاهی را در ایران تأسیس کرد و گاهی هم ملت‌های دیگر اروپائی بصور مختلف نصیب کمی از این کشور میبردند.

ایتالیا گروهی مستشار نظامی به کشور ایران فرستاد و در سال ۱۸۹۸ تمام مدیران و رؤسای گمرکات این کشور بلژیکی بودند و گمرك ایران را اداره میکردند.

تسلط وحکمفرمائی خارجیان به ایران با تنظیم قرارداد انگلستان و روسیه که درسال ۱۹۰۷ میلادی تدوین شد بمنتهی درجه رسید زیرا بموجب این قرار داد کشور ایران بدو منطقهٔ نفوذ انگلیس و روس و یك منطقهٔ بی طرف تقسیم گردید.

این موضوع برای بریتانیای کبیر پیروزی سیاسی بزرگی بشمار میرفت درصورتیکه روسها هم بصورت ظاهر سهم بیشتر وبهتری رادارابودند و بعلاوه همین واقعه موقعیت بریتانیا را در جنوب محکمتر ساخت و از پیشرفت سریع روسیه که قبلا بعلت شکست از ژاپن ضعیف شده بود جلو گیری کرد امااثرات آن به حیثیت انگلستان لطمهٔ بزرگی وارد ساخت بطوریکه حتی روزنامهٔ پونچ(**Punch**) که در آن موقع آزادی بیان بیشتری داشت ازپایمال شدن منافع ایران در آن عهد اظهار وحشت نمود ودرطی مقالات متعدد خود این عمل دولتین انگلیس وروس را بیرحمانه تلقی کرد وایرانیان که آن قرار داد را مقدمهٔ تفکیك و تقسیم کشور خودشان میدانستند از همان موقع مایلند که نام بریتانیا را مانند نام روسیه بردشمنان تاریخی و قدیمی خود بیفزایند.

درهمین‌اوقات نهضت‌های‌فرهنگی وادبی درزندگانی ایرانیان‌بوجود آمد و این امر بطور روشن وآشکار حاکی ازآن بود که کارد باستخوان رسیده‌است، اولین علامت این نهضت ظهور فرقهٔ بابی‌ها است .

این نهضت هم یکی ازهمان نهضت های افراطی مذهبی بود که در تاریخ ایران نظایرآن زیاد دیده شده‌است .

مؤسس و بنیان‌گذار این فرقه سیدعلی محمد در هزار مین‌سال‌غیبت امام دوازدهم عليه السلام [1] ادعا کرد که باب یا دروازهٔ علم و دانش الهی است اما پیروان او خیلی تند رفتند بطوریکه برای خودشان هم ادعای الوهیت کردند وادعا نمودند که باب خالق وآفرینندهٔ خدایان میباشد.

حکومت تهران اینطور تشخیص داد که‌این نهضت برای تضعیف و تهدید او بوجودآمده و با وسائل ممکنه بقلع وقمع پیروان آن پرداخت و بابی‌ها را بهر وسیله‌ای که ممکن میگردید آزار میداد و همین موضوع موجب شد فرصتی بدست آمد که آن جرأت وشهامت تعجب آورایرانیان نشان داده شود .

همان جرأت وشجاعتی که در موقع حمله بعقاید مذهبی ایرانیان غالباً ازآنان بروز میکند .

باب درسال ۱۸۵۰ میلادی در شهر تبریزاعدام شد وپیشوایان‌این فرقه بخارج از ایران رفتند .

از تعلیمات پیشوایان فرقهٔ بابی بهائی پدید آمد که عبارتست از یك رشته عقاید روشن اخلاقی ومردم را بصلح عمومی وروش‌نیکو دعوت

---

۱ ــ منظور نویسندهٔ کتاب غیبت‌حجة بن الحسن مهدی قائم‌امام‌دوازدهم علیه‌السلام است . (مترجم)

میکند و پیروان افراطی آن مدعی هستند که ناسخ تمام ادیان میباشد.

آئین بهائی درامریکا واروپا پیروان زیادی پیدا کرد ولی تصورمیرود که اهمیت امروزهٔ آن در کشور ایران ازروزپیدایش این آئین بیشترباشد.[1]

باید در نظر داشت که پیروی از آئین بهائی در کشور ایران ممنوع است[2].

گرچه بهائی ها ابتکاری از خودشان نشان ندادند اما چندسالی بعدازآن تاریخ ازآنهائی که اصلاحاتی شروع کرده بودند طرفداری میکردند.

درآن ایام شاه مانند زمان سلطنت پادشاهان هخامنشی فرمانروای مطلق کشور ایران بود بااین تفاوت که حکومت مذهبی از اوسلب شده ودر دست مجتهدین قرار داشت.

حکومت مذهبی ونفوذ روحانی مجتهدین بسیار زیاد بود ودرصورت لزوم میتوانستند در امور مهم سیاسی نظری قاطع داشته باشند.

در امورمملکتی واداره کشور هم قدرت دیکتاتوری پادشاه بصورت ظاهر خیلی زیاد بود اماحقیقت نداشت وصدر اعظم ها تمامی کارهای مملکت را اداره میکردند.

---

۱ ـ این عقیدهٔ مؤلف محترم کتاب است وحال آنکه فرقهٔ بهائی در امریکا و اروپا طرفداری ندارد و اصولا چون مرامی ساختگی است از همان روزاول بامخالفت شدیدتمام ادیان روبروشد ودر حال حاضردر کشور ایران هم عدهٔ بهائی‌ها بسیار کم و محدود است. (مترجم)

۲ـ درزمان سلطنت رضاشاه کبیر فرقهٔ بهائی ازترس مقامات مسئول مملکتی تظاهر به‌مسلمان بودن میکردندوحسب‌الامراعلیحضرت‌فقید بهائی‌ها ازدستگاه دولت بکلی رانده‌شدند واستخدام آنان‌هم‌ممنوع گردید. (مترجم)

فصل هفدهم

تأسیس مدارس خارجی در ایران

رویهٔ واگذاری ایالات وولایات به فرمانروایـان و حکام استانها و شهرستانها و دریافت مالیات واجاره از آنان باعث شده بـود کـه حکومت مرکزی در خارج پایتخت ضعیف گردد و همین موضوع موجب‌شد که‌حکام محلی مانند شیخ محمره و خانهای بختیاری در تمام امور مربوط بحوزهٔ حکومتی خود اختیار تام داشتند وبا مقامات انگلیسی وروسی‌واردمذاکره میشدند بدون اینکه دولت ایران ازاقدامات آنهااطلاعی داشته باشد.

با این ترتیب خوانندگان گرامی تعجب نخواهند کرد که بگوئیم ناظرین امور خارجی درآن ایام معتقد بودند که کشور ایران روبانقراض و نابودی میرفت و فقط کنترل شدید وکامل دولتهای اروپائی میتوانست‌از آن هرج ومرج وسقوط حتمی جلوگیری کند.

نظرحقیقی وعقاید وافکار ملت ایران دروضع‌سیاسی آنروز کشورشان مؤثر نبود زیـرا در همان موقعی کـه پادشاهان قـاجار از رویـه و طرز حکومت دیرین پیروی میکردندفرهنگ وعقاید غرب بوسیلهٔ دیپلمات‌هاو مأمورین‌تلگراف‌ومؤسسات بانکی‌ومبلغین‌اروپائی‌درنسل‌جوان‌تأثیرمیبخشید.

در قرن نوزدهم میلادی که برای اولین بار مأمورین نظامی فرانسه و بریتانیا به‌ایران آمدند نخستین تماس واصطکاك فرهنگ غرب درروش تعلیم وتربیت ایران پدیدآمد .

درسال ۱۸۲۹ بنابدعوت پرنس مترنیخ(Prince Metternich)یك هیئت ایرانی برای کسب آخرین اطلاعات جنگی اعزام گشت وقبل از آنهم یعنی درسال ۱۸۱۰ و۱۸۱۵ دانشجویان ایرانی برای تحصیل علوم پزشکی وسایر رشته‌ها بکشور انگلستان اعزام شده بودند .

درسال ۱۸٤۰ لازاریت ها(L: zarites) درشهرهای ارومیه ، تبریز ، جلفا وسلماس ودرسال ۱۸۶۰ درتهران مدارسی افتتاح کردند .

درسالهای ۱۸۹۱ و ۱۹۱۶ فرانسویها مدارس پسرانهٔ دیگری در شهرهای تهران واصفهان دایر کردند وهمچنین درسالهای ۱۸۶۵ و ۱۸۷۵ و ۱۹۲۱مدارس دخترانه درشهرهای‌ارومیه ، سلماس ،تبریز، اصفهان وتهران افتتاح کردند .

هیئت مبلغین امریکائی درسال ۱۸۷۲مدارس پسرانه ودرسال ۱۸۹۶ مدارس دخترانه در تهران افتتاح کردند و همچنین درسال ۱۹۰٤ انجمن مبلغین کلیسای استوارت مموریال (Stewart - Memorial) کالج انگلیسی رادرشهراصفهان گشودند .

درسال ۱۶٤۰ برای اولین بار کتابی درایران بوسیلهٔ خلیفهٔ ارامنهٔ جلفا چاپ و منتشر گردید وبا اینکه نوعی چاپ سنگی درزمان سلطنت صفویه معمول بود تا سال ۱۸۱۲میلادی چاپ کتب واوراق درایران روی اسلوب و اصول صحیحی نبود ودرآن تاریخ اولین چاپخانه درتبریز دایر گشت ودرسال ۱۸۲۳ هم اولین مطبعه درشهرتهران افتتاح گردید وازآن

موقع چاپ کتاب وروزنامه توسعه یافت واولین روزنامهٔ ایرانی که (اخبار فعالیتهای درباری) نام داشت درسال ۱۸۵۱ انتشاریافت.

درسال بعد روش فرهنگی وافکارغرب دربین ایرانیان بطور محسوسی توسعه یافت و مدرسهٔ دارالفنون درتهران دایر گشت.

این کالج که درآغاز کار یکصد دانش‌آموز داشت معلمین اروپائی و ایرانی درآن تدریس میکردند وبرنامه هـای درسی دانش‌آموزان عبارت بود ازرشته‌های: پیاده نظام وسواره نظام، توپخانه، مهندسی، پزشکی، جغرافی وزبانهای فرانسه و انگلیسی وروسی که بعداً نقاشی و موسیقی هم بآن اضافه گردید.

درکالج دارالفنون چاپخانه‌ای وجودداشت که کتابهاوجزوات درسی راچاپ میکرد ودر عرض چهل سال یك هزار ویکصد دانشجو از این کالج فارغ‌التحصیل شدند.

ساختمان دارالفنون هم‌اکنون برای تشکیل کنفرانسها ومیتینگها مورد استفاده قرارمیگیرد.(۱)

در سال ۱۸۵۵ میلادی وزارت فرهنگ ایران تأسیس گردید وسه سال بعد برای اولین بـار چهل ودو نفر دانشجوی ایـرانی بـرای تحصیل بهاروپااعزام گشتند اما ناصرالدین شاه باطناً بااین امرمخالف بود.

قاآنی شاعرمعروف (۱۸۰۷-۵۳) یکی از پیش‌آهنگان وطرفداران جدی علوم جدید بود. با پیدایش ومعرفی چاپ سنگی وچاپ سربی علوم جدید وافکارتازه بوسیلهٔ نشر کتابها وروزنامه‌ها دربین مردم توسعه یافت.

۱ـ وزارت فرهنگ در همین ساختمـان دبیرستانی بنـام دبیرستـان دارالفنون تأسیس کرده است. (مترجم)

فصل هیجدهم

نهضت مشروطه خواهان وپیدایش نفت ایران

در سال ۱۸۹۰ میلادی نهضت مشروطه خواهان متدرجاً بوجود آمد وازچند ناحیهٔ مختلف تقویت وحمایت میگردید.

در میان طبقهٔ روشنفکر عده‌ای بودند که تاحدی ازپایه واساس و مزایای دموکراسی اطلاع داشتند وبانهایت علاقمندی درباب تجدد اتحاد اسلام ونظایر آن کوشش میکردند اما طبقات دیگری هم بودند که هم ازنظرعده وهم ازنظر نفوذ اهمیت بیشتری رادارا بودند وبا کمال میل از نهضت‌مشروطه حمایت میکردند باین امید که ازضعف دولت استفاده کنند.

این‌طبقات ازمجتهدین، ملاها، رؤسای قبایل، ایلات وتوده‌های ستم دیده ورنج کشیده تشکیل میافت.

بناچار بریتانیا وروسیه هم دراین کشمکش وارد بودند وبریتانیا ناگزیر شد ازمشروطه خواهان طرفداری کند واین طرفداری از آنجهت نبود که انگلیسی ها بدموکراسی شدن کشور ایران علاقمند باشند بلکه‌این موضوع‌فقط ازآن نظربود که روسها ازشاه طرفداری میکردند.

این کوششها و تحریکات به اوج اعلی رسید و انقلاب سال ۱۹۰۶ میلادی بوقوع پیوست که درنتیجه مجلس شورای ملی ایران بوجود آمد و

در ماه دسامبر سال ۱۹۰۶ فرمان مشروطیت صادر گشت که تا کنون هم همان مجلس باتغییرات مختصری که دربعضی از مواد قانون اساسی بعمل آمده بکارخود ادامه میدهد .

امانا گفته نماند که باوجود تمام این فعالیتها مشروطهٔ ایران دچار کشمکشهائی شد بدین معنی که در سال ۱۹۰۸ شاه با همراهی وحمایت روسها کودتا کرد و درسال بعد بختیاریها قیام کردند وپادشاه ایران ناچار شد بنفع پسر صغیرش از سلطنت کناره گیری کند وبا این ترتیب بکمك بریتانیا دولت دموکراسی در کشور ایران بوجودآمد .

دوره هـای هرج ومرج بعد از آن تـاریخ عبارتست ازآمدن هیئت مستشاران مالی مورگان شوستر (W. Morgan-Shuster) به ایران درسال ۱۹۱۱ واعزام این هیئت از طرف مقامات امریکائی بهایران ازآن نظربود که با موقعیت و اوضاع آنروز برای تثبیت وتحکیم نفوذ خود اقدام کنند امااین کارهم نتیجهای نداد وتنهانفع آنان ازاین عمل تهاجم وحملهٔ روسیه بهایران ببهانهٔ اغتشاشات داخلی بود .

درهمین اوقات بریتانیا درجنوب برای استقرارنظم قوای ژاندارمری راتشکیل داد که زیر نظرو تحت تعلیمات افسران سوئدی اداره میگردید امـا این اقدام هم چند سال بعد نتیجهٔ تلخی ببارآورد ودرهرصورت ملیون ایران بااقدامات اساسی وفعالیتهائی که برای بهبود اوضاع بعمل میآوردند نشان دادند که تجدیـد حیـات کشورشان حتمی و قطعی است[۱] و ایـن

۱ـ درسال ۱۸۹۱میلادی امتیاز انحصارتنباکو ازطرف دولت ایران بیك شرکت انگلیسی اعطاگردید امـا مردم بدستور مجتهدین ازکشیدن قلیان امتناع کردند وبناچار این امتیاز لغو شد ودرماه دسامبر سال ۱۹۱۱ عدهای اززنان ایران بمجلس شورای ملی رفتند وازنمایندگان خواستند که اولتیماتوم روسها رارد کنند .(مترجم)

موضوع بطورغیر مستقیم با دو عامل مهم تقویت میگردید که عامل اول کشف نفت بمقدار بسیار زیادی در ایران بود که برای تجارب خارجی مملکت و صدور آن به کشورهای بیگانه و در دست گرفتن بازارهای نفتی دنیا عامل مؤثری بشمار میآمد.

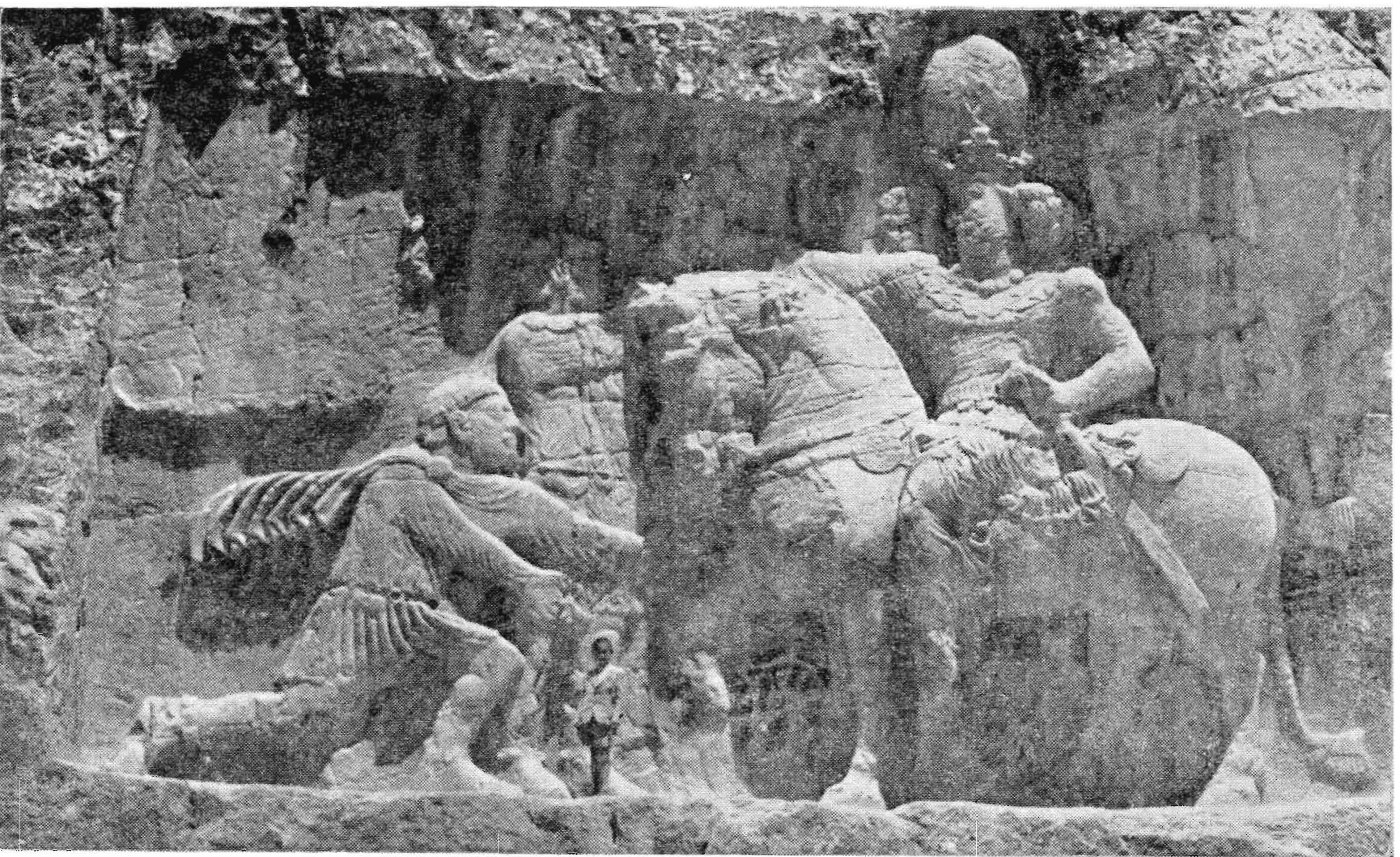
وجودنفت درایران ازقرنها پیش‌معلوم بودوعادت ایرانیان به‌آتش‌پرستی بطور قطع از دیدن شعله‌های آتش در کوههای بختیاری و لرستان سرچشمه میگرفت.

در اواسط قرن نوزدهم میلادی دنیا متوجه این مادهٔ حیاتی گردیدو برای استخراج نفت علاقه نشان دادو در همین اوقات بود که بااعطای‌چند امتیاز ازطرف پادشاهان قاجار استخراج آن شروع گردید.

درماه مه سال ۱۹۰۱ امتیازشصت ساله‌ای برای‌استخراج‌وبهره‌برداری از منابع نفتی ایران به ویلیام نوکس دارسی (William Knox D'arcy) داده شد وازهمان تاریخ عملیات اکتشاف وحفاری‌برای یافتن نفت‌زیرنظر کمپانی نفت برمه (Burma) آغاز گردید.

برای مدت چند سال ازاین حفاری و جستجو نتیجه‌ای بدست‌نیامد و همان موقع از طرف هیئت مدیرهٔ کمپانی تلگرافاً دستور داده شده بود که عملیات اکتشافی را متوقف‌سازند امادروزبیست وششم ماه‌مه سال ۱۹۰۸ در نزدیکی مسجدسلیمان معبد قدیمی پارت‌ها در عمق یکهزار ویکصدپا ناگهان نفت فوران کرد.

در سال ۱۹۰۹شرکت نفت‌ایران وانگلیس تشکیل یافت‌وساختمان راهها وخانه‌های محل سکونت ولوله‌های نفت وپالایشگاه آبادان‌در کرانهٔ شط العرب جائیکه دجله و فرات به خلیج فارس میریزندشروع گردید.



نقش برجستهٔ شاپور و والرین در « نقش رستم» نزدیک تخت جمشید

درماه اوت‌سال ۱۹۱۲ ساختمان یکصد وچهل وپنج میل لولهٔ نفت تکمیل گردید و تادو ماه بعدازآن تاریخ شش‌میلیون گالن نفت تصفیه‌شد و با این ترتیب برای مطلعین در امور یقین حاصل شد که کشور ایران مهمترین و عظیم‌ترین منابع نفت جهان را مالك است واین سؤال پیش میآمد که‌آیا این منابع زرخیز بی‌انتها باعث تقویت کشور ایران خواهد شد ویا موجب ضعف‌آن ؟

دراین وقت دولت بریتانیا ازاهمیت نفت‌آگاه گشت ودرسال ۱۹۱٤ باقتضای سیاست دیرین خودقسمت‌اعظم سهام زاخریداری کرد واحتیاجات نیروی دریائی را (اخیراً تصمیم داشتند درکلیهٔ تجهیزات بحری خود نفت بسوزانند) بجای آنکه از منابع بی مایهٔ امپراطوری مرتفع سازند از نفت ایران تأمین کردند وسیل نفت ایران این شکاف عظیم راکه قسمت اعظم بودجه صرف آن میشد و مخارج کمرشکنی برای دولت انگلیس داشت پر کرد .

همین چشم داشت ونیازمندی بریتانیا به‌نفت ازیك طرف سبب شد که ایران برای دریافت سود بیشتری چانه بزند (مانند چانه زدن سال ۱۹۳۲) وازطرف دیگر این کشور هدف‌تیرهای حسودانه وجاه طلبانهٔسایر دولت‌های مقتدر جهان گردید که یکی ازهمین دولت های مقتدر حسود تازه‌قدم درصحنهٔ رقابت میگذاشت.

دولت‌آلمان که‌آخرین رقیب امپراطوری بریتانیا بودزودتر ازرقبای دیگر مشغول انجام نقشه های خود گشت، درهمان موقعی که بریتانیا بر حسب پیش‌آمد ها درسراسر جهان مستعمراتی برای خود بوجود میآورد آلمانی‌ها هم‌برای‌خودشان خوابی دیدند ونقشه‌ای کشیدند که مناطق‌نفوذی

ازاروپا تاخاور نزدیك بطرف خلیج‌فارس برای خودشان ایجاد کنند(اما این خواب هیچ وقت صورت حقیقت پیدا نکرد) واساس وشالودهٔ این نقشه را روی راه‌آهن، برلن- بغداد ریخته بودند درحالی که سیاستمداران آن روز بریتانیا و روسیه به نقشهٔ آنان پی نبرده واین موضوع برایشان محقق نشده بود.



فصل نوزدهم

توسعه و پیشرفت نفوذ آلمان در ایران

درسال ۱۹۱۱ میلادی روسیه و آلمـان قرارداد محرمانه‌ای منعقد کردند که با رعایت کامل احترام متقابل از منافع یکدیگر در ایران و ترکیه حمایت و پشتیبانی کنند ولی این پیمان مانع آن نشد که مأمورین تبلیغاتی آلمان درتهران و خلیج فارس ازفعالیتهای خودشان دست بکشند (کالج آلمانی تأسیس کردند) ودر اثـر همین تبلیغات دامنه‌دار بـود که آلمانیها توانستند درمیان عناصرتجدد خواه ایرانی طرفدارانی پیدا کنند وایرانیان متجدد هم باین فکر بودند که ازوجود آلمانیها رقیب سرسخت وتازه‌وارد روس‌وانگلیس استفاده کنند وبردشمنان دیرین خود بتازند ولی این عناصر تجدد خواه مانند بعضی از سیاستمداران امروزی خاور نزدیك که بدون شك مردمـان میهن پرست واقعی هستند نمیدیدند که با آتش بازی میکنند .

دراین موقع دولت بریتانیا که خطر را نزدیك میدید واز پیشرفت آلمان دراروپا دچارترس‌ووحشت شده بود درصدد برآمد که مسائل بغرنج وروز افزون خاورمیانه را بدست روسیه بسپارد .

در ابتدای جنگ سال ۱۹۱٤ دولت ایران درحال ضعف بیطرفی خود را اعلام داشت ولی طرفین متخاصم تصمیم گرفتند که این اعلام بیطرفی را نادیده بگیرند وهمین کار راهم کردند که درنتیجه نواحی شمال غربی ایران میدان جنگ روسها وترك ها شد.

درجنوب ایران واحدهای نظامی بریتانیا دست باقداماتی زدند تا ازحسن تفاهم و ارتباط نزدیك ترکها با افغانستان جلوگیری کنند اما عمال آلمانی که از طرف افسران سوئدی ژاندامری تقویت میشدند دربین ایلات وعشایر اغتشاشی براه انداختند ومشکل تازه‌ای ببارآوردند.

تعلیمات مأمورین آلمان روی نقشهٔ معینی بودبدین معنی که باهالی وعده میدادند که عنقریب بشما استقلال میدهیم که با حکومت مرکزی کاری نداشته باشید.

بمسیحیان حمله میکردند و پول نقد باندازه‌ای که رضایت سران قوم را جلب کند خرج میکردند وبا این ترتیب درفارس و کرانه های تنگستان پیشرفت قابل توجهی نصیبشان شد اما پس ازعقب نشینی درجبهه‌های جنگ و نرسیدن هیئت نیدرمایر (Niedermayer) به افغانستان که برای اقدامات لازم بآن کشور اعزام شده بودآلمانیهانفوذ خود رامتدرجاً ازدست دادند وچندی بعدازآن تاریخ نفوذآلمان بکلی نابود شده ازبین رفت.

برای تأمین امنیت بریتانیا درجنوب ایران قشونی تشکیل داد که ژاندارمری باافسران سوئدی آن جزء این نیرو درآمدند.

بین انگلیسی‌ها وروسها بطوری روابط روشن وحسن تفاهم ایجادشد که روسها حاضرشدند نفوذ انگلیسی‌ها را درجنوب ومنطقهٔ بیطرف ایران قبول کنند ودر مقابل دولت انگلیس اجازه داد روسها درشمال ایران و

ترکیه هرچه بخواهند بکنند اما انقلاب بزرگی که بعدازآن تاریخ در کشور روسیه بوجودآمد تمام این حسابها رابرهم زد.

اثرسوق‌الجیشی کناررفتن روسیه ازجنگ درشمال ایران آن بود که ترکها وآلمانیها راه رفتن به هندوستان و افغانستان را بازیافتند و میتوانستند بدون هیچ مانع ورادعی بمنظور خویش نائل آیند.

خوشبختی بریتانیا این بود که ترکها و آلمانیها درسایر مناطق بقدری گرفتاری داشتند که نتوانستند از این موقعیت آنطوریکه باید و شاید استفاده کنند وبا وجودیکه آلمان وروسیه سعی و کوشش فراوانی برای ایجاد بلوا واغتشاش بکارمیبردند قوای بریتانیاتوانست شمال وجنوب ایران را کنترل کند وپس ازسقوط ناگهانی آلمان که بصورت انهدام روسیه بود بریتانیا بدون رقیب ماند ودیگرمانعی برای پیشرفت نفوذش وجود نداشت و فقط مخالفتی که برای نیل بمقصود نهائی خود نمائی میکرد مخالفت دولت وملت ایران بود که درآنموقع بهیچوجه انتظارآن نمیرفت وجزءِ حساب نمیآمد.

وقتی که نمایندگان ایران در کنفرانس صلح دعاوی موهوم و بی اساسی رابنام (ادعای ملتی دربارهٔ موقعیت واتباع خود) مطرح کردند بحرفشان توجهی نشد ودرمقابل دولت ایران مجبور گردید پیمان انگلیس وایران راکه در سال ۱۹۱۹ منعقد گردید قبول کند و در صورتیکه آن پیمان مورد تصویب مجلس واقع میگشت وضع وموقعیت ایران تااندازه‌ای ازتحت‌الحمایه بودن بهترمیشد ولی بااین ترتیب کشور ایران ازنظارت جامعهٔ ملل بهره‌ای نداشت.

مستشاران سیاسی و نظامی بریتانیا برای ایران تعیین شدند و

بمنظورآنکه بریتانیا حسن تفاهم خود رانشان دهدوبدولت ایران اطمینان بیشتری بدهد دومیلیون لیره هم بعنوان وام بهایران اعطا میگردید .

همینکه خطرو تهدید روسیه باانهدام آن کشور ازبین رفت بریتانیا بهترآن‌دید نقشهٔ راه‌آهن هندوستان وبغداد راکه‌اجرای آن مدتی بتأخیر افتاده بود پیش بیندازد ویك راه هوائی هم برآن اضافه کند .

موضوعی که باید مورد توجه کامل قرارگیرد اینستکه در موقع طرح این نقشه های حریصانه سیاستمداران بریتانیا از توجه بیك نکتهٔ بسیارمهم ویاك علامت محقق غفلت کردند وبرای احساسات درونی ملی ایرانیان که درعرض چند سال اخیرروبه هیجان میرفت ارزشی قائل نشدند که درنتیجه درمدت چند ماه‌اوضاع دگرگون گشت وایران باردیگرملتی شد که توانست روی پای خود بایستد .



فصل بیستم

رژیم رضاشاه پهلوی

در سال ۱۹۲۰ میلادی ملت ایران بحرانی‌ترین اوقات تاریخ خود رامی‌پیمود . یك‌قدرت‌خارجی امور این کشور را تحت کنترل‌شدیدقرارداده بود که نه مورداعتماد ملت بود و نه اینکه دولت رسمی ایران بآن قدرت اطمینان میکرد وصرفنظر از این دو مورد مهم همین قدرت هم نمیتوانست برای ابراز موجودیت وحکومت خود عرض اندام کند و در این باره‌عاجز و ناتوان مانده بود .

عمال کمونیست روسیه در همه‌جا مشغول فعالیت بودند .

ایلات وعشایریاغی‌شده‌ودرحال‌شورش بودند ودرسرتاسر کشورهرج ومرج وطغیان حکمفرمائی میکرد .

دولت شوروی که منظورش در بارهٔ‌هندوستان (مرکزشورش‌جهانی) همان نظر ونقشهٔ دولت های قبلی روسیه بود درماه مه قشونی بدریای خزر اعزام داشت بندر انزلی [1] وشهررشت را تصرف کرد.

بریتانیا به پیروی از افکار وتمایلات عمومی ملت خود نمیتوانست

۱ ـ بندر پهلوی فعلی درسابق انزلی نام داشت . (مترجم)

از ایران حمایت وطرفداری کند .

یگانه قشون متشکل وارتش منظم یعنی (بریگادقزاق) در شمال ایران بعقب رانده شد وچنین بنظر میآمد که سراسر مملکت را مهاجمین تصرف خواهند کرد .

در همین اوقات بحرانی و موقعیت خطرناك بود که ملت ایران بار دیگر توانائی ولیاقت خارق‌العادهٔ خود را برای رفـع مشکلات و ابـراز وجودنشان داد ویکی از همان پیشوایان لایق وفداکار راکه بـرای همین مواقع حساس دردامن خود میپروراند و درموقع احتیاج ازوجود آنان‌برای دفع‌شردشمنان‌استفاده میکند برای بیرون راندن مهاجمین و استقرار نظم بصحنهٔ نبرد هدایت وراهنمائی کرد .

قزاق های شکست خورده جمع‌آوری شدند و تحت فرماندهی‌یکی از برجسته ترین ولایق‌ترین افسران ایرانی خودرضاخان [1] قرارگرفتند.

این افسر مدبر بدستور دولت ایران قشونی که بالغ برسه هزارنفر بود تشکیل داد [2] وروز بیست ویکم ماه فوریه بطرف تهران روان شد و

۱ـ قبل ازسلطنت رضاشاه کبیر به نجباوفرماندهان وافسران‌عالیمقام ارتش بمنظور احترام و برتری‌آنان (خان) میگفتند که این لقب با سایر القاب مشابه‌آن حسب الامر شاهنشاه فقید برای ابد ملغی گردید .
(مترجم)

۲ ـ دراسفند ماه سال ۱۲۹۹ اوضاع کشورما درهم وبرهم وپرهرج ومرج بود، درگیلان ومازندران‌طغیان ویاغیگری بحدا کمل ادامه داشت و عده‌ای بنام انقلاب باپشتیبانی بیگانگان سرنوشت مردم رابدست‌گرفته وبر جان‌ومال آنان‌حکومت‌میکردند وعده‌ای هم‌درشهررشت حکومت کمونیستی تشکیل داده و بتاخت وتاز مشغول بودند .

سربازان و کشتی‌های یك‌دولت‌خارجی به‌اراضی‌وآبهای‌ایران‌وارد←



رضاشاه کبیر بنیان گذار ایران نو در اوایل سلطنت

پس از ورود به پایتخت امور کشوری را تحت کنترل خود در آورد .

در این موقع دولت ایران در سر دو راهــی مانـد و بتفکر و تعمق پرداخت تا ببیند باانگلیسی‌ها باید سازش کند یا باروس ها و چون سازش بـادومی یعنی روس‌ها را اصلح‌تر دانست برای بستن قرارداد صلح با آنان وارد مذاکره شد.

روس‌ها پیشنهاد دولت ایران رابا کمال میل‌قبول کردند زیرابخوبی میدانستند که کشور ایران هنوز کشوری‌صنعتی‌نیست تابتوان‌مرام‌اشتراکی را درآنجا برقرار ساخت .

بهرصورت روز شانزدهم ماه ژانویه سال ۱۹۲۱میلادی‌نیروی‌شوروی

شده وعلناً درامور داخلی ما دخالت میکردند و دستور میدادنــد ، دامنهٔ تحریکات خارجیان به‌ایالات‌دیگر نیز کشیده شد وچیزی‌نمانده بود که نظیر همین جریان درآذربایجان وحتی‌خراسان رخ دهد .

قشون انگلیس که در زمان جنگ بین‌المللی اول درایران باقیمانده بود آزادانه‌و بدون اعتناء بحق‌حاکمیت ماازجنوب‌تا شمال را میدان‌عملیات خود ساخته بود . یك قسمت ازقوای سابق روسیهٔ تزاری تحت فرماندهــی پیچراخف دراثر سازش با انگلیسی‌ها در حوالی قزوین موضع گرفته و مستقر گردیده بود .

در جنوب‌ایران‌یك‌نیروی انگلیسی بنام تفنگداران‌پلیس جنوب‌تشکیل شده بودکه در تمام امورآن نواحی دخالت میکرد .

ایلات وعشایرمحلی با این‌نیرو درحال جنگ بودند ودرنواحی‌دیگر هم هرجاکه ایل و عشیره‌ای بود بر اوضاع تسلط داشت . بعلت آشفتگی اوضاع و پیچیدگی امورشیرازهٔ حکومت مرکزی بکلی‌ازهم گسیخته واز دولت ایران جز اسمی باقی‌نمانده بود .

از تعطیل مجلس شورایملی سالها میگذشت و بااینکه انتخابات‌دورهٔ چهارم تحت‌شرایط خاصی‌انجام گرفته بودمعهذاافتتاح مجلس‌صورت‌نمیگرفت.

دولت‌وقت‌قراردادسال۱۹۱۹را بادولت‌انگلستان‌منعقدساخته‌واجازه ←

بکلی ایران را تخلیه کرد و بکشور روسیه رهسپار گشت و طرح قراردادی مورد موافقت طرفین واقع گردید که روز بیست و ششم ماه فوریه بامضا رسید.

بموجب این قرارداد روسیه کلیهٔ امتیازاتی را که دولت تزاری در ایران بدست آورده بود ملغی ساخت.

کلیهٔ وامهای ایران به روسیه بخشیده شد ودر عوض تمام خطوط راه آهن وبانکها وراهها وبنادری که روسیه در ایران داشت به کشور ایران واگذار گردید.

همچنین از حقوقی که بموجب امتیازات به روسیه تعلق میگرفت صرفنظر شد.

ملیون ایران با پشت گرمی روسیه دلیرتر شدند و روز بیست وششم

داده بود که مستشاران انگلیسی امور وزارتخانه ها ومؤسسات دولتی را تحت نظر بگیرند، مردم بشدت بااین قرارداد مخالفت میکردند، بازاریها و دانشجویان دست بتظاهرات دامنه داری زدند. دولتها میآمدندومیرفتند وکاری انجام نمیدادند ویا بهتر بگوئیم کاری ازدستشان ساخته نبود. هیچ مشکلی حل نمیشد وبرآشفتگی اوضاع روزبروز افزوده میگشت. بکارکنان دولت بجای حقوق ماهیانه حوالهٔ آجر و گچ میدادند که آنرا در بازار بفروشند و پولش را بمصرف اعاشهٔ خودشان برسانند.

دولت اصولا بودجه‌ای نداشت زیرا مالیات وصول نمیشد وخزانه بکلی تهی بود، امور تجارت وصنعت بسرعت بطرف انحطاط میرفت، یاس و ناامیدی همه رافرا گرفته بود.

رضاشاه کبیر که درآنموقع فرماندهی سه هزار نفر قزاق رابرعهده داشتند و درقزوین مستقر شده بودند از اوضاع بسیار ناراضی و نگران بوده وتصمیم گرفتند که برای نجات کشور قیام کنند وایران عزیز را ازشر دشمنان داخلی وخارجی رهائی بخشند وبرای همین منظور سربازان تحت فرماندهی خود را جمع آوری وبطرف تهران حرکت کردند و کودتای روز سوم اسفند ماه سال ۱۲۹۹ راکه بایدآنرا روز سعادت وسیادت ملت ایران دانست بوجود آوردند. (مترجم)

ماه فوریه پیمان ۱۹۱۹ انگلیس وایران را فسخ کردند که از آنموقع نفوذ بریتانیا در ایران روز بروز تحلیل رفت تا جائی که کمکهای او را هم نپذیرفتند .

افسران و مستشاران انگلیسی ازکار بر کنار شدند وچند ماه بعدهم پلیس جنوب که تفنگداران فارس هم نامیده میشد منحل گردید و نیروی آن جزءِ سازمان ارتش ملی ایران درآمد .

سیاست رضاخان که از وطنپرستی شدید او سرچشمه میگرفت وجز مصالح و منافع ملی خویش اندیشه‌ای نداشت اجازه نمیداد کوچکترین مداخلات خارجیان در امور داخلی ایران راه یابد .

چون بریتانیا جزءِ دشمنان قدیمی وتاریخی ایران بشمار میآمد احتمال قوی داشت که روسیه برای این کشور دوست تازه وسودمندی‌بشود روسیه هم که در جستجوی دوستان تازه‌ای بود اشتیاق وافری داشت که ممالك ضعیف وناتوان را بطرف خود جلب کند ودوستی آنها را بهر نحوی که میسر باشد تحصیل نماید.

رضاخان در ماه‌آوریل سال ۱۹۲۱ وزیرجنگ شد و گرچه تا ماه اکتبر سال ۱۹۲۳ رئیس‌الوزراءِ نبود اما عملا زمام اموررا در دست داشت و فرمانروای واقعی ایران بود .

در آنموقع هیچکس نمیتوانست پیش بینی کند وبگوید که رژیم رضاشاه بچه صورتی درخواهد آمد و این افسر رشید با آنهمه فداکاری و از خود گذشتگی چگونه خواهد توانست کشتی متلاطم کشورش را که از هر سو در معرض امواج خطرناك هرج ومرج و شورش وبلواقرار داشت نجات دهد .

کارهای عجیب و فوق العاده‌ای که بدست این فرزند لایق و رشید ایران انجام شده بخوبی میرساند که مطالعهٔ اصل ونسب و سوابق او برای خوانندگان گرامی ارزش بسزائی دارد زیرا رضاشاه در تاریخ ایران اثری جاویدان و فنا ناپذیر ازخود باقی گذاشت واقدامات اساسی‌وی که بمنظور بهبودی اوضاع اجتماعی و بالا بردن سطح زندگی ملت صورت گرفته در خور تقدیر و تمجید است .

رضا شاه درتاریخ پانزدهم ماه مارس سال ۱۸۷۸ میلادی درالشت سوادکوه پابعرصهٔ وجود گذاشت .

سوادکوه یکی ازنواحی مازندران ویکی ازاستانهای ساحلی دریای خزز است که پاکترین نژاد ایرانی درآن استان هستند .

بطور قطع ویقین رضاشاه نمونهٔ بارز وبرجسته‌ای ازیك ایرانی پاك‌نژاد است زیرا طول قامت رضاشاه بیش ازشش‌پا وساختمان هیکلش بسیار متناسب وبرازنده است .

رضاشاه سرباز بدنیاآمده است زیرا پدرش سرگرد عباسعلی خان که چند ماهی پس ازتولد رضا بدرود حیات گفت فرمانده.فوج سوادکوه بود وپدر بزرگش سروان مراد علی‌خان درجنگ هرات که درسال ۱۸۵۶ میلادی صورت گرفت کشته شد .

رضاشاه درسال ۱۹۰۰ میلادی دربریگاد قزاق وارد خدمت شد ودر واحدی که تحت فرماندهی عمویش سرتیپ نصرالله‌خان قرارداشت خدمات مفید وبرجسته‌ای انجام داد بطوریکه استعداد نظامی وسرعت انتقال وی مورد تفسیر وتمجید چندتن ازافسران انگلیسی واقع گشت .

رضاخان درسال ۱۹۲۱ میلادی دارای قدرت شد وبزودی شخصیت

بارز واراده آهنین اوظاهر گشت وکلیهٔ آن اقتدارات وتسلط برامور راکه احمد شاه آخرین پادشاه سلسلهٔ قاجار از کف داده بود وزیر جنگ لایق و کاردانش رضاخان بچنگ آورد .

درسال ۱۹۲۳ رضاخان رئیس‌الوزراء شد . احمد شاه ازایران رفت ودراروپا اقامت گزید تابقیهٔ عمر خویش را باآسودگی بگذراند .

نخست وزیرجدید که درآنموقع مانند پادشاهان وقت دیکتاتور بود درسال ۱۹۲٤ ناگهان تغییر عقیده وروش داد وفعالیت های مصطفی کمال پاشا را درترکیه پسندید ودرصدد برآمد که همان رویه را درایران معمول داردوخودش رئیس جمهوری بشود ولی کناره گیری ازاسلام‌بطوریکه بازوی کارآمدن‌جمهوری‌درترکیه معمول ومتداول‌میشدبرای‌ملتی که مانندایرانیان روحاً بمذهب خود عقیده‌ای‌کامل و راسخ دارند خیلی زودبود وبناچار بعلت مخالفت افکار عمومی که بوسیلهٔ مجتهدین پی‌ریزی شدازآن روش وسیاست صرفنظر گردید .

این موضوع‌هم چیزی ازشهرت ونفوذ رضاخان نکاست ودرماه فوریه سال بعد اختیارات دیکتاتوری پادشاه قبلی بوی تفویض شدودر ۳۱ ماه اکتبر احمد شاه که اوقات خودرا در اروپا میگذرانید از پادشاهی خلع گردید ودرتاریخ دوازدهم ماه دسامبر رضاخان باصد وپانزده رأی موافق‌در مقابل پنج رأی مخالف وسی رأی ممتنع ازطرف مجلس مؤسسان پادشاه ایران شدوروز بیست وپنجم آوریل ۱۹۲٦ میلادی طبق‌سنن ورسوم‌باستانی ایران باانجام تشریفات لازم تاجگذاری کرد و اولین پادشاه سلسلهٔ پهلوی گردید .

روش رضاشاه درادارهٔ امور کشور فقط ازآن نظر دموکراسی است

که میل دارد آنچه را کــه بخیر وصلاح ملت خود میداند مجری دارد و حوائج مردمـان کشورش را ازهرحیث برآورد (تمام زمامداران دموکرات عالم این اصل مسلم راسرلوحهٔ برنامهٔکار خودقرار داده‌اند وبآن عقیدهٔکامل دارند) وهمینکه اوتصمیمی گرفت وتشخیص داد که‌آن تصمیم بنفع ملت و صلاح در انجام آنست باکمال جدیت وبدون درنگ تصمیم خود را عملی میسازد .

وقت شناسی ، لیاقت وکاردانی اوضرب‌المثل است وموفق گشته‌است که رعب وهراسی در زیر دستان خود ازهرطبقه ای که هستندایجاد کند .

مسافرتهای بجاوبموقع اوبرای‌بازرسی اوضاع واحوال نواحی‌مختلف کشور باعث ترس ووحشت مأمورین سهل‌انگار ایرانی شده استزیراهیچ چیز ازپیش چشمان تیزبین رضاشاه پنهان نمیماند .

خرده گیری وانتقادات باموردِ اومشهور خاص وعام است .

رضاشاه درحالیکه دربسیاری ازموارد اعمال (کمال‌آتاتورك) رامورد تمجید وتقدیر قرار داده وازاوپیروی میکند (همان آتاتورکی که در سال ۱۹۳۸ بدیدنش رفت [۱]) عقیده‌دارد که اصلاحات اساسی کشور رابارعایت کامل آداب ورسوم ملی روی اصول صحیح ودرستی پی‌ریزی کنـد وبـرای اصلاحاتی که بادرنظر گرفتن این‌موارد اصولی صورت گیرد ارزش واهمیت خاصی قـائل است وهرقدر که آتـاتورك میکوشد ترکیه را از گذشته‌اش جداساخته وفاصله‌ای بین زمامداران قبلی وخودش ایجاد کند بهمان اندازه

---

۱ ــ مسافرت رضاشاه کبیر بکشور دوست وهمجوارماترکیه‌وملاقات بامصطفی کمال پاشا (آتاتورك) رئیس جمهوری آن کشور درسال ۱۹۳٦ میلادی صورت گرفته است . (مترجم)

رضاشاه سعی دارد غرور ملی وحس وطن دوستی را که درنهاد هموطنانش نهفته است برانگیزد وآنانرا تشویق وترغیب میکند که ازتاریخ باستانی وپرافتخار خود الهام بگیرند

مفاخر گذشتهٔ ماقبل اسلام ایرانیان مانند آثار پادشاهان دورهٔ باستانی ایران کورش وداریوش درنظر رضاشاه اهمیت خاصی را داراست و همچنین به‌آثاردورهٔباعظمت‌شاه عباس‌واشعارحافظ وسعدی‌نیز بیعلاقه نیست.

چنین بنظر میرسد که رضاشاه تاریخ دورهٔ باستانی ایران رابخوبی مطالعه کرده وبافتخارات ملی‌خود علاقهٔ‌خاصی دارد واین‌موضوع ازتشویق‌های او دربارهٔ کاوشهای نواحی‌شهرهای قدیمی برای پیدا کردن آثار زیر زمینی وپیروی ازطرز معماری قدیم درتهران وسایر شهرستانهای‌ایران بخوبی هویداست .

تمام اینها قسمتی از روح وطن دوستی و ملت‌خواهی پرشور اوست وتصمیم جدی دارد که مجدداً کشورخودرا از هرحیث مستقل سازدوبهمین جهت‌است که اجازه نمیدهدهیچگونه نفوذی که‌روح ایرانی راتحت‌الشعاع قرار دهد دراین سرزمین جلوه کند .

اتحاد ایران تحکیم‌وتثبیت شده است.

از نشرمرام کمونیستی بکلی جلوگیری شده ومنازعات طبقاتی از بین رفته است وازاسلام که برای اتحادو اتفاق نیروی مافوق تصوری را داراست تاجائیکه باعث رکودکارها نگرددپیروی میشود درعین‌حال‌مواردی که گفته شد مانع‌آن نیست که ترقیات مادی غربی درایران راه یابدبلکه برعکس این موضوع‌کاملا رعایت میگردد .

منظور شاه اینستکه تمدن‌اروپا بنحومقتضی‌درزندگانی ملی‌ایرانیان

راه یابد و جزءِ آداب ورسوم اجتماعی آنان گردد بدون آنکه از خارج برمردم تحمیلی شده باشد وروی همین نظر است که بعضی اوقات تصور رفته است شاه ایران علم ومهارت فنی کارشناسان خارجی را پست میشمارد و نسبت بآنان متنفر است درصورتیکه اینطور نیست و فکر شاه آنست که افزار و اسباب اقتصاد و کشاورزی را در دست خود ایرانیان بگذارد و آنانرا بطوری قابل وتوانا سازد که درتمام مراحل ادارهٔ امور کشوررا دردست گیرند وازنظرعلمی وعملی با ملت های غربی یکسان وبرابر باشند .

درتمام تغییرات اجتماعی واصلاحات امور فرهنگی و کشاورزی و ترقی وتوسعهٔ صنایع که آثار برجستهٔ دورهٔ پادشاهی (رضا شاه) است و ما درفصول آینده از آن صحبت خواهیم داشت هدف ومنظور مورد بحث ماکاملا دیده میشود .



فصل بیست و یکم

ولیعهد وخاندان رضاشاه

رضاشاه خانوادهٔ خـود را طوری بارآورده و تربیت کرده است که نمونهٔ کاملی ازیك خانوادهٔ بتمام معنی (ایرانی) هستند .

ولیعهد ایران شاهپور محمد رضاراکه روز بیست وهشتم ماه اکتبر سال ۱۹۱۹ میلادی متولد گشته طوری تربیت کـرده است که میتواند در آینده وظایف خود رابخوبی انجام دهد .[1]

---

۱ ـ اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران در تاریخ چهارم آبانماه سال ۱۲۹۸؛ شمسی مطابق با بیست وششم ماه اکتبر سال ۱۹۱۹ میلادی درتهران متولد شده‌اند .

درسال ۱۳۰٤ درسن شش سالگی وارد دبستان نظام تهـران شده ودر تاریخ پـانزدهم خرداد سال ۱۳۱۰ درامتحانات نهائی شرکت و قبول شده‌اند .

روز سیزدهم شهریور ماه سال ۱۳۱۰ بـرای تحصیل عـازم کشور سویس شدند ودر (کولژ دو روزی) درشهر رول که درنزدیکی ژنـو واقع شده است مشغول تحصیل گردیدند و پس از خاتمهٔ تحصیلات روز چهـار

شاهپور محمد رضا پهلوی تحصیلات خود را در کشور سویس شنبه نهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۵ از اروپا خارج وروز پنجشنبه هفدهم اردیبهشت ماه به تهران باز گشتند وصبح روز یازدهم مهرماه سال ۱۳۱۵ بدانشکدهٔ افسری وارد شده و پس از دوسال تحصیل با موفقیت روزسی و یکم شهریورماه سال ۱۳۱۷ دورهٔ دانشکده راپایان رسانده بدرجهٔ افسری نائل گردیدند .

پس ازاحراز درجهٔ افسری ازطرف پدر تاجدار خودبه‌بازرسی ارتش شاهنشاهی مشغول گشتند .

شاهنشاه ایران همواره دردوران تحصیل در علوم طبیعی وادبیات و مخصوصاً ادبیات ایران ذوق‌سرشاری نشان داده‌وزبانهای فرانسه وانگلیسی رابا کمال‌خوبی فرا گرفته وباین دوزبان بطورروشن‌وروان صحبت میکنند ونظر بعلاقه‌ای که بتاریخ وادبیات ایران و خارجی داشته‌اند کتابخانهٔ جامعی درکاخ خود ایجاد کرده‌اند که کتابهای مختلف ادبی وتاریخی بحد وفور دراین کتابخانه موجود است .

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از آغاز کودکی به ورزش علاقهٔ بسیاری ابراز داشته و ریاست عالیهٔ پیشاهنگی ایران را از زمان تحصیل دارا بوده ودرکلیهٔ جشنهای ورزشی شرکت و بوسائل گوناگون موجبات تشویق ورزشکاران وتعمیم ورزش را در کشور فراهم میکنند . پیشرفتهای قابل توجه و پیروزیهای درخشانی که در مسابقات ورزشی بین‌المللی از قبیل المپیاد لندن و هلسینکی نصیب ورزشکاران ایران گردیده وباعث سربلندی ایران و ایرانی دردنیا شده است بدون تردید مرهون توجهات مخصوص اعلیحضرت شاهنشاه میباشد .



شاهنشاه فرهنگ دوست ودانش‌پرور ایران

بپایان رسانید . به ورزش و پیشآهنگی علاقهٔ زیادی دارد (پیشآهنگی

اعلیحضرت همایونی درزمان‌ولایتعهدی‌خود درسال۱۳۱۷با شاهزاده خانم فوزیه خواهر فاروق پادشاه سابق مصر ازدواج کردند و ثمرهٔ این ازدواج والاحضرت شهناز پهلوی میباشد .

پس ازچند سال بنابرمیل شاهزاده خانم فوزیه درتاریخ شنبه بیست وچهارم مهرماه سال ۱۳۲۷ جدائی حاصل ومنجر بطلاق گردید .

روزبیست وسوم بهمن ماه سال۱۳۲۹ اعلیحضرت همایونی بادوشیزه ثریا اسفندیاری فرزند جناب آقای خلیل اسفندیاری بختیاری که از خانواده‌های اصیل ایران هستند ازدواج فرمودند وپس‌ازچند سال زندگی باوجود علاقهٔ زیادی که بمشارالیها داشتند نظر بمصالح عالیهٔ کشور از ایشان جدا شدند .

اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی پس ازاستعفای پدر تاجدار خود اعلیحضرت رضا شاه کبیر که بتفصیل در فصل پنجاه و یکم این کتاب دربارهٔ علل وجهات استعفای معظم‌له توضیح داده شده روز بیست و پنجم شهریورماه سال ۱۳۲۰ بترتیبی که درفصل مزبور گفته شد بتخت سلطنت جلوس فرموده ومسئولیت دشوار وتاریخی خود را برعهده گرفتند .

اکنون متجاوز از هفده سال است که اعلیحضرت شاهنشاه بار سنگین سلطنت را بردوش داشته و همانطوریکه درضمن نطق تاریخی روز بیست وپنجم شهریورماه سال ۱۳۲۰ خود درمجلس شورایملی باطلاع ملت ایران رسانیده‌اند همواره بارعایت اصول قانون اساسی تمام نیروی خودرا برای عظمت وسربلندی ایران وبهبود وضع مردم وبالا بردن سطح زندگی تودهٔ فقیر کشور بکار میبرند وهیچ مانع ومشکلی نتوانسته است معظم‌له را

در ایران تأسیس شده و پیشرفت زیادی کرده است) .

ازتعقیب این هدف مقدس بازدارد .

خدمات بزرگی که شاهنشاه در طول مدت سلطنت خود به میهن و هم‌میهنان خویش فرموده‌اند بیش از آنست که بتوان در این بیوگرافی مختصر از تمامی آنها نام برد وناگزیر فقط برای نمونه بذکر چند مورد مهم اکتفا میشود .

سخاوت یکی از صفات فطری اعلیحضرت همایونی است . کمکهای بیشماری که درمدت سلطنت خود برای تأسیس وتوسعهٔ بنگاههای خیریه و عمران وآبادی شهرها از ثروت شخصی‌خود فرموده‌اند بهترین گواه این حقیقت میباشد .

اعلیحضرت همایونی علاوه بر تقسیم املاك خود بین زارعین که‌بعداً ذکر خواهد شد کمك‌های مالی مهمی برای مقاصد مزبور تا این تاریخ در تمام کشور فرموده‌اند که بشرح ذیل است :

۱ ـ بهداشت عمومی	۱۵۲،۸۰۰،۰۰۰ ریال
۲ ـ فرهنگی	۴۹،۶۰۰،۰۰۰ «
۳ ـ امورورزشی	۱۵،۰۰۰،۰۰۰ «
۴ ـ آبیاری	۷۳،۰۳۵،۰۰۰ «
۵ ـ امور مذهبی	۳،۸۹۵،۰۰۰ «
۶ ـ امورخیریه	۶۷،۸۵۵،۰۰۰ «

جمع کل ۳۶۲،۱۸۵،۰۰۰ ریال

اعلیحضرت همایونی از نظرعلاقه مندی و اشتیاقی که به رفاه حال تودهٔ ایران بخصوص طبقهٔ مستمند دارند ادارهٔ بسیاری از مؤسسات خیریه

را تقبل فرموده و اعضای محترم خانـدان سلطنتی نیز به‌پیروی از نیات شاهانه هریك در اداره کردن مستقیم این مؤسسات شرکت‌دارند.

از مؤسسات خیریهٔ مزبور میتوان بشرح ذیل نام‌برد :

بنگاه حمایت مادران و کودکان وزنان باردار و بینوایان که تحت ریاست عالیهٔ والاحضرت ثریا ملکه سابق‌ایران قرار داشت.

سازمان شـاهنشاهی خدمات اجتماعی که تحت‌ریاست عالیهٔ شخص اعلیحضرت همایونی و نیابت ریاست والاحضرت شـاهدخت اشرف پهلوی اداره میشود.

جمعیت شیر وخورشید سرخ‌ایران که یکی‌از مؤسسات خیریهٔ‌بسیار مهم میباشد وتحت ریاست عالیهٔ والاحضرت شمس پهلوی اداره میگردد.

بنابر ارادهٔ والاحضرت ثریا ملکهٔ سابق ایران جمعیتی بنام جمعیت خیریهٔ ثریا تشکیل شده است که بانوان کشور بـا کمال جدیت در انجام مقصود که دستگیری از مستمندان است تحت اوامر والاحضرت انجام‌وظیفه میکردند ودرحال‌حاضر این‌جمعیت بخدمات‌اجتماعی خود ادامه میدهد.

از جمله کارهای برجسته‌ای کـه تحت توجهات خـاص اعلیحضرت همایونی‌انجام شده ایجاد سازمان برنامه برای توسعهٔ صنعت و کشاورزی و ایجاد راههای‌آهن وتوسعهٔ امور فرهنگی و بهداشتی و عمران و آبـادی کشور است که اعلیحضرت همایونی از ابتدا توجه خاصی نسبت به اجرای برنامه‌های اصلاحی‌این سازمان‌معطوف فرموده وهمواره‌تأکیدات‌ودستورات لازم برای پیشرفت امور مربوطه بدولت‌ها صادر فرموده‌اند .

این سازمان‌هم باهدایت و نظارت مستقیم شاهنشاه تحت‌ریاست‌عالیهٔ

که لازمست بیاموزد و بنابراین ولیعهد ایران از کشوری که میخواهد بر

والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی اداره میشود .

یکی دیگر ازخدمات برجسته وبزرگ شاهنشاه ایران که اثرات عمیق سیاسی و اجتماعی در این کشور خواهد گذاشت موضوع تقسیم املاک موقوفهٔ پهلوی دربین زارعین است .

اعلیحضرت همایونی همواره به رفاه حال طبقهٔ کشاورز که اکثریت مردم ایران را تشکیل میدهد توجه خاصی مبذول فرموده وبرای بالابردن سطح زندگی آنها پیوسته اقدامات مهمی بعمل میآورند .

برای اجرای این منظور وایجاد یک تحول اساسی و اجتماعی در وضع کشاورزی در تاریخ هفتم بهمن ماه سال ۱۳۲۹ فرمان تقسیم املاک سلطنتی را صادر فرمودند .

از تاریخ صدور فرمان بیست هزار هکتار از اراضی مزروعی و باغات بین زارعین تقسیم گردیده است .

در این باره اقدامات لازم جریان دارد و تا اواخر سال جاری نیز عمل نقشه برداری شش قریهٔ بزرگ بمساحت تقریبی بیست هزار هکتار باتمام میرسد واین قسمت هم بین رعایا تقسیم خواهدشد واگر توجه داشته باشیم که مجموع زمین های آبادی که باید بین زارعین و کشاورزان تقسیم گردد نهصد هزار هکتار میباشد وهفت ملیارد ریال ارزش آنست . عظمت و تأثیر این تصمیم اعلیحضرت همایونی بیشتر مشهود خواهد بود .

بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ادارهٔ املاک ومستغلات موقوفهٔ پهلوی بانکی بنام بانک عمران برای کمک به کشاورزان وزراعین که بتوانند اززمین هائی که بدست آورده اند کاملا بهره برداری کنند ایجاد نموده که

آن فرمانروا گردد معلومات درست وصحیحی بدست میآورد.

بادادن مساعده به کشاورزان کمکهای بموقع ومؤثری بآنها مینماید .

مجاهدات اعلیحضرت همایونی برای حفظ تمامیت ارضی و استقلال ایران خودصفحهٔ جداگانه و درخشانی ازسلطنت معظم‌له را تشکیل‌میدهد و بدون‌تردید هنوز مردم‌ایران‌وجهانیان وقایع دلخراش وخونین آذربایجان که استقلال و تمامیت‌این کشور کهنسال را درمخاطره انداخته بودفراموش نکرده‌اند و بخوبی میدانند که روشن بینی وحسن تدبیر ومراقبت های دائمی شاهنشاه باعث نجات آذربایجان گردید .

آذربایجان که‌یکی از بهترین وزرخیزترین‌قطعات کشورومهدتمدن ایران قدیم میباشد براثر خیانت معدودی که بظاهر خود را ایرانی‌معرفی و درحقیقت مأمور اجنبی و بیك دولت‌خارجی متکی بودند نزدیك بود از ایران‌جدا شود .

جدائی‌آذربایجان تمامیت و استقلال ایران را بمخاطره انداخته‌بود و بیم اضمحلال این کشور کهنسال میرفت و تنها کسی که در مقابل تمام مخاطرات وحوادث ایستادگی ومقاومت میکرد شاهنشاه ایران بودند که بالاخره براثر شهامت و شجاعت غیر قابل انکار ایشان و بدستور معظم‌له ارتش شاهنشاهی بطرف آذربایجان حرکت‌و آن صفحات را از مزاحمت وجود خائنین خلاصی بخشید .

اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی درسیاست کلی و عمومی کشور همواره حامی قانون اساسی وپشتیبان مجالس مقننه بوده‌اند وبهمین لحاظ مقرر فرمودند مجلس سنا که در قانون اساسی کشور پیش بینی شده و متجاوز ازنیم قرن که ازعمر مشروطیت میگذرد بمرحلهٔ عمل در نیامده

بودتشکیل گردد ودردورهٔ پانزدهم مجلس‌شورایملی نظامنامهٔ تشکیل مجلس سنا تصویب گردید .

برای‌اولین‌بار درتاریخ بیستم بهمن‌ماه‌سال ۱۳۲۸ مجلس سناازطرف اعلیحضرت همایونی محمدرضاشاه پهلوی پادشاه دموکرات‌ایران‌افتتاح‌شد.

یکی دیگراز کارهای برجسته دعوت مجلس مؤسسان برای اصلاح موادی‌ازقانون اساسی است، درتمام کشورهای دموکرات عالم حق انحلال مجلسین بارئیس مملکت است و در قانون اساسی ایران مقرراتی بود که انحلال مجلس را تقریباً غیر ممکن کرده و این نقص دراصول مشروطیت ایران بود زیرا ممکن است روزی انحلال مجلس یا مجلسین بنابر مصالح عالیهٔ مملکت ضرورت داشته‌باشد بهمین‌جهت مجلس مؤسسان‌مادهٔ مخصوص باین امر را اصلاح وحق انحلال مجلسین را بشخص شاهنشاه، محمد رضا شاه پهلوی اعطا نمود .

یکی دیگر از کارهای بزرگی که در زمان سلطنت شاهنشاه دموکرات ایران بپشتیبانی‌کامل معظم‌له انجام شد مسئلهٔ ملی شدن صنایع نفت در سراسر کشور ایران است که در تحت هدایت و توجهات عالیهٔ شاهنشاه درتاریخ بیست ونهم اسفند ماه سال ۱۳۲۹ قانون آن از مجلسین گذشته و بفاصلهٔ کمی اجرا وازشرکت سابق نفت ایران و انگلیس خلع ید گردید وهمچنین تحت رهبری مستقیم اعلیحضرت همایونی قرارداد نفت که منافع ومصالح عالیهٔ کشور ایران را متضمن است با کنسرسیوم نفت جهانی منعقد وازاین منابع طبیعی خدادادی بهره‌برداری میشود و قرار - دادهای دیگری هم باشرکتهای بزرگ نفتی جهان منعقد شده است که دربعضی ازآنهاسهم‌ایران به‌هفتاد وپنج درصد میرسد . (مترجم)



علیاحضرت ملکه پهلوی

ازدواج شاهپور محمد رضا با فوزیه[1] خواهر ملک فاروق پادشاه مصر که درسال ۱۹۳۹ صورت گرفت (ولیعهد ایران وفوزیه درماه اکتبر سال ۱۹۴۰ دارای دختری شدند)[2] باعث وسبب شد که روابط ایران با

۱ـ اعلیحضرت همایون محمد رضـا شاه پهلوی شاهنشاه ایران در تاریخ چهارشنبه بیست وچهارم اسفند ماه سال۱۳۱۷ باشاهزاده خانم فوزیه خواهرفاروق پادشاه سابق مصرازدواج کردند وچهارماردیبهشت ماه سال ۱۳۱۸ درکشورهای ایران ومصر بمناسبت این ازدواج جشن‌های مفصلی برپاگردید وعروسی اعلیحضرت همایونی باشاهزاده خانم فوزیه باشکوه‌و جلال بینظیری برگزارشد .

بعلت سازگارنبودن‌آب‌وهوا بنابرمیل شاهزاده خانم فوزیه مشارالیها بکشور مصر موطن خودشان مسافرت ودرتاریخ شنبه بیست و چهارم مهر ماه سال۱۳۲۷ اعلامیه‌ای ازوزارت دربارشاهنشاهی صادر وطلاق شاهزاده خانم فوزیه باطلاع ملت ایـران رسید و از آن تاریخ شاهنشاه از همسر سابقشان بطور رسمی جدا شدند .

روزبیست وسوم بهمن ماه سال ۱۳۲۹اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی با دوشیزه ثریـا اسفندیاری بختیاری ازدواج کردند و مراسم عروسی درکاخ گلستان انجام گرفت .

والاحضرت ثریا روزاول تیرمـاه سال ۱۳۱۱ متولد شده‌اند وبرای کارهای خیر وکمك بمستمندان وفقرا همیشه پیشقدم بودند وتشکیل جمعیت خیریهٔ ثریا از ابتکارات شخصی اواست که شخصاً کلیهٔ اموراین‌جمعیت رازیر نظر داشتند و همواره کوشا بودند که بتوانندکمك بیشتری بمردم فقیر و بی‌بضاعت مملکت بکنند .

برای‌حفظ مصالح‌عالیه مملکت اعلیحضرت همایونی‌باوجوداینکه‌علاقهٔ زیادی بوالاحضرت ثریا داشتند ایشان را طلاق گفتند .   (مترجم)

۲ـ والاحضرت شهناز پهلوی .

والاحضرت شهناز پهلوی روزیکشنبه پنجم آبانماه سال ۱۳۱۹ در تهران متولد شدند وتا سن هفت سالگی بین خانوادهٔ خود بسر میبردند و پس از آن برای تحصیل بکشور سویس اعزام گشتند و در مدرسهٔ ماری ژوزه مشغول تحصیل بودند .والاحضرت درسال ۱۳۳۵ بکشور ایران←

این کشور برجستهٔ عربی مستحکم گردد .

هنوزفرصتی برای ولیعهد پیدا نشده است که لیاقت و استعداد ذاتی خودرا نشان بدهد وشاید تمام صفات قوی ومحکم پدرش در اوجمع نباشد اما بهر صورت با دلایل زیادی ثابت شده است که این فرزند از هرحیث لیاقت واستعداد اداره کردن سازمانهائی را که پدرش ایجاد کرده‌است دارد .

ملکهٔ ایران (۱) در امور اجتماعی و فرهنگی مربوط به زنان سهم مهمی را داراست و او خود اولین بانوی برجستهٔ ایرانی است که در سال ۱۹۳۵ در یك مجلس رسمی عمومی بدون چادر شرکت کرد و پس ازآن حجاب وچادر وبیرون آمدن باروی‌بسته برای بانوان بکلی ممنوع گردید .

بازگشتند واندکی بعد بنابراراده‌ٔ اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی مراسم نامزدی‌وعروسی‌والاحضرت‌شهناز پهلوی باآقای‌مهندس اردشیر زاهدی فرزند تیمسارسپهبد زاهدی‌نخست وزیرقیام ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انجام‌گرفت و مراتب طی اعلامیه‌ای ازطرف دربار شاهنشاهی باطلاع مردم‌ایران‌رسید. خداوندمتعال به‌والاحضرت‌شهناز پهلوی‌وآقای مهندس‌اردشیر زاهدی دختری عطافرمود که بنابراراده‌ٔ اعلیحضرت‌همایونی زهرا(مهناز)نامیده شد. (مترجم)

۱ــ روز ششم اردیبهشت ماه سال ۱۲۷۸ درخانوادهٔ مرحوم تیمور خان میرپنج دختری‌متولد شدکه اورا تاج‌الملوك نامیدند .

تاج‌الملوك همانطور که‌درآنزمان‌مرسوم بود کلام‌الله‌مجید وشرعیات وادبیات فارسی را نزد معلمین خصــوصی آموخت ودرتاریخ پانزدهم رجب ۱۲۹٤ شمسی با اعلیحضرت رضاشاه کبیر که در آنموقع صاحبمنصب جوان ورشیدی بود ازدواج کرد .

فرزندان اعلیحضرت رضا شاه‌کبیر و علیاحضرت ملکهٔ پهلوی بترتیب عبارتند ازوالاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ـ اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی‌ـ والاحضرت شاهدخت‌اشرف پهلوی ـ والاحضرت‌فقید شاهپور علیرضا پهلوی .

ملکهٔ پهلوی بانوئی بسیارمهربان ، دلسوز وباشفقت هستند . بمبانی دینی واصول مذهبی عقیدهٔ خاصی دارند ودر امــور خیریه وکمك بفقرا و مستمندان همیشه پیشقدم میباشند . (مترجم)



والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

رضاشاه بغیر ازشاهپور محمد رضا ولیعهد پنج پسر وسه دختر دارد [1].

۱ ـ اعلیحضرت رضا شاه کبیر علاوه بر اعلحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه ایران دارای چهاردختر وشش پسرهستند . دختران فقیدسعیدعبارتنداز والاحضرت شاهدخت (فاطمه همدم‌السلطنه) ووالاحضرتین شاهدخت شمس پهلوی واشرف پهلوی وفاطمه پهلوی وپسران ایشان عبارتند ازاعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی ووالاحضرتین علیرضا پهلوی ـ غلامرضا پهلوی ـ عبدالرضا پهلوی ـ احمدرضا پهلوی ـ محمودرضا پهلوی وحمیدرضا پهلوی .

والاحضرت همدم‌السلطنه بزرگترین دختر اعلیحضرت رضاشاه کبیراست که بادکتر هادی آتابای درسال ۱۳۰۳ ازدواج کرد ودارای یك پسرویك دختر هستند وبعداً زناشوئی آنان متارکه گردید و کوچکترین دختر اعلیحضرت فقید والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی است که درسال ۱۳۲۷ درامریکا با یك جوان امریکائی بنام مسترهیلر ازدواج کرد وبعداً این شخص مسلمان شد ونام خود راعلی گذاشت واکنون شاهدخت فاطمه و اودارای دوفرزند میباشند . (مترجم)

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی روز ششم آبانماه سال ۱۲۹۶ پا بعرصهٔ وجود گذاردند . دروس ابتدائی را نزد معلمین خصوصی آموختند وپس ازآنکه زبانهای انگلیسی وفرانسه رابخوبی یادگرفتندمشغول مطالعهٔ کتب تاریخی وادبی ایران شدند .

والاحضرت مورد توجه خاص اعلیحضرت رضاشاه کبیر و علیاحضرت ملکه بودند وپس ازآنکه حادثهٔ شوم شهریورماه سال ۱۳۲۰روی داد با پدر تاجدار خود سوار کشتی شده ودراین سفر دور ودرازمونس وهمدم اعلیحضرت رضاشاه کبیر بودند .

یادداشتهای والاحضرت دربارهٔ اعلیحضرت رضاشاه کبیر هنگام اقامت درجزیرهٔ موریس وجنوب افریقا وتشریح آلام شاهنشاه بزرگ ایران که درموقع خود در روزنامه‌هاو مجلات بطبع رسیده نمایندهٔ روح حساس و باعاطفهٔ این شاهزاده خانم عالیقدراست.

والاحضرت پس از درگذشت اعلیحضرت رضاشاه کبیر مسافرتی به اروپا و امریکا کردند و مطالعات عمیقی در اوضاع کشورهای مترقی‌جهان بعمل‌آوردند و در همانجا بودکه زبان ایتالیائی را هم فراگرفتند و ـ

دربارهٔ روابط شاه ایران باملتش نظر قطعی نمیتوان ابراز کرد و آنطوریکه مشهود است وظواهر امرنشان میدهد شاه ایران محبوب عموم

مطالعات بیشتری درموسیقی‌علمی بین‌المللی که موردعلاقهٔخاص‌معظم‌لهاست بعمل‌آوردند .

والاحضرت شاهدخت‌شمش پهلوی درسال ۱۳۲۴ باجناب‌آقای‌مهرداد پهلبد ازدواج کردند واکنون دارای سه فرزند میباشند .

آقای پهلبد جوان تحصیلکرده و ازخانواده‌های نجیب‌وقدیمی ایران میباشندکه درسال ۱۲۹۶ درتهران متولدگردیده وتحصیلات‌دورهٔابتدائی‌و متوسطه را درتهران بپایان رسانیده‌آنگاه وارد دانشکدهٔ فنی شدندوپس از خاتمهٔ دورهٔ دانشکده برای تکمیل تحصیلات به اروپا وامریکا مسافرت نمودند و مهندس دررشتهٔ ساختمان هستند .

آقای پهلبد رئیس ادارهٔ‌کل‌هنرهای زیبای‌کشور میباشند وبازحمات شبانه روزی باین اداره‌که زنده کنندهٔ هنرهــای باستانی وآثار ملی‌ماست سروصورتی داده‌اند .

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ریاست عالیهٔ‌جمعیت شیروخورشید سرخ ایران رابرعهده دارند وبازحمات طاقت فرسا امور این جمعیت ر ابا صمیمیت وجدیت هرچه تمامترانجام میدهند و چون همواره پشتیبان‌وحامی طبقهٔ مستمند و فقیرکشور هستند کمتر کسی است‌کـه این شاهزاده خانم نیکوکار را نشناسد و با شنیدن نام وی درقلب خود نسبت باوعلاقه‌ومحبت احساس نکند و بهمین جهت‌است‌که والاحضرت‌شاهدخت‌شمس پهلوی‌مورد احترام قاطبهٔ ملت ایران میباشند . (مترجم) .

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی .

سپیده دم روز چهارم‌آبان سال ۱۲۹۸ والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی درتهران متولد شدند. تحصیلات مقدماتی خود را فرا گرفتند و به زبانهای خارجی و ادبیات وتاریخ ایران وجهان آشنا شدند .

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در مهرماه سال۱۳۱۵با آقای علی قوام ازدواج کردند و زندگی زناشوئی آنان دیری نپائید و در سال ۱۳۲۲موقعیکه‌اعلیحضرت رضاشاه‌کبیر دورازخاك وطن درژوهانسبورگ بسرمیبردند والاحضرت اشرف مسافرتی به‌مصروازآنجا به ژوهانسبورگ کردند و پس از جلب موافقت اعلیحضرت دربارهٔ جدائی ازآقای علی←



والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

ملت‌خود میباشد زیراهرجا میرود باهلهله وشادی پذیرائی میشود وعکسش رادرتمام ادارات دولتی ومؤسسات ملی وجاهای عمومی گذارده‌اند ولی باید

قوام به تهران مراجعت وسپس با یکدیگر متارکه نمودند و درهمان‌سال ۱۳۲۲ باآقای احمد شفیق ازدواج کردند.

والاحضرت‌شاهدخت‌اشرف پهلوی‌از بانوان‌خیرونیکوکار کشورهستند و بنابه ارادهٔ اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی نیابت ریاست عالیهٔ سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را برعهده دارند و بـاسعی و کوشش فراوانی امورسازمان را اداره میکنند.

خدمات والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی برای تمام مردم ایـران واضح و روشن است و همه میدانندکه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی حامی مستمندان و فقرا و بینوایان است وبعناوین مختلف به تودهٔ‌رنج‌دیده و بی‌استطاعت مملکت کمك میکند. (مترجم)

والاحضرت فقید شاهپورعلیرضا پهلوی ـ درتاریخ‌دوازدهم‌فروردین ماه سال ۱۳۰۱ پا بعرصهٔ وجود گذاشت و در دبستان نظام تاکلاس‌چهارم ابتدائی را خواند وآنگاه برای ادامه تحصیلات‌خود روزسیزدهم شهریور ماه سال ۱۳۱۰ عازم اروپا گردید ومدت پنجسال در لوزان مشغول‌تحصیل بود و در تاریخ نوزدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۵ بایران باز گشت و تا سال ۱۳۱۸ دردبیرستان نظام به تحصیل اشتغال‌داشت و پس‌از پایان دورهٔ دبیرستان بدانشکدهٔ افسری وارد شد ودر سال ۱۳۲۰ دورهٔ دانشکده‌راهم باموفقیت باتمام رسانید.

والاحضرت‌شاهپورعلیرضاپهلوی‌برای‌بازدیدازاملاك‌خود که‌در گرگان داشتند و سرکشی بامور زارعین بآنجا مسافرت کرده بودند هنگام‌مراجعت به تهران شب ششم آبانماه سال ۱۳۳۳ هـواپیمای حامل والاحضرت در کوههای نزدیك تهران‌سقوط کرد و مشارالیه بشهادت رسید. (مترجم)

والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی ـ والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی فرزند برومند اعلیحضرت رضا شاه کبیر روز دوشنبه بیست و پنجم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۲ شمسی از والاحضرت توران در شهر تهران پا بعرصهٔ وجود گذاردند.

دورهٔ طفولیت را بسرپرستی‌آموزگاران عالیقدر تحت تعلیم وتربیت قرارگرفته سپس دردبستان و دبیرستان نظام بتحصیل اشتغال‌ورزیدندودر

دانست که در تمام دستگاههای مملکتی برای حفظ نظم کنترل شدیدی صورت میگیرد.

ما نباید تصور کنیم که یك فرد متوسط ایرانی محدودیت آزادی

خلال این مدت به کشور سویس مسافرت کرده و درشهر رول دردبیرستانی که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تحصیل کرده بودند دو سال متوالی مشغول تحصیل بوده‌اند وپس ازآن به تهران مراجعت ودبیرستان نظام‌را با موفقیت کامل بپایان رسانیده و چندی نیز در امریکا دردانشکدهٔ پرنستن (Prinston) تحصیل کرده مجدداً به‌تهران‌مراجعت‌ودانشکدهٔ افسری‌را با علاقمندی کامل دررستهٔ سوار باتمام رسانیده‌وپس‌از نیل‌بدرجهٔ افسری‌بفرمان مطاع مبارك ملوکانه بسمت بازرس ویژه درارتش شاهنشاهی منصوب وبا ابراز لیاقت وکاردانی‌بدریافت نشانهای‌افتخارو لیاقت‌ونشان پهلوی‌ونشانهای مختلف دیگر نائل گردیده‌اند.

والاحضرت کلاسهای تکمیلی زرهی و تانک را دردانشکدهٔ فورت-ناکس در امریکا طی نموده‌اند. معظم له علاوه برسمت نظامی که در ارتش دارند بنا بامر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیابت ریاست عالیهٔ باشگاه هواپیمائی کشوری وهمچنین‌نیابت ریاست عالیهٔ باشگاه‌سوارکاران‌و ریاست عالیهٔ کمیتهٔ ملی المپیك ایران را عهده دار میباشند. والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی در کشورهای خارجی (اروپا ، امریکا و افریقای جنوبی) مقیم و اوقاتشان فقط صرف تحصیل ومطالعه درتاریخ وجغرافیای نظامی آن کشورها بوده‌واطلاعاتی‌عمیق دراین‌دورشته‌دارندوز بانهای‌فرانسه و انگلیسی را خوب میدانندوازادبیات این دورشته نیز بهره‌ای‌کامل‌دارند.

معظم‌له علاوه برفنون نظامی‌درفن خلبانی، تنیس ، شنا ، فوتبال و شکار بهرهٔ کامل دارند واوقاتشان علاوه برخدمت ارتش صرف ورزشهای مزبور شده و درتمام مراحل زندگانی مشوق ورزشکاران بوده‌اند.

خداوندمتعال دو فرزند بایشان عنایت فرموده که اولی والاحضرت مهرناز پهلوی در تاریخ ۱۳۳۰/۱۰/۲۹ بدرود حیات گفته و دومی والاحضرت بهمن پهلوی که‌درتاریخ ۱۳۲۹/۱۱/۱۰در تهران‌پا بعرصهٔ‌وجود گذارده است.

والاحضرت بتاریخ وادبیات‌ایران علاقهٔ خاصی‌دارند وهمواره مشوق نویسندگان ومؤلفین کشور هستند. معظم‌له جوانی‌متواضع ، مؤدب وبسیار ادب دوست هستند. (مترجم)



والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی

خودرابدون جهت قبول دارد وبآن‌تن‌درمیدهدزیراچنانکه دیده شده‌این‌نوع حکومت ازهرجهت بحال‌اومتناسب وبرای کشورش شایسته وبرازنده‌است .

والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی

والاحضرت‌شاهپور عبدالرضا پهلوی فرزند کامکار اعلیحضرت رضا شاه‌کبیر در تاریخ نهم مهر ماه سال ۱۳۰۳ شمسی از والاحضرت عصمت پهلوی درشهر تهران پابعرصهٔ وجود گذاردند .

دورهٔ ابتدائی خود را در دبستان نظام‌گذرانده و از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۱۵ درمدرسهٔ‌لەروزی(Le Rosey)درشهر رول (Rolle) سویس مشغول تحصیل بودند و از سال ۱۳۱۵ تــا سال ۱۳۲۰ دورهٔ دبیرستان نظام راگذرانده وچون شاگرد اول شدند باخذ نشان عالی فرهنگی نائل گردیدند وپس از اخذ دیپلم در جریانات شهریور مــاه ۱۳۲۰ در رکاب اعلیحضرت رضاشاه‌کبیر به‌جزیرهٔ موریس(Mauritius) و بعد به‌افریقای جنوبی‌مسافرت کردند .

معظم‌له دراین مدت بفرا گرفتن زبان انگلیسی و مطالعه پرداخته و پس از وفات اعلیحضرت رضاشاه‌کبیر بمصر رفتند و در انتظار جنازهٔ پدرتاجدار خود بودند وبعدازانجام مراسم تشییع جنازه وسپردن بآرامگاه موقت درقاهره عازم امریکای شمالی شدند وبرای تحصیل وارد دانشگاه هاروارد (Harvard)درشهرکامبریج گردیدندوپس ازگذراندن دورهٔ این دانشگاه درسال ۱۹٤۷ دررشته‌اقتصادوعلوم‌سیاسی(Political Economy) بارتبهٔ عالی‌باخذ درجهٔ بی. اس B.S نائل گردیدند .

والاحضرت پس ازخاتمه تحصیلات، اول درامریکا وبعددراروپا از مراکز صنعتی ، معدنی و کشاورزی دیدن کرده وپس ازهفت سال‌به‌ایران مراجعت نمودند .

معظم‌له ازبدوورود بامور عمرانی وتولیدی توجه خاصی داشته وبر حسب امراعلیحضرت‌همایون شاهنشاهی قبلاًنظارت عالیه سازمان برنامه‌هفت ساله و اموروعمرانی واقتصــادی‌کشور بعهدهٔ ایشان واگذار شد .

والاحضرت بدریافت نشان پهلوی و نشانهای دیگرنائل شده اند .

والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی درسال ۱۳۲۹ برای خدمت‌زیر پرچم داوطلبانه خودرا معرفی‌وپس ازطی‌دورهٔ مربوطه بدرجه ستوان دومی

بهر حال ایلات وعشایر که امور مربوطه راخودشان اداره میکردند طبعاً ازاستیلای مأمورین کوچك واستقرارآنها در بالای سرخودشان سخت

نائل وچون شاگرد اول شدند به گرفتن جایزه مفتخر گردیدند .

معظم‌له در مهر ماه سال ۱۳۲۹ با والاحضرت پری سیما دختر جناب آقای ابراهیم زند ازدواج کردند و ثمرهٔ این ازدواج یك پسرشش ساله بنام والاحضرت کامیار ویك دخترسه ساله بنام والاحضرت سروناز میباشند .

معظم‌له از کودکی به اغلب ورزشها علاقه داشته و با آنها آشنائی دارند در سالهای اخیر ورزشی که بیش ازسایر ورزشها موردعلاقهٔ ایشان بوده چوگان، اسب سواری و شکار است که قبلا بریاست عالیهٔ باشگاه چوگان وپس از تصویب قانون شکار در اسفند ۱۳۳۵ بفرمان همایونی بریاست عالیهٔ کانون شکار ایران منصوب شده‌اند .

کتابهای موردعلاقهٔ والاحضرت عبارتند از کتب سیاسی ، اقتصادی ، تاریخی و جهانگردی و در مواقع فراغت علاوه برمطالعه و ورزش بامور کشاورزی میپردازند .

معظم‌له زبانهای فرانسه وانگلیسی را بخوبی میدانند .

والاحضرت جوانی متواضع ، مطلع ، با هوش و مورد احترام طبقهٔ تحصیل کرده وروشنفکر ایران هستند . (مترجم)

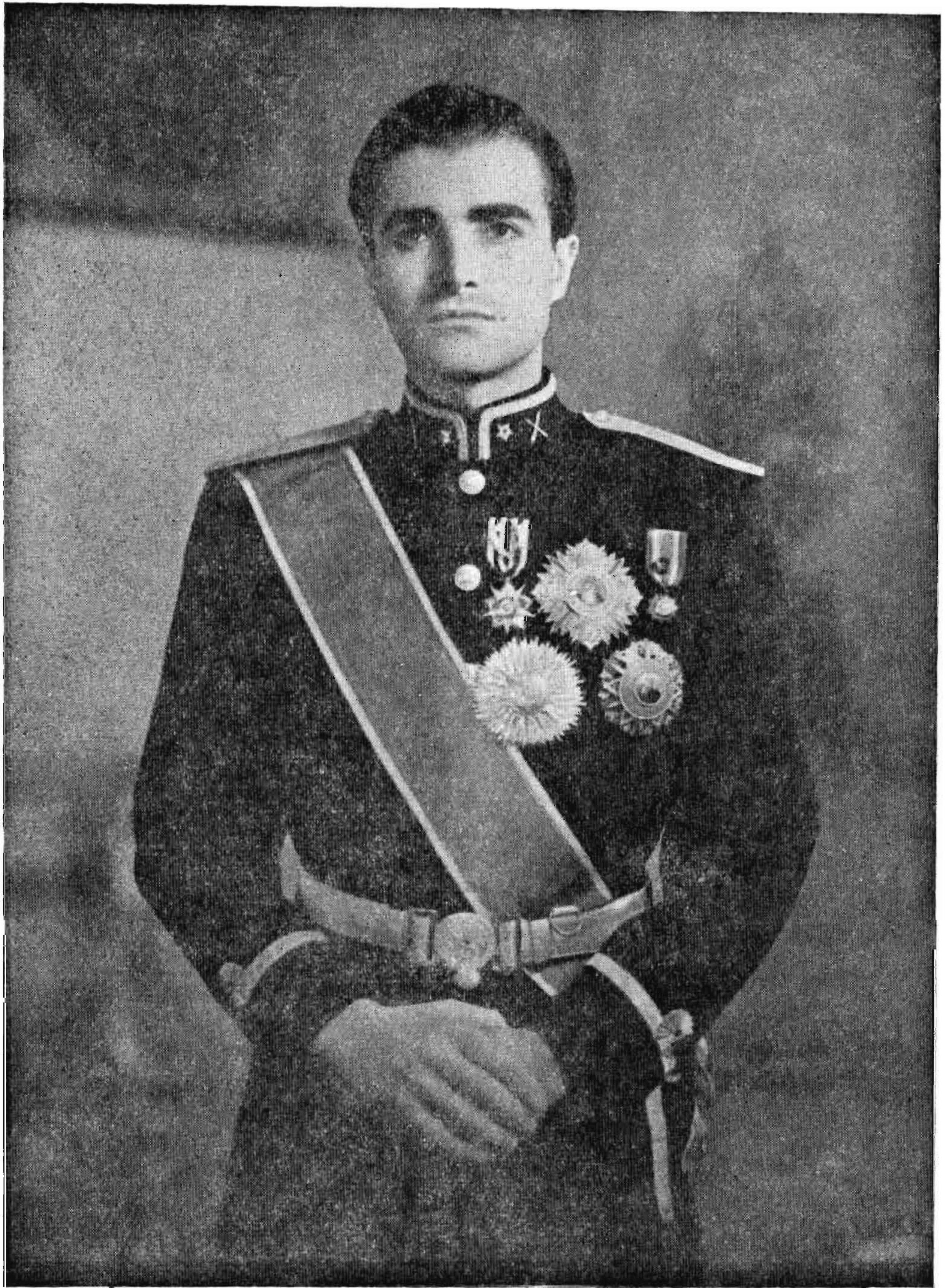
والاحضرت شاهپور احمدرضا پهلوی ـ روز پنجم مهرماه سال ۱۳۰٤ درتهران متولد شدند . دورهٔ دبستان ودبیرستان نظام‌را باموفقیت گذرانده وپس‌ازحادثهٔ شوم شهریور ۱۳۲۰ درالتزام رکاب اعلیحضرت رضاشاه کبیر به‌جزیرهٔ موریس رفتند . مشارالیه اکنون دارای دوفرزند میباشند .(مترجم)

والاحضرت شاهپور محمودرضا پهلوی .

روز دوازدهم آبانماه سال ۱۳۰۵ پابعرصهٔ وجود گذاردند و پس ازطی دبستان ودورهٔ دبیرستان نظام‌مانند سایر برادران خود بجزیرهٔ موریس رفتند وپس ازآن بکشور های متحدهٔ امریکا مسافرتی کرده ودر دانشگاه کالیفورنیا مشغول تحصیل شدند . (مترجم)

والاحضرت شاهپور حمید رضا پهلوی .

آخرین فرزند اعلیحضرت رضا شاه کبیر والاحضرت شاهپور



والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی
درسال ۱۳۳۰ پس از اتمام دورهٔ خدمت افسری

ناراضی هستند بخصوص که این مأمورین کوچك مانند مأمورین کوچك همه‌جا میخواهندتحکم بخرج دهند واختیارات خودرا برخ مردم بکشند.

وصول مالیات ، قانون ، مقررات چیزهائی هستند که بزعم عشایر ایران باآزادی واقعی سازگار و موافق نمیباشند گرچه فقط وحشی‌ترین قبایل وایل هاآن نوع‌آزادی را داشته‌اند ومعنی‌آنرا میدانند .

طبقهٔ روشنفکر ایرانی هم میتواند دررژیم استبدادی موارد انتقادی زیادی پیدا کند گرچه خودش هم ازهمین رژیم منتفع وبهره‌مند گشته است اما بهرصورت با وجود بالارفتن نرخ خواربار و لوازم زندگی ومالیاتهای تازه اکثریت مردم مخصوصاً طبقهٔسوم بطورکلی راضی‌شدند ودررفاه وآسایش کاملی بسر میبرند وهرچند نمیتوانندکاملا درك کنند که این چیزها برای خودآنها لازم است وعواقب خوبی دارد اما درهرحال آنان خشنودند که از نفوذ بیگانگان درکشورشان بطورکلی‌جلوگیری شده وازاینکه دیگر سیاست حمایت خارجی درایران وجود ندارد بسی مشعوف ومسرورند .

ماوضع کشور را درسال ۱۹۲۱ دیدیم وحالا برایمان بخوبی واضح وآشکار است که لازم ترین ومهمترین اقدامات وضع قوانین مفید وایجاد امنیت ومتمرکزشدن‌قدرت دردست حکومت مرکزی است وبنابراین اولین وظیفهٔ رضا شاه این بود که ارتش‌قوی ونیرومندی بوجودآورد که اوخودش

حمیدرضا پهلوی‌میباشد که درتاریخ‌دوازدهم شهریورماه‌سال ۱۳۱۱ پابعرصهٔ وجودگذارد . مشارالیه دورهٔ دبستان نظام راگذرانده و هنوز تحصیلات مقدماتی‌ایشان بپایان‌نرسیده بود که درالتزام رکاب اعلیحضرت رضاشاه کبیر به جزیرهٔ موریس رفتند .

مشارالیه اکنون دارای یك فرزند هستند ودر قیام‌ملی ۲۸ مرداد در جنبشی که درشهر تهران بوجودآمده بود شرکت داشتند . (مترجم)

بخوبی این موضوع را میدانست وتصمیم لازم را گرفت.

هستهٔ مرکزی سازمان جدید ارتش، تشکیلات بریگاد قزاق بود. که نیروی انگلیسی پلیس جنوب یاتفنگداران پارس‌هم جزءِآن شده‌بود.

رضاشاه باتشکیل ارتش جدید میتوانست قوای‌منظم ونیرومندی در برابرقوای نامنظم ایلات وعشایر که دراثر تبلیغات کمونیستی تهییج‌شده بودند بوجودآورد.

درسالهای ۱۹۲۱و۱۹۲۲ رضاشاه سرگرم پایان دادن به شورشهای مازندران بود وپس ازآنکه نواحی شمالی را بکلی ازوجود یاغیان وطوایف متمردخالی ساخت ودرآن حدود امنیت‌کاملی حکمفرما کرد متوجه مسائل و موضوع بغرنج وپیچیدهٔ (بختیاری ها) و (لرها) در جنوب وجنوب غربی گردید.

درسال ۱۹۲٤ (شیخ خزعل) که در محمره[1] خود را فرمانروا و فعال مایشاءِ میدانست وبیش ازحد به ارتباط ودوستی‌خود بابریتانیا تظاهر میکرد موقع‌را متناسب‌دید ازسیاست مرکزیت یافتن قدرت دولت مشوش و نگران شد واز اوامر دولت مرکزی سرپیچید وشورش وبلوائی بپاساخت واختلافات بسیار مهم وشدیدی بوجودآورد امّا بزودی شیخ شکست خورد وقوای دولتی اورا دستگیر کرده به تهران بردند وچند سال بعد ازآن در همانجا مرد.

اطاعت ایلات وعشایر یاغی ایران درسال ۱۹۲۵ بازور و برکنار ساختن مأمورین فاسد وانجام پاره‌ای اصلاحات لازم صورت گرفت وسیاست

---

(۱) محمره همان شهری است که امروزه خرمشهر نام دارد. (مترجم)



والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی

اسکان ومستقر ساختن ایلات وطوایف سرگردان عملی گردید [1] .

اقداماتیکه برای اسکان ایلات بعمل آمده بود با ساختن راهها ودهات درنواحی بختیاری وخرم‌آباد و کردستان تکمیل گردید و ایلات چادرنشین را برای اقامت دائمی درمحلهای معین مجبور ساختند و این‌سیاست برای امنیت کشور وجلوگیری ازبی‌نظمی بسیارمفید ومؤثربود . هم اکنون گاهگاهی نافرمانی‌هائی چند درآن نقاط سرمیزند چنانکه در سال ۱۹۳۷ اتفاق افتاد .

بعضی ازاوقات هم درنقاط دوردست دستبرد های انفرادی رخ‌میدهد اما مرتکبین بزودی شناخته شده وبسزای اعمال خویش میرسند .



۱ـ درمورد اسکان عشایروایلات ایران در فصل دوم توضیحات کافی داده شده‌است . (مترجم)

فصل بیست و دوم

تشکیل ارتش نوین ایران

نفرات ارتش ایران در ایام صلح واوقاتی که کشور وضع عادی‌دارد به چهل‌هزار نفربالغ میشود که از نه هنگ وپنج لشگرتشکیل یافته‌است و در زمان جنگ ممکن است به سه ویاچهار برابرافزایش یابد.

پادگان مهم نظامی یکی در تهران و دیگری دراهواز قرار دارد و اهمیت سوق الجیشی سلسله کوههای ایران‌ازنظر اینکه برای‌دفاع‌از کشور عامل بسیار مؤثری‌بشمار میآید باعث شده است که نفرات ارتش‌دراین‌مورد تخصص بیشتری داشته باشند و بهمین جهت است که توپخانهٔ کوهستانی قسمت عمده‌ای از مهمات و تسلیحات ایران را تشکیل میدهد.

گذشته از سایر سلاحهای جدید ارتش‌ایران درحدود یکصد تانك اشکودا در اختیار دارد.

نیروی کوچك هوائی (که جزءِ ارتش‌است) درحدود چهاراسکادران میشود وجمعاً ازدویست هواپیما تشکیل یافته است.

این هواپیماها بطورکلی یا ساخت کارخانه‌های انگلستان هستند و یا اینکه ازروی نقشهٔ انگلیسی ساخته‌شده‌اند و اخیراً هم به امریکاسفارش

داده‌اند که چند فروند هواپیما برای نیروی هوائی بسازد.[1]

سه آموزشگاه هوائی در اهواز و مشهد احداث شده ومشغول تعلیم دادن فن خلبانی به نوآموزان هستند.

با اینکه عده‌ای از آموزگاران نظامی ایران در کشور فرانسه و یا کشورهای دیگر تحصیل کرده وفنون نظامی را آموخته‌اند عدهٔ زیادی هم از معلمین خارجی درمدارس نظام تدریس میکنند. نفوذ آلمان قابل ملاحظه است اما باید دانست که هیچ یك از ملتهای خارجی در کشور ایران تسلط نداشته و باتمام خارجیان از هرملتی که باشند یکسان رفتار میشود و تا وقتیکه به آلمانی ها قدرت دیگری داده نشود بودنشان در ایران اثر سیاسی نخواهد داشت.

درعین حال که ارتش کوچکی مانند ارتش مورد بحث ما بسختی میتواند در برابر یك مهاجم مجهز ایستادگی ومقاومت کند هر گاه همین ارتش کوچك تصمیم بدفاع از کشورش بگیرد و باخصم وارد جنگ گردد با استفاده از وضع خاص طبیعی ایران کار مهاجم خود را بسیار مشکل خواهد ساخت.

ارتش منظم و نوینی که بوجود آمده با وضع قوانین و مقررات

---

۱ - نظر مؤلف محترم کتاب دربارهٔ ارتش ایران یعنی نیروهای سه گانه زمینی، هوائی و دریائی مربوط بسال ۱۹۴۱ است واین آمار فقط درآن موقع صحیح بوده است والا پس ازتصویب قانون کمك های نظامی بممالك خاورمیانه وخاوردور در کنگرهٔ امریکا ارتش ایران ازهرحیث مجهز گشته وبا کمکهائی که همه ساله روبفزونی میرود روز بروز برتجهیزات جنگی کشور ایران افزوده میشود ودرحال حاضر بگواهی تمام کشور های عالم کشور ایران دارای نیروئی منظم، مجهز وازهر حیث برازنده است. (مترجم)

سرباز گیری عادلانه‌ای تقویت میشود .

ازسال ۱۹۲۰ ببعدهرجوان بیست ویکساله ایرانی باید بسربازخانه برود ومدت دوسال خدمت نظام وظیفه را انجام بدهد .

دانش آموزان ودانشجویان که حق‌دارند درپایان تحصیلات خودشان بخدمت نظام‌وظیفه بروند بعداز۱۲ ماه‌خدمت اولیه‌باید دردانشکدهٔ افسری فنون‌نظامی‌وتعلیمات لازم رافرا گیرند .البته مشمولینی که مسئولیت اداره کردن خانواده برعهدهٔ آنهاست ازاین‌قاعده مستثنی هستند وبموجب قانون باآنان طور دیگری رفتار میشود .

هرساله درفصل معینی سرباز گیری درتمام نقاط کشور ودر مراکز مختلف انجام میگیرد .

افرادیکه خدمت سربازی‌خودرا انجام داده‌اند هرساله برای تجدید تعلیمات نظامی دوباره احضار میشوند وباید یکماه درهمان قسمتی که قبلا خدمت کرده‌اند مشغول خدمت باشند وتعلیمات جدیدی را که لازم باشد بیاموزند .

گرچه درآغازکار عده‌ای ازمشمولین ازدام سرباز گیری جستند اما برای جلو گیری از پیش‌آمدهای بعدی درسال ۱۹۳۸ مواد لازم بقانون نظام وظیفه اضافه گردید بطوریکه اکنون کمتر کسی میتواند اززیر باراین خدمت ملی شانه خالی کند .

هریك ازافراد مملکت که بخواهند دردستگاههای دولتی یاملی استخدام شوند بدون استثناء باید گواهینامهٔ انجام خدمت زیر پرچم ویا معافیت ازنظام وظیفه‌را ارائه‌دهند درغیر اینصورت ازپذیرفتن بکار واشتغال آنان خودداری میشود .

مدت طولانی دوسال خدمت سربازی غالباً باکارآموزی درامورصنعتی سپری میشود وجثهٔ سالم ونیرومند سربازان وظیفه نشان میدهد که نحوهٔ کار بسیار خوب است وباروحیهٔ آنان سازش دارد .

اقدامات مفید عمومی برای تشویق جوانان ایرانی بانجام خدمت نظام وظیفه بعمل آمده ومشمولین آنطوریکه باید وشاید بفایدهٔ این خدمت ملی پی‌برده ودر موقع مقرر خودرا برای خدمت بوطن آماده میسازند .

عده‌ای از مشمولین (بیشتر عرب ها) رادر نیروی دریائی بخدمت میگمارند .

این نیروی دریائی کوچك شامل دوناوچه است که هریك ازآنها نهصد وپنجاه‌تن ظرفیت دارد[1] وباسه توپ چهاراینچی مجهزاست ودارای چهار ناوچه کوچکتری هم‌هست که ظرفیت هریك ازآنها سیصد وپنجاه تن بوده وهریك بادوتوپ دواینچی ودوتوپ آ-آ مجهز هستند .

تمامی این ناوچه ها درسال ۱۹۳۲ درکشور ایتالیا ساخته‌شده‌اند وسرعت سیرهریك ۱۵ گرهٔ دریائی است .

این ناوچه‌هابا ناوچه های‌دیگرنیروی دریائی‌ایران برای‌جلوگیری ازدزدی وقاچاق درکرانهٔ‌خلیج فارس‌کافی میباشند (این وظایف قبلا بعهدهٔ نیروی دریائی بریتانیا بود) این ناوچه‌ها درحال حاضر درخرمشهر که قبلا محمره نامیده میشد استقرار دارند وبرای رسیدن به‌خلیج باید ازآبهای عراق عبورکنند ولی این نقیصه باساختن لنگرگاه بندر جدید شاهپور مرتفع میگردد .[2]

---

۱ - روز ۲۷ اوت سال ۱۹۴۱ غرق گردید . (مؤلف)

۲ - نیروی دریائی‌ایران‌ناوگان دیگری‌هم‌دردریای‌خزردارد.(مؤلف)

کشتی تفریحی همای که چند سال قبل ازطرف دولت بریتانیا به شیخ محمره اهدا شده‌بود اکنون ناوآموزش شده‌است ودریانوردان ایرانی دراین ناوتعلیمات لازم رافرا میگیرند .

عده‌ای‌ازافسران نیروی‌دریائی وهمچنین دریانوردان‌ایران دردانشگاه لیورنو (Livorno) کشور ایتالیا که دانشگاه مخصوص نیروی دریائی است تحصیل کرده‌اند امااین موضوع دلیل‌آن نیست که افسران ودریا نوردان ایرانی نسبت به‌ایتالیا محبت وعلاقه‌ای پیدا کنند .

قسمت چهارم نیروی مسلح ایران سازمان و تشکیلات امنیه است که باید درنواحی‌دوردست امنیت ونظم عمومی رابرطبق قوانین جاری کشوربرقرار سازد .

افسران ودرجه داران وافراد امنیه لباس آبی رنگ روشن میپوشند که تااندازه‌ای شبیه اونیفورم فرانسوی‌ها است ودرست برخلاف رنگ خاکی اونیفورم ارتش آلمان میباشد وچون هرشش نفرآنها تشکیل یك جوخه رامیدهند ودرنقاط دوردست وتقریباً درنواحی خالی ازسکنه خدمت میکنند لذا مقررات و انضباط آنها مانند ارتش قابل توجه نیست و بهمین جهت دربین مردم احترام چندانی ندارند ودر سابق آنها را محرك اصلی شورش وبلوای ایلات وعشایر میدانستند .

افسران ودرجه داران و افراد مشغول بخدمت امنیه درهر استان بستگی باهمیت وموقعیت آن استان دارد وبا درنظر گرفتن این موضوع نیروی امنیه بین استانها و شهرستانها تقسیم شده است که تماماً تحت فرماندهی یك‌افسرانجام وظیفه میکنند که معمولا این افسر سرتیپ است.

فصل بیست و سوم

مجلس شورای ملی وسازمانهای اداری

قانون اساسی ایران که درسال۱۹۰۶ میلادی تصویب شده‌است (با اصلاحاتی که‌دربعضی‌ازمواد آن بعمل‌آمده) تاکنون بقوت خود باقی است وبموجب این قانون مجلس شورای ملی که یکصد و سی وشش نفر نماینده دارد تشکیل میشود وقوانین لازم ومفید را برای رفاه وآسایش ملت ایران تصویب میکند . ازیکصد وسی وشش نفر نمایندهٔ مجلس شورای ملی دوتن ازنمایندگان‌راارمنی‌ها ویکنفر رایهودی‌ها انتخاب میکنند. یکنفر نماینده هم ازطرف زرتشتی‌ها انتخاب میشود وبقیهٔ نمایندگان مجلس شورای ملی که یکصدوسی ودونفر نده‌مگی مسلمان هستند که ازاستانهاوشهرستانهای مختلف مملکت بموجب قانون انتخاب میگردند .

این نمایندگان برای دوسال انتخاب میشوند وتغییردولت دروضع آنان تأثیری ندارد . دورهٔ دوازدهم قانونگذاری مجلس شورایملی درتاریخ سی ویکم اکتبر سال۱۹۴۱بپایان میرسد ودرهمین سال انتخابات دورهٔ سیزدهم انجام میگردد .

هر مرد بیست و یکسالهٔ ایرانی (باستثنای افسران ودرجه داران و افراد ارتش ومحکومین به‌جنحه و جنایت) حق دارد در انتخابات شرکت

کند وبارأی مخفی نمایندهٔ مورد نظر خود را انتخاب نماید . باید باین نکته توجه داشت که چون در کشور ایران‌هیچ حزب ودستهٔ سیاسی وجود ندارد در موقع انتخابات سر و صدای چندانی راه نمی‌افتد و بیشتر لیاقت شخصی کاندیداها را درنظر میگیرند . نمایندگان مجلس شورایملی از ایرانیانی انتخاب میشوند که سن آنها بین سی تاهفتاد سال باشد و در دستگاههای دولتی هم خدمت نکنند . (۱)

هر نماینده‌ای درابتدا برای مدت دوسال انتخاب میشود اما درموقع تجدید انتخابات مانعی ندارد که بنام نماینده دوباره بمجلس برود .

این نمایندگان میتوانند بعد از شش ماه ترك خدمت نمایندگی مجلس‌شورایملی بخدمت دولتی مشغول گردند .

این قانون میرساند که نمایندگان ملت جنبهٔ مشورتی دارند وآراءِ وکلای مجلس با اکثریت قاطع است .

اصولا هر طرحی که بوسیلهٔ وزراءِ و مسئولین امور دولتی بمجلس شورایملی تقدیم میگردد ابتدا به کمیسیونهای فرعی میرود وپس ازآنکه در کمیسیون مربوطه مورد تصویب واقع گردید درجلسهٔ علنی مجلس طرح وتصویب میشود .

پس ازآن برای اجرا به صحهٔ شاه میرسد اما عملا قوانینی که شاه برای رفاه وآسایش ملت لازم تشخیص داده است بوسیلهٔ وزیران دیکته میشود ونمایندگان آنرا تصویب میکنند .

بهرصورت قوهٔ مقننه وقوهٔ مجریه از هم جدا هستند و هیچ یك حق دخالت درامورديگری راندارد .

---

۱ ـ فقط کارمندان عالیرتبهٔ دولت نمیتوانند درحین خدمت از حوزهٔ مأموریت خودشان انتخاب شوند . (مترجم)

ارزش مجلس شورای ملی اینستکه قوانین مفید را برای ملت وضع کند ودرصورت ابهام توضیحات لازم رابدهد .

تمام جریانات و مذاکرات مجلس شورایملی در روزنامه ها چاپ میشود و باطلاع عامه میرسد .

دولت که مسئول اداره کردن امور مملکت است تحت رهبری شاه وظایف خود راانجام میدهد .

وزراءِ تحت نظر نخست وزیری هستند که ازطرف شاه تعیین وباین سمت منصوب میگردد .

هریك ازوزارتخانه ها معاون و ادارات متعددی دارند که زیر نظر وزیرمربوطه انجام وظیفه میکنند .

وزارتخانه های ایران عبارتند از : وزارت جنگ ـ وزارت امور خارجه ـ وزارت داخله یا کشور ـ وزارت راه ـ وزارت پیشه وهنر ـ وزارت پست وتلگراف ـ وزارت دارائی ـ وزارت فرهنگ ـ وزارت دادگستری ـ ادارهٔ کل بازرگانی ـ ادارهٔ کل کشاورزی [1] (بازرگانی و کشاورزی ادارات کل هستند وبآنها وزارتخانه اطلاق نمیشود) .

نخست وزیروزراءِ همگی مسئول مجلس هستند ولی چنانکه دیدیم تمام آنها ازطرف شاه تعیین میشوند وبفرمان اوکارمیکنند .

علاوه بر وزارتخانههائی که اسامی آنان ذکرشد وزارت درباری هم وجود دارد که امور شخصی اعلیحضرت شاه وولیعهد را انجام میدهد ولی این وزارتخانه جزءِکابینه وهیئت دولت نیست .

قانون اساسی ایران مجلس دیگری هم بنام مجلس سنا پیش بینی

۱ـ بازرگانی و کشاورزی هردووزارتخانهشدهاند وبعلاوهوزارت بهداری همچندسالیاست تأسیسشده وباجدیت مشغولفعالیتاست وبعلاوهوزارتخانهٔ دیگریهم بنام وزارت گمرکاتوانحصارات اخیراًتأسیسیافتهاست .(مترجم)

کرده‌است که سی‌نفر از اعضای آن از طرف اعلیحضرت پادشاه تعیین و منصوب میشوند و سی‌نفر دیگر را مردم انتخاب میکنند.

مجلس سنا فقط یکبار در موقعی تشکیل شد که بنا بعلل و دلائل موجهی مجلس شورایملی نمیتوانست تشکیل جلسه دهد[1].

در اثر نفوذ رضاشاه در تمام امور کشور فقط عدهٔ معدودی از ایرانیها هستند که در امور سیاسی صاحب نظرند.

در کشور ایران احزاب سیاسی وجود ندارد و هرموقع حزبی سربلند کند (مثل حزب کمونیست) بسختی سرکوب شده ومنحل میگردد.

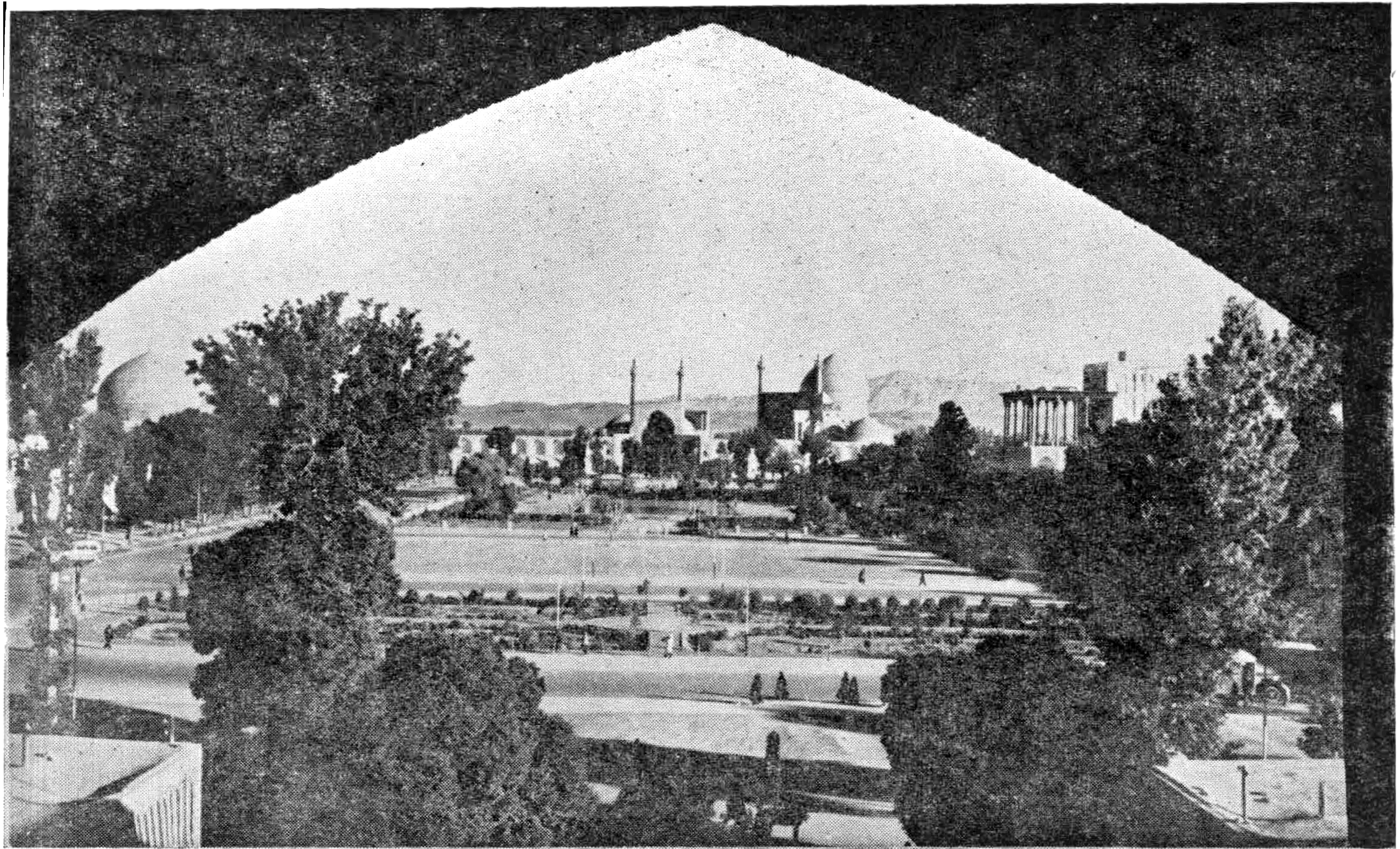
ورود به‌ادارات دولتی باشرکت در مسابقه و گذراندن امتحان میسر است و دارندگان گواهی‌نامه‌های ابتدائی، متوسطه وعالی برای گرفتن رتبه‌های یك، دو و سه اداری در مسابقه شرکت میکنند و امتحان میدهند.

در سازمانهای دولتی بطور کلی نه(۹) رتبه با حقوق ثابت و شرایط معین ومشخص وجود دارد که کارمندان باید بتدریج این مراتب راطی کنند و هیچ یك‌از کارمندان‌دولت ازخدمت برکنار ومنفصل نمیشوند مگرآنکه در دادگاه محکوم گردند.

اشخاصی که دارای معلومات تخصصی هستند بدون گذراندن‌امتحان بخدمت پذیرفته میشوند ولی این عده امتیازات کارمندان رسمی را ندارند و همچنین افراد دیگری از قبیل ماشین‌نویس و ثبات بعنوان دون رتبه بدون شرکت درمسابقه میتوانند بخدمت مشغول گردند اما اینها نیز برتبه‌های عالی اداری نمیرسند.

---

۱ ــ مجلس سنای ایران تا بعد از وقایع شهریور سال ۱۳۲۰ و بسلطنت رسیدن اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی تشکیل‌نمیشدولی بموجب قانون اساسی وطبق فرمان همایونی‌مجلس سنا تشکیل گردید وچند سال است که بخدمات خود ادامه میدهد. (مترجم)



اصفهان: میدان شاه یا میدان نقش جهان، عالی قاپو، مسجد شاه، مسجد شیخ لطف الله

فصل بیست وچهارم

سازمانهای کشوری وقضائی

وزارت کشور مسئول اداره کردن امور داخلی است بدین معنی که بکارهای استانداران وفرمانداران ، شهربانیها ، بهداری ،خدمات اجتماعی، آمار وثبت احوال رسیدگی میکند .

درسال ۱۹۳۸ تقسیمات قبلی مملکت تغییر یافت وحدودوثغور هریك ازایالات وولایات معین ومشخص گردید وسراسر کشور ایران به ده استان تقسیم شد وهراستانی را یك استاندار اداره میکند .

تمامی ده استان ایران به چهل ونه شهرستان تقسیم میگردند که در هریك ازشهرستانها یك فرماندار مستقر است وامور مربوط به حوزهٔ مأموریت خودرا اداره میکند وهریك ازشهرستانها هم به بخش ها ودهستان ها تقسیم شده اند.

در کشور ایران یازده شهرستان وجود دارد که جمعیت آنها ازپنجاه هزارنفر بیشتر است وبیست شهرستان دیگر نسبتاً آبادهم هستند که ساکنین هریك ازآنها ازده هزار نفر تجاوز میکند وبطورکلی شهر های کوچك و قصبات ودهات ایران بالغ برچهل وپنج هزار میگردد .

درهریك ازشهرها و بخش ها یکنفر شهردار انجام وظیفه میکند که

باهمراهی انجمن شهر منتخب ازطرف اهالی وساکنین شهرستان ویا بخش امور مربوطه راانجام میدهد وموازی باشهرداری شهربانی تشکیل شده‌است که‌امور مربوط بانتظامات را زیرنظر دارد .

اسماً شهربانی‌ها تابع استانداران و فرمانداران میباشند اما درعمل اینطورنیست وآنان ازرؤسای مافوق‌خودشان دستورمیگیرند زیرا شهرداری وشهربانی هردودارای سازمانهای عالی مرکزی هستند که باید ازاوامر و دستورات مراکز متبوع خود تبعیت کنند .

تمام مأمورین عالیرتبه ازتهران تعیین‌میشوند وچون تهرانی هستند طبعاً اهالی محل را بانظر حقارت مینگرند وعلاقه‌ای بحفظ منافع‌آنها از خود نشان نمیدهند .

مخصوصاً درنواحی زراعتی و دهقان‌نشین این موضوع کاملا مشهود است ولی ازطرف دیگر بدون شك اعزام مأمورین عالیرتبه و مسئولین ادارات دولتی ازتهران برای مبارزه بامفاسد محلی لازم بنظر میآید زیرا دریك شهرستانی که شهرداری ، شهربانی ،آمار و ثبت احوال ، ثبت اسناد وسایر ادارات وجود دارند ورؤسای هر یك از طرف وزارتخانه ها و ادارات مختلف کشور تعیین‌میگردند باید مأمورین محلی نباشند وازمرکز اعزام گردند تامنظور دولت که همانا پیشرفت امور واستقرار نظم است‌بهتر عملی گردد .

در نقاط کم جمعیت همانطوریکه گفتیم بجای شهربانی ادارات امنیه وجود دارد که مسئولیت حفظ نظم وامنیت عمومی باآنهاست وتابع انضباط ومقررات نظامی هستند .

افسران ودرجه داران وافراد شهربانی لباس خاکستری رنگ

میپوشند که بی‌شباهت به‌لباس‌پلیس انگلستان نیست ونیز آنان اسلحه‌دارند وهمیشه مسلحند ولی سلاح آنها کمتر مورد استفاده قرار میگیرد .

یکی‌ازوظایف مهم مأمورین شهربانی ثبت اسامی سکنه‌اعم ازبیگانه وخودی است که این مأموریت رابا کمال جدیت انجام میدهند .

بموجب قانون تابعیت ایران هرکسی که لااقل یکی ازوالدین او (پدر یا مادر) ایرانی باشند ویا در ایران متولد گردد وهمچنین کسانی که دراین سرزمین پا بعرصهٔ وجود گذارند وتارسیدن بحد بلوغ یعنی سن هیجده سالگی‌دراین کشوراقامت داشته‌باشند تبعهٔ ایران‌محسوب‌میگردند.

پنج سال اقامت درایران برای قبول تابعیت خارجیان‌کافی است .

هریك ازافراد کشور باید شناسنامه ای که حاکی ازتاریخ ومحل تولد وسایر احوال شخصیهٔ اوست داشته باشد وآنرا درموقع ورود وخروج به‌شهرها واقامت درمهمانخانه‌ها وگرفتن‌کار بمحض اینکه احتیاج پیداشد بمطالبه کننده ارائه دهد .

این موضوع یعنی ارائهٔ شناسنامه وثبت اسامی صرفنظر از اینکه برای کشف جرائم وشناسائی‌اشخاص عامل مؤثری بشمارمیآید باعث‌وسبب میشود که قانون سربازگیری در سراسر مملکت‌کاملا اجرا گردد وبا این ترتیب بطوری که مشهوداست راه گریز برای‌اشخاصی که بخواهندازز‌یربار خدمت نظام وظیفه شانه خالی کنند ازهر طرف مسدود میگردد .

خارجیان مقیم کشور ایران دارای پروانهٔ اقامت هستند که بمنزلهٔ شناسنامهٔ آنان محسوب میشود ونیز انتقال آنها از جائی بجای دیگر چندان هم‌آسان نیست واشکال فراوان دارد ونیز تنها داشتن شناسنامه یا پروانهٔ اقامت برای خود ایرانیان ویا خارجیان‌کافی نیست وبرای‌لوازم

و اشیاءِ ازقبیل تفنگ ، رادیو و دوربین عکاسی پروانه های جداگانه‌ای لازم است که مقامات مسئول ازساکنین این کشور مطالبه میکنند.

فن رانندگی که از سالها قبل‌درایران معمول گشته‌آموزشگاههای مخصوصی دارد که هریك از رانندگان باید در این‌آموزشگاهها مشغول آموختن این‌فن باشند وپس ازآنکه ازهمه جهت آماده شدند باگذراندن امتحان لازم گواهینامهٔ رانندگی دریافت دارند ولی عجب در اینست که نگاهداری سگ‌واتوموبیل پروانه نمیخواهد.

هرتاکسی ویا سایر وسائط نقلیهٔ عمومی باید قبل از شروع بکار پروانه بگیرد .

بموجب قوانین اصلاحات عمومی واجتماعی ۲-۱۹۳۱ هرده سال یکبار باید ازنفوس کشور سرشماری بعمل‌آید .

اولین سرشماری کشور ایران‌درسال‌آینده صورت خواهد گرفت .

سرشماری‌مقدماتی سال ۱۹۴۰ نشان‌داد که‌جمعیت تهران ۵۴۰،۰۸۷ نفراست درصورتیکه بموجب اولین سرشماری که درسال ۱۸۸۳ میلادی صورت گرفت‌جمعیت‌تهران۱۰۶،۴۸۲نفروبعدازآن۳۱۰،۱۳۹نفر بوده‌است.

طبق سرشماری دقیق که‌درسال ۱۹۳۲ بعمل‌آمد نفوس کشور ایران جمعاً ۱۵،۰۵۵،۰۰۰ نفربوده در صورتیکه در اوائل قرن نوزدهم میلادی کشور ایران پنجاه میلیون‌نفر جمعیت داشته‌است.

اما این موضوع راهم نباید از نظر دور داشت که درآن زمان قسمت اعظم (قفقازیه) و (ترکستان) و(بلوچستان) جزءِایران بوده است.

بارعایت کامل بهداشت عمومی واجرای خدمات اجتماعی و پیروی از سیاست ازدیاد نفوس.که‌باافکار ملی تقویت گرددانتظار میرود که درظرف چندسال آینده جمعیت ایران روبافزایش خواهدگذارد .

چنانکه گفتیم اجرای قوانین بادولت است، تا قبل از روی‌کار آمدن رضاشاه امور قضائی در محاکم شرع حل وفصل میشد که‌در نتیجهٔ‌پیچیدگی مسائل‌بغرنج‌شرعی‌اختیارات‌مهمی‌بدست‌مفسرین‌آن‌یعنی‌ملاها داده‌بود گرچه درهمان اوقات قوانین‌دیگری هم وجودداشت اما ازروی‌کاغذتجاوز نمیکرد.

در سالهای ۱۹۲۸ و۱۹۲۷ دو اقدام مهم وقابل توجه بعمل‌آمد که نفوذ شاه درداخل وخارج مملکت علت اصلی این اقدامات بوده است .

اولین اقدام اساسی این بود که بجای قوانین (شرع) ازروی قوانین کشور فرانسه قوانین مدنی وجنائی بوجودآمد و درتعقیب آن بنام اینکه خارجیان تابع احکام محاکم قضائی ایران نیستند سعی و کوشش فراوانی برای ازبین بردن حقوق ویژهٔ بیگانگان بعمل‌آمد .

اصول امتیازات اجنبی یا حقوق ویژهٔ بیگانگان (کاپیتولاسیون Capitulations) از نیمهٔ قرن نوزدهم میلادی در بیشتر کشورها وجود داشته است و در سال ۱۹۲۱ دولت اتحاد جماهیر شوروی ازآن حق خود در ایران صرفنظر کرد .

در سال ۱۹۲۸ کشور ایران الغای(امتیازات اجنبی) رارسماً‌اعلام داشت ابتدا دولت فرانسه وپس ازآن دولت‌بریتانیا (البته برخلاف تمایل خود) باالغای آن موافقت کردند .

در ماه سپتامبر۱۹۳۹ از روی قوانین کشور ایتالیا مجموعهٔ قوانین جزائی تدوین گردید .

قوانین دادگستری بوسیلهٔ دادگاههای بخش ، شهرستان و استان اجرا میگردد والبته تمامی این محاکم از دیوانعالی کشور که عالی ترین مراحل قضائی کشور است تبعیت میکنند .

نواقصی که امروزه در دادگستری ایران مشاهده میگردد کمتر باروش و اسلوب قضائی مربوط میباشد بلکه بیشتر ناشی از عدم تجربه و عدم صلاحیت قضات ایران است زیرا هنوز هم در آنها تمایلی هست که تحت نفوذ متمولین وصاحبان مقامات عالیه قرار گیرند و نیز مواردیگری هم از قبیل مقررات مربوط به خریداری مدت حبس در قوانین ایران موجود است که این عمل خود بخود قضات را تشویق میکند که از وظایف اصلی خود منحرف گردند.

در مقابل عکس العملی که برای استقرار (امتیازات اجنبی) صورت گرفت تمایل تازه‌ای پدیدآمد که برای بیگانگان حقوقی کمتر از آنچه استحقاق دارند مقرر گردد.

اما این تمایل را باید نتیجهٔ توقع بیش از حد خارجیان در گذشته دانست واگر اثر این موضوع همین باشد که بیگانگان برعایت و احترام قوانین کشور وادار گردند عمل بسیار بجائی بوده است.

فصل بیست و پنجم

پایه و اساس اقتصادی ایران

(دنیا به مواد خام و محصولات فلاحتی ما احتیاج دارد)

این جمله گفتار اعلیحضرت همایون پادشاه ایران است که در روز سی ام ماه مارس سال ۱۹۴۰ میلادی در موقع افتتاح نمایشگاه کشاورزی شیراز بحاضرین گفتند .

گرچه ظاهراً این جمله تا اندازه‌ای اغراق آمیز بنظر میرسد اما پادشاه با گفتن آن میخواست به حاضرین بفهماند که با کشف معادن زیر زمینی و کشت وزرع زمینهای حاصلخیز ایران میتوان کشوری آبادومعمور بوجود آورد و خوانندگان گرامی نباید این موضوع را از نظر دوردارند که این سرزمین‌در گذشته بیش ازهر کشور دیگری در این مورد بخصوص صدمه دیده است زیرا با اینکه یك سوم مساحت خاك پهناور ایران مستعد کشاورزی است مقدار بسیار کمی از این مساحت زراعت میشود و تا این اواخر شاید بیشتر ازیك پنجم زمین‌های‌قابل زراعت‌برای انواع محصولات کشاورزی زیر کشت نباشد .

این کار علل وموجبات مختلفی دارد که مهمترین آنها آفت عمومی کشاورزان خاور زمین یعنی بی آبی است .

توجه باین موضوع حیاتی در گذشته باعث موفقیت و سعادت ایران شده ولی غفلت کنونی سبب تیره روزی ایرانیان گشته است .

ما میدانیم که هخامنشیان وساسانیان در عهد سلطنت خودشان برای آبیاری و پیشرفت امور کشاورزی قدمهای مهمی برداشته بودند که آثار آن تا کنون هم باقیمانده است ودرحال حاضر نیز روئیدن علفهای سبز درچشمه‌سارها و دوروبر جویها و رودخانه‌ها حاصلخیزی و قابلیت خاك را بخوبی نشان میدهد .

طریقهٔ آبیاری زمینهای زراعتی در ایران از قرون وسطی تا کنون این بوده است که جوی‌های زیر زمینی که قنات نام دارد حفر کنند و از کوهپایه‌ها آب را به زمین های مسطح بیاورند و محصولات خودرا با این ترتیب آبیاری کنند .

البته این طریقه برای زارعینی عملی است که تمکن دارند و وضع مالی آنها خوبست.

در صحاری و دشتهای خوزستان زارعین عرب بامید سیلابهای بهاری زمین‌های خودرا کشت میکنند ولی آفتاب سوزان و نیامدن باران در فصل تابستان فقط برای قسمت مختصری از محصولات سفت وسخت قابل تحمل میباشد.

خرابی قنوات و آب انبار های ایران قسمتی در اثر وضع و وصول مالیاتها وعوارض بیمورد وغلط وقسمتی هم بواسطهٔ هجوم (مغولان) و(هانزها Huns) و قبایل دیگروحشی بوده است و در صورتیکه تهاجم دیگری دراین کشورروی ندهد دلیلی ندارد که ایران نتواند مجدداً شهرت حاصلخیزی

خود رابدست آورد .

وجود درخت وجنگلها درتمام نقاط عالم بستگی به‌آب دارد وبهمین لحاظ جز در کرانه‌های دریای خزر درجاهای دیگر ایران درخت بسیار کم است بقسمی که دراغلب نقاط این سرزمین یك درخت رابـرای نشانه گذاردن زمین بکارمیبرند .

تصـور میرود که همیشه اوضـاع چنین نبوده بلکه زیاده روی در بریدن درختها وقطع اشجـار وغفلت درکاشتن آن چنین روزبدی را بـرای ایرانیان پیش‌آورده است .

بهرحال یکی‌ازعلل بی‌آبی‌ونیامدن باران درایران همین کم درختی ونبودن جنگل میباشد واگر جنگل کاری آغاز گردد و اشجار زیاد شود تأثیر فراوانی خواهد داشت .

وسایل کشت و زرع ایـران خیلی ساده و مقدماتی است و بهمین جهت محصول کم ودرعین حال نامرغوب است زیرا بسیاری از کشاورزان این کشوربادست‌ویاباگاوآهن که بوسیلهٔ‌الاغ روی‌زمین کشیده میشودزمین راشخم میزنند ودر هردوصورت‌خراش مختصری برروی‌زمین واردمیسازند .
درزمین ودشتهای هموارهریك اززارعین زمین خود رانشان میگذارد وبیشتراین تکه زمین‌هـا ازچند صد مترمربع تجاوز نمیکند .

در کوهستانهاودرآن قسمتی که خاکش شسته شده وبصورت دره‌ای درآمده است زمین راشخم میزنند ولی قسمت دیگری از کوهستان راکه دست بـالا واقع شده و سنگی است بلا استفاده رهـا میکنند و در نتیجه محصول کم وبد میشود .

زمین مرغوب وحاصلخیز غالباً درتصرف ایلات وعشایر میباشد امـا

آنها که بنا باقتضای فصول چهارگانهٔ سال ازجائی بجای دیگر کوچ میکنند فرصت کافی ندارند و در یکجا اقامت نمیکنند که به کشاورزی صحیح دست بزنند.

مالکیت وترتیب اجاره داری در کشور ایران طوری نیست که به فراوانی محصول کمک کند.

مخارج آبیاری و نگاهداری زمینهای مزروعی بقدری سنگین است که برزگران نمیتوانندازخود زمین داشته باشند و کشت وزرع کنند.

مالکین باملاك خود کمتر توجه دارند وملك داران غالباً از طبقهٔ درباریان ویارؤسای ایلات وعشایر میباشند ویاآنکه زمین مال دولت است ودرهر صورت علاقه‌ای بآبادی املاك ندارند.

دهاتی مستأجربابد قسمت اعظم محصول خود را بابت سهم مالکانه بمالك بدهد ودربعضی دهات فقط یك پنجم بدهقان میرسد.

طریقه ورویهٔ مالك ومستأجرایلات وعشایر طور دیگر است و کمتر موجب تشویق مالکیت فردی میباشد بدین معنی که تمام سرزمین ایلات متعلق برئیس ایل یابهتر بگوئیم ملك (خان) است وفقط اوهرسال مقداری از آن زمین ها را برای زراعت بین خانواده‌های مختلف تقسیم میکند و هیچگونه دلیل و مجوزی موجود نیست که خانواده‌ای حتی مدت دوسال متوالی یك زمین را برای زراعت دراختیار داشته باشد.

این وضع تاکنون درمیان ایلات و عشایر معمول و متداول است ولی خوشبختانه بزودی منسوخ شده وبرای ابد ازبین میرود.

دولت جدید ایران این موضوع ونظایرآنرا جداً تحت مطالعه قرار داده وبرای اصلاح اینگونه امور مشغول فعالیت است.

در ابتدا سعی میشد شهرها را آباد ومعمور ساخته و کشاورزی را از میان بردارند(باید دانست که این عمل درغالب کشور های فوق‌العاده صنعتی هم مقدور نیست) وباین سبب اصلاحات مهمی درامور فلاحتی صورت نگرفت ولی کم کم متوجه اصلاح کشاورزی شدند ودر این راه کوشش فراوانی بعمل میآورند .

توجه مخصوص دولت بامور کشت وزرع از آنجا مشهود است که ایلات وعشایر را وادار ساخته‌اند درنقاط معینی اقامت کنند گرچه دهاتی که به آنان واگذار شده چندان هم حاصلخیز نیست اما بهرصورت از آنچه قبلا داشته‌اند بمراتب بهتر است .

بـا رویه‌ای که دولت در پیش گرفته است سوء استفاده از اراضی و بدون استفاده گذاردن آن تعدیل شـده و قسمت عمده‌ای از املاك دولتی یعنی املاك خـالصه را تقسیم کـرده‌اند وبطورکلی میتوان گفت بـا اقدامات مؤثری که بعمل آمده زمین‌های حاصلخیز کشور ازوضع تباه سابق رهائی یافته است .

درسال ۱۹۳۱ املاك متعلق باتبـاع خارجی بـا وسایل مقتضی از دستشان درآمد واکنون هیچیك ازافراد بیگانه نمیتواند زمین ویـا اموال غیر منقول دیگری درایران داشته باشد مگرآنکه محلی برای سکونت ویا اشتغال بکار خویش مالك شود .

مقررات عاقلانه وعادلانه‌ای برای ثبت اراضی واملاك وضع گردیده است .

عقیدهٔ عمومی برآنست که مالکیت انفرادی وشخصی سبب آبادی اراضی وفراوانی محصول میباشد (این عقیده دربعضی ازنقاط باعمل ایرانیان

منافات دارد) وبهمین جهت قسمت عمده‌ای ازاملاك خالصه را فروخته‌اندو اخیراً بموجب قانونی که گذرانده‌اند دولت‌مجاز است اراضی‌وقنوات موقوفه را بفروشد ویا خود بقیمت عادله قبول کند ودرآمد حاصله‌را برای مصارف مدارس وبیمارستانها ونگاهداری اماکن باستانی وتاریخی اختصاص‌دهد.

محصول گندم‌ایران‌سالیانه دومیلیون‌تن‌است که از کشت وزرع بیش ازدومیلیون وپانصد هزارجریب[1] اراضی مزروعی‌آذربایجان، خراسان، اصفهان، خوزستان و کرمانشاه بدست می‌آید.

ازیك‌میلیون وپانصد هزار جریب درحدود هفتصد وپنجاه هزار تن جوعاید میگردد که قسمت عمدهٔ آنرا به حیوانات اهلی میدهند.

محصول برنج بطورکلی در دامنهٔ البرز ونواحی گیلان ومازندران بعمل می‌آید ودر چهارصد هزار جریب اراضی ایران برنج کشت میشود که پانصد هزارتن محصول میدهد.

محصولات دیگرایران‌عبارتست ازذرت، ارزن، نخود، لوبیا وعدس.

دراطراف اصفهان وسایر نقاط ایران مقدار زیادی میوه مانند: هندوانه، خربزه، پرتقال، انار ودرجنوب غربی خرما بدست می‌آید.

تریاك محصول عمدهٔ ایران است ولی ازسال ۱۹۳۱ ببعد کشت وصدورآن طبق دستور جامعهٔ ملل تحت نظارت دقیق درآمده است.[2]

آمارصحیحی که محصول تریاك‌ایران رانشان‌دهد دردست نیست‌ولی چنین‌استنباط میشود که محصول‌سالیانهٔ تریاك‌این کشورپنجهزارتن‌باشد که دوهزارتن آن‌هرساله به کشورهای‌مالایا،چین، آلمان‌وژاپون‌صادر میگردد.

---

۱ ــ هرجریب فرنگی برابر است با۴۳۵۶۰ پای مربع. (مترجم)

۲ــ بموجب‌قوانین مصوبه کشت‌واستعمال‌تریاك‌در کشورایران ممنوع گردیده ومجازات‌اعدام‌برای‌قاچاقچیان‌و کشت‌کاران خشخاش‌معین‌گشته‌است.(مترجم)

میوه‌های خشك ومغزهای گوناگون ازقبیل (مغزپسته ، بادام ، گردو وفندق) صمغ‌ها ، رنگها ، الوار ، ماهی خاویار دریای خزر وخلیج فارس جزءِ سایر محصولات ایران است .

دومحصول تازهٔ دیگر دراین سرزمین رواج یافته اند که عبارتنداز توتون وچای .

توتون و تنباکو در انحصار دولت است ومحصول آن روز بروز افزایش مییابد .

برای ترقی وپیشرفت امور کشت وزرع توتون وتنباکو دولت ایران عده ای کارشناس یونانی استخدام کرد .

ایران امیدوار است که محصول چای آن باندازه‌ای زیاد شود که مصرف داخلی کشور تأمین گردد ودیگربه وارد کردن چای از کشورهای هندوستان وهند هلند شرقی وژاپون وسیلان نیازی نباشد . هم اکنون ششصد هزار کیلوگرام چای محصول ایران است که در لاهیجان کشت وزرع میشود .

در ابتدای امر برای ساختن چای کارشناسان چینی در لاهیجان مشغول‌کار شدند ولی‌درسال ۱۹۳۶ یکنفر تاجرآلمانی درآنجاکارخانهٔ‌چای خشك کنی دایر کرد . کشت پنبه هم روز بروز افزایش مییابد زیرا این محصول‌هم درداخلهٔ کشور مصرف‌داردوهم بکشورهای خارجی صادرمیگردد ودرحال حاضر نظرآنست که ازورود پنبه جلوگیری شود .

سعی و کوشش فراوانی برای کشت چغندر قند وتجدید ابریشم‌کاری درایران بکار میرود .

شراب‌های ایران همیشه معروف بوده‌واخیراً بانواع مختلف شراب

میسازند وبیشتر ازنوع شرابهای اروپائی مانند (ورموت) و(کلارت) وغیره تقلید میکنند .

گیاههای مخصوصی برای تهیهٔ آبجوی گوارا درایران وجوددارد.چون درایران گوشت مصرف زیادی ندارد ازاینرو به گله‌داری وپرورش اغنام و احشام اهمیت چندانی نمیدهند درصورتیکه پشم یکی ازصادرات عمدهٔ این این کشور در گذشته بوده‌است .

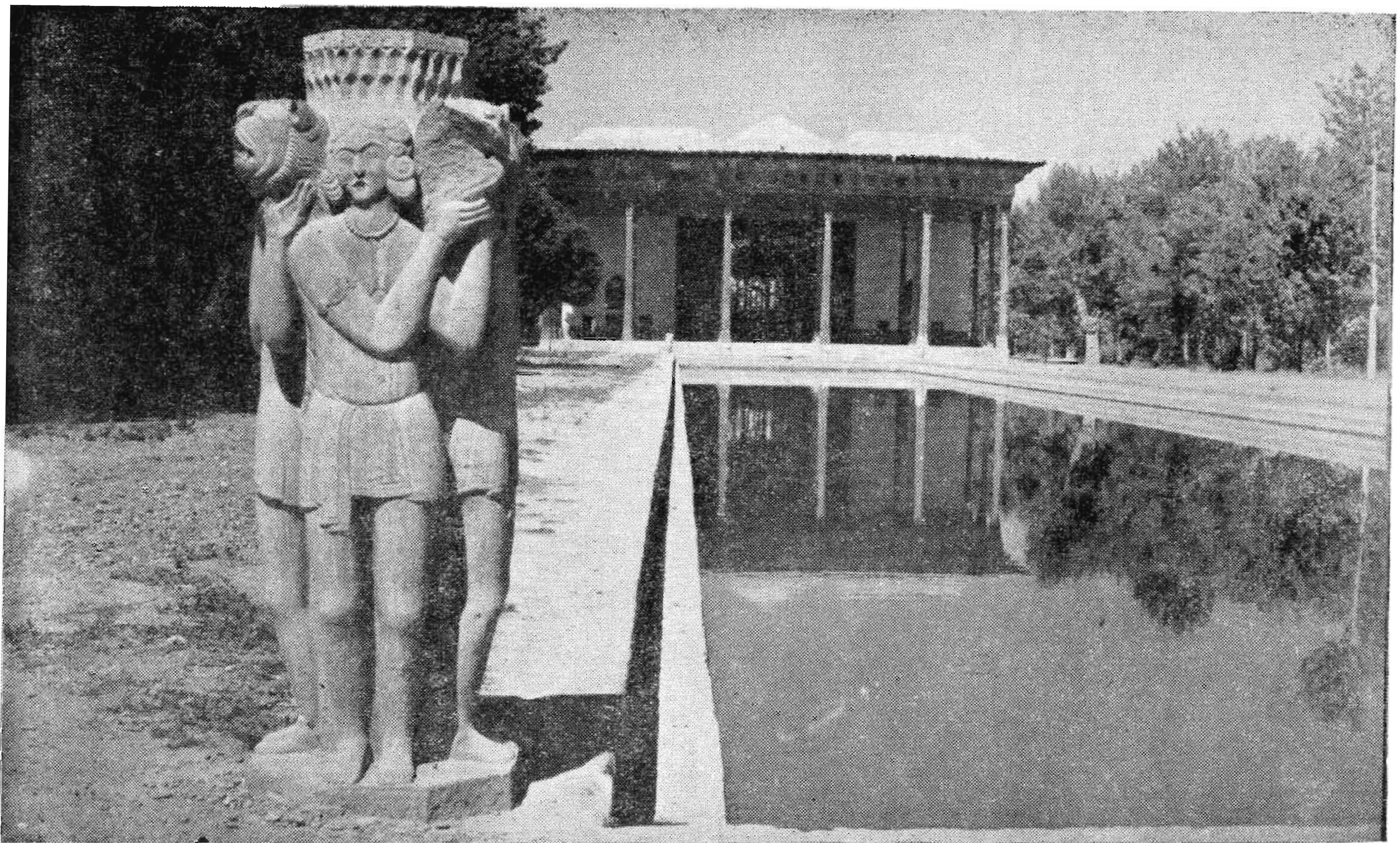
هرچند هنوز دراثر بدی توزیع خوار بار گرفتاریهائی وجود دارد ولی اخیراً نظارت دقیقی دراین باره بعمل میآید .

نقشه های وسیع وپردامنه‌ای برای آبیاری در دست عمل است که از آنجمله خشکانیدن باطلاق (خار گرد) نزدیك اصفهان میباشدودیگر ساختن سدی درنزدیکی اهواز است که یك میلیون‌ودویست وپنجاه هزار لیره‌هزینه دارد ودر صورتی که این سدعظیم ساخته شود چهار صدمیل مربع ازاراضی بایررا آب میدهدوباید بیست (ده) آباد ومعمور برای کشت وزرع زمین‌های مزروعی درآن نقاط احداث گردد .

برای انبار کردن ونگاهداری گندم درسال ۱۹۳۶ تصمیم گرفته‌شد که هفت سیلو درشهر های بزرگ : تهران ، تبریز ، اصفهان ، مشهد ، کرمانشاه ، اهوز وشیراز ساخته شود .

اولین سیلوئی که درتهران بنا گردید در ماه ژوئیه سال ۱۹۳۹ پایان یافت وهفتصد هزار لیره برای بنا وخرید ماشین آلات آن بمصرف رسید .

سال گذشته (۱۹۴۰ میلادی) بموجب مقررات خاصی نرخ غله درسراسر کشور تثبیت شد وبا اجرای این مقررات اطمینان حاصل گردید



اصفهان - قصر چهل ستون از آثار صفویه

که‌محصول غله‌در هریك از نواحی مملکت که بدست آمده درهمانجا فروخته میشود ومحصول غلهٔ جمع‌آوری شدهٔ هراستانی برای آذوقهٔ مردم آن استان درنزدیکترین سیلو نگاهداری میگردد .

نرخ غلات را ازنظر خوبی یابدی جنس تعیین نمیکنند وهمچنین هزینهٔ مصرف شده ازطرف زارع راهم مورد توجه قرار نمیدهند بلکه در تعیین نرخ‌غله سطح زندگانی اهالی ناحیه‌ای را که غله‌درآن ناحیه کشت شده است رعایت میکنند.[1]

درسال ۱۹۳۰ بانك کشاورزی تحت‌نظارت‌کامل دولت تأسیس گردید تاباسود ارزان ومدت طولانی به کشاورزان وام بدهد .

---

۱ ـ بعد ازوقایع شهریورماه ۱۳۲۰ اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی پادشاه دموکرات ایران که ازاوضاع کشورهای جهان اطلاع کاملی دارند دستورات مؤکدی صادر کردند وبدولت تأکید فرمودند که در نقاط مختلف به‌احداث سدها برای آبیاری زمین هـای مستعد کشور اقدام کند وتـا کنون درچند نقطهٔ از مملکت سدهای بسیارمهم و معظمی احداث شده است که از آنجمله سد کـرج و کوهرنك وسفید رود و گلپایگان را میتوان نام برد . (مترجم)

فصل بیست وششم

کشاورزی وراهسازی

درچند سال اخیر چندین آموزشگاه کشاورزی ومزارع نمونه در نقاط مختلف کشور دایر شده است که مهمترین آنها مزارع نمونهٔ لاهیجان وشادگان خوزستان وهمچنین آموزشگاه جنگلبانی «خارکون مازندران» میباشد .

مأمورین مخصوصی باا کیپ های مجهز برای مبارزه باملخ درنواحی مختلف کشور مشغول انجام وظیفه‌اند ودربارهٔ مبارزه باآفات نباتی با نمایندگان شوروی مذاکره میکنند و با راهنمائی آنان وظایف خود را انجام‌میدهند .

تمامی این‌فعالیت‌ها زیرنظروتحت کنترل دقیق ادارهٔ کل کشاورزی انجام میبابد که درسال جاری یك میلیون وپانصد هزارلیره بودجهٔ آنست .

برنامهٔ وسیع کشاورزی پنج ساله ای ازسال ۱۹۴۰ درایران بمرحلهٔ اجرا گذارده شد که طبق آن باید محصولات حبوبات به پانصد هزار تن افزایش یابد وازپنجاه تادویست درصد به محصول : چای ، شکر ، چغندر ، کنف‌و کتان‌اضافه گردد وهمچنین‌ترویج کشت گیاههای مفیدوازدیادوسائل

سهل و آسان آبیاری و آوردن گوسفند مرینوس (Merino) و پیوندزدن آن با نژاد گوسفندان بومی و توسعهٔ درختکاری جزء این برنامه است.

از نظر واقف شدن مردم به ارزش و اهمیت این کار و تشویق آنـان بعمران و آبادی کشور چند سال است که در روز پانزدهم ماه مارس[1] جشن درختکاری برپا میشود.

پیش از آنکه صنعت و کشاورزی کشور ترقی و توسعه یابد لازم است که باربری و حمل و نقل مناسبی در سرتاسر مملکت بوجود آید.

متأسفانه تـا سال ۱۹۲۱ کشور ایـران در این قسمت خیلی عقب افتاده بود.

در فصول قبلی باطلاع خوانندگان گرامی رساندیم کـه چگونـه و با چه ترتیب مفسده‌جوئی و دخالت‌های ناروای دول بزرگ مانع احداث جاده‌ها و ساختمان راه آهن در ایران گردید و چون جاده های شوسه در این سرزمین وجود نداشت حمل و نقل مسافرین و کالاهای بازرگانان بوسیلهٔ حیوانات کند رو یعنی کاروان شتر و قاطر صورت میگرفت که در روی جاده‌های ناهموار حداکثر روزی ده تا پانزده میل راه می‌پیمودند.

راههای ارابه رو خیلی کم و معدود بود حتی راهی که از آن ماشین ـ های سنگین هم عبور کنند بندرت یافت میشد و همان راههای معدود و غیر شوسه هم در فصل زمستان دراثر برف و در فصل بهار در اثر باران و سیلاب بسته میشد و بعلت وجود همین موانع و مشکلات بود که مسـافرت ۷۴۰ میل از تهران تا بوشهر دو تا سه ماه طول میکشید که همین راه امروز در

---

۱ ـ روز پانزدهم ماه مارس مساوی است بـا روز پانزدهم اسفند ماه. (مترجم)

عرض سه تاچهار روزطی میشود البته هزینهٔ مسافرتهای قبلی که دو تا سه ماه طول داشت بمراتب زیادتر از مخارج مسافرت فعلی است . در سال ۱۹۲۰ راههای شوسهٔ ایران عبارت بود از راه همدان به انزلی [۱] که ازشهرقزوین میگذشت وروسها آنرا ساخته بودند ودیگری راهی بود که ازهمدان به کرمانشاه و کشورعراق میرفت که بدست ارتش بریتانیا ساخته شده بود.

قزوین وتبریزراراه غیرشوسه‌ای بهم متصل میکرد وهمچنین راههای غیر شوسهٔ دیگری هم وجود داشت که تهران پایتخت کشور ایران را بشهرهای اصفهان، شیراز، بوشهر، مشهد ، کرمان ، قزوین و سلطان آباد یعنی اراك فعلی متصل مینمود.

رویهمرفته درسراسر مملکت درحدود دوهزار میل راه قابل استفاده وجود داشت ولی باید دانست که این راهها هم بیشتر بمنظور استفاده های اقتصادی احداث شده بود وساختن آنهااز این نظر نبود که خطوط ارتباطی کشور را بوجود آورده باشند .

چنانکه بعضی ازآن جاده‌ها را درجنگ ۱۸ ـ ۱۹۱٤ ساختند .

میخواستند جادهٔ دیگری هم از اصفهان به اهواز بسازند اما اینکار عملی نشد و چند سال قبل یك هیئت روسی برای بازدید آن راه رفت .

رژیم جدید با فعالیت زیادی ساختن و اصلاح راهها و جاده‌ها را شروع کرد و بدیهی است هدف اصلی درانجام منظور مذکور منافع بین ـ المللی نبود بلکه یك نظر خاص ملی داشتند ومیخواستند که از رابط بودن شوروی بین ایران واروپا آسوده و راحت گردند .

اکنون چندین جادهٔ شوسه از تهران به نقاط مختلف کرانهٔ دریای

---

۱ ـ بندر پهلوی فعلی درسابق انزلی خوانده میشد . (مترجم)

خزر احداث شده است که از آنجمله راهی است که از کوههای شمالی میگذرد و به چالوس میرود .

مناظر مسیر این جاده بسی زیبا و دیدنی است و ۹۳۸٤ پا ازسطح دریا ارتفاع دارد .

در این جاده تونلهای متعددی ساخته اند تا درفصل زمستان راه بواسطهٔ باریدن برف ونزول بهمن مسدود نگردد.

راههای تهران به اصفهان و بوشهر درتمام فصول سال قابل استفاده است وهمچنین در راههای از اصفهان به یزد و کرمان وبندرعباس که یکی ازبنادرخلیج فارس میباشددرتمام مدت سال ایاب وذهاب میشود . جاده های شوسهٔ خوب دیگری هم اراك را به اهوازومشهد را به زاهدان متصل میسازد.

یك رشته راه آهن هندوستان از کوئتا (Quetta) بخاك ایران میآید. جادهٔ شوسهٔ دیگری هم بین شیراز و کرمان احداث شده است .

شهر تبریز بموصل که یکی از شهرهای کشور عراق است متصل میگردد وهمچنین به طرابوزان در کشور ترکیه میپیوندد.

ازاینها گذشته راههای فرعی دیگری هم در کشورایران وجوددارند که باراههای شوسهٔ سرتاسری مذکور مسافت آنها جمعاً بپانزده هزارمیل میرسد.

تعداد زیادی ازاین راهها ازمیان کوهستان میگذرند که بیش از پنجهزار پل برای عبور آنها ساخته شده است وهمچنین تعدادی از همین جاده ها از وسط صحاری میگذرند که بعضی ازآنها خیلی باریك هستند بطوریکه درفصل زمستان و بهار قابل عبور نمیباشند اما در فصل تابستان صاف ومحکمند .

هم اکنون درایران راهسازی باجدیت هرچه تمامتر ادامه دارد .

درماه نوامبرسال ۱۹۳۹ پایان ساختمان راهی را اعلام داشتند که ازشاهرودآغاز میگردد واز کوهستان البرز گذشته و گرگان را که یکی ازشهرهای استان دریای خزراست به خراسان وصل میکند طول این راه ۱۲۵ میل وعرض آن ۲۶ پاست. نظرآنستکه هرسالی هزارمیل راه بسازند. راه سازی باوزارت راه است مسئولیت احداث بنادر وراه آهن هم باهمین وزارتخانه میباشد.

راههای عمومی کشور تماماً باتعیین مسافت بکیلومتر علامت گذاری شده است بطوریکه مسافت مبدأ ومقصد رامیتوان بآسانی دریافت. معمولا دراین راهها کامیونهائی کارمیکنند که متعلق باشخاص وشرکتهای کوچك هستند. بارآنها انواع واقسام اجناس وکالاهای تجارتی است واغلب اوقات بیش ازمقدارظرفیت بارحمل میکنند.

درحدودبیست وپنج هزارکامیون واتوموبیل ازانواع مختلف درایران یافت میشود.

سالی دوازده میلیون نفر از اهالی ایران بنقاط مختلف کشور مسافرت میکنند.

این مسافرین غالباً باکامیون واتوبوس وآنهائیکه قدری متمول هستند باماشینهای سواری بمسافرت میروند.

آماری که اکنون بنظرخوانندگان گرامی میرسد وضع کرایه ماشین رابخوبی روشن میسازد.

درسال ۱۹۳۹ کرایهٔ یك ماشین سواری دربست ازقرار هرمیلی دو ریال ونیم (هفت پنس ونیم) بود وهرمسافری میتوانست برای مسافرت با ماشین سواری کرایه‌ای بقرار هرمیل یکریال تانیم ریال (سه پنس تا یك پنس ونیم) بپردازد.

کرایهٔ مسافرت با کامیون هرمیل یک سوم ریال (یك پنس) واتوبوس هرمیل یك ششم ریال (نیم پنس) بوده است .

مسافرت درایران باوسایل درجهٔ اول آسان وباباقیهٔ وسایل ناراحت است اما درحال حاضر بیشتر جاده‌های شوسه خوب شده ودر میان راهها قهوه خانه‌هائی وجود دارند که برای رفاه وآسایش مسافرین کمك بزرگی بشمارمیآیند .

تمام وسایل نقلیهٔ موتوری کرایه‌ای قبل ازحرکت درشهربانی مورد معاینه واقع میگردند و بآنها اجازهٔ عبور که بمنزلهٔ گواهینامه است داده میشود .

کیفرهای بسیار سختی برای مسببین تصادف بین راه تعیین شده است ودرصورتیکه دراثر تصادف کسی هم بقتل برسد مرتکب بهاشد مجازات محکوم میگردد .

اغلب رانندگان کامیونها و اتوبوسها و سایر ماشینهای مسافربری ایران درکار خود مهارت دارند بطوریکه میتوانند ماشینهای پر بار وپر مسافرخودشان را ازراههای تنگ وپرتگاههای کوهستانی وصحراهای آب افتاده عبور دهند .

رانندگان ایرانی باید علاوه برراندن ماشینهای خود درامورتعمیر موتور هم تخصص داشته باشند و همه نوع لوازم یدکی همراه ببرند زیرا گاراژهای بین راه برای تعمیرماشینها مجهز نیستند .

مهمانخانه‌های ایران دراغلب نقاط کشوربحال ابتدائی باقیمانده‌اند وبهترین آنها درتهران واصفهان وسایرشهرهای بزرگ نظیرآنها میباشند.

مهمانخانه‌های ایران عبارتست ازحیاطی که دورتا دور آنرا چند

اطاق (غالباً بی‌پنجره) ساخته‌اند وفاقد عادی ترین وسایل بهداشتی میباشد واین مهمانخانه‌ها عموماً نظیر خانه‌های مردم ایران هستند .

مهمان نوازی ازخصائل خاص وقابل ستایش ایرانیان است بطوریکه حتی در کوچکترین و پست‌ترین دهات ایران میتوان بآسانی جا و نان بدست آورد .

در واقع شرایط و مقررات خاصی برای سیاحان و جهانگردان وجود ندارد .

مؤسسهٔ ایران تور که بمنظور کمك وتهیهٔ وسایل آسایش سیاحان تأسیس شده است چند مهمانخانه و گاراژ دارد اماهیچگاه مجبور نیست که بدلخواه مسافرین عمل کند .

آن دسته های سیار راهنمایان ـ گدایان ـ فروشندگان یادگاریها که درسایر کشورهای شرقی هستند وبمحض دیدن سیاحان خارجی یکباره بآنان هجوم میکنند در کشور ایران وجود ندارند ولی بطورکلی ایرانیان تا کنون درفن جلب سیاحان و مسافرین خارجی تخصصی پیدا نکرده‌اند .



فصل بیست و هفتم

راه آهن ایران

تا دوسه سال پیش حرکت باراه آهن درنقشهٔ مسافرین ایران‌وجود نداشت ولی درحال حاضر راه‌آهن جای بسیاری ازراههای شوسه را که در ابتدای استقرار رژیم کنونی ساخته شده‌اند گرفته است .

در حقیقت قبل‌از سال ۱۹۱٤ نقشهٔ ساختمان راه‌آهن که مدت‌زیادی در اثردسیسه بازی‌های بین‌المللی بتعویق افتاده بود مورد توجه قرار گرفت اما حدوث جنگ‌اول‌جهانی اجرای‌آنرا بتأخیر انداخت بطوریکه درسال ۱۹۲۱ تنها راه‌آهن‌های ایران عبارت بود از یك رشته راه آهن بمسافت هفتادوپنج میل که از جلفا سرحدروسیهٔ شوروی تا تبریز میآمد و دیگری خط فرعی همان راه که از شرفخانه تا دریاچهٔ ارومیه [1] میرفت و بیست وپنج میل طول آن بود و نیزخط پنجاه ودومیلی دنبالهٔ راه‌آهن جنوب غربی هندوستان که از نوك کوندی (Nok Kundi) شروع شده وبه زاهدان میرسید (ازسال ۱۹۳۱ تاکنون ترن روی این خط حرکت نکرده است) و سه راه‌آهن کوچك محلی که اولی بطول پنج میل ونیم از تهران به شاه

---

۱ ـ منظور نویسندهٔ کتاب دریاچهٔ رضائیه بوده است . (مترجم)

عبدالعظیم ودومی بطول هفت میل ازرشت به پیر بازار وسومی راه آهن کم عرض شرکت نفت ایران وانگلیس که ازدر خزینه شروع شده وبه مسجد سلیمان میرفت وطول آن چهل وسه میل‌بود .

برای احداث راه‌آهن دونقشهٔ اساسی کشیده شد که اولی عبارت‌بود ازساختمان‌یك‌راه‌آهن‌سرتاسری وباشرکت کشور های روسیه و هندوستان طرح شده بود ودرصورتیکه این نقشه‌اجرا میشد یك رشته راه‌آهن ازباکو بتهران واز تهران به کراچی میرفت و نیزرشتهٔ دیگری ازتفلیس به تبریز و از تبریز بتهران ومشهد کشیده میشد البته این‌نقشه را دولت‌روسیه‌طرح کرده بود و اصرار داشت که بمرحلهٔ اجرا درآید و دومی نقشه‌ای بود که بموجب آن راه آهن ماوراءِ اروپا به عراق وایران متصل میگشت بدین معنی که این راه‌آهن ازاروپا به بغدادو از بغداد به تهران میآمد.

البته در ابتدای امراین نقشه را آلمانیها طرح کردند و بعد ازآن مورد علاقهٔ بریتانیا هم واقع گردید .

وقتیکه شاه تصمیم گرفت نقشهٔ ساختمان راه آهن سرتاسری راخود بدون کمك کشورهای دیگر طرح نموده بمرحلهٔ اجرا در آورد دولتهای بزرگ اروپا بکلی مأیوس گشتند ودرحقیقت تا پانزده سال‌بعد که‌ساختمان راه‌آهن سرتاسری ایران تکمیل گردید سیل انتقاد ازخارج بطرف ایران سرازیر بود .

در واقع راه‌آهن فعلی ایران روی همان نقشه ایست که بیست سال قبل ازآن مهندسین انگلیسی پیشنهاد کرده بودند وعملا هم در ساختمان قسمتی ازآن نظارت داشتند .

فرق‌کلی آنستکه راه آهن ایران از جنوب شروع میگردد ولی نه



اهواز : پل کارون

از خرمشهر و همان بهتر که از خرمشهر شروع نشد زیرا این بندر چهل میل با خلیج فاصله دارد ودر مقابل بندرجدید شاهپور که بتازگی احداث شده است در کنار خلیج جائی واقع گردیده است که بزرگترین کشتی‌ها هم میتوانند درآنجا پهلوبگیرند .

راه‌آهن سرتاسری ایران ازبندرشاهپور شروع میگردد وبه راه‌آهن ترکیه شباهت زیادی دارد بدین معنی که نه بباریکی راه‌آهن عراق ونه‌به پهنی راه‌آهن‌های شوروی وهندوستان است .

این راه آهن از دشت خوزستان و کنار رودکارون ازارتفاع پانـزده پائی میگذرد (این ارتفاع بـرای‌آنستکه خطوط‌آهن از سیلاب و طغیان رودخانه محفوظ باشد) وبه اهواز میرسد دراینجا بوسیلهٔ یك پل‌فولادی که سه هزار وچهار صد پـا طول دارد از روی رودکارون عبور میکند واز وسط تپه‌های کوتاهی به اندیمشك که قبلا صالح آباد نامیده‌میشد متصل‌میگردد و دربین راه درایستگاه کوچك‌شوش که بقایای‌تأثر آورجلال وعظمت‌ایران درگذشته است توقف میکند وازاین نقطه که درحدود پانصد پا ازسطح‌دریا ارتفاع دارد باسرعت بالامیرود وپس از آنـکه کمتراز یکصد میل در میان مناظر زیبا ودیدنی پیچ میخورد درمرتفعترین نقطه که هفتهزار ودویست‌پـا ارتفاع آنست میایستد . تنها در همین ناحیه بیش از۱۲۷ تونل‌وجود دارد که طول یکی ازآنها یك میل‌ونیم است .

راه آهن ازشهرهای خرم‌آباد وبروجرد و همدان که خارج ازحدود خط سیر واقع شده‌اند نمیگذرد بلکه مستقیماً به اراك که قبلا سلطان‌آباد نام داشت میرود وپس ازطی دشتهای مرتفع هموار کم کم بطرف قم‌سرازیر میشود وازآنجا به تهران میرسد .

شهر تهران ٤١٦٧ پا ازسطح دریا ارتفاع دارد ومسافت آن با راه آهن تابندر شاهپور ٦٠٧ میل است.

ناحیهٔ راه آهن شمال ابتدا مسیر جنوب خاوری راطی میکند وپس از آن پیچ میخورد و بطرف شمال شرقی منحرف میگردد و از کنار شمالی صحرای نمك میگذرد واز کوهها بالامیرود وبقلهٔ فیروز کوه میرسد که هفت هزار پا ارتفاع آنست وبا تهران ۱۲۲ میل فاصله دارد آنگاه از میان مناظر زیبائی که در تمام جهان نظیر ندارد رو بسرازیری میرود بطوریکه دربعضی از جاها ممکن است سه سطح راه آهن رامشاهده کرد که رویهم واقع شده اند.

باید دانست که این راه آهن را برای آن پیچ درپیچ درست کرده اند که سراشیبی تند ۲۸،۱۰۰۰ درجه چندان اثری نداشته باشد بعلاوه در انتهای هریك از پیچها تونل مدوری از میان سنگهای بسیارسخت (صخره) کنده اند که شعاع آن کمتر از ۷۲۰ پانیست.

توضیحاتی که داده شد بخوبی میرساند که درساختن راه آهن شمالی ایران فکر ونقشهٔ جدید بکاررفته است.

در این ناحیه هشتاد وهشت تونل بزرگ و کوچك (یکی از تونل ها ۹٤٥٠ پا)ویکصد وهشت پل ساخته اند. در مسافتی که کلاغ میتواند بیست میل بپردترن ٤٥٠٠ پا سرازیری تندرا میپیماید.

از این راه سراشیبی که چهل میل طول دارد ترن درهرساعت بیست میل راه راطی میکند.

قطار پس از عبور ازپل سفید که با تهران ۱۷٦ میل مسافت دارد متدرجاً وارد همواری های درهٔ تالار میگردد وبطرف دشتهای مسطح سواحل دریای خزر میرود.

ازشاهی تا بندرشاه جلگهٔ مسطح‌است وترن ۲۸۵ میل‌راه بین‌تهران و بندرشاه را درمدت سیزده ساعت می‌پیماید و بمقصد میرسد .

در بین راه و درفاصلهٔ ده میلی برای توقف‌ترن ایستگاه ساخته‌اندو بهترین‌ایستگاههای راه‌آهن ایران درتهران ساخته شده که گنجایش‌زیادی برای توقف وعبور ومرور قطارها دارد.

اولین قدم عملی برای‌ساختمان راه‌آهن درماه مه سال ۱۹۲۵میلادی برداشته شد ومقرر گردید که هزینهٔ ساختمان آن از مالیات قند و شکرو چای تأمین گردد و با این ترتیب کمکی از خارجیان نخواستند و از قرض کردن بی‌نیاز شدند (البته این رویهٔ دولت ایران منابع مالی بین‌المللی را ناراضی ساخت) .

در ماه مارس سال ۱۹۲۶ مجلس شورای ملی‌مالیات قندوشکروچای را تصویب کرد وروز هفدهم‌ماه اکتبرسال ۱۹۲۷ عملیات ساختمان‌راه‌آهن سرتاسری ایران از دوطرف آغاز گردید .

عملیات ساختمانی راه آهن رامهندسین امریکائی و یکنفرکارشناس آلمانی که دولت آنانرا استخدام کرده بودشروع نمودند ولی درماه‌آوریل سال ۱۹۲۸ آنرابه سندیکائی واگذار کردند که از شرکت امریکائی اولن وشرکاء (Ulen And Co)وشرکتهای آلمانی فیلیپ‌هولتزمان ـ (Philip Holtzmann) و جولیوس برگر (Julius · Berger) و زیمنس بوو (Siemens Bou) تشکیل‌میافت.

آلمانی‌ها در ماه نوامبر سال ۱۹۲۹ در شمال ساختمان هشتاد میل راه‌آهن بین‌ساری و بندرشاه را باتمام رساندند وهمان‌موقع امریکائی‌هاهم در جنوب۱۵۶ میل راه‌بین بندر شاهپور ودزفول را ساختند.

گرچه بعدازآن‌کار ساختمان راه‌آهن قدری متوقف ماند امادرسال ۱۹۳۱دولت ایران باجدیت‌تمامی مجدداً دنبالهٔ عملیات قبلی راتعقیب کرد و خود مشغول ساختن راه‌آهن شد. درسال ۱۹۳۳ قراردادی بایك‌سندیکای اسکاندیناوی (Scandinavian) بنام کنسرسیوم کامپساکس ـ (Consortium· Kampsax) منعقدگردید وساختمان راه‌آهن ایران بآن کنسرسیوم‌واگذارشد (این‌سندیکا سابقهٔ پل‌سازی‌وراه‌سازی‌درایران‌داشت).

کامپساکس هم ساختمان راه را بقطعات مختلفی تقسیم کرد و آن قطعات را بشرکتهای اروپائی واگذار نمود که یکی از سخت ترین و مشکل ترین قطعات را هم شرکت انگلیسی ریچارد کاستین (Richard - Costain)برداشت. درضمن شرکتهای ایتالیائی آنجیولینی بالوکا (Angiolini–Balocca) و موتورا زاکچو (Mottura-Zaccheo) وشرکتهای بلژیکی وسوئدی وچك‌اسلواکی وچند شرکت دیگر هم قطعاتی برداشتند.

مصالح ساختمان راه‌آهن ایران از کشور های مختلف خریداری و بآن کشورآورده شد که این موضوع هم بجای خود جالب توجه است که اکنون بشرح‌آن میپردازیم.

فولادهای مخصوص ریل و مقداری سیمان از روسیهٔ شوروی آورده شد.

ریل‌های تمام خطوط را از استرالیا وارد کردند.

لکوموتیوهای نفت سوزاز کشورسوئد خریداری شد.

سایرماشین‌آلات ولوازم مورداحتیاج‌را از کشورهای بلژیك وآلمان وایالات متحدهٔ امریکا خریداری کردند.

مقدارزیادی سیمان هم از کشورهای ژاپن ویوگسلاوی آمدوبااین ترتیب مصالحی که مورد نیاز بود هریك را از گوشه‌ای ازجهان به‌ایران آوردند.

ایستگاه راه‌آهن تهران را یك شرکت سوئیسی بنام سافیتك (Sofitec) ساخته است.

کار باسرعت هرچه تمامتر پیش میرفت روز نوزدهم ماه فوریه سال ۱۹۳۷ اولین قطار راه‌آهن ازبندرشاه به‌تهران رسید ودرماه نوامبر همان سال قم‌به تهران پایتخت ایران وصل شد وروز بیست وسوم ماه ژوئن سال ۱۹۳۸ ترن به‌اراك رسید وبالاخره روز بیست وچهارم ماه‌اوت سال ۱۹۳۸ اعلیحضرت رضا شاه آخرین ریلی را که شمال وجنوب کشوررا باهم متصل میکرد بادست خود در کوههای بین اراك وخرم‌آبادکار گذارد.

اولین قطار سرتاسری تهران- اهواز روز بیست وسوم ماه دسامبر از ایستگاه مرکزی بطرف مقصد روان شدوبا این ترتیب پس ازیازده سال کار وزحمت وپرداخت سی‌میلیون لیره مخارج ساختمانی ولوازمات دیگر نقشهٔ عظیم ساختمان راه‌آهن‌سرتاسری‌ایران‌انجام پذیرفت وشایداین‌اولین باراست که ازقرون وسطی‌تا کنون یك کشور شرقی‌توانست بدون‌استقراض از منابع مالی غرب چنین نقشهٔ بزرگ و پر خرجی راعملی سازد.

دراروپا ازراه‌آهن ایران بعناوین گوناگون انتقاد کردند اما کمتر کسی است که اینگونه تنقیدات را بی‌نظر تلقی کند ولذا در اینمورد هم نظر منقدین غرض‌آلود بوده است.

باید دانست که راه‌آهن کنونی ایران برای رشتهٔ ارتباط بین‌المللی فایده‌ای ندارد اما نمیتوان ایرانیان را ملامت کرد که چرا باداشتن چنین راه‌آهنی که تا این حد توسعه و ترقی یافته است نمیخواهند پل توسعه و

اتصال راه‌آهن اروپائیان گردند .

منظور اصلی ازساختن این راه‌آهن رعایت جنبهٔ سوق‌الجیشی و نظامی است که قادرباشند باآن درمواقع مقتضی ازمازندران و تهران قشون ومهمات به‌جنوب برسانند .

دوطرف انتهای شمالی وجنوبی راه‌آهن ایران یعنی بندرشاه وبندر شاهپور کمترازبندرپهلوی وخرمشهر تحت نفوذانگلیسی‌ها وروسها میباشد .

ازنظر اقتصادی هم ارتباط استان های شمالی‌وجنوبی ایران قابل توجه بوده واهمیت دارد زیرا محصولات عمدهٔ مازندران با راه‌آهن بتمام شهرهای‌جنوبی‌حمل‌میگردد ودردسترس اهالی کشورقرارمیگیرد ودرمقابل استان های کرانهٔ خزرآنقدرها احتیاج به‌بازارهای روسیهٔ شوروی‌ندارند .

بعضی ها میگویند اصولا راه‌آهن با وجود وسائط نقلیهٔ عمومی ازقبیل‌کامیون واتوبوس فایده‌ای ندارد ومخصوصاً این راه آهن قادر نیست مخارج سازمان های خودش را تأمین کند ولی باید دانست گروه اول که تصور میکنند راه‌آهن بیفایده است آنهائی هستند که دربارهٔ راه و باربری اطلاع چندانی ندارند زیرا هرقدرراه هموار وکامیون قوی وپرزور باشد نمیتواند محمولات سنگین را ازگردنهٔ کوههای البرز وزاگراس عبوردهد وفقط راه‌آهن قادر بانجام این وظیفهٔ مهم است .

اما راجع بدخل وخرج وامور مالی آن اطلاع از وضع راه آهن انگلستان واینکه چگونه‌آن کشوردراثر تمسك بفرضیهٔ راهسازی‌وکامیون‌رانی و محتاج نبودن براه‌آهن درآغاز جنگ دچار خسارت گشت بهترین جواب باینگونه تنقیدهای بیجاست .

گرچه تاکنون دولت ایران بیلان و اطلاعاتی دربارهٔ امورمالی راه

آهن انتشارنداده است اما باید این موضوع را درنظر داشته باشد که طرح ونقشهٔ درآمد راه‌آهن بجای آنکه برروی‌ارقام غلط وحقه بازی سوار گردد باید روی پایه واساس صحیح وحقایق طبیعی استوارباشد .

راه‌آهن ایران ازنظرآنکه ارتباط‌کاملی درنواحی مختلف کشورشده ودرهای شهرها را بروی مردم گشوده است عامل بسیار مؤثر ومهمی بشمار میآید زیرا باهمین وسیله عشایر وایلات دریکجا مستقرمیگردند،ده‌نشین‌ها و زارعین هم اززندگانی عالی شهری برخوردار میشوند .

راه‌آهن اصلی‌ایران مقدمه‌ای برای‌ایجاد وسایل ارتباطی تمام کشور بودزیرا هم‌اکنون نقشهٔ ساختمان راه‌آهن که مشهدوتبریز ویزد رابخطوط مرکزی متصل میسازند درمرحلهٔ عمل است وازاول ماه مارس سال ۱۹۳۸ شروع بکار کرده‌اند .

ساختمان اولین راه فرعی بین گرمسار وسمنان که هفتاد میل‌مسافت آنست (راه‌آهن تاشاهرود دایر شده ومشغول‌کار است) [۱] درماه ژوئن‌سال ۱۹۳۹ پایان یافت وهزینهٔ آن بالغ‌بر ۹۲۵،۰۰۰ لیره است که تمام این مبلغ بانظارت‌کامل وزارت راه بمصرف رسید . درماه ژانویه سال ۱۹۳۹ ساختمان راه‌آهن تبریز آغاز گردید ودرماه اکتبر سال ۱۹۴۰ از کرج و

---

۱ ـ این راه در زمان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر تا شاهرود رسید ولی بعداً بعلت وقایع وحوادثی که درشهریور ماه ۱۳۲۰ در کشور مابوقوع پیوست‌مانند سایر کار های عمرانی متوقف ماند وبعداً حسب‌الامر اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی دولت مأمور شد که راه‌آهن را تاشهر مشهد ادامه دهد ودرحال حاضر راه‌آهن سرتاسری ایران به‌مشهد مقدس رسیده است . (مترجم)

قزوین عبور کرده وبفاصلهٔ ۱۶۰ میل به‌زنجان رسید [۱] .

اتفاقاً ازماه فوریه سال ۱۹۳۷ تا کنون سرویسی بین‌تبریز وایروان اتحاد جماهیر شوروی مشغول‌کار است وتر کیه هم درصدد برآمده است از العزیز که درنزدیکی دیار بیکر (Diyarbekir) واقع است تاسرحد ایران یك‌خط فرعی دایر کند .

راه‌آهن یزدازقم شروع‌میشود وراه‌کاشان هم‌اکنون‌دردست ساختمان است [۲] . بودجهٔ راه سازی ایران اعم ازجادهٔ شوسه وراه‌آهن در سالهای ۲ ـ ۱۹۴۱ جمعاً بالغ بر۱۲٬۵۰۰٬۰۰۰ لیره میگردد .

حر کت ترن هنوزمحدود است ودرسال ۱۹۴۰ ترن هفته‌ای دو بار ازتهران به‌بندرشاه وازتهران به کرج وزنجان وهمچنین هفته‌ای سه بار از تهران به سمنان وشاهرود ایاب وذهاب میکرد . در قسمت مر کزی ترن هفته‌ای سه‌بار از تهران به‌اهواز وبالعکس حر کت میکند البته عبورآن ازشهرهای قم واراك است . [۱]

ترن ایران بطورکلی چهار درجه دارد ولی تمام چهار درجه دریك موقع ودریك قطار موجود نیست .

درجهٔ اول ودوم هردوخوب است صندلی‌های راحتی و لوازم‌آسایش دراین دودرجه مانند ترن اروپائی موجود میباشد .

---

۱ ـساختمان راه‌آهن ازتهران به‌تبریز خاتمه یافته ودر حال حاضر ازاین خط بهره‌برداری میکنند . (مترجم)

۲ ـ راه‌آهن قم به‌کاشان وصل شد وهم‌اکنون مسافرین تهران‌ـ کاشان بااین خط ایاب وذهاب میکنند . (مترجم)

۳ ـ قطارهای مسافری راه‌آهن همه روزه به شهرهای تبریز،مشهد وهمچنین بندرشاهپور وبندرشاه وبالعکس حر کت میکنند. (مترجم)

صندلی‌هـای درجهٔ سوم چوبی است (مانند ترن‌های آلمان وسایر کشورها) ولی درجه چهارم عبارت ازواگن های سرپوشیده‌ایست کوتـاه بانیمکتهای چوبی که اغلب کارگران درآن سوارمیشوند.

مؤسسهٔ ایران توربزودی یك واگن‌پذیرائی (رستوران) درقطارهای مسافربری ایران دایرخواهدکرد اما درحال حاضرهم خوراکهای پخته درقطارهای مسافربری بدست میآید .[1]

کرایهٔ یکنفر مسافر بـا درجهٔ اول راه‌آهن هرمیل یك پنس و نیم درجهٔ دوم یك پنس ودرجهٔ سوم سه‌چهارم پنس است .

برای افسران وافراد ارتش وشهربانی ودانشجویـان و کودکانی که سنشان ازدوازده سال کمتراست تخفیف‌کلی قائل میشوند .

---

۱ ـ قطارهای‌مسافری دارای‌رستورانهای لوکس‌درجه‌اول میباشند. (مترجم)

فصل بیست وهشتم

بنادر - کشتی رانی - هواپیمائی - تلگراف ورادیو- کارخانجات

کشورایران دوخط کرانه‌ای دارد، دریای خزروخلیج‌فارس وسواحل اقیانوس هند واراضی مجاوراین نواحی همانطوریکه قبلا گفته شده خشك وبایراست وطبعاً کم جمعیت میباشد و شاید بهمین جهت ویا آنکه بعلت بی‌میلی فطری ایرانیان بدریاست که بنقاط مذکور کمتر توجه میشود.

درجنوب امور کشتیرانی راعرب‌ها اداره میکنند ولی‌ملوانان نیروی دریائی خزررا ایرانیان ارمنی تشکیل داده‌اند .

قبل ازتأسیس راه‌آهن وایجاد خطوط هوائی کشورایران فقط ازراه خلیج فارس با دنیا ارتباط داشت وسه بندر خرمشهر (محمرهٔ قبلی) و بندر بوشهر وبندرعباس تاحدی اهمیت داشتند .

اکنـون دولت حاضرتمـام مساعی خودرا برای توسعه وترقی بندر شاهپوربکارمیبرد وسه‌بندر مذکورچندان مورد توجه نیستند زیـرا موقعیت بندرخرمشهر آنقدرها مناسب نیست .

راه خشکی از بـوشهر بداخلهٔ کشور بد و صعب العبـور است و کشتی های بزرگ نمیتوانند دربندرعباس پهلوبگیرند . بندر شاهپور که

درماه نوامبر سال ۱۹۳۲ گشوده شد روی زمین مسطح کلی بنا گردیده و ازاین رواحتمال میرود که توسعه وترقی چندانی نداشته باشد.

درحال حاضر بندر شاهپور عبارتست ازچند ساختمان ادارات‌دولتی ویك‌ساختمان طویل‌بندری مخصوص راه‌آهن ولی چون کشتی های‌بزرگ بآسانی‌میتوانند درساحل آن پهلوبگیرند وبراحتی بارهای سنگین راخالی کرده وازهمین‌نقطه که‌انتهای‌خط راه‌آهن‌جنوبی‌محسوب‌میگرددبار گیری کنند بدین‌جهت تصور میرود که درآتیه اهمیت زیادی پیداخواهد کرد.

بندرنفتی آبادان‌هم‌کانال گودی‌دارد که ناوهای‌ده‌هزارتنی‌مرتباًوبآسانی ازآن عبور میکنند ولی کار این بندرمنحصر به نفت ومحصولات‌نفتی است.

یگانه سرویس منظم کشتیرانی خلیج کشتی های تندرو و کندروی پستی شرکتهای بریتانیا وهندوستان میباشند.

قبل ازجنگ کشتی های تجارتی اسکاندیناوی و ژاپنی و آلمانی و ایتالیائی وامریکائی غالباً به‌بنادر خلیج فارس میآمدند.

درحال حاضر یگانه بندردریای خزر بندرشاه است که انتهای‌خط راه‌آهن شمالی ایران محسوب میگردد.

یك ساختمان بندری طویل وچند کارخانهٔ تعمیر در این بندر ساخته‌اند.

بندر پهلوی که قبلا انزلی نامیده میشد ازنظر دادوستد با روسیهٔ شوروی نسبتاً بندر بااهمیتی است وبنادر کوچك دیگری مانند بندر گز ومشهد سر [1] ونوشهر وآستارا که درسرحد ایران وشوروی واقع شده‌اند همگی ازبنادر بحرخزر محسوب میگردند. کشور ایران‌چند فروند کشتی

۱ ـ منظور بابلسر فعلی است. (مترجم)

کوچك تجارتی دربحر خزر دارد امـا امور کشتیرانی دریای خزر در دست کشور اتحاد جماهیر شرروی است .

علاوه برامور بازرگانی مذکور شیلات دریای خزر هم بسیار مهم و ازهرحیث قابل توجه است .

وسائل حمل ونقل عادی کشور ایران علاوه بردریای خزر دریاچهٔ رضائیه است وسازمان راه‌آهن درآنجا چند قایق موتوری و شراعی کوچك وبزرگ دارد که بارهای خود راه‌آهن ویاکالا های تجار بومی را درهمان سواحل دریاچه ازمحلی به محل دیگر حمل میکنند .

شرکت‌نفت انگلیس‌وایران‌هم‌چندناودررودکارون که قابل کشتیرانی است دارد که درتمام فصول‌سال مشغول حمل ونقل‌کالا های شرکت‌هستند .

حمل ونقل هوائـی ایـران خیلی مختصر است اولین خط هوائـی بین‌المللی که بااین کشور مربوط شد خط هوائی امپراطوری بریتانیا بود.

دولت ایران درسال ۱۹۲۷ به‌هوا پیماهای بریتانیـا اجازه داد کـه هنگام عبور بطرف هندوستان وبالعکس دربنادر مختلف خلیج فارس فرود آیند اما بعلت اختلافی که بین ایران وانگلستان روی داد درسال ۱۹۳۲ مسیر هواپیماهای بریتانیا تغییر داده‌شد وکلیهٔ هواپیما هاازآن طرف‌خلیج پرواز میکردند .

تاقبل ازجنگ هواپیماهای هلندی (کی ال . ام . K . l. M) وهواپیماهای فرانسوی (ایرفرانس Air . France) ازبنـادر ونقاط ساحلی ایران میگذشتند وسال ۱۹۲۷ بود که امتیاز خط هوائی پستی و مسافر - بری به‌شرکت یونکرس(Iunkers)داده شد وسال بعد خط هوائی ازتهران به‌مشهد ورشت وهمچنین به‌بغداد وبوشهر دایر گردید .

این خطوط هوائی تاسال ۱۹۳۲ بکار خود ادامه میدادند اما در آن سال امتیاز شرکت یونکرس لغو گردید وسه سال بعد از آن دولت ایران تصمیم گرفت خود وارد میدان‌کارزار گردد روی‌این نظرچند فروند هواپیما ازاروپاوارد کردوخط‌هوائی‌مسافربری وباربری‌تهران‌ازراه کرمانشاه‌به‌بغداد وبوشهر رادایرساخت که تحت نظارت وزارت پست وتلگراف اداره‌میشود.

چندین فرودگاه درنقاط مختلف کشور ساخته اند که بعضی ازآنها احتیاج بتعمیر اساسی دارند . تقریباً هریك از شهرهای مهم ایران دارای فرودگاه است که ازآنجمله میتوان فرودگاه عظیم تهران ونیز فرودگاه شهرهای غازیان مقابل بندر پهلوی وتبریز ومشهد وهمدان و کرمانشاه و اصفهان وبوشهر واهواز وجاسك رانام‌برد .

شرکت نفت‌انگلیس وایران هم‌چندین فروند هواپیما دارد که‌برای فرودآمدن وپروازآنها فرودگاههای خوب وقابل استفاده ای درآبادان و سایر نقاط نزدیك بمعادن نفت ساخته است .

برای ایجاد وتوسعهٔ هواپیمائی کشوری توجه بیشتری مبذول گردیده ودرماه اوت سال ۱۹۳۹ تحت حمایت وسرپرستی اعلیحضرت رضا شاه باشگاه هواپیمائی تأسیس شدودر اولین جلسهٔ رسمی‌آن که در ماه ژوئن سال ۱۹۴۰ تشکیل گردید ۲۵۰،۰۰۰ نفرعضو این باشگاه شدند وسپس به پادشاه گزارش داده شد که درهمان جلسه بیش ازسه هزار نفر برای آموختن فن خلبانی نام نوشته‌اند که ازاین عده چهل و پنج نفر قبلا این فن را آموخته بودند ودر فرودگاه باشگاه هواپیمائی که درهفت میلی تهران واقع است وهمچنین در فرودگاه شهرهای اهواز ومشهد شروع به‌پرواز کردند .

مخصوصاً ثبت نام چند بانوی ایرانی برای آموختن فن خلبانی که بعداً این فن را بخوبی یاد گرفتند باعث افتخارومباهات گردید .

سرویس‌های پستی که زیر نظر وبامسئولیت وزارت پست وتلگراف اداره میشود نسبتاً سریع وسالم است ولی باید باین نکته توجه داشت که چون حمل ونقل بیشتر سرویس‌های پستی از جاده‌های شوسه صورت میگیرد خوبی‌وبدی هوادر حرکت پست‌ها تأثیر دارد. حمل‌ونقل‌سرویس‌های پستی‌غالباً بادست کنترانچی‌ها صورت میگیرد که علاوه بر پست مسافر هم‌با همان ماشین‌ها ایاب وذهاب میکند .

همانطوریکه علاقمندان به‌تمبر اطلاع دارند ازسال ۱۸۷۰ میلادی تمبر پستی دربین کشور های جهان معمول ومتداول گردید وایران در سال ۱۸۷۷ عضویت اتحادیهٔ پستی بین‌المللی را پذیرفت امـا بهای تمبری که فعلابرای مرسولات خارجی در کشور ایران دریافت میگردد باآن مقررات پستی بین‌المللی وفق نمیدهد .

سرویس‌های تلفن وتلگراف ایران متناسب است اما بقدر لازم توسعه ندارد (درحدود هفده هزار میل) وتلگراف را روی خطوطی که قبلا شرکت تلگرافی‌بریتانیا وهندواروپا برای‌ارتباط هندوستان بامماللک‌غربی بنا کرده بود ساخته‌اند .

خطوط تلگراف وتلفن دراغلب جاها یك‌سیم دارد که روی تیرچوبی نازکی استوار است‌وبایك‌باد وباران تند پاره‌میشود درصورتی که‌نگاهداری و حفاظت خطوط تلگراف وتلفن برای ارتباط نقاط مختلف کشور لازم ودر خور تقدیروتمجید است .

از چند سال قبل در شهرهای بزرگ ایران دستگاه بی سیم وجود

دارد که بازرگانان برای اطلاع از قیمت کالاها و مبادلهٔ اخبار تجارتی از آن استفاده میکنند و باید دانست که شرکت نفت انگلیس و ایران هم دستگاههای مخصوص بی‌سیم دایر کرده است که با کلیهٔ نقاط نفت خیز و مخصوصاً مناطق دور افتادهٔ نفتی ارتباط دارد.

روز بیست وسوم ماه آوریل سال ۱۹۴۰ولیعهد ایران دستگاه‌فرستندهٔ رادیو تهران را افتتاح کردند .

وظیفهٔ اصلی این‌دستگاه آنستکه اخبار ومطالب مربوط به کشور و امور داخلی رابرای اطلاع مردم پخش کند.(۱)

در ایران رادیوهای آلمانی وامریکائی و انگلیسی خریدار دارد ودر اغلب جاها مورد استفادهٔ مردم است .

چون رادیوهای خصوصی در ایران کم است برای استفادهٔ مردم در خیابانها و جاهای عمومی بلندگو گذارده‌اند .

برای پخش اخبار و گویندگی رادیوآموزشگاهی بازشده است که برای اصلاح وپیشرفت این امر بی‌تأثیر نیست .

تمام روزنامه‌های ایران‌از اخبار مربوط به‌آلمان وامریکا وانگلیس پر میشود و ملت ایران باشنیدن اخبار رادیوئی جهان ومطالعهٔ روزنامه‌ها از جریان وحوادث عالم باخبرمیگردد. اخیراً عملیات مربوط به‌پخش‌اخبار ومطالب مفیدتحت‌نظارت‌وزارت‌فرهنگ قرار گرفته واحتمال‌دارد که بااین ترتیب اصلاحات قابل ملاحظه‌ای دراموررادیو وسخن‌پراکنی بعمل آید .

۱ ـ برای بالا رفتن سطح فرهنگ عمومی برحسب امر اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی دولت مأمور گردید که در تمام استانها و شهرستانهای ایران رادیو تأسیس کند و خوشبختانه تاکنون‌این‌امر پیشرفت زیادی کرده ودراغلب استانهاوشهرستانهای درجهٔ‌اول ایستگاههای‌فرستنده تأسیس ودایرگردیده است واز نیمهٔ دوم سال ۱۳۳۷ تلویزیون ایران هم شروع بکار کرده است .(مترجم)

در قسمت کشاورزی و صنایع‌هم دومنظور در آن‌واحد تعقیب‌میگردد اول آنکه کشور را ازمحصولات خارجی بی‌نیازسازند ودیگر اینکه ایران را از نظر صنعت بطوری غنی سازند که مرکز صنایع خاور نزدیك بشود و ازآن رو نه‌فقط صنایع موجودفعلی با حفظ رویهٔ انحصار و ازدیار حقوق و عوارض گمرکی حمایت میگردد بلکه سیستم‌های جدید صنعتی که‌غالباً تحت نظر دولت اداره میشود روزبروزپیشرفت و توسعه میبابد .

صنایع محلی ایران تماماً از نوع‌کارهای دستی است. قالی‌های‌ایران در سراسر جهان‌شهرت دارد وتا کنون هم طریقهٔ نساجی‌قدیم‌حفظ‌شده‌است. استخدام بچه‌ها برای کار کردن در کارخانه‌ها کمتر شده است و اصلاحاتی هم در امور صنایع بعمل آمده ولی بازهم دراین کشور صنایع جدید بپای کشورهای متمدن جهان نمیرسد .

از چندی قبل متدرجاً جنس قالی و اسلوب قالی‌بافی رو بانحطاط میرفت اما دولت متوجه اهمیت و موقعیت این صنعت عالی درخارج گشت و از سال۱۹۳۷ امور قالی‌بافی را در تحت نظارت‌دقیق قرار داد.

برای صدور قالی‌های جوهری مالیات وجریمهٔ سنگینی‌وضع گردید وبرای تعلیم‌قالی باف‌های‌ماهر و نقشه کش‌های زبردست آموزشگاه‌مخصوصی تأسیس گشت .

بازارعمدهٔ قالی‌ایران کشورهای‌متحدهٔ‌امریکاست‌وهرچندکارقالی‌بافی ونقشه کشی بدست ایرانی‌هاصورت میگیرداما امریکائی‌ها هم‌درنقاط‌مختلف ایران که مراکز قالی‌بافی‌است نمایندگیهائی‌دایر کرده‌اند .

اتخاذ طریقهٔ مخصوص‌تهیهٔ قالی برای بازارهای(ماوراءِ بحار) اثراتی درنقشه‌های‌قالی‌ایران‌داشته‌است که غالباًسودمندنبوده ولی‌هنوزهم نقشه‌های

خوبی‌ازتبریز و کرمان وکاشان بیرون میآید (در کشور ایران دیگرقالیچهٔ بخارائی نمیبافند) .

مینیاتور سازی که ازصنـایع قدیمی کشور ایران است هنوز رواج دارد اما آن اصالت سابق رااز کف داده است .

کیفیت وارزش مینیاتور روی موضوع و نقشه نیست زیرا موضوع و نقشه را همواره ازکارهای قدیم تقلید میکنند بلکه‌ارزش و کیفیت مینیاتور مربوط به‌ریزه‌کاری وظرافت آنست که‌اگردست استاداصفهانی برای ساختن آن بکار رفته باشد واقعاً شگفت‌آوراست .

اصفهان مرکز بسیاری ازهنرها وصنایع دستی ازقبیل : فلزکاری ، قلاب دوزی ، رنگ وروغن زنی ومنبت کاری است .

قلمکاری ازمختصات هنرمندان اصفهان میباشد .

شیراز برای شراب‌های عالی‌وهمدان برای ظروف‌آبی لعابی شهرت دارند. کارخانه‌های بافندگی دستی ازهمه نوع درتمام شهرهای ایران هست اما بافندگی جدید بسرعت طریقهٔ نساجی دستی را از میان میبرد .

دستهٔ دوم صنایع ایران که مورد تشویق میباشد عبارتست از مـواد خام ومحصولات فلاحتی‌ازقبیل : پنبه ، پشم ، ابریشم ، چغندر قند وغیره.

موضوعی که بی‌اندازه‌موردتوجه‌قراردارداینستکه کشورایران بطورکلی بخود تکیه کند ومحتاج دیگران نباشد وبجای آنکه مواد اولیه رابخارج بفرستند وبصورت کالاهای گوناگونی دوباره بایران بیاورند تمام عملیات را درخود ایران انجام دهند .

کشور ایران ظاهراً آنچنان در مضیقه نیست که مجبور باشد برای ادارهٔ امورخود تمام محصولات فلاحتی‌خویش‌رابکشورهای خارجی بفروشد

اولین کارخانهٔ قند در کهریزك ده میلی جنوب تهران بنا گردید که درسال ۱۹۳۵ـ۶ محصول سالیانهٔ آن ۲۲۱۱ تن قند بوده است .

کارخانه‌های دیگر قند سازی هم پس از آن بنا گردید که ماشینهای آن ساخت کارخانهٔ اشکودای کشور چك اسلواك است .

بزرگترین کارخانه‌های قند ایران در کرج وورامین ومرودشت نزدیك شاهی است. (۱)

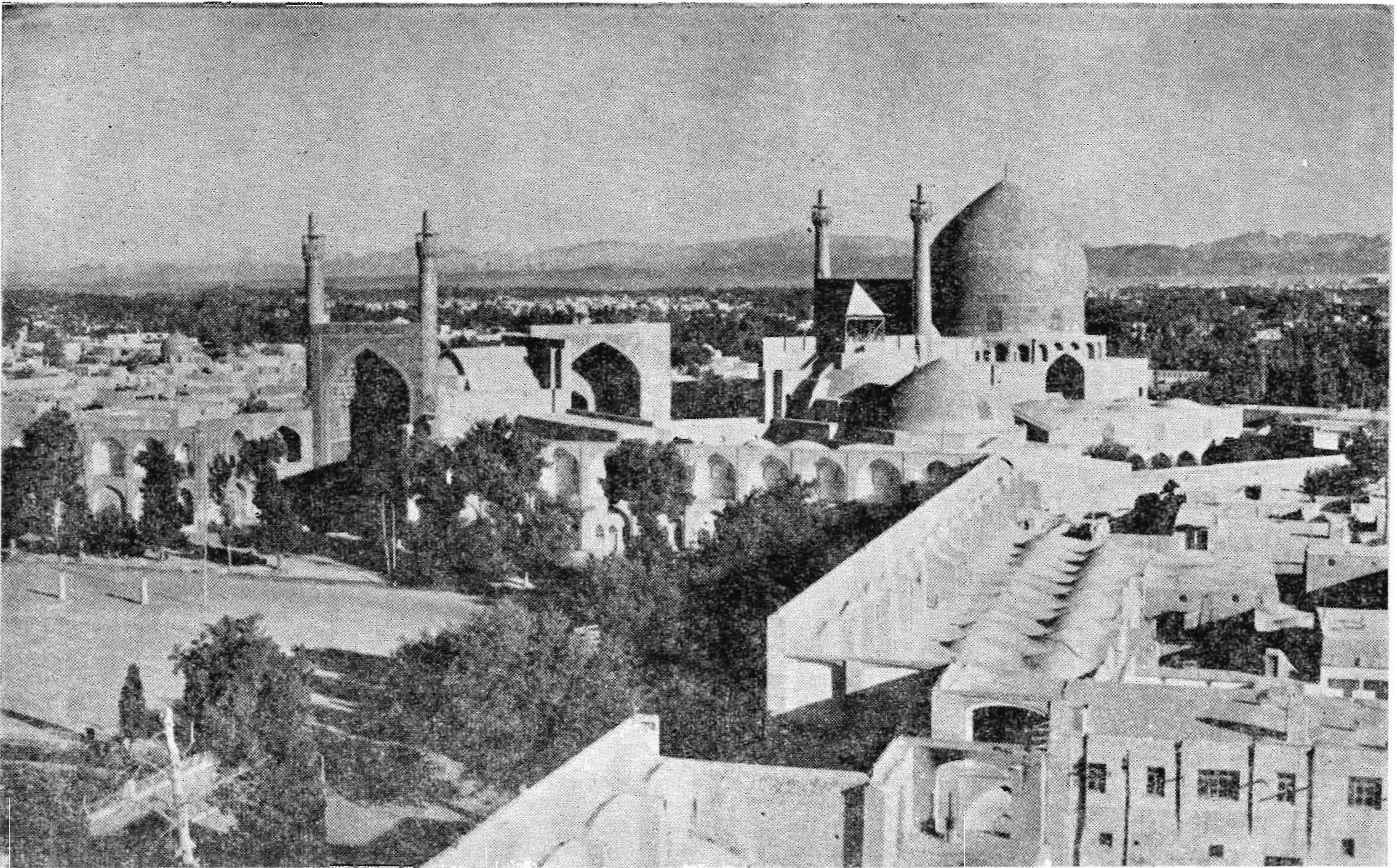
(اکنون این کارخانه‌های قند در کنار راه آهن قرار دارند) وکارخانه‌های قند سازی کوچك دیگری هم درنزدیکی شیراز وشاه آباد نزدیکی کرمانشاه ومیاندوآب نزدیکی دریاچهٔ رضائیه ونزدیکی اراك ونزدیکی مشهد ساخته‌اند.

دراین کارخانه‌ها هم قند وهم شکر درست میشود ودرنزدیکی کارخانهٔ قند کرج اراضی زیر کشت چغندر فوق‌العاده زیاد است .

در سال ۱۹۴۰ ـ ۲۴۰،۰۰۰ تن چغندر قند درکارخانه های ایران مصرف شد ودرسال ۱۹۳۹ هم مصرف آنها ۱۷۰،۰۰۰ تن چغندر بوده است . محصول قند تمـام کارخانه های ایران سی تاچهل هزار تن میباشد که یك سوم احتیاجات کشور راتأمین میکند . محصـول صنعتی دیگر ایران که اهمیت زیادی دارد چیت سازی است که خیلی پیشرفت کرده وایران ازاین حیث دیگر بروسیه وسایر کشورهای فروشندهٔ چیت محتاج نیست .

بزرگترین کارخانه بافندگی ایران درشهر شاهی ساخته شده است که دوازده هزار دوك دارد و محصولات آن فقط بـرای تأمین احتیاجـات ارتش است . کارخانه‌های دیگر بافندگی درشهرهای یزد ، اصفهان ، بندر عباس ، سمنان ، کرمان ، تبریز وتهران ساخته شده است .

۱ـ مرودشت درنزدیکی شیرازواقع است . (مترجم)



اصفهان : مسجد شاه وقسمتی ازمیدان شاه ازآثارصفویه

بطور کلی در سراسر کشور ایـران چهل هـزار دوك ریسند گی در کارخانه‌های مذکور کارمیکنند . پارچه هـای پشمی درکارخانه‌های تبریز و قزوین ویزد واصفهان وپارچه‌های ابریشمی دررشت وچالوس بافته میشود. بـرای ساختمانهای جدید و بناهای چند طبقه که در ایران ساخته میشود سیمـان لازم بود و روی همین نظر درسال ۱۹۳۲ یك کارخانه سیمـان در کهریزك[۱] تأسیس گردید که روزی یکصد تن سیمان محصول میدهد و درسال ۱۹۳۵ کارخانه‌های دیگری ساختند که روزی سیصد تن محصول میدهد ولی بازهم برای ساختمانهای ایران کافی نیست .

درمشهد کارخانه کنسرومیوه ودر رشت وشاهی کارخانهٔ گونی بافی تأسیس یافته است . در تبریز کارخانه‌های زیادی ساخته‌اند که از آنجمله کارخانهٔ چرمسازی است .

دروِرامین ، بابل ،تبریز ، اصفهان وجاهای دیگر کارخانه‌های روغن‌کشی نباتی دایرشده است .

کارخانه های دخانیات تهران احتیاجات تمـام مردم مملکت را از حیث سیگار ، توتون وتنباکو مرتفع میسازد و گفته میشود در کارخانه‌های دخانیات روزی دوازده میلیون عدد سیگاردرست میکنند .

اخیراً درایـران کارخانه های کتیرا سازی ـ رشته فرنگی و میوه خشك کنی دایر کرده‌اند .

سومین دستهٔ صنـایع سنگین و عمومی ایران عبارتست از کارخـانهٔ کشتی سازی که در بندر پهلوی تأسیس گردیده ودرماه نوامبر سال ۱۹۴۰ اولین ناو حفـار راساخته وبآب انداخت و همچنین کارخانه‌های آهن سازی

۱ـ کارخانهٔ سیمان درشهرری واقع است . (مترجم)

وذوب فلزات مازندران (یکدستگاه ماشین ذوب آهن درایران بکارخواهد افتاد که روزی سیصدتن آهن محصول میدهد).

کارخانه های هواپیما سازی ، اسلحه سازی ، تعمیر لکوموتیو و واگن وغیره نیزجزء این دسته یعنی صنایع سنگین میباشد.

معادن ذغال سنگ زیراب نزدیك البرز وکانهای آهن سمنان ومس عباس آباد مرتباً استخراج میشود.

درماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ یك کارخانهٔ بلورسازی نزدیك تهران تأسیس گردید ودرنزدیکی آن،کارخانهٔ کاغذسازی و کفش دوزی هم دایرشد.

درهمدان وتبریز کارخانه های کبریت سازی تأسیس شده است.

طبق نقشهٔ اخیری که بمرحلهٔ اجرا درآمده است درنظر دارند کشور ایران را ازحیث تمام مواد شیمیائی که اکنون از کشورهای خارجی وارد میگردد مستغنی سازند واحتیاجات داخلی را درخود مملکت فراهم آورند.

در خارکون مازندران ،کارخانهٔ قیر سازی ساخته‌اند ودر نزدیکی کهریزك کارخانهٔ صابون و گلسیرین سازی تأسیس یافته است که قادراست روزانه یك تن ونیم گلسیرین وبیست تابیست ودوتن انواع صابون وپنج تن شمع وپنجاه کیلو گرم مواد چربی دیگر بدهد (این کارخانه آخرین کارخانه ایست که درایران تأسیس گردیده است).

بموجب نقشه وبرنامه ای که در دست است بایدکارخانه هائی برای تهیهٔ چربی نباتی ، لاستیك ، کاربن ، سودا و اسید هیدروکلریك تأسیس یابد.

درحال حاضر درسراسر کشور ایران یکصد وپنجاه کارخانهٔ بزرگ وجود دارد که تمام یاقسمتی ازسرمایهٔ آنها متعلق بدولت است.

فصل بیست و نهم

نفت ایران

اینك ما بشرح مهمترین قسمت صنعتی‌واقتصادی ایران که مفصلا راجع بآن درفصول گذشته صحبت نشده است میپردازیم . باید دانست که بدولت ایران‌برای توسعه واصلاح این‌منبع اقتصادی مهم اختیارات‌چندانی داده نشده است زیرا میل نداشتند اهمیت این گنج سرشار بطوری که باید وشاید تشخیص داده شود .

بطور قطع ازچند هزار سال پیش بوجود منابع و معادن نفت در ایران پی‌بردندولی تاسال ۱۹۰۱ که دارسی‌امتیازاستخراج آنرابدست آورد عملا درصدد استخراج این مادهٔ حیاتی برنیامده بودند وسعی و کوششی در این راه مبذول نگردیده بود .

بحث در اطراف امتیاز استخراج نفت وتاریخ مربوط به‌شرکت نفت انگلیس وایران را برای فصل بعدی میگذاریم ودراینجا فقط ازسازمان و تشکیلات موجود نفت ومحصول آن وهمچنین مراکز معادن نفتی وترتیب استخراج آن صحبت میداریم .

معادن مهم وپرحاصل این شرکت درنزدیکی معبدباستانی اشکانیان

یعنی مسجد سلیمان قراردارد وممکن است چاههای دیگری درسایر نقاط حفر شود که محصولش بیش ازچاههای فعلی باشد اما درحال حاضر معادن این نواحی نهایت اهمیت‌را داراست .

چاههائی که برای استخراج نفت پیش از چاههای مذکور حفر گردیده‌اند درهفتگل شصت میلی جنوب غربی وهمچنین درآغا جاری نزدیك بهبهان و گچساران هفتاد میلی جنوب غربی‌ودر شمال شرقی‌مسجد سلیمان میباشند .

نفت اغلب این چاهها ازعمق سه‌هزار تاچهار هزار پا بیرون میآمد ولی اخیراً چاههائی حفر کرده اند که عمق آنها بیش ازده هزار پاست.(۱)

تمام این معادن بالوله به‌پالایشگاه‌آبادان درجنوب خرمشهرمتصل شده‌اند ویا بعداً اتصال میگردند وازآنجانفت خام وتصفیه شده وسایرمواد نفتی باکشتی بخارج حمل میگردد .

لوله هـای فعلی غالباً ده اینچی هستند وآنهـا را بیکدیگر جوش داده‌اند ولی درسابق لوله های شش اینچی وهشت اینچی بکار میرفت که‌با پیچ و مهره بهـم وصل میشدند . در نقاطی موسوم بـه تمبی(Tembi)و

---

۱ ـ منابع وچشمه های نفت معمولا درطبقات‌زیرزمینی‌ودرصخره‌ها ایست که منافذ زیادی دارند و شبیه سنگهای‌آهکی هستند اما یك سنگ بسیار بزرگ ازجنس صخره‌های غیرقابل نفوذ روی‌آنرا پوشانیده است . درایران نفت چاهها تحت فشار مختلف قرار دارد و بمحض اینکه صخرهٔ سرپوش رامتهٔ حفاری سوراخ کرد نفت بافشاری که دارد خود بخود بالا میآید وفوران میکند درصورتیکه درسایر کشور های‌نفت‌خیز نفت رابوسیلهٔ تلمبه بالا میآورند .

اولین چاه نفت درایران چند صدپا بیشتر عمق نداشت امـا همینکه نفت‌آن چاه باتمام رسید تجربه‌ای شد که چاههای دیگررا بیشتر حفر کنند وعمق‌آنان خیلی زیاد باشد که بزودی نفت‌آنهاتمام نشود . (مؤلف)

کوت عبدالله (Kut. Abdollah) و دار کوین (Dorquaine) مراکز مخصوصی برای ازدیاد فشار لوله‌ها ساخته‌اند تادر مواقع لازم تلمبه بزنند ونفت را ازیکصد وبیست میلی به پالایشگاه بیاورند .

چاههای نفت‌راعموماً درنقاط کوهستانی حفر کرده‌اند ولی‌پالایشگاه درزمین هموار بناشده‌است وبهمین نظربعضی مسائل‌فنی مربوط به‌لوله کشی وفشار داشتن لوله‌ها برای رساندن نفت بمرکزکاملا حل گردیده است .

پالایشگاه‌آبادان که یکی ازبزرگترین پالایشگاههای نفت‌دنیاست دراراضی بسیار وسیعی بنا گردیده ودارای همه‌نوع دستگاههای تصفیه‌است وهمچنین برای نگاهداری مواد نفتی مخازن بسیار بزرگی ساخته‌اند .

قبل ازجنگ سالیانه ده میلیون تن‌نفت در پالایشگاه‌آبادان تصفیه میشد که مقدار بسیار کمی ازآن در ایران بمصرف میرسید وقسمت عمدهٔ محصول نفت بوسیلهٔ کشتی های نفتکش به‌بریتانیا وسایر کشور ها حمل میگردید (بیست درصد نفت انگلستان را ازایران میبردند) .

شرکت نفت انگلیس وایران یکصد فروند کشتی نفتکش بزرگ، دارد که میتوانند ده هزار تن‌نفت حمل کنند .

ناوهای نفتکش‌شرکت‌نفت انگلیس‌وایران‌شعبه‌ای ازشرکت‌حمل‌و نقل موادنفتی‌بریتانیا محسوب میشوند .

نفت مورداحتیاج کشورایران درپایشگاه کرمانشاه که طبق قرارداد سال ۱۹۳۳ تأسیس یافت تصفیه میگردد .

نفت شاه که درسرحد کشور عراق استخراج شده (این چاه ازنظر جغرافیائی‌جزء ناحیهٔ‌نفتی خانقین است) وبایك لولهٔ سه‌اینچی به‌پالایشگاه کرمانشاه میآید درهمانجا تصفیه شده وباکامیون های نفتکش ویاپیتهای

حلبی چهار گالنی که درتمام شرق مورد استعمال است به‌انبار هـا ونواحی مختلف ایران حمل میشود.

اغلب مراکز ونواحی نفتی ایران درنقاطی است که قبلا هیچ نوع آبادی درآنجاها وجود نداشته است وشرکت نفت بناچارباید نه‌تنهابرای سه هزار وپانصد نفرکارمندان خارجی خود که ملیت هـای مختلف دارند (بیشترشـان انگلیسی وهندی‌هستند) خانه وهمه نوع مـایحتاج زندگی فراهم سازد بلکه ناگزیر است برای بیست هزار نفرکارمند ایرانی هم‌همه قسم وسایل‌آسایش تهیه کند.

کارگـران وکارمندان ایرانی که در دستگاههـای مختلف شرکت نفت مشغول‌کارند کم کم درکارهای فنی‌جای متخصصین‌خارجی رامیگیرند.

بیمارستانها، باشگاههـا، میدان های بازی، سینماها، مغازه ها وخانه‌های‌جدید وزیبا برای‌کارکنـان شرکت‌نفت در صحراهای سوزان و روی کوههای خشك وبی‌آب وعلف ساخته شده است.

ازنظرملی ایرانی یکی ازمهمترین ومفید ترین‌کار های شرکت نفت آنستکه به‌ایرانیان‌کارهای فنی رامیآموزد وآنانرا برای اداره کردن صنعت نفت‌آماده میسازد.

درابتدای کار بسیاری ازکارمندان شرکت را ازبین افـراد ایلات و عشایر نواحی نفتخیز انتخاب کردند وسپس ازکلیهٔ شهرهـا ونقاط مختلف ایران‌کارمندان مورد احتیاج را استخدام نمودند در صورتیکه هیچیك از آنان تخصص وتجربهٔ قبلی درکار های مربوط به نفت نداشتند اما بزودی معلومـات لازم را فراگرفتند ودراین قسمت استعداد خوبی نشـان دادند بقسمیکه نه تنها شرکت ازوجود تمامی‌آنها در دستگاههـای نفت استفاده

کرده بلکه توانستند کارخانه های جدیدی را که در نقاط مختلف کشور تأسیس شده بود اداره کنند .

برای مدتی عدهٔ زیادی کارکنان هندی و عراقی هم در شرکت مشغول کار بودند ولی طبق موافقتنامهٔ اخیر شرکت بادولت ایران کارمندان عراقی بکلی ازکار برکنار شدند وکارکنان هندی نیز روز بروز کم میشوند .

در آبادان آموزشگاه مخصوصی تأسیس شده است که بچه‌های چهارده ساله را پس از پایان دورهٔ دبستان برای تعلیم کارهای فنی مختلف قبول میکنند وهر نوع کاری را که بیشتر علاقه داشته باشند بآنان میآموزد .

عده‌ای ازاین بچه‌های آموزشگاه دیده پس ازپایان دورهٔ آموزشی در شرکت نفت میمانند و بخدمت خود ادامه میدهند وعده‌ای هم بشمال ایران میروند وبنام کاردان ومتخصص در نواحی صنعتی کشور شغل ومقام خوبی بدست میآورند.

بسیاری ازکار هـای فنی شرکت نفت ازقبیل: رانندگی ، میکانیکی، حروفچینی و غیره بدست ایرانیان اداره میگردد ودر عین حال آنان روزبروز درکار خود استاد تر شده وامورفنی دیگر راهم میآموزند .

در سازمان و تشکیلات شرکت نفت بیکاری وجود ندارد بقسمی که حتی برای آنهائی هم که مختصر اطلاع و معلوماتی دارنـد کاری بفراخور حالشان درنظر میگیرند .

شرکت کارهای عادی و معمولی دیگری هم دارد که بمناسبت فصل و احتیاجات دستگاههای مختلف تغییر مییابد و برای این نوع کارهـا از وجود دهقانان وعشایر کـه اول پائیز بنواحی صنعتی نفت مـیآیند و اول تابستان به مزارع و دهات خود برمیگردند استفاده میشود .

وضع کارگران طبق قانون کار که در ماه اوت سال ۱۹۳۶ بتصویب

مجلس شورایملی ایران رسید بهبودی یافت این قانون اولین قانونی بود که دولت ایران برای بهبود اوضاع کارگران از مجلس‌شورای‌ملی گذراند.

آنطوریکه از متن این قانون استنباط میگردد مفادش خیلی سخت است وهر گونه آزادی عملی را محدود میسازد.

بموجب همین قانون اتحادیهٔ اصناف بهرصورت و بهر قصد ممنوع است جنبش و اعتصاب کارگران هم غیر قانونی شناخته شده بستن در کارخانه بروی کارگران را هم بکلی قدغن کرده است ودرحقیقت نسبت به کارگروکارفرما هردو توجه نموده ومنافعشان را ملحوظ داشته است.

این مقررات از آن‌جهت است که‌ایرانیان با اینگونه مسائل نزدیك و آشنا شوند وتصور نمیرود در کشوری که تا این‌حد از امورصنعتی دورو درعمل بی‌تجربه است مقرراتی بهتر ازاین قابل اجرا باشد.



فصل سی‌ام

شهرسازی - بازرگانی داخلی و خارجی - انحصارها - امور ارزی

صرفنظر از ایجاد کارخانه‌ها شاه برای تجدید ساختمان شهرهای بزرگ و کوچك سیاست بخصوصی راتعقیب میکندو بیشتر توجهات‌ومساعی او برای آباد کردن تهران صرف میشود . دراین شهربا نهایت بی رحمی نقشه‌های ایجاد شهری جدید اجرا میگردد و باجرای همین تصمیم است که از کوچه‌های تنگ و باریك و خانه‌های بهم چسبیدهٔ تهران سابق که نمونهٔ کاملی از شهرهای شرقی است خیابانهای وسیع ومستقیم احداث کرده‌اند و در دوطرف این خیابانها درخت کاشته‌اند .

خانه های بسیار زیبا و مجلل سراسر خیابانهای جدید تهران را زینت داده وبآن شکوه‌وجلوهٔ خاصی بخشیده‌است.قسمت اعظم‌این‌ساختمانها و بناهای باشکوه متعلق به دولت و مراکز ادارات وسازمانهای‌دولتی‌است.

ادارهٔ کل شهربانی ، بانك ملی ایران ، شهرداری تهران ، وزارت جنگ وادارات وابستهٔ بآن همچنین سایر سازمانهای دولتی هریك‌بناهای جدیدی درست کرده‌اند ودراین بناهای باشکوه مستقر گشته‌اند .

کاخ جدید وباشکوهی برای شاه ساخته‌اند وجدیدترین بنای عالی

دولتی کاخ وزارت امور خارجه است که ساختمان آن درماه ژانویه سال ۱۹۳۹پایان یافت .

این طرزفکروروحیه‌مختص‌مردمان‌ایران‌زمین‌است که‌ساختمان‌عمارات وخانه‌ها راتااین‌حد بااهمیت دانسته وبرسایرکارهای عمومی‌مقدم میدارند.

تهران درحال حاضر کارخانهٔ برق دارد اما برای روشنائی شهرکافی نیست وبناچاردرهرشب برق قسمتی ازشهر قطع میگردد ولی درماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ کارخانهٔ برق جدیدی احداث شده است که تصور میرود برای روشنائی شهر کفایت کند .

نقص دیگر تهران اینستکه منبع‌آب ندارد وآب آشامیدنی اهالی ازجویهای روبازی است که در کنار خیابانها و کوچه‌ها کنده‌اند .

بطورحتم تمامی این نواقص رفع خواهد شد وبرای اصلاح امور واحتیاجات عمومی اقدامات جدی وفوری معمول خواهد گشت چنانکه در بودجهٔ سال ۲ـ۱۹۴۱ هزینهٔ لرله‌کشی واحداث مخازن وتصفیه خانه‌های آب شهرتهران پیش بینی شده است .(۱)

باوجوداین‌جای‌تأسف است که‌تمام‌فعالیتهاصرف‌اصلاح وضع‌ظاهری شهرمیگردد و اینگونه امور را ازفراهم ساختن نیازمندیهای عمومی بهتر میدانند وبصورت سازی بیشتر توجه دارند .

درمرکز استانها وشهرهای بزرگ ایران نیزهمین نوع اصلاحات البته قدری محدودتر ازتهران بعمل‌آورده‌اند .

اصلاحات بعضی ازشهرها تااندازه‌ای عملی‌تر ازتهران صورت گرفته است مثلا بجای اینکه با زحمت زیادی خانه های قدیمی سازرا از میان

۱ـ شهرتهران چند سالی‌است که لوله کشی شده ومردم ازآب تصفیه شده استفاده میکنند . (مترجم)

بردارند وجای آن بناهای تازه‌ای بسازند دراطراف شهرهامحله‌های جدیدی احداث کرده‌اند که بزودی همان محله‌های جدیدالاحداث مرکزشهرمیشود.

شهرهای اهواز و اراك نمونهٔ قابل‌ملاحظه‌ای ازپیشرفت این نقشه‌میباشند.

ساختمان شهرها بایدازروی نقشهٔ معین صورت گیرد و برای این کارمقرراتی وضع کرده‌اند که بدون تحصیل پروانهٔ مخصوص نمیتوان بنای جدیدساخت.

بطوریکه باطلاع خوانندگان گرامی رسید دولت ایران سعی دارد صنایع خود رابقسمی توسعه دهد که ازکالاهای خارجی بی‌نیاز باشد اما باوجود این ایران در حال حاضر و همچنین درآینده برای مدتی محتاج کالاهائی است که باید از کشورهای خارجی وارد کند .

درپایان جنگ اول جهانی روسیهٔ شوروی که مهمترین فروشندهٔ کالا به‌ایران بود مقام خود راازدست داد ودراینمورد بریتانیا جای اورا گرفت اما اکنون دوباره روسیهٔ شوروی متدرجاً جای سابق خود را گرفته است و تقریباً اولین فروشندهٔ کالا بکشور ایران محسوب میگردد .

بعدازروسیهٔ شوروی کشورهای بریتانیای کبیروایالات متحدهٔ امریکا وآلمان وژاپن مهمترین فروشندگان کالا به‌ایران هستند .

نیازمندیهای عمدهٔ ایران به‌کالاهای کشورهای خارجی عبارتست‌از: پارچه ، اسباب ولوازم موتوری ، ماشینهای مختلف ومحصولات شیمیائی.

کشورایران درسال ۱۹۳۵ چهار میلیون دولار ماشینهای مختلف از ایالات متحدهٔ امریکا خریداری کرد ولی بعدازآن کشورهای اتحادجماهیر شوروی وآلمان فروشندگان ماشین آلات باین کشور هستند . (۱)

---

۱ ـ البته این‌موضوع مربوط به قبل‌ازفعالیت‌های مشترك کشورهای انگلستان وروسیه بوده است. (مؤلف)

در مقابل این واردات کشور ایران مـواد نفتی بخارج صادر میکند که به‌تنهائی بهای آن‌دوسوم جمع کل‌صادرات این کشوراست‌وهمچنین کالاهای دیگری ازقبیل قالی،قالیچه‌وانواع‌محصولات کشاورزی که‌عبارتست‌از: برنج، صمغ، کتیرا، مغزپسته، پوست، تریاك وخاویار بممالك‌خارجی‌میفروشد.(۱)

مهمترین خریدار نفت‌ایران قبل ازجنگ کشورهای متحدهٔ‌بریتانیا و مصر وفرانسه وایتالیا بودند .

قالی و قالیچهٔ ایران‌بکشورهای‌متحدهٔ امریکا و ترکیه و بریتانیای کبیر وهندوستان وعراق صادر میشد.

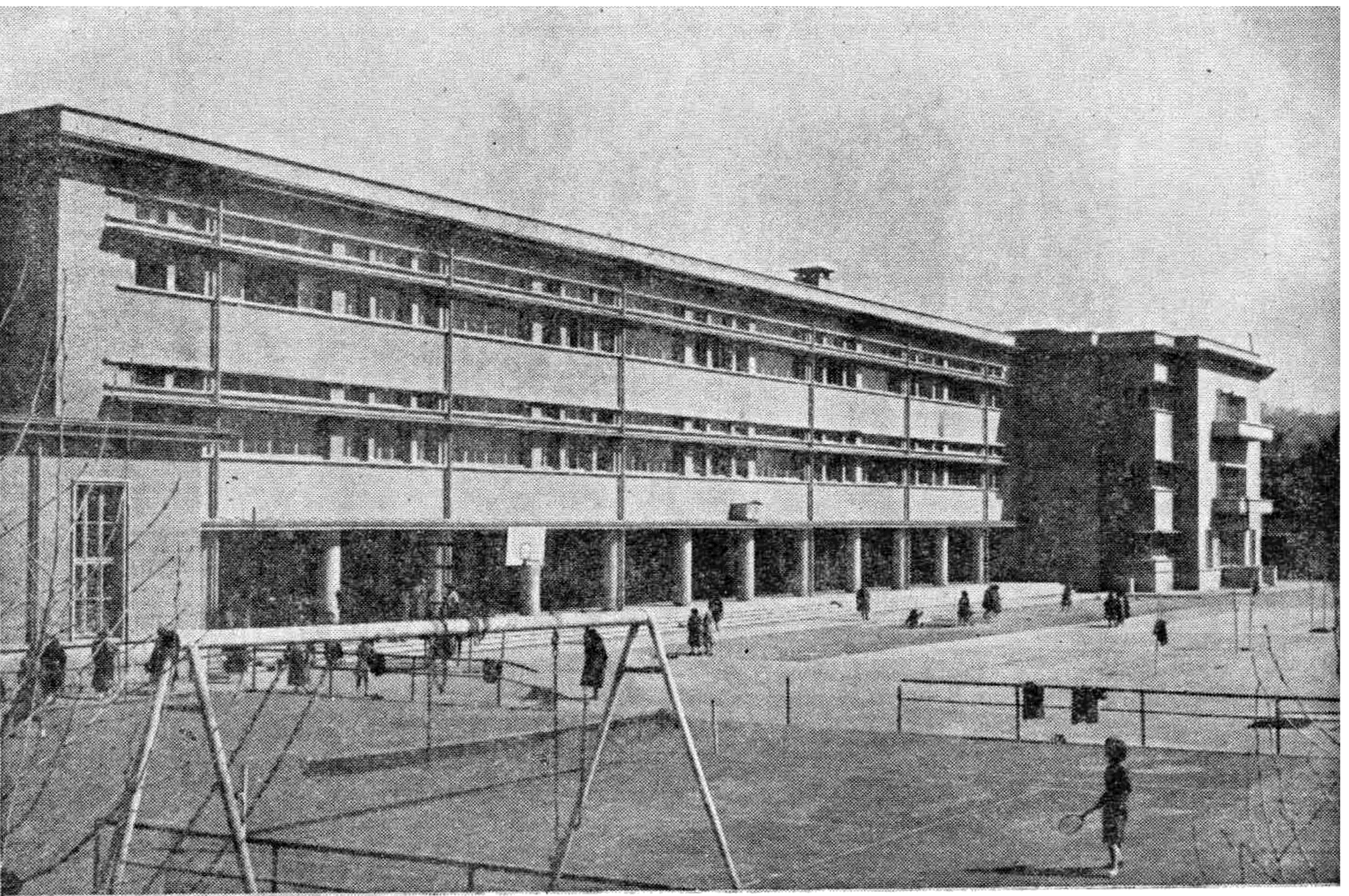
کشور ایران فقط در دو کشور خارجی نمایندگی رسمی بازرگانی دارد که آن دو کشور عبارتند از ایالات متحدهٔ امریکا و آلمان . سیاست بازرگانی ایران‌آنستکه در درجهٔ اول محصولات کشور را افزایش دهـد و مصرف داخلی‌آنرا زیاد کند . یك نمایشگاه دائمی کالاهای ایرانـی در تهران‌تأسیس گردیده است وجدیداً برای‌تشویق سازندگان کالاهامقرراتی هم وضع کرده‌اند و رویهمرفته برای خوبی‌جنس و مرغوبیت کالاهای‌ایرانی کوششهای زیادی میشود .

تا چندی پیش قسمت اعظم‌احتیاجات ارتش از محصولات‌خودایران تأمین میگردید ولی از ماه مارس سال۱۹۳۹ مقرر گردید که کلیهٔ‌افسران و مأمورین کشوری احتیاجات خود را باکالاهای ایرانی مرتفع سازند.

سیستم انحصاری در کشور ایران برقرار است .

بعضی ازکالاهای‌مورد نیازعمومی از قبیل : توتون ، تنباکو،سیگار، تریاك ، پارچه هـای نخی ، قند و شکر ، کبریت و انواع اتوموبیل و

۱ــ کشت خشخاش در کشور ایران بکلی ممنوع شده وبا استعمال تریاك شدیداً مبارزه میشود ، تریاکیها راهم دولت باوسائل گوناگـون معالجه کرده است . (مترجم)



دبیرستان رضاشاه ک.. [illegible]

لوازم یدکی آن وماشینهای دیگر درانحصار دولت میباشد وداد وستد این کالاها برای تجار بکلی ممنوع است .

در سال ۴۰ ـ ۱۹۳۹ درآمد دولت از این کالاهای انحصاری بقرار ذیل بوده است :

۱ ـ دخانیات ، توتون ، تنباکو ، سیگار	۱۸۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
۲ ـ تریاك	۸۵،۰۰۰،۰۰۰ «
۳ ـ قندوشکر	۱۶۰،۰۰۰،۰۰۰ «
۴ ـ قماش	۸۲،۰۰۰،۰۰۰ «
۵ ـ کبریت	۵،۰۰۰،۰۰۰ «
۶ ـ اتومبیل وکامیون	۱۸،۰۰۰،۰۰۰ «
جمع کل	۵۳۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال

در سالهای مذکور که در آمدهای انحصاری دولت بالغ بر پانصد و سی میلیون ریال میگردد[1] قیمت هرلیرۀ انگلیسی هشتاد ریال بوده است.

بطورکلی بهای کالاهای دیگر که جزءِ مایحتاج زندگی مردم میباشد ازقبیل نفت ومنسوجات پشمی خارجی وداخلی تحت کنترل دولت است .

تمام کالاهای انحصاری وبطورکلی امورانحصار دولت درداخل کشور زیر نظروزارت دارائی است وبموجب قانون سال ۱۹۳۱ امورانحصار بازرگانی خارجی راوزارت بازرگانی اداره میکند.[2] دولت ازدوراه درامور بازرگانی خارجی نظارت داشته و کنترل دقیقی بعمل میآورد بدین طریق که از

۱ـ بایدخوانندگان گرامی در نظر داشته باشند که این ارقام مربوط بسال ۱۹۴۰ و ۱۹۳۹ میباشد که مطابق است باسالهای ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ شمسی.(مترجم)

۲ ـ وزارتخانۀ جدیدی بنام وزارت گمرکات وانحصارات درسال ۱۳۳۶ تاسیس یافته که امور کالاهای انحصاری دولت و گمرکات بااین وزارتخانه است . (مترجم)

یکطرف ورود اشیاءِ تجملی رامشکل وبلکه ممنوع ساخته است وازطرف دیگرهیچ نوع کالائی رانمیتوان به‌ایران آورد مگر آنکه برابر بهای‌آن کالائی ازایران صادر وببازار کشورهای خارجی فرستاده شود .

وارد کردن شراب وسایرنوشابه‌های الکلی ، اسلحه ، اسباب وآلات موسیقی ، پارچه ، ظروف چینی ، اثاثیهٔ خانه ، دارو و لوازم طبی وبسیاری از کالاها ولوازمات دیگر با تحصیل پروانه امکان دارد که باید وزارت بازرگانی این پروانه را صادر وبوارد کنندهٔکالا ویا لوازم مذکور بدهد و بطورکلی ورود کالا از کشورهای خارجی به‌ایران درصورتی میسر است که وارد کنندهٔ کالا پروانه بگیرد وارزخارجی راکه ازفروش مال‌التجارهٔ خود بدست آورده است ببانك ملی بسپارد که برابر آن بپول ایرانی باوبرک اعتبار داده خواهد شد و پشت پروانهٔ صادره از وزارت بازرگانی را بانك ملی امضاءِ میکند و درصورتیکه تمامی این مقررات اجرا شدآنوقت وارد کنندهٔ کالا میتواند برابر نصف ارزی راکه ببانکملی سپرده است ازخارج جنس وارد کند ونصف دیگرارز وارد کننده که دربانك ملی ایران بامانت گذارده است پس ازآنکه قیمت آن بپول ایران بصاحبش پرداخت گردید متعلق بدولت خواهد بود که برای هزینهٔ تحصیل دانشجویان اعزامی بخارجه و خرید اسلحه ولوازم ساختمان راه‌آهن مصرف میگردد .

یکی از مهمترین منابع ارز خارجی کشور ایران حق‌السهم دولت ازشرکت نفت انگلیس وایران است که سالیانه به‌سه میلیون‌تاسه‌میلیون و نیم لیره بالغ میگردد .

فصل سی و یکم

گمرك - مالیاتها - بانك‌ها - بودجه

گمرك ایران قبلا بموجب امتیازی زیر نظر بلژیکی‌ها اداره میشد ولی در حال حاضر خود ایرانیان آن‌را اداره میکنند وچنین بنظر میرسد که‌این تغییر باعث ازدیاد درآمد گمرك شده است .

ازکالاهائی که از کشورهای خارجی‌وارد میگردد وهمچنین ازکالاهای ایرانی که بخارج صادر میشود حقوق وعوارض گمرکی نسبتاً سنگینی میگیرند ودر اینمورد چندان‌فرقی بین‌کالاهای ضروری وتجملی قائل‌نیستند اما باید دانست اغلب ازکالاهائیکه از کشور های خارجی وارد میشود در انحصار دولت است وبهای آن‌را خود دولت بادرنظر گرفتن قیمت جنس مشابه دربازار تعیین میکنند که در این‌باره بموقع خود دربارهٔ تثبیت نرخ‌غله توضیحات‌کافی باطلاع خوانندگان گرامی رسیده است .

پس ازسال ۱۹۱۸ تغییرات زیادی درارزش پول رایج ایران روی داده است بدین معنی که قران ایرانی ازسی وچهار تایکصد وسه به نسبت لیره تغییر یافته است . از سال ۱۹۲۲ تا سال ۱۹۲۵ دکتر میلیسپو (Dr. Millspaugh) مستشار امریکائی در حدود قوانین ومقررات سعی و

کوشش زیادی برای اصلاح امورمالی کشور ایران نموداما باتمام فعالیت‌هائی که کرد موفقیتی نصیبش نگردید وسرانجام استعفا داد . درماه مارس سال ۱۹۳۲ واحد پول‌رایج ایران ازقران به‌ریال تبدیل یافت بدین‌ترتیب که یکریال صددینار وصدریال یك پهلوی نامیده میشد .

درابتدای امرنظر این بود که واحد پول طلا باشد اما بعد منصرف شدند وهمان واحد نقره باقیماند (هرریالی ۴ــ۱۴۰۰ گرم نقره دارد) .

درماه مارس‌سال ۱۹۳۶ دربرابر لیره‌یك نرخ‌رسمی برای ریال‌تعیین شد ومقرر گردید که هرلیره را هشتاد ریال معامله کنند وحال آنکه این ارزش باقوهٔ خرید ایران تناسب ندارد اما بموجب مقررات خاصی خرید و فروش لیرهٔ آزاد ممنوع گردید .(۱)

---

۱ ــ دراردیبهشت ماه سال۱۳۰۴ شمسی که مردم ایران مانندامروز از اهمیتی که مؤسسات‌اقتصادی‌وعوامل بازرگانی درشئون‌اداری وزندگانی اجتماعی دارند آگاه نبودند برحسب دستور اعلیحضرت رضاشاه کبیراولین بانك‌ایرانی باسرمایهٔ‌ایران بنام« بانك‌پهلوی‌قشون»درتهران‌تأسیس گردید.

این بانك روز اول تأسیس در چندباب مغازه که درخیابان سپه‌واقع بود شروع بکارکرد وسرمایهٔ اولیه آن مبلغ ۳،۸۸۳،۹۵۰ریال‌موجودی صندوق بازنشستگی درجه داران‌قشون بود وبهمین لحاظ دورهٔ اول‌عملیات یکسالهٔ بانك بافسران‌ارتش اختصاص داشت که باپرداخت وامهای تقسیطی برفع نیازمندی‌های آنان‌کمك میکرد وچون روزبروز بوسعت‌کاروعملیات خود میافزود دوایربانك باول خیابان باب‌همایون‌یکی از ابنیه‌های‌قورخانه انتقال یافت وروز ۲۴ اسفندماه ۱۳۰۴ اولین شعبهٔ این بانك درشهررشت افتتاح‌گردید و از همان تاریخ علاوه بروظایف‌قبلی خرید وفروش بروات وگشایش اعتبار برای بازرگانان وانجام معاملات بازرگانی آغازشدواین بانك بعدها بانك تعاونی سپه نامیده شد واکنون شرکت سهامی بانك سپه و ریاست عالیهٔ آن باشاهنشاه است .

از سال ۱۳۲۶ تیمسار سپهبد فرج‌الله‌آق اولی که در تمام مراحل و مدارج دوران خدمت سربازی خودامور محوله رابدرستی‌انجام داده‌اند ــ

این ارزش تا ماه دسامبر سال ۱۹۳۹ باقیماند ودر خلال آن مدت یك لیرهٔ استرلینگ دربازار سیاه ایران یکصد وبیست ریال ودر کشورعراق یکصد وشصت ریال خرید وفروش میشد .

در ماه مذکور مجدداً بهای ریال بجای لیرهٔ استرلینگ روی طلا تعیین وتثبیت شد وحالا ارزش آن ۵ـ۸۰ میباشد وبرای تشویق وحمایت از امور بازرگانی نرخ آن با شصت درصد ارزش قانونی تثبیت گردید ومعلوم میشود که ایران درفروش کالا ومسائل مالی ازمحافظه کاری دروغی شرم دارد .

پولهای رایج کشور ایران علاوه براسکناس سکه هاایست که کمتر ازپنج ریال ارزش دارد (تقریباً یك شلینگ وسه پنس) .

اسکناس درسرتاسر کشور وحتی تمام دهات ونواحی دورافتادهٔ ایران هم قبول وبآن دادوستد میشود .

سابقاً چاپ ونشر اسکناس بموجب امتیازی به بانك شاهنشاهی ایران که یك مؤسسهٔ انگلیسی است واگذار شده بود اما ازسال ۱۹۲۷ این وظیفه بعهدهٔ بانك ملی ایران که جدیداً تأسیس گردیده است محول شد.

این عمل یعنی تأسیس بانکملی وچاپ ونشر اسکناس بوسیلهٔ آن بانك نمونهٔ بارزی ازاستقلال مالی ایران است . اعتبار انتشار اسکناس ایران دوبلیون ریال است ولی درحال حاضر اسکناسی که بجریان گذارده شده

بسمت مدیرکل بانك سپه منصوب شدند و ازهمان تاریخ فعالیت و کوشش دامنه داری آغاز گردید ونتیجه این شد که درحال حاضر بانك سپه در تمام شهرستانهای کشور شعبه دارد ودرهمین شهرتهران بواسطهٔ ازدیادمعاملات چندشعبه افتتاح شده وسرمایهٔ بانك سپه به چهارصدمیلیون ریال ترقی یافته ودر سال ۱۳۳۶ پس از کسر ۱۵ درصد اندوختهٔ احتیاط سود ویژهٔ بانك به ۱۲،۵۵۷،۴۳۸/۱۵ ریال بالغ گردیده است . (مترجم)

کمتر ازمیزان کل اعتبار میباشد . [۱]

یکی ازسیاستهای مثبت مالی کشور ایران آنستکه خود را ازوامهای

---

۱ ـ پس ازآنکه ازتلاشها و کوششهای ملیون که برای تأسیس یك بانك مقتدرملی بعمل میآمد نتیجه گرفته نشد سالها بانکداری واقتصاد کشور تحت‌سلطهٔ بانکهای‌خارجی باقی‌ماند تاآنکه آرامش سیاسی پدیدار گردیدو باارادهٔ اعلیحضرت‌رضاشاه کبیروفعالیتهای‌خستگی ناپذیرایشان مقدمات تشکیل بانك ملی ایران فراهم گردید . در اردیبشهت ماه‌سال ۱۳۰۶ قانون اجازهٔ تأسیس بانك ملی ایران بتصویب‌مجلس رسید وبااینکه بموجب قانون‌مزبور سرمایهٔ اولی بانك ۲۰ میلیون تومان تعیین شده بود چون وضع مالی‌دولت اجازهٔ فراهم آوردن این مبلغ را نمیداد وزارت دارائـی بزحمت توانست هشتصد هزار تومان باین امر اختصاص دهدبدین‌ترتیب‌بانك ملی ایران بـا سرمایهٔ ناچیز مزبور ازتاریخ ۱۷ شهریورماه ۱۳۰۷ شروع بکار کرد.

تا سال ۱۳۱۱ بانك ملی ایران صرفاً یك بانك بازرگانی بودو با اینکه بتدریج کارهای صرافی دولت ونقل وانتقال وجوه عمومی بآن محول گردید تأثیر چندانی دروضع پولی وصرافی کشور نداشت ولی‌چون‌بموجب موافقتی که بین دولت‌وبانك شاهنشاهی درسال ۱۳۰۹ بعمل‌آمد امتیاز نشر اسکناس از بانك مزبور باز خرید شد و بموجب مادهٔ (۵) قانون مصوب اسفند ماه ۱۳۱۰ این امتیاز ببانك ملی‌ایران واگذار گردید. ازابتدای‌سال ۱۳۱۱ اسکناس بانك ملی ایران بجریان افتاد و اموروپولی کشور بتدریج تحت رهبری این مؤسسهٔ ملی قرارگرفت و درسال۱۳۱۷ مجلس شورای ملی ضمن تصویب اساسنامهٔ بانك یکی از وظایف اصلی آنـراحفظ ارزش پول وتنظیم سیاست اعتباری کشور اعلام کرد .

از نظر سرمایه بانك ملی ایران متدرجاً راه‌ترقی و تکامل را پیمود تا اینکه درسال ۱۳۱٤ سرمایهٔ‌آن به ۳۰۰ میلیون ریال که ۲۲٦ میلیون ریال‌آن پرداخت‌گردید ترقی کرد وبالاخره درسال ۱۳۳۱ مجموع‌سرمایهٔ بانك که تماماً‌پرداخت شد به دوهزارمیلیون ریال رسید.

یکی ازمشکلات مهم‌تشکیل و گردش این‌بانك فقدان متخصص‌بانکی بود و بهمین علت‌ابتداعده‌ای کارشناس‌خارجی استخدام گردید وریاست بانك نیز بدکترلیندن بلات‌آلمانی‌واگذارشد . بانك موفق گردید که درمدت←

خارجیان که گرفتن آن مستلزم تابعت از نظر آنان و در واقع یك نوع بندگی است و این کشور از یك قرن پیش گرفتار آن بوده رهائی بخشد بهمین جهت است که از آغاز رژیم کنونی تمام ساختمان‌های عمومی مملکت باسرمایه‌های

کوتاهی عده‌ای متخصص تربیت کند و چون در سال ۱۳۱۰ بعضی از مستخدمین خارجی ازحدود وظایف خود تجاوز کرده و مرتکب اعمالی شدند که متضمن زیان فاحش بانك بود بدین‌جهت از سال ۱۳۱۱ افراد ایرانی بتدریج جانشین مدیران خارجی شدند بطوریکه درحدود سال ۱۳۱۶ بیش از یکی دو تن از آنان در خدمت بانك باقی نماند. کارتربیت متخصص بانکی همچنان در بانك ملی ایران تعقیب شد و این مؤسسه توانست از این لحاظ نیز بتوسعهٔ بانکداری ایران و بالنتیجه پیشرفت اقتصادی کشور خدمت شایانی بکند.

بدون تردید باید تأسیس بانك ملی ایران را درردیف بزرگترین خدمات اعلیحضرت رضاشاه کبیر بکشور وملت ایران دانست زیرا وجوداین مؤسسه علاوه براینکه در ترقی ایران و تسهیل رشد اقتصادی کشور تأثیر فراوان داشته است از لحاظ سیاسی نیز شایان کمال توجه میباشد . قبل از تأسیس بانك ملی ایران خزانهٔ کشور درمواقع بحران مالی ناچار دست‌نیاز بسوی مؤسسات اعتباری خارجی دراز میکرد وبا قبول شرایط سنگینی که حیات سیاسی کشور را درمخاطره قرار میداد وام میگرفت درحالیکه بانك ملی ایران درطول مدت فعالیت خود در موارد عدیده خزانه کشور را از نیاز به بیگانه نجات بخشیده و باکمکهای خود توانسته است کشور ایران را ازچنین خطری مصون و محفوظ دارد .

تسهیل امور خزانهٔ مملکت ، اعطای وامهای بازرگانی وصنعتی و تشویق تولید ، تهیهٔ مقدمات تشکیل بانك کشاورزی و شرکت در ایجاد بانك رهنی ایران ،اعطای اعتبارات هنگفت برای تأسیس راه‌آهن سراسری که ازآرزوهای دیرین مردم این‌سرزمین بود، حفظ موازنهٔ ارزی‌وحمایت بازرگانی خارجی کشور براساس‌منافع ملی‌واعطای اعتبارات لازم‌بمنظور توسعهٔ امور اجتماعی (شهرسازی، تأسیس کارخانه برق، لوله کشی، ساختن خانه‌های ارزان وغیره) ازجمله اقدامات و خدماتی است که بانك ملی از بدوتاسیس تاکنون درکشور عزیز ما ایران بعمل‌آورده است.(مترجم)

داخلی صورت گرفته و کشور ایران دیناری از کشور هـای خارجی و منابع مالی بین‌المللی قرض نکرده است .

باید این موضوع رادر نظر داشت که مقرزات مالی جدید مشکلات وپیچیدگیهائی درغرب ایجاد کرده است ولی درمقررات مالی کشور ایران این مسائل بغرنج ومشکل موجود نیست وهمینکه درامور اقتصادی کشور پیشرفت بیشتری حاصل شد ممکن است قرضه های داخلی هم‌تسویه شودو همان طوریکه کشور ایران باسعی و کوشش مافوق تصوری جرأت بخرج داد وخود را ازقید سیاستهای خارجی رهـا ساخت ازدام افکار وعقاید پوچ اقتصادی هم آزادمیگردد .

امور مالی راه‌آهن وصنایع تحت نظر مستقیم وزارت دارائی وبوسیلهٔ بانکهای مختلفی ازقبیل بانکملی ایران ، بانک کشاورزی وپیشه وهنر و بانک رهنی (درماه ژانویه سال ۱۹۳۹ تأسیس گردیده است) اداره میگردد.

درکار بانک کشاورزی وپیشه وهنر ایران درسـال گذشته پیشرفت محسوسی حاصل شد بدین معنی که از مجموع ۹۲،۶۱۱،۱۴۴ ریال وامی که این بانک داده بود (عملیات مالی‌این بانک یکصد وپنجاه درصد نسبت بسال قبل‌فزونی‌داشت)مبلغ ۵۷،۱۵۳،۹۸۰ ریال‌برای پیشرفت‌امور کشاورزی ومبلغ ۱۵،۷۲۲،۷۳۸ ریال برای پیشرفت امور صنعتی بمصرف‌رسیده‌است.

این بانک بیش ازچهل شعبه و نمایندگی درسرتاسر کشور دارد و اخیراً هم برای اصلاح امورآبیاری وپیشرفت امر کشاورزی در سمنان ، کرمانشاه ، بهبهان ، فارس وخراسان باقدامات مؤثری دست‌زده‌است. بانک کشاورزی وپیشه وهنر ایران ازابتدای تأسیس خود که‌سال ۱۹۳۳ میباشد تاکنون یکصد و پنجاه میلیون ریـال بکشاورزان وام داده است . بـانک

رهنی برای بنا کردن ساختمان هاوخانه‌ها درتهران وشهرهای دیگر بمردم وام میدهد .

بانك سابق روس درحال حاضر تحت نظر دولت ایران بوده وبدعاوی بانك در گذشته رسیدگی میکند .

یك شرکت بیمهٔ ملی هم چند سال پیش درایران تأسیس گردیده و مشغول کار است .

در عرض پانزده سال گذشته مخارج دولت بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است که برای جبران آن بمالیات هم اضافه شده و هزینهٔ زندگی بالارفته است .

در سال ٤ ـ ۱۹۲۳ بودجهٔ کل کشور ازحیث درآمد ۵،۲۵۰،۰۰۰ لیره و از حیث هزینه ۵،۵۰۰،۰۰۰ لیره بوده است و حال آنکه در سال ۲ ـ ۱۹٤۱ درآمد کشور به چهل وپنج میلیون‌لیره وهزینهٔ آن به پنجاه و چهارمیلیون لیره رسیده است .

این موضوع را باید درنظر داشت که ایران از کسر بودجهٔ خود و عدم تعادل آن بخوبی آگاه است و این امر را دلیل ترقی و پیشرفت امور کشور میداند و بدین لحاظ اززیادی هزینه باك ندارد .

منابع درآمد ایران عبارتست از : حقوق وعوارض گمرکی صادرات و واردات ، کالاهای انحصاری ، کارخانجات دولتی ، حق‌السهم شرکت‌نفت انگلیس و ایران، سهام دولت دربانك ملی‌ایران وسایر بانکها ، مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم .

مالیاتهای‌غیرمستقیم راتمام‌طبقات میپردازند وچون‌مردمان کلیهٔ‌نقاط ونواحی ایران مشمول پرداخت‌آن میگردند بدین‌لحاظ رقم بزرگی را در بودجهٔ کل کشور تشکیل میدهد .

بموجب قانون مالیاتهای مستقیم کسانی که درآمد سالیانهٔ آنها از مبلغ ۲۴۰۰ ریال (سی‌لیره) کمتر باشد از پرداخت مالیات معاف میباشند وآنهائی که درآمدشان ازمبلغ مذکور بیشتر است به تناسب درآمدسالیانه مالیات تصاعدی میپردازند که تامیزان بیست درصددرآمد میرسد.

مثلا کسی که سالی دوازده هزار ریال (یکصدو پنجاه‌لیره) درآمد داردباید مبلغ ۲۴۶ریال (سه لیره‌ویك‌شلینگ‌وشش پنس) مالیات‌بپردازد.

از بیشتر کالاهای رسیده به ایران ازروی وزن مالیات رامیگیرند.

ظاهراً این مالیات برای تعمیر ومرمت خطوط ارتباطی کشور است که از عبور ومرورکامیونها و وسائط نقلیه خراب میشوند اما عملا قسمت عمدهٔ آن صرف هزینه‌های دیگر میشود.

مالیاتهای غیر مستقیم‌دیگری ازنفت وبنزین، شراب، عرق وامثال آن دریافت میدارند.

پرداخت بهای تمبر هم برای کلیهٔ اوراق مورد احتیاج مردم از قبیل شکایات دادگستری و نامه‌هائی که بادارات دولتی نوشته میشودلازم‌است.

وصول مالیات از مردم مملکت بمناسبت تغییر رژیم و تجدیداوضاع دولت فرق کرده‌است‌بدین معنی که‌درزمان پادشاهان‌سابق وقبل ازاستقرار رژیم فعلی شاه‌برای مصرف شخصی وهزینه‌های دربار خود مالیات‌میگرفت و چون مردم میدانستند که تمامی این‌وجوه به جیب پادشاه میرودبعناوین مختلف شانه اززیربارخالی میکردند وتا جائی که امکان داشت ازپرداخت مالیات خودداری می‌نمودند ولی حالا تبلیغات زیادی بین ایرانیان بعمل میآیدتا اهالی مملکت بدانندوجوهی راکه‌بعنوان مالیات بدولت‌میپردازند برای اصلاح امور خود مردم وعمران و آبادی کشورشان مصرف میگردد

وصلاح ملت در آنستکه مالیات راتمام و کمال بپردازد.

گرچه این تبلیغات تا کنون آنطوریکه باید و شاید اثرات قابل ملاحظه‌ای نداشته است اما این فایده را دارد که مردم مثل سابق ازدست مأمورین وصول مالیات فرار نمیکنند.

بزرگترین رقم مخارج کشور ایران را درسالهای اخیر هزینهٔ راه وراه‌آهن تشکیل داده است که بیش ازیك سوم هزینهٔ بودجهٔ کل کشور است وبعدازآن خرج صنایع مملکت رابابد نام برد که پس ازهزینهٔ راه وراه‌آهن درخوراهمیت است .

درظرف سالهای ۱-۱۹۴۰ و۲-۱۹۴۱ اضافه برمبالغ منظوره در بودجهٔ کل کشور دومیلیون لیره ازاعتبار ذخیرهٔ استرلینگ برای مصارف امورمربوط بارتش اختصاص داده شده است .

اعتبار منظور دربودجهٔ کل کشور برای مصارف وزارتین کشور و فرهنگ هم قابل توجه بوده وارقام بزرگی است.

درحال حاضر در کشور ایران بوام وقرضه‌های ملی داخلی چندان اهمیت نمیدهند . وام خارجی عمومی هم بطورکلی وجود ندارد .

بمنظور خرید لوازم صنعتی درماه ژوئن سال ۱۹۳۹ دولت بریتانیا پنج میلیون لیره اعتبار بدولت ایران داد اما بعلت بروز جنگ نتوانست تعهد خود راانجام دهد وروی این اصل دولت ایران هم ناچار شد ادعای خود راسکوت گذارد .

جدولی که در صفحه ۳۱۲ از نظر خوانندگان ارجمند میگذرد میزان‌افزایش بودجهٔ کشور ایران‌رادرسالهای۱-۱۹۴۰و۲-۱۹۴۱ به‌ریال نشان میدهد :

نام وزارتخانه یا ادارهٔ کل	۱۹۴۰_۱۹۴۱ ریال	۱۹۴۱_۱۹۴۲ ریال
وزارت دربار	۵۲۲۲۴۸۰	۵۲۲۲۴۸۰
مجلس شورایملی	۹۹۸۵۰۰۰	۱۱۰۸۰۴۷۰
نخست وزیری	۱۰۰۸۰۰۰۰	۱۱۰۰۷۰۰۰
وزارت جنگ	۴۸۴۷۲۹۹۸۰	۵۹۳۱۲۱۵۲۴
ژاندارمری کل	۳۵۶۷۸۴۰۰	۳۵۶۷۸۴۰۰
وزارت کشور	۱۳۱۶۰۷۰۰۰	۱۷۰۴۳۷۸۸۴
وزارت دادگستری	۶۴۰۴۶۰۰۰	۷۸۶۱۰۰۰۰
وزارت امورخارجه	۳۳۴۰۰۰۰۰	۳۰۷۰۰۰۰۰
وزارت پست و تلگراف	۷۱۰۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰۰
وزارت فرهنگ	۱۳،۱۸۰۰۰۰۰	۱۹۴۹۲۰۰۸۰
وزارت بازرگانی	۵۲۰۰۰۰۰	۵۷۰۰۰۰۰
ادارهٔ کل کشاورزی	۷۱۶۱۵۴۷۷	۱۲۱۶۱۵۴۷۷
وزارت دارائی	۱۴۵۶۹۸۳۷۸	۲۶۵۷۸۵۷۰۰
وزارت صنایع	۷۴۴۶۲۰۰۰۰	۹۹۰۷۸۸۰۰۰
وزارت راه	۹۹۹۱۳۶۸۰۰	۱۰۹۲۱۳۸۰۰۲
هزینه‌های متفرقه	۲۶۷۱۵۳۵۱۲	۶۲۷۱۰۶۶۵۹
جمع کل	۳،۲۱۰،۹۷۳،۰۲۷ریال	۴،۳۲۳،۹۱۱،۶۷۶ریال

قیمت‌ها ازتورمی که نشانهٔ توسعه وپیشرفت اوضاع اقتصادی است حکایت دارد اما رویهمرفته نرخ ثابت ریال را طوری تنظیم کرده‌اند که‌قوهٔ خریدرضایت بخش است .

بموجب گزارشهای رسمی که درماه نوامبر سال ۱۹۴۰ انتشار یافت بطورکلی‌قیمت‌هانسبت به سال ۷ - ۱۹۳۶ چهل‌وهفت‌درصدافزایش‌یافته‌است وهزینهٔ زندگی هم پنجاه وچهار درصد بالارفته است .

مزدکارگران‌خیلی ناچیزاست مثلا یك‌کارگرمعمولی درجنوب‌روزی چهار تاپنج ریال (یك شلینگ تایك‌شلینگ وسه پنس) اجرت میگیرد گواینکه مزدش‌ازکارگران‌شمال بیشتراست‌امابهرصورت‌تکافوی هزینه‌های زندگیش را نمیدهد .

کارگران صنعتگر درجنوب‌روزی بیش ازسی‌وپنج تا چهل ریال‌مزد ندارند ولی درتهران این اجرت تا دوبرابر هم میرسد .

در قسمت کارهای دفتری یکنفر ماشین نویس ویاکارمند عادی در ابتدای ورود بخدمت دولت ماهیانه سیصد ریال حقوق دریافت میدارد وحد وسط حقوقش بین نهصدتا یکهزار ریال میباشد.

میزان مزدکارگران‌وحقوق کارمندان بطور مرتب واجباری‌بالامیرود و مسابقه بین درآمد وهزینهٔ زندگی بهمان طرز اقتصادی حزن انگیزی که درغرب جریان دارد درایران نیز شروع شده‌است .

حال این موضوع باقی میماند که به‌بینیم آیا کارشناسان مالی‌ایران قادر خواهند بودآنچه راکه از اروپا و اروپائیان گرفته‌اند الك کنند و خوب را از بد جدا کرده این مسائل بغرنج اقتصادی را با مفهوم مشترکی حل وفصل نمایند ؟

فصل سی ودوم

ترقیات اجتماعی

اثرات عمیقی که اصلاحات امور اجتماعی و ترقیات فرهنگی در کشور ایران ایجاد کرده است درهمان برخورد اول نظر بیننده راجلب میکند.(۱)

۱- پس ازوقایع شوم شهریورماه ۱۳۲۰ که اعلیحضرت رضاشاه کبیر استعفا دادند وامور سلطنت را بولیعهد وجانشین قانونی خود اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی تفویض کردند مردم ایران بواسطهٔ اثرات ناشی از جنگ که دامنگیر عالمیان شده بود سخت دچار فقروفاقه شدند امراض گوناگون وفقدان مؤسسات مجهز بهداشتی هم ازهرسو مخصوصاً طبقهٔ رنجبر ومزدبگیر کشورما راتهدید بمرگ میکرد.

در چنین موقعیتی اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی تصمیم گرفتند که برای کمك بمستمندان وطبقهٔ زحمتکش ورنجدیدهٔ ایران سازمان مجهزی بوجودآورند ودرسال ۱۳۲۶ پس ازمطالعاتی که بعمل آمد سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تشکیل گردید و برای آنکه علاوه بر توجه مخصوصی که باین مؤسسهٔ عظیم داشتند مسئولیت مستقیم ادارهٔ آن هم زیر نظر شخص علاقمند ودلسوزی قرارگیرد. اعلیحضرت همایونی والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی رابسمت نیابت ریاست عالیهٔ سازمان منصوب فرمودند که والاحضرت ازهمان تاریخ باجدیت وفعالیت خستگی ناپذیری مشغول انجام وظایف خطیرخود شدند وتمام مردم ایران ازنتیجهٔ این کوششهای شبانه‌روزی بخوبی آگاهند.

بطورقطع هرمسافری که به کشور ایران وارد شود تغییرات زیادی درزندگانی ایرانیان میبابد که بکلی با آنچه در فصل گذشته بیان شد مغایرت دارد .

درسال ۱۳۲۷ اساسنامهٔ سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در نوزده ماده تنظیم گردید و برای اجرای آن فرمان همایونی بشرح ذیل صادرشد :

اساسنامهٔ سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را که ضمیمهٔ این دستخط ومشتمل بر نوزده ماده وشش صفحه است ملاحظه نمودیم ازهمین قرار بموقع اجرا گذاشته شود . کاخ سفید ۲۶ تیرماه ۱۳۲۷

فعالیت سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی روز بروز بیشترشد و تحت توجهات اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی ریاست عالیهٔ سازمان ووالاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالیه مؤسسات بهداشتی وفرهنگی وتربیتی درسراسر کشور حتی دراقصی‌ترین نقاط مملکت افتتاح گردید و بخدمت مردم کمرهمت بست .

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ازسال ۱۳۲۶ تاکنون تاسیساتی درکشور بوجود آورده واقداماتی معمول داشته است که مهمترین آنها برای اطلاع خوانندگان گرامی ذکرمیشود :

۱ـ آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی
۲ـ کانون کار وآموزش
۳ـ آموزشگاه بزرگ حرفه‌ای برای هزارنفرشاگرد که نیمی ازآنها شبانه‌روزی خواهند بود و شامل کارخانجات: برق ، نجاری ، آهنگری ، اتومکانیك ولوله کشی باتمام وسایل جدید میباشد وهفت تن استاد اطریشی برای تعلیم شاگردان آموزشگاه استخدام شده‌اند .
۴ـ یك بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی درتجریش
۵ـ درمانگاه وناهارخوری درسر آسیاب دولاب
۶ـ آموزشگاه تعلیم وتربیت نابینایان
۷ـ بخش درمان کچلی
۸ـ بخش جراحی سوانح وحوادث بیمارستان سینا
۹ـ چهارشعبهٔ کمك بمادران و کودکان ←

این تغییرات عمیق ازدهات وقصاب مملکت شروع شده وبشهرهای کوچك وبزرگ میرسد.

۱۰ــ ناهارخوری باغ فردوس
۱۱ــ ساختمان دوخوابگاه برای دانشجویان در کوی دانشگاه
۱۲ــ هشت بیمارستان در نقاط مختلف کشور
۱۳ــ شصت ودودرمانگاه در نقاط مختلف کشور
۱٤ــ دودرمانگاه درمان تراخم در «دزفول»
۱۵ ــ پرداخت کمك هزینهٔ تحصیلی بعده‌ای ازدانش آموزان و دانشجویان سراسر کشور
۱٦ــ طبع چهار میلیون وپانصد هزارجلد کتب چهارسالهٔ ابتدائی و توزیع رایگان آن بین دانش آموزان تاسال چهارم دبستان درسراسر کشور.

و نیز سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ازمحل اعتبارات خود ودرآمدهای مختلفی که دارددرهنگام بروزحوادث وسوانح ناگوارمانند سیل، زلزله و حریق هر بار بسهم خود بمؤسساتی که بکمك ومساعدت آسیب دیدگان برخاسته‌اند وهمچنین برای منظورهای مختلف کمك‌های نقدی مؤثری کرده است که دراین جا مبلغ کمك و نام مؤسسات وجمعیت ها برای اطلاع خوانندگان گرامی درج میگردد:

۱ ــ جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران	٤٦۰۰۰۰۰ ریال
۲ ــ جمعیت خیریهٔ ثریا	۲٦۳٦۱۰۰ »
۳ ــ بنگاه حمایت مادران ونوزادان	۲۵۰۰۰۰۰ »
٤ــ بنگاه نیکوکاری	۳۱۸۰۰۰۰ »
۵ــ انجمن ملی ایرانی حمایت کودکان	٤۳۷۵۰۰۰ »
٦ــ انجمن مبارزه با بیماریهای آمیزشی	۱۰۲۷٤۰۰ »
۷ــ جمعیت مبارزه باسل وحمایت مسلولین	٤۷٤۷۰۰ »
۸ــ انجمن حمایت حیوانات	۹۲۰۰۰۰ »
۹ ــ انجمن حمایت دیوانگان	۵۰۰۰۰ »
۱۰ ــ انجمن خیریهٔ مرکزی شهرتهران	۷۷۱۸۵٦ »
۱۱ ــ انجمن پارك شهر	۱۵۳۵۰ »
۱۲ ــ انجمن حمایت کودکان کرولال	۱۵۰۰۰۰ »
۱۳ ــ انجمن محلی چاله میدان	٤۰۰۰۰ » ←

در شهرهای بزرگ و آباد مانند تهران خانه‌ها و لوازم زندگی مردمان متمول ازقبیل مبل واثاثیه وسایرمایحتاج شبیه اروپائی ها است‌در صورتیکه دراستانهاطبقات عالی هنوزهم بسبك مردمان قدیم‌زندگی‌میکنند اما از اختراعات جدید مانند : برق ، تلفن و رادیو بدشان نمیآید .

وضع ساختمان خانه‌های ایران بیشتر تحت تأثیر آب‌وهواست ودر نقاطی که گرما درسایه به۱۲۰ درجه میرسد طبعاً نباید خانه ها را مانند نواحی سرد سیرآفتاب گیر درست کرد بادرنظر گرفتن این موضوع بیشتر خانه های جدید راهم باهمان اسلوب قدیم ساخته‌اند بدین ترتیب که‌چند اطاق مجاور هم‌بنا شده که دیوار های بیرونش پنجره ندارد وپنجره های

---

۱۴ ـ پرورشگاه جعفری	۱۹۰۰۰۰	ریال
۱۵ ـ پرورشگاه تقوی	۴۲۹۰۰	«
۱۶ ـ کمك بآسیب دیدگان اصفهان ، سیل زدگان سیستان ، حریق زدگان‌میانه‌وسیل‌زدگان‌رودسر درسالهای۲۷و۲۸و۳۰ جمعاً	۴۵۰۰۰۰	ریال
۱۷ ـ داروی جذامیان	۲۵۰۰۰۰	«
۱۸ ـ دارو برای سربندان جابان	۱۰۸۰۰۰	«
۱۹ ـ دارو برای قریهٔ سیلاخور	۲۶۳۰۰۰	«
۲۰ ـ دارو برای حجاج	۸۲۵۰۰	«
۲۱ ـ تهیهٔ لباس برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت	۶۹۳۰۹۰	«
۲۲ ـ کمك به‌بنگاه اشرف	۱۳۳۰۵۴۸۰/۵۰	«
۲۳ ـ کمك بشعبات‌سازمان شاهنشاهی درفارس ، آذربایجان، اصفهان، بلوچستان جمعاً	۱۳۵۸۰۰۰	«
۲۴ـ تهیهٔ دست و پای مصنوعی	۱۷۷۷۰۰	«
۲۵ـ کمك‌های متفرقه	۹۸۲۰۰۰	«
۲۶ـ برای‌تکمیل وسائل‌وتجهیزات بخش‌جراحی سوانح وحوادث‌بیمارستان‌سینا	۳۶۷۳۰۰۰	ریال

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی‌روز بروز برفعالیت خود درخدمت مردم‌میافزاید وحامی مردمان‌رنجبر وزحمت کش کشورعزیزما ایران است .

(مترجم)

داخل هم بایوان طویلی بازمیشود .

این خانه‌ها حیاط نسبتاً وسیعی هم دارند که حوض بزرگی دروسط آن ساخته‌اند .

بسیاری ازخانه ها سرداب دارد که بوسیلهٔ بادگیر هوا بداخل آن میآید .

این اطاق های زیرزمینی درگرمترین روزهای تابستان خنك میماند وآنهائیکه نسبتاًمتمول هستند تابستان دراین اطاقها یابهتر بگوئیم دراین سردابها بسرمیبرند . زندگانی مردم فقیرمانند متمولین وسعت ندارد اغلب ازدهاتی‌ها وکارگران شهری باخانوادهٔ خود دریك اطاق زندگی میکنند .

بهداشت تقریباً درمیان آنها نیست وتنها چیزی که باعث نجات آنان شده اینستکه مجبورند درعرض شبانه روز مدت زیادی ازوقت خود رابرای انجام کار درخارج ازاطاق بسر برند بااین وصف جای تأسف است که دولت میخواهد ایلات وعشایر چادر نشین را که لااقل درهوای آزاد زندگی میکنند درخانه‌های دهاتی که وضعیت آن ذکر شد جای دهد وآنان را ازهوای آزاد فعلی هم محروم سازد .

بهر حال دولت تصمیم جدی دارد که ایلات وچادرنشینها راشهری کند(تاکنون یکصدوپنجاه هزار نفرازایلات وعشایررا شهرنشین کرده‌اند) وازنظر اینکه کارگرهای متوسط هم مایلند خانه داشته باشند معلوم میگردد که عمل دولت دراین راه پیشرفت قابل توجهی کرده وباموفقیت روبروشده است.

دولت ایران از این طرز زندگانی کارگران که بهیچوجه رعایت بهداشت نمیشود راضی نیست وروی همین نظراست که درمجاورت کارخانه‌های دولتی ساختمانهائی برای سکونت کارگران ساخته‌اند که از نظر ما

وکارشناسان فنی بازهم معایبی دارد ولی بادرنظر گرفتن اوضاع کنونی میتوان گفت که خانه‌های فعلی ازهر حیث برساختمان‌هائی که قبلا درآنها کارگرها سکونت داشتند برتری دارد .

بازارها ودکاکین آنطوریکه باید نیست زیرا جلوی دکانها حتی دکانهای خواربار فروشی که کالای آنها مورد حوائج عامه است باز میماند ودر خارج تهران شیشه شیئی کمیاب وپرارزش محسوب میگردد .

این حقیقت کاملا روشن ومسلم است که هر اندازه نسبت بشهر تهران توجه میشود ودر تجدد ونهضت آن کوشش هـای قابل توجهی بعمل میآید همان اندازه هم نسبت به‌اصلاح استان‌ها وشهرستان های دیگر ایران غفلت کرده‌اند زیرا زیباترین خانه‌ها وساختمان های بزرگ وجدید، بهترین مغازه‌ها وقشنگترین خیابانها و پارکها درتهران دیده میشود .

درشهر تهران مجامع ومحافل مهم ایران تمرکز یافته ودراین شهر است که سیاستمداران خارجی ، بازرگانان معتبر ، مهندسین ، هنرپیشه - های خارجی ، طبقات عـالی ایرانی ، افسران ، درباریان وغیره سکونت کرده‌اند ودرآنجا که شهر جدید وزیبا ایست زندگی میکنند .

در واقـع میتوان گفت کـه محیط شهر تهـران یك محیط تقریباً افسانه‌ایست فقط راه‌آهن وکارخانجات است که صورتی عملی وجدی باین شهر میدهد .

یك نوع تغییر اساسی درهمهٔ شهرهای ایران رویداده واین تغییر که باسرعت پیش میرود تغییر لباس است .

درتعقیب علاقمندی جنون‌آمیز جدید شرقی دربارهٔ متحدالشکل شدن لباسها شاه‌ایران درسال۱۹۲۸ دستور اجباری شدن لباس متحدالشکل

را برای مردان صادر کرد که تا کنون هم بقوت خود باقی است وفقط ملاها ازاین دستور مستثنی هستند که همان عبا و عمامهٔ سابق خود را دارند.

درمیان ایلات وعشایر ایران که درنقاط دور دست زندگی میکنند هنوزهم آن شلوارهای سیاه گشاد و کتهای نمدی چسبان که یادگارچندین قرن پیش است دیده میشود.

درهرصورت این جریان که بایدآنرا (انقلاب لباس) نامید درسال ۱۹۲۹ موجب شورش گردید ودر حال حاضر تقریباً همه جای ایران را فرا گرفته است ودر کمتر نقاطی است که خلاف دستور عمل کنند.

کلاه ایرانیان درموقعیکه لباس اروپائی معمول گشت کلاه پهلوی بود که شباهت زیادی به کپی‌های فرانسوی داشت ولی این کلاه را میتوان رابط بین کلاه های قدیم وجدید ایران دانست زیرا درسال ۱۹۳۵ کلاه اروپائیها که‌عبارت‌از کلاه شاپواست‌عمومیت یافت بطوریکه اگرهم اکنون یکنفردهاتی ایرانی با کلاه نمدی گرد وقدیمی پاازخانه و ده خود بیرون بگذارد فوراً کلاه راازسراو برمیدارند ودرجلوی چشمش آنراپاره میکنند.

کلاه پهلوی‌هم اکنون همین حال‌را پیدا کرده است وبسر گذاردن آن‌برای افرادملت ممنوع گردیده وفقط‌خاندان سلطنتی میتوانند درمواقع رسمی کلاه پهلوی داشته باشند.

لباس معمولی دربار اگر اونیفورم نباشد لباس‌شب با کلاه ابریشمی است بااین حال جای مسرت است که عادات ورسوم قدیم ایران‌کاملا محو نشده وبرای‌آشنا شدن جوانان ودانشجویان دردانشگاه تهران این‌موضوع تحت عنوان‌آثار باستانی تدریس میشود موزه وشعبهٔ مخصوصی هم‌بنام‌شعبهٔ (علم وهنر باستانی) دردانشگاه تأسیس گردیده است.

اصلاح مهم و بسیار اساسی دیگری که صورت گرفته عبارت از آزادی زنان است که درصورت ظاهر مانند تغییر لباس مردان میباشد .

زنـان ایران ازچند قرن پیش باینطرف تمـام اندام خود را ازفرق سرتـا نوك پابا چـادر سیاهی می‌پوشانیدند وپردهٔ عجیب دیگری هم روی صورت میانداختند وبدتر اززن‌های سایر کشور های اسلامی سر تا پای خود را درلفافی می‌پیچیدند .

زن‌های ایرانی بحدی مقید بودند که فقط ساعات معینی را میتوانستند بااین چادر وچاقچور ازخانه بیرون بیایند واصولاً آنها جزءِ اعضای جامعه محسوب نبودند که این وضع بانهضت جدید بهیچوجه سازگار نبود وطبعاً درهمان وهلهٔ اول مورد حمله واقع میگشت .

درسال ۱۹۲۶ برای پایان دادن باین‌وضع نهضت هائی بوجود آمد اما همینکه امان‌الله پادشاه کشور همسایه وهمجوار ایران یعنی افغانستان دراثر تجدد خواهی تاج وتخت خود را ازدست داد وازسلطنت خلع گردید نهضت تجدد ایران هـم متوقف ماند وشاه بناچار درآن باره رویهٔ حزم و احتیاط را پیش کشید .

در سال ۱۹۳۰ زن‌های طبقهٔ عالی ایرانی در منازل خودلباس اروپائی میپوشیدند (زنان زرتشتی وارمنی همیشه بی حجاب بودند واجازه داشتند که آزادانه لباس بپوشند) کارمندان دولت وهمچنین کار کنان سازمانهای دولتی را بطور نیم رسمی تشویق میکردند که زنان ودختران خودرا لباس مدجدید بپوشانند .

در سـال ۱۹۳۵ این نهضت خیلی تقویت شد بطوریکه آموزگاران دختران دانش آموز دبستانها و دبیرستانها اجازه نداشتند باچادرورو بسته

بمدارس بروند و همچنین افسران ارتش هم نمیتوانستند همراه زن روبسته بیرون بیایند. این رویه ادامه داشت تا اینکه بالاخره روزهشتم ماه ژانویه سال ۱۹۳۶ قدم بزرگی برداشته شد.

در این روز که در زندگانی زنان ایران اهمیت بسزائی دارد شاه بدانشسرایعالی رفت تا گواهینامهٔ فارغ التحصیل‌ها را بدست خود بدانشجویان بدهد ملکهٔ ایران ودو دختربزرگش که با لباس اروپائی و بدون حجاب بودند همراه شاه بدانشسرایعالی آمدند.

در اینجا نطق پادشاه ایران عیناً درج میشود زیرا این نطق تاریخی نمونه‌ای از فکروصحبتهای ساده و بدون تعارف اوست. شاه چنین گفت:

من بی‌اندازه‌خوشحالم زنانی را دراینجا می‌بینم که درنتیجهٔ تحصیل و آموختن دانش آمده‌اند وضع و موقعیت حقیقی خود را به بینند حقوق و منافع خودشانرابفهمند.

همانطوریکه خانم تربیت خاطرنشان ساخت زنان کشور ما بعلت کنارماندن از جامعه قادر نبودند استعداد ولیاقت ذاتی‌خودرا نشان دهند.

در حقیقت من باید بگویم آنها قادر نبودند وظیفه ای را که نسبت بکشور محبوبشان برعهده داشتند انجام دهند وبا خدمت وصمیمت خودرا آنطوریکه باید وشاید بشناسانند اما در حال حاضر علاوه برحق شخصی مادری میتوانند ازحقوق ومزایای دیگراجتماعی بهره‌مند گردند.

ما نباید تصور کنیم که ممکن است نیمی از افراد ملت را بحساب نیاوریم ویا بعبارت دیگرنباید این‌نیت را داشته باشیم که نیمی‌ازقوهٔعاملهٔ مملکت بیکار وعاطل و باطل بماند.

تاکنون آماری از زنها بر نداشته اند مثل اینست که زنان جامعهٔ

جداگانه‌ای هستند و نباید آنانرا جزء جامعهٔ ایران محسوب داشت. خیلی جای تأسف است که فقط در یك موقع زنان را سرشماری کردند آنهم وقتی بود که خواربار کم آمد و زنها را سرشماری کردند تا خوراکشان را تهیه و تأمین کنند

من نمیخواهم در این باره تأثرات خود را اظهار کنم ، من نمیخواهم اقداماتی را که بعمل آمده و ترقیاتی را که انجام یافته ذکر کنم ، من نمیخواهم درمقام مقایسه بر آمده وفرقی میان امروز وزمان گذشته قائل شوم، اما شما زنها باید این روز را که روز سعادت وموفقیت شماست روز بزرگی بدانید واز فرصتی که بدست آورده‌اید برای خدمت بکشور خود از آن استفاده کنید .

بعقیدهٔ من ما باید آنچه میتوانیم برای سعادت و ترقی کشورمان کار کنیم و استعداد خودمانرا برای موفقیت در انجام خدمت باین ملت بکار بریم ، ما باید در تعلیم و تربیت افراد ملت کوشا باشیم. گرچه تعلیم وتربیت دراثر مساعی کارمندان دولت رو بترقی است ولی هیچکس نباید ازاین حقیقت غافل بماند که ملت کار وقدرت میخواهد وهر کسی باید نهایت سعی و کوشش خود را بکار برد وبرای سعادت وآسایش مردم بهتر وسخت‌تر کار کند.

شما خواهران ودختران من حالا که داخل جامعه شده‌اید و برای پیشرفت خود و کشورتان این قدم را برداشته‌اید باید بفهمید که وظیفهٔ شما اینستکه برای کشور خودتان کار کنید ، سعادت آینده دردست شماست زیرا شما مربیان فرزندان این مملکت هستید وشمائید که باید نسل آینده را تربیت کنید .

شما قادر خواهید بود که آموزگاران خوبی باشید وبرای ماهموطنان خوب تربیت کنید.

من ازشما زنان تحصیلکرده وتربیت شده که ازحقوق ومنافع خودتان

آ گاهید ودرراه انجام وظایف خودنسبت بکشورتان قدم برداشته‌اید انتظار دارم بزندگی کنونی راضی باشید ، درحدود توانائی‌خودتان کار کنید ، در زندگی روزانهٔ خویش صرفه‌جوومقتصد باشید وازاسراف وخرجهای تجملی خودداری نمائید .

ازهمانروز زنان ایران ازنظر قانون بامردان مساوی شدند ، حجاب اکیداً ممنوع گردید. هیچ زن‌چادربسری نمیتوانست برای خرید مایحتاج زندگی خودبمغازه‌های شهربرودوهمچنین زنان‌روبسته نمیتوانستندبخیابان بیایند ویابه‌تاکسی واتوبوس ودرشکه سوارشوند .

بیست و پنجهزار لیره برای مخارج تهیهٔ لباس زنان بی بضاعت اختصاص دادنداما نتیجه‌ای که ازاین اقدام بدست‌آمد چندان رضایت بخش نبود برای آنکه زنان طبقات عالی توانستند مطابق آخرین مد (پاریس) لباس بپوشند وبقیهٔ زنها ناچارشدند باآنچه دربازار بدستشان آمد بسازند واحتیاجات خود را مرتفع کنند وبااین ترتیب مخلوطی ازقدیم وجدید بوجودآمد که ازآن حجاب کدرکننده وملالت بارهم بدترشد امادرمقابل این اقدام مورد پسند عمومی واقع گردید وزنان جوان آزادی جدید خود راحسن استقبال کردند وفقط عده‌ای ازپیرزنهای محافظه‌کار ازخانه هایشان بیرون نیامدند وبدینوسیله مخالفت و اعتراض خود را اظهار داشتند . در هیچیك ازشهرها ونواحی مختلف ایران گزارشی درباب شورش‌ضدحجاب بمقامات دولتی نرسید وتصور میرود عدم مخالفت مردم از آنجهت بود که قبلا زمینه رابا تبلیغات لازم وکافی آماده کرده بودند .

ماهها قبل ازرفع حجاب وبعد ازآن مطبوعات‌ایران مقالات متعددی دربارهٔ آزادی زنان مینوشتند ودستورالعملهائی هم که حاکی‌ازطرزمعاشرت

مدلباس ، آرایش موی سر وامثال آن بوددرج میکردند وهمه روزه عکسهای متعددی از زنان ورزشکار ، زنان دانشجو ، زنان هنرپیشه وستاره‌های فیلم وزنان خلبان درروزنامه‌ها بچاپ میرسید .

این قدم مهمی که برای پیشرفت زنان ایرانی برداشته شد درقسمت ازدواج هم بسیارمؤثربود چون مطابق قوانین اسلامی کلیهٔ حقوق واختیارات باشوهراست ومردی که بیش از یك زن‌دارد مجبوراست با تمامی آنها یکسان وبدون تفاوت رفتار کند وبین آنان فرقی نگذارد اما طلاق برای مردآسان وبرای زن غیرممکن‌است.(۱)

نظر ایرانیـان درموضوع ازدواج هیچگاه طبق دستورات اسلامی انجام نمیگرفت وایرانیها دراین‌باب سهل‌انگار بودند وراه خطامیرفتند .

رسم معمول تعدد زوجات بندرت عملی میشدمگر درمورد بخصوصی که ازدواج موقتی‌بود ودربین شیعیان بنام (متعه) رواج است وممکن‌است ازیك شب تامادام‌العمر ادامه یـابد .(۲)

نویسنده مردی را میشناسم که نوزده زن گرفته بود ولی هیچوقت بیش ازیك زن نداشت

---

۱ ــ شارع مقدس اسلام‌برای زنهای مسلمان حقوق زیادی قائل‌شده وتمام افراد مسلمان عـالم میدانندکه زن مسلمه میتواند درچندین موارد تقاضای طلاق بکند ومحاکم هم‌بنفع اورأی میدهند وهمچنین زن مسلمان درهرقسم‌تصرف دردارائی ومایملك خودآزادمیباشددرصورتیکه زن‌اروپائی بدون رضایت شوهر خود نمیتواند هیچگونه معامله‌ای انجام‌دهد وشخصیت حقوقی اوبکلی ازبین میرود . (مترجم)

۲ ــ درمذهب مقدس شیعه متعه ازآن‌جهت مقررشده است که مردان ازراه راست منحرف نشوند وحقوق زنان مسلمان هـم محفوظ باشد زیرا فرزندان زنانی که متعه میشوند بافرزندان زنان عقدی فرقی ندارند وازهر حیث باهم مساوی هستند . (مترجم)

تعدد زوجات وازدواج موقت هردوعملا موردپسند طبقات عالی ایران واقع نگردید وقوانین سال ۱۹۳۱ وبعدازآن بیشتر موافق ذوق اقلیت است.

برای ثبت صیغه یا ازدواج موقت مراسم خاصی تعیین شد گرچه صیغه وتعدد زوجات هنوزهم درایران برسمیت شناخته میشود اما اگر مرد قبل ازازدواج بهزن نگوید که زن دیگری دارد ویابدون رضایت زن بعداز ازدواج زن دیگری بگیرد زن حق دارد طلاق خودرا ازمرد بخواهد .

این اقدام اساسی یعنی حق طلاق به زن دادن درهمان قدم اول با مخالفتهائی روبروشد وبمنظور جلوگیری ازآن بحیله های قانونی متوسل شدند که ازاتهام نقض قوانین اسلامی مبرا باشند بدین ترتیب که مثلا زن رادرطلاق دادن ازطرف مرد وکیل کردند (که درصورت لزوم بدون رضایت شوهر طلاق بدهد) .

معاینهٔ پزشکی وارائهٔ گواهی صحت مزاج درموقع ازدواج برای زن ومرد هردو ضروری است .

حداقل سن قانونی ازدواج برای پسران هیجده وبرای دختران شانزده سال است (دربعضی مواقع ممکن است بارضایت والدین ازدواج پسران درپانزده سالگی وازدواج دختران درسیزده سالگی صورت گیرد)[۱] ولی پیشرفت تعلیم وتربیت وتغییر عقاید عمومی باتبلیغات دامنه‌دار ومؤثر دولت بمراتب بیش ازهر قانونی کار خودرا انجام میدهد واین تبلیغات وسیع بطوری درروحیهٔ مردم اثر کرده است که درحال حاضر احساسات عمومی طبقات عالی(مردمان تحصیل کرده وروشنفکر) باتعددزوجات وازدواج پیش ازموقع قانونی بهیچوجه موافقت ندارد .

---

۱ ـ این موضوع منع قانونی دارد ومرتکبین مجازات میشوند (مترجم)

یکی ازحقوق دانهای ایرانی اخیراً اظهار نظر کرده است که زنـان ایران فقط درپنج مورد قانونی بامردان مساوی نیستند .

۱ - هرمردی میتواند بیش ازیك زن داشته باشد درصورتیکه زن نمیتواند بیش ازیك شوهر داشته بـاشد (دربعضی موارد برای مردان هـم محدودیتهائی قائل شده‌اند) .

۲ - مرد میتواند درهر موقعیکه بخواهد زن را طلاق دهد امـا زن فقط دربعضی ازموارد میتواند ارحق طلاق استفاده کند .

۳ - زن کمتر ازمرد ارث‌میبرد [۱] امادرمقابل زن درموقع عروسی جهاز میگیرد ومیتواند هر گونه تصرفی دراموال خود داشته باشد .

٤ - مرد رئیس واداره کنندهٔ خانواده است وطبق قانون‌زن وبچه ـ هایش مکلفند ازدستورات اواطـاعت کنند .

٥ - زن حق رأی دادن ندارد ونمیتواند بسمت نمـایندهٔ مجلس شورایملی انتخاب گردد .

باوجود این زنان ایران که تازه‌آزاد گشته‌اند باسرعت زیـادی در امور اجتماعی کشور خویش شرکت میکنند .

موقعی بود که‌زنان فقط میتوانستند باسمت معلمی وارد خدمت‌شوند ومعادل نصف حقوق مردان را بعنوان حقوق دریافت دارند امامتدرجاً این وضع تغییر کرد وزنها توانستند طبیب وپرستار بشوند وپس ازآنهم برای تحصیل بدانشگاه رفتند، روزنامه نگار وقانون‌دان شدند وعده‌ای هم‌برای

---

۱ - طبق قوانین‌شرع مطهراسلام که درکشور ماایران اجرامیگردد وقوانین ارث هم باستنادآن تنظیم وتصویب شده‌است سهم‌الارث هرپسری از ماترك پدر دومقابل سهم‌الارث دختراست . (مترجم)

تکمیل تحصیلات خود بخارج ازایران عزیمت کردند .

اولین مؤسسه‌ای که زنان ایرانی را بسمت ماشین نویس وثبات استخدام کردشرکت نفت انگلیس وایران بود وپس از آن بنگاههای ملی وسازمان‌های دولتی این رویه را تعقیب کردند بطوریکه در ایران هم مانند اروپا در ادارات زنها ازمردها جلوافتادند .

عده‌ای اززنان ایرانی صنعت آموختند ودرحال حاضر دربین آنهازنان خلبان هم یافت میشوند .

درقسمتهای هنرپیشگی پیشرفت چندانی حاصل نشده است وزنان خواننده وهنرپیشه درایران بندرت یافت میشوند زیرا نهی شدید اسلام در قسمت نمایشات وهنرپیشگی دراین کشور بیش ازسایر ممالك اسلامی محکم واستوار مانده است ولی بدون تردید این وضع هم چندان دوامی ندارد و مانند سایر موارد مشابه بمرور ایام تغییر میابد .

ازسال ۱۹۲۸ به زنان اجازه داده شد به‌کافه‌ها وسینماها بروند واز آنموقع تا کنون درکلیهٔ امور اجتماعی شرکت دارند وبطور عادی دراماکن ورستورانهای عمومی غذا میخورند ودرمجالس رقص شرکت میکنند (مقررات مربوط باین امور گاهگاهی تغییرمیکند) .

فصل سی و سوم

بهداشت و فرهنگ

در سال ۱۹۳۲ کنگرهٔ بانوان شرق درتهران تشکیل گردید ، ریاست این کنگره را دختر بزرگ شاه عهده داربود . دوسال بعد همین شاهدخت بسمت اولین رئیس باشگاه بانوان ایران انتخاب گردید . باشگاه بانوان ایران درتهران بنای بسیارزیبا ومجللی دارد .

بمحض تشکیل اولین باشگاه بانوان اتحادیه های دیگری هم تأسیس گردید که تماماً بوسیلهٔ بانوان اداره میگردید واز آن جمله میتوان بخش (شیروخورشید سرخ ایران) رانام برد که بمنزلهٔ صلیب سرخ اروپائی‌هاست و درحال حاضرتمام جشنهای رسمی باشرکت‌دختران پیش‌آهنگ ودختران‌دانش‌آموزتشکیل میگردد .

جای تعجب است که آزادی زنان ایران بهیچوجه چیزی ازانجام وظایف شوهرداری‌ومادری آنان نکاسته است .

بموجب قوانین کرخ(Kirche)و کوخ(Kuche) وکایندر(Kinder) که‌در کشورآلمان برای‌طبقهٔ نسوان گذراندند هیچ‌زنی حق نداشت وارد خدمات دولتی بشود زیرا دراین صورت ازوظایف مادری و شوهرداری باز

میماند در کشور ایران این قانون معناً دربارهٔ بانوان نافذاست اما طرفداران زن این موضوع راانکارمیکنند.

قانون‌کار که در سال ۱۹۳۸ بتصویب رسیده است درعین حال که در امور کارگری اصلاحات قابل توجهی بعمل آورد از کار کردن زنان و کودکان درکارخانه‌ها ممانعت نکرده است.

در قسمت کار کردن زنها درکارخانه ها چندان اعتراضی نیست زیرا ازطرفی کارهای سبك مانند قالی بافی، نساجی وسیگارپیچی وامثال آن بزنان واگذار میشود وازطرف دیگر استخدام زنها درکارخانه ها میرساند که با مردان‌مساوی هستند اما در موضوع استخدام بچه‌ها این امر قابل توجه است که هنوزهم دختران و پسرانی که کمتر از ده سال دارند در کارخانه‌های قالی بافی ونساجی استخدام میگردند.

سیاست دولت ایران در این مورد آنستکه اینگونه اموررا متدرجاً اصلاح کند وباید دانست که اجرای قانون تعلیمات اجباری بیش ازقانون مخصوص ممانعت استخدام کودکان برای جلوگیری از اینکار مؤثر است وروی همین نظرا کنون دولت ازکارخانه‌ها و مؤسسات خواهش کرده است (اجباری نیست) که کودکان را درسنی که باید بمدرسه بروندبکارنپذیرند.

قانون‌ومقررات‌مربوط‌بکارخانه‌هاازنظربهداشت‌عمومی‌هم بسیارمؤثراست زیرا این قانون مقررمیدارد که هر کارگری قبل ازاستخدام معاینهٔ پزشکی بشود و گواهینامهٔ صحت مزاج دریافت دارد.

رویهمرفته اوضاع‌آن قدرها هم که بعضی‌ها انتظار داشتند بد نیست امابرای بهبود وضع فعلی هم باید اصلاحات زیادی صورت گیرد.

درکشور ایران هم اکنون آبله، سل و بیماریهای آمیزشی زیاد

است وعلت فراوانی آنها درسابق یکی فقر وتنگدستی مردم و دیگری خرافات بود که درحال حاضر دولت باهردوی آنها جداً مشغول مبارزه است .

باید باین موضوع توجه داشت که مبارزهٔ کنونی دولت بافقر و بیماری و خرافات ازآثاررژیم پهلوی است واینگونه فعالیتها بدستور مستقیم پادشاه وتحت رهبری وی صورت میگیرد .

قبل از وقوع جنگ گذشته [1] این وظیفه را سازمانهای مذهبی اروپائی وامریکائی برعهده داشتند. تقریباً درسال ۱۸۳۰ هیئت مبلغین مذهبی بریتانیادرشهرهای اصفهان وشیرازویزدو کرمان بیمارستانهای جدیدی ساختند.

این بیمارستانهاهنوز دایر هستندوبوسیلهٔ هیئت مبلغین مذهبی وابسته به کلیسای انگلستان اداره میشوند ورئیس این هیئت مذهبی هم درشهر اصفهان اقامت دارد .

هیئت مبلغین مذهبی خارجی امریکائی هم بزودی چهاربیمارستان در شمال ایران تأسیس کرد ودرسال ۱۸۳۵ یکی دیگر از جمعیت‌های مذهبی امریکا بیمارستان دیگری درشهرارومیه یعنی رضائیهٔ فعلی دایرساخت .

با این ترتیب درحال حاضر امریکائی‌ها در شهرهای تهران ، رشت ، کرمانشاه ، همدان ، تبریز ، اراك ومشهد بیمارستان دارند [2] .

اولین بیمارستان ایرانی درسال ۱۸۷۷ دایر گشت و در همانسال یك هیئت پزشکی برای مبارزه با آبله تشکیل گردید. درسالهای اخیر بیمارستانهای شرکت نفت انگلیس و ایران درآبادان و مسجد سلیمان خدمات قابل

---

۱ ـ منظور نویسنده جنگ بین‌المللی اول بوده است . (مترجم)

۲ ـ البته درموقع نوشتن کتاب این بیمارستانهای اروپائی وامریکائی دایر بوده‌اند ولی درحال‌حاضر جز بیمارستان صلیب‌سرخ‌شوروی بیمارستان خارجی دیگری درایران نداریم . (مترجم)

تقدیری انجام داده‌اند. شرکت نفت انگلیس و ایران اولین مؤسسه‌ایست که قبل از تصویب و اجرای قانون کارمعاینهٔ پزشکی کارمندان را اجباری و عملی ساخت.

در آغاز کار ایرانیان نظر بمحافظه‌کاری و خرافاتی بودن نسبت به بیمارستانهای خارجی مشکوك بودند اما بالاخره فعالیت های پی در پی نتیجه‌ای نیکو بخشید و معلوم شد که طبقهٔ متوسط و فقیر بیش از متمولین برای معالجه و مداوای خودشان بآن بیمارستانها مراجعه کرده و موردمعاینهٔ کامل پزشکی واقع شده ومعالجه شده اند .

دولت جدید ایران از سال ۱۹۲۵ برای بهبود وضع مردم و مصون ماندن آنها از امراض اقدامات جدی خود را برای تأسیس بیمارستانها و توسعهٔ امور بهداشت شروع کرد .

درابتدا روش فرانسویان رامعمول داشتند ولی وجودمؤسسات بهداشتی انگلیسی وامریکائی هم درپیشرفت کار بسیار مؤثر بود .

پس از آن اطباءِ وکارشناسان آلمانی به ایران آمدند وفعالیت خودرا شروع کردند .

بیمارستان شاه‌رضا مشهد دارای یکصد وپنجاه تختخواب است که بیماران را برای مداوا در آنجا بستری میکنند ودارای بخشهای: مرض شناسی، میکروب شناسی ، بیماریهای جلدی وبیماری های زنانه میباشد .

دو دکتر آلمانی باوسایل وافزار آلمانی این بیمارستان رااداره میکنند.

درهریك از شهرستانهای ایران درحال حاضر یك بیمارستان دایر شده است وحتی بعضی از بیمارستانها پانصد تختخواب داردبعلاوه درمانگاههای متعددی در سراسر کشور تأسیس گردیده است.

در سال ۱۹۲۳ بنگاه پاستور در تهران افتتاح شد و درسال ۱۹۲۵

بیمارستان زنان دایر گشت وبالاخره در سال ۱۹۳۹ بنگاههای دامپزشگی وسرم سازی تأسیس یافت .

در رامسر که کنار دریای خزر واقع شده است ودارای چشمه‌های آب معدنی زیادی است وهمچنین در رودهن واخیراً هم نزدیك خرابه‌های شهر ری آسایشگاههائی ساخته‌اند .

بزرگترین مشکل ایران نداشتن پزشك حاذق وکار آزموده است (تا این اواخر برای هرصد هزار نفری ۲۰۵ نفر پزشك وجود داشت) اما کوشش بسیاری بکارمیرود که پزشکان وپرستاران فارغ التحصیل کشورهای خارجی را بکار بگمارند و همچنین دانشجویان دانشگاه تهران هم متدرجاً فارغ التحصیل میشوند و بخدمات اجتماعی مشغول میگردند .

دانشکدهٔ پزشکی مشهدهم کمك پزشك وپرستارانی برای زخم بندی بمنظور اعزام به دهات وقصبات تربیت میکند .

تمام سازمانهای بهداشتی زیر نظر وزارت کشور است و با دستور و صلاحدید رؤسای شهرداری‌ها اداره میشوند . (۱)

در اغلب ازشهرها بنگاه حمایت مادران و کودکان دایر گشته و خوشبختانه مخالفت شدید سابق درموضوع معاینهٔ زنان از طرف پزشکان مرد مرتفع شده است ودرتهران هم یك بنگاه حمایت مادران ویك آموزشگاه پرستاری تأسیس یافته است .

آبله کوبی وتزریق واکسن‌های ضد تیفوئید عمومیت یافته است و بسیاری از مردم حتی ایلات بدوی ازآن استقبال میکنند اما هنوزاکثریت

---

۱ ـ بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ از نظر اینکه بهداشت عمومی نهایت اهمیت راداشت برحسب امر اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی وزارت بهداری تشکیل گردید و بامنظور نمودن رقم بزرگی در بودجهٔ کل کشور این وزارتخانه باقدامات دامنه‌داری دست زده است. (مترجم)

مردم ایران از دستورهای بهداشتی مربوط بجلوگیری از بیماریها آنطوریکه باید وشاید آگاه نیستند .

در اغلب ازشهرها مأمورین بهداشت واطبای مخصوص وزارت فرهنگ مشغول انجام وظیفه‌اند وکلیهٔ آموزشگاهها بوسیلهٔ این مأمورین ویامأمورین بهداریهای محل بطور دقیق بازرسی میشوند .

ضمناً بنگاه راه آهن و معادن و کارخانجات هریك سرویسهای مخصوص بهداری دارند .

هر مسافری که از خارج بکشور ایران میآید ازنظر صحی معاینه میشود ونیز دربنادر مهم قرنطینه دایراست سازمانهای بهداشتی خیلی دقیق و مرتب کار میکنند خیابانها را پاك نگاه میدارند و کوشش زیادی بکار میرود که هرشهری بقدرکافی آب آشامیدنی داشته باشد وبمنظور رعایت بهداشت عمومی زباله و کثافات را بخارج ازشهر برده ومیسوزانند تا مردم از بیماریهای گوناگون در امان باشند .

از چندی پیش تاکنون از نظر بهداشت خواربارعمومی تهران مرتباً بازدید میشود وبازرسی‌های دقیقی در این‌باره معمول میگردد .

مرض مالاریا که متأسفانه هنوزهم درجنوب ایران شدت دارد مورد مطالعه واقدام جدی مأمورین مربوطه‌است وبرای جلوگیری ازآن اقدامات لازم صورت گرفته که تااندازه‌ای هم نتایج این اقدامات محسوس گشته و بثمررسیده است .

مؤسسات خیریه مانند جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران برای ساختن بیمارستانها و کمك بسیل زدگان وآسیب دیدگان زلزله وامثال

آنها اعانه جمع آوری میکنند .(۱)

بنگاههای خیریهٔ دیگری هم مانند بنگاه حمایت مادران و کودکان وزنان باردار وبینوایان خدمات عمومی مؤثری را انجام میدهند

---

۱ ـ جمعیت صلیب‌سرخ که‌دراثر اقدامات نوع‌پرورانهٔ‌خانم فلارنس‌نای تینگل‌وآقای هانری‌دونان بنیان گذاری‌شدودراثر مساعی آقای گوستاوموانیه بوجود آمد اولین‌جلسهٔ خود را درتاریخ نهم‌ماه فوریهٔ سال ۱۸۶۳میلادی بنام‌جمعیت فوائد عامه‌در شهر ژنو تشکیل دادتادربارهٔ پیشنهاد هانری‌دونان رسیدگی کند ودرهمین جلسه که بایدآنرا اساس تشکیل صلیب‌سرخ جهان دانست یك‌هیئت ۵ نفری که خود هانری دونان و گوستاوموانیه هم‌جزءآن بودند انتخاب گردیدند وتمام هم‌خود رابکار بردند تااینکه موفق شدندچند ماهی بعدازتشکیل اولین جلسهٔ کمیتهٔ ۵ نفری یعنی‌درماه اکتبر سال۱۸۶۳ کنگرهٔ بزرگی با شرکت سی و شش نمایندهٔ ۱۶ کشور اروپائی تشکیل دهند ودر همین کنگره اولین قرار نامهٔ (کنوانسیون) ژنو نوشته شد ولی حاضرین درجلسه نمایندگان رسمی دولتهای متبوع‌خود نبودند وحق‌امضای یك عهدنامهٔ بین‌المللی را نداشتند وبهمین لحاظ درسال بعدشورای دولتی کشور سویس از دولتهای اروپا دعوت کرد که بااعزام نمایندگان خود و امضای قرارنامه‌ای که مورد موافقت کنگرهٔ بین‌المللی قرارگرفته جمعیت صلیب سرخ رارسمیت بدهند ودرروز هشتم اوت‌سال ۱۸۶۴ این کنفرانس بنام (کنفرانس دیپلوماتیك) دریکی‌ازتالارهای شهرداری ژنوافتتاح گردید وپس‌ازپانزده روزبحث وشوراولین قرارنامهٔ رسمی ژنورا دربارهٔ (حمایت واصلاح حال سربازان زخمی درمیدانهای جنگ) درده‌ماده تصویب وامضاء کرد و کمیتهٔ بین‌المللی مذکور رابعنوان پایهٔ‌تشکیلات صلیب‌سرخ برسمیت شناخت که دولت ایران هم‌در تاریخ پنجم دسامبر سال ۱۸۷۴ متن‌این قرار نامه رادرتهران امضاء کرده است .

علامت مشخصهٔ مؤسسات‌وجمعیت هائی که‌براساس این‌قرارنامه تشکیل میشدند صلیب سرخ برروی متن‌سفید بودولی پس‌ازجنگی که بین صربستان وروسیه بادولت عثمانی درگرفت دولت عثمانی اعلام داشت که بجای صلیب سرخ هلال‌سرخ‌استعمال خواهد کرد وروسیه هم‌همین‌علامت راعلامت‌شاخصهٔ مؤسسات وجمعیتهای‌خودقرارداد که‌درسالهای۷ـ۱۹۰۶ درمجامع بین‌المللی نیزعلامت مشخصهٔ دو کشورمذکور شناخته شد .

(بنگاه حمایت مادران و کودکان بعد از تولد نوهٔ شاه تأسیس گردید)
مؤسسه‌ای هم برای نگاهداری بیوه زنان و یتیمان دایر شده است.

درباره‌ٔ جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران باید دانست که دولت ایران تاسال ۱۹۰۶ (هزار وسیصد و بیست‌وچهار قمری) درهیچیك از کنفرانس‌های بین المللی صلیب سرخ نماینده نداشته است و فقط در سال ۱۸۷٤ در تهران قرارنامهٔ سال ۱۸٦٤ راامضاء کرده است ولی برای اولین باردر سال ۱۹۰٦ نمایندهٔ خودرا برای‌شرکت در کنفرانس صلیب‌سرخ بین‌المللی به‌ژنو اعزام داشت‌که از نظر اهمیت متن تلگراف ادارهٔ سیاسی هیئت اتصالیهٔ سویس ووزارت امورخارجهٔ ایران برای‌اطلاع‌خوانندگان گرامی درج میگردد.

«از برن - هفتم‌مارس ۱۹۰٦ : بوزیرامور خارجهٔ دولت علیهٔ ایران.
انجمن اتصالیه با کمال افتخاردولت متبوعهٔ آنجناب را بعضویت مجلس کنفرانسی که درخصوص معاهدهٔ ژنودریازدهم ماه‌ژوئن‌آتیه درشهر مزبور انعقاد خواهد یافت‌دعوت مینماید وخواهشمند است که اسامی نمایندگان‌خود راتاآخرآوریل معین‌نمائید. ادارهٔ پلی‌تیکی هیئت‌اتصالیهٔ سویس. فورتی»

پاسخ دولت ایران چنین است : «۲۹ شهر صفر ۱۳۲٤ - جناب مستطاب اجل‌دوستان استظهار مشفق مکرم مهربانا دوستدار با کمال‌مسرت اظهار میدارد که دولت علیهٔ ایران دعوت‌آن‌دولت‌جمهوریه رابه کنفرانسی که‌در یازدهم ماه‌ژوئن‌آتیه درخصوص مراجعه بمعاهدهٔ ژنودر برن منعقد خواهد شدبا فرط رغبت پذیرفته ونمایندهٔ خودرا در کنفرانس مزبور جناب جلالت مآب‌اجل میرزا صمدخان ممتازالسلطنه وزیرمختار وایلچی مخصوص دولت علیهٔ‌ایران مأمورپاریس تعیین داشته‌است. محض استحضار خاطرآن جناب مستطاب به‌نگارش این‌رسیلهٔ دولتی وسیله پرداخته واین موقع را برای‌تجدید احترامات فائقهٔ خود نسبت بآن‌جناب مستطاب مغتنم میشمارد.
نصراله مشیرالدوله »

نمایندهٔ دولت ایران دراین کنفرانس وظایف خود را باجدیت انجام دادودراثر مساعی اوجمعیت صلیب‌سرخ بین‌المللی علامت مشخصهٔ این‌جمعیت را درایران شیروخورشید سرخ برروی متن‌سفید برسمیت شناخت ودرسال ۱۳۰۲ درایران هم‌این جمعیت تأسیس خودرا باعلامت مذکور اعلام داشت



والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ریاست عالیهٔ جمعیت شیروخورشیدسرخ
ایران درلباس مخصوص جمعیت بامدال وبازوبند

روزنامه هـای ایران مطالب سودمندی درباب بهداشت کودکان و دستورات بهداشتی عمومی برای جلوگیری از بیماریها درج میکنند.

وپس از اقداماتی که بعمل آمد اولین کنگرهٔ شیروخورشید تشکیل و ۲۷ نفر از مؤسسین که درجلسه حضورداشتند بهاکثریت آراء هفت نفررا بنام هیئت عاملهٔ جمعیت شیروخورشید سرخ ایران انتخاب کردند که آنان از بین خود سردار سپه وزیرجنگ (اعلیحضرت رضا شاه کبیر) رابعنوان اولین رئیس جمعیت شیروخورشید سرخ ایران انتخاب و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ هم طی بخشنامهٔ شمارهٔ ۲٤۱ مورخهٔ سی‌ام ماه‌مه‌سال ۱۹۲٤ تأسیس جمعیت رابا طلاع کلیهٔ جمعیتهای عضورسانید. محل اولیهٔ جمعیت در خیابان ناصر خسرو جنب دارالفنون درعمارت سابق وزارت فرهنگ دردو ویاسه اطاق محقر بوده است ودرسال ۱۳۰٤ اعضای جمعیت درتهران ٤۱۰ نفر بوده‌اند وازمرداد ماه ۱۳۰۲ تااسفند ماه‌سال ۱۳۰۳ درآمد جمعیت شیروخورشید سرخ ایران ۱۳۵۸ تومان وشش‌قران ودوعباسی بوده است. ازنظر اهمیتی که این جمعیت داشت رضاشاه کبیر دختر خود والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی‌را بسمت رئیس‌جمعیت شیروخورشید سرخ‌ایران منصوب نمودند واین‌شاهزاده خانم‌هم که ازمسئولیت این‌امرخطیر بخوبی آگاه بودند باتوجهات مخصوص برادر تاجدارشان اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی فعالیت خستگی ناپذیری راشروع کردند ومخصوصاً پس ازخاتمهٔ‌جنگ دوم‌جهانی که اهالی کشور درنقاط مختلف بواسطهٔ اثرات ناشی ازجنگ دچارفقر وفاقه شده بودند هرگاه خشم طبیعت هم گریبانگیرآنان میشدجزجمعیت شیروخورشید سرخ ایـران پنـاهی نداشتند ازاینرو والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی بفعالیت و کوششهای خودبرای رفع‌آلام ومصائب هموطنان مادرموقع لزوم افزودند که دراثرسعی و کوشش وفعالیت های پی‌درپی ایشان درحال حاضر جمعیت شیروخورشید سرخ ایران درتمام نقاط ایران مؤسساتی ازقبیل:

پرورشگاه کودکان، بنگاه حمایت کودکان، مهدکودکان، اندرزگاه، بیمارستان و درمانگاه داردکه بانظم وترتیب مشغول انجام وظایف خود درخدمت بهموطنان گرامی ماهستندوهمانطوریکه خوانندگان ارجمنداطلاع دارند درهرموقعی که خشم‌طبیعت بیکی ازنقاط کشورایران روی آورد ویا مصیبتی‌دامنگیرهموطنان گرامی ما گردد بلادرنگ جمعیت‌شیروخورشیدسرخ ←

بدیهی است که این اقدامات برای روشن شدن افکارعمومی صورت میگیرد تامردم با دستورات لازم بهداشتی آشنا گردند.

برای سلامتی بدن وبهداشت ملی البته ورزش نقش مهمی را بازی میکند.

ایران باستان درامرورزش وتربیت بدنی شهرت جهانی داشت امادر سالهای اخیرتنبلی وخوشگذرانی این وضع را بکلی تغییرداد بطوریکه هر بینندهٔ خارجی ازصورت ظاهرچنین میپنداشت که ملت‌ایران اصلیت نژادی خود راازدست داده است.

بیست سال تاریخ گذشته عکس این تصوررانشان داد با این حال هنوزهم باستثنای ایلات وعشایری که در کوهستانها وهوای آزاد زندگی

ایران به کمك آنان خواهد شتافت و کمکهای مؤثر این جمعیت در حوادث تأثرآورزلزلهٔ شمال وغرب برای‌همه‌روشن‌است توضیح‌بیشتری‌رادراین‌باب لازم نمیدانم.

جمعیت شیروخورشید سرخ‌ایران برای‌تربیت پرستاران وپزشگیاران آموزشگاهی بنام رضاشاه کبیر درسال۱۳۳٤ تأسیس کرده که‌تا کنون۲٦٦ نفراز این‌آموزشگاه فارغ‌التحصیل شده‌ودر مؤسسات مختلف جمعیت‌مشغول خدمت‌هستند وهمه‌ساله‌عده‌ای باشرایط خاصی برای‌تحصیل دراین‌آموزشگاه پذیرفته میشوند.

بموجب ترازنامه های‌منتشره درآمدجمعیت شیروخورشید سرخ‌ایران در سال ۱۳۳٤ مبلغ ۷۱،۷۹٤،٥٤۸/٦۰ ریال ودر سال ۱۳۳٥ مبلغ ۱۲۷،۸۸۱،٦٦۲/۲۰ریال بوده است.

باید درنظر داشت که جمعیت شیروخورشید سرخ ایران علاوه بر مؤسسات مختلفی که دراینجاذکری ازآنها بمیان‌آمد دومرکز بسیار مهم‌و مفیدبنام مرکزمبارزه باسل‌ومرکز مبارزه‌باسرطان درتهران تأسیس کرده است که باآخرین‌وسائل‌طبی‌مجهز بوده ووظایف خودرا در خدمت بهموطنان مابخوبی انجام میدهند. (مترجم)

میکنند وضع مزاجی ایرانیان چندان رضایت بخش نیست و برای تأمین سلامتی مردم کوشش زیاد واقدامات جدی لازم است . کشور ایران هم مانند سایر ملتهای جوان اروپاوشرق بورزشهای بدنی بیش ازورزشهای روحی علاقه‌دارد اماا کنون موقع مناسبی‌است که بین این دو تمایل تعادل عادلانه‌ای برقرار شود .

درسال ۱۹۳۳ اولین قدم برای ترویج ورزش وتشویق ورزشکاران برداشته شد وانجمنی بنام انجمن تربیت بدنی تحت ریاست ولیعهد تأسیس گردید .

اتفاقاً خود ولیعهد هم بانواع ورزشها علاقمند است .

انجمن تربیت بدنی ایران تحت نظارت وزارت فرهنگ انواع عملیات ورزشی وپیشاهنگی را ترویج و اداره میکند ودر اثر کوشش این انجمن هم اکنون بیش از سیصد باشگاه ورزشی درایران دایر گشته است وهریك از مدارس تیمهای فوتبال ، بسکتبال ، والیبال و تنیس تشکیل داده‌اند، همه‌جامیدانهای ورزش بچشم میخوردودرتهران میدان مسابقهٔ بسیار خوبی ساخته‌اند وروزنامه‌ها نتایج مسابقات رامرتباً منتشرمیسازند . البته این قبیل نشریه‌ها در ترویج ورزش اثرمهمی دارد وروزنامه های ایران علاوه برانتشار مقالات ورزشی عکس قهرمانان ایرانی راهم با مطالب تشویق آمیزی چاپ میکنند .

رژهٔ دانش‌آموزان مدارس وورزشکاران درتمام جشنهای رسمی قسمت اصلی جشن راتشکیل میدهد وحتی دربین پیشاهنگان دستهٔ کوه پیمائی هم تشکیل شده وبکوههای ایران رفت وآمد دارند .

نهضت پیشاهنگی‌ازنظر تندرستی وپیشرفت امور ورزش کمك‌بسیار مهمی است زیرا جوانان درهوای‌آزاد ورزش میکنند واین‌عمل برای‌صحت

مزاج وتندرستی آنان کمك شایانی محسوب میگردد .

اولین مؤسسهٔ پیشاهنگی درسال ۱۹۲۵ تأسیس شد ولی تاسال ۱۹۳۳ که انجمن تربیت بدنی تشکیل گردید پیشرفت چندانی نداشت .

در سال ۱۹۴۰ تعداد پیشاهنگان کشور ایران به بیست ویکهزار نفر رسید .

درسال ۱۹۳۹ بموجب مقررات مخصوصی عضویت پیشاهنگی ازسال ششم دبستان وتمام کلاسهای دبیرستان برای دانش آموزان اجباری شده است.

پیشاهنگان ایران مانند پیشاهنگان انگلستان (پیشاهنگی ایران شباهت تامی به پیش آهنگی انگلستان دارد) بسه طبقه تقسیم شده‌اند:شیر بچه (گرگ درنظر ایرانیان تعریفی ندارد) پیشاهنگ ، جهان پیما . پیشاهنگان از سن دوازده سالگی تا بیست‌سالگی به طبقات سه گانهٔ گفته شده تقسیم میگردند .

پیشاهنگی دختران که درسال ۱۹۳۵ تحت‌نظر وریاست دختربزرگ شاه تأسیس گردید از نظر تقسیم و دسته بندی مانند پیشاهنگی پسران میباشد اما درمواردی چند ازپسران متمایز است وجوانترین اعضای این سازمان را جوجه عقاب مینامند .

در فصل تابستان در منظریه واقع در دامنهٔ البرز و درسایر استانها بمنظور آموزش وپرورش سردستهٔ پیشاهنگی دختران و پسران چادرمیزنند واردوی پیشاهنگان درنقاط معینی متمرکز میگردند .

مرام پیش آهنگی ایران میهن دوستی ، رفتارنیك و گفتار نیك است و عقیده دارند که پیشاهنگ باید همیشه آماده باشد . پیشاهنگان ایران با پیشاهنگان بین‌المللی ارتباط دارند .

در سال ۱۹۳۵ دانشجویان ایرانی مقیم کشور فرانسه در همانجا پیشاهنگی جداگانه‌ای بشکل پیشاهنگی فرانسه تشکیل دادند.

در سال ۱۹۳۷ عده‌ای از پیشاهنگان ایران به‌جام بوری (Jamboree) کشور هلند اعزام گشتند.

در فصول پیش گفته شد که تا اواخر قرن گذشته تقریباً کلیهٔ آموزشگاه‌های جدید ایرانی بدست خارجیان اداره میشد و بنابراین هر گونه پیشرفت و ترقیاتی که درامر آموزش وپرورش از آن تاریخ ببعد مشاهده شود مربوط به مساعی بی‌ریا وفعالیتهای صمیمانهٔ رضاشاه است.

قبل از برقراری رژیم فعلی قدمهائی دراین راه برداشته شده بود که اثر مهم آنرا میتوان تأسیس دارالفنون درسال ۱۸۵۲ دانست.

در سال ۱۸۷۳ مدرسهٔ تعلیم زبانهای خارجه درتهران دایر گشت و درسال ۱۸۷۶ دومین مدرسهٔ عالی دولتی در تبریز تأسیس شد که معلمین ایرانی و خارجی در آن تدریس میکردند و متعاقب آن در سال ۱۸۸۳ یك مدرسهٔ عالی نظام دراصفهان و درسال ۱۸۸۶ یك مدرسهٔ عالی نظام در تهران دایر گردید.

در سال ۱۸۹۷ اولین مدرسهٔ دخترانه درچالیاس آذربایجان افتتاح شد.

در سال بعد اولین قدم اصلاحی در راه تعلیم وتربیت ملی برداشته شد و سازمانی بنام شورای مدارس ملی تشکیل گردید که در آن رجال روشنفکر معاصر ایران شرکت داشتند و درهمانسال ده باب مدرسه ازطرف این شورا در سراسر کشور تأسیس یافت ودرمدت بسیار کمی اقدامات اساسی در امور فرهنگ مملکت صورت گرفت.

تحصیل دراغلب این مدارس مجانی بود ودربعضی مواقع به‌شاگردان شام وناهار هم میدادند.

بطور متوسط هریك از مدارس ۲۵۰ نفر شاگرد چهارده معلم ویك طبیب داشت .

معلمین درمدت چهار سال خواندن و نوشتن فارسی ، زبان عربی و ریاضیات بشاگردان میآموختند .

لازم است متذکر شویم که در سال ۱۸۹۹ مدرسهٔ عالی دیگری بنام مدرسهٔ عالی سیاسی ازطرف وزارت امورخارجهٔ ایران تأسیس گردیدوهمچنین در سال ۱۹۰۰ مدرسهٔ فلاحت تأسیس یافت که ریـاست آن بعهدهٔ یکنفر بلژیکی بود .

نهضت مشروطه در سال ۱۹۰۶ آنچه راکه در این باره انجام شده بود تکمیل کرد وسازمانهای آنرا تجدید نمود .

قانون تعلیم وتربیت سال ۱۹۱۰ و ۱۹۱۱ مدارس ملی ودولتی را از یکدیگر متمایز ساخت .

مدارس ملی عبارت بود از مکتب خانه‌ها کـه در آنجا فقط بدانش آموزان قرآن میآموختند ومدارس قدیمهٔ دینی ومدارس خصوصی که به‌هزینهٔ هیئت‌های خارجی اداره میشدند .

از آن پس دولت ایران مدارسی به هزینهٔ خودتأسیس کرد ودانش‌آموزان را از رفتن بآموزشگاههای خارجی منع نمود البته ممنوع ساختن تحصیل نوآموزان ایرانی در مدارس خارجیان ازآن نظر بود کـه از نفوذ روسها جلوگیری گردد اماورود بمدارس عالی خارجیان آزادماند تاجوانان بتوانند بتحصیلات خود ادامه دهند .

برای گذراندن دورهٔ عالی علوم جدید و تکمیل تحصیلات سی نفر از دانشجویان ایرانی به‌هزینهٔ دولت به‌اروپااعزام شدند ودرهمانموقع رسماً

تمایلاتی برای توسعهٔ مدارس دختران ابرازشدو بطوریکه آمار نشان میدهد در سال ۱۹۱۱ هفتادوشش دبستان پسرانه با ۸۳۴۴ نفرشاگرد وچهل و هفت دبستان دخترانه با۲۱۸۷ نفرشاگردودو دبیرستان با۱۵٤ نفرشاگرد وسه مدرسهٔ عالی با۱۵۷ نفرشاگرد درسراسر کشور ایران دایربود .

درسال ۱۹۱۹ بودجهٔ آموزش وپرورش ملی دو برابر شد ولی نهضت حقیقی فرهنگ ایران اززمان استقرار دولت رضاشاه پهلوی آغاز گردید که بافعالیتهای شبانه روزی سرانجام توانست بامور آموزش وپرورش کشورخود سرو صورتی بدهد .

در تجدید سازمانهای فرهنگی نظر این بود که امور آموزش وپرورش کاملا تحت کنترل دولت باشد گرچه آموزشگاههای ملی و خصوصی هم باقیماندنداما ازحیث برنامه‌های آموزشی تحت نظروزارت فرهنگ درآمدند باین ترتیب که ساختمان آموزشگاههای ملی میبایستی مطابق نقشه‌ای باشد که وزارت فرهنگ آنرا تصویب کند وبرای تحصیل دانش آموزان مناسب باشد ونکات بهداشتی درساختن آن کاملا رعایت گرددو نیز صلاحیت آموزگاران و دبیران را هم وزارت فرهنگ گواهی کند .

برنامه هم البته همان برنامهٔ رسمی مدارس دولتی است زیراشاگردان بایدآخرسال درموقع امتحانات نهائی کشورمواد برنامه راامتحان بدهند .

فارسی ، عربی ، تاریخ وجغرافی ایران جزءِ مواد اصلی برنامهٔ دروس مدارس است .

ازسال ۱۹۳۲ ببعد نوآموزان اتباع ایران نمیتوانند بمدارس مقدماتی خارجیان بروند وتمام مواد برنامهٔ تحصیلی باید بزبان فارسی تدریس گردد .

برای منظم ساختن مکتب خانه‌ها هم کوشش زیادی شد اما نتیجه رضایت بخش نبود وفقط در مورد بهداشت ونظافت عمل آنها تا اندازه‌ای با موفقیت توأم بود .

بتعدادی از این آموزشگاههای خصوصی بشرط اجرای دستورات وزارت فرهنگ کمك هزینه‌هائی ازطرف دولت پرداخت میگردد .

وزارت فرهنگ ایران که درسال ۱۹۱۱ تأسیس گردیده است ازنه ادارهٔ کل تشکیل میبابد که مهمترین آنهـا عبارتند ازادارهٔ کل آمـوزش ابتدائی ومتوسطه وادارهٔ کل تعلیمات عالیه .

ادارهٔ کل دیگری هم درامور انجمن تربیت بدنی نظارت میکند و یکی دیگرهم ادارهٔ کل باستان شناسی است که اختصاص بامورتاریخی و باستان شناسی ملی دارد .

کشور ایران از نظـر سازمانهای فرهنگی بهسی وسه ناحیه تقسیم میشود وهر نـاحیه‌ای تحت‌نظر یکنفر رئیس اداره میگردد که معمـولا از تهران اعزام میشود .

درسال ۱۹۲۲ هیئتی بنام هیئت عالی آموزش وپرورش مرکب ازده نفر عضو از رؤساءِ و دبیران دبیرستانها ومدارس عالی تشکیل گردید وفعلا آموزشگاههای ایران عبارتست از کودکستان ودبستان (درهات درحـال حاضرفقط دبستان دایرشده است) دبیرستان ودانشکده .

قاعدتاً تعلیمات ابتدائی اجباری است اماعملا درشهرها بیش ازپنجاه در صد کودکان بدبستان نمیروند بدیهی است که درهات این عده بمراتب کمتراست .

وضع مدارس نسبتاً خوب است زیرا صندلی ونیمکت وسایرلوازمات

بقدری که رفع احتیاج کند موجود است وحتی مدارس کتابخانه و کتاب ونقشه هم دارند .

درقوانین مربوط بآموزش وپرورش ابتدا ازکودکستان ذکری نشده بود وبرای اولین باردرسال ۱۹۱۸ این قسمت عملی شد .

درسال ۱۹۳۳ یك کودکستان دولتی درتهران تأسیس گردید واز آن تاریخ ببعد تأسیس کودکستان بطرز کودکستانهای ممالك مترقی در ایران رواج یافت .

کودکان ازچهارتا هفت سالگی بکودکستان میروند وسرگرمیهای سه تاپنج ساعتهٔ روزانهٔ آنان عبارتست ازحرکات بسیارسادهٔ ورزشی ، ساختن اسباب بازی کاغذی ومقوائی، خواندن سرودهای کودکستان وسرودهای فرهنگی، رقص وآموختن بعضی مطالب واشعار ساده و همچنین الفبای زبان فارسی .

کودکان درسن هفت سالگی مشمول قانون تعلیمات اجباری میشوند و باید به دبستان بروند .

دبستانها شش کلاسه است ودانش آموز باید مدت یکسال برنامهٔ هر کلاسی را بیاموزد .

تعطیل مدارس طولانی است درنقاط سرد سیرسالی دویست روز و در نواحی گرمسیر سالی یکصدوهفتاد روزشاگردان درس میخوانند .

لباس متحدالشکل شاگردان درسال ۱۹۳۵ تعیین شد ومقرر گردید که پسرها کت وشلوارفلانل خاکستری رنگ ودخترهاروپوش خاکستری رنگ بپوشند .

تعداددبستانهای مختلطا کنون زیاداست ودرسال ۱۹۳۵ اولین دبستان مختلط در ایران تأسیس گردید .

برنامهٔ دروس پسران ودختران تا اندازه‌ای باهم تفاوت دارد بدین معنی که پسرها زبان فارسی ، ریاضیات ، تاریخ‌وجغرافی ایران و کمی‌هم زبان عربی میآموزند ودخترها همین مواد راالبته قدری‌مختصر فرامیگیرند و ضمناً نقاشی وخیاطی هم جزءِ مواد درسی آنهاست .

کتب درسی بطورکلی‌از طرف‌وزارت فرهنگ طبع‌ونشرمیشودوهمین امربخوبی میرساند که سیاست عمومی دولت دربارهٔ فرهنگ اینست که در سراسر کشور آموزش وپرورش یکسان باشد .

بالارفتن از کلاسی بکلاس دیگر هرساله الزامی نیست‌واین‌موضوع باستعداد دانش‌آموز بستگی دارد .

درپایان‌شش‌سال‌یك‌شاگرد عادی میتواند درامتحانات نهائی‌شرکت کند وخود را برای ورود به‌دبیرستان‌آماده‌سازد .

هیچیك از افراد کشور نمیتوانند بدون داشتن گواهینامهٔ دبیرستان وارد خدمات دولتی شوند و مخصوصاً پذیرفتن افراد بخدمات رسمی دولتی حتماً باید باگواهینامهٔ پایان دورهٔ دبیرستان باشد .



فصل سی و چهارم

دبیرستانها ـ دانشگاه

تعلیمات متوسطه اجباری نیست واغلب شاگردان پس ازدریافت گواهینامهٔ شش‌سالهٔ ابتدائی مشغول‌کار های مختلف میشوند .

دورهٔ تعلیمات متوسطه که ازسال ۱۹۲۱ عملی گردید شش‌سال است وپس ازطی‌آن شش سال وقبول شدن درامتحانات دانش‌آموز میتواند برای ادامهٔ تحصیلات خودبدانشگاه برود(دختران سال‌آخر رادر کلاس مقدماتی مخصوص ورود به‌دانشگاه میگذرانند) .

برنامهٔ دروس سه سالهٔ اول دبیرستان برای دانش آموزان یکسان است .

پسران ودختران زبان ، ادبیات ، ریاضیات ، علوم ، تاریخ و جغرافی میآموزند وبه‌پسران‌علاوه برمواد مذکور فیزیك ، شیمی وریاضیات بیشتری تعلیم‌داده میشود ودرعوض دختران خانه‌داری ، بچه‌داری وخیاطی یاد میگیرند .

اوقات‌فراغت شاگردان با موسیقی، بازی وتهیهٔ نمایش میگذرد و

منظور اصلی ازآموزش وپرورش ایران بطوریکه ازبرنامهٔ تحصیلی دانش‌آموزان استنباط میگردد اینست که تمام‌شاگردان عضوخوب ومفیدی‌برای همکاری بااجتماع باربیایند .

تعلیمات متوسطه درایران مجانی نیست وازشاگردان این دوره حق‌التدریس مختصری دریافت میگردد .

فرزندان‌آموزگاران ودبیران وکارمندان جزءِ دولت ومحصلینی که بانمرات خوب‌دورهٔ ابتدائی‌خود راگذرانده‌اند دردبیرستانهای دولتی‌مجانی پذیرفته میشوند .

گواهینامهٔ دورهٔ اول متوسطه نه‌تنها برای‌ورود به‌دورهٔ دوم‌دبیرستان لازم وحتمی‌است بلکه برای ورود بآموزشگاههای حرفه‌ای وفنی وهمچنین اشتغال بخدمات عادی دولتی نیزضرورت دارد .

دورهٔ سه سال دوم متوسطه‌را میتوان دورهٔ تخصصی نامید نظراصلی ازتعلیمات دورهٔ دوم دبیرستان‌آنست که شاگردان برای ورود بدانشگاه ویاآموزشگاههای عالی دیگری‌آماده گردند وبهمین جهت دارندگان گواهینامهٔ دورهٔ دوم متوسطه میتوانند درادارات دولتی‌مصدرکارهای رسمی بشوند ونیزدانشگاههای کشورهای فرانسه ،آلمان وبعضی ازدانشگاههای انگلستان و امریکا گواهینامهٔ دورهٔ کامل متوسطه رابرای ورود بدانشگاه میپذیرند .

مواداصلی دورهٔ دوم متوسطه عبارتست ازکارهای‌علمی‌وهنری،ادبیات (فارسی ، عربی ، زبان‌خارجه ، تاریخ ، جغرافی ، فلسفه) وعلوم (ریاضیات، فیزیك ، شیمی) ویك زبان خارجه .

دانش‌آموزان دورهٔ ادبی دبیرستان میتوانند برای ادامهٔ تحصیلات

خود بدانشکده هـای ادبیات وحقوق بروند ودانش آموزان دورهٔ علمی در دانشکده های علوم،فنی، پزشکی‌ویا دانشسرایعالی که دورهٔ مخصوص‌تربیت دبیران محسوب میگردد پذیرفته میشوند .

دبیرستانهای دیگری‌هم ازقبیل دبیرستانهای تجارت ، فنی ، صنعتی، کشاورزی ، هنرهای‌زیبا، مذهبی‌وفلسفی وجوددارند که برای‌دانشکده‌های مربوطه ومشاغل فنی جوانان را تربیت وآماده میسازند .

تعلیمات عالیهٔ‌دختران بیشتر ازاین‌نظر است که دبیران دانشمندی برای دبیرستانهای دختران آماده‌سازند ودرروانشناسی وفن‌تدریس متخصص شوند ویاآنکه بآموزشگاههای پرستاری بروند .

اخیراً آموزشگاهی برای دختران دایرشده است که دورهٔ‌آن دوسال است ودخترانیکه مایل نباشند بدانشگاه بروند دراین آموزشگاه مشغول تحصیل میگردند .

برنامهٔ این دوره شامل هنرهای دستی ، خانه داری ، بچه داری و بهداشت میباشد .

قانون دانشگاه تهران روز سی‌ام ماه‌مه سال ۱۹۳٤ بتصویب رسیدو روز بیست وپنجم ماه‌ژوئن اولین نقشهٔ ساختمان‌آن طرح گردید وروزپنجم ماه فوریه سال ۱۹۳۵ اعلیحضرت شاه اولین سنگ ساختمان دانشگاه را بنانهاد وازهمانروز تاکنون هرساله روزاول فوریه را بعنوان جشن‌تأسیس دانشگاه مینامند ومراسمی باین مناسبت درتمام دبستانها ودبیرستانهـا و سازمانهای‌فرهنگی کشور برگذار میگردد .[1]

۱ ـ منظور روز پانزدهم بهمن مـاه است که همه‌ساله دراین روز مراسمی بمناسبت تأسیس دانشگاه تهران برپامیشود. (مترجم)

ساختمان دانشگاه تهران دراراضی بسیار وسیعی بنا گردید وشامل پنج دانشکدهٔ ادبیات ، علوم ، پزشکی ، حقوق وفنی میباشد .

یك دانشکدهٔ دیگر بنام دانشکدهٔ معقول ومنقول ضمیمهٔ دانشگاه تهران است که محل آنرا مسجد سپهسالار قرار داده‌اند .

ساختمان مسجد سپهسالار درسال ۱۸۸۲ بناشده است .

هفتمین دانشکدهٔ وابسته بدانشگاه تهران دانشکدهٔ هنرهای زیبای کشور است که اخیراً تأسیس گردید . قسمت اصلی ساختمان دانشکدهٔ پزشکی درماه مارس سال ۱۹۳۷ تکمیل گردید وساختمان دانشکدهٔ حقوق روز پانزدهم ماه‌مارس سال ۱۹۴۱ باتمام رسید . سایربناها باضافهٔ باشگاه ورستوران ومحل اقامت شبانه روزی دانشجویان دردست ساختمان است .

کلیهٔ این دانشکده ها کتابخانه هائی دارند که متجاوز ازپانزده هزار جلد کتاب درآنها موجود است وبعلاوه برای چاپ وانتشار کتاب وجزوه‌های درسی هم وسایل لازم آماده است .

دانشگاه بوسیلهٔ هیئتی که ازرئیس ونایب رئیس دانشگاه ـ رئیس ویکی ازاستادان دانشکده‌ها تشکیل میگردد اداره میشود .

هردانشکده‌ای هم بوسیلهٔ هیئتی اداره میگردد که‌ازاستادان ودانشیاران تشکیل یافته است .

سازمان دانشگاه تهران ازحیث رؤسای دانشکده ها و استادان و دانشیاران وکارمندان اداری جمعاً بیست درجه است .

چند استاد خارجی در دانشگاه ایران تدریس میکنند واغلب اساتید ایرانی هم تحصیل کردهٔ کشور های خارجی هستند . دانشجویان دانشگاه تهران ازتمام نقاط کشور ایران می‌آیند وبعلاوه ازشهرهای نجف

کشور عراق واستانبول کشور ترکیه وهندوستان واتحاد جماهیر شوروی هم برای تحصیل دانشجویانی بدانشگاه تهران اعزام میشوند .

در دانشگاه تهران تحصیل برای دانشجویان بی‌بضاعت مجانی است وعده‌ای هم درقسمت شبانه روزی دانشگاه اقامت دارند .

امید میرود که بزودی دراستانهای دیگر ایران هم مدارس عالی و دانشگاه دایر گردد. برای دانشکده‌های پزشکی وفنی اهمیت زیادی قائلند.

دورهٔ دانشکدهٔ پزشکی یکسال مقدماتی و پنجسال هم دورهٔ تحصیل وعملی است.

قسمتهای داروسازی ودندان پزشکی هم جزء دانشکدهٔ پزشکی هستند .

دورهٔ دانشکدهٔ فنی چهار سال است که در آن رشته های شیمی ، مکانیك ، الکتریك ، مهندسی عمومی ومعدن شناسی تدریس میگردد .

دورهٔ دانشکدهٔ حقوق سه سال است ورشته‌های مختلف آن عبارتست ازعلوم سیاسی (۱۸۹۹) قضائی (۱۹۲۰) واقتصاد (۱۹۲۵) .

دردانشکده‌های علوم وادبیات که دانشسرایعالی هم جزء آنهاست بترتیب ده وهفتاد موضوع تدریس میگردد .

برای گرفتن لیسانس علوم گذراندن سه ماده وبرای اخذ لیسانس ادبیات گذراندن چهار ماده لازم وحتمی است .

گرفتن لیسانس هنرهای زیبا پس از گذراندن یکی از سه رشتهٔ معماری ، نقاشی ویاحجاری است .

آخرین دانشکدهٔ وابسته بدانشگاه تهران دانشکدهٔ معقول ومنقول است که دورهٔ آن سه‌سال است ورشته‌های تحصیلی این دانشکده عبارتند از: علوم فلسفی وعلوم مذهبی وادبیات .

فارغ‌التحصیل‌های دانشگاه بارتبهٔ سه بخدمات دولتی پذیرفته‌میشوند.

اغلب از دانشجویان ایرانی که قبلا برای گذراندن دورهٔ عالی

تحصیلات خودشان بکشورهای خارجی میرفتند بدانشگاه تهران وارد میشوند اما عده‌ای هم طرفدار رویهٔ سابق هستند .

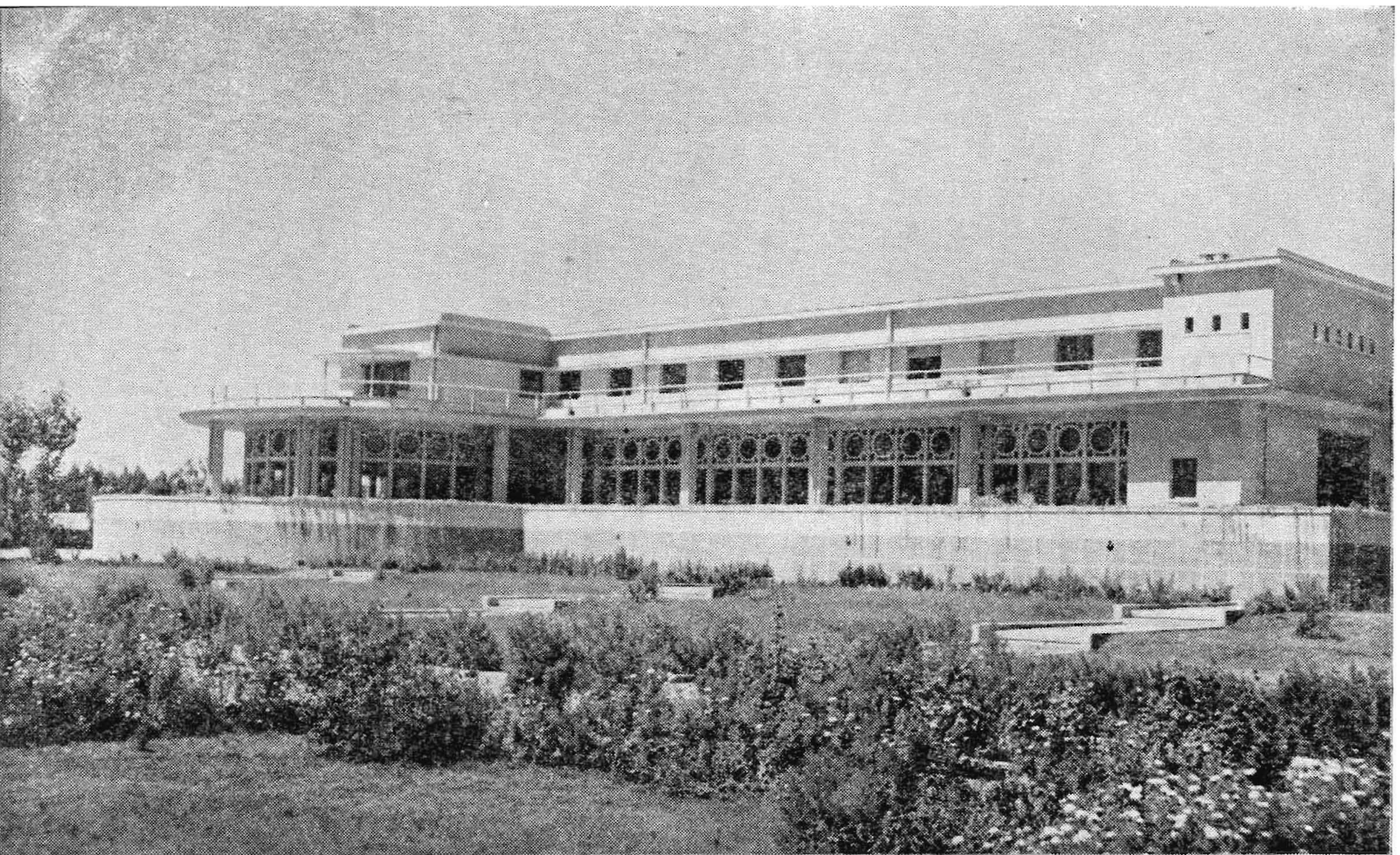
بطوریکه قبلا اشاره شد ازاواسط قرن نوزدهم میلادی گاهی ازاوقات دانشجویان ایرانی برای گذراندن تحصیلات بکشورهای خارجی اعزام گشتند وحتی چند نفر دانشجوی دختر هم دربین آنان یافت میشد ولی در سال ۱۹۲۹ مقرر گردید دانشجویانی از طرف دولت بکشور های خارجی‌اعزام گردند واعتباری هم که سالیانه مبلغ یك میلیون ریال بود برای اینکار اختصاص داده شد واین برنامه برای مدت هفت سال عملی گردید و هر سالی یکصد نفردانشجو بخارجه اعزام میشدند .

علاوه براین‌وزارت‌جنگ‌وسایرمؤسسات‌دولتی‌برای‌کارهای‌اختصاصی خود دانشجویانی بخارج میفرستادندوافرادمتمکن هم بپیروی ازهمین رویه فرزندانشانرا برای گذراندن تحصیلات عالی به‌اروپاوامریکااعزام داشتند .

طبق آماری که در سال ۱۹۴۰ منتشر شد ازسال ۱۹۲۲ تاسال ۱۹۳۸ سیصد ونود وشش نفر فارغ‌التحصیل از کشور های خارجی به‌ایران باز گشته‌اندودرسال آخر یعنی۱۹۳۸چهارصد وپنجاه‌ودو نفردانشجودرخارج از کشورمشغول‌تحصیل‌بودند که مجموع‌فارغ‌التحصیلها ودانشجویان‌اعزامی دولت ووزارت‌جنگ وافراد متمکن ایرانی به یکهزاروپانصدنفر میرسید.

شرکت نفت انگلیس وایران هم برای تحصیل فنون ورشته های مربوط به‌صنعت نفت دانشجویانی به انگلستان اعزام داشت .

عده‌ای ازدانشجویان ایرانی‌هم دردانشگاه امریکائی بیروت‌تحصیل میکرده‌اند که ازآنجمله میتوان استاد فیزیك دانشگاه تهران و رئیس بیمارستان سبزوار را نام برد .



یکی از بناهای دانشگاه تهران

درحال حاضر کشور ایران احتیاج مبرمی بمعلم دارد .

درسال ۱۹۱۸ اولین آموزشگاه معلمین بنام (دارالمعلمین) درتهران تأسیس یافت و نظیر همین آموزشگاه هم بنام (دارالمعلمات) برای بانوان دایر گردید ولی تاماه مارس سال ۱۹۳٤ که قانون تربیت معلم بتصویب رسید این موضوع پیشرفت چندانی نداشت .

بموجب قانون تربیت معلم مقرر گردید که درمدت پنجسال بیست و پنج دانشسرا درسراسر مملکت تأسیس گردد ودرسال ۱۹۳٦ نه دانشسرای پسرانه ودو دانشسرای دخترانه که جمعاً ٦۹۷ نفر شاگرد و٦۲ نفر معلم داشت دایر گشت وطبق قانون مذکور روز بروز بتعداد دانشسراهـا اضافه گردید بطوریکه درسال ۱۹۳۹ درسرتاسر کشور ایران سی وشش دانشسرا برای تربیت معلم بوجود آمد .

برطبق قانون مورد بحث برای فارغ التحصیل های دانشسراها امتیازات ومزایائی مقرر شد .

برای ورود بدانشسرایعالی گواهینامهٔ کامل دورهٔ دوم متوسطه وبرای ورود بدانشسرای مقدماتی گواهینامه های پائین ترحتی دورهٔ اول متوسطه هم کافی است .

دردانشسرایعالی دبیر ودردانشسرای مقدماتی آموزگار تربیت میشود.

دورهٔ دانشسرای مقدماتی دوسال وشاگردان آن که بـه سن بیست سالگی رسیده بـاشند وفارغ التحصیل شوند میتوانند در دبستان هـا یعنی آموزشگاههای ابتدائی مشغول تدریس گردند .

گواهینامهٔ کمتر ازدورهٔ کامل متوسطه برای ورود بدانشسرای عالی که درتهران تأسیس شده وبرای دبیرستانها دبیر تربیت میکند پذیرفته نیست.

دانشسرایعالی شامل دودانشکدهٔ ادبیات وعلوم میباشد وتحصیل برای دانشجویان مجانی است ودر سال ۱۹۴۰ هشتاد نفر دانشجوی شبانه روزی دردانشسرایعالی اقامت داشتند .

دانشجویانی که دردانشکده‌های دانشسرایعالی تحصیل میکنند میتوانند درهشت رشته متخصص شوند واین هشت رشته عبارتند از: زبان وادبیات فارسی، تاریخ وجغرافیائی ، باستان شناسی ، زبانهای خارجه ،فلسفه وفن تدریس، ریاضیات ، فیزیك وشیمی ، علوم طبیعی .

ازسال ۱۹۳۶ که مقررات آزادی زنان در کشور ایران اجرا گردید دوشیزگان هم‌مانند پسران میتوانند دردانشکده‌های دانشسرایعالی باهمان شرایطی که برای دانشجویان پسرموجود است مشغول تحصیل گردندفقط قبل ازورود بدانشکده یکسال در کلاس مقدماتی تحصیل میکنند وازسال ۱۹۴۰ خانه‌داری وخیاطی وکارهای دستی مخصوص بانوان ایران به برنامهٔ تحصیلی دانشجویان زن افزوده شد .

ساختمان زیبای دانشسرایعالی شش جریب مساحت دارد ودارای لابراتوار و کتابخانه ومیدانهای ورزشی است .

تاسال ۱۹۴۰ ششصدودوازده نفردانشجوازدانشکده‌های دانشسرای عالی فارغ التحصیل شده بودند ودرهمانسال ۵۵۰ نفردانشجومشغول تحصیل بودند .

اشخاصیکه ازدانشسرایعالی فارغ التحصیل شده‌اند تاده رتبه ارتقاء می‌یابند وتوقف آنان درهررتبه‌ای بطور معمول بین دوتا سه سال میباشد و درسن پنجاه سالگی بازنشسته میگردند .

تعلیمات فنی وصنعتی سیر تکامل خودرا طی میکند ودراین امرازطرف وزارت پیشه وهنرنظارت دقیق بعمل میآید .

درمدارس ابتدائی صنعتی به برنامه های مربوطه چندان توجهی نمیشود ودرعوض به شاگردان اینگونه مدارس قالی بافی، نساجی دستی ، خاتم کاری، کشاورزی ، مبل سازی ونجاری میآموزند .

در مدارس متوسطهٔ صنعتی هنر آموزان وارد یکی از هنرستانهای صنعتی میشوند .

مشهور ترین هنرستانهای ایران هنرستان صنعتی است که دورهٔ آن شش سال است بدین معنی که دانشجو دراین هنرستان چهار سال علمی و عملی تحصیل میکند ودو سال دیگر را هم دررشتهٔ تخصصی خودش که قبلا انتخاب کرده است میگذراند .

پس ازپایان این دوره هنرآموزان میتوانند به هنرسرایعالی بروند .

دورهٔ هنرسرایعالی سه سال ورشته های تخصصی آن عبارتست از ماشین سازی ، شیمی ، معدن شناسی ، فلزشناسی و هنرجو باید پس ازطی سه سال دورهٔ تحصیلی یکسال هم درکارخانه های مربوطه عملا مشغول کارباشد.

آموزشگاههای هنری وصنعتی دیگری هم وجود دارند که درآنجا شاگردان قالی بافی، نقاشی ، مینیاتور، رنگرزی، صحافی، ساختن اشیاءِ مذهب، کاشی لعاب ، منبت کاری ، نساجی و هنرهای جدیدی مانند : نقشه برداری، حجاری ، قالی بافی صنعتی ، موزائیك ، کوزه گری و معماری میآموزند .

هنرآموزان این معلومات را درآموزشگاه هنرهای زیبای تهران فرامیگیرند .

آموزشگاه های مخصوصی برای رنگرزی تأسیس شده است که نخ وپشم رابرای قالی بافی وکارخانه های نساجی وریسمان ریسی رنگ میکنند ،

هنرسرای دختران هم یکی ازتأسیسات مهم وسودمندی است که در

آنجا دختران ایرانی هنرهای مختلف را فرا میگیرند .

بنای این هنرستان نمونهٔ بسیار زیبائی ازساختمان های جدید شهر تهران است .

آموزشگاههای فنی واختصاصی دیگری هم هست که تحت نظارت وزارتخانه های مربوطه اداره میشوند .

وزارت فرهنگ دوآموزشگاه اقتصاد وتجارت وهنرستان موسیقی کشور را تحت نظر دارد .

گواهینامه‌های صادره ازمدرسهٔ اقتصاد وتجارت ارزش دیپلم کامل دورهٔ متوسط را داردودانشجویان این دبیرستان میتوانندپس ازپایان دورهٔ تحصیلی خود وارد دانشکدهٔ حقوق بشوند .

هنرستان موسیقی شاگردان با استعداد را برای فراگرفتن موسیقی میپذیرد ودرشش سال اول ابتدائی علاوه برمواد برنامه‌های معمولی هنرستان موسیقی علمی وعملی هم به آنان میآموزد و در دبیرستان موسیقی محصلین مواد مخصوص موزیك را فرا میگیرند وازسال چهارم رشتهٔ تخصصی هنرآموزان در : ارکستر ، آواز واستعمال آلات موسیقی آغاز میگردد وپس از آن چهارسال هم دورهٔ عالی هنرستان موسیقی است که درپایان هنرآموزان دیپلم عالی موسیقی را دریافت میدارند .

وزارت کشاورزی در کرج دانشکدهٔ دامپزشکی و کشاورزی تأسیس کرده است دانشجویان دو یا سه سال دراین دانشکده‌ها تحصیل میکنند و پس ازآن برای فراگرفتن تجربیات یکی ازمزارع نمونه میروند ودرآنجا مشغول خدمت میگردند ویااینکه به‌تحصیلات خود ادامه میدهند ورشته‌های روانشناسی و فن تدریس را میآموزند و در دبستان های کشاورزی به نوآموزان درس میدهند .

وزارت جنگ دانشکدهٔ افسری در تهران تأسیس کرده است و دانشجویانی که از دبیرستانهای نظامی تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز و کرمانشاه میآیند در این دانشکده مشغول تحصیل میگردند.

دورهٔ دانشکدهٔ افسری دو سال و رشته‌های مختلف آن عبارتند از: صنف پیاده، سوار، مهندسی توپخانه و ستاد و افسر فارغ التحصیل با درجهٔ ستوانی از دانشکده خارج میشود.

وزارتخانه‌های راه، پست و تلگراف و کشور هم بهمین نحو برای خدمت در کادر اداری خود آموزشگاههای اختصاصی دارند.

تحصیل در تمام آموزشگاهها و دبیرستانها و دانشکده‌های اختصاصی مجانی است وحتی بعضی از آموزشگاهها به شاگردان غذا و پول نقد هم برای رفع احتیاجشان میدهند.

برای اطلاع خوانندگان گرامی آماری از پیشرفت‌های امور اجتماعی ایران درعرض پانزده یا بیست سال اخیر در اینجا ذکر میگردد.

درسال ۱۹۴۰ درسراسر کشور ایران ۸۲۳۷ مدرسهٔ مختلف دایر بود که در آنها ۴۹۶۹۶۰ نفر شاگرد مشغول تحصیل بودند و ۱۳۶۴۶ نفر معلم بآنان درس میدادند درصورتیکه تاسال ۱۹۲۲ کشور ایران بیش از ۶۱۲ آموزشگاه نداشت. از ۸۲۳۷ مدرسهٔ فعلی ۱۳۱۶ دبستان و ۲۰۰ دبیرستان و دانشکدهٔ دولتی است.

بقیهٔ مدارس راآموزشگاههای اختصاصی وملی تشکیل داده‌اند.

۲۱۵۰ دبستان و چهار صد آموزشگاه اکابر هم برای بزرگسالان تأسیس شده است.

در سال ۱۹۴۰ تعداد ۱۲۸۴۷ نفر پسر و ۴۹۰۵ نفر دختر گواهینامهٔ

دورهٔ ابتدائی ٦٤٥ نفرپسر و٤٥١ نفر دختر گـواهینامهٔ دورهٔ متوسطه را گرفتند و همچنین ٥٠٦ نفر دانشجو از دانشسرا و٤١١ نفـر دانشجو از دانشگاه ایران فـــارغ التحصیل شدنـد در صورتیکه در سال ١٩٢٢ فقط پانزده نفردانشجواز آموزشگاههای عالی ایران فارغ‌التحصیل شده بودند .

آمارتفصیلی اوضاع‌فرهنگی ایران‌اکنون موجود نیست وما جدولی راکه مربوط بسال ١٩٣٦ میباشد برای مقایسهٔ پیشرفت وترقیات اجتماعی وفرهنگی این کشوردرصفحهٔ ٣٦٣ ذکرمیکنیم .

بدیهی است که ازآن تاریخ ببعد روزبروز بدبستانها ودبیرستانهای دولتی اضافه میگردد .(١)

درسال ١٩٤٠مخارج فرهنگی وآموزشی کشورایران اعم ازدولتی، ملی ومذهبی بردوتاسه‌میلیون لیره‌بالغ میگردیددرصورتیکه درسال ١٩٢٥ هزینهٔ آموزشی همین کشورازیکصد هزارلیره تجاوزنمیکرد .

آموزش و پرورش در ایران برای خرد وبزرگ عمومیت پیدا کرده ونقشهٔ عمومی آنستکه کلیهٔ افرادکشور راباهمیت تحصیل وبـا سواد شدن متوجه سازند.

١ـ آمارفرهنگ کل کشور در پاورقی صفحهٔ ٣٦٤ برای اطلاع‌خوانندگان گرامی درج شده است .(مترجم)

نوع	تعداد	شاگرد		معلم	
		پسر	دختر	مرد	زن
کودکستان	۲۳	۱۵۵۵		۷۹	
مکتب	۲۹۳۵	۴۱۴۵۹	۱۴۱۸۶	۱۸۵۸	۱۳۷۲
دبستان دولتی	۹۸۲	۱۱۳۴۳۹		۳۷۷۹	
دبستان ملی	۴۰۲	۶۴۴۰۶		۲۳۴۷	
جمع دبستانها	۱۳۸۴	۱۳۳۴۸۰	۴۴۳۶۵	۴۳۳۷	۱۸۰۹
دبیرستانهای دولتی	۶۳	۷۶۲۰		۵۱۶	
دبیرستانهای ملی و دبیرستانهای خارجی	۱۱۲	۷۹۱۵		۷۲۱	
جمع دبیرستانها	۱۷۵	۱۲۵۹۵	۲۹۴۰	۹۵۷	۲۸۰
مدارس مذهبی	۳۵۳	۲۹۳۵		۳۰۵	
دانشسراها	۱۱	۶۹۷		۶۲	
آموزشگاههای فنی	۱۰	۱۲۱۶		۱۰۸	
آموزشگاههای عالی	۵	۳۱۲		۵۲	
دانشکده‌ها	۵	۱۳۱۱		۱۵۱	
جمع انواع دبستان-آموزشگاه-دبیرستان ودانشکده‌ها	**۴۹۰۱**	**۲۵۷۰۵۱**		**۱۱۳۷۰**	

فصل سی و پنجم

آموزشگاههای سالمندان ـ تغییر لباس ـ اقلیت‌ها ـ مطبوعات

تعلیمات اکابر ازسال ۱۹۳۶ در کشور ایران شروع شده[۱] و بتمام دبستانها دستورداده‌اند برای سالمندان کلاسهای شبانه‌دایر کنندباین‌منظور

۱ـ همانطوریکه مؤلف کتاب متذکر شده‌اند این آمار مربوط بسال ۱۹۳۶ یعنی سال ۱۳۱۵ شمسی میباشد و برای اینکه خوانندگان گرامی از پیشرفت امورآموزش وپرورش کشور عزیز ماایران آگاه گردندآمار فرهنگ کل کشور رادر خرداد ماه ۱۳۳۵ که ازوزارت فرهنگ گرفته‌ام ذیلا درج میکنم :

تعداد مدارس

نوع	مختلط	دخترانه	پسرانه	جمع کل
دبستانهای دولتی	۱۶۲۶	۸۷۶	۳۸۶۷	۶۳۶۹
دبستانهای ملی	۳۴	۱۳۰	۲۰۳	۳۶۷
دبیرستانهای دولتی	-	۱۵۴	۴۷۷	۶۳۱
دبیرستانهای ملی	-	۳۶	۷۲	۱۰۸
دانشسرای مقدماتی	-	۱	۲۲	۲۳
دانشسرای تربیت بدنی	-	۱	۵	۶
دانشسرای کشاورزی	-	-	۸	۸
آموزشگاههای حرفه‌ای وروستائی				۴۰ ←

که تمام افراد کشور خواندن ، نوشتن واطلاعات عمومی ولازم رابیاموزند.

دورهٔ آموزش سالمندان دو سال است و گواهینامهٔ اکابر ارزش

نوع	مختلط	دخترانه	پسرانه	جمع کل
هنرستانها	–	٦	٦	١٢
کودکستانها				١٠٣
آموزشگاههای سالمندان دولتی				٣٨٤
آموزشگاههای شبانهٔ ملی				٥٦٦
مدارس قدیمه				٢٣١
مکتب خانه‌ها	–	١٩٣	٣٨٤	٥٧٧

تعداد محصلین

نوآموزان دبستانهای دولتی	دختر ٢١٩٥٢٧ نفر	پسر ٥٢٥٦٢٩ نفر	جمع ٧٤٥١٥٦ نفر
نوآموزان دبستانهای غیر دولتی	دختر ٢٤٨٩٢ «	« ٤٦٤٥٣ «	« ٧١٣٤٥ «
دانش آموزان دبیرستانهای دولتی	دختر ٢٥٢١٨ «	« ٨٨٤٩٨ «	« ١١٣٧١٦ «
دانش آموزان دبیرستانهای غیردولتی	دختر ٧٢٣٠ «	« ١٩٦٦٥ «	« ٢٦٨٩٥ «
دانشسرای مقدماتی	« ١٨٧ «	« ١٤٧٦ «	« ١٦٦٣ «
تربیت بدنی	« ٢٧ «	« ٩٨ «	« ١٢٥ «
آموزشگاه حرفه‌ای			« ٢٦٤٩ «
آموزشگاه روستائی			« ٥٦٨ «
هنرستانها	دختر ٥١٠ «	« ١٠٣٥ «	« ١٥٤٥ «
کودکستانها	« ٢٧٥٨ «	« ٣٤٨٧ «	« ٦٢٤٥ «
سالمندان دولتی			« ١٨٤٥٤ «
آموزشگاههای شبانهٔ ملی			« ١٦١٠٠ «
مکتب خانه	دختر ٤٥٤٩ «	. « ٨٨١٣ «	« ١٣٣٦٢ «
آموزگار	زن ١٠٣٩٣ «	مرد ٢٠٤٩٥ «	
دبیر	« ١١٧٧ «	« ٥٢١٢ «	

←

کلاس چهارم ابتدائی را دارد.

هریك از نوآموزان کلاسهای اکابر باید درسال نود وشش شب در کلاس درس حاضر شوند .

درسال اول نوآموزان مدارس شبانه خواندن ونوشتن وحساب ساده میآموزند و درسال دوم اطلاعات عمومی بهداشت ، حساب ، تاریخ وجغرافی ایران و قطعات منتخب نثر ونظم یاد میگیرند .

درسال ۱۹٤۰ ـ ۲۱۳۳ آموزشگاه اکابر درسراسر کشور دایر بود که هریك ازآموزشگاهها دو کلاس داشت وبطورکلی ۱۵۷۱۹۷ نفرنوآموز در این کلاسها مشغول تحصیل بودند .

در این قسمت هم آمارکامل و مفصلی دردست نیست ولی آمار صفحهٔ ۳٦۷ که مربوط بسال۱۹۳۹میباشد تاحدی نظرمارا تأمین میکند .

آمار دانشگاهها و آموزشگاههای عالی کشور
درسال تحصیلی ۳۵ ـ ۳٤

دانشگاه تهران	۸٦۳۹ نفر دانشجو	٤۵۷ نفر معلم
دانشگاه تبریز	۱۰۱٦ «	۸٤ «
دانشگاه شیراز	٤۹۰ «	۵۱ «
دانشکدهٔ پزشکی اصفهان	۲۳۷ «	۲٦ «
هنرسرای عالی	۳۲۳ «	۳۵ «
دانشگاه مشهد	۳٦۱ «	۳٦ «
دانشکدهٔ کشاورزی اهواز	٤۰ «	۱۲ «
آموزشگاه عالی اشرف پهلوی	۷۹ «	۱٤ «

و نیز برحسب امر اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی مبارزه با بیسوادی در سرتاسر کشور شروع گردیده و برای اینکه اعلیحضرت شاه علاقهٔ خود را نسبت باین امرمهم نشان دهند شخصاً چندین کلاس را بازدید فرمودند و به بیسوادان درس دادند . (مترجم)

صورت نوآموزان مدارس شبانه در ایران

از نظر سن

کمتر از ۱۸ سال	۴۳۲۱۸ نفر
۱۸ تا ۲۵	۲۸۹۳۲ «
۲۵ تا ۳۰	۱۹۲۲۲ «
۳۰ تا ۳۵	۱۷۶۲۴ «
۳۵ تا ۴۵	۱۶۸۳۲ «
۴۵ تا ۵۵	۹۰۷۹ «
از ۵۵ ببالا	۲۷۹۶ «
	جمع ۱۳۷۷۰۳ نفر

از نظر کار

پاسبان	۳۶۱۴ نفر
خدمتگزاران جزءِ دولت	۹۵۸۹ «
کاسب	۵۶۰۰ «
بناوعمله	۱۰۶۴۵ «
باربر	۳۱۳۵ «
کارگران و صاحبان مهمانخانه‌ها	۱۴۴۴ «
کشاورزودهاتی	۳۳۶۱۸ «
نانوا	۳۳۱۵ «
قصاب	۲۵۷۸ «
حمامی	۲۴۹۱ «

نجار ودرودگر	۳۴۱۹ نفر
راننده ومیکانیک	۱۱۸۰ «
آهنگرومسگر	۴۸۷۳ «
متفرقه	۵۲۳۰۰ «

جمع کل ۱۳۷۷۰۳ نفر

بتعلیمات مذهبی نسبتاً کمتر اهمیت میدهند وبیشتر باموراخلاقی ومخصوصاًوظایف ملی ومیهنی توجه شده است . درتمام عملیات رژیم جدید این رویه نسبت بمسائل وامورمذهبی که جنبهٔ خرافاتی دارد مشهوداست . هم اکنون اکثریت مردم‌ایران مسلمان هستند ودراین کشور تعداد شیعیان چهارده میلیون نفر است وتعداد سنیان هشتصد تانهصد هزارنفرمیشود که اغلب قبایل ایلات وعشایر کرد هستند که درشمال غربی ایران زندگی میکنند.تعدادکلیهٔ ایرانیان‌غیرمسلمان ازیکصد وپنجاه‌هزارنفر بیشتر نیست.

نقشهٔ رژیم فعلی آنستکه حتی‌المقدور خرافات را ازدین سوا کند ومردم رابحقایق امرمتوجه سازد وروی این‌اصل بجای‌اینکه مستقیماً بدین اسلام حمله‌ای بشود در ضعیف کردن روابط مردم نسبت بعقاید خرافاتی کوشش بعمل‌میآید .

موقعی شاه ایران تصمیم داشت بپیروی ازروش ترکیه حکومت کشورخود راحکومت (عرفی) معرفی کند امااحساس کرد که با مخالفت شدید ملاها روبروخواهد شد وبناچار ازاین تصمیم منصرف گردید .

باید دانست که نفوذ ملاها مسلماً برای اصلاحات اساسی وپیشرفت اموراجتماعی واتحادملت مانع بزرگی‌است. ملاها این نفوذ رابیشترازآن جهت بدست‌آورده‌اند که‌اطلاع وبصیرت درامورر امنحصربخودشان کرده‌اند والا این موضوع ارتباط چندانی با قدرت روحانی آنان ندارد .

روی این اصل بود که رژیم جدید درصدد برآمد متدرجاً نفوذ بیجا و بیمورد ملاها را بکلی ازبین ببرد گرچه قانون اساسی کشور ایران بارعایت کامل قوانین اسلامی تدوین وتصویب شده‌است وقوانین عادی کشوری هم‌طوری تنظیم گردیده که مخالف با مقررات اسلامی نباشد وتبلیغات ضد اسلام بکلی ممنوع گردید و حتی خود شاه هم به زیارت قم، کربلاونجف رفت اما باید دانست که درسال ۱۹۳۰ بواسطهٔ تعمیم‌فرهنگ وحذف بعضی موادمذهبی از برنامه‌ها که برای محصلین اجباری بود ومحدود ساختن لباس روحانی و تغییر شکل مقدار زیادی ازنفوذ ملاها کاسته شد .

تصمیم اخیری که برای ملی ساختن موقوفات اتخاذ گردید سیاست عاقلانهٔ شاه را نسبت باصلاحات امور مذهبی تأیید میکند اما برانداختن نفوذ ملاها که مانع ورادع بزرگی برای اصلاحات امور اجتماعی و اتحاد ملت بودند بمراتب مهمتراز این موضوع بوده است .

در سال ۱۹۳۵ تعزیه خوانی که یکنوع بازی بودو بآن جنبهٔ مذهبی داده بودند ممنوع گردید و اندکی بعد از آن در مسجدهای تاریخی اصفهان برای ورود مردم باز شد مسلمان وغیر مسلمان مانند هم ازمساجد دیدن میکردند .

در این روزها کمتر کسی است که در کشور ایران درجاهای عمومی نماز بخواند . اتحاد شیعه وسنی که با ازدواج ولیعهد ایران بوجود آمد ثابت میکند که در مقابل منافع ملی اختلافات کوچك وبی اهمیت مذهبی بهیچوجه ارزش ندارد.

رویهٔ معلوم وآشکار دولت اعلیحضرت پادشاه ایران در امور جاری مملکت تأثیر زیادی در عقاید عمومی بخشیده است . ما در ضمن مطالعه و

بحث دربارهٔ تاریخ ایران دیدیم که چگونه فرهنگ وتمدن این کشور بر افکار تحمیلی و عارضی از طرف خارجیان غالب میآید .

هرچند درموضوع افکار اسلامی جریان عمل تاحدی بطول انجامید اما آنطوری که بنظر میرسد دراین راه هم فعالیت‌هائی شروع شده‌است.

عقایدآزاد متدرجاً متوجه فلسفهٔ مذهب‌باستانی زرتشت میشودوحتی بعضی از افراطی‌ها معتقد هستند که بواسطهٔ ظهور و پیدایش اسلام و از میان‌رفتن‌مذهب زرتشت‌فرهنگ‌حقیقی‌وملی‌باستانی‌ایران‌ازبین‌رفته‌است.(۱)

وضع و افکار جدید سبب شده است که بین مردم ایران مسلمان و زرتشتی همکاری و اتفاق نظری حاصل گردد بطوریکه در همین ایام یکی از شاهزاده خانم‌ها جوائز مدرسهٔ زرتشتیان رابا دست خود بدانش‌آموزان داد و بطورکلی میتوان گفت که در اصلاحات امور اجتماعی مانند ممنوع ساختن‌حجاب‌بانوان‌وامثال آن‌عقایدزرتشتی‌بیش‌ازافکاراسلامی‌رعایت‌میگردد.

ازطرف دیگرآئین بهائی‌در کشورایران‌مورد تنفر وبلکه‌تحت‌تعقیب است اما احتمال میرود که عدهٔ زیادی از بهائی ها بطور محرمانه در این کشور زندگی میکنند ولی باید باین موضوع توجه داشت که رویهٔ مربوط بمذهب را نمیتوان نشانهٔ افکار وعقاید سیاسی واجتماعی ایران دانست‌زیرا آمال وعقاید جامعهٔ ایرانی امروز از اشرافیت و وطن دوستی وملت پرستی دورهٔ هخامنشی سرچشمه‌میگیرد واین‌نوع احساسات در کشورایران‌امروزه به نیرومندی احساسات ملت‌های اروپا است .

از هرفرصتی برای برتری دادن دولت درمقابل افراد استفاده میشود و درهرکاری منافع ملی را بمنافع فردی ترجیح میدهند و هر چیزی‌را که

---

۱ ــ این عقاید بهیچوجه درست نیست . (مترجم)

باعث تفرقه و بروز اختلاف باشد از بین میبرند و روح وحدت و یگانگی را دربین ملت تقویت میکنند .

در عین حال که بدعت‌های مذهبی موافق باروح ملیت رامحترم‌شمرده وروح عقیده وایمان را درافرادملت تقویت میکنند از مذهب‌غیراسلام وغیر ایرانی تنفردارند و ادیان دیگر را شدیداً مورد بی مهری قرار داده‌اند • ارمنیها وآسوریها و یهودیها اگر تحت تعقیب قرارنگیرند میتوان گفت که مسلماً محبوبیت همگانی ندارند .

تشکیل باشگاه و اجتماعات اقلیت ممنوع است (گرچه هنوز به سازمانهای مذهبی آنان دست نزده‌اند) و هرچند افراد اقلیت‌های مذهبی از بیکاری و نا توانی درزحمت نیستند اما چنین بنظر میرسد که به آنـان مقامات ومشاغل مهمی واگذار نمیشود .

در کشور ایران ارمنی‌ها بیش از اقلیت‌های مذهبی دیگر گرفتارند زیرا در سابق آنان‌کارهای اداری دولتی داشتند و با مشاغل‌آزاد دیگری آشنا نبودند ولی‌اکنون که بخدمات دولتی پذیرفتد نمیشوند بطور قطع در زحمت هستند .

ارمنیها ازلحاظ اینکه بمرام کمونیست وایجاد انقلاب تمایل دارند همواره مورد سوءِ ظن واقع گشته‌اند واین سوءِ ظن شاید تـا اندازه‌ای هم بدون دلیل نبـاشد ولی درهر صورت نظرآن نیست که ارمنیهارا بطورکلی طرد کنندبلکه میخواهندآنان‌هم‌افرادمورد اعتماد جامعۀ‌آرام ایرانی‌باشند.

در کشورایران‌این‌نوع‌احساسات‌نسبت بعموم‌خارجیان‌وجوددارد .

ایرانیان ازهیئت‌های مذهبی‌خارجیان که بیشترهم خودرا درپیشرفت اموربهداشتی‌وفرهنگی صرف کرده‌اندهیچگونه‌آزاری ندیده‌اند اما درامور

تجارت واقتصادی سودی عاید ایران نشده وملت ایران ازعملیات هیئتهای مربوط باینکار دلخوشی ندارد .

افسران ارتش و کارمندان رسمی دولتی ایران ازمعاشرت وآمیزش باخارجیان (مخصوصاً هیئتهای سیاسی) محروم هستند وسایرافرادهم ازآنان پیروی میکنند .

دربین ملت ایران سوءِ ظن شدیدی ایجاد شده است که خارجیها با نظرتمسخر به ایرانیـان مینگرند وبهمین جهت مردم ومطبوعات منتظرند که انتقاد ویا اشارهٔ سادهای ازخارجیان ببینند وشدیداًبآن اعتراض کنند.

باتمام وسایل این وجههٔ ملی تقویت میشود .

ایجـاد پرچم جدید و سرود ملـی ولغوالقاب وعنـاوینی که درقرن نوزدهم میلادی مـورد علاقهٔ اشراف ایران بود ومعمول ساختن کلمهٔ ایران دربین خارجیان بجایکلمهٔ پارس نمونههاایست ازفعالیت وتبلیغات خستگی ناپذیری که برای شناساندن کشور ایران بممالك خارجی وخارجیانآغاز گردیده است .

برای روشن شدن افکارعمومی وبالابردن سطح معلومات مردم درماه ژانویهٔ سال ۱۹۳۹ انجمن هدایت افکار درکشور ایران ایجاد گردید .

انجمن هدایت افکاراز نمایندگان دانشگاه وسازمان تعلیمات اکابر وتشکیلات پیشآهنگی وسانسور مطبوعات تشکیل یـافته ومأموریت دارد که باانتشار مقالات سودمند ، جزوههای خواندنی و کتابهای مفید وتنظیم برنامههـای وسیع سخنرانی درسراسر کشور و ایجـاد نمایش ونشان دادن فیلمهای مفیدوایراد گفتار دررادیو ونواختن موسیقیهایمتنوع وسرود ملی وخلاصهکلیهٔ وسایل گوناگون فرهنگی روح ملیت ایرانیرا تقویت کند .

دونمونهٔ ذیل از برنامهٔ سخنرانیهای تهران سیاست تبلیغاتی دولت رابخوبی نشان میدهد.

دوشنبه ـ وظایفی را که جوانان درعصرحاضر برعهده دارند.

سه شنبه ـ چگونه پزشک خود باشید. مبارزه بر علیه خرافات و موهوم پرستی.

چهارشنبه ـ وفاداری بشاه ومیهن.

سه‌شنبه ـ وظیفه‌ای را که افراد ملت درراه ترقی وموفقیت کشور برعهده دارند. اولین کمك قبل‌ازرسیدن پزشك.

چهارشنبه ـ کشاورزی.

ورود بمجالس سخنرانی برای تمام افراد ملت‌آزاد ومجانی است

درسال ۴۱ـ۱۹۴۰ بیش ازهفت هزاربار جلسهٔ سخنرانی تشکیل گردید که یك میلیون‌وپانصد هزارنفر دراین جلسات حضوریافتند.

باید توجه داشت که اصراربتقویت روح ملی وروشن کردن افکارمردم ازاهم مطالب است وسعی و کوشش زیادی بکارمیرود تا افراد ملت نادان و بی‌اطلاع نباشند.

روز بیست ونهم ماه ژوئن سال ۱۹۴۰ اعلیحضرت پادشاه ایران در حضور روزنامه نگاران ومدیران جراید نطقی ایراد کردند و گفتند (چون ممکن نیست ایران ازحوادث جاری جهان بر کنار بماند لذا نه‌تنها باید ایرانیان را ازحقایق مربوط باوضاع جاری جهان وملیت خودآگاه ساخت بلکه باید بآنان کمك کرد تاازحقیقت مطالب آگاه شده وخودآنچه را که برای مردمان امروزی لازم است بفهمند).

مطبوعات ایران جداً سعی دارند طبق همین دستور رفتار کنند.

گرچه راجع بامورداخلی تفسیرهای زیادی نوشته میشودو گاهی هم با کمال احتیاط مقالاتی دربارهٔ اوضـاع وحوادث بین‌المللی انتشار میدهند اما باوجود تمام اینهـا بیشتر نویسندگان ترجیح میدهند که بدون ایجاد مزاحمتی برای خودشان یك سلسله تلگرافهای خشك آژانسهای خـارجی را در نهایت بیطرفی انتشار دهند ومقالات مهم وبرجسته را از مطبوعات و مجلات اروپائی ترجمه کرده ومنتشر سازند.

البته منابع خبروذکرنام روزنامه ومجله‌ای که اخبار ومقالات رااز آنها ترجمه کرده‌اند باید معلوم ومشخص باشد.

تمام اخبار رانمایندگان خبرگزاری پارس که یکی از سازمانهای دولتی‌استبتهران مخابره‌میکنند بنابراین‌سانسورکلیهٔ خبرهابدون‌هیچگونه اشکالی صورت میگیرد با این وصف پیشرفت و ترقی مطبوعات ایران عجیب بنظر میرسد.

درسراسر کشور ایران سیصد روزنامه ومجله بطور روزانه، هفتگی و ماهیانه انتشار مییابد وهرچند اغلب ازآنهـا عمرشان خیلی کوتـاه است اما بزودی جای خود را بنشریهٔ دیگری میدهند.

درهـرشهری لااقل یك نشریه یـافت میشود وبهمین لحاظ چاپخانه هم درشهرهـا واستانها دایر کرده‌اند وبطـوری دراین راه پیش میروند که حتی دراروپا هم اینگونه پیشرفتها دیده نمیشود.

البته تیراژ روزنامه های ایـران کم است وحتی روزنامهٔ اطلاعـات ویاروزنامهٔ ایران که درسراسر کشورخواننده دارند روزی پانزده هزارنسخه بیشتر چاپ نمیکنند.

این روزنامه‌ها دست بدست میگردد ودر کافه هـا وبازار با صدای بلند آنها رامیخوانند.[1]

این روزنامه‌ها صفحات زیادی ندارند مثلا روزنامهٔ ایران درچهارصفحه منتشرمیشود درصفحهٔ اول سرمقاله وتفسیر اخبار وخبرهای داخلی درصفحهٔ دوم وسوم تلگرافهای خارجی وبعضی داستانهای مورد علاقهٔ خوانندگان و چندآگهی چاپ میگردد وصفحهٔ چهارم هم مخصوص آگهی‌های تجارتی و آگهی‌های متفرقه است.

دولت در امور مطبوعات چندان نظارتی ندارد وهمین قدر که دارندهٔ امتیاز صلاحیت علمی و اخلاقی داشته باشد میتواند روزنامه و یامجلهٔ خود را انتشار دهد و درعین حال ادارهٔ سانسورهر وقت که مقتضیات ایجاب کند میتواند در مندرجات جراید بازرسی بعمل آورد و درصورت اقتضا فوری دستور توقیف روزنامه و یا مجله‌ای را بدهد.

بعضی ازوزارتخانه‌ها مانندوزارت فرهنگ، وزارت جنگ، وزارت کشاورزی، وزارت پیشه‌وهنر مجلهٔ مخصوصی دارند که همه مـاهه انتشار مییابد و نیز چند مجلهٔ مصورفرهنگی دیگری هم منتشر میگردد که کم وبیش معروفیت دارند.

---

۱ ــ نظر مؤلف کتاب دربارهٔ روزنامه‌ها ومجلات ایران مربوط بسال ۱۹٤۱ میلادی یعنی ۱۳۱۹ شمسی است. (مترجم)

فصل سی و ششم

رادیو ـ سینما ـ آثار باستانی

رادیو در کشور ایران بتازگی بوجود آمده ودرماه آوریل سال ۱۹۴۰ ولیعهد ایران دستگاه فرستندهٔ رادیو تهران را افتتاح کرد وانتظارمیرود که بزودی در تمام استانهای کشور دستگاههای فرستنده دایر و مشغول کار گردد و البته تا کنون دربعضی از نقاط دراین باره اقدامات لازم معمول شده است .

برنامهٔ رادیو بی‌شباهت بمندرجات روزنامه‌ها نیست البته قسمت اعظم وقت رادیو بنواختن موسیقی ایرانی و قطعاتی از موسیقی غربی اختصاص دارد ومنظوراصلی دولت ایران از تأسیس رادیو آنستکه وسیلهٔ آموزش عمومی باشد واز اینرو اغلب اوقات مقالات اقتصادی و فرهنگی وصنعتی در رادیو خوانده میشود .

از آغاز جنگ دوم جهانی تا کنون ایرانیان وسیله‌ای نداشتند تا بتوانند وقایع و حوادث جهان را بزبان خودشان بشنوند و بهمین جهت طبق آمار موجود درسرتاسر کشور ایران بیش از پنج تاشش هزاردستگاه رادیو وجود نداشت اما اخیراً دولت برای وروددستگاههای گیرنده تسهیلاتی

قائل شده وبلند گوهائی هم در میدانهای عمومی تهران و سایرشهرستانها نصب کرده است تا تمام‌مردم بتوانندازبرنامه‌های‌رادیو تهران‌استفاده کنند.

سینما از مدتی پیش در کشور ایران بوده است ومشتریهای سینما بمراتب از مشتریان‌کافه بیشتر است.

شهر تهران دوازده‌سینما دارد ودر سایر شهرها هم برای‌استفادهٔ‌مردم سینما دایر کرده‌اند.

اکنون که کشورهای جهان درحال جنگ هستند بیشترفیلمها را از امریکا و آلمان میآورند اما قبل ازجنگ فیلم‌های انگلیسی‌وفرانسوی هم در ایران شهرت داشتند.

اینکه میگوئیم فیلم‌های انگلیسی و فرانسوی شهرت داشتندالبته تعبیر نسبی است زیراآنطوریکه باید وشاید ایرانیان بسینمانمیروندشاید هم این اشکال برای ندانستن زبان‌باشد اما خلاصهٔ مطالب هرفیلم را بزبان فارسی روی فیلم مینویسند.

بهرحال ایران تاکنون نتوانسته‌است استودیوهای فیلمبرداری‌دایر کند وفیلم‌های ایرانی ببازار بیاورد (۱). طبق مقرراتی که درماه ژوئیهٔ‌سال ۱۹۳۹ وضع گردید بچه های کمتر از هفت سال نمیتوانند بسینما بروندو آنهائی هم که سنشان بین‌هفت تا شانزده سال‌است اجازه دارندفقط روزها

---

۱ ـ این کتاب را مؤلف درسال ۱۹۴۱ نوشته است که‌درآنموقع‌ما هنوز استودیوی فیلمبرداری نداشتیم ولی اکنون استودیوهای متعددی‌در کشورما بوجود آمده وفیلمهای ایران درممالك دیگر هم درمعرض‌نمایش گذارده میشود و مخصوصاً در ممالك عربی خواستاران زیادی دارد و نیز در حال حاضر همین‌شهرخودمان تهران چهل وپنج سینما دارد که‌همه‌روزه سه نوبت فیلمهای مختلف را در معرض نمایش میگذارند. (مترجم)

بعضی از سینماها بروند که مقامات فرهنگی و پلیسی فیلمهائی را که نمایش داده میشود قبلا کنترل کرده باشند و دیدن آن فیلم‌ها را از نظر اخلاقی برای اطفال مفید تشخیص بدهند. (۱)

با این وصف سینما نمیتواند جای کافه ها و قهوه‌خانه هـای ایران را بگیرد در دهات وشهرهای دور دست قهوه خانه‌مرکز اجتماعات وپخش خبرهاست زیرا رانندگان اتوموبیلهای سواری و اتوبوس‌وهمچنین‌شوفرهای کامیون برای استراحت خودشان وتعمیر وسائط نقلیه در قهوه خانه‌های‌بین راه توقف میکنند وخبرهای تازه را که درشهر شنیده‌اند بمردم میگویند.

در این قهوه خانه‌ها چای شیرین بدون شیر در استکانهای کوچك می‌نوشند و برای طالبین عرق هم موجود است‌وهر کس مایل باشد دستور میدهد برایش میآورند.

کافه و رستورانهای تهرای شبیه‌کافه و رستورانهای اروپاست ودراین شهر کاباره‌هم‌وجوددارد که‌هنرپیشگان آنها ازاهالی اروپای مرکزی‌هستند و ایـن هنرپیشگان در بین افسران ارتش و کارکنان دولت شهرت زیادی دارند امادربارهٔ عقایدخارجیان‌مقیم کشور ایران‌نسبت بآنان‌بایدساکت‌ماند.

رقص عمومی درایران هنوز هم پسندیده‌نیست ولی درعین حـال در باشگاهها وبعضی ازمجامع رقص عمومی‌آزاد است. درتهران چند باشگاه

---

۱ ـ این مقررات برای اطفال بسیار بجا و بمورد بود زیرا حـالا والدین بچه‌ها از دست آنها به تنگ‌آمده‌اند وچون دیدن تمام‌فیلمهابرای کودکان خوب نیست در اثر مشاهدهٔ مضرات زیادی وزارت کشور مجبور گردید قبلا فیلمها را کنترل کند و دیدن بعضی از فیلمها را برای اطفال ممنوع سازد حالاست که مردم مملکت متوجه میشوند کارهائیکه در۱۸سال قبل بنا بارادهٔ اعلیحضرت رضا شاه‌کبیر صورت میگرفت برای سعادت ملت لازم وضروری بوده است. (مترجم)



رضا شاه کبیر باوالاحضرت شاهپور محمدرضا پهلوی
ولیعهدایران هنگام بازدید از تخت جمشید

ایرانی وجود دارد که ازآنجمله میتوان باشگاه ایران را نام برد که رئیس آن نخست وزیر است .

باشگاه افسران، باشگاه ایران جوان و باشگاه ارامنه هم از باشگاههای معروف بشمار میآیند .

خارجیان مقیم کشور ایران هم هریك برای خودشان باشگاههای جداگانه دارند که ازآنجمله باشگاه اسکاندیناویها ، باشگاه روسها و چند باشگاه دیگر ازهمین قبیل است .

چند سال قبل درایران مقرراتی وضع شد که باشگاه باید بیك ملت اختصاص داشته باشد ویا آنکه عمومی باشد و تمام ملتها بتوانند درآن شرکت کنند شاید وضع این مقررات ازآنجهت است که افسران وکارکنان دولت تحت نفوذ خارجیها نروند .

اغلب ازمتمولین تهران درشمیران که یکی ازنواحی خوش آب و هوای پایتخت است اقامت دارند .

شمیران ییلاق تهران و محل راندووی روزهای تعطیل ماههای گرم تابستان است. آنهائیکه وسیله و توانائی مالی دارند روزهای تعطیل تابستان رابه رامسر وچالوس وبابل و بابلسر که درسواحل دریای خزر واقع شده است میروند.

دررامسر وبابلسر کازینو و هتلهای عالی وجود دارد که وسایل راحتی وآسایش مسافرین ازهرحیث آماده است .

شهر همدان هم خوش آب وهوا و ییلاق بسیار خوبی است .

درکشور ایران ازنظر ادبی هم نهضت هائی بوجود آمده است .[1]

---

۱ ــ درعرض ده سال اخیر چهار هزار جلد کتاب چاپ ومنتشر شده است . (مؤلف)

گرچه بیشتر کتابهای تاریخ و کلاسیك واشعار انتشار داده‌اند اما عموماً اززبانهـای خارجی مخصوصاً زبان فرانسه کتابهائی ترجمه کرده و منتشر ساخته‌اند.

مجموعه‌ای ازتاریخ شعرای عصرجدید ایران درکلکته بچاپ‌رسیده وآثار هشتاد وسه سخنور مشهور را نشان میدهد اما باید دانست که بعضی ازاین سخنوران مورد بی‌مهری دولت واقع شده ودر تبعید بسر میبرند .

اشعارجدید ایران اغلب‌ساده وجنبهٔ آموزشی داردااما بعضی ازقطعات خالی ازذوق ادبی نیست .

عده‌ای ازشعرای ایران بسبك قدیم وبعضی هـم بسبك جدید شعر میگویند اما موضوع اشعار هردو دسته مسائل روز وقضایای جدیداست .

یکی ازشعرای ایران بنام هادی ابیاتی راجع به پائیز سروده است که میتواند نمونه‌ای ازادبیات جدید این کشور باشد .

دراین چکامه یك‌لغت بیگانه یافت نمیشود وتماماً فارسی سره‌است .

این عمل درست مانندآنستکه یك شاعر انگلیسی شعری بگوید‌و درآن لغات لاتینی ویونانی نباشد .

فرهنگستـان ایران درمـاه مـارس سال ۱۹۳۵ تأسیس گردید و مأموریت‌دارد که زبان فارسی راازلغات خارجی‌مخصوصاً واژه‌های عربی که هفتاد درصد زبان‌فارسی کنونی راتشکیل‌میدهد بکلی پاك نموده وبجای‌آن لغات واژه های فارسی سره بوجودآورد و کتاب لغت جدیدی‌تألیف کند .

اولین مجموعهٔ واژه های فرهنگستان درسال ۱۹۳۸ منتشر گردید وازآن تاریخ ببعد همه ساله مجموعه های دیگری انتشار مییابد .

البته نظر این نیست که بفوریت تمام واژه های زبان خارجی را از

زبان فارسی حذف کنند وحتی بعضی ازهمان لغات را قبول دارند واجازه داده‌اند مانند سابق بکار برده شوند .

بطورکلی سیاست دولت دراینمورد برآنستکه لغات وجملات زیادی راحذف کنند وبجای‌آن اصطلاحات جدید فضائی ، فنی ، اقتصادی وعلمی بوجودآورند که بکار بردن‌این اصطلاحات برای روزنامه‌ها وکلیهٔ مطبوعات اجباری، است ولی‌مردم تامدتی هم درصحبت کردن بایکدیگر همان‌کلمات سابق را بکار خواهند برد .

دروضع لغات جدید غالباً تصورات وتخیلات فرهنگستان نشان‌داده شده است مثلابرای کلمهٔتورپیدو (Torpedo) انگلیسی واژهٔ اژدر راوضع کرده‌اند درصورتیکه منظور ازکلمهٔ اژدر درشاهنامهٔ فردوسی اژدهائی است که ازدهانش‌آتش بیرون‌میآید .

سیاست تغییر الفبا برعکس کشور ترکیه عملی گردید .

چندی صحبت ازتغییر الفبای عربی بحروف رومی بود ولی بزودی این موضوع هم مسکوت ماند وسیاست تغییریافت بطوریکه درسال ۱۹۳۸ نوشتن تابلوهـای مغازه‌ها بزبان اروپائی برای دکانداران وتابلو نویسان خارجی بکلی ممنوع گردید ومقرر شد که حتی نوشته هائی راکه بزبان خارجی بود ازعکس های سینما ها و کنار فیلم هـا بردارند وبجای آن حروف‌فارسی‌وعربی‌بنویسنداماباوجود این‌احتمال دارد که‌موضوع‌تغییرالفبا درآیندهٔ نزدیکی دوباره مطرح گردد زیرا گرچه الفبای عربی برای خود عربها بسیارخوبست اماآشناشدن‌بآن برای‌ایرانیان وترکهاآسان نیست.

درقسمت هنری پیشرفت زیادی حاصل نشده است وفقط معماری و حجاری سنگهای ساختمانی تااندازه‌ای رونق دارد .

ساختمانهای جدید ایران بمنظور تقویت روح ملی براساس ومانند

ستونها و حجاری‌های پرسپولیس (Persepolis) یعنی تخت جمشید فارس آثار دورهٔ سلطنت هخامنشیان و بنای ایوان تیسفون (Ctesiphon) یعنی ایوان مدائن آثار دورهٔ سلطنت پادشاهان ساسانی که در کشور عراق واقع است بنامیگردد.

بنای شهربانی کل کشور و بانک ملی ایران که هردو درشهر تهران ساخته شده است نمونهٔ بارزی برای اثبات این مطلب است .

این آثار باستانی که از نظر شناسائی ایران قدیم برای ملت ایران ارزش زیادی دارد بطرز بسیار خوبی نگاهداری میشود و برای تقویت روح ملی لازم و بسیار مؤثر است .

بموجب قانون آثار عتیقه که در سال ۱۹۳۰ بتصویب رسید تمام حفاریها و کاوشها تحت نظر مستقیم دولت درآمده است و امتیازی که چند سال قبل به فرانسوی‌ها داده شده بود و بموجب آن حفاری زمینی برای آثار عتیقه در انحصار آنان قرار گرفته بود لغو گردید وهم اکنون چند هیئت حفاری در ایران مشغول کارند که ازآنجمله میتوان هیئت اعزامی دانشگاه شیکاگو (Chicago) را نام برد که درشهر ری و تخت جمشید مشغول کاوش هستند .

طبق قانون مزبور آثار باستانی نباید از کشور خارج شود بلکه باید بموزهٔ باستان شناسی که باستناد همین قانون درشهر تهران تأسیس یافته است تسلیم گردد .

مقررات و آئین نامه های مخصوصی برای نگاهداری و تعمیر آثار و ابنیهٔ باستانی وضع و بمرحلهٔ اجرا درآمده است و تا آخر سال ۱۹۳۲ دویست وچهل وهفت ساختمان باستانی به ثبت رسیده که هشتاد ودو ساختمان آن مربوط بدوره های قبل ازاسلام بوده است .

این نکته جالب توجه است که معابد واماکن مقدسهٔ ادیان دیگر

باید مانند مسجد مسلمانان جزءِ آثار باستانی محفوظ بماند .

موزهٔ ملی ایران کتابخانه‌ای دارد که نسخه‌های خطی پر ارزش و گرانبهائی در آن یافت میشود .

موسیقی هم جزءِ آن قسمت ازهنرها ایست که مورد توجه قراردارد وتا اندازه‌ای پیشرفت کرده است .

دربارهٔ هنرستان عالی موسیقی قبلا توضیحاتی داده‌شد ودراینجا لازم است اضافه کنیم که درسال ۱۹۳۹ ادارهٔ جدید ومخصوصی برای ترویج موسیقی تأسیس یافت وعده‌ای ازاستادان اروپائی برای تدریس استخدام شدند . این مؤسسه همه ماهه‌مجله ای که شامل تصنیف های قدیمی‌ایران و آهنگهای‌محلی‌است‌منتشر میسازد و آهنگسازان جدید راتشویق‌میکنند و موجبات ترویج‌آوازهای ایرانی را فراهم میسازند وعده‌ای مردم بااستعداد هم‌پیدا شده‌اند که سرودها واشعار تازه‌ای‌میگویند ومینویسند وآهنگهای جدیدی میسازند که ازآنان قدردانی میشود .

دربارهٔ موسیقی اختلاف بزرگی مشاهده‌میشود که درخورتوجه‌است. آئین اسلام موسیقی را منع کرده است ولی درعصر حاضرآن ممنوعیت‌اکید دیگر عملی‌نیست ودر اغلب کشورهای اسلامی (جزممالك بدوی) بسیاری ازخانواده های مسلمان گرامافون دارند اما با وجود این ازطرف مقامات رسمی برای ترویج موسیقی بندرت اقدامات جدی صورت میگیرد .

نظر دولت ایران آنست که موسیقی وسیلهٔ تبلیغات وآموزش عمومی بشود .

فصل سی و هفتم

روابط خارجی

بعد از تجربه‌های تلخی که‌در اثر ارتباط‌با اغلب از کشورهای‌غربی برای کشورایران‌حاصل گردیده‌است‌جای تعجب نیست‌این کشوراکنون که میتواند روش مستقلی راپیش گیرد نسبت بدول‌غربی چندان خوش‌بین‌نباشد.

کشور ایران باداشتن این تجربه های تلخ در روابط خارجی‌خودبا کشورهای دیگر روی‌ناسازگاری نشان نداد ودرهیچ موقعی سیاست‌تهاجم ممالك دیگر را تعقیب نکرده است وبطور قطع و یقین میتوان ادعا کرد که عملیات بین‌المللی ایران‌همیشه باملتهای کوچك عموماً وباهمسایگان خود خصوصاً جنبهٔ همکاری دارد ونیز دراستقرار صلح وامنیت جهانی جداً باکشورهای صلحدوست تشریك مساعی میکند.

روی همین نظر بود که کشورایران درسال ۱۹۱۹ بعضویت جامعهٔ ملل درآمد ودر سال ۱۹۳۷ عضو علی‌البدل شورای جامعه شد و درصدمین جلسهٔ شورای جامعهٔملل که‌در ماه ژانویهٔ سال۱۹۳۸ تشکیل یافت‌نمایندهٔ ایران ریاست جلسه را برعهده داشت.

درسال ۱۹۳۲ با امضای قرار داد مربوطه تصمیم دیوان داوری

بین‌المللی را قبول کرد و درسال ۱۹۳۳ به پیمان هشت دولت ملحق شد و در سال ۱۹۳۸ موافقتنامهٔ دریائی لندن راامضاء کرد و همچنین درسال ۱۹۳٤ باکشور سویس و درسال ۱۹۳۸ باکشورهای مکزیك(Mixico) و آرژانتین (Argentina) ودر سال ۱۹۳۹ باکشور ژاپن (Japan) پیمان مودت‌ودوستی منعقد کرد .

بین ایران‌باچند کشور کوچك‌ودور دست مانند رومانی (Rumania) واسپانیا(Spain) روابط‌سیاسی برقراراست و نمایندگان سیاسی‌بکشورهای یکدیگر میفرستند .

از کشورهای اسکاندیناوی وبلژیك(Belgium) و هلند (Holland) که هیچگاه و در هیچ بابت‌مورد سوءِ ظن سایر کشورها واقع‌نمیشوندکار- شناسان فنی برای ساختن راه‌آهن و کارخانجات به ایران میآیند و در قسمتهای مختلف مشغول‌کار میشوند و مخصوصاً درسال ۱۹۳۹ یك‌شرکت هلندی بنام شرکت (اکتشاف‌الجمین ما اتجاپیج)- The · Algemeine) Explo ratie Maatschappij) دربارهٔ گرفتن امتیاز سه سالهٔ معادن‌آذربایجان بامقامات مسئول ایران مشغول مذاکره شد .

روابط فرهنگی ایران باکشور فرانسه باوجودیکه بعلت پیش‌آمد تأسف آوری درآغاز سال ۱۹۳۹ برای مدت کوتاهی قطع گردید تا سقوط دولت فرانسه برقرار بود .

کارشناسان فنی ایتالیائی در ساختن‌خطوط شوسه و راه آهن ایران شرکت داشتند .

ناوهای نیروی دریائی ایران ازکارخانجات کشتی سازی ایتالیا خریداری‌شده‌است‌وقانون کیفری این کشورراازروی‌پنالکود (Penal Code)

ایتالیا گرفته‌اند وحتی ایتالیا سعی میکرد که درسال ۱۹۳۶ در اختلافات مرزی ایران وعراق میانجی گردد .

دراین اواخر ایتالیا برای جلب محبت ایرانیان تبلیغات دامنه داری را شروع کرده بود امـا چون رویهٔ تبلیغاتی آن کشور روی اصول وقواعد صحیحی نیست دراین باره موفقیتی بدست نیاورد .

مثلا ایتالیا خبری درایران منتشر ساخت‌مبنی براینکه هواپیماهای او که درماه مارس‌سال ۱۹۴۱ بحرین را بمباران کردند ممکن‌است آبادان راهم بمباران کنند که‌البته‌این‌نوع‌تبلیغ برای‌آن کشورنتیجهٔ‌معکوس داد .

ایالات متحدهٔ امریکاهم از نظراینکه برای‌کالا هـای تجملی ایران خریدار بسیار خوبی است برای مدتی مورد مهر وتمجید قرار داشت امـا بعلت پیش‌آمد های تأسف‌آور سیاسی واشتباهاتی چندآن صمیمیت وروابط حسنه درحال حاضر تااندازه‌ای تیره گشته است .

در خلال سالهـای ۱۹۲۱ تـا ۱۹۲۴ مذاکرات بی نتیجه‌ای برای واگذاری امتیاز نفت بین ایران وایالات متحدهٔ امریکا جریان داشت وپس ازآن درسال ۱۹۳۷ امتیاز استخراج نفت شمال شرقی ایران بشرکت نفت امریکا واگذار گردیدولی‌سال بعد بعلت‌اشکالاتی که درامورحمل‌ونقل‌وجود داشت وموانعی که دراوضاع بازارنفت ایجادشده بودآن امتیازلغو گردید .

در عرض سال ۱۹۴۰ کالا های متبادله بین ایران و ایالات متحدهٔ امریکا تقریباً بدوبرابر سال قبل افزایش یـافت باین ترتیب که‌کالا هـای خریداری شده از امریکا ازچهار میلیون وچهار صدهزار دولاربه شش‌میلیون وپانصد هزار دولار وکالا های صادره به امریکا ازچهار میلیون وسیصد هزار دولار به هشت میلیون وششصد هزار دولار رسید .

روابط ایران باسه‌دولت بزرگ غربی‌یعنی بریتانیای کبیر واتحاد جماهیر شوروی وآلمـان وهمچنین مناسبات این کشور بـا همسایگـان نزدیکش بیش ازشناسائی با کشورهای موردست اوضاع وموقعیت‌بین‌المللی ایران را روشن میسازد .

درآغازکار سیاست بریتانیای کبیر درایران خوب نبود ورویه‌ای را که درپیش گرفتند غلط ازآب درآمد .

سیاستمداران ونمایندگـان بریتانیـا درخاور نزدیك که راه غلطی رفتند ونتوانستند بمیزان نیروی حقیقی ملی ایران پی‌ببرند دچـار اشتباه گردیدند ودرنظر ایرانیان مانند روسیه یك دشمن دیرین جلوه گر شدند.

این بدبینی بعلت وقوع‌چند حوادث کوچك داخلی تقویت گردید .

درسال ۱۹۲۵ موقع اختلافات شیخ خزعل، خان محمره بریتانیـا آنقدر دراین امر دخالت نکرد وخود را بر کنار داشت تاهم پیمان سابقش سقوط کرد وآنوقت در کمال‌حماقت اعادۀ حیثیت اورا درخواست نمود وهمچنین برای خدمات تفنگداران پلیس‌جنوب درموقع‌جنگ تقاضای پاداش کرد .

درسال ۱۹۲۷ دولت ایران ادعای خود را دربارۀ بحرین واقع در ساحل غربی خلیج فارس تجدید کرد .

این جزایر تاسال ۱۷۸۳ دردست ایرانیـان وجزء خاك ایران بود و درآن سال عربها بحرین را از ایران گرفتند ودرسال ۱۹۰۶شیخ‌بحرین قراردادتحت الحمایگی‌بریتانیا را امضاء کرد وتحت‌حمایت دولت‌انگلستان درآمد که از آنموقع تا کنون بریتانیا با همین سمت دربحرین باقیمانده است ولی ایران این عمل را تا بحال برسمیت نشناخته است و درسالهای ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ و۱۹۳٤ و ۱۹۳٦ در جامعۀ ملل بعمل بـریتانیای کبیر

اعتراض کرده و همچنین امریکا هم که در بحرین امتیاز استخراج نفت دارد مورد اعتراض دولت ایران واقع گردیده است.[1]

این اختلافات هنوز باقی است و تا کنون حل نشده زیرا مسلم است که بریتانیا نمیتواند از چنین لنگرگاه مهم دریائی چشم بپوشد مخصوصاً لنگرگاه‌های سواحل خلیج‌فارس وحتی امور روشنائی ساحلی که قبلا متعلق به انگلستان بوده تماماً بدولت ایران واگذار شده است .

در سال ۱۹۲۸ بریتانیا ازحق (حقوق خارج الارضی)(Capitulations) خود در ایران (البته ازروی بی‌میلی) صرفنظر نمود و درسال ۱۹۳۲ شرکت (تلگراف هند واروپا) امتیاز خود را فسخ کرد ولی نتایج نیکوئی که انتظار میرفت این دو عمل در برداشته باشد دراثر اختلافات شرکت نفت انگلیس و ایران متأسفانه خنثی گردید .

---

۱ ـ دربارهٔ اینکه مجمع‌الجزایر بحرین متعلق به کشور ایران بوده و هست چندین بار ازطرف دولت‌ایران به کشور انگلستان تذکرداده‌شده و بموجب اسناد و مدارکی که دردست داریم و بارها در روزنامه‌ها برای اطلاع عموم ملت ایران درج گردیده است بحرین بـه ایران تعلق دارد و ادعای دولت انگلستان ادعائی واهی است که خودانگلیسیها هم بواهی بودن این ادعای پوچ معترفند . (مترجم)

فصل سی و هشتم

امتیاز نفت و اختلاف دولت ایران باشرکت نفت

دولت ایران هیچوقت از امتیاز دارسی راضی نبود و این امتیاز را شاه ایران امضاء کرده بود که بیش از هرچیز به آسایش وراحتی خودش اهمیت میداد وبمفاد امتیاز ونفع کشورش توجهی نداشت .

دولت ایران علاقه داشت که در مواد قرار داد تجدید نظـری بشود و منافع آن کشور حفظ گرددولی بدبختانه هرموقعی که راجع باین موضوع پیشنهادی میشد ویا مذاکراتی صورت میگرفت شرکت نفت روی موافق نشان نمیداد و بنای ناسازگاری را میگذاشت اما دولت بریتانیا راهم که سهم بزرگی درآن شرکت داشت نمیتوان در اینکار بدون دخالت دانستو از ملامت مصون نخواهد بود . (۱)

---

۱ ـ سهام‌دولت بریتانیادرشرکت نفت‌ایران و انگلیس عبارتست‌از:
الف‌ـ ۱۱۲۵۰۰۰۰ لیره‌از ۲۰۱۳۷۵۰۰ لیره سهام عادی که هر سهمی دارای دورأی میباشد .
ب ـ ۱۰۰۰ لیره‌از قرار هشت‌درصد مجموع ۷۲۳۲۸۳۸ لیره‌سهام ممتاز و نه درصد ۵٤۷۳٤۱٤ لیره که هر پنجسهم دارای یك رأی میباشد.
بطورکلی از مجموع سهام شرکت نفت ایران وانگلیس ۵۲/۵۵ در صد آن تحت نظارت دولت بریتانیاست واز شرکت نفت‌برمه (Burmah) هم ۵۳٤۲۹۸۵ لیره سهام عادی دارد . (مؤلف)

درماه دسامبر سال ۱۹۲۰ شرکت‌نفت بادولت وقت ایران قراردادی منعقد نمود که بموجب آن کلیهٔ حساب های معوقه تسویه میگردید ولی این قرارداد بهیچوجه مورد موافقت وتصویب دولت های بعدی واقع نشد .

درسال ۱۹۲۸ دولت ایران پیشنهاد تازه‌ای برای تجدید مواد قرارداد عنوان کردوسال بعد سرجان کدمان(Sir. John Cadman) رئیس شرکت نفت برای مذاکره به تهران آمد ومذاکرات دراین زمینه‌مدتی ادامه یافت ولی درسال ۱۹۳۱ بمحض اینکه معلوم گردید سهمیهٔ ایران یك چهارم سهمیه ایست که‌درسال ۱۹۳۰ پرداخته‌اندشاه ودولتش خشمگین وعصبانی شدند وروز بیست وهفتم‌ماه نوامبر سال ۱۹۳۲ امتیاز شرکت را لغو کردند وبهمین مناسبت دوروز تعطیل عمومی اعلام‌شد ومردم درسراسر کشورجشن گرفتند وشادی کردند .

شکایت اصلی دولت ایران (البته بعقیدهٔ خودشان) این بود که اولا سهم آن دولت کم است ودرثانی درحساب سود و زیان شرکت نفت دخل و تصرفی میکنند ونیز نظر بمصالح شرکت نفت عراق وامریکای جنوبی وبا ملاحظهٔ اوضاع سیاسی بازار نفت دردنیا بطورکلی ازنفت ایران کمتر از آنچه باید وشاید استخراج میشود .

دیگر اینکه،دولت ایران‌مدعی بود که‌کارمندان ایرانی شرکت نفت ایران وانگلیس خیلی کمتر ازعده ایست که درامتیاز نامهٔ سابق پیش‌بینی وذکر شده است .

گرچه‌دریادداشت‌الغای‌امتیازامکان‌انعقادقرارداد جدید ذکرشده بود ولی‌شرکت‌نفت‌این‌نکته‌رانادیده گرفت‌وموضوع‌رابدولت‌بریتانیامراجعه کرد.

دولت‌بریتانیا هم‌یادداشت شدیداللحن‌وتهدیدآمیزی درپاسخ‌فرستاد

وآنرا بایك نمایش دریائی درخلیج فارس توأم ساخت .

بدیهی است که این طرز رفتار بسیار نامطلوب بود واحتمال میرفت باروشی که پیش گرفته بودند وضع وخیم‌تری ایجاد گردد وچون دولت ایران سخت ایستادگی کرد وبرای احقاق حق خود پافشاری نمود دولت بریتانیابهتردید که بجای‌شدت عمل‌وشتابزدگی موضوع‌اختلاف رابشورای جامعهٔ ملل مراجعه کند .

ایران بااین عمل بریتانیا شدیداً اعتراض کرد و متذکر شد که رسیدگی باختلاف بین دولت ایران وشرکت نفت‌ازامور داخلی ایران‌بوده وبدولت بریتانیا ویا شورای جامعهٔ ملل هیچ ارتباطی ندارد و همچنین یادآور شد که دولت ایران درعین‌حال برای اثبات حسن نیت خود حاضر است قرارداد جدید ومناسبی باشرکت منعقد کند وروی اصل همین حسن نیت و پاکی نظر بوده که تاکنون ازکارهای شرکت‌نفت جلوگیری بعمل نیاورده است .

درماه ژانویهٔ سال ۱۹۳۳ وزیر دادگستری ایران درشورای جامعهٔ ملل درمقابل اظهارات سرجان سیمون (Sir · John Simon) نمایندهٔ مبرز دولت بریتانیا ثابت نمود که شرکت نفت حاضر نیست حتی مواد پیمان دارسی‌را هم اجرا کند وهمین مراجعه بشورای جامعهٔ ملل‌خود دلیل بارزی برای اثبات این ادعای ایران است زیرا هرگاه بریتانیا واقعاً حاضر باجرای مواد قرارداد دارسی بود می‌بایستی بجای مراجعه بشورای جامعهٔ ملل بدادگاه های صالحهٔ ایران مراجعه کرده باشد .

درجواب نمایندهٔ ایران سرجان سیمون اظهار داشت که شرکت نفت بطریق سودمندی مبالغ گزافی برای ازدیاد و توسعهٔ میدانهای نفت

صرف کرده است وسودی که درمقابل این مخارج گزاف عاید آن شده خیلی کمتر ازارقامی‌است که ایرانیان میگویند وازاین گذشته دولت ایران موقعی لغو امتیاز را اعلام داشت که مذاکرات ما در بارهٔ ارجاع اختلاف بدادگاههای محلی جریان داشت . بهر صورت درحال حاضر بریتانیا برای حل مسالمت‌آمیز موضوع نفت آماده است .

پس از اظهارات نمایندگان طرفین درشورای جامعهٔ ملل بالاخره دریك محیط حسن نیت و صمیمیت متقابل تصمیم گرفته شد که درخارج ازدادگاه شورای جامعهٔ ملل قضیه حل وفصل شود وپس ازمذاکراتی که که بعداًدرهمین زمینه صورت گرفت درماه مه سال۱۹۳۳ قرارداد جدیدی بامضاءِ رسید ودولت ایران برای مدت شصت سال امتیاز نفت را بشرکت نفت ایران وانگلیس اعطا کرد .(۱)

---

۱ ـ چون دولت انگلستان برخلاف مقررات پیمان منعقده با دولت شاهنشاهی ایران درمورد استخراج واکتشاف نفت ایران رفتارمینمود و سود سهمیهٔ ایران راآنطوری که درقرار داد قید شده بود پرداخت نمیکرد ازاینرو ابتدا ازطرف دولت ایران دراین باره اقدام‌لازم بعمل‌آمد ومتعاقب آن در مجلس شورای ملی بین نمایندگان ملت مذاکراتی آغاز شد که بالاخره منجر بتصویب قانون ملی شدن صنعت نفت درسراسر کشورایران گردید که متن این دوقانون ازنظراهمیتی که دارد برای اطلاع خوانندگان گرامی درج میگردد :

باتأییدات خداوند متعال

ما

پهلوی شاهنشاه ایران

نظرباصل بیست‌وهفتم متمم قانون اساسی مقررمیداریم:

ماده اول ـ تصمیم قانونی دائربملی شدن صنعت نفت درسراسر کشور ودوماه تمدیدبکمیسیون نفت جهت‌مطالعه‌دراطراف اجرای‌این‌اصل وتصمیم متخذهٔ کمیسیون نفت که‌درجلسهٔ بیست‌وچهارم‌اسفند ۱۳۲۹ بتصویب‌مجلسین←

امتیازجدید البته بصرفهٔ ایران بود زیرا قرارهای مالی بطور قابل ملاحظه‌ای تغییر یافت وبجای شانزده‌درصد که طبق قراردادسابق ازسود ویژه بدولت ایران پرداخت میگردید اکنون بیست درصد ازسود سهام عادی را دریافت‌میکندوعلاوه‌بر آن‌سالی ۶۷۱۲۵۰ لیره بدولت‌ایران‌تأدیه میگردد . حق‌السهم دولت ایران از قرار هرتن چهار شیلینگ از نفت صادره و

سنا وشورای‌ملی رسیده ومنضم باین‌دستخط‌است بموقع اجرا گذارده شود.
مادهٔ دوم ـ هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند. بتاریخ دهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

باتأییدات خداوند متعال
ما
پهلوی شاهنشاه ایران
نظر باصل بیست وهفتم متمم قانون اساسی مقررمیداریم:
مادهٔ اول ـ طرح قانـونی دائر بطرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت درسراسر کشور که درجلسهٔ نهم اردیبهشت ماه۱۳۳۰بتصویب مجلسین سنا وشورای ملی‌رسیده ومنضم باین دستخط است بموقع اجرا گذاشته‌شود.
مادهٔدوم ـ هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند . بتاریخ دهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰
پس ازتصویب دوقانون مذکور اختلافی بین دولت ایـران و دولت انگلستان بوجـود آمد که متعـاقب آن دولت شاهنشاهی ایـران بدیـوان دادگستری لاهه وشورای امنیت سازمـان ملل متحد شکایت برد وحقـانیت دولت ایران مسلم گردید انگلیسیها ازمناطق نفت خیزایران اخراج شدند وازشرکت سابق نفت انگلیس وایـران خلع یدشد و بالاخره با فعالیتهای زیـادی که دراین باره بعمل‌آمد قرارداد استخراج نفت باکنسرسیوم نفت جهانی منعقدگردید که ازهرحیث منافع ومصالح کشور شاهنشاهی ایـران را متضمن است وباتنظیم این قرارداد مجدداً منابع زرخیزایران یعنی نفت بکار افتاد ومشغول بهره برداری ازاین‌مادهٔ حیاتی وصدورآن بکشورهای خارج شده اند . دولت ایران طبق‌اوامر اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه‌پهلوی با چند شرکت بزرگ خارجی‌قراردادهای جدیدی برای استخراج نفت‌در فلات قاره منعقد نمود که در یکی از این قراردادها سهم ایران به هفتادو پنج درصد میرسد وازموفقیت‌های بزرگی است که در دورهٔ سلطنت‌پادشاه دموکرات ایران نصیب ملت ایران شده است . (مترجم)

فروش شده بخارج تأمین گردید وبجای مالیاتهای قرارداد سابق درپانزده سال اول امتیاز برای شش میلیون‌تن ازقرارهرتن نه پنس وبرای مازادشش میلیون تن‌ازقرار هرتن شش پنس مقرر شد و درپایان پانزده‌سال اول‌شش میلیون تن‌اول یك شیلینگ و بقیه هرتن نه پنس خواهد بود و در امتیاز نامه ذکرشده است که در هرصورت سهمیهٔ پرداختی به ایران سالیانه‌نباید ازیك میلیون وپنجاه هزار لیره کمتر باشد .

شرکت یك میلیون‌لیره بابت اختلاف‌حساب سابق پرداخت‌ومتعهد شد که در تمام مدت امتیاز تنظیم حسابهای شرکت با نظر نمایندهٔدائمی ایران صورت گیرد .

حقوق ومخارج‌نمایندهٔ ناظر‌ایران راهم که‌وظیفه‌اش‌رسیدگی‌بحساب شرکت است بپردازد .

شرکت تعهد کرد که تا پایان‌سال۱۹۳۸ نفت یکصدهزارمیل‌مربع از اراضی نفت‌خیز مندرج در امتیاز نامه را استخراج کند وعملیات خودرا بیش از مقدار ذکر شده درقرارداد توسعه ندهد .

شرکت در صورت لزوم باید وسایل باربری و مخابرات رابااختیار دولت بگذارد و ازتعدادکارمندان غیر ایرانی‌خود بکاهد وبرکارمندان‌ایرانی شرکت بیفزاید و دانشجویان ایرانی را برای کارمندی در مؤسسات نفت همه‌ساله‌به‌انگلستان‌اعزام‌دارد ودرآموزشگاه ومدارس بریتانیا فنون‌مختلف صنایع نفت را بیاموزند .

ازآن پس سهم دولت ایران سالی بسه‌میلیون وپانصدهزار لیره‌بالغ گردید در صورتیکه درسال ۱۹۳۹ به ۲۷۷۰۸۱۴ لیره تنزل یافت .

دولت‌ایران ادعاداشت که‌این‌تنزل‌درآمدبواسطهٔ‌ازدست‌رفتن‌بازارهای

آلمان و ایتالیا بوده است (این ادعا تا اندازه‌ای درست است).

دولت ایران میخواست با این ادعا زمینهٔ دیگری برای لغوقرارداد جدید فراهم سازدبدین معنی که‌بگوید کسری اخیردراثر جریانات‌سیاسی بوده و با اوضاع اقتصادی ارتباطی ندارد.

شرکت هم این‌نظر دولت ایران‌را درماه اوت سال ۱۹۴۰ قبول کرد و موافقت نمود که سهمیهٔ سال ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ دولت ایران رامطابق‌سال ۱۹۳۷ یعنی ۳۵۴۵۳۱۳ لیره بپردازد ونیز تعهد کرد که سهم سال ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ ایران کمتر ازچهارمیلیون لیره نشود.

بریتانیا عملا به بازرگانی ایران کمکی نکرده است.

اعتبارپنج‌میلیون‌لیره که درسال ۱۹۳۹ تخصیص داده شده‌بودبمناسبت شروع جنگ پس گرفته شد.

بازرگانان ایرانی از قانون محاصرهٔ دریائی خیلی صدمه و خسارت دیدند اما توسعهٔ سیستم (نوی‌سرت) (Navicert) [۱] درایران درماه مه‌سال ۱۹۴۱ نسبتاً بآن‌مضیقه تخفیف داد.

روابط دوستی و اقتصادی بریتانیا باکشور ایران با اعزام ارل‌اف آتلون (Earl of Athlone) و پرنسس الیس (Princess · Alice) به تهران وشرکت‌آنان در عروسی ولیعهد ایران که در ماه مارس سال ۱۹۳۹ صورت گرفت بیش از پیش محکمتر گردید و همچنین تأسیس نمایشگاه صنایع ایران‌بسال ۱۹۳۰ دربرلینگتون هاوز (Burlington House) وپخش اخبار بزبان فارسی از بی. بی. سی (B · B · C) بنگاه سخن پراکنی

---

۱ - نوی‌سرت عبارت بود ازیك سیستم جنگی بازرگانی که‌دولتهای بیطرف ازآن استفاده میکردند. (مترجم)

انگلستان ازماه دسامبر سال ۱۹۴۰ نمونهٔ کاملی ازدوستی ایران بابریتانیا است و مخصوصاً قسمت اخیر درسراسر ایران بامسرت تلقی شد و موجب رضایت مردم گردیده است.[1]

جای تأسف است که افرادبریتانیائی درایران‌وانگلستان‌آنطوریکه میتوانستند برای استحکام ودوام این دوستی اقدام‌مؤثری نکردندومساعدت ننمودند و مخصوصاً افراد انگلیسی‌مقیم‌ایران از دوراه بتقویت‌تنفروانزجار متقابل ایران وبریتانیا که هنوز هم‌باقی است کمك کردند.

اینان اولا نسبت به افراد واعضای یك نژاد شرقی همان رویهٔ غرور و تکبر ومسخره آمیزرا پیش گرفتند ودرثانی نخواستند نسبت به رنجهای روزافزون یك ملت جوان مترقی ابرازهمدردی و علاقه کنند.

طبعاً همین اشخاص هم نخستین کسانی بودند که از تأثیر وپیشرفت تبلیغات آلمان برضد روابط دیرین ایران‌وبریتانیا داد وبیدادراه‌انداختند و سروصدائی بپا ساختند.

گرچه تبلیغات‌آلمان برای ابرازدوستی‌وحسن نیت نسبت‌به‌ایرانیان مؤثرتر ومفیدتر از تبلیغات انگلستان بوداما پایه‌واساس صحیحی‌نداشت.

---

۱ ـ دربارهٔ بحرانهای اخیردرفصول بعد صحبت خواهیم کرد.(مؤلف)

فصل سی و نهم

روابط سیاسی و اقتصادی ایران با روسیهٔ شوروی

روسیه در ابتدای امر تااندازه‌ای توفیق حاصل کرد گرچه آن کشور هم مانند بریتانیا درجنایت شرکت داشت اما انقلاب روسیه نوید میداد که آن کشور در رفتار و کردار سابق خودتغییر رویه خواهدداد.

کشور روسیه در پایان جنگ ۱۹۱۴و ۱۹۱۸ میخواست درحصاری که دولتهای مخاصم اطراف آن کشیده‌اند رخنه‌ای ایجاد کند بنابراین ایران هم مانند ترکیه و افغانستان از کشورهای جوانی بود که مهر و محبتی بملت‌های سرمایه‌دار غربی نداشت و البته با این ترتیب و از نظر همجواری متحد مناسبی برای روسیهٔ شوروی بشمار میآمد اما خودش هم حاضر نبود برای جلب این دوستی علاقه‌ای نشان دهد.

در عرض چندسال اخیر پنج قرارداد بین این چهار دولت منعقدو امضاء گردید و آنان را بیکدیگر متصل ساخت.

اساس این قرار دادها پیمان سال ۱۹۲۱ روسیهٔ شوروی باایران بود که درسال ۱۹۲۶ تجدید شد ومانیز ازآن ذکری بمیان آوردیم.

بموجب این قرارداد قسمتی ازاراضی را مجدداً به کشور ایران پس

دادند (بندر انزلی سابق وپهلوی فعلی درسال ۱۹۲۸ اضافه گردید).

تمامی وام‌هاوامتیازات دولت امپراطوری تزار رابه‌ایران بخشیدندو برای پرداخت خسارتی که ارتش روسیه واردساخته بودقرارهائی گذاشتنند وازکلیهٔ حقوق وامتیازات واختیاراتی که روسیه در کشورایران داشت صرفنظر کردند.

اتباع روسیهٔ شوروی مقیم ایران دربرابر قانون مانند ایرانیان بحساب آمدند (بدیهی است ازقانون نظام وظیفه معاف هستند) سازمانهای مذهبی روسها درایران منحل گردید ودارائی آنها را بدولت ایران دادند.

مذاکره دربارهٔ مسائل اقتصادی ببعدموکول شدوفقط مقررداشتند که دو کشورایران وروسیهٔ شوروی ازحقوق دولت‌های کاملة الودادبهره‌مند گردند.

امور کشتیرانی وماهیگیری دریای خزر(فرضاًنه عملا) بطور تساوی بین طرفین تقسیم گردید.

مهمترین مواد این قراردادآن بود که دولت اتحاد جماهیر شوروی متعهد گردید ایران را ازحملات ازطریق ارمنستان یاآذربایجان حفظ کند ودر مقابل به روسیهٔ شوروی اجازه داده شد درصورتیکه آن دولت ازطرف جنوب مورد حمله واقع گردد وایران ازعهدهٔ دفاع برنیاید دولت شوروی حق داشته باشد که درسر زمین ایران از دشمنان خود جلوگیری کرده و بدفاع پردازد وهمچنین حق داشته باشد انفصال واخراج مأمورین رسمی خارجی‌را که برضد مصالح شوروی اقدامی کرده وبعملیات خصمانه پرداخته‌اند ازایران بخواهد. بزودی روابط سیاسی بین دو کشور برقرار گردید وبه روسیهٔ شوروی اجازه داده‌شد درتهران سفارتخانه‌ای دایر کرده وسفیر کبیر خود را بدربار ایران اعزام دارد (اخیراً به کشور های ترکیه، افغانستان ومصرهم این اجازه را داده‌اند).

طرح قرارداد گمرکی مشکلاتی ایجاد کرد بطوریکه درسال ۱۹۲۶ کلیهٔ کالاهای ایرانیان دربنادرمتوقف مـاند . درسال بعد یك قرارداد موقتی بامضاءِ رسید (درسال ۱۹۲٤ یك قرارداد بازرگانی امضاءِ شده بود) ودرماه اکتبر سال ۱۹۲۷ یك قرارداد نهائی انعقاد یافت ومقررات مربوط بمقدار وارزش کالا های متبادله بین ایران وروسیه تعیین گردید وبمنظور آزمایش موضوع صید ماهی دریای خزر هم بنحوی تسویه شد .

درسال ۱۹۳۱ یك قراردادبازرگانی بتصویب رسید که درسال ۱۹۳۵ آن قرارداد تجدید شـد ومیزان دادوستد طرفین بسالی پنج میلیون لیره تثبیت گردید ومقرر شد که ایران پشم‌وپوست وپنبه ، ماهی وخاویار بدهد وآهن ، فولاد وماشین‌آلات بگیرد ودرضمن پیشرفتهای دیگری هم حاصل شد. درسال ۱۹۲٤ روسها کوشش زیادی کردند که امتیازسال ۱۸۷۸ وسال ۱۹۱۶ را تجدید کنند .

این‌امتیازحق استخراج معادن‌شمالی ایران‌رابه روسهامیداد.شرکت جدید درابتدا ایرانی خالص بود ولی بعد بصورت هـای فرانسوی وروسی اختلاط میبافت .

در سال ۱۹۳۲ ایران بـه روسها حق انحصار قند وشکر داد ودر سال بعد موقتاً کالای روسی درایران تحریم گشت .

درمـاه اوت سال ۱۹۳۳ قرارداد دیگری منعقد شد که بموجب‌آن اختلافات مربوط بصید ماهی مرتفع‌شد ویك شرکت‌روس وایران تشکیل یافت ودرهمانوقت‌ایرانیان نسبت به‌روسهااندکی مهربان شدند برای‌آنکه روسیه در بحران نفت و اختلافات ایـران باشرکت نفت ازایران طرفداری کرد وازهمـان تاریخ نفوذ روسیهٔ شوروی افزایش یافت وبازارهای ایران

را دردست گرفت بقسمی که درسال ۱۹۳۶ بیست وهشت درصد صادرات ایران بروسیه میرفت (۱۲/۸درصد به آلمان) وسی درصد کالاهای وارداتی ایران ازروسیه میآمد (۱٤/۸ درصدازآلمان) .

مهندسین و کارشناسان روسی به‌ایران هجوم‌آوردند و برای ساختن آسیاب ونانوائی وانبار وکارخانجات قراردادهائی منعقد ساختند .

کارشناسان روسی برای احداث راههای شوسه وراه سازی استخدام شدند و عده‌ای هم رانندهٔ تانک و خلبان باستخدام دولت درآمدند ولی هیچیك ازاین عملیات سبب جلب اعتماد ایران نسبت به‌روسیهٔ شوروی‌نشد.

شاید سیاسته‌داران ایران میدانستند که سیاست خارجی هر کشوری منوط بوضع جغرافیائی‌وسوق‌الجیشی‌آن کشور است و بتغییر روش سیاست داخلی آن چندان ارتباطی ندارد .

روسیهٔ شوروی همیشه‌احتیاج مبرمی بآب گرم داشته است ویگانه راه آب گرمی که روسیه میتواند بآن دست یابد همانا خلیج فارس است وبرای نیل باین منظور همواره قصد استیلای بر کشور ایران را دارد ویا لااقل‌میخواهد کنترل‌قابل‌ملاحظه‌ای درآن کشورداشته باشد وبهمین‌جهت است که ایران ازهرحرکت وجنبش‌تازهٔ روسیهٔ شوروی سوءظن‌پیدامیکند.

بهرصورت نفوذ اقتصادی روسیهٔ شوروی رو بفزونی گذارد ودرسال ۱۹۳۹ بازاختلافاتی بین ایران وروسیه درامور بازرگانی پدیدآمد وتقریباً داد وستد میان دو کشور متوقف گردید وروزبیست وپنجم ماه مارس سال ۱۹٤۰ قرارداد جدیدی که مربوط بامور بازرگانی ، کشاورزی ، صنعتی ، کشتیرانی وراه‌آهن بودبامضاءِ رسید ودستورداده شد که نمایندگان ایران درمسکو دربارهٔ جزئیات این قرارداد مذاکرات لازم بعمل‌آورند .

درماه ژوئیهٔ همانسال دوهیئت به‌روسیهٔ شوروی اعزام گردید.

اولین هیئت نمایندگان ایران که تحت ریاست یکی ازمأمورین عالیرتبهٔ وزارت‌امورخارجه به‌مسکورفته بودموفق‌شد درماه اکتبرقراردادی منعقد سازد که بموجب آن کلیهٔ واگنها و کامیونهای دو کشور میتوانستند بدون خالی کردن بارها ازمرزهای هم بگذرند (گرچه اختلاف عرض خط آهنها این قرارراهم بصورت غیر عملی درمیآورد) از همه مهمتر کالاهای ایران بدون پرداخت وجهی یعنی مجانی‌ازسرزمین روسیهٔ شوروی میگذشت واین موضوع برای ایران ارزش واهمیت بسزائی داشت زیرا تسهیلاتی در بازرگانی ایران و آلمان و روسیه فراهم میساخت هیئت دیگری از نمایشگاه کشاورزی بازدید کرد ومذاکراتی دربارهٔ امور کشاورزی بعمل آورد زیرا درماه دسامبر همانسال هیئتی از روسیه به‌تهران آمد که دربارهٔ آفات نباتی بامقامات ایرانی تبادل نظر واقدام کنند.

نوازشهای روسیه بصور مختلف جلوه‌گر میشد. رادیوی مسکو برنامه‌ای برای ایران ترتیب‌داد و سخن پراکنی مخصوصی بزبان فارسی آغاز کرد.

فیلمهای روسی را درسینماهای ایران بمعرض تماشا گذاردند و در سال ۱۹۳۵ خاورشناسان روسی در جشن تولد فردوسی شرکت کردند و بیاد هشتصدمین سال تولد نظامی شاعر ایرانی در مسکو مجلس جشنی برپا ساختند.

در مقابل ایران هم بمناسبت بیست‌وسومین سال جشن‌انقلاب‌اکتبر نمایندگانی به کشور روسیهٔ شوروی اعزام داشت.

عده‌ای‌مردمان ایرانی الاصل‌درسرزمین روسیه اقامت دارندودرنواحی

بخارا و سمرقند و جمهوری تاجیکستان واقع در شمال افغانستان تحت اوامر حکومت اتحاد جماهیر شوروی بسر میبرند .

در سالهای ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ دولت روسیهٔ شوروی به ایرانیان ساکن اطراف دریای خزر اخطار کرد که یا تابعیت دولت شوروی را قبول کنند و یا اینکه ازسرزمین اتحاد جماهیر شوروی بروند .

این اقدام روسیه بی اندازه موجب خشم ایرانیان شد . تصور میرود که مراجعهٔ مسکو در موارد مختلف باایجاد اینگونه روابط فرهنگی نیات مرموزی با خود همراه دارد و اینها بهانه‌ایست که میخواهد ایران ضمیمهٔ اتحاد جماهیر شوروی گردد شاید هم همین فکر است که باعث تنفر ایرانیان گردیده است



فصل چهلم

روابط سیاسی و بازرگانی ایران با آلمان

برعکس روسیهٔ شوروی و بریتانیا تااین اواخر آلمان‌با کشورایران روابط سیاسی نداشت ولی از طرف دیگر مستشاران مـالـی‌آلمان از سال ۱۹۲۵در ایران اقامت داشتند .

اولین قرار داد تجارتی که در تاریخ هیجدهم ماه فوریهٔ سال ۱۹۲۹ انعقاد یافت بهردو کشور حقوق ملل کاملة الـوداد و متساوی را میداد و از آنروز ببعد صادرات ایران به کشور آلمان وهمچنین واردات ازآن کشور روز بروز افزایش میبافت تاآنکه در سال ۱۹۳۵ یك قرارداد پایاپای که بنفع بازرگانی آلمان بود بین دو دولت منعقد گردید و همانوقت آلمانیها در روابط تجارتی خود با کشور ایران درجهٔ سوم شدند.

شاخت(S‹hacht) مدیر کل‌تام‌الاختیار رایش‌بانك(Reichs· Bank) ضمن گردش خاورمیانه در سال ۱۹۳۶ به ایران آمـد گرچه از اوبسردی پذیرائی شد (شاید هم برای‌آنکه درآنموقع ایرانیان هم ازقوانین‌ضدیهود (Anti-Semitic) نورمبرگ (Nuren.berg) مستثنی نشده بودند) ولـی توانست قرارداد جدیدی با ایران منعقد سازد که بموجب آن بهای‌مجموع

واردات وصادرات به سه میلیون لیره تعیین گردید و قرار شد که لوازمات الکتریکی ، منسوجات ، ماشینهای مختلف ، اتوموبیل ، اتوبوس وکامیون، سیمان ، اجناس خرازی ، مبل و اثاثیهٔ منزل ازآلمان بگیرند ودرمقابل پنبه ، نقره ، طلا ، برنج ، خاویار وپوست بآن کشور بدهند .

در آنموقع آلمان یك راه بازرگانی جدید در نظرداشت که از رن (Rhine)ودانوب(Danube) عبور کرده وبه طرابوزان ودریای سیاه میآمد و ازآنجا بوسیلهٔ راه شوسه بهراه‌آهن سرتاسری ایران اتصال میبافت.

فروش فرآورده های آلمان در خاور روز بروز افزایش میبافت بطوریکه درسال ۱۹۳۸ ـ ۳/۸ درصدکلیهٔ واردات آن کشور ازخاور میآمد و ٥/٤ درصد کلیهٔ صادراتش بآنجامیرفت وبیست درصد پنبهٔ موردنیازآلمان ازکشورهای مصر ، ترکیه ، ایران وعراق تأمین میگردید .

درسال ۱۹۳۸ و۱۹۳۹ بازرگانی‌ایران‌وآلمان به۱،۲۰۰،۰۰۰لیره رسیدورقیب‌تجارت‌شوروی گردید. ایران بیش‌ازهرچیزبه‌آهن احتیاج‌داشت و آلمان معمولا سالی ٦٥ تا ۷۰ هزار تن‌آهن بـه کشور ایران میفروخت ولی بمناسبت شروع جنگ و تحدید صادرات آهن‌آلمان نتوانست‌درظرف یکسال یعنی از ماه مـارس سال ۱۹۳۹ تاماه‌مارس سال ۱۹٤۰ بیش ازسی ونه هزار تن آهن بکشور ایران بفرستد امادر نتیجهٔ مذاکراتی که در این باب بعمل آمدآلمانی ها نسبت به ایران مساعدت‌خاصی کردند بدین‌معنی که تحدید صدورآهن را ملغی‌ساخته وازماه مارس سال۱۹٤۰ تاماه‌سپتامبر سال ۱۹٤۰ پنجاه ویکهزار تن‌آهن به ایران ارسال داشتند .

ارقام رسمی واردات ایران‌ازآلمان در سال ۱۹٤۰چهل ویك‌میلیون وسیصد هزار مارك نشان میداد در صورتیکه درسال ۱۹۳۹ پانزده میلیون‌و

هفتصد هزار مارك ودرسال ۱۹۳۸ ده میلیون وهشتصد هزار مارك بود وتصور میرفت درسال ۱۹۴۱ پنجاه در صد نسبت بسال قبل افزایش یابداما وقایع جاری این تخمین را تغییر داد زیرا بازرگانی آلمان و ایران از راه روسیهٔ شوروی صورت میگرفت و حملهٔ آلمان به روسیه تأثیر قابل توجهی دراین موضوع داشت .

ایران در برابرخریدآهن وماشین آلات علاوه برکالاهائی که ذکرشد پشم ، ابریشم ومیوهٔ خشك ودرصورت امکان نفت به کشورآلمان میفروخت.

در ماه سپتامبر سال ۱۹۴۰ هیئتی ازنمایندگان ایران به برلن رفت ودر ماه دسامبر همانسال یك قرارداد بازرگانی دیگرمنعقد ساخت ودر ماه آوریل سال ۱۹۴۱هیئت دیگری بریاست وزیر بازرگانی ایران به آلمان اعزام گردید ودر همان ماه یك هیئت نازی از آنكارا به ایران آمد (بدون شك برای تأمین وهمکاری با شورش عراق) ولی ظاهراً پذیرائی گرمی ازاین هیئت بعمل نیاوردند .

علاوه براین تماس های دوستانه وخصوصی آلمانیها باقتصادیات و صنایع ایران کمکهای مالی عمومی کردند واین مساعدتهای بیش ازآنچه ارزش داشت مورد تقدیر ایرانیان واقع گردید .

ازشرکت آلمانی‌ها درساختمان راه‌آهن وامتیاز هواپیمائی یونکرس درسال ۱۹۲۸ قبلا ذکری شد .

درماه مارس سال۱۹۳۸ دولت آلمان ازایران اجازه گرفت که لوفت-هانزا (Luft-Hansa) درمسافرت هوائی خود ازبرلن به‌توکیو (Tokyo) درتهران فرود بیاید ودولت شوروی باین عمل ایران شدیداً اعتراض کرد وهمچنین باحداث فرودگاه درمشهد که امتیازآن به‌آلمان اعطاء شده بود

اعتراض شداما دولت ایران قسمت اخیررا انکار کرد .

درعین حال که درنیروی هوائی ایران ماشین های بریتانیـائی بکار میرفت‌کامیونهـا وتوپ وسایر مهمات ارتش ازآلمان خریداری شده بود و ماشین های‌کارخانهٔ باروت سازی را که درنزدیکی تهران تأسیس شده‌است ازآلمان آورده‌اند .

دستگاه فرستندهٔرادیو تهران را ازکارخانهٔ تلفونکن(**Telefunken**) آلمـان خریده اند وکارخانه هـای‌آلمـانی دیگری بنام تیف بـاوبر گر (**Tiefbau Berger**)و فروشتال (**Ferrostahl**)و کروپ (**Krupp**) و دوئیز بر گ (**Duisburg**) واشکودا (**Skoda**) اجازه داده‌شد که‌کارخانه‌های‌بافند گی، بلورسازی،آهن آلات،شیمیائی، ماشینهای کشاورزی‌درسراسر ایران‌تأسیس کنند (مخصوصاًکارخانهٔ‌آهن‌غنی‌آباد ، کشتی‌سازی وتعمیر گاه کشتی بندرپهلوی و امین‌آباد دریـای خزر وبندر لنگه درخلیج فارس) .

شر کت کشتیرانی هانزا (**Hansa**) ادارات وشعباتی درخرمشهر و اهواز وبندرشاهپور تأسیس کرد وچندکارخانهٔ شیمیائی‌مانند بایر (**Bayer**) ومرك (**Merck**) وغیره نمایند گی‌هائی درایران دایر نمودند .

درماه ژوئن سال ۱۹۳۸ یك شر کت‌آلمانی امتیاز استخراج معادن نزدیك تهران را بدست‌آورد اما درامتیازنامهٔ‌آن شر کت قید شده بود که باید تحت نظر دولت ایران‌کار کند وتمام‌کار کنانش ایرانی باشند .

درماه‌اکتبرهمانسال یك هیئت مأمورتحقیق وتجسس نفت‌به‌ایران‌وارد شد ولی شاید مهمتر ازهمه این بـاشد که مشاغل مهمی درد‌ست‌کارشناسان آلمانی بود وهردستگاه مـاشین‌آلمانی که بـه ایران وارد میشد یکدسته مهندس ومتخصص‌آلمانی هم دنبال‌آن میآمدند وبااجرت کمی برای سوار

کردن وبکار انداختن ماشینهای جدید استخدام میشدند .

مثلا اغلب کارخانه های تبریز بدست آلمانی‌ها اداره میشد .

بسیاری ازدستگاههای هیدروالکتریك بنادرومراکز تلفن وتلگراف وایستگاههای راه‌آهن را آلمانی هـا اداره میکردند وازطرف دیگر عدهٔ زیادی ازدکانداران ومغازه دارهای تهران وسایر شهر هـای بزرگ ایران یهودی آلمانی بودند .

درسالهای ۱۹۳۹و۱۹٤۰ چهار نفر دانشیار آلمانی برای تدریس در دانشگاه تهران استخدام شدند ورئیس چاپخانهٔ مجلس شورای ملی یکنفر آلمانی بود وهمچنین رؤسای دانشکده های کشاورزی ودامپزشکی آلمانی بودند .

نفوذ آلمانی هادر کشورایران بقدری زیادشد که حتی دولت روسیهٔ شوروی که شاهد این فعالیت بود درماه اوت سال ۱۹۳۸ تحریك شده واعتراض کرد ولی دراینجا سئوالی پیش میآیدو آن سئوال عبارت ازاینستکه به‌بینیم چطور دولت روسیهٔ شوروی چندسالی بدون سروصدا تنها ودور ازچشم رقیب خودش همین رویه را درایران تعقیب میکرد وبـاید دید که باوجود همهٔ اینها آیا نفوذ آلمانی‌ها درایران بیشتر بود یانفوذ روسها ؟ بهرحال درعرض چند ماه اخیر عدهٔ زیادی ازآلمانی هـا بنام دروغی سیاح وبازرگان و مسافر وکارشناس ومیکانیك ودیپلمات ازطریق ترکیه وروسیه به‌ایران آمدند .

یکی ازمأمورین رسمی نازی که مسئولیت امور آلمانی های خارج ازکشوررا برعهده‌داشت درماه ژوئن اظهار داشته بود که درشهر تهران نهصد نفر آلمانی اقامت دارند وهمچنین درشهر هـای اصفهان وشیراز ومشهد و تبریز وکارخانهٔ کشتی سازی بندرشاهپور عدهٔ دیگری هستند که تعداد آنها بدو برابر آلمانی های ساکن تهران میرسد .

دولت آلمان از تبلیغات مستقیم درایران خودداری نمیکرد و باید دانست که پس از پایان جنگ بین‌المللی اول مرتباً این تبلیغات ادامه داشته است .

یك مجلهٔ ایرانی درسال ۱۹۱۶ دربرلن انتشار یافت و تاسال ۱۹۱۹ انتشار آن ادامه داشت ولی گاهی ازاوقات مقاله ومندرجاتش تغییر میکرد چاپخانهٔ این مجله گاهی هم کتب علمی وادبی انتشار میداد .

ازسال ۱۹۲۲ اعزام دانشجویان ایرانی برای ادامهٔ تحصیل به کشور آلمان شروع گردید وازآن تاریخ ببعد هرساله تعداد دانشجویان اعزامی روبافزایش گذارد .

شدت تبلیغات آلمان درایران با ظهور هیتلر (Hitler) شروع گردید .

این تبلیغات بطوری ادامه مییافت که ایرانیان آنرا قبول میکردند زیرا مردم ایران نه تنها طرفدار یك دولت مقتدری هستند بلکه دوست دارند که آنها راآریائی حقیقی تصور کنند بهمین علت یك مجلهٔ فارسی به کمك آلمانیها ازسال ۱۹۳۳ تاسال ۱۹۳۷ بنام ایران باستان درایران منتشر میشد که صفحهٔ اول آن دارای علامت صلیب شکسته بود .

در سال ۱۹۳۷ بالدور دون شیراخ (Baldur Von Schirach) پیشوای جوانان هیتلری ضمن مسافرت خود درخاورمیانه به تهران آمد و بطوری که شایع بود ازپادشاه ایران دعوت کرد که از کشور آلمان دیدن کند ولی این شایعه جداً تکذیب شد .

صرفنظر ازمقالات منتشره بزبان فارسی بسیاری ازمجلات وجزوات آلمانی درایران مجاناً وبدون دریافت وجهی توزیع میگردید وفیلمهای

تبلیغاتی را هم بطور رایگان نمایش میدادند وبطوریکه میگفتند چهل در صد فیلمهائی را که درسراسر کشور ایرای درسینماها نمایش میدادند از آلمان آورده بودند.

آلمانی‌ها اعانات قابل توجهی برای امورخیریهٔ ایران می‌پرداختند ومیخواستند بااین وسایل اثرات نیکوئی ازخودشان بیادگار بماند.

سخن پراکنی رادیو برلن که از تاریخ شروع جنگ آغاز شدچندان پیشرفتی نداشت ودرابتدای امر ایرانیان توجهی بمطالب وسخنان آن داشتند ولی همینکه فحش دادن وناسزا گفتن آغاز گردید وپای اغراق ومبالغه بمیان آمد سوءِ ظن وحس بدبینی درایران تولید کرد.

آژانس خبرگزاری رسمی آلمان مرتباً رادیو ومطبوعات ایران را ازاخبار ومطالب محور پرمیکرد وتاچندی مندرجات جراید ایران منحصراً ازهمینگونه خبرها بود اما بعداً سیاست بیطرفی را پیش گرفتند واعلام داشتند که ایران دراین جنگ کشور بیطرفی است وبتمام دولتها بایك نظر مینگرد وبااین ترتیب درحال حاضر عین اخبار متفقین ومحور بدون تفسیر درستون اخبار خارجی جراید کشور درج میگردد.

بطور وضوح معلوم بود که این عملیات دراثر فعالیت یك سازمان بسیاروسیعی بوجودآمده بود که مرکزآن درتهران قرارداشت ولی مقامات مسئول ایران درعدم وجود این دستگاه اصرارمیورزیدند.

قبل ازجنگ تبلیغات آلمان درخاورنزدیك بیشترمتوجه کشورهای عربی بود ومرکز این کاررا بغداد قرارداده بودند.

افراد برجسته و امرای این سازمان عبارت بودند از دکتر جردن (Dr. Jordan) درادارهٔ کل باستان‌شناسی ودکتر گروبا(Dr. Grobba)یکی

از رجال مطلع وبصیر که از سال ۱۹۳۲ وزیر مختار آلمان درعراق شد و در نتیجهٔ ارتباط آلمان با کشورعراق تا اندازه‌ای شهرت پیدا کرده و ذی‌نفوذ شده بود .

بمحض اینکه کشور عراق در آغاز جنگ با آلمان قطع روابط سیاسی نمود دکتر گروبا وهمکارانش‌همگی به‌تهران آمدند وتامدتی با سفارت ایتالیا واخیراًبا سفارت ژاپون درعراق با اعراب ارتباط داشتند و پس ازقیام رشید عالی‌بکشورعراق باز گشتند وبعدازپایان شورش بطوریکه میگفتند به‌سوریه پرواز کردند .

در هر حال مرکز تهران بهمان حال باقیماند وتحت ریاست اتل (Ettel) وزیر مختار آلمان در ایران وهمچنین شخص دیگری بنام‌دکتر مایر(Dr. Meyer) اداره میگردید وهر قدر میدان جنگ نزدیکترمیشد فعالیت آلمانی‌هابرای‌بدست‌آوردن نفوذبیشتری‌درایران شدیدترمیگردید.

سفارت‌آلمان در ایران بکار خود ادامه میداد وعدهٔ زیادی آلمانی بنام کارکنان سفارت در تهران اقامت داشتند وعدهٔ دیگری هم در سراسر کشور میزیستند و برای مقاصدخودشان مشغول فعالیت‌بودند وبدون‌تردید آنها با رشیدعالی ومفتی اورشلیم(Mufti of Jerusalem)دائماً در تماس بوده و ارتباط داشتند .

ایران نسبت باین دولتهای غربی سیاستی پیش گرفته بود که بخانه خرابی هرسه منتج میگردیدزیرا نتایج وعواقب کار تا حد امکان بدازآب در میآمد .

فصل چهل و یکم

روابط ایران باهمسایگان خود

کشور ایران نسبت به همسایه‌های خودسیاست مثبت وروشنی اتخاذ کرد و اختلافاتی که‌بین دولتین ایران وافغانستان درمرزشمال شرقی‌ایران وجود داشت بزودی فراموش شدودرسال ۱۹۲۳ میلادی قراردادی با کشور افغانستان منعقد گردید (البته با کمك مؤثر روسیه) ودو سال بعد خطوط مرزی بین دو کشور تعیین شد .

امان‌الله‌پادشاه افغانستان باملکه درسال ۱۹۲۹ ازایران‌دیدن کردند و بی حجاب بودن ملکهٔ افغانستان در افکار عمومی اثر بدی بخشید .

امان‌الله پادشاه افغانستان و کمال آتاتورك رئیس جمهوری تـرکیه بی‌اندازه باعث تقویت افکار غربی درروحیهٔ پادشاه ایران شدند وازآغازکار رئیس جمهوری ترکیه مورد تقدیر شاه ایران بود .

قسمتی از اختلافات که از قدیم بین دولتین ایران وترکیه وجـود داشت با مذاکراتی که بین طرفین بعمل‌آمد حل وتسویه گردید وقرارداد سال ۱۹۲٦ انعقاد یافت ولی اختلافاتی که در بارهٔ مرزها و کردهای‌مرز- نشین ایران وترکیه و سوریه وعراق از سال ۱۹۱٤ موجود بود حل‌نشدتا

اینکه در ماه ژانویه سال ۱۹۳۲ و ماه مه سال ۱۹۳۷ و ماه ژوئن سال ۱۹۳۹ موافقتنامهٔ مرزی بامضاءِ رسید ومقرر شد که آرارات کوچك ورشتهٔ (آغری داغ) متعلق به کشور ترکیه باشد ودرمقابل کوتور و گردنهٔ باسیرج(Bacirge) و دریاچهٔ رضائیه به ایران تعلق گرفت .

در ماه نوامبر سال ۱۹۳۲ پیمان دوستی ایران وترکیه بامضاءِ رسید و درسال ۱۹۳٤ شاه ایران از کشور ترکیه و کمال آتاتورك رئیس جمهوری آن کشور دیدن کرد . درسال ۱۹۳۷ در بارهٔ امور قضائی و تحویل دادن مقصرین و فراریان وهمچنین راجع بمسائل مربوط بامور بازرگانی بین دو کشور ، گمرك ، پزشکی، تلگراف وخطوط هوائی وراه طرابوزان به تهران مذاکرات نهائی بعمل آمد .

روابط ایران با کشور عراق قدری پیچیده وغامض بنظر میآمد زیرا از یکطرف اماکن مقدسهٔ شیعیان در کشور عراق یعنی نجف ، کربلا ، سامره وکاظمین رابطهٔ محکم و استوار مذهبی بین دو کشور بوجود میآورد و ازطرف دیگر مجتهدین وملاهای مرتجع آن اماکن مقدسه رامرکزامنی برای تبلیغات برضد اصلاحات ورژیم جدید ایران قرارمیدادند[1] وعلاوه براین مسئله کردها هم باعث ناراحتی واسباب نگرانی داخلی شده بود .

پس از پایان جنگ اول جهانی که عراق از امپراطوری عثمانی مجزا گردید ایران تا مدتی حاضر نبود وضع جدید و استقلال کشور عراق را برسمیت بشناسد و برای اتباع خود مانند اتباع بریتانیا و سایر کشورهای اروپائی حقوق واختیارات ویژه (Capitulatory) میخواست اما همینکه درسال ۱۹۲۸ حقوق و اختیارات ویژه در کشور ایران ملغی

۱ ــ بعقیدهٔ اینجانب دراین مورد نظر مؤلف محترم درست نیست.(مترجم)

گردید وسال بعد هم در کشور عراق لغوشد این اختلاف بخودی خوداز بین رفت ودولت ایران بنابتقاضای بریتانیا کشورعراق رابرسمیت شناخت وپس از استقلال یافتن عراق ملك فیصل پادشاه آن کشوردرسال ۱۹۳۲ ملاقات دوستانه‌ای ازشاه ایران بعمل آورد و کم کم روابط این دو کشور رو به بهبودی رفت .

در سال ۱۹۳۵ دربارهٔ مسائل موجود وروابط بین دو کشورمذاکرات مفصلی بعمل آمدوقسمتی ازمشکلات موجودحل و فصل گردیدولی اختلاف مرزی مخصوصاً موضوع شط‌العرب (مجرای عمومی فرات ودجله بطرف خلیج فارس) همچنان باقی ماند .

بموجب پیمان ارض روم که درسال ۱۸۴۷ منعقد گردید این مجرا به امپراطوری سابق عثمانی واگذار شده بود و حالا که کشور عراق مستقل گشته بود خودرا وارث کلیهٔ حقوق امپراطوری سابق عثمانی میدانست ولی ایران حاضر نبود این ادعا را قبول کند و کشتی‌های خود را در خرمشهر نگاهداشته و برای ورود به دریا منتظر اجازهٔ عراق بماند .

در ماه ژانویه سال ۱۹۳۵ این موضوع در جامعهٔ ملل مطرح شد و ایران ازروی منطق ودلائل متقن تقاضانمود که مرز طرفین وسط شط‌العرب باشد اما با تقاضای ایران موافقت نشد ودولت عراق جداً آبهای حدودشرقی را (طبق تصمیم کمیسیون مرزی سال ۱۹۱۳و۱۹۱۴) مطالبه داشت وبعداً ایجاد بندر شاهپور درآبهای واقعی ایران باعث شد که دولت ایران برای سازش باعراق آماده شودوبهمین دلیل روزچهارم ماه ژوئیه سال ۱۹۳۷ توافق نظری بین طرفین حاصل شد وبا استثنای اینکه خطی ازمقابل بندرآبادان تا وسط شط‌العرب باحق لنگر اندازی برای ایران برقرار باشد دولت ایران قرارداد سال ۱۹۱۳ و۱۹۱۴ را برسمیت شناخت .

شط‌العرب برای عبور کشتی‌های تجارتی تمام ملل (باپرداخت‌حق لاروبی شط) آزاد ماندو فقط کشورهای ایران وعراق میتوانند کشتی‌های جنگی در شط‌العرب داشته باشند و نیز هریك ازدو دولت عراق وایـران میتواند بااطلاع قبلی طرف دیگربناوگان جنگی کشور ثالثی اجازهٔعبور از شط‌العرب را بدهد.

این قرارداد مقدمهٔ دو قرارداد دیگر بود که‌درسیاست خاور نزدیك اهمیت زیادی داشتند.

قرارداد تاریخ دوازدهم ماه ژوئیه سال ۱۹۳۷ ایران باکشور عراق وسیله‌ای شد که اختلاف طرفین بدست جامعهٔ ملل‌حل گردید.

قراردادیگری بنام‌پیمان سعدآباد که‌روز هشتم ماه‌ژوئیه سال۱۹۳۷ درکاخ ییلاقی شاه‌واقع درده‌میلی شهر تهران بامضاءِ رسید چهاردولت‌همسایه (ایران ـ عراق ـ ترکیه ـ افغانستان) را با انعقاد قرارداد دوستی و عدم تهاجم بیکدیگر مربوط ساخت. (۱)

---

۱ ـ در موقع جنگ دوم بین‌المللی و حملهٔ ناگهانی قوای انگلیس و روسیهٔ شوروی ازجنوب وشمال به کشور ایران کشورهای‌عراق،ترکیه و افغانستان که طبق پیمان سعدآباد میبایستی در موقع حملهٔ قـوای مهاجم بکمك ایران بیایندبقول‌خود وفانکردند واین قرارداد کان لم یکن تلقی شدولی درسال ۱۳۳٤دولت ایران باستنادمنشور ملل متحد درصدد برآمد که پیمان تدافعی باکشورهای ترکیه ، عراق و پاکستان منعقدسازدوروی همین اصل باستناد قانونی‌که از مجلس شورایملی گذشت دولت ایران بـه پیمان عراق ، ترکیه ، پاکستان وانگلستان ملحق شدکه اکنون‌عین‌قانون مذکوررا برای‌اطلاع خوانندگان‌گرامی درج میکنیم : قانون اجازهٔالحاق دولت ایران به پیمان همکاری متقابل منعقد بین دولتین عراق‌وترکیه.

مادهٔ واحده ـ الحاق دولت ایران به پیمان همکاری‌متقابل‌مورخ ۲٤ فوریه ۱۹۵۵منعقد بین‌دولت‌پادشاهی‌عراق ودولت جمهوری‌ترکیه‌مشتمل←

پیمان سعدآباد بعنوان موفقیت و پیروزی سیاست بریتانیاوشکست سیاست روسیهٔ شوروی مورد تمجید و حمله واقع گردید ولی باید دانست

برهشت ماده که دولت انگلستان در تاریخ چهارم آوریل ۱۹۵۵ و دولت پاکستان در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۵ بآن‌ملحق شده‌اند تصویب میشود.
قانون اجازهٔ الحاق دولت ایران به پیمان همکاری متقابل منعقد بین دولتین عراق وترکیه مشتمل برمادهٔ واحده‌ویك‌مقدمه وهشت ماده درجلسهٔ یکشنبه سی‌ام مهرماه یکهزار وسیصدوسی‌وچهار بتصویب مجلس شورایملی رسید.
رئیس مجلس شورایملی ـ رضا حکمت.

پیمان همکاری متقابل بین ترکیه وعراق

نظر باینکه‌روابط دوستانه‌وبرادرانهٔ‌موجود بین عراق‌وترکیه‌پیوسته در حال توسعه است و بمنظور تکمیل عهدنامهٔ دوستی وحسن جوار منعقد بین اعلیحضرت پادشاه عراق‌وحضرت رئیس جمهور ترکیه که درتاریخ۲۹ مارس ۱۹٤٦درآنکارا بامضاء رسیده است (۱) و بموجب‌آن طرفین‌تصدیق نموده‌اند که صلح و امنیت بین دو کشور تفکیك ناپذیـر از صلح و امنیت جهانی و بخصوص ملل خاورمیانه بوده واین امراساس سیاست خارجی‌آنها را تشکیل میدهد.

۱ ـ معاهدهٔ دوستی وحسن جـوار منعقده بین اعلیحضرت ملك فیصل دوم پادشاه عراق و حضرت عصمت اینونـو رئیس جمهور ترکیه.

چون بسط وتوسعهٔ روابط دوستی‌وحسن‌جوار که خوشبختانه‌بین‌عراق و ترکیه برقرار است وتحکیم مودت وعلائق برادری که قرنهاست بین دو کشور وجود دارد هدف عالی طرفین است. و ازآنجائیکه طرفین صلح و امنیت‌کشورهای خود راجزء لاینفك صلح وامنیت جهانی‌مخصوصاً کشورهای خاورمیانه واساس ثابت‌سیاست خارجی خود میدانند. ونظر بخشنودی طرفین از موادمنشور ملل متحد که اخیراً در سانفرانسیسکو بامضاءرسیده‌و هدف آن تقویت همکاری بین‌المللی است‌وهمان منظورغائی طرفین‌راتأیید میکند وآنها را به برداشتن‌گامهائی بسوی هدف مذکور قادر میسازد.
و چون طرفین نزدیکی واقعی خود راهنگامی عملی‌میدانند که متکی‌برحسن تفاهم و همکاری متقابل در امور اقتصادی باشد. وچون طرفین مایهٔ‌مسرت حقیقی‌خودمیدانند که‌نخستین اجراءکنندگان‌اصول منشور ملل‌متحدباشند←

که درحقیقت پیمان سعدآباد بیـان صریح ومستقیمی ازتصمیم چهار کشور و مصمم هستند نسبت بانجام وظایف ناشیه ازمنشور مذکور وفادار بمانند. لذا طرفین لازم دیدند قرار دادی بین خود منعقد سازند که کلیهٔ منظورهای ذکر شده دربالا را تأمین نماید وبرای این مقصود نمایندگان تام الاختیار خود را بشرح زیرتعیین نمودند. ازطرف... ازطرف ...

ماده اول ــ هر یك از طرفین معظمین متعاهدین تعهد میکند که تمامیت ارضی طرف دیگرومرزهای بین دو کشور را که طبق مواد معاهدهٔ منعقده درسال ۱۹۳۶ تعیین وترسیم شده‌محترم بشمارد .

ماده دوم ــ هریك از طرفین معظمین متعاهدین تعهد میکند که از سیاست عدم مداخلهٔ قطعی در اموردلخلی طرف دیگر پیروی نماید .

ماده سوم ـ طرفین معظمین متعاهدین تعهد مینمایند که در امـور بین‌المللی دارای جنبهٔ عمومی وبویژه دراموریکه دارای جنبهٔ منطقه‌ایست و برای طرفین اهمیت دارد با هم مشورت کنند و راجع به‌سیاستی که‌ضمن دایرهٔ منشور ملل متحد اتخاذ خواهندکرد بایکدیگر همکاری وازهمدیگر پشتیبانی کنند .

ماده چهارم ـ هریك ازطرفین معظمین متعاهدین تعهد میکندکه از هرگونه تهدید بتجاوز یاهرگونه تجاوزی که علیه تمام یا قسمتی ازخاك طرف دیگر یا علیه حرمت مـرزهای اوروی دهد مقامات مربوطهٔ سازمان ملل متحد رامطلع سازد .

ماده پنجم ـ طرفین‌معظمین متعاهدین بموجب مفاد مادهٔ ۳۳منشور ملل متحد تعهد میکنندکه بوسایل مسالمت آمیز هرگونه کشمکشی راکه میان آنها روی دهد فیصله بخشند و اگر اختلافی را نتوانستند از طریق مذکور حل کنند بموجب مفاد مادهٔ ۳۷ منشور مذکور موضوع را باطلاع شورای امنیت برسانند و نیز تعهد میکنند هرگاه اختلافاتی بین یـکی از طرفین و دولت همسایهٔ ثالثی یا میان دودولتی که همسایهٔ طرفین هستندرخ دهدکوشش خود را بکاربرندکه اختلافات مذکوربموجب مواد فوق‌الذکر حل شود .

ماده ششم ــ طرفین معظمین متعاهدین بمنظور عملی کردن‌همکاری خود طبق روح این پیمان و درکلیهٔ روابط موجودبین طرفین پروتکل‌های مشروحهٔ زیرراکه‌متمم‌این‌پیمان شمرده میشود منعقد ساختند.←

شرقی است که مایلند سرنوشت خودشان را بدون دخالت کشورهای غربی دردست داشته باشند .

۱ ـ پروتکل ضمیمهٔ شماره ۱ راجع به تنظیم آبهای دجله وفرات و رودخانه‌های امدادی آنها .
۲ ـ پروتکل ضمیمهٔ شماره۲راجع به همکاری متقابل‌درامورامنیت.
۳ ـ پروتکل ضمیمهٔ شماره ۳ راجع به همکاری در امور تعلیم و تربیت و فرهنگ .
٤ ـ پروتکل ضمیمهٔ‌شماره٤راجع به‌ارتباطات پستی‌وتلگرافی‌وتلفنی.
٥ ـ پروتکل ضمیمهٔ شماره ٥ راجع بامور اقتصادی بطورکلی.
٦ ـ پروتکل ضمیمهٔ شماره ٦ راجع به مرزها .ونیز طرفین معظمین متعاهدین دو قرارداد زیررا منعقد نمودند :
۱ ـ قرار داد استرداد مجرمین .
۲ ـ قرار داد تعاون قضائی کشوری و کیفری وتجاری .

ماده هفتم ـ این معاهده برای مدت غیر محدودی اجراء میگردد و ممکن است هر پنج سال بنا بتقاضای‌یکی از دوطرف متعاهدموردتجدید نظر قرارگیرد .

ماده هشتمـ این معاهده ازطرف هریك‌ازطرفین معظمین‌متعاهدین بتصویب خواهد رسید ومدارك تصویب هرچه‌زودتر در بغداد مبادله‌خواهد شد . در تاریخ ۲۹مارس۱۹٤٦ درآنکارا و درسه نسخه بزبان‌های عربی وترکی و فرانسه تحریرشد ودرصورت اختلاف نسخهٔ فرانسوی‌معتبراست.

نظر باینکه مادهٔ ۱۱عهدنامهٔ دفاع مشترك وهمکاری اقتصادی بین دولتهای جامعهٔ عرب[2]حاکی است که هیچ ماده از آن معاهده بهیچ نحوطوری طرح ریزی یا انتخاب‌نشده‌که‌تأثیری در حقوق و تعهدات طرفین بمناسبت امضای منشور ملل متحد داشته باشد. ۲ـمتن ماده یازدهم معاهدهٔ دفاع‌مشترك‌وهمکاری اقتصادی بین دولت‌های جامعهٔ عرب .

ماده یازدهم ـ هیچ ماده‌ای در ضمن مواد این عهد نامه وجود ندارد که در حالی از احوال با حقوق وتعهداتی که بموجب منشورملل‌متحد دول امضاء کنندهٔ این عهد نامه در حال حاضر بعهده دارند یا ممکن است درآتیه بعهده داشته باشند یابا مسئولیتهائی که‌شورای‌امنیت‌راجع بحفظ ←

موقعیکه در کشور عراق بحرانی بوجود آمد هر چهار دولت در

صلح و امنیت جهانی عهده داراست برخورد داشته باشد یا از آن برخوردی خواسته‌شود. و بااعتراف بمسئولیت‌های بزرگی که از لحاظ عضویت در سازمان ملل متحد بمنظور استقرار صلح وامنیت در ناحیهٔ خاورمیانه برای آنها ایجاد شده وانجام اقدامات مقرر در مادهٔ ۵۱ منشور ملل‌متحد[3] رابر عهدهٔ آنها گذاشته است لزوم انعقاد یك پیمانی که هدفهای بالا را تأمین کند تشخیص داده و برای این منظور نمایندگان مختار خود را به ترتیب ذیل معین کرده‌اند.

۳ - متن ماده ۵۱ منشور ملل متحد.

ماده ۵۱ - در صورتی که یك عضوملل متحد مورد تجاوزمسلحانه واقع شود هیچیك از مقررات این‌منشور بحق طبیعی دفاع مشروع انفرادی یا اجتماعی تا موقعیکه شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح وامنیت بین المللی بعمل آورد لطمه وارد نخواهد آورد. اقداماتی راکه اعضاء برای اجرای حق‌دفاع مشروع بعمل میآورند باید فوراً بشورای امنیت‌اطلاع دهند ، ولی این اقدامات بهیچوجه در اختیارات و وظایفی که شورا برطبق این منشور دارد و بموجب آنها درهر موقع روشی راکه برای حفظ ویا اعادهٔ صلح و امنیت صلح بین المللی لازم میداند میتواند اتخاذکند تأثیری نخواهد داشت.

اعلیحضرت فیصل دوم پادشاه عراق جناب آقای الفریق نوری‌السعید نخست‌وزیر. جناب آقای برهان‌الدین باش‌اعیان کفیل وزارت امورخارجه. حضرت‌جلال بایار ریاست‌جمهوری ترکیه. جناب آقای عدنان مندرس نخست‌وزیر. جناب آقای پرفسور فؤاد کوپرلو وزیر امور خارجه. نمایندگان مزبور پس از مبادلهٔ اعتبار نامه‌های خود که آنها راصحیح ومعتبر یافتند در مراتب ذیل‌موافقت حاصل کردند.

ماده ۱ - طرفین معظمتین متعاهدتین برای امنیت ودفاع‌خودمطابق مادهٔ ۵۱ منشور ملل متحد تشریك مساعی‌خواهند نمود. اقداماتی که‌برای عملی ساختن این تشریك مساعی دربارهٔ آنها موافقت میکنند ممکن است موضوع موافقتنامه‌های خاصی قرار گیرد.←

ماده ۲ ـ برای تحقیق و اجرای تشریك مساعی پیش بینی شده در مادهٔ ۱ مقامات‌صلاحیتدار طرفین‌متعاهدتین معظمتین اقداماتی را که‌میبایست بمحض اینکه پیمان فعلی بمرحلهٔ اجراء درآید تعیین خواهند نمود. همینکه این اقدامات بتصویب دولتهای طرفین متعاهدتین معظمتین رسید قابل اجرا خواهد بود .

ماده ۳ ـ طرفین متعاهدتین معظمتین متعهد میشوند که‌از هرگونه دخالت در امور داخلی یکدیگر خودداری کنند و هرگونه اختلاف فیمابین را باروش مسالمت آمیز برطبق منشور ملل متحد حل نمایند.

ماده ۴ ـ طرفین متعاهدتین معظمتین اعلام میدارند که مقررات‌این پیمان با هیچیك از تعهدات بین‌المللی ناشی از قرارداد هر یك از طرفین با دولت یا دول ثالثی مغایرت نداشته و نمیتواند از تعهدات بین‌المللی مذکور بکاهد ویا ناقض آنها محسوب شود . طرفین متعاهدتین معظمتین متعهد میشوند که هیچگونه تعهد بین المللی که منافی با پیمان فعلی باشد قبول نکنند .

ماده ۵ ـ این پیمان برای الحاق هریك از دول اتحادیهٔ عرب یا هریك از کشورهای دیگری که به‌امنیت وصلح این ناحیه علاقمند هستند و طرفین متعاهدتین معظمتین آن کشور را برسمیت کامل شناخته باشند باز خواهد بود . الحاق از تاریخی رسمیت دارد که سند الحاق به وزارت‌امور خارجهٔ عراق تسلیم شده باشد . هردولت عضو که به پیمان فعلی ملحق‌شود میتواند برطبق مادهٔ ۱ بایك یاچند دولت عضو پیمان قراردادهای‌خاص‌منعقد سازد . مقامات صلاحیتدار دول مزبور برطبق ماده ۲ اقدامات لازمه‌راتعیین خواهندکرد و بمحض آنکه اقدامات مزبور بتصویب دول مربوطه رسید قابل اجراء خواهد بود .

ماده ٦ ـ همینکه حداقل چهار دولت بعضویت این پیمان درآمدند شورائی مرکب از وزرای دول مزبور تشکیل خواهدشد که درحدودمقاصد این پیمان‌کارکند. شورا آئین نامهٔ کار خود را تنظیم خواهدکرد .

ماده ۷ ـ این پیمان برای‌مدت پنجسال‌قابل اجراست و برای‌پنجسال دیگر قابل‌تجدیداست . هریك‌ازاعضاء پیمان‌ششماه‌قبل‌ازانقضاء ادوارمذکور دربالا ممکن است کتباً تمایل خودرا به‌خارج‌شدن ازپیمان‌باعضای‌دیگر ←

تصمیمات دولتین هم‌پیمان ومذاکرات کنفرانس باشد دراین باره ازطرف آنان انتشار نیافت وحتی نگفتنند که اگر یکی ازچهار دولت متعاهدمورد حمله واقع گردد دیگران چه تکلیفی خواهند داشت وفقط نتیجه‌ای که از این کنفرانس گرفته شد این بود که ایران از کمك به‌رشید عالی امتناع کرد ترکیه وافغانستان عملیات انگلستان وروسیهٔ شوروی را درایران بشدت انتقاد کردند اماغیر ازحرف وانتقادخشك وخالی قدمی برنداشتند.

بهرصورت محرك انعقادپیمان سعدآباد هرچه‌بود اعلیحضرت پادشاه ایران و کمال آتاتورك رئیس جمهوری ترکیه درنتیجهٔ امضای آن حیثیت واحترام قابل توجهی پیدا کردند.

اطلاع دهد درچنین صورت پیمان برای اعضاء دیگر معتبر میماند.

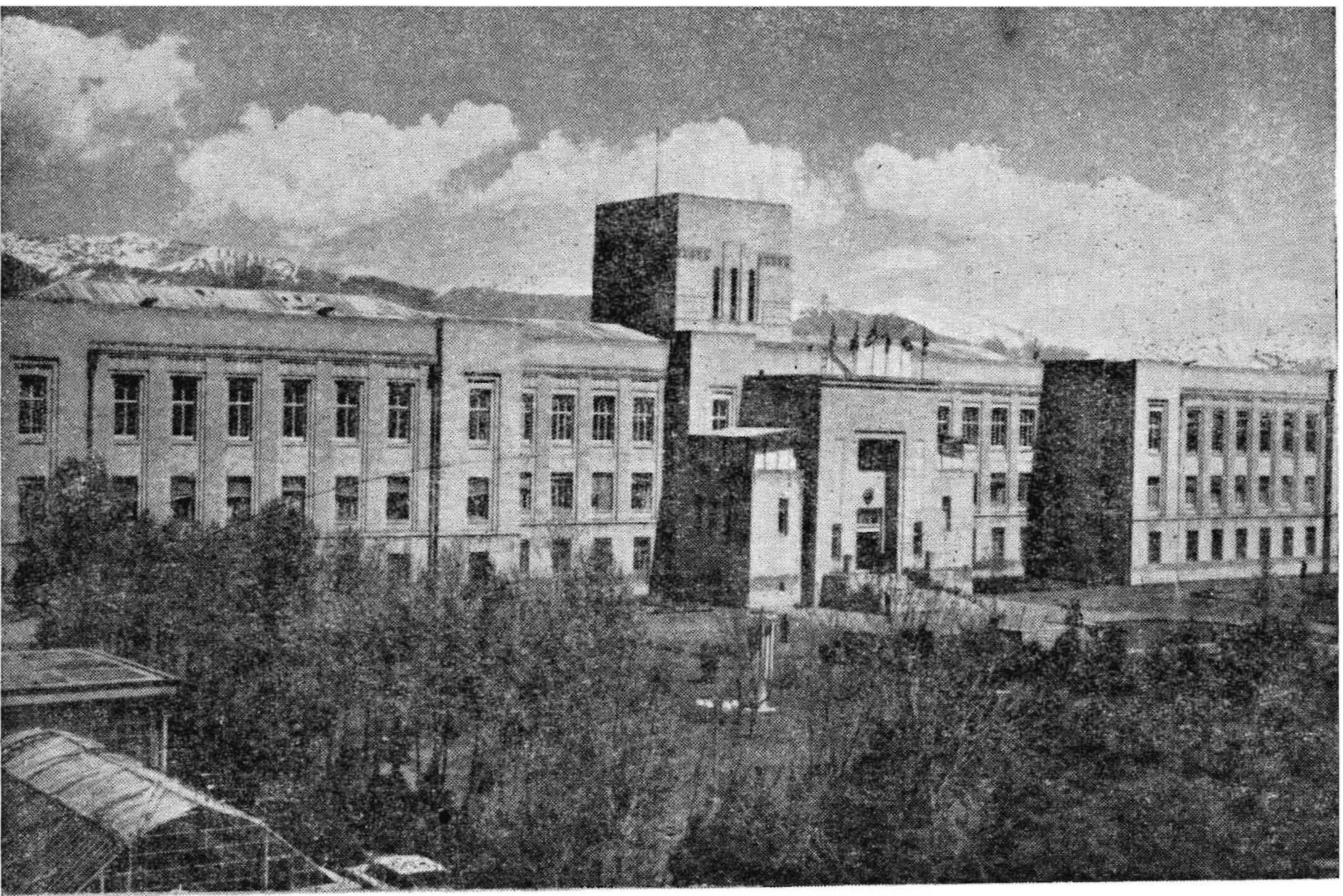
ماده ۸ ـ این پیمان بوسیلهٔ‌طرفین متعاهدین بتصویب خواهدرسید. اسناد تصویب هرچه زودتر درآنکارا مبادله خواهد شد واز تاریخ مبادلهٔ اسناد تصویب بمرحلهٔ اجراء درمیآید. برای گواهی مراتب‌بالانمایندگان مختار مذکور این پیمان را به‌عربی، ترکی وانگلیسی امضاء نموده‌اند هر سه متن متساویاً معتبر هستند و در صورت پیدایش اختلاف متن انگلیسی مرجع خواهد بود. تهیه‌شده در دونسخه در بغداد دومین روز رجب۱۳۷۴ هجری مطابق بیست وچهارم‌روز فوریه ۱۹۵۵ • (امضاء شده)

نوری‌السعیدازطرف‌اعلیحضرت‌پادشاه‌عراق(امضاءشده) **برهان‌الدین باش اعیان ازطرف اعلیحضرت پادشاه عراق.** (امضاء شده) **عدنان مندرس از طرف ریاست جمهوری ترکیه.** (امضاء شده) **فؤاد کوپرلو از طرف ریاست جمهوری ترکیه.** بغداد ۲٤ فوریه۱۹۵۵.

اجازهٔ الحاق دولت ایران به پیمان همکاری متقابل منعقد بین دولتین‌عراق و ترکیه مشتمل بریك مقدمه وهشت ماده‌بشرح فوق درجلسهٔ یکشنبه سی‌ام مهرماه یکهزار وسیصد وسی وچهار داده شده است.

رئیس مجلس شورای ملی ـ رضاحکمت.

این بود متن‌کامل پیمان بغداد که برای‌اطلاع خوانندگان گرامی‌درج گردید. (مترجم)



نمای جنوبی کاخ وزارت امور خارجه

پس ازانعقاد پیمان سعدآباد قرارداد های داخلی دیگری دربارهٔ پست ، بی‌سیم ، تلگراف درماه ژوئیه سال ۱۹۳۸ و ماه ژانویه سال ۱۹۳۹ باافغانستان وقرارداد ترانزیت بازرگانی درماه اوت سال ۱۹۳۸ با کشور ترکیه منعقد گردید .

درماه‌مه‌سال ۱۹۴۱ کشورهای ترکیه‌وایران تصمیم گرفتند باستناد حسن تفاهمی که درماه دسامبر گذشته بین‌آنان ایجاد شده بود مرز های یکدیگر را مستحکم سازند وبطوریکه خودشان توضیح دادند این اقدام را برای جلوگیری ازشورش قبایل یاغی کرد بعمل‌آورده بودند (احتمال قوی دارد که حرکت روس‌ها وآلمانی هاآنها را باینکار وادار کرده بود) .

درسال ۱۹۴۰ روابط اقتصادی فیمابین سه کشور ایران، ترکیه‌و عراق بمیزان قابل ملاحظه‌ای توسعه‌یافت زیراپس ازبسته شدن مدیترانه خلیج فارس تنها راه دریائی ترکیه بود . درماه اکتبر نمایندگان راه‌آهن سه کشور درآنکارا گردآمدند وپس‌ازمذاکرات لازم کشور ترکیه درماه‌مه سال ۱۹۴۱ شصت میلیون لیره برای اتصال راه‌آهن خود باایران وعراق اختصاص داد . دربین سایر کشور های عربی کشور مصربیش ازسایرممالك مورد توجه است زیرا بدون تردید متمدن ترین کشور های‌عربی بوده واز هرحیث موفق ومترقی محسوب میگردد .

ازدواج ولیعهد ایران بافوزیه خواهر ملك‌فاروق پادشاه مصر درماه مارس سال ۱۹۳۹ حاکی ازآن بود که ایران میل دارد دوستی و روابط صمیمانه وهمکاری نزدیکتری بین‌ملتهای‌خاورمیانه برقرار گردد . بطوریکه استنباط میشود ایران مایل است دو کشور مصر وعربستان سعودی (که درسال ۱۹۲۹ قرارداد مودت باایران منعقد ساخت) هم به پیمان سعدآباد

ملحق گردند اما هنوز اختلافات ومشکلاتی ازنظر معنوی و اجتماعی بین ملت ایران واعراب وجود دارد که فعلا برای اینکار زمینه فراهم نیست .

اتحاد اسلام درایران طرفدار ندارد (در سایر نقاط جهان هم اتحاد اسلام قدرت چندانی ندارد) وعلاوه برآن ایرانیان واعراب ازدیر زمانی نسبت بیکدیگر تنفر دارند .

باید دانست که تنفر فعلی معلول عللی است که متدرجاً مرتفع شده وازبین میرود وبا ازبین رفتن این مانع بزرگ نقشه های تهاجمی کشور-های‌غربی عقیم‌خواهد ماندوپس ازحل مسائل اقتصادی وحاضر بودن‌طرفین برای اغماض وچشم پوشی ازاختلافات گذشته دلیلی‌وجود ندارد که منافع عمومی وسیاست عمومی کشور های‌خاور نزدیك وخاورمیانه دربین خودآن کشورها رعایت نگردد .

فصل چهل و دوم

موقعیت ایران درجهان کنونی

موقعیکه من مشغول نوشتن این سطور هستم نیروهای بریتانیا و روسیهٔ شوروی نقاط متصرفی خود را درایران مستحکم میسازند.

درتمام مدت جنگ سیاست خارجی ایران (وبطور قطع تاحدی‌هم امور داخلی آن) تحت نظارت متفقین خواهد بود.

این مصیبت جنگ است که هیچیك ازملتها را ازبدبختی ومصائب معاف نمیدارد ولااقل ایران ازاین‌حیث‌میتواند سپاسگزار باشد که‌آیندهٔ‌آن باسرنوشت بریتانیا وروسیهٔ شوروی مربوط است وبا آلمان ارتباطی‌ندارد.

اوضاع کنونی حاکی ازآنستکه دوره‌ای ازتاریخ ایران سپری شده ونقطهٔ فعلی بهترین نقطه‌ایست که میتوان درآنجا توقف‌نمود ونه‌تنهاراجع به گذشته بلکه دربارهٔ‌آینده هم بررسیهای لازم بعمل‌آورد.

برای‌اینکه بتوان‌موقعیت‌واوضاع‌فعلی ایران رابطور وضوح‌درك کرد باید‌بعملیات‌ونقشه‌های‌استیلای‌آلمان بتمام کشورهای‌جهان‌توجه‌کامل‌نمود.

نقشهٔ روزنبرگ (Rosenberg) که درابتدای امرفقط برای تسلط واستیلا به کشور های اروپای مرکزی واروپای شرقی‌آغازشده بودبزودی

شامل سرتاسر کشورهای اروپائی گردید وطبعاً دامنهٔ آن تابالکان(Balkans)
و ازآنجا بخاور نزدیك و کشور های عربی امتداد مییافت وسرانجام بـه
او کراین (Ukraine) منتهی میگردید .

این‌موضوع باید برای خوانندگان گرامی روشن باشد که این‌نقشه
مولود جنگ کنونی نیست بلکه قبـل ازروی‌کار آمـدن هیتلر طرح و
پیش‌بینی شده‌بود .

روزنامهٔ تایمز (Times) درماه مه گذشته اسناد ومدارکی را که‌در
سال ۱۹۳٤کار شناسان آلمانی تنظیم وتهیه کرده بودند انتشار داد. ریاست
این عده ازکارشناسان آلمانی را دکترایلرس (Dr . Eilers) بعهده داشت
وچند سال‌بادارا بودن‌مقام ریاست آموزشگاه باستان شناسی آلمان درتهران
ساکن بود .

این مدارك بطور وضوح نشان میداد که‌آلمان حتی در همان موقع
هم نقشه‌ای طرح کرده بود که‌کشور های شرقی را تاخلیج فارس بتصرف
خود درآورد بدین ترتیب که ابتدا ازراه تبلیغات فرهنگی وپس ازآن با
بدست‌آوردن نفوذاقتصادی وسیاسی منظور اصلی‌را که همان تسخیرممالك
شرقی بود عملی سازد .

بطوریکه درآن اسنادذکرشده بود کشور های‌ترکیه ومصر وایران
بیش ازسـایر کشورها مورد توجه بوده واهمیت داشتند .

این‌موضوع جالب توجه‌است که دراین نقشه ازبکاربردن قوای‌نظامی
ذکری نشده‌وآنطوریکه تا کنون‌جنگ فعلی‌هم‌نشان میدهدحملهٔ برق‌آسا
موقعی‌صورت‌میگیرد که‌قبلازمینه‌برای‌پیشرفت‌وپیروزی‌حتمی آماده‌شده‌باشد.

اولین قدم‌آلمان برای تسخیر جهـان بموجب نقشهٔ نازی این بود

که جهان رابه سه ناحیه تقسیم کند آلمان ممالك اروپائی وافریقا رامسخر سازد وژاپن هم آسیا را بگیرد درحالی که ظاهراً به امریکا اجازه داده‌شود مالك نیمکرهٔ غربی باشد [1] .

درتمام‌این جریانات موقعیت بریتانیا ایجاب میکند که تبعیت یکی ازدونیروی بزرگ راقبول کند بدین‌معنی که آلمان‌ازطرفی‌وامریکا ازطرف دیگر بریتانیا رامحصوربدارندتاسرانجام بیکی‌ازاین دو کشورملحق گردد.

محتاج به گفتن نیست که این نقشه وتقسیم هم تقسیم ونقشهٔ نهائی نخواهد بود زیرا همانطوریکه روسیهٔ شوروی روزی شریك دراجرای نقشهٔ آلمان بود ودرحال حاضر مورد حمله واقع شده است بدون تردید ژاپن و امریکا هم بهمان سرنوشت دچار میگردند [2] .

این پیش‌بینی ازاظهارات بعضی ازمبلغین نازی که درامور مربوطه بی‌احتیاطی میکنندبخوبی استنباط میگردد .

بهرصورت مابمنطقهٔ خاور نزدیك مربوط بوده وبقسمتی ازنقشه که شامل آلمان وروسیه میباشد علاقمندیم .

---

۱ ـ اخیراً یکی ازروزنامه های‌ژاپنی مقاله‌ای درج وطی‌آن اظهار عقیده کرده بود که باید درهندوستان، اقیانوسیه ، ایران ، عربستان سعودی، سیبریه واورال به‌ژاپن آزادی کامل داده شود . (مؤلف)

۲ ـ موقعی مؤلف محترم کتاب این سطور را نوشته بود که هنوز کشورآلمان وژاپن به‌ایالات متحدهٔ امریکا حمله نکرده بودند ولی شب هشتم ماه دسامبر سال ۱۹۴۱ دولت ژاپن بدون اعلان جنگ باهواپیما ـ های بمب‌افکن غفلتاً پایگاه های بزرگ دریائی امریکا رادر پرل‌هاربور وجزایر هاوائی بمباران کرد وتمام ناوهای امریکائی راکه در پایگاههای مزبور لنگر انداخته بودند وانتظار چنین پیش‌آمدی‌را نداشتند ازبین‌برد وخسارات قابل توجهی واردساخت وجنگ بین ژاپن وامریکا رسماً شروع گردید . (مترجم)

قبل ازجنگ روسیهٔ شوروی و آلمان دلایل وشواهد کافی دردست بود که هردو دولت نقشهٔ مناطق نفوذ درخاور نزدیك را بتراضی طرفین طرح کرده بودند بدین ترتیب که آلمان پس از گرفتن داردانل (Dardanelles) وترکیه بایك حرکت گازانبری ازراه قفقاز ومصر سرزمین های نفت خیز عراق وایران را تصرف کند ودر همانموقع روسیهٔ شوروی شرق ایران و افغانستان را اشغال کرده وآمادهٔ حمله بـه هندوستان باشد . (عیناً شبیه قراردادسال ۱۹۱۱ پوتسدام (Potsdam). مطمئناً جنگ آلمان باروسیه شوروی این نقشه را برهم زدولی احتمال میرود که آلمانی ها همچنان در فکر اجرای آن نقشه هستند وامیدوارند که روسیهٔ شوروی بیشتر پافشاری ولجاج بخرج دهد زیرا درصورتی که قوای آلمان درداخلهٔ سرزمین روسیه پیش برود بناچار روسیه مجبور است عقب نشینی کرده وجبههٔ جنگ رادر خاك خود جلوتر ببرد .

بدیهی است درصورتیکه آلمان بتواند اوکراین را تصرف کند بدون اینکه بسایر نقاط ونواحی خاك روسیهٔ شوروی توجهی داشته باشد بآسانی خود را بمعادن نفت قفقاز میرساند والبته چنین پیشرفتی بسیار سودمند و پرارزش خواهدبود زیرا آلمان برمیدانهای نفت باکو (Baku) و گروزنی (Grozny) دست مییابد (معادن نفت باکو و گروزنی هردوبا لوله و راه آهن بدریای سیاه متصل است) وهفتاد وپنج درصد نفت روسیه هم ازاین دومعدن تأمین میشود ودراین صورت علاوه برمیل وآرزوی طبیعی آلمانیها که قصد دارند مناطق جنوبی را هرچه زودتر مسخر سازند از نظر سوق الجیشی هم ناچارند ایران و عراق رااشغال کنند ویك حصار امنیت حلقه مانندی برای حفظ اراضی ومناطق متصرفی خود بوجود آورند .

آلمان بااجرای این نقشه خلیج فارس‌را اشغال میکند وممکن‌است که‌ازارتباط نیروهای متفقین‌مقیم خاورمیانه باهندوستان وروسیهٔ شوروی جلوگیری کند (آلمانیها که درسال ۱۹۱۸ اوکراین را اشغال کردند همین نقشه را داشتند).

آلمان ازمرز قفقاز بدوطرف نیرواعزام خواهد داشت یکی ازایران وترکیه بطرف موصل ودیگری ازشرق بسمت قزوین وتهران وقطعاً موانع طبیعی برای اعزام قوا دراین مناطق بمراتب کمتر ازحملهٔ مستقیم ازراه مغرب به رشته جبال مرکزی میباشد.

این موضوع بسته بوضع جبهه‌است وممکن است که آلمانی‌هااعزام نیرو به کشور های ترکیه وسوریه ومصر را لازم تشخیص دهند ویا امکان دارد که بطریق‌دیگراقدام کنندبدین‌معنی که بایك‌حرکت‌قهقرائی ازطرف شمال مرکزمقاومت متفقین را درخاورمیانه درهم شکسته ومتلاشی‌سازند.

درهمانموقع ممکن است به‌روسیهٔ مغلوب هم دستور داده شود که‌زیر نظرآلمانیها وتحت تعلیمات فرماندهان‌آلمانی ازراه مناطق ونواحی شرقی ایران وکوههای افغانستان به هندوستان حمله کند.

احتمال دارد که بیرون‌آمدن امان‌الله پادشاه‌سابق افغانستان ازمحل انزوای سابقش رم دراین ایام واقامت مختصر وکوتاه اودر تهران بااین نقشه بی‌ارتباط نباشد.

اینها نقشه‌های مهمی هستند که کمتر قسمتی ازآنها قابل اجراست زیرا درست است که حمله وهجوم‌به بریتانیا نظر اصلی‌آلمانیهاست وسایر نقشه‌های جنگی نسبت بآن دردرجهٔ دوم قرار دارد.

ممکن است‌پس ازشکست روسیهٔ شوروی‌یا سازش باآن کشور حمله

به مجمع‌الجزایر بریتانیا شروع شود .

ممکن‌است این‌حمله ازراه هوائی وهجوم بوسایل نظامی ویاباسیستم جدید (صلح) صورت گیرد ولی در هرحال این امربا وضع امریکا بستگی‌و ارتباط‌کامل دارد بااین حال ما نمیتوانیم موقعیت مهم‌خاور نزدیك رانادیده بگیریم زیراازنظر نظامی خاور نزدیك حلقهٔ ارتباط حیاتی‌نقاط پراکندهٔ امپراطوری بریتانیا است .



فصل چهل و سوم

نفت خاورمیانه و خطوط ارتباطی

اهمیت خاورمیانه از نظر وجود نفت محتاج بتذکر نیست و هرچند محصول سالیانهٔ نفت ایران وقفقاز وممالك عربی در سالهای قبل از جنگ کمتر از چهل میلیون تن بوده‌است ومحصول نفت آنروز جهان به‌دویست‌و هشتادمیلیون تن میرسید اما آنچه مسلم است اینستکه معادن نفت‌بسیار مهمی در کشورهای خاورمیانه وجود دارد ودر صورتیکه بدانیم سالیانه دویست‌وبیست میلیون تن نفت باید از امریکا باین قطعهٔ ازجهان برسدبطور حتم باهمیت معادن نفت خاورمیانه بیشتر پی‌میبریم .

قبل از جنگ کنونی بریتانیا بیست درصد نفت خودرا از ایران‌سه در صد از روسیهٔ شوروی و چهار درصد از عراق میآورد و معادن نفت کشور عراق را بطور کلی چند شرکت استخراج میکنند (باستثنای زمین‌های کم وسعت نفت خیز خانقین که درمرز ایران واقعست‌وجزءِ امتیازنفت ودردست شرکت نفت ایران وانگلیس قرار دارد) بدین ترتیب:

۱ ـ شرکت نفت‌عراق که ۲۳/۷۵ درصد سهام آن متعلق به‌شرکت نفت ایران وانگلیس میباشد .

۲ ـ شرکت استاندارد اویل (Standard oil) که ۲۳/۷۵ در صد سهم آن به امریکائی‌ها تعلق دارد .

۳ـ شرکت سلطنتی هلند (Royal· Dutch. Shell) که۲۳/۷۵در صدآن انگلیسی و هلندی است .

٤ ـ شرکت سی فرانسایز (Cie.Francaise) کـه ۲۳/۷۵ در صد آن فرانسوی است .

۵ ـ ام گلبانکیان (M· Gulbenkian) که پنج‌درصدسهام‌رادارد.

محصول سالیانهٔ معادن نفت کشور عراق در حال حاضر چهارمیلیون تن است ولی شرکت مجازاست درآینده‌در سایر نواحی نفت‌خیزباکتشاف و استخراج نفت دست بزنند .

شرکت استاندارد اویل تا قبل‌ازجنگ سالیانه یك میلیون‌تن‌نفت از جزایر بحرین‌استخراج میکرد واخیراً هم معادن نفت عربستان سعودی را استخراج میکند .

از کویت هم مقدار قابل اهمیتی‌نفت بدست میآید . در کشورمصرهم درنقاطی بنام هارقادا(Hurghada) ورأس القریـب(Ras Gharib) شروع باستخراج نفت کرده اند .

کشور ترکیه هم درجنوب شرقی آناتولی(Anatolia)باستخراج نفت دست زده است و امید میرود که احتیاجات داخلی آن کشور با همین معادن جدید تأمین گردد .

درتمـام سواحل شبه جزیرهٔ عربستان فلسطین(Palestine)وماوراء اردن(Trans Jordan) کاوش‌وبررسی‌های‌لازم‌برای پیدا کردن‌نفت ادامه‌دارد.

ازجهات‌اصلی دیگراهمیت خاورنزدیك‌برای‌انگلستان‌حفاظت خطوط

هوائی وزمینی ودریائی به‌هندوستان وخاور دور واسترالیا میباشد .

تنها راه دریائی این نواحی مهم وقابل توجه کانال سوئز (Suez. Canal) ودریای قرمزاست ولی راه دیگری هم ازدریای سیاه وازطریق بنادراریگلی (Eregli)وسامسون(Samsun) وازهمه کوتاهترطرابوزان که متعلق بکشور ترکیه هستند وجود دارد که باراه آهن بغداد وتمام خطوط انشعابی آن متصل میگردد ونیز میتوان ازآنجا به‌باطوم(Batum) رفت واز راه روسیهٔ شوروی به‌تبریزوارد شد ونیزباید دانست که خلیج‌فارس هم براه‌آهن بصره وبغداد می‌پیوندد .

مهمترین راه ارتباطی این حدود راه آهن است ودوقسمت راه‌آهن بغداد پس ازتقریباً چهل سال درتابستان سال ۱۹۴۰ بهم وصل شد .

این راه‌آهن ازاستامبول به‌آنکارا وادانه(Adana) میآیدوپس ازعبور از خاك سوریه به حلب متصل میگردد و دوباره به ترکیه میرود مجدداً وارد سوریه شده وازنصیبین(Nisibin) وتل کوچك(Tel Kotchek)عبور کرده به‌بغداد میرسد و۱۶۳۶ میل راه را درعرض سه روزطی میکند . راه آهن بغداد که عرض آن يك متراست تابصره میرود وبکنارخلیج‌فارس‌میرسد. يك‌رشته راه‌آهن‌جدید از آنکارا به‌سیواس(Sivas)ودیاربکر(Diyarbekir) میآید وشاید هم بدون عبورازسرزمین سوریه به‌نصیبین برسد .

راه‌آهن‌اصلی‌ازحلب به‌رایاك(Rayak)میرود وازآنجا باخط آهن‌يك مترعرض‌به‌بیروت(Beirut)ودمشق(Damascus)وحیفا(Haifa)اتصال‌میبابد.

راه‌آهن ازکار افتادهٔ حجاز یکی ازشعب همین رشته است . ازحیفا یکرشته راه‌آهن عریض اصلی تاکانال سوئزمیرود .

درخاك ترکیه رشته‌های راه‌آهن ازآنکارا تا اریگلی وازسیواس تا

سامسون واز راه عرض‌روم(Erzerum)تاکارس(Kars) واز آنجا بخاك روسیهٔ شوروی وتبریزمربوط میگردد وشاید هم براه‌آهن ایران اتصال یابد .

راه‌آهن ارض‌روم بزودی بادریای‌طرابوزان وصل میشود ویك رشتهٔ دیگرازالعزیز(Èlaziz)درشمال دیاربکر ودریاچهٔوان(Van)بگذردوبمرز ایران برسد .

نکتهٔ قابل توجه اینستکه از داردانل و دریای سیاه به سوریه و کشورهای‌عراق، هندوستان وایران وروسیهٔ شوروی راههائی موجوداست. علاوه براینهاهرگاه راه‌آهن قم - یزد براه‌آهن‌اصلی ایران متصل گردد و خطی‌هم تازاهدان ادامه یابد به هندوستان وخاوردورهم متصل‌خواهدشد .

درعین حال باید مشکلات ناشی از اختلاف عرض راه‌آهنها و کمی لوازم حمل ونقل این خطوط راهم درنظر گرفت .

خطوط هوائی بادرنظر گرفتن وضع طبیعی‌آنها دائمی نیستند ولی قبل ازجنگ مصروعراق خطوط ارتباطی هوائی انگلستان وفرانسه وهلند وایتالیا وآلمان بههندوستان واسترالیا وهندوچین فرانسه وهند شرقی هلند و کشورژاپن بودند.

هواپیماهای بریتانیاوایتالیا همچنین از راه مصر ودریای سیاه پرواز میکردند .

ازنظر سوق‌الجیشی قاهره (Cairo)و بغداد مراکز مهمی هستند که اولی برکانال سوئز ودریای قرمزمسلط است ودومی براه آهن وخلیج فارس استیلا دارد و دفاع ازاین مراکز بموجب پیمانی که ما « انگلیسیها » با کشورهای مصر وعراق منعقد ساخته‌ایم جزء اصول اساسی واصلی سیاست بریتانیا است .

فصل چهل وچهارم

بیطرفی ایران درجنگ دوم جهانی

تشکیل دسته‌ای از کشورهـای دوست در سراسر آسیـای جنـوبی (Southern Asia) که برای جلوگیری‌از پیشرفتهای‌هیتلر بطرف اقیانوس هند ماننددسدی محکم هستند بسیارضروری بود وما«انگلیسیها» این منظور رابوسیلهٔ کشورهای مصرو سوریه وعراق انجام دادیم .

اساس وبنیان‌این اتحاد ازآنجا سرچشمه میگیرد که ازطرف شرق هم کشورهـای هندوستان و عراق بایکدیگر مربوط هستند وتحت فرمان واحدی زیرنظر ژنرال ویول(General Wavell)اداره میگردند .

تنها نقطهٔ ضعیف این حلقهٔ ارتباطات کشورایران بود واگر درقفقاز پیشرفتی‌نصیب آلمانیها میگردید بقیهٔ کاربرای‌آنان بسیارسهل وآسان بود.

آلمـان از این موضوع بخـوبی اطلاع داشت و بهمین علت بود که کارکنان خود را دسته دسته به‌ایران گسیل میداشت .

دولت بریتانیا ازتابستان سال ۱۹٤۰متوجه اوضاع واحـوال ایران وهمچنین این خطر مهلك بود وچندین باربطور دوستانه دولت ایران را از این جریان نامطلوب مطلع ساخت وحتی ازمقامات مسئول درخواست کرد

که این مهمانان ناخوانده وهولناك رااز کشورخود برانند ولی پیشنهادات انگلستان درمحافل رسمی ایران بابی‌اعتنائی تلقی شد .

در درجهٔ اول ایران نمیتوانست برای آلمانی‌های مقیم آن کشور جانشین تعیین کند زیرا اغلب ازآنها کارشناسان فنی بودند ومشاغل مهم وحساسی را برعهده داشتند وعلاوه براین ایران تصور میکرد (تا حدی هم حق داشت) که مبادرت بچنین عملی باعث خواهد شد که دولت آلمان آن کشوررا ناقض اصول بیطرفی بداند .

دولت ایران روز چهارم ماه سپتامبرسال ۱۹۳۹موقع شروع جنگ بیطرفی‌خودرا درجنگ اروپااعلام داشت‌وهمچنین روزبیست‌وششم ماه‌ژوئن سال۱۹٤۱ هنگام آغازجنگ آلمان با روسیهٔ شوروی اعلام‌بیطرفی‌نمود.

ازروز اعلام جنگ تادوسال قبل کشور ایران کراراً اظهار و اعلام داشته است که میل دارد با سرتاسر جهان وکلیهٔ کشورهای عالم در حال صلح باشد و هر گاه دربارهٔ انحراف ایران از رویه و طریقهٔ بیطرفی و یا بدخواهی‌وبیمهری آن کشور نسبت به‌همسایه هایش یعنی کشورهای روسیهٔ شوروی و ترکیه اظهاری میشد فوراً مقامات رسمی ایران تأکید و تصریح میکردند که دربرابر هرتعرضی بخاك کشورشان مقاومت خواهند کرد واز میهن خویش دفاع خواهند نمود وبهیچوجه‌امکان ندارد و اجازه نخواهند داد که سرزمین ایران بمیدان جنگ وصحنهٔ نبرد مبدل گردد .

روز پانزدهم ماه ژوئیه سال ۱۹٤۱ آقای‌مقدم وزیر مختار دولت شاهنشاهی ایران درلندن نامه‌ای بعنوان روزنامهٔ تایمز نگاشته وطی‌آن نظررسمی‌دولت‌متبوع خودرااعلام‌داشت . خلاصهٔ این نامهٔ رسمی‌چنین‌است:

۱ـ دولت ایران بیطرفی‌کامل خود رااعلام داشته وازروزآغازجنگ

عملاهم این بیطرفی راثابت ومدلل ساخته است وا کنون نیز تصمیم دارد که در برابر هر پیش آمد ووضع ویا اوضاعی موقعیت بیطرفی خود رامحفوظ بدارد.

۲ـ هیچگونه فشار ویاتحریکی ازطرف هیچیك ازدولتهای خارجی بکشور ایران وارد نیامده است ودولت ایران که بقدر کفایت قوی و نیرومند است دربرابر تحمیل هر گونه فشار ویا مبادرت بهر نوع تحریکی درخاك کشورش مقاومت خواهد کرد وهر گونه گزارشهائی که برخلاف این حقیقت مسلم انتشاریافته ویابعداً انتشار یابد دلیل بربی اطلاعی و کوتاه نظری نسبت بموقعیت واوضاع حقیقی ایران میباشد.

۳ـ موضوع اقامت اتباع دولتهای خارجی درایران باید باین حقیقت توجه داشت که بموجب قوانین ومقررات جاری کشور خارجیان میتوانند درایران اقامت کنندوهیچ بیگانه‌ای ازهرملیت که باشداجازه وقدرت ندارد که برضد امنیت ویا بیطرفی کامل ایران کاری بکند وعملی انجام دهد.

البته نمیتوان تصور کرد که این اظهارات ایران ازروی حقیقت و صمیمیت نبوده است وبطور قطع ویقین ایران ترجیح میداد که بیطرف بماند وآن کشور را بحال خود وا گذارند تا اصلاحات اجتماعی خود را که در آنموقع پیشرفت قابل توجهی کرده بود تکمیل سازد اما همینکه احساس کرددامنهٔ جنگ اروپائی تانزدیکی های مرزش پیش آمده است بانومیدی شدیدی مواجه گشت.

شاه ایران بخوبی اطلاع داشت که وضع ضعیف کشور او ازمقاومت دربرابرطمع وتعرض کشور های جهانگیر عاجز وناتوان است وفقط امیدوار بود که دولتهای متهاجم قبل ازرسیدن به مرزهای ایران درجا های دیگر ازکار بیفتند وبه کشور او نرسند.

شاه ایران بخوبی واقف بود که اگر دولت نیرومندی به کشورش حمله کند و کمکی هم به ایران نرسد یارای مقاومت نخواهد داشت ودرعین حال که باهردو دستهٔ متهاجم مواجه بود میکوشید مورد خشم دولتی که بیشتر امیدوار به پیروزی اوست واقع نگردد.

شاه بخوبی میفهمید که نزدیکی ایران بادستهٔ شکست خورده مصیبت وبدبختی بزرگی برای کشورش ببار میآورد.

مردم ایران ازمطالعهٔ اوضاع جنگ وموقعیت آنروز چنین حدس میزدند که آلمان دراین جنگ فاتح خواهد بود اما فکر این موضوع را نمیکردند وتوجه نداشتند که مرام نازی چیست وآلمانی‌ها نقشهٔ جهانگیری وتسلط بردنیا رادرسر می‌پروراننده.

ایرانیان بااین تصور بزودی تحت تأثیر تبلیغات آلمان نازی واقع میشدند ومی‌پنداشتند که آلمان برای نابود ساختن کمونیزم جهادمیکندو ایران راازشر دشمنان دیرین یعنی بریتانیا وروسیهٔ شوروی نجات خواهد داد.

برای دولتین بریتانیا وروسیهٔ شوروی مبارزه بااین افکاربسیار سخت ودشواربود ومخصوصاً پس ازاتحاد وهمکاری اخیر بین این دو کشور مبلغین نازی موفق شدند رنگی بآن افکار وخیالات بدهند و ایرانیان پیش خود میگفتند که دودشمن دیرین ایران بریتانیاوروسیهٔ شوروی اکنون برای برباد دادن استقلال وحاکمیت ماهمدست شده‌اند ومیخواهندجبههٔ جنگ جدیدی درایران بوجودآورند درصورتیکه حقیقت درست برعکس تصورآنان بود.

این آلمان بود که میخواست جبههٔ جنگ درایران پدیدآورد ولی ایرانیان ازاین مطلب غافل ماندند.

درنتیجهٔ این پیش آمدها نفوذآلمان بسرعت پیشرفت ودولت ایران

هم ظاهراً حضور عدهٔ زیادی مأمورین رسمی آلمان وواگذاری مشاغل مهم فنی بکارشناسان آلمانی‌را نادیده انگاشت اما نباید این مطلب را ازنظر دور داشت که باوجود تمام اینها احتمال میرود که تمایل وتکیهٔ ایرانیان به آلمان بهمان اندازه‌ای که ازترس بود همانقدر هم دراثر تبلیغات فرضیهٔ نژادی ومرام سیاسی نازی بوجودآمده بود .

ایرانیان برعکس‌نظری که دربارهٔ آلمانی‌ها داشتند نسبت‌به بریتانیا سوءِ ظن شدیدی پیدا کردند ممکن بود درصورتیکه ما مساعدت واتحاد نظامی قطعی بدولت ایران پیشنهاد میکردیم آن کشور بامیل ورضا ورغبت به متفقین ملحق میشد ودرآن صورت امکان داشت که تااندازه‌ای برای تبلیغات خودمان درخاور میانه اهمیت بیشتری قائل میشدیم ولی حقیقت اینستکه نباید ازیك دولت کوچك انتظار داشت دربرابر جنگی که هیتلر دردنیا برپا کرده است بیطرف بماند .

تامدتی وضع چنین‌بود وهمینکه روسیهٔ شوروی وآلمان بایکدیگر مشغول نبرد شدند فوریت‌واهمیت وضع ایران‌آشکار گردید ولی تمامی‌این وقایع وپیش‌آمدها چیزی ازسختی اوضاع ما نکاست وسوءِ ظن ایران نسبت به بریتانیا درنتیجهٔ اتحاد وهمکاری باروسیهٔ شوروی بمراتب بیشترشد .

عملیات یکی‌دوسالهٔ روسیهٔ شوروی‌هم طوری‌نبود که ازایران نسبت بخود شوروی‌ها رفع سوءِ ظن وبدگمانی بشود .

فصل چهل و پنجم

اهمیت ایران درپیروزی متفقین

ارتش‌روسیهٔ شوروی دراواخر سال۱۹۳۹ درمرزهای قفقاز وخراسان وافغانستان مستقر شده بود . رزمناو های دریای خزر پیاده کردن نیرو را تمرین میکردند وچنین شایع شده بود که روسیهٔ شوروی امتیاز راه‌آهن و فرودگاه هوائی درنواحی شمال ایران میخواهد .

درتابستان سال ۱۹۴۰ آلمانیها کتاب سفیدی انتشار دادند ودرآن کتاب‌متفقین رابه‌توطئه برای بمباران مناطق نفت‌خیز باکو متهم‌ساختند .

روز اول ماه اوت مولوتف (M· Molotov) نطق مفصلی ایراد کرد وطی‌آن توطئهٔ‌مندرج در کتاب سفیدآلمانیها رابه ایران وترکیه چسبانید وچنین استدلال کرد که درماه مارس گذشته هواپیما های خارجی ازطرف جنوب بسمت باکو وباطوم آمده‌اند .

دولت ایران‌جداً این موضوع را انکار کردولی تیرگی روابط ایران باهمسایهٔ شمالی همچنان وردزبان مردم بود وظاهراً تاروز بیست ودوم ماه ژوئن چنین بنظر میآمد که روسیهٔ شوروی اتحاد وهمکاری بادولت‌آلمان را ازسر خواهد گرفت .

دراثر حملهٔ آلمان به روسیهٔ شوروی و اتحاد انگلستان وروسیه علاقهٔ شوروی به ایران بیشترشد .

مسئلهٔ سوق‌الجیشی ایران درنظر روسیهٔ شوروی عیناً مـانندآلمان بودبدین معنی که میخواستند ازمناطق نفت‌خیز باکو نگاهداری وحفاظت کنند ودرعین حال بـه خلیج فـارس هم راه یابند زیرا روسهـا بیشتر از آلمانیها براههای‌ایران‌محتاج بودند برای اینکه گرفتن کمك ازبریتانیـا وممالك امپراطوری‌آن فقط ازراه ایران امکان پذیربود وبالا ترازهمهٔ اینها بموجب قرارداد سال ۱۹۲۱ که بین کشورهای ایران وروسیهٔ شوروی‌منعقد شده‌بود روسها حق داشتند دربعضی موارد بعلت پیش‌آمد حوادث نامطلوب کشور ایران را میدان عملیات نظامی خود قرار دهند (گرچه این فکر ابتدا ازرادیو های محور منتشر گردید) بنابراین تعجبی نداشت که روسیهٔ شوروی برای اشغال نظامی ایران‌پیش از گذشتن وقت وازدست رفتن‌فرصت به بریتانیای کبیر اصرار میورزید .

اولین یـادداشت دولت روسیهٔ شوروی روزبیست وششم مـاه ژوئن بدولت ایران واصل شدوپس ازآن روز نوزدهم‌ماه ژوئیه دولتین انگلستان وروسیهٔ شوروی‌مشترکا یادداشت‌دیگری فرستادند که مضمون هردویادداشت اطلاع دوستانه‌دربارهٔ آلمانی های‌مقیم‌ایران و گماشتن‌آنان بکارهای حساس ومشاغل مهم بود . درآن موقع بموجب مدارکی که دردست بود نازی ها باعده‌ای‌عناصر مظنون کشور که ازطبقات‌مختلف مردم‌بودند ارتباط داشتند ونقشهٔ کودتائی درسر می‌پروراندند اما باوجود قدرت رژیم پهلوی‌آن نقشه بهیچوجه عملی نشده وخنثی مـاند . جواب ایران بدلائلی کـه ذکر شد بنظر دوپهلو آمد لذا در تاریخ شانزدهم مـاه اوت یادداشت شدید اللحن و

تهدیدآمیزی ارسال گردید واین بارپاسخ ایران بامهارت خاصی تهیه شده بود اما رضایت بخش نبود ودر این یادداشت دولت ایران وعده میداد که متدرجاً خارجیها را از کشور اخراج خواهد کرد (ایران بی‌اندازه اشتیاق داشت که این نقشه‌را درموردکارکنان خارجی شرکت نفت ایران وانگلیس مجری دارد) .

برای مقامات مسئول ایران بخوبی واضح وآشکار بود وکاملا مطلع بودند که‌آنچه رادو کشور متفق یعنی بریتانیا وروسیهٔ شوروی خواسته‌اند ومیخواهند این نیست ودرعین حال ازقدرت‌آن دودولت غافل‌بودند وآلمان هم‌هرروز بوسایلی ایران‌را برای ادامهٔ رویه‌ای که درپیش گرفته بودتشویق میکرد ومقامات مسئول‌هم بامید کمک‌آلمان وقت میگذراندند ولی‌همینکه روز بیست وپنجم ماه‌اوت قوای بریتانیا وروسیهٔ شوروی وارد ایران شدند آلمان هیچگونه کمکی باین کشور نداد ودولت ایران فقط سه‌روز شبه مقاومتی نشان داد وبعد ازاین سه‌روز دولت استعفا داد ودولت جدید دستور ترک مقاومت صادر کرد .

روسیهٔ شوروی‌آذربایجان واستانهای ساحل دریای خزر وشهر های شمالی خراسان را اشغال کرد وبریتانیا هم محافظت معادن نفت جنوب و جنوب غربی رابرعهده گرفت وهردو دولت متفق چه قبلاوچه بعد ازاشغال ایران اعلام داشتند که این تصرف فقط جنبهٔ نظامی دارد وپس ازجنگ قوای این دو کشور بدون معطلی وفوری ازایران خواهند رفت .

درظاهر چنین بنظر میرسید که اشغال ایران‌فقط برای جلوگیری ازرخنه درخط دفاعی‌آسیای جنوبی‌است ولی‌باید دانست که تأثیر این‌عمل مربوط بدوعامل مؤثر وبسیار مهم است .

اولین عامل قوا و نیروی دفاعی روسیهٔ شوروی است برای آنکه اگر آلمانی‌ها به قفقاز وارد شوند وروسیهٔ شوروی رااز منابع حیاتی نفت محروم ساخته وقدرت مقاومت آن کشور را در هم بشکنند آنوقت است که آنچه را ما حصار وپناهگاه میدانستیم تله ودام بزرگی خواهد شد. هر گاه که آن پیش‌آمد ناگوارروی ندهد وکار بآنجاها نکشد باز هم ما باید موقعیت کشور ترکیه را ازنظر دور نداریم زیرا پس ازشکست درجنگهای یونان ترکیه کم کم بطرف آلمان متمایل گشت والبته این تمایل بیشتر از نظر ترس ازقوای آلمان بودنه‌مهر ومحبت بانازی‌هاوهم‌آهنگی با اداره کنندگان آن کشور ودرهرصورت ترکیه نمیتواند تصور کند که ورود روسیهٔ شوروی به ایران قدم دیگری برای محاصرهٔ آن کشور نباشد.

تبلیغات آلمان در خاور نزدیك بتمام ملل اسلامی و کشورهای مسلمان خبرداد که بیکی از همسایگان آنان حملهٔ ناگهانی شد ودر این صورت هرگاه کشور ترکیه تقاضای محوررا قبول کرده و تسلیم گردد واجازه دهد که ارتش آلمان بیکی از مراکز مقاومت ما در خاور میانه حمله کند بطور حتم وضع ما بسیار دشوار خواهد بود.

بهترین امید ما اینست که‌دست به تبلیغات سیاسی دامنه‌داری بزنیم و بدانوسیله افکار ومقاصد خود را بطورکاملی معلوم وروشن سازیم.

تبلیغات سیاسی بابرنامهٔ صحیح ودرست در کشور ایران اهمیت بسیاری دارد. اشغال نظامی ایران بخودی خود ممکن است مؤثر واقع گردد اما اگر ما بتوانیم مردم ایران راحاضر کنیم که‌وضع فعلی را بارضا ورغبت ودر عین حال با اعتماد و صمیمیت قبول کنند بدیهی است کارما بمراتب آسانتر خواهد شد.

در حال حاضر هرقدرهم ایرانیان نسبت بمادوستانه رفتار کنندحس کنجکاوی آنانرا وادار میسازد که عوامل محرك مارا دراشغال ایران بدانند و پس ازآن ما را برای سختی هائی که تحمل کرده‌اند سرزنش و ملامت خواهند کرد (همانطوریکه دولت خودشان را ملامت کردند) .

تأثیر اشغال ایران در روحیهٔ شاه هم نهایت اهمیت را داراست زیرا سیاست بیطرفی شدید وی در هم‌شکست و در نتیجه تا اندازه‌ای از شهرت شاه کاسته شد .

بدیهی است که از این ببعد متفقین اصرار میورزند که دولت‌سیاست آزادتری را برقرار سازد .

فصل چهل و ششم

بریتانیا وایران

درحال حاضر که کارهای اصلاحی رضاشاه روی پایهٔ محکمی استوار گشته است نصایح و کمك بریتانیا برای کشور ایران ذیقیمت خواهدبود.

بعد از جنگ اول وپس ازشکست‌دیپلماسی بریتانیادرایران سیاست عمومی انگلستان نسبت بترقی و پیشرفت ایران (باستثنای یکی دومورد) دوستانه بوده‌است وهرگاه ماموفق شویم اثر نا مطلوب اشغال نظامی را که بطور قطع درمیان ایرانیان تولید کدورت کرده است بر طرف سازیم بخوبی میتوانیم ایرانیان را نسبت‌بخودمان صمیمی ساخته وقلوب‌بی‌آلایش آنانرا بخویش معطوف سازیم .

شرط اصلی عملی شدن این نظرآنستکه در روش ما تغییر کلی و اساسی داده شود یعنی ما باید در درجهٔ اول به ایرانیان بفهمانیم که برای رسیدن به پیروزی و شکست دشمنان خود بقدر کافی نیرومند هستیم و باید طوری رفتار کنیم که‌آنان بدانند منافع ما در ایران هردو یکی است و مصالح عالیهٔ ماو کشور آنها جنبهٔ مشترك دارد ولی آلمان خیال تسخیر و تصرف تمام کشورهای خاور نزدیك را دارد و ما برعکس درعین حال که

کوشش داریم ایران‌را از میدان جنگ دوربداریم قطعاً پیروزی ماپیروزی ایران خواهد بود .

قسمتی از این موضوع را توضیحات لازم‌دراطراف رویه ومقاصدجدید نازی تشکیل میدهد که منتهی به سلب استقلال و جلوگیری از هرگونه پیشرفت و ترقی است و شامل بردگی ملتها و مردمان مغلوب در مقابل آلمانیها و نسبت‌بمنافع آنهاست چنانکه درحال حاضر عین این حقایق در کشورهای مغلوب اروپادیده میشود ولی‌ما میتوانیم بیش‌از اینهاکار کنیم .

ما باید سیاست دوستانهٔ کاملی نسبت بسر تاسرجهان اعلام داریم و بعالمیان بگوئیم که برای ابد سیاست امپریالیزم دیرین را ترك کرده‌ایم و از این پس دیگر کشورهای جهانرا برای موقعیت نظامی ومواد خام آنها تحت تسلط وفرمانروائی خویش قرار نمیدهیم .

ما تصمیم داریم‌و کوشش‌خواهیم کرد که تمام‌منابع وراههای‌اقتصادی جهان را بازنگاهداریم .

این راههای بازرگانی منحصراً برای مانیست بلکه بتمام ملتهای جهان تعلق دارد . بازرگانی خارجی‌ماروی اصل مبادلهٔ کالاها وتوسعهٔداد-وستد متقابل‌استوار است ودرمعاملات خودبا کشورهای دیگر رویهٔهمسایهٔ خوب را پیش میگیریم .

این چنین وضعی نه‌تنها امنیت و استقلال ملتهای کوچك جهان را محفوظ نگاه میدارد بلکه آنها را درانجام مقاصد ملی خودشان کمك و مساعدت خواهد کرد .

فایدهٔ این نوع سیاست آن است که مارااز مذاکره ویا منازعه در نوع حکومت مستغنی میسازد ویك نوع اصولی را که درتمام نقاط جهان

طرفدار داشته وقابل قبول است پیش پای ما میگذارد .

هدف ومقاصد ملی ایران چیست وما چگونه میتوانیم ایران رابرای رسیدن بآن مقاصد کمك کنیم ؟

ابتدا باید باین موضوع توجه داشت که ایرانیان مانند هرملت مغرور وباافتخار دیگری خواهان استقلال ووحدت ملی خود میباشند . ایرانیان معتقدند که درمحیط سیاسی امنی باین هدفها رسیده‌اند .

ایران تصمیم گرفته است که با متجدد شدن وتوسعه وترقی کامل منابع خود جای خودرا درمیان ملل جهان بگیرد وسرزمین ایران را از حیث آبادی وپیشرفت وترقی گلستان سازد وحالاموقعی است که‌کارشناسان فنی وفرهنگی ما میتوانند همه گونه مساعدت درراه پیشرفت مقاصد ایران بعمل‌آورند .

مایکی ازمهمترین مواد خام اولیهٔ خودمان رااز ایران میگیریم و هرگاه بخواهیم‌باین‌کارادامه دهیم باید بجای‌حرفهای پوچ وبی‌ربط مالی که قبلا تحویل میدادیم کالا ویا مواد پرارزش وفاسد نشدنی به‌ایران بدهیم .

اساس جهان‌آینده باید بیش ازوامهای دروغین برروی تبادل حقایق استوارباشد وایرانیان که خاطرات تلخ وملال انگیزی اززبودن امتیازات قرن نوزدهم دارند بیش ازسایر ملتها تبادل حقایق راخوش‌آمد میگویند .

پس از خاتمهٔ جنگ بدیهی است ما عده‌ای مهندس وکارشناس فنی اضافه برعدهٔ مورد احتیاج خودمان داریم و بخوبی میتوانیم آنانرا در اختیاردولت ایران بگذاریم تا طرحهای آبیاری ، سدسازی ، تولید برق ، صنایع ومکانیك را درآن کشور بمرحلهٔ اجرا درآورند .

افرادی را که ما بخارج از کشور میفرستیم نباید خودشان رامهندس

امپراطوری بدانند بلکه باید سفرای کشورشان برای ایجاد حسن تفاهم باشند.

این اشخاص نمیتوانند امتیازات و مزایائی را که حالا بریتونها از شرق انتظار دارند در آنوقت هم از ایران بخواهند بلکه برعکس آنان باید باشرایط مساوی باایرانیان همکاری ومعاضدت کنند وازعادات حقارت آمیز اسلاف خودشان چشم بپوشند.

باید تعلیم وتربیت وهمچنین شخصیت کسانی که بکشور ایران اعزام میگردند ازهرحیث موزد نظر ودقت کامل قرار گیرد.

این افرادعلاوه بر دارابودن معلومات فنی بایدطبعاً بانظر احترام ومحبت بهایرانیان بنگرند واززبان وفرهنگ کشورایران هم اطلاع کاملی داشته باشند.

ما در گذشته از این نوع اشخاص نام بردیم وشرایطی را که باید دارا باشند بطوراجمال صحبت داشتیم اینك چندنفری رادراینجا ذکرمیکنیم.

ریچاردبرتون (Richard Burton) کاشف و معدن شناس معروف ای.جی. براون (E. G Browne) کهدرانقلاب مشروطیت سال(۱۹۰۶ـ۷) طرفدارمردم ایرانبود ـ تی . ای .لورنس(T. E. Lawrence) که درجنگ گذشته عامل اصلی شورش اعراب بدوی برعلیه امپراطوری عثمانی بود وعدهای دیگر که هریك کارهای مؤثر وبسیارمفیدی انجام دادند وهمچنین زنانی مانند جرتود بل(Gertude Bell)وفریااستارك(Freya Stark) که کوششهای فراوانی بکار بردند تاطبع خوب انگلیسیها را بشرقیها نشان دهند . اشخاصی که دارای این شرایط باشند بدون شك وتردید بخوبی میفهمند ودرك میکنند که وظایف آنها خدمت بدولت ایران ودرنظر گرفتن منافع آن دولت است نهیك دولت خارجی.

طرحها ونقشههائی را که اجرا میکنند ساختمانهائی را که میسازند

کارخانه‌هائی را که بکار میاندازند همه وهمه متعلق بدولت ایران خواهد بود وامر دیگری که درسرلوحهٔ وظایف آنها قرارداردا این است که جوانان ایرانی رابرای بعدها تربیت نموده و آنان رابکارهای فنی بخوبی آشنا سازند تابتوانند کارهای کشورشان را خودشان انجام دهند واحتیاجی بوجود کارشناسان خارجی نباشد .

در آینده باید روابط سیاسی مانه تنها با ایران بلکه با سایر کشورهای خاور نزدیك وخاور دور هم برروی همین اصل برقرار واستوار باشد. امیداست بااجرای نقشه‌ای منظم ترتیبی اتخاذ گردد که تمام کشورهای خاورنزدیك و خاورمیانه درحلقهٔ کشورهای مشترك المنافع درآیند .

اجرای این طرح باید ابتدا ازتشکیل اتحادیهٔ کشورهای عربی آغاز گردد زیرا اغلب از ساکنین این کشورها باوجودیکه از مشکلات موجود اطلاع دارند بازهم طرفدار چنین اتحادیه‌ای هستند که بین ممالك عربی بوجود آید .

این اشکالات در وهلهٔ اول در تقسیمات سیاسی که منافع خارجیان بوجودآورده است ناشی میشود ودروهلهٔ دوم بایدآنرا علت عقب ماندگی امور اقتصادی دانست وبالاخره قسمتی هم معلول اختلافات مذهبی ومشاجرات اقلیتهاست .

موضوع اول یعنی امورسیاسی واقتصادی ممکن است با کمك دولتهای غربی مرتفع شده ویالااقل تقلیل یابد ودرعین حال بایدسازمانهای اجتماعی و واقتصادی بوجودآورد که دسته‌های مختلف رامانند کردهای سوریه وعراق و یهودیهای فلسطین و مسیحیان لبنان تشویق کرد تا با همسایگان عرب خود ازدرصلح وصفا برآمده وبایکدیگر زندگی آرام وبی سرو صدائی را

آغاز نمایند . احتمال کلی دارد که بعضی از این نواحی هم اکنون برای تشکیل اتحادیه آماده باشند .

کشورهای عراق ، سوریه ، لبنان ، فلسطین وماوراءِ اردن (با نه میلیون جمعیت)تشکیل یك واحد جغرافیائی واقتصادی را خواهند داد که روزبروز قویتر ومتحدین آن بیشترخواهند شد وباید گفت که این اتحادیه حکم (هلال بارآوری) رادارد .

درنواحی جنوبی‌هم عربستان سعودی ، یمن وعدن وامارات ساحلی خلیج (که درحال حاضر نه میلیون نفر جمعیت دارند وتحت الحمایهٔدولت بریتانیاهستند) اتحادیهٔ دیگری‌تشکیل میدهند که‌این دواتحادیه میتوانند بایك اتحادیهٔ دیگر که ازمصر ، سودان و سیرنائیك (بابیست میلیون نفر جمعیت) تشکیل خواهدشد همکاری‌وتشریك مساعی کنند.

اتحادیهٔ دیگری مرکب از طرابلس ، تونس ، الجزیره و مراکش (باشانزده‌میلیون‌نفرجمعیت) تشکیل میگردد و ازطرف دیگر کشورهای ترکیه وایران هم میتوانند باهم متحد ومتفق گردند .

این افکار ممکن است درحال حاضر فرضیه‌ای بیش نباشد و مسائل دیگری هم هست که ذکر آن‌مسائل دراینجا لازم بنظرنمیرسد ولی‌اینطور استنباط میشود که تمایلاتی برای عملی شدن این نظر وجود دارد .

بموجب قرارداد سعدآباد که درسال ۱۹۳۷ منعقد شده است چهار دولتی راکه قبلا ذکر شدبا یکدیگر مربوط ومتحد میسازد .

کشور های عراق ، عربستان سعودی ویمن هم درسالهای ۱۹۳۶و ۱۹۳۷ قرارداد دوستانه‌ای امضاءِ کرده‌اند . کشور مصر بموجب قراردادی که‌دارد باعربستان سعودی وباوصلت شاهانه باکشور ایران مربوط است .

مقالهٔ ذیل که سال گذشته دریکی ازروزنامه های تهران انتشاریافته است طرز فکر وعقیدهٔ طبقات متفکر ومترقی ایران‌را بخوبی نشان میدهد ومااینك عین آن مقاله را دراینجا ذکر میکنیم :

ما احساس میکنیم منافع مشترك عمومی که دائماً ازنظر هم کیشی وعقاید دینی وتعلیم وتربیت وادبیات وطریقهٔ تفکر واخلاق درامور معنوی بین‌ملت های‌خاور نزدیك وجود داشته‌است درحال حاضرموجب میشود که زمینهٔ مناسبی برای همکاری صمیمانه بین‌آنهـا بوجودآید واین همکاری و معاضدت دوستانه باعث‌آن خواهد شد که بـاایجاد تضمینات متقابل تودهٔ محکم وشکست ناپذیری دراین نواحی ازجهان ایجاد گردد .

درست است که کشور هـای خاوری ازنظر قدرت اقتصادی ونیروی اخلاقی وفرهنگی وسایر جهات بایکدیگر مساوی نیستند ولی بطورحتم این موضوع مانع همکاری نزدیك‌آنها نخواهد بود واین کشورها میتوانند بـااتحاد واتفاق اشتراك مساعی فیمابین را محکم وثابت سازند .

درصورتیکه هریك از کشور های مورد بحث مادر استحکام وضع و موقعیت خودشان کوشش کنند واحساس نمایند که اتحادوهماهنگی برای آنان لازم وحتمی است ودرعین حال تاحد امکان رعایت وضع دیگران را بکنند واز کمکهای لازم‌درامور فرهنگی واخلاقی ودینی‌بین خودشان‌دریغ ننمایندومساعدت بیکدیگر راتاجائیکه ممکن باشدجزءِ اصول عقایدخویش قرار دهند بطور حتم ویقین خطا های گذشته تکرار نخواهد شدو کشور-های خاور نزدیك باآرامی وآسایش‌کامل زندگی خود را ادامه خواهندداد وروز بروز برقدرت آنان افزوده‌شده موفقیت روزافزونی را درپیشرفت امور اجتماعی وسیاسی خود خواهند داشت .

ملتهای خاور نزدیك آماده‌اند در دنیائی که تأمین اقتصادی و آزادی عامل وراهنمای اصلی آن باشد نقش خودرا بازی کنند درصورتیکه ملتهای صنعتی بزرگ غربی راهنمائی آنان‌را برعهده بگیرند. درعرض یکی دوسال آینده معلوم خواهد شد که آیا ماروبه توحش وبردگی توده‌ها بعقب میرویم ویا آنکه باالهام گرفتن ازقدرت ونیروی آزادی که جهان امروز بما داده است برای بدست آوردن پیروزی نهائی وابراز وجود وشخصیت فردی بجلومیرانیم.



فصل چهل و هفتم

مقدمات جنگ دوم جهانی

در تاریخ بیست و یکم ماه مارس سال ۱۹۳۹ میلادی چمبرلن نخست وزیر انگلستان بـه سر هوارد کنارد (Sir Howard Kennard) سفیر کبیر انگلیس در ورشو پایتخت لهستان دستور داد که با کلنل بك (Colonel Beck) وزیر امور خارجهٔ کشور مذکور وارد مذاکره شده وزمینهٔ تنظیم قراردادی رابین دولتین : انگلستان ، فرانسه ، لهستان وروسیهٔ شوروی فراهم سازد.

چون کلنل بك بعلت همسایگی آلمان ازمذاکره درهر نوع قراردادی که روسیهٔ شوروی در آن دخالت داشت احتراز ودوری میجست به سفیر کبیر انگلستـان جواب داد که بهتر است دولت متبوع وی دراطراف قرارداد دوجانبه ای که بین لهستان وانگلستان منعقد گردد مطالعه کند.

سفیر کبیر انگلیس نتیجهٔ مذاکرات خود را بـا وزیر امور خارجهٔ لهستان بدولت انگلستان گزارش داد که درجواب آن چمبرلن نخست وزیر آن کشور تضمین سرحدات لهستان راپیشنهاد وپس از کسب موافقت دولت لهستان در جلسهٔ روز سی ویکم ماه مارس سال ۱۹۳۹ مجلس شورای ملی نخست وزیر انگلستان اقدامات دولت خود دراطی نطق مفصلی باطلاع نمایندگان مجلس رسانده و گفت :

« بایدبه‌اطلاع نمایندگان‌محترم‌مجلس‌برسانم‌درصورت وقوع‌خطری که استقلال لهستان‌را مورد تهدید قراردهد ودولت لهستان‌هم بعلل‌حیاتی باتمام قوا تصمیم بمقاومت بگیرد دولت انگلستان خودراموظف میداند با نهایت قدرت خود کشور مذکور راکمك ویاری کند ودراین موضوع به دولت لهستان اطمینان‌کافی داده شده است ومجاز هستم اعلام دارم که‌رویهٔ دولت فرانسه هم باآنچه بیان کردم مطابق وموافق است ...»

نمایندگان مجلس ورهبران تمام احزاب ملی درانگلستان سیاست چمبرلن نخست وزیرآن کشور را تأیید کردند وبرای سیاستمداران‌آن‌روز جهان یقین حاصل شد که‌اگر دولت‌آلمان به‌کشور لهستان حمله‌وتجاوز کند بدون تردید جنگ دوم جهانی بوقوع خواهد پیوست .

دراین حیص‌وبیص موسولینی دیکتاتور کشور ایتالیا موقع رابرای پیشرفت مقاصد خودآماده دیدوروز هفتم ماه‌آوریل سال ۱۹۳۹ اتمام‌حجتی برای زغوی اول پادشاه‌آلبانی (Albanie)ارسال والحاق‌آلبانی رابه‌کشور ایتالیا خواستار شد وچون زغو ازقبول تقاضای اوامتناع ورزید بلافاصله سربازان ایتالیائی به‌کشور آلبانی حمله کردند .

زغووزنش به‌یونان فرار کردند و کشور بی‌دفاع‌آلبانی بدون مقاومت وخونریزی تسلیم گردید .

روز دوازدهم ماه‌آوریل سال ۱۹۳۹ مجلس مؤسسانی تشکیل یافت تاج و تخت آلبانی را به ویکتوراما‌نوئل (Victor . Emmanuel) پادشاه ایتالیا تفویض کرد وبدین نحو استقلال کشور مزبور ازبین رفت .

روزاول ماه‌آوریل سال ۱۹۳۹ سفرای کبار انگلستان وفرانسه مقیم کشور لهستان به دولت های متبوع خود اطلاع دادند که ریبن تروپ

(Ribbentrop) وزیر امور خارجهٔ آلمان ازدولت لهستان خواسته‌است که تصمیم‌لازم را دربارهٔ موضوعات ذیل :

اول - تغییر اساسنامهٔ دانتزیگ (Dantzig) والحاق آن به آلمان .

دوم - ایجاد راه‌آهن وجادهٔ اتوموبیل رو در دالان دانتزیگ .

سوم - تعیین وتصریح خط مشی لهستان نسبت بدولتین متحد ایتالیا و آلمان.

اتخاذ ونظر نهائی خود را باطلاع آلمان برساند .

روزولت (Roosevelt) رئیس جمهوری ایالات متحدهٔ امریکا که‌از این اقدام وزیر امور خارجهٔ آلمان محرمانه اطلاع یافته بود روز پانزدهم ماه آوریل سال ۱۹۳۹ پیامی به‌هیتلر وموسولینی فرستاد ومتذکر شد که درعرض مدت قلیلی سه ملت اروپائی ویك ملت افریقائی از آزادی واستقلال محروم شده‌اند هر گاه دولتین آلمان وایتالیا ازاین پس مایل بـه برقراری صلح وآرامش جهان باشندهیچ دولتی حاضر بجنگ نیست‌وتمام دول آزاد بانیت آنان‌درتأمین‌صلح موافقند اختلافات فعلی را هم میتوان در کنفرانسی دوستـانه حل وفصل کرد بشرط آنکه هیچیك ازدول قصد تهدید وارعاب دیگری را نداشته باشند .

روز بیست وهشتم ماه‌آوریل سال ۱۹۳۹ هیتلر پیشوای ملت‌آلمان نطق مفصلی دررایشتاك ایراد ولغو پیمان عدم‌تجاوز بالهستان را که درسال ۱۹۳٤ منعقد شده بود وهمچنین لغو قرارداد بحری باانگلستان را که در سال ۱۹۳۵ بامضاءِ رسیده بود‌بعلت رویه‌ای که دو کشور مذکور اتخاذ کرده بودند اعلام کرد ودرپایان نطق خود به یادداشت روزولت رئیس جمهوری ایالات متحدهٔ امریکا اشاره نموده گفت :

دولت امریکا حق ندارد درامور داخلی اروپا که هیچیك از کشور ها

خطری ازطرف‌دول محور احساس نمیکنند دخالت کند.

کلنل‌بك وزیر امور خارجهٔ لهستان چند روز بعد جواب نطق‌هیتلر را داد و گفت:

دولت لهستان عملی که موجب‌لغو قرارداد عدم تجاوز باشد مرتکب نشده ودرهرحال در زندگانی هرفرد وهرملتی یك چیز پربها وجود دارد که‌آن‌شرافت وافتخاراست ملت‌لهستان هم طالب‌همین یك موضوع‌میباشد.

پس‌ازاین‌تاریخ حوادث مرزی بین دو کشورروبتوسعه‌وفزونی‌میرفت وهرروزاختلافات جدیدی که موجب‌اعتراض یکی‌ازطرفین‌میشدرخ میداد.

دولت لهستان مدعی‌بود که‌درعرض‌دوهفته شصت‌وچهار دفعه هواپیما-های‌آلمانی ازمرز گذشته وارد خاك لهستان‌شده وازمواضع نظامی‌آن دولت عکسبرداری کرده‌اند.

آلمانی‌ها ادعا مینمودند که افرادآلمانی مقیم لهستان درهمان ایام مورداذیت‌وآزارمقامات دولتی‌قرار گرفته به بهانه‌های‌مختلف‌آنانرا‌شکنجه نموده واموالشان راتصاحب کرده‌اند وروزی نمیگذشت که در روزنامه‌های طرفین ازاین قبیل موضوعات دیده نشود.

آلمانی‌ها از آشفتگی‌اوضاع استفاده کردند و عدهٔ زیادی ازافسران خود را با دستورات وتعلیمات مناسب به‌دانتزیگ فرستادند که به‌تشکیل نیروی دفاعی شهر ونصب توپهای‌ضد هوائی وتربیت جوانان اقدام نمایند.

در اینجا لازم است باستحضار خوانندگان گرامی برسد که بموجب پیمان ورسای (Versailles) دانتزیگ بندرآزاد و بلامعارض اعلام‌شده‌بود که دولتین‌آلمان و لهستان هیچیك نتوانند ازآن بنفع خود استفاده کنند و عمل دولت آلمان با قرار داد ورسای مغایرت داشت.

شهر آزاد دانتزیک دارای کمیسر مخصوصی بود که از طرف مجمع عمومی انتخاب میگردید و وظیفه‌اش اجرای مقررات پیمان ورسای و تنظیم امور شهر و گزارش وقایع وکارها بجامعهٔ ملل بود اما عملا کمیسر مذکور در حوادث وسرنوشت اهالی دانتزیک اثر چندانی نداشت و بیشتر امور شهر بدست مجلس سنای آنجا و کمیسر لهستانی اداره میشد.

برای اینکه لهستان بتواند مصنوعاتش را خارج ومایحتاج خودرا بدون مضیقه وارد نماید بندر دانتزیک شهر آزاد اعلام شده بود و امور گمرکی را دولت لهستان انجام میداد تا بتواند طبق احتیاجات کشورش گمرک آن شهر رابدون دخالت ممالك دیگر اداره کند.

دولت لهستان ازطرف خود کمیسر مخصوصی برای نظارت در گمرکات به دانتزیک فرستاد که بمناسبت شغل خویش نفوذ زیادی داشت و باتمام تجار و سرمایه داران شهر رفت وآمد میکرد.

دانتزیک از سمت مغرب وجنوب با لهستان همسایه ودارای روابط تجارتی زیادی بود استحکامات و ستر پلات (Westerplatte) که مخزن مهمات و سلاح لهستان بود در مرز جنوبی دانتزیک ساخته شده و مورد تهدید واقع گردیده بود.

مجلس سنای دانتزیک تمام امور اداری شهر وسرنوشت اهالی را بدست داشت و چون دانتزیک اساساً شهر آلمانی و ساکنین آن اکثراً ازنژاد ژرمن بودند طبعاً منتخبین سنای آن شهر هم ازطرفداران آلمان والحاق آن کشور بشمار میرفتند. از وقتیکه حزب نازی قدرت و نفوذی بدست آورد مجلس سنای دانتزیک علناً مایل الحاق به آلمان شد.

از آغاز سال ۱۹۳۹ حزب نازی دانتزیک بر فعالیت خود افزود و

لیدر آن حزب بنام آلبرت فورستر (Albert Forester) از جانب هیتلر تعیین شد و مستقیماً دستور از پیشوای آلمان میگرفت.

در تابستان همان سال اعضای حزب به پانزده هزار نفر رسید و افسران آلمانی که به دانتزیک میآمدند فقط قصد تعلیم و تربیت همین عده را برای وقت مناسب داشتند و آنها را بفنون جنگی آشنا میساختند.

در سال ۱۹۳۹ کلیهٔ امور شهر دانتزیک بدست کمیسر جامعهٔ ملل بنام بورك هارت (Burck. H .rdt) ورئیس سنای دانتزیک بنام آرتور گریزر (Arthur. Greiser) و ماریان شوداسکی (Marian Chodaski) کمیسر لهستان و آلبرت فورستر لیدر حزب نازی اداره میشد.

بین رئیس سنا ولیدرحزب نازی که مایل الحاق به آلمان وازدیاد نفوذ آن کشور در دانتزیک بودند توافق کامل وجود داشت ولی دونفر دیگر که اسامی وشغل آنها ذکر شد هریك وظیفهٔ خاصی داشتند و کمتر میتوانستند درکارهای شهر توافق حاصل کنند.

روز سوم ماه ژوئیه سال ۱۹۳۹ مجلس سنا تصمیم بایجاد مرزداران مخصوصی گرفت تا سرحدات شرق را درمقابل هجوم احتمالی که قهراً در آنموقع منظور لهستان بود حفظ نمایند.

جوانان دانتزیک که عموماً از حزب نازی بودند این تصمیم را استقبال کردند و برای انجام این شغل داوطلب شدند واسم نویسی کردند. صاحبان کارخانجات و تجارهم ازحیث لباس ولوازم افراد کمك قابل توجهی نمودند بطوریکه در عرض مدت کوتاهی سپاه منظمی در سرحدات و فرودگاهها آماده و مشغول کارشد و تا اندازه‌ای در مشاغل مأمورین لهستانی عمداً اخلال و مانع انجام امور گمرکی گردیدند.

روز نهم ماه ژوئیه سال ۱۹۳۹ فورسترلیدر حزب نازی نطقی ایرادو به عملیات مأمورین لهستانی اعتراض کرد و اظهار داشت که دانتزیگ شهر آلمانی است واختیارات آن بدست سناوحزب ناسیونال سوسیالیست میباشد با این حال دخالت لهستانی‌ها خلاف حق وعدالت بوده وکارهای گمرک باید بدست مردمان دانتزیگ اداره شود.

سخنرانی فورستر که بآن اشاره شد طلیعهٔ مخالفت با لهستانی‌ها و تمایل به دخالت هیتلر در امورشهر دانتزیگ بود که مطمئناً باین آسانی قطع نمیشد و خواسته‌های دیگر را بدنبال داشت بدین لحاظ دولت لهستان باوزیر امور خارجه ونخست وزیر انگلستان تماس گرفت واظهارات فورستر را باطلاع آنان رسانید .

چمبرلن فردای آنروزادموندایرن‌ساید (Eddmund Ironside) رئیس ستاد ارتش انگلستان را به ورشو فرستاد وخودش درمجلس شورایملی گفت:

اختلاف دانتزیگ مورد توجه دولت انگلیس میباشد هرگاه بندر مذکور بتصرف دولت آلمان درآید امور اقتصادی لهستان فلج شده از بین خواهد رفت دخالت حزب نازی درامور داخلی شهر برخلاف پیمان ورسای ووظیفه ایست که جامعهٔ ملل برای کمیسر خود تعیین کرده‌است .

ژنرال ایرن ساید رئیس ستاد ارتش انگلستان با اسمیگلی ریدز (Smygly Rydz) فرماندهٔ قوای لهستان دراطراف دفاع کشور نامبرده و قدرت نظامی وسایر امور بمشاوره پرداخت وروز بیست ویکم ماه ژوئیه به لندن مراجعت نمود .

هرچند نتیجهٔ مذاکرات رئیس ستادارتش انگلیس بافرمانده‌قوای لهستان فاش نگردید ولی دولت لهستان بااتحاد روسیهٔ شوروی واجازهٔ عبور به سربازان

روسی که یکی ازنکات مورد مذاکره ایرن ساید بود جداً مخالفت نمود و مانند سیاست ِمشی همیشگی خود ازورودبه جرگهٔ دولی که روسیهٔ شوروی عضوآن باشد سر باززد .

آلبرت فورستر بعد ازنطقی که فوقاً اشاره شد هفته‌ای یکبار به برلن میرفت وبا پیشوای آلمان ملاقات ودستور اخذ میکرد وحتی دردیدار روز سیزدهم ماه ژوئیه رئیس سنای دانتزیک را هم باخود برده بود .

منظور اصلی ازاین ملاقاتها بیشتر ایجاد وسیله ومقدماتی بود که آلمانیها مأمورین گمرکی لهستان‌را ازدانتزیک خارج وادارهٔ امور گمرك شهررا نازیها بعهده بگیرند تابعداً موجبات الحاق قطعی به‌آلمان رافراهم سازند وبااین منظور کشتی های‌آلمانی ازراه دریای بالتیك مرتباً اسلحه و مهمات برای داوطلبانی که اسماً مأمور محافظت مرزها ومعناً ارتش واقعی دانتزیک را درصورت وقوع خطری تشکیل میدادند میرسانیدند ونیزعدهٔ زیادی‌کارگران آلمانی برای کمك بداوطلبان و چند هزار سرباز وافسر ظاهراً باسم جهانگرد وتاجر برای موقع مناسب وارد دانتزیک شدند تادر صورت لزوم دست بعملیات نظامی بزنند .

دراوایل ماه اوت سال ۱۹۳۹ دوقایق موتوری لهستانی که مأمور نظارت ساحل وبازرسی‌آن حدود بودند درتاریکی شب مشاهده کردند که یك کشتی‌آلمانی باچراغ خاموش وارد بندر ومتوجه ساحل وبارانداز شد مأمورین‌لهستانی‌چون میدانستندآلمانی‌هااسلحه‌واردو به داوطلبان‌دانتزیکی تسلیم میکنند بتصوراینکه کشتی مذکور حامل سلاح ومهمات‌جنگی‌است درصدد توقیف وبازرسی محمولات‌آن برآمدند ولی‌کارکنان کشتی اعتنائی به علامات‌قایق ومأمورین گمرك نکردند بساحل پیاده‌وتحت حمایت‌پلیس

دانتزیگ مانع دخالت مأمورین گمرك شدند ولهستانی‌ها بعلت ممانعت پلیس موفق به بازداشت کشتی ویابازرسی محمولات آن نشدند واین امر ثابت کرد که قدرت‌ونفوذ نازی‌ها وطرفداران آلمان بقدری‌توسعه یافته‌است که‌مأمورین انتظامی بجای تبعیت ازدستور ادارهٔ گمرك واقدام‌به نگاهداری محمولات کشتی‌آلمانی‌ها را برعلیه لهستانی های مقیم دانتزیگ تشویق‌و ترغیب میکنند .

این موضوع مورد اعتراض شدید کمیسر لهستانی دانتزیگ واقع و اختلافات بقدری‌بالا گرفت که همه‌درآشفتگی‌محیط منتظر‌بودند داوطلبان دست بتظاهر واستعمال اسلحه بزنند وکلیهٔ مأمورین لهستانی را اخراج‌و بندر دانتزیگ را جزءِ پروس شرقی بشناسند ودنیا را درمقابل عمل‌انجام شده‌ای قراردهند امافکر هیتلر پیشوای‌آلمان درآن‌ایام بموضوع مهمتری که مذاکره بااستالین وزمامداران مسکو بود متوجه ومجال مداقه وفیصله دادن بکار دانتزیگ را نداشت .

درهمین اوان‌باز حادثهٔ دیگری اتفاق افتاد که موجب تیرگی‌روابط آلمان ولهستان ووخامت اوضاع شهرآزاد دانتزیگ گردید وآن موضوع این بود که اعضای حزب نازی دانتزیگ برای مخفی داشتن سلاح و مهماتی که ازآلمان دریافت میداشتند درمرز پروس شرقی دفعتاً مأمورین گمرك را اخراج ومانع بازرسی‌آنان گردیدند وسلاح را بطور قاچاق و پنهانی عبور دادند .

حوادث مذکوردولت لهستان‌را برآن‌داشت که برعدهٔ مأمورین خود بیفزاید واعلام دارد که اگر اهالی‌شهر ومأمورین انتظامی رویهٔ گذشته را تعقیب ومانع‌انجام وظایف‌کارمندان گمرك شوندسربازان‌لهستانی رابحفاظت

گمرك وکارمندان آن خواهد گمارد تا بتوانندکار های خود راانجام دهند .

درمقابل این اقدامات که دخالت درامور شهر بود رئیس مجلس سنا که باطناً ازنظریات نازی‌ها پیروی میکرد بمأمورین گمرك درمرز پروس شرقی اخطار کرد که ازصبح روز ششم ماه اوت سرکار حاضر نشوند .

کارمجادله بالا کشید وماریان شوداسکی کمیسر لهستانی دانتزیگ باعتراضات خود افزود وخواستار شددرظرف بیست وچهار ساعت رئیس‌سنا دستورخود را لغو واجازه دهدکارمندان گمرك سرکار خودحاضر و کماکان به بازرسی واردات مشغول شوند وضمناً بمنظور اجبار رئیس‌سنا به‌لغو دستور مذکور بااجازهٔ دولت متبوع خود صدور کره وماهی دانتزیگ را که تنها بازار آن‌لهستان‌بود بکشورخودممنوع داشت‌تادراثرخسارات‌رئیس‌سنامجبور شودکارمندان‌لهستانی را درادارات گمرك بپذیرد ودستورخود رالغو سازد .

آلبرت فورستر لیدرحزب نازی که پس ازاین جریان قدرت زیادی یافته‌بود ازفرصت استفاده کرد وبرتعداد داوطلبان‌واتمام ساختمانهای‌نظامی دانتزیگ که مخصوص اقامتگاه سربازان بود افزود وتا اوایل ماه اوت سربازخانه‌ها را ازهرحیث‌آماده ساخت وتمام جوانانی که استعداد حمل اسلحه وخدمات نظامی را داشتند بخدمت دعوت نمودحتی ازکلیهٔ اتوبوسها واتوموبیل های سواری وکامیون‌ها صورت برداری کرد تادرصورت لزوم از هریك استفاده کرده سرباز ومهمات بهرمکانی که لازم شود حمل نماید در حقیقت میتوان گفت باضمانتی که دولت انگلیس‌ازسرحدات لهستان نمود ووقایعی که پشت سرهم درشهرآزاد دانتزیگ رخ میداد هرگاه تجاوزی‌به خاك لهستان صورت میگرفت وقوع جنگ قطعی واجتناب ناپذیر بود و حتی‌محافل‌سیاسی‌اروپا ازاواسط ماه اوت سال۱۹۳۹ ببعد پیش‌بینی‌میکردند

که دیر یا زود شعلهٔ جنگ زبانه خواهد کشید ودنیا رابا خود بوادی فنا وخونریزی خواهد برد .

هیتلر پیشوای آلمان بوسیلهٔ فن پاپن سفیر کبیر آلمان در کشور ترکیه مشغول مذاکرات محرمانه بامقامات مربوطه بودومجال توجه بوقایع دانتزیگ را نداشت لذا برای احتراز ازاختلافات هفتم ماه اوت گریزر رئیس سنا به یادداشت اعتراضی لهستان پاسخ داد که دستوری برای جلوگیری ازمأمورین لهستانی داده نشده و میتوانند سرکار خود حاضر شوند بدین نحوباردیگر موقتاً به بحران موجود بین لهستان و دانتزیگ خاتمه داده شدهٔ کارمندان گمرك درمرز پروس شرقی بکارخود مشغول شدند اما قرائن بسیاری ازجمله رفت و آمد مأمورین سیاسی ایتالیا به آلمان و مسافرت فن ریبن تروپ به ایتالیا دلالت داشت که آرامش مزبورموقتی بوده ودرپس پرده اقدامات سیاسی مهمی درجریان است که دیر یازود علنی ودرانظارعمومی قرارخواهد گرفت.

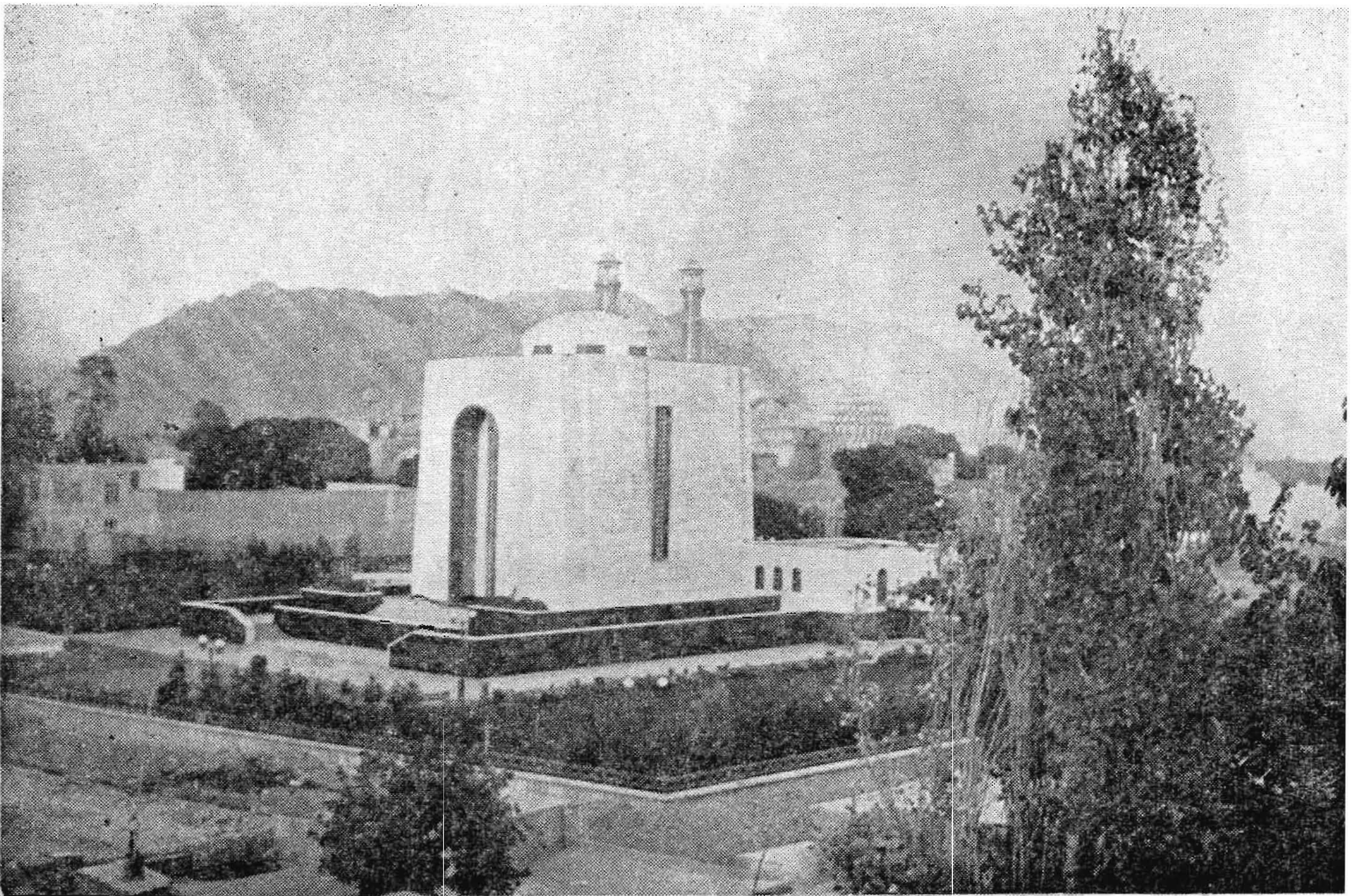
در اوایل ماه ژانویه سال ۱۹۳۹ که در ساختمان مجلل و باشکوه نخست وزیری آلمان جشن بزرگی برپا بود هیتلر برخلاف عادت و روش همیشگی خود مدت مدیدی با سفیر کبیر شوروی مذاکره و با مهربانی فوق العاده ای باوی رفتار نمود تظاهر هیتلر بموضوع مذکور توجه عموم نمایندگان سیاسی را جلب وبادر نظر گرفتن وقایع روزیقین حاصل کردند که در آتیهٔ بسیار نزدیك دولت آلمان به روسیهٔ شوروی نزدیك شده و پیمانی منعقد خواهد ساخت واتفاقاً چند روز بعد حملات سخت وزننده‌ای که چند سال بودروزنامه‌های شوروی بدستگاههای دولتی آلمان میکردند موقوف شد . هر چند تا آخر ماه ژانویه خبر قطعی از نزدیکی دو کشور بدست نیامد ولی سیاستمداران در حدس خود ثابت بوده و عقیده داشتند

که دولت آلمان پنهانی مشغول گفتگو بازمامداران روسیه و تهیهٔ مقدمات انعقاد پیمان مهمی میباشد . ژنرال سیروی (Syrovy) نخست وزیر چک‌اسلواکی که بعد از ورود آلمانیها به پراگ تاچندی مفقودالاثر بود دراین موقع در برچسگادن مقرهیتلر پیشوای آلمان زیاد دیده میشد که محرمانه باوی ملاقات وبازتامدتی ازنظرها غایب میگردید .

شهرت داشت که شخص نامبرده پیامهای محرمانهٔ هیتلررا بهاستالین میرساند وازپیشوای روسیه برای هیتلر جواب میآورد وبدین نحومحرمانه بین دودیکتاتور مذاکرات خصوصی وسری‌ردوبدل میشود این روش‌سیاسی یعنی ردو بدل کردن پیامهای شفاهی نزد هیتلر سابقه داشت ومنحصر باین مورد بخصوص نبود .

دراوایل‌سال ۱۹۳۸ که اختلاف‌بین آلمان‌وچک‌اسلواکی درخصوص سودت (Sudete) بمنتهی‌درجهٔ شدت خودرسیده بود ودولت آلمان تصمیم گرفته بود بخاک چک‌اسلواکی حمله کند برای یافتن راه حل مناسبی و گفتگوی سیاسی بازمامداران انگلستان پیشوای آلمان آجودان مخصوص خود را که ویدمان (Wiedemann) نام داشت بدون اطلاع وزیر امور خارجه ویا سفارت آلمان درلندن که دراین قبیل امور اصولا باید دخالت داشته باشند به شهر لندن فرستاد وویدمان مستقیماً بالرد هالیفاکس‌وزیر امور خارجهٔ انگلستان تماس گرفت پیام مخصوص هیتلررا اعلام وباجواب لازم به برلن مراجعت کرد .

بادرنظر گرفتن این موضوع بعیدبنظر نمیرسید که بهپیروی‌ازسیرهٔ مذکورژنرال سیروی رابط بین استالین‌وهیتلر بوده وپیامهای شفاهی‌را برای سهولت درفیصله دادن‌کار وانجام امورمشکل بین طرفین ردوبدل کرده‌باشد.



شهرری : آرامگاه رضاشاه کبیر

هر گاه روسیهٔ شوروی با آلمان همکاری میکرد لهستان بین دوقوهٔ بزرگ وموقعیتی خطرناك قرار میگرفت ودولت انگلیس هم ازنظر ضمانتی که ازسرحدات وخاك آن کشور کرده بود دچار زحمت میشد و کمك مفید ومؤثری نمیتوانست بکندو گذشته از آنکه لهستان ناچاراز قبول نظر آلمان وتسلیم دربرابر آن دولت میشد انگلستان‌هم بهیچوجه قادر بانجام تعهدات خود نمیگردید بهمین جهت دولت انگلیس دراثر پافشاری واصرار لوید - جورج قائد حزب آزادیخواه ونخست وزیر جنگ جهانی اول که حسن رابطه واتحاد باروسیه را برای توفیق انگلستان لازم وحتمی میدانست و پیوسته دراینموضوع بدولت فشارمیآورد ومقالات‌مهیج درروزنامه هامینوشت مجبور شد که باب مذاکرات را درلندن باسفیر کبیر شوروی افتتاح کند وبعداً هم‌یك هیئت نظامی برای تعقیب‌کار واخذ نتیجه به مسکو اعزام‌دارد ودولت‌فرانسه‌هم که‌باروسیهٔ‌شوروی‌قبلاقرارداد‌نظامی‌داشت‌ازانگلستان تبعیت نمود وچندنفرازافسران معروف خود را برای مذاکرات نظامی به‌مسکو فرستاد وهردودسته‌یعنی‌هیئت‌انگلیسی‌وهیئت‌فرانسوی دراوایل‌ماه‌اوت همان موقعی که اختلاف‌میان‌آلمان ولهستان برسردانتزیک بمنتهی درجهٔ‌شدت رسیده‌بود به مسکووارد شدند ومذاکرات بازمامداران روسیه آغاز گردید. مقصوددولتین فرانسه وانگلستان ازاعزام هیئت های نظامی یکی این بود که میخواستند دولت‌آلمان‌را ازفعالیت در دانتزیک وطرح دعاوی جدید دربارهٔ لهستان بازدارند وتاوقتی که هیئت های‌مذکور درمسکو بسرمیبرند ازنزدیکی احتمالی‌روسیه وآلمان جلوگیری نمایند ودیگراینکه برفرض تعرض‌آلمان به لهستان وبالکان میزان کمك ومساعدت روسیهٔ شوروی را دریابند وبفهمند دولت نامبرده درصورت اتحاد بامما لك مغرب اروپا تاچه

حد قادر بدخالت درجنگ واعزام قوا خواهد بود .

روسیه قبل ازبحث درمسائل فوق‌الذکر موضوع سرحدات غربی خود وتضمین کشور های استونی ولیتونی ولیتوانی وفنلاند راکه در سال ۱۹۱۷ بموجب پیمان برست‌لیتوسك (Brest – Litovsk) ازدست داده‌بود بمیان کشید وتقاضای تضمین سرحدات وسرزمین کشور های نامبرده راکه بمنزلهٔ دروازهٔ روسیه بودند نمود .

دول مزبور مانند لهستان وکشور های بالکان ازروسیهٔ شوروی و مسلك ومرام کمونیست رعب وهراس مخصوصی داشتند وبهیچوجه حاضر نمیشدند دراتحادیه‌ای که روسیه شرکت داشته‌باشد دخالت کنند ویاتضمین آن دولت‌را قبول نمایند بدین‌طریق بین‌روسیهٔ شوروی وفرانسه وانگلستان دواختلاف نظرمهم بوجودآمد که حل هردوممتنع وبلکه محال بود یکی اینکه روسیه میخواست استقلال ممالك استونی ولیتوانی ولیتونی وفنلاند راکشور های معظم (فرانسه وانگلستان) تضمین نمایند که دول مذکور حاضربه قبول‌چنین تضمینی نبودند دیگرآنکه لهستان وورومانی که تضمین انگلستان راقبول کرده‌بودند بهیچوجه حاضربقبول تضمین‌متشابهی ازطرف روسیه نمی‌شدند وجداً ازاین‌امر امتناع داشتند .

قبول تقاضای روسیه وانعقاد پیمانی‌بدون رضایت‌دول نامبرده گذشته ازآنکه مخالف اصول بین‌المللی وجامعهٔ ملل بود ازحیثیت سیاسی فرانسه وانگلستان درجهان میکاست وثابت میکرد که دول بزرگ برای حفظ منافع‌اجتماعی‌خودحاضرند بحقوق‌دول کوچك‌تجاوزنمایند وحتی‌استقلال و تمامیت ارضی‌آنانرا وجه‌المصالحه قراردهندبدین جهت‌مذاکرات‌هیئت‌های نظامی باکندی پیش‌میرفت ونتیجهٔ مثبت وقابل توجهی هم بدست نمیآمد.

هیتلر پیشوای‌آلمان که یکی ازخصایص روحیش موقع شناسی بود

وازاوایل ماه ژانویه سال ۱۹۳۹ بازمامداران روسیهٔ شوروی برای بستن قراردادی مذاکره میکرد ازتعلل وتسامح دولتین انگلیس وفرانسه استفاده کرد ودرتمام مواردی که دولتین‌نامبرده بامقاصد روسیه مخالفت مینمودند وحاضر به گذشت وانعقاد پیمان نمی‌شدند بادولت نامبرده کنار آمد وقول داد که‌کلیهٔ نکات مورد نظر شوروی را قبول وبموقع اجرا بگذارد باین‌نحو بعد ازچندین ماه مذاکرات محرمانه سرانجام توافق نظر حاصل وقرارشد که‌فن ریبن‌تروپ وزیر امور خارجهٔ آلمان به مسکو مسافرت وپیمان لازم را امضاء کند.

روز بیست وسوم ماه اوت فن ریبن‌تروپ به مسکو رسید وبعد از ملاقات بااستالین قرارداد عدم تجاوز ویك پروتکل محرمانه منعقد بین دولتین را امضاء کرد وطرفین ازعمل خود مسرور وخوشحال گردیدند ودر جشنی که بمناسبت امضای پیمان وتوافق نظر بین روسیه وآلمان درشهر مسکو منعقدشد استالین شخصاً حضور یافت‌وضمن ایراد نطقی اظهار داشت:

من میدانم چقدر ملت‌آلمان پیشوای خود را دوست دارد ازاین تاریخ روسیه وآلمان درجوار هم بانهایت دوستی زندگانی خواهند کرد.

باین طریق دودولت مختلف‌العقیده که سالیان دراز درروزنامه‌های خود ازهرنوع ناسزاوبدگوئی نسبت بیکدیگرخودداری نمیکردند بلحاظ وضع تاریك سیاست دنیا موقتاً بهم نزدیك وحاضربانعقاد پیمان عدم تجاوز شدند اما این دوستی و اتفاق دیری نپائید وبا حملهٔ آلمان بخاك روسیه پایان یافت.

پیمان عدم تجاوزمذکور مبنی براین بود که دودولت متعاهد بهیچ عنوان وتحت هیچ شرطی بدولت ثالثی که بایکی از متعاهدین در جنگ

باشد کمك ومساعدت نخواهند کرد بنـا براین اگر بین آلمان و لهستان نزاعی در میگرفت و کاربجنگ و جدال میکشید دولت روسیه حق کمك بهلهستان ویا دفاع ازآن کشوررا ازخود سلب کرده بود و بهیچ عنـوانی نمیتوانست بههمسایهٔ خود معاونت نماید ویکی ازمقاصد هیتلرهم درانعقاد پیمان همین نکته بود که دول معظم اروپاولهستان را ازچشم داشت وانتظار کمك ازخاوریعنی روسیه مأیوس وناامید سازد وثابت کند که اگرلهستان موردتجاوزقرار گرفت ازهمسایگانش کمکیدریافت نخواهد کرد وهمچنین برفرض دخالت دولتین انگلستان وفرانسه درجنگ بطرفداری از لهستان روسیهٔ شوروی مساعدتی ازلشگری ومالی واقتصادی بکشور های نـامبرده نخواهد نمود .

پروتکل محرمانهٔ پیوست پیمان عدم تجاوزشامل تعیین منطقهٔ نفوذ در کشور های مورد علاقهٔ طرفین خصوصاً ممالك کنار دریای بالتیك بود لیتونی واستونی درمنطقهٔ روسیه لیتوانی تحت نظرآلمان میماند و بسارابی (Bessarabie)ایالت بزرگ رومانی ضمیمهٔخاك روسیهمیشد و کشورلهستان بینآلمان وروسیه طبق نقشهٔ معینی تقسیم میگردید باینطریق تقاضاهائی که شوروی از دول مغرب اروپاداشت ومورد مخالفت ورضایت واقع نمیشد دولتآلمان عملی نمود واجرای آنرا بعهده گرفت ومطامع روسیهٔ شوروی رااجابت کرد .

هیئتهای نظامی انگلیس و فرانسه هنوز بدون اخذ نتیجه درمسکو بودند وبمذاکرات بیهوده ادامه میدادند وچون پس ازامضای قرارداد بین آلمان وروسیه دیگراقامتآنان درپایتخت شوروی بیحاصلبودمجبورشدند بکشورهای خـود بر گردند. روز بیست وهفتم ماه اوت سال ۱۹۳۹ دولت

فرانسه تصمیم گرفت که درمسئلهٔ لهستان از نظر انگلستان پیروی کند و اگرخاك آن کشور مورد تجاوز وحمله قرار گرفت از آن دفاع نماید باین جهت دالادیه ضمن سخنرانی دررادیو پاریس گفت (سرنوشت فرانسه با آزادی لهستان بستگی دارد و هیچ فرد فرانسوی نیست که متوجه این موضوع نباشد هرگاه دراثر ترس اجازه دهیم ملل اروپا یکی بعد ازدیگری ازپای درآیند آن عواملی که موجب نابودی آنان شده‌اند بزودی بسراغ کشور وملت ماخواهندآمد) .

دولت انگلستان برای اینکه بهیتلر ثابت کند در صورت حمله به لهستان ازآن کشوردفاع وضمانتی را که کرده‌است اجراء خواهد نمود روز بیست وهشتم ماه اوت پیمان اتحاد وتعاون متقابل با آن کشور منعقد و ضمانت سابق خود را تأیید و تأکید نمود وجای شکی باقی نگذاشت که در انجام تعهد خود بهیچوجه مسامحه نخواهد کرد و بر پیشوای آلمان هم مسلم گردید که‌برخلاف تصور وی‌دولتین انگلستان وفرانسه درصورت تعرض‌به‌لهستان بمنظوراعمال‌تعهدات خود بحمایت وپشتیبانی برخواهند خاست وازاستقلال وحاکمیت آن کشور دفاع خواهند نمود .

باوجود مراتب مذکور دربرلن بقصدجلوگیری ازوقوع جنگ بین نویل‌هندرسن (Neville-Henderson)سفیر کبیر انگلیس‌وفن ریبن‌تروپ وزیرامور خارجهٔ آلمان مذاکراتی جریان داشت وباین نتیجه رسید که وزارت امورخارجهٔ آلمان دعاوی خود رابرلهستان منحصر بدوموضوع نمود اول‌اینکه دانتزیک به‌آلمان واگذارشودودوم آنکه تکلیف سرزمین دالان لهستان ازطریق مراجعه بآراءِ عمومی معین ومعلوم گردد وچنانچه اهالی مایل‌الحاق به‌آلمان بودند مانند شهردانتزیک‌بدولت‌مذکور(یعنی آلمان)

واگذار گردد واگر بحفظ وضع فعلی یعنی تابع حکومت لهستان بودن را مایل شدند که حاکمیت دولت مذکـور مسجل میگردد ودولت آلمـان اعتراضی نخواهد داشت .

مذاکراتی که دربرلن بین انگلستان و آلمان جریان داشت دراثر نامهٔ چمبرلن نخست وزیرانگلیس بود که بعلت امضای پیمان عدم تجاوز روسیه و آلمان بپیشوای آلمان نوشته بود .

این نامه که بوسیلهٔ هندرسن سفیر کبیر انگلیس بههیتلر تسلیم شد چنین بود :

مسلماً از اقداماتی که دولت انگلستان نمـوده و بوسیلهٔ رادیـو و روزنامهها منتشر گردیده است مستحضر شدهاید اقدامات مزبور در نتیجهٔ حرکت قوای نظامی ونیروی ارتش آلمان بوده است .

بعد ازانعقاد پیمان آلمان وشوروی برای بعضیها این عقیده پیداشده است که ضمانت انگلستان ازلهستان دیگرامری جدی نیست ولی اشتباهی ازاین بزرگترنمیشود زیرا پیمان مذکور هرچه دربرداشته باشد تغییری درتعهدات انگلستان نسبتبهلهستان پدید نخواهدآورد ودولتی که نظریهٔ خود را با وضوح کامل اعلام داشته تصمیم قطعی باجرای آن دارد وحتی برخی ازمردم معتقدند اگرانگلستان درآغاز جنگ جهانی اول نظرخود راصریحاً اعلام داشته بود ازوقوع آن مصیبت عظیم جلوگیری میشد .

این عقیده چه صحیح وچهناصحیح باشدامروز انگلستان مصمم است که هرگاه احتیاج ایجـاب کند بدون اتلاف وقت تمام نیروئی راکه در اختیار دارد بکار اندازد و مسلماً وقتی جنگ در گرفت تعیین پایان آن غیرممکن خواهد بود .

اکنون که روش انگلستان واضح وروشن گردید مایلم نظرخود را هم بشما گوشزد کنم که جنگ بین آلمان و انگلستان بزرگترین فاجعه‌ایست که رخ خواهد داد وبطورقطع نه‌ملت من و نه ملت شما میل بچنین حادثهٔ ناگواری ندارند وباضافه هیچ موضوعی بین آلمان ولهستان مشاهده نمیشود که نتوان حل کرد والبته اینکاردرصورتی است که اطمینان واعتماد لازم موجود باشد هرچه کدورت آلمان ولهستان بطول انجامد امید حل اختلاف کمتر میشود وبیم آن میرود که این راه به‌بن بست برخورد و هیچ کس نتواند راه حلی بیابد .

پاسخ هیتلر بنامهٔ فوق‌الذکر که تسلیم سفیر کبیر انگلستان‌دربرلن شد شامل نظریات دولت آلمان نسبت به لهستان بود وخلاصهٔ آن‌از اینقرار است که آلمان میل فراوان به حل مسالمت‌آمیز اختلاف با لهستان دارد منتهی‌ضمانتهائی از این کشورشده که لهستان راتحریك بمقاومت‌نموده‌است و تضمین سرحدات لهستان در تصمیم آلمان راجع بـه دانتزیگ و دالان لهستان تغییری وارد نخواهد ساخت و این دو ناحیه باید بکشور آلمـان ملحق گردندچمبرلن‌نخست وزیر انگلستان‌پس ازدریافت نامهٔ‌هیتلرپیشوای آلمان در مجلس شورای ملی نطقی ایراد کرده گفت :

پیشوای آلمان تصور نموده‌است که خاور اروپا منطقهٔ نفوذ آلمان است ودست وی‌باید درآن ناحیه باز باشد ما برای انگلستان درخاوراروپا موقعیت خاصی طالب نیستیم وازآلمان هم تقاضا نداشته‌ایم که منافع‌خود را فدای ما کند ولی با این مسئله که منافع دولتی باریختن خون و انهدام استقلال ملت‌های دیگر عملی بشود موافق نیستیم .

ما مایلیم که نظم‌بین المللی برپایهٔ توافق واطمینان‌کامل استوارباشد

برقراری چنین نظمی میسر نخواهد بود مگر اینکه احترام تعهدات بین‌المللی و ترک زور گوئی رعایت گردد .

هیتلر پیشوای آلمان پس از اطلاع از مفاد نطق چمبرلن سفیر کبیر انگلیس را در برلن بمقر خود دعوت ومذاکراتی که خواسته های دولت آلمان را در برداشت بعمل آورد .

هندرسن برای تسریع دریافتن راه حل و تجدید آرامش اروپا با هواپیما به لندن رفت تابا وزیر امورخارجهٔ انگلستان در خصوص اظهارات شفاهی هیتلرمذاکره ومشورت نماید دو روز درلندن اقامت گزیدو بمشاوره پرداخت .

آلمانی‌ها مدعی هستند که طول اقامت هندرسن تابیست و هشتم ماه اوت در لندن وصرف ایام گرانبهائی که در سر نوشت صلح جهان مؤثر بود برای اتلاف وقت وعصبانی ساختن پیشوای آلمان که میل حل مسالمت آمیز اختلاف را داشت بوده است بعلاوه دولت انگلستان درآنموقع درورشو پایتخت لهستان نفوذ فراوان داشت هر گاه مایل بود مسئلهٔ لهستان و دانتزیک با مسالمت خاتمه مییافت طول گفتگوی هندرسن درلندن وسکوت در ورشو ثابت میکند که نخست وزیر انگلستان مایل بود هرچه زودتر جنگ وزدو خورد شروع گردد .

روز بیست وهشتم ماه اوت هندرسن باجواب دولت انگلستان به برلن مراجعت کرد و ساعت ده ونیم بعد ازظهر همانروز به ملاقات هیتلر رفت و جواب کتبی دولت متبوع خودرا بنظر اورسانید .

دولت انگلستان در جواب خودحل موضوع فیمابین واقلیت آلمانی مقیم لهستان را موکول به مذاکرات مستقیم دولتین آلمان ولهستان کرده

و تصریح نموده بود که روابط آیندهٔ آلمان و انگلستان بستگی کامل بروشی دارد که آلمان راجع به لهستان اتخاذ خواهد کرد هر گاه دولت آلمان اختلافهای موجود را باحسن نیت و رضایت طرفین فیصله داد اروپا را از تشنج سیاسی خلاص نموده ودولت انگلستان پیشنهاد آلمان را راجع بروابط آتیهٔ دو کشور مورد دقت ومطالعه قرار خواهد داد واگر اختلاف لهستان بنحو رضایت بخشی خاتمه نیافت وکار به جنگ کشید چون انگلستان استقلال و تمامیت ارضی آن کشور را تضمین کرده است ناچار وفای بعهد خواهد کرد که در این صورت موردی برای مطالعهٔ روابط آلمان وانگلستان باقی نمی‌ماند.

همانروزی که هندرسن به‌برلن بر گشت دولت انگلستان سفیر کبیر خودرا درورشواز جوابی که به هیتلر داده بود مطلع ساخت ودستور داد که ماحصل جواب مذکور را باطلاع دولت لهستان برساند وتأکید کند که بهتر است باشرایط مساوی با دولت آلمان وارد مذاکره شده موضوع اقلیت‌های آلمانی واعزام بازرسهای بیطرف را که آلمان اصرار داشت برای رسیدگی بوضعیت آلمانیهای مقیم لهستان بآن کشور اعزام دارد بپذیرد.

در اینجا لازم است باطلاع خوانندگان ارجمند برسانم که دولت لهستان از پذیرفتن بازرسان بیطرف بعلل نا معلومی خودداری میکرد وبا اینکه دولت انگلستان نهایت سعی و کوشش خودرا برای اعزام هیئت بیطرفی به لهستان بکاربرد ونظر هیتلر پیشوای آلمان را هم جلب کرد معهذا دولت لهستان هر روز بعناوین مختلف اشکالتراشی کرده و از زیر بار پذیرفتن بازرسهای بیطرف در کشور خود شانه خالی میکرد.

یك وزیر امور خارجهٔ لهستان بنا بمواردی که ذکر شد حاضر عزیمت

به برلن ویا اعزام نماینده بآنجا نبود ومیگفت برای احرازشرایط مساوی در مذاکره بهتر این‌است که مذاکرات در کشور بیطرفی که موجب‌سهولت حصول نتیجه باشد انجام پذیرد و پایهٔ صحبت هم برپیشنهاد ماه مارس سال ۱۹۳۹ آلمان و نظریهٔ لهستان راجع به تثبیت وضع فعلی گذاشته شود و ضمناً بدون انتظار وصول پاسخ دولت‌آلمان روز سی ام ماه اوت که هنوز مذاکرات جریان داشت وبمرحلهٔقطعی نرسیده بود حکم بسیج‌عمومی‌صادر کرد و بموقع اجرا گذاشت وسربازان ومشمولین‌را بزیرپرچم دعوت‌نمود.

این پیش‌آمد هنگامیکه هنوز پیشوای آلمان انتظارحضور نمایندهٔ تام‌الاختیار لهستان رادربرلن داشت‌موجب خشم وغضب وی گردید و تصور نمود که دولت انگلستان که سرحدات لهستان و تمامیت ارضی آن کشور را تضمین نموده در اینکار مشوق ومحرك دولت لهستان بوده است.

این فکر وتصور بقدری قوت گرفت که هیتلر پیشوای آلمان بیست وچهار ساعت بعدفرمان حمله بخاك لهستان را صادر کرد.



فصل چهل و هشتم

آغاز جنگ دوم جهانی

ساعت پنج بعد از نصف شب روز اول ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ میلادی قوای مسلح آلمان که درمرزهای لهستان تمرکز یافته بود بموجب فرمان حملهٔ هیتلر پیشوای آلمان وارد خاك این کشور گردید ونبرد خونینی را که شروع جنگ جهانی دوم بود آغاز نمود.

ستاد کل ارتش آلمان طبق نقشهٔ تنظیم شده پنجاه وهشت لشگر از جمله ده لشگر موتوریزه برای این کار یعنی حملهٔ به لهستان وازپای در آوردن آن کشور اختصاص داد ونظر این بود که سپاه سوم مرکب ازهشت لشگر ازپروس شرقی بقصد تسخیر برست‌لیتوسك حرکت کند وسپاه چهارم متشکل ازدوازده لشگر پس ازتصرف منطقهٔ معروف به دالان دانتزیگ و انهدام سربازان مقیم آن ناحیه به‌امتداد رود ویستول (Vistule) ازپمرانی (Pomeranie) عازم مرکز لهستان شود وشهر ورشو پایتخت آن کشور را اشغال کند.

وظیفهٔ عمده بعهدهٔ سپاه دهم که مرکب از هفده لشگر بود و جناح راستش را سپاه هشتم باهفت لشگر تقویت مینمود محول گشت.

این سپاه مکلف بود برای تصرف ورشو مستقیماً بطرف آن شهر برود وکلیهٔ استحکامات وموانعی راکه درسر راه بیابد درمدت قلیلی ازبین بردارد.

کمی دورتر در جنوب سپاه چهاردهم مرکب از چهارده لشگر تمرکز یافته بود که دوتکلیف برعهده داشت یکی اینکه بدواً ناحیهٔ صنعتی کراکوی (Cracovie) را تسخیر کند ودیگر آنکه بعد از تصرف کراکوی شهر بزرگ لوو (Lvow) راکه درجنوب شرقی لهستان بود بدست آورد.

طبق نقشهٔ فوق‌قوای نظامی آلمان میبایست مقدمتاً سربازان لهستانی راکه درمرزهای بین‌دو کشور موضع گرفته بودند شکست داده منهدم‌سازد سپس باحرکت گازانبری آنها را محاصره ونابود کند.

حرکت گازانبری اول که ازشمال وجنوب غربی بوسیلهٔ سپاههای چهارم ودهم انجام میگرفت مقصدآن شهر ورشو پایتخت لهستان بود که بایستی دوسپاه مذکور یکی ازشمال ودیگری ازجنوب غربی بطرف ورشو حرکت کرده قواواستحکامات‌لهستانی رامغلوب ومنهدم ساخته درشهرورشو بیکدیگر ملحق‌شوند ودرحقیقت دوشاخهٔ گازانبر بیکدیگر اتصال بیابند وازفرار وعقب نشینی سربازان لهستانی که بین دوشاخهٔ گازانبر موصوف اسیر شده‌اند جلوگیری نمایند وچنانچه احیاناً عده‌ای موفق به نجات خود وعقب نشینی منظم میشدند بطور قطع از حرکت گازانبری دومی که بوسیلهٔ سپاه‌سوم ازشمال وسپاه چهاردهم ازجنوب صورت میگرفت ومقصد آن شهر برست‌لیتوسك مشرق ورشو بود نجات نمی‌یافتند اسیر ویا نابود میگردیدند.

درصورت موفقیت واجرای نقشهٔ مزبور واتصال دوحرکت گازانبری درشهر های ورشو وبرست لیتوسك ارتش لهستان بکلی ازپای در میآمد و

دیگر سربازی باقی نمی‌ماند که خلاصی یابد ودرمشرق لهستان اقدام بایستادگی کند .

یك هزاروپانصد فروند هواپیمای جدید قوای زمینی آلمان راتقویت میکردند ومأموریت داشتند که‌به هواپیما های لهستانی فرصت پرواز ندهند وروی زمین آنها را نابود کنند وپس ازآن بـه کمك قوای زمینی شتافته تأسیسات نظامی پشت جبهه را بسختی بمباران وخطوط ارتباط وراه‌آهن‌را خراب وازکار بیندازند بنحوی که انتظام ارتش لهستان گسیخته شده موفق بایجادجبههٔ مکمل ومنظمی نگردند وباضافه بین افراد کشوری وساکنین شهرها رعب‌وهراس ایجادگردد وامنیت داخلی کشور لهستان مختل‌شود .

در مقابل این مـاشین عظیم جنگی که بدست فرمـاندهان لایق و آزموده‌ای اداره میشد لهستـان بطورکلی سی‌لشکر سربـاز ونهصد فروند هواپیما بیشترنداشت وازنظر تجهیزات ونوع اسلحه بهیچوجه قابل مقایسه بـا تسلیحات ارتش‌آلمان نبود وفرماندهان‌آن فقط چشم امید بـه کمك انگلیس وفرانسه ضامن استقلال وتمامیت ارضی لهستان دوخته بودند .

سربازان‌آلمانی که مقدم برآنها هواپیما ها حرکت میکردند ازروز آغاز حمله به هجوم ناگهانی پرداختند ودرعرض یك هفته چنان درخاك لهستان گسترده شدند که دشمن باوجود مقاومت مردانه‌ولی بیهوده درتمام جبهه‌ها عقب‌نشینی اختیار کرد .

دولتین انگلستان وفرانسه که ازحملهٔ قوای‌آلمان بـه لهستان بـا خبرشده ومیدانستند که دیریا زود قوای منظم ومجهز آلمان کشور لهستان را نابود خواهد کرد روز سوم ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ یعنی‌سه روز بعداز صدور فرمان حمله به لهستان بدولت‌آلمان اعلان جنگ دادند .

درتمـام جبهه های جنگ زد وخورد خونینی بین قوای لهستان و آلمان در گرفت وسرانجام نیروی مجهز آلمان سپـاه و نیروی لهستان را روزبیست وهشتم مـاه سپتامبر یعنی درعرض بیست وهشت روز شکست داده وآن کشور را تصرف نمود .

دولت آلمان بعدازشکست لهستان دارای یکصد وشانزده لشگر مجهز وکامل بود که چهل ودولشگر آن درمغرب وشانزده لشگر در آلمان مرکزی وپنجاه وهشت لشگر درجبههٔ مشرق اقامت داشتند .

بعد ازشکست لهستان وامضای قرارداد عدم تجاوز باروسیه وفراغت ازجبههٔ مشرق دولت آلمان میتوانست چهل لشگر ازقوای مقیم لهستان را کسر وبه جبههٔ غرب اضافه کند وباهیجده لشگر بقیه درحال صلح لهستان را حفظ وحراست نماید بااین ترتیب مجموع قوای آلمان درمغرب به هشتاد ودو لشگر مجهز میرسید .

درمقابل این عده کشور فرانسه هفتاد ودولشگر و کشور انگلستان درخط مقدم جبهه چهار لشگر داشتند ولی ممکن بود هرچه جنگ طول بکشد ازسربازان افریقائی وآسیائی به خاک اروپا پیاده کنند وبر تعداد سپاه خود بیفزایند .آلمان درجبههٔ مغرب دارای دوهزار فروندبمب افکن جدید بود درصورتیکه فرانسه وانگلستان مجموعاً نهصد وپنجاه فروند بمب افکن داشتند باتوجه باین موضوع ودرنظر گرفتن قوای طرفین دولتین فرانسه و انگلیس حاضر تجاوز بخاک آلمان وحملهٔ بآن کشور نبودندوخود رابمخاطره نمی انداختند وناچار بودند تاتهیهٔ سربازومهمات وهواپیمای کافی حال دفاعی بخودبگیرند. استحکامات ومواضع نظامی وپایگاه های خودراتکمیل نمایند.

آلمان که ازحیث نفرات وتجهیزات وهواپیمادرسال ۱۹۳۹ برمتفقین

برتری داشت ازسه راه میتوانست بخاك فرانسه حمله کند.

اول ـ تعرض بخط مستحکم ماژینو وعبورازسرحد مشترك با فرانسه که این اقدام برفرض موفقیت وشکافته شدن خط ماژینوبا تلفات و خسارات زیادتوأم بودوچه بسا امکان داشت با عدم موفقیت مواجه گردد.

دوم ـ برای احتراز ازمقابله باخط ماژینوودور زدن آن وجلوگیری ازتلفات زیاد ازسویس به فرانسه وارد شود وبیطرفی کشور نامبرده رانقض کند که این اقدام هم با وجود کوهستانهای صعب العبور سویس و موقعیت بین المللی آن کشورخالی ازمخاطرات نظامی وسیاسی نبود وسران نظامی آلمان تاآن تاریخ هیچوقت بچنین فکری نیفتاده وآمادهٔ چنین امری نشده بودند.

سوم ـ نقض بیطرفی بلژیك وهلند وورود ازشمال شرقی بـه خـاك فرانسه که البته اجرای ایـن فکر ازنظر عدم وجود استحکامـات نظامی سهل الحصول بنظر میرسید ومسلماً تلفات وخسارات هم کمتر بود.

بدلایل مذکورمتفقین منتظر بودند که آلمان مانندسال ۱۹۱۴ یعنی جنگ اول جهانی ازفرضیهٔ سوم استفاده کرده ازراه بلژیك به کشورفرانسه حمله کند.

روی این نظر ازاوایل ماه اکتبر سال ۱۹۳۹ ژنرال گاملن رئیس کل ستاد ارتش فرانسه بادولت بلژیك وارد مذاکرات محرمانه‌ای شدتـا موافقت آن دولت را برای ورود ارتش متفقین به بلژیك جلب کند وبعداز يك سلسله مذاکرات بالاخره دولت بلژیك راضی شد که درصورت تجاوز ارتش آلمان متفقین حق داشته باشند سرباز به بلژیك وارد وخط دفـاعی (موزوانورس) را تصرف وبه ارتش بلژیك کمك کنند ومتعاقب این موافقت شورایعالی جنگ متفقین هم درروز هفدهم ماه نوامبر درپاریس تشکیل و تصمیم ذیل را اتخاذ نمود:

چون لازم است هرچه امکان داشته باشد ارتش آلمان را ازسرحد فرانسه دور نگاهداشت ازاین نظر اشغال خط (موزوانورس) درصورت نقض بیطرفی بلژیك وحملهٔ آلمان بآن کشور ضرورت پیدا کرده است اجازه‌داده میشود ارتش متفقین درصورت لزوم باینکار مبادرت نماید.

باین نحو نقشهٔ جنگ آتید تنظیم شد ومتفقین آنچه درقوه داشتند برای استحکام خطوط دفاعی خوددراین منطقه وجلوگیری ازپیشرفت ارتش آلمان درفرانسه وبلژیك همت گماشتند ووقت خودرادر زمستان سال ۱۹۳۹ صرف این موضوع وازدیاد سرباز ومهمات کردند ومنتظر فرا رسیدن بهار سال ۱۹٤۰ وآغاز حملهٔ آلمان ومقابلهٔ باآن شدند.

از روز سوم ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ یعنی همانروزی که دولتین انگلستان وفرانسه به‌آلمان اعلان جنگ دادند زیر دریائی های آلمانی بفعالیت پرداختند وهرجا با کشتی های انگلیسی و فرانسوی روبرو میشدند آنان را غرق وازاین راه خسارات وتلفات سنگینی بدول متخاصم خود وارد میساختند. اولین کشتی انگلیسی که بعد از اعلان جنگ منهدم گردید کشتی آتنیا (Athenia) بود که همان روز سوم ماه سپتامبر ساعت ۹ بعد از ظهر بوقت گرینویچ درمغرب جزایر انگلستان بوسیلهٔ یك زیردریائی آلمانی غرق شد.

پیشوای آلمان که ازرد پیشنهاد صلح وتصمیم متفقین با ادامهٔ جنگ متغیر بودبمنظوراینکه عظمت نیروی نظامی ودریائی خودرا بمتفقین مخصوصاً انگلستان ثابت کند تصمیم گرفت غیراز جنگ دریائی که با شدت ادامه داشت وخسارات کمرشکنی بدولتین انگلستان وفرانسه وارد میساخت ضربت محکم دیگری بقوای دریائی انگلستان که پایه ومبنای قدرت آن دولت

در دنیا بود واردسازد که موجب تعجب کلیهٔ کارشناسان امور دریـا داری و محافل سیاسی دنیا بشود باین منظور با دریـاسالار دونیتز (Doenitz) فرمانده قوای دریائی آلمان وارد مـذاکره شد و او را مأمورتهیه و تدارك نقشهٔ مورد نظر ساخت .

دونیتز قصدو نیت پیشوای خود را بمرحلهٔ اجرادرآورد ویکی اززیر-دریائی‌های آلمانی بنام (او۴۷) رابفرماندهی ستوان‌پرین (Prien) مأمور ساخت که یکی از کشتیهای جنگی‌بزرگ انگلستان را در پایگاه‌دریائی اسکاپافلو (Scapaflow) هنگامیکه تحت حفاظت مأمورین دریاداری است غرق کند تا باین طریق ثابت نماید که اولا زیردریائیهای آلمانی قادرنداز تمام موانع و سد های دریائی که در پایگاهها و لنگرگاه هـای ساحلی انگلستان تعبیه شده عبور نمایند و ثانیاً انگلستان که بزرگترین قـوای دریائی‌رادراختیار دارد قادربجلوگیری‌ازفعالیت‌زیردریائی‌های آلمانی‌نیست.

ستوان پرین بازیر دریائی (او۴۷) هشتم ماه اکتبر سال۱۹۳۹یعنی تقریباً چهل روز بعد از اعلان جنگ انگلستـان از بندر کیل (Kiel) پایگاه خود عازم انجام مأموریت گردید . روز روشن وآفتابی ازکانال کیل گذشت و بسمت شمال غربی بطرف پـایگاه اسکاپافلو ساحل انگلستان متوجه گردید و ساعت چهار بعد از نصف شب سیزدهم ماه اکتبر بمجمع الجزایر ارکادز (Orcades) رسیدودرساعت نوزده همان روز بسطح دریا بالا آمد از این‌نقطه ساحل انگلستان یعنی‌همان‌پایگاه‌اسکاپافلو بخوبی‌نمایان وآشکار بودآهسته بطرف ساحل نزدیك شد و از میان دو کشتی غرق شده با مهارت بدون آنکه جلب توجه نماید گذشت وبحدی بخشکی نـزدیك شد که رفت وآمد عـابرین را بخوبی تشخیص میداد و ملاحظه کرد کـه

کشتی جنگی رویال اوك (Royal oak) کنار ساحل لنگر انداخته ملوانان و کارکنان آن هریك مشغول انجام وظایف خود هستند.

ستوان پرین هرچه مقدور بود زیر دریائی خود را به رویال اوك نزدیکتر ساخت ودر مکان مناسبی ایستاده فرمان آتش داد بعد ازبیست ثانیه صدای انفجاری را شنید و بدنبال آن ستون عظیمی از آب بهوا برخاست ستوان پرین چند لحظه تأمل کرد وفرمان شلیك دوم را داد این دفعه چندین انفجار متوالی که علامت اصابت اژدرهای متعدد به کشتی جنگی انگلیس بودرخ داد و کشتی جنگی رویال اوك با هفتصد وهشتاد وشش ملوان وافسر که در آن بودند بقعر دریا فرستاده شد.

زیر دریائی آلمانی بپایگاه خود مراجعت کرد وهیتلر پیشوای آلمان شخصاً ستوان پرین فرمانده زیر دریائی را پذیرفت و با اعطای نشان صلیب آهن که بزرگترین نشان نظامی آلمان بوداز اوقدردانی کردوخبرغرق کشتی جنگی رویال اوك موجب حیرت وتعجب مردمان جهان گردید.

فصل چهل و نهم

حملهٔ آلمان به روسیهٔ شوروی

هرچند در سال ۱۹۳۹ قبل ازشروع جنگ دوم جهانی بعللوجهات سیاسی دولت آلمان مجبورشد که قرارداد عدم تعرض بادولت روسیهٔ شوروی منعقد کند ولی معناً از نیت باطنی ومطالبی که در سخنرانی‌های خود گفته بود عدول نکرده ومترصد بود که‌درصورت لزوم پیمان منعقده راکان‌لم‌یکن پنداشته نظر خودرا درخصوص مبارزه باکمونیست‌ها بموقع‌اجرادرآورد.

بعد از ختم جنگ جهانی دوم موقعی که سربازان متفقین واردبرلن پایتخت آلمان شدند وبایگانی وزارت امور خارجهٔ آن کشور را بازدید کردند اسناد ومدارك زیادی که مبنی برصحت نظر فوق‌الذکر وچگونگی نیات زمامداران آلمان درخصومت‌باروسیه بودیافتند که‌تماماً‌حاکی‌ازتعرض آن کشور بخاك شوروی و برچیدن اساس کمونیست بود .

در اسناد و مدارك مزبور نامه‌ای وجود داشت که هیتلر قبل‌ازحمله بخاك روسیه بـه موسولینی همکار ومتفق خود نوشته بود که خلاصهٔ‌آن از اینقرار است :

من دراین اواخر بشما گفتم که تجربهٔ‌حاصل ازجنگ کرت‌ونتایجی

که از آن بدست آمده ثابت کرده است که حمله به انگلستان مستلزم بکار افتادن کلیهٔ قدرت ما میباشد اگر پیروزی نهائی فقط مستلزم تفوق قدرت هوائی بود در اتخاذ چنین مسئولیتی یك دقیقه تأخیر نمیکردم بشرطی که از طرف مشرق غفلتاً مورد تهاجم واقع نشوم. حرکت سربازان روسیه در مرزهای ماروبشدت گذارده وژنرال یدل دراین خصوص بوابستهٔ نظامی شما اطلاعات کافی داده است ومیتوان یقین حاصل کرد قسمت اعظم سربازان روسی درسرحدات ما تمرکز یافته و بفعالیت پرداخته‌اند. ازوقتی که هواروبه گرمی میرود باعجله وشتاب مشغول ساختن استحکامات شده‌اند.

بعد از تفکر زیاد من باین نتیجه رسیده‌ام که باید گره طنابی‌را کـه بدور گردن ما بسته میشود قبل ازاینکه فشار وارد آورد قطع کنیم و بدین طریق بمرام مشترك خودمان درجنگ خدمت بزرگی بنمائیم.

نامهٔ مذکـور صراحتاً دلالت دارد که دولت آلمان ازطرف مشرق یعنی روسیه بیمناك بودوعملیات سربازان روسی‌رادرمراکزخودبدیدهٔ دشمنی مینگریست ومیدانست باآن دولت نمیتواند همیشه روابط دوستانه موضوع پیمانهای منعقده را محفوظ دارد وبمحض اینکه مقتضیات واوضاع واحوال ایجاب کرد دولت روسیه پشت پابتعهدات خود زده بمغرب اروپا وخـاك آلمان تجاوزخواهد کرد دراثرهمین خیال بود که هیتلرازبدوشروع بجنگ چندین مرتبه سعی نمـود بـا دولت انگلستـان کنار آمده پیمـان صلح جداگانه‌ای منعقد سازد.

مسافرت رودلف هس به‌انگلستان به نتیجه نرسید وصلح با کشور نامبرده همچنان در بوتهٔ اجمال باقیماند بالاخره پیشوای آلمان باتمام مشکلاتیکه درکار خود میدید تصمیم گرفت که نیت خود رابموقع اجراء گذارده کارروسیه رایکطرفه کند وسپس متوجه انگلستان شود.

نامه‌ای که بموسولینی نوشته بود و ترجمهٔ آن باطلاع خوانندگان گرامی رسید حاکی از نیت باطنی هیتلر پیشوای آلمان میباشد .

روزسوم ماه فوریه سال ۱۹۴۱ هیتلر شورایعالی جنگ را که مرکب ازافسران عالیرتبه وقدیمی ارتش بود در برلن تشکیل داد ونطق جامعی راجع بارتش روسیه ووضعیت آن کشور ایرادنمود که تمام حاضرین یقین کردند جنگ بین دو کشور آلمان وروسیه نزدیك بوقوع است قسمتی ازاظهارات پیشوای آلمان ازاینقرار بود :

روسها یکصد لشگرپیاده وبیست وپنج لشگرسوار وسی لشگر زرهی دارند و سپاهیان ما ازحیث عده تقریباً همین مقدارند اما ازجهت ارزش نظامی بمراتب بسربازان روسی ترجیح دارند .

هنگام جنگ با شورویها مانباید سعی درعقب نشینی وفرارآنان از میدان نبرد بکنیم بزرگترین خطر برای ماعقب نشینی سربازان روسی میباشد باید سعی کنیم آنها رامحاصره ونابود سازیم دراین صورت درهمان پیشرفتهای اولی ما ملت روس برضد استالین قیام نموده و دست بشورش خواهد زد ونتیجتاً رژیم استالین ازبین خواهد رفت .

جنگ روسیه بیش‌ازشش تاهشت هفته طول نخواهد کشید بعدازاین مدت مابخطی که‌ازولگا تاآرخانگل(Arkhangel) کشیده میشودخواهیم رسید واین همان خط دفاعی اروپاست .

روزچهارم ماه ژوئن همانسال مجدداً هیتلر درجلسهٔ دیگر شورایعالی جنگ اظهارداشت : جنگ باروسیه غیرقابل اجتناب وحتمی است بعد از چهارهفته نبرد سخت ارتش روسیه مضمحل شده وجادهٔ مسکو برروی ماباز خواهد شد وباحرکت سریع میتوانیم بپایتخت روسیه برسیم .

این بیانات وسوابق جای تردیدی درباره خیال باطنی هیتلر باقی نمیگذاشت و مسلم بود که دیر یازود جنگ خونینی در مشرق اروپا آغاز و ارتش آلمان بانیروی عظیم خود بخاك روسیه حمله خواهد کرد.

روز بیست ودوم ماه ژوئن سال ۱۹۴۱ سه ساعت ونیم بعداز نصف شب درجبهه‌ای که ازاقیانوس منجمد شمالی تا دریای سیاه ادامه داشت حملهٔ شدیدنازیها بکشورروسیهٔ شوروی شروع گردیدوهمانطوریکه پیشوای آلمان پیش بینی کرده بود دراوایل کار پیروزی و فتوحات قابل توجهی نصیب آنان شد.

درهمانموقع که اولین حملهٔ سپاهیان آلمان آغاز شد اعلامیهٔ هیتلر بوسیلهٔ وزیرامور خارجهٔ آلمان قرائت وازرادیو برلن پخش گردید.

هیتلردراین اعلامیه علل و موجبات حمله بخاك روسیهٔ شوروی را باطلاع جهانیان رسانید ودرآن متذکرشد که هرگاه حمله بخاك روسیه از طرف آلمان صورت نمیگرفت روسیهٔ شوروی باقوای کاملی که برای حمله به‌آلمان تهیه دیده بود دیریازود بخاك آلمان حمله میکرد.

جنگ ساعت سه ونیم‌بعد ازنصف شب‌بیست و دوم ماه ژوئن‌باشدت هرچه تمامتر شروع شد ابتکار عملیات در دست سپاهیان آلمانی بود و غافلگیری دشمن و سرعت‌عمل بحدی‌بود که دو ساعت بعد ازشروع‌جنگ سه هزار فروندهواپیماهای روسی که مجال پرواز نیافتند در فرودگاههای خود نابود شده از بین رفتند.

غروب روزبیست ودوم‌ماه‌ژوئن نصف هواپیماهای‌شوروی‌ازحیزانتفاع افتاده بود. با اینکه چرچیل‌نخست وزیر انگلستان‌به پیروی از افکارملت خود یکی ازدشمنان سرسخت کمونیست‌بود وپیوسته ازبدوپیدایش‌وتشکیل

دولت جدید شوروی بر پایه و مبنای آن مخالفت خود را آشکار کرده در مجلات و روزنامه‌ها مقالات متعددی برعلیه افکار کمونیست نوشته بود بمحض اینکه حملهٔ آلمان به روسیه آغاز شد بمنظور پیروزی بر دشمن موقتاً ضدیت خود را کنار گذاشت و به دولت روسیه وعدهٔ همه گونه مساعدت و همراهی را داد و روز بیست و دوم ماه ژوئن سال ۱۹۴۱ اعلامیهٔ ذیل را منتشر ساخت :

دولت انگلستان باردیگر بایکی از لحظات بحرانی جنگ مواجه گردیده است نخستین بار موقعی بود که فرانسه سقوط نمود و انگلستان در میدان جنگ تنها ماند دوم هنگامیکه نیروی هوائی انگلستان موفق گردید که خطر تهاجم بخاك انگلستان را مرتفع سازد.سوم موقعی که رئیس جمهوری و کنگرهٔ امریکا قانون وام واجاره را تصویب نمودند .

اکنون چهارمین لحظهٔ بحرانی فرار رسیده است زیرا ارتش آلمان امروز صبح خاك روسیهٔ شوروی را مورد تهاجم قرار داد و حملهٔ آلمان موقعی بمورد عمل گذارده شد که پیمان عدم تهاجم فیمابین دو کشور موجود بود و دولت آلمان تاآنوقت هیچگونه شکایتی راجع بعدم اجرای آن نکرده بود. من از این واقعه بهیچوجه درشگفت نیفتاده‌ام و درحقیقت چندین بار استالین را ازآنچه که امروز بوقوع پیوست مطلع ساخته بودم همینطور کشورهای دیگر را از این خطر آگاه نمودم فقط امید داشتم آنچه که گفتم مورد توجه آنان قرار گرفته باشد .

آنچه که اکنون میدانیم این است که ملت روس بدفاع از خاك خود برخاسته و پیشوای شوروی آنها را به منتهی درجهٔ مقاومت دعوت کرده‌است.

ماشین نظامی موحشی که ما وسایر کشورهای متمدن دنیا فقط وفقط از روی نادانی و جهالت به دزدان نازی اجازه دادیم اندك اندك بر پاسازند

اکنون دوباره بکارافتاده‌است این‌ماشین نمیتواند متوقف بماندچرخهای آن باید دائماً درحرکت باشندونه‌تنها ازنفت بلکه‌ازخون نیزبایدتغذیه‌نمایند.

برای این منظور هیتلرارتش میکانیزهٔ خودرا به‌میدان‌جنگ‌مهیبی برای غارت وتخریب روانه نموده است او انتظار دارد که پیروزی‌رادرنتیجهٔ قتل وغارت بدست‌آورد و بدانوسیله چین و هندوستان را در گرداب فنا غرق نماید . اگربگویم که حیات شانزده بلیون نفردر معرض‌خطر نازی قرار گرفته است اغراق نگفته‌ام .

اگرچه همین کافی است که مارا در وحشت وشگفت بیندازد لیکن باید منظور اصلی را که درپس این خطر قرار گرفته و درحیات انگلستان و امریکا تأثیردارد بیان کنم.

بین مرام نازیسم وبدترین‌شکل مرام کمونیسم نمیتوان کوچکترین تفاوتی قائل شد این مرام‌جزحرص‌وتسلط‌نژادی فاقد هرگونه اصولی‌است هیچکس چون‌من مخالف مرام کمونیسم نبوده است واکنون چیزی که با عقیده واظهارات‌قبلی خودم تناقض داشته باشد بیان نمیکنم امامیگویم که تمام مخالفتهای‌من در مقابل منظره‌ای که خود را دربرابر جهانیان‌آشکار ساخته بکلی نابود میشود .

گذشته با تمام‌آن‌جنایات جنون‌آمیز ومناظر رقت‌انگیزش ازنظر محو میگردد من سربازان روسیهٔ شوروی را می‌بینم که در خاك موطن خود ایستاده بحراست‌اراضی‌ومزارعی که پدران‌آنهاازقدیم درآن زراعت‌نموده‌اند می‌پردازند. آنانرامی‌بینم بحمایت خانه‌هائی که مادران وزنان‌آنهادرآن دعا میکنند مشغولند مافقط یك‌هدف داریم. ما مصمم هستیم‌آنچه وابسته‌به‌نازی است معدوم سازیم ازاین تصمیم هیچ چیزنمیتواند مارامنصرف سازد .



بانك سپه كه از ساختمانهای دورهٔ سلطنت اعليحضرت همايون محمدرضاشاه پهلوی است .

ما هیچوقت به مشورت و مذاکره با هیتلر ویایکی از همکاران و طرفداران او نخواهیم پرداخت .

ما در زمین ودریا وهوا خواهیم جنگید تاآنکه بیاری خداوند متعال زمین را ازوجودافرادی که موجب ظلمت آن شده‌اند پاك نموده مللمختلفه را از زیر باررقیت آنان رهائی بخشیم .

هر شخص ویا کشوری که علیه نازیسم بجنگدما با او کمك خواهیم کرد وهرشخص ویا کشوری که برله‌هیتلر قدم بردارداز‌دشمنان مامحسوب خواهدشد این اصل نه‌تنها دربارهٔ حکومتهای متحدهٔ آلمان اجرا خواهدشد بلکه مشمول حکومتهائی هم خواهد بود که برخلاف مصالح کشور و هم‌میهنان خود آلت دست نازی‌ها قرار گرفته‌اند واین دست نشانده‌هاچنانچه مانند سران نازی بدست هم میهنان خود معدوم نگردند در روزپیروزی به دادگاه‌عدل متفقین کشیده خواهند شد.

این است مشی سیاسی ما و آنچه که باید بجهانیان اعلام نمائیم از این نظر هرگونه کمك ومساعدتی که در حدود قدرت وتوانائی ماباشد در بارهٔ ملت و کشور شوروی مبذول خواهیم‌داشت و ازتمام دوستان‌ومتفقین خود در کلیهٔ نقاط دنیا تقاضا میکنیم که این سیاست را تا پایان جنگ تعقیب نمایند .

ما به‌دولت روسیه هرگونه کمك فنی واقتصادی که‌درحدودتوانائی‌ما باشد وممکن است‌مورد استفادهٔ آن کشور قرار گیرد پیشنهاد نموده‌ایم

آلمان را شب وروز بمباران خواهیم کرد و هر روز برشدت حملات هوائی خود خواهیم‌افزود وبمب‌های‌بیشتری برفراز آلمان فروخواهیم‌ریخت وبرآلمانی‌ها طعم‌بلائی را که برسربشرآورده‌اند خواهیم چشانید .

این جنگ طبقاتی نیست این جنگ جنگی است که در آن کلیهٔ کشورهای امپراطوری انگلستان بدون هیچگونه تبعیض نژادی ومذهبی و حزبی به‌پیکار مشغولند .

وظیفهٔ من این نیست که از مشی سیاسی دولت امریکا سخن بگویم ولی میتوانم اعلام کنم که اگر هیتلر خیال میکند حملهٔ او بخاك شوروی ممکن است در کشورهای دموکراسی موجب اختلاف آراء یا تقلیل کوشش شود اشتباه بزرگی کرده است برعکس ما سعی و کوشش خود را بادلگرمی و اطمینان خاطر بیشتری بکار خواهیم برد تا بتوانیم بشر را از بیداد گریهای آلمان رهائی بخشیم . .

تهاجم هیتلر به‌روسیه مقدمهٔ حملهٔ او به کشور های بریتانیای کبیر است هیتلر امیدوار است قبل از آنکه امریکا در جنگ مداخله کند انگلستان را ازپای درآورد بنابراین خطر روسیه خطر ما وایالات متحدهٔ امریکا است وهدف اهالی روسیهٔ شوروی که برای دفاع ازمیهن خود میجنگند هدف مردان آزادیخواه در هریك از نقاط جهان است . ماباید هرآن به کوشش خود بیفزائیم وبانهایت قدرت واز خودگذشتگی دشمن را معدوم سازیم .

ازنطق فوق‌الذکر که حاکی ازسیاست آیندهٔ انگلستان نسبت به روسیهٔ شوروی و آلمان بودبرهمهٔ دنیا مخصوصاً زمامداران نازی مسلم گردید که متفقین چه رویه‌ای را دربرابر هجوم آلمان به روسیه اتخاذ وازچه سیاستی پیروی خواهند کرد .

ملت ونمایندگان مجلس شورای ملی انگلستان سخنرانی نخست‌وزیر را پسندیدند ودولت را در کمك به روسیه و بمباران شبانه روزی آلمان تشویق وترغیب کردند وکلیهٔ ممالك متحدهٔ بریتانیا نیز سیاست چرچیل و

نظریهٔ ملت ودولت انگلستان را تصویب ودر پیروی از آن همقدم شدند .

روز بیست وسوم ماه ژوئن سال ۱۹٤۱ سمنرولز (Sumner Welles) وزیر امور خارجهٔ ایالات متحدهٔ امریکا حملهٔ آلمان رابه خاك شوروی مورد انتقاد قرارداد ووعدهٔ همه گونه مساعدت و کمك رابه دولت روسیهٔ شوروی داد وروزولت رئیس جمهوری امریکا صراحتاً درمصاحبهٔ مطبوعاتی خود گفت که درآتیه هر گونه کمکی که درحدود قدرت وتوانائی امریکا باشد از روسیهٔ شوروی دریغ نخواهدداشت وصدور تجهیزات نظامی را بمقصد روسیه در کشتی های امریکاآزاد خواهد گذارد وبه وزارت دارائی دستور خواهد داد که وجوه نقد موجودی شوروی را در امریکا از قیود و موانع مستخلص سازد تاآن دولت بتواند به خرید های آلات وادوات جنگی وحمل آنها بخاك خود اقدام کند .

رئیس جمهوری ایالات متحدهٔ امریکاباموافقت دولت انگلستان به روسیهٔ شوروی رسماً پیشنهاد کمك نظامی کرد ودولت روسیه این پیشنهاد راپذیرفت وطبق قانون وام واجاره قرار شد دولت مزبور سلاح مورد لزوم خود را دریافت دارد .

قانون وام واجاره عبارت ازاین بود که درتاریخ یازدهم ماه مارس سال ۱۹٤۱ دولت ایالات متحدهٔ امریکا تصمیم گرفت بکلیهٔ کشور هائی که مخالف دول محور هستند وبعلت نداشتن موجودی طلا ودولار قادر بخریددر امریکا نیستند وسایل دفاعی امانتاً بعاریت بسپارد ودرخاتمهٔ جنگ وسایل تحویل شده به دول را پس بگیرد وچنانچه اصل آنها ازبین رفته باشد قیمتش را دریافت دارد .

بقول روزولت رئیس جمهوری ایالات متحدهٔ امریکا قانون مزبور

بمنزلهٔ لولهٔ آب‌پاشی بود که به همسایهٔ حریق زده امانتاً وعاریتاً واگذار میشد همانطوریکه همسایه پس‌ازرفع احتیاج وفرونشاندن آتش لولهٔ آبپاش را پس میداد همانطور هم دولی که آلات وادوات نظامی را برای مدافعه‌در مقابل دول مهاجم طبق قانون مذکور بعاریت میگرفتند ملزم بودند بعد از خاتمهٔ جنگ وفرونشاندن آتش نبرد بدولت امریکا مسترد دارند.

مجموع کمك امریکا طبق قانون موصوف بدول روی زمین به چهل ویك میلیارددولار بالغ‌میشد که نودوهشت درصدمبلغ‌مزبور به‌دول چهارگانهٔ انگلستان وفرانسه وروسیهٔ شوروی وچین داده شد.

انگلستان‌ثلث اعتباررادریافت داشت وبیشتر درراه‌خرید هواپیما که قریب ده هزار فروند میشد خرج کرد شوروی یك پنجم اعتبار را بدست آورد وصرف خرید چهارده هزار فروند هواپیما وهفت هزار ارابهٔ جنگی‌و چهل ویك هزاراتوموبیل ازامریکا نمود که قسمت اعظم این تجهیزات از راه ایران به روسیهٔ شوروی ارسال گردید اما روسیهٔ شوروی بعد ازختم جنگ وامضای معاهدات صلح ازاسترداد تسلیحاتی که امانت گرفته بود و یاپرداخت بهای‌آن خودداری کرد وبااینکه دراواخر ماه‌ژانویه سال ۱۹۵۱ دولت ایالات متحدهٔ‌امریکا چندین بار استرداد ادواتی را که طبق قانون‌وام واجاره درایام جنگ به روسیه داده بود خواستار شد دولت نامبرده از استرداد ویا تأدیهٔ بهای تجهیزات وادوات جنگی دریافتی خود که بالغ‌بر پانصد میلیون دولار شده بودامتناع ورزید.

فصل پنجاهم

منشور اتلانتیك

دراوایل ماه اوت سال ۱۹۴۱ میلادی فرانکلین روزولت رئیس جمهوری ایالات متحدهٔ امریکا و وینستون چرچیل نخست وزیر انگلستان در اقیانوس اطلس ودرعرشهٔ رزمناو امریکائی که اوگوستر (Auguster) نام داشت ملاقات وراجع به سیاست مشترکی که باید درجنگ برعلیه دول محور تعقیب کنند تبادل نظر نمودند ودرنتیجه روز چهاردهم ماه اوت سال ۱۹۴۱ اعلامیه ای که بنام منشور اتلانتیك معروف است منتشر ساختند که متن آن اعلامیهٔ مشترك بدینقرار است : (۱)

۱ـ در پیمان اتحاد که متن آن نقل میشود دولت شاهنشاهی ایران رسماً موافقت خود را با اصول هشت گانهٔ منشور اتلانتیك اعلام کرد نظر باهمیت منشور اتلانتیك که اساس سیاست جهانی متفقین را درموقع جنگ و بعدازآن اعلام میدارد شرح مختصری ازجریان صدورآن داده میشود .

روز ۱۴ اوت ۱۹۴۱ (۲۲ مرداد ۱۳۲۰) آقای کلمان اتلی (Clement Atlee) معاون نخست وزیر انگلستان اعلامیه‌ای منتشر نمود وتوضیح داد که رئیس جمهور کشور های متحد امریکا ونخست وزیر انگلستان دراقیانوس اطلس یکدیگر را ملاقات کرده وراجع به موضوع ارسال مهمات بموجب قانون وام واجاره بکشورهائیکه درمقابل مهاجمین درجنگند (بویژه کشور اتحاد←

رئیس جمهوری ایالات متحدهٔ امریکا و وینستون چرچیل نخست‌وزیر انگلستان ازطرف اعلیحضرت پادشاه انگلستان یکدیگر را ملاقات کرده وچنین صلاح دانستند که پاره‌ای ازاصول مربوط به سیاست کشور های خود را که بین دودولت مشترك میباشد و برای تمام عالم آیندهٔ بهتری را تأمین می‌نماید انتشار دهند اصول مورد توافق ازاینقرار است :

۱ ـ هیچیك ازدو کشور طالب هیچگونه تملك ارضی دیگری نمیباشند.

۲ ـ هردو کشورمخالف هر گونه تغییرات مرزی که با موافقت آزاد ملل مربوطه انجام نشود میباشند .

۳ ـ هردو کشور حق هرملتی را درانتخاب حکومتی که مایل است محترم میشمارند وامیدوارند که حقوق حاکمیت واستقلال بهر ملتی که

جماهیر شوروی) مذاکره کردند . دراین مذاکرات جزئیات خطمشی دو کشور برای دفاع خود وهمچنین رویه‌ای که باید نسبت بملل دیگر درموقع جنگ وبعدازآن اتخاذ نمایند تعیین گردید .

ملاقات روزولت‌وچرچیل‌در کشتی پرنس‌اف‌ولز (Prince of Wales) متعلق بانگلستان ودر نبردناو اگوستر (Auguster) متعلق بکشورهای متحدهٔ امریکا واقع شد .

صاحبمنصبان عالیرتبه وافسران‌ارشد دو کشورنیز درمذاکرات‌شرکت داشتند . ازجمله :

ازطرف‌انگلستان:دریاسالارسرددلی‌پوند(Admiral Sir Dudley Pound) لرد اول دریاداری ورئیس ستاد نیروی دریائی .

ژنرال سرجون‌دیل (G Sir John Dill)رئیس‌ستادامپراطوری.

لرد بیوربروك (Lord Beaverbrook) وزیر مهمات.

ازطرف کشور های

متحدهٔ امریکا :

دریاسالار کینگ (Admiral King)فرمانده‌ناوگان‌اقیانوس‌اطلس.

ژنرال‌ژرژمارشال(Gl. George Marschall)رئیس‌ستادنیروی‌امریکا.

هاری هاپکینز (Harry Hapkins) رئیس‌وام‌واجاره . (مترجم)

حقوق مزبور از آنها گرفته شده است داده شود .

٤ ـ باتوجه به تعهداتی که هردو کشوردارندسعی خواهند کرد که برای هرملتی بطور تساوی کوچك یابزرگ فاتح یامغلوب دخول درتجارت دنیارا تسهیل وهر گونه مواداولیه که برای پیشرفت اقتصادی آنهالازم باشدبدست آورند.

٥ ـ هردو کشور مایلند نهایت کوشش را بعمل آورند تاکلیهٔ ملل در قسمت اقتصادی بمنظور تحصیل شرایط بهتری برای کار وپیشرفت اقتصادی وامنیت درشئون اجتماعی بایکدیگر همکاری کاملی نمایند .

٦ ـ پس ازبرانداختن کامل ظلم وجور نازی هردو کشور امیدوارند صلحی که بتواند وسایل زندگی وامنیت داخلی تمام ملل را تأمین نماید برقرار شود و آنها را اطمینان دهد که هر کس درهر کشوری میتواند فارغ ازترس واحتیاج زندگانی کنند .

٧ ـ چنین صلحی باید بهر کس اجازه دهد که آزادانه دراقیانوسها ودریاها سیر نماید .

٨ ـ دو کشور تصور میکنند که تمام ملل دنیا خواه به علل مادی وخواه معنوی باید ازاعمال زوردست بردارند ودرآینده هر گاه ملتی تسلیحات زمینی وهوائی ودریائی خود را برای هجوم بمرزهای دیگر بکار برد هیچگونه صلحی نمیتواند برقرار بماند .

بنابراین دو کشور تصور میکنند که تا ترتیب دائمی ووسیع برای امنیت عمومی داده نشده خلع سلاح مللی که ممکن است نیروی مسلح خود را برای تهاجم بکار برند ضروری است .

دو کشور مساعی خودرابکار خواهند بردتا ملل صلحجو را اززیربار تسلیحات آزاد سازند .

فصل پنجاه ویکم

اثرات جنگ روسیه و آلمان واستعفای اعلیحضرت رضاشاه کبیر

هرچند در فصول چهل وچهارم وچهل و پنجم وچهل وششم دربارهٔ یادداشتهای اعتراضیهٔ دولتین انگلستان وروسیهٔ شوروی توضیحات کافی داده شده وبهانه‌هائی که در مورد وجود یکعده آلمانی درایران دستاویز آنان شده بود مفصلا صحبت داشتیم ولی برای اطلاع بیشتری دراین فصل بنکات تاریخی دیگری که باورود متفقین به‌ایران واشغال کشور عزیزما از طرف آنان بستگی کامل دارد توضیحاتی باطلاع خوانندگان ارجمند میرسانیم .

دراوایل ماه اوت سال ۱۹٤۱ (مرداد ۱۳۲۰) انتونی ایدن وزیرامور خارجهٔ انگلستان درمجلس مبعوثان آن کشور ضمن سخنرانی مفصل خود راجع باوضاع بین‌المللی اشاره‌ای هم به‌ایران‌نمود و گفت :

وجود عدهٔ زیادی متخصص آلمانی در ایران خطر بزرگی برای استقلال آن کشور ایجاد نموده است ودولت انگلستان ازروی کمال پاکی وصداقت نسبت باین خطر بدولت ایران تذکر داده وامیدوار است این اظهارات مورد توجه قرار گیرد .

چندی بعد هم تذکاریه‌هائی بین دولتین شوروی وانگلستان ووزارت امور خارجهٔ ایران رد وبدل شد که مؤید اظهارات انتونی ایدن وزیرامور خارجه انگلستان بود و دولتین نامبرده وجود متخصصین آلمانی را در ایران ستون پنجم یعنی جاسوسان آلمانی دانسته واخراج آنها راخواستارشدند.

دولت ایران درجواب تذکاریه‌های واصله ازطرف دول مزبوردولتین روسیه وانگلستان را مطمئن ساخت که نسبت برفتار اتباع بیگانه مراقبت کامل داشته اعمال و کردار آنها راتحت دقت مخصوص قرارداده است.

اطمینان خاطر دولت ایران و وعدهٔ مراقبت ودقت دررفتار اتباع بیگانه برای دولتین روسیه وانگلستان که تصمیم خود رانسبت بسرنوشت ایران گرفته بودند تأثیر نبخشید وساعت چهاربعد ازنصف شب دوشنبه سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ سفرای کبار دولتین مزبور بمنزل نخست وزیر ایران رفته یاد داشت مشترکی ازطرف دولتهای متبوع خود بمشارالیه تسلیم و شفاهاً اظهار داشتند که درهمین ساعت یعنی چهار بعداز نصف شب سوم شهریورماه ۱۳۲۰ درمرزهای شمالی وجنوبی وغربی ایران قوای مسلح روسیه وانگلستان دست بقوهٔ قهریه زده‌اند.

نخست وزیرهمان موقع ملاقات سفرای کبار روسیه وانگلستان و تسلیم یادداشت واظهارات شفاهی آنان رابااطلاع رضاشاه پهلوی پادشاه ایران که مردی مقتدر ودرتمام شئون کشور ذی نفوذ بود رسانید.

شاه ازاین واقعهٔ غیرمنتظره و تجاوز علنی و مسلحانه وبدون علت و سبب باستقلال وتمامیت ایران درحیرت و تعجب ماند و نتوانست عملیات جابرانهٔ دو دولت‌بزرگ راکه‌در زمان صلح‌همیشه دم ازعدالت بین‌المللی و طرفداری از ملل ضعیف میزدند و ظاهراً بهمین جهت هم‌با دولت آلمان

وارد جنگ شده بودند با اصول وقواعد بین‌المللی تطبیق دهد .

اخبار تلگرافی واصله از شهرستانهای کشور حاکی بود در همان ساعتی که سفرای کبار روس وانگلیس یاد داشتهای خودرا به‌نخست‌وزیر ایران داده بودند ناوهای جنگی‌انگلیس بساحل‌خرمشهر در جنوب‌نزدیک شده وبا حملهٔ مسلحانه ناوهای‌ایران را غرق‌وچندین ملوان وافسرازجمله فرمانده نیروی دریائی جنوب را بنام دریادار بایندر کشته وسربازان‌هندی و انگلیسی در ساحل پیاده و شهر اهواز را نیز بمباران کرده‌اند .

اخباروا‌طلاعات واصله ازشمال هم‌حاکی ازتجاوز سربازان روسی‌به استانهای آذربایجان و خراسان و بمباران شهرستانها و سربازخانه های واقع در شمال ایران بود.این پیش‌آمد ناگوارشاه راکه از عملیات‌جابرانهٔ همسایه‌های ایران درشگفت بود برآن داشت که‌سفرای دولتین نامبرده را بحضور طلبیده علت وسبب تجاوزغیر عادلانه ونابهنگام را استعلام کند.

در ملاقات مزبور که بیش ازیکساعت بطول انجامید جواب مستدل وقانع کننده‌ای به اعلیحضرت پادشاه ایران داده نشد ونتیجهٔ مثبتی بدست نیامد ناچار نخست وزیر جریان وقایع را برای اطلاع مردم بعد ازظهرروز سوم شهریور ماه در مجلس شورایملی‌طرح ونطقی دراین باره ایراد کرد که برای اطلاع خوانندگان ارجمند عیناً درج میگردد :

مطالبی که‌حالا باطلاع‌آقایان نمایندگان میرسدفقط برای گزارش جریانات اخیر و وقایعی است که روی داده . آقایان نمایندگان در این موضوع هر گونه اظهاراتی داشته باشند تمنا میشود به جلسات بعد موکول دارند .

بطوریکه از ابتدای وقوع جنگ کنونی بنا بفرمان ملوکانه مقرر

گردید دولت شاهنشاهی بیطرفی ایران را اعلام نمود وباتمام وسایل وقوای خود دقیقاً این سیاست را پیروی وبموقع اجرا گذاشته وبا یك رویهٔ صریح وروشنی درحفظ کشور ازخطر سرایت وقایع جنگ ودرصیانت حقوق مشروع تمام دول که با ایران روابط دارند بویژه دول همسایه کوشیده چنانکه تا حال بهیچوجه خطری در ایران ازهیچ طرف بهیچیك ازآنها متوجه نگردید با این حال دولت انگلیس و بعد از اتفاق آن دولت بادولت شوروی هردو متفقاً اظهاراتی مبنی برنگرانی از وجود یك عده آلمانی در ایران نمودند و دونوبت در تاریخ بیست وهشتم تیرماه وتاریخ بیست وپنجم مردادماه بر طبق اظهارات مزبور بوسیلهٔ نمایندگان خود تذکاریه‌هائی تسلیم داشتند که اخراج قسمت عمده‌ای از آلمانی‌های مقیم ایران را درخواست میکردند در پاسخ این اظهارات چه ضمن مذاکرات عدیدهٔ شفاهی وچه طبق تذکاریه‌های تاریخ هفتم مرداد وتاریخ سی‌ام مرداد کتباً اطمینانهای کافی درمراقبت‌های دولت ایران نسبت برفتار کلیهٔ اتباع بیگانه وعدم امکان بروز مخاطراتی از عدهٔ محدودی آلمانی که در ایران مشغول کارهای معینی هستند داده‌شد و برای مزید اطمینان دودولت اقدامات مقتضی برای کاستن عدهٔ معتنابهی از شمارهٔ آلمانی‌ها بعمل آمده وبجریان افتاد ومراتب مکرر چه درتهران وچه در مسکوولندن بمقامات مربوطهٔ دولت انگلستان و شوروی خاطرنشان وآنچه ممکن بود برای حصول اطمینان و روشن ساختن نظریهٔ آنها کوشش بعمل آمد.

متأسفانه با تمام این مجاهدات که دولت ایران بمنظور حفظ امنیت و آسایش کشور ووضع نگرانی دو دولت همسایهٔ خود نمود درعوض حسن تفاهم و تسویهٔ مسالمت آمیز قضیه نتیجه این شد که نمایندگان شوروی و انگلیس ساعت چهارصبح امروز بمنزل نخست وزیر رفته هرکدام یادداشتی

مبنی بر تکرار مطالب گذشته که‌جواب آنها با اقدامات اطمینان بخشی‌داده شده بود تسلیم نموده و در این یادداشتها توسل خود را به نیروی نظامی اخطار کرده‌اند و مطابق گزارشهائی که رسیده معلوم شد نیروهای نظامی آنها درتاریخ همان ساعت که نمایندگان‌مزبور در منزل نخست‌وزیر مشغول مذاکره بودند از مرزهای ایران تجاوز نموده‌اند نیروی هوائی شوروی در آذربایجان به بمباران شهرهای بازو بی‌دفاع پرداخته قوای زیاد ازجلفابه سمت تبریز اعزام شده است . درخوزستان قوای انگلیس به بندر شاهپور و خرمشهر حمله برده کشتی های ما را غافلگیر نمودند ونیروی‌هوائی آن دولت به اهواز بمب ریخته و همچنین قوای انگلیسی با وسایل موتوریزهٔ فوق‌العاده زیاد ازطرف قصرشیرین بسمت کرمانشاه درحرکت میباشد .

قوای متجاوز در هر نقطه که بانیروی‌ارتش شاهنشاهی مواجه‌شده‌اند طبعاً تصادم وزدو خوردی هم رخ داده است ودولت برای روشن ساختن‌علت و منظور این تجاوزات بفوریت مذاکره و اقدامات بعمل‌آورده و منتظر نتیجه میباشد که البته باستحضار مجلس شورای ملی خواهد رسانید .

چون فعلا منتظر نتیجهٔ مذاکرات هستیم تقاضا شد دراین جلسه‌غیر از استماع گزارش صحبتی‌نشودبعد بموقع مجلس‌را برای استحضارازنتیجهٔ مذاکرات و اتخاذ تصمیم خبر خواهیم داد .

دولت لازم میداند بعموم افراد کشور توصیه و تأکید نماید که در این موقع باید کمال خونسردی و متانت را بخرج داده و با رعایت آرامش رفتار نمایند .

روزهای بعد یعنی سوم و چهارم شهریور سربازان روسی و انگلیسی در شمال وجنوب و مغرب ایران بتجاوز مسلحانهٔ خود بدون توجه به

بیطرفی کشور ما ادامه داده وروبمرکز پیش تاختند و بعضی از شهرهارا از هوا بمباران نمودند و تاروز هشتم شهریور ماه که برابر با سی ام ماه اوت سال ۱۹٤۱ میلادی است دست از عملیات جنگی نکشیده تجاوز خود را تعقیب میکردند و با اینکه روز پنجم شهریور ماه رئیس دولت استعفا داد و دولت جدیدی بمنظور اینکه دولتین روس وانگلیس حاضر بمذاکره وسازش شوند روی‌کار آمدمعهذا نتیجه‌ای حاصل‌نگردید وتاخت‌وتازدشمنان کماکان ادامه داشت .

چون کم و بیش‌ازطرف قوای‌نظامی‌ایران هرجا بادشمن‌تماسی‌حاصل میشداقدام به زدوخورد ودفاع میگردید وبه طرفین‌تلفات وارد میآمد[۱] .

---

۱ ـ اطرافیان اعلیحضرت رضاشاه کبیر از قبیل وزراء و کارمندان مؤثر و عالیرتبهٔ دولت علاقهٔ چندانی بوظایف و تکالیف خودنداشتندوحتی عده‌ای ازآنهادر بعضی از مواردهم اگر توفیق می‌یافتندوجرأت میکردند از اخلال در امور خود داری نمی‌نمودند حادثهٔ ذیل را که درهمان‌روزهای تیرهٔجنگ وورودسپاهیان متفقین به‌ایران‌اتفاق‌افتادبرای نمونه‌ذکر میکنیم.

این‌حادثه‌حاکی‌ازعلاقهٔ‌اعلیحضرت‌رضاشاه کبیر بعظمت‌وسر بلندی‌ایران است واز حس وطنپرستی شدید وی سرچشمه میگیرد و همچنین بیعلاقه‌گی اطرافیان اورا بامور کشوربخوبی نشان میدهد این جریان عیناً ازیکی از جراید یومیهٔ عصرنقل میگردد :

افسران عالیرتبهٔ ارتش که عضویت شورایعالی جنگ راداشتند صبح آنروز(سوم شهریور ۱۳۲۰) جلسه‌ای تشکیل داده‌ولایحه‌ای راامضاء کرده بودند که طبق‌آن خدمت نظام وظیفه در کشورموقوف‌گردد وبتدریج افراد مرخص شوند وبرای‌آینده قشون داوطلب گرفته شود .

این پیشنهاد درحقیقت انحلال ارتش ایران بود و زحمات چند سالهٔ رضاشاه کبیر رادربرقراری‌نظام وظیفه‌درایران بهدرمیداد. شاه دستورداد امضاء کنندگان پیشنهاد بسعدآباد احضارشوند و همینکه همه جمع شدند شاه درحالی‌که ولیعهد نیزهمراه اوبود بافسران نزدیك شد وپرسید علت این‌پیشنهادچه بود وبرای چه‌آنراامضاء کرده اید . افسران ازچگونگی ـــ

دولت جدید بمنظور اثبات نیات خیر خواهانهٔ خود صلاح کشور رادرترك مخاصمه ومتارکهٔ خونریزی دانست ورئیس دولت درمجلس اعلام نمود که چون دولت و ملت ایـران صمیمانه طرفدار صلح و مسالمت بوده‌ومیباشد برای‌اینکه نیت تزلزل‌ناپذیرخود راکاملا برجهانیان مکشوف

برخورد شاه و شدت خشم اوبر خود لرزیدند و نتوانستند جواب قانع کننده‌ای بدهند.

این پیش آمد درست بدنبـال مرخص کردن سربازان لشگرهـای پایتخت بود که باوضع تأسف‌آوری چند هزارسرباز را از سربازخانه‌هـا بی‌پول و گرسنه خارج وآوارهٔ شهر وبیابانها کرده بودند همـان شب که سربازها مرخص شده وباوضع حزن انگیزی درخیابانها و کوچه‌های تهران سرگردان بودند ولولهٔ عجیبی در شهرافتاد ، نگرانی واضطراب شدیدی درمردم تولیدگردید وهمان‌شب بود که عدهٔ بیشماری ازتهران فرار کردند وسربازان گرسنه وبدبخت هم رو بدهات و شهرهای خود پیـاده و گرسنه روان گردیدند.

فردای آنروزبود که شاه فقید ازقضیه مستحضرگردید ومتأثرشد و بلافاصله دستورجمع‌آوری افراد راصادرکرد واتوموبیل‌هاوموتورسیکلتها درشهرها وجاده هـای خارج براه افتادند وعدهٔ زیادی ازسربازان آواره شده راجمع‌آوری وبسربازخانه‌ها برگرداندند.

این واقعهٔ دلخراش بتمام معنی حکایت ازکمك وتسریع دربهم‌ریختن اوضاع میکرد والاچگـونه ممکن بود چند هزار سرباز وظیفه رالخت و گرسنه ازسربازخانه‌هاخارج کنند وجیره ومواجب‌آنها راحیف ومیل نمایند بعلاوه صدورچنین امریه‌ای که کسی زیربـارآن نمیرفت ازمسائلی بـود که شاه فقید راسخت ظنین ساخته بود ازاینها گذشته گزارشاتی همان دوروز اول حادثه ازطرف افسران ستـاد وشورای جنگ تقدیم شاه فقید شده و اظهارعقیده کرده بودندکه نمیتوان هیچگونه مقاومتی باقوای مهاجم کرد و ترك مقـاومت وتسلیم را پیشنهاد نموده بودند واستقرار قوا را درچند کیلومتری پایتخت برای حفاظت شهرازهجوم قشون اجانب که بشکل نگین شهررا نگاهداری کنند امری بیهوده دانسته وباکمال تأسف نتوانستند یا نخواستند بچند هزارسرباز درچندکیلومتری تهران خوراك برسانند.←

سازد دراین موقع که ازجانب دو دولت شوروی وانگلستان اقدام بعملیاتی شده که ممکن است موجب اختلال صلح و سلامت گردد دولت پیروی از منویات صلح خواهانهٔ اعلیحضرت همایونی بقوای نظامی کشورهم اکنون دستورمیدهد که ازهر گونه عملیات مقاومتی خودداری نمایند تـا موجبات خونریزی واختلال امنیت مرتفع شود وآسایش عمومی حاصل گردد.

درحقیقت ازصبح روزهفتم شهریورمـاه قوای نظامی ایران ازهرنوع مقاومت وزدوخوردی دست برداشت وبهیچگونه عملیات جنگی اقدام نکرد ولی سربازان روسی وانگلیسی کماکان بطرف مرکزپیش میرفتند وحدی برای توقف خودقائل نبودند وتصورمیشد که میخواهند برتمام خاك کشور مسلط شوند. روزهیجدهم شهریورمـاه ۱۳۲۰ برابربانهم ماه سپتامبر سال ۱۹٤۱وزیرامور خارجهٔ ایراندرمجلس جریان مذاکرات دولت راباسفرای کباردولتین‌انگلیس وروس بیان‌داشت ونامه‌های متبادله راقرائت‌نموداولین نامهٔ صادره‌بعنوان‌سفرای کباردولتین‌انگلستان‌وروسیهٔ‌شوروی بدینقراراست:

این جریانات درفکرشاه دفیله میداد وهرثانیه برخشم او میافزود اما پیش‌آمدی رشتهٔ فکرشاه را مشوش تر وبدتر کرد و آن گزارشی بود که تلگرافچی قصر سعدآباد حضور شاه تقدیم نمود وآن گزارش حاکی از عبور قشون شوروی ازینگی امام (هشتگرد)راه قزوین بسمت‌تهران بود.

دراینموقع‌حالت‌شاه تغییر کردو گویاانحرافی‌درفکرش پیداشدجلوی دونفرازافسران‌رفت‌وبافشاردست‌درجات آنهارا ازروی شانه ولباسشان پاره کرد ودستورداد که این دونفرراتوقیف کنند وبدون‌اینکه دیگرحرفی بزند راه خود را پیش گرفت وازیکی ازخیابانهای سعدآباد عبور کرد و رفت، افسران دیگر نفسی براحتی کشیدند و با عجله بشهربازگشتند.

این‌بود متن مقاله‌ای که دربارهٔ وقایع شوم‌شهریورماه۱۳۲۰دریکی ازجرایدیومیهٔ‌عصرتهران‌درج‌شده بود وعیناً برای‌اطلاع خوانندگان گرامی نقل شد. (مترجم)

دولت ایران با رعایت سیاست بیطرفی پیوسته کوشش داشته است مناسبات دوستانهٔ خود راباتمام دول بویژه بادول همسایه محفوظ بدارد در اینموقع هم که نیروی جنگی دولتین وارد خاك ایران گردیده‌اند دولت ایران برای ابراز کمال حسن نیت وحفظ مناسبات اقدام بجنگ ننمود با اینحال قوای آندولت اقدام بعملیات‌جنگی وبمباران شهرها نموده ونیروی پادگان‌ایران درشهرستانها هم‌درمقابل حمله‌ای که بآنها شده‌است ناگزیر ازخود دفاع ومقاومت نموده‌اند ولی دستور داده شد که نیروی دولتی بکلی ترك مقاومت نموده از هرگونه اقدامی خودداری کنند انتظار دارد قوای آندولت هم حرکت خود رامتوقف ساخته عملیات جنگی رامتروك دارد.

جواب دولتین انگلستان و روسیهٔ شوروی بنامهٔ فوق‌الذکر بشرح ذیل است :

۱ـ دولت ایران باید امرصادر نماید که ارتش ایران بدون مقاومت بیشتری ازشمال وشرق خطی که ازخانقین وکرمانشاه وخرم آباد ومسجد سلیمان وهفت کل وگچساران وازآنجا ببندر دیلم که درخلیج فارس واقع شده است عقب نشینی نماید.

درشمال هم ارتش ایران باید ازاشنو وحیدرآباد و میاندوآب و زنجان و قزوین وخرم‌آباد و بابل وزیرآب وسمنان وشاهرود وعلی‌آباد عقب نشینی کنند وموقتاً این نقاط درجنوب بوسیلهٔ ارتش انگلیس ودرشمال بوسیلهٔ ارتش شوروی اشغال گردند.

۲ـ دولت ایران باید ظرف یك هفته کلیهٔ اتباع آلمان راباستثنای اعضای حقیقی سفارت آلمان وچندنفر اشخاص‌فنی که دربنگاههای مخابراتی ونظامی نباشند ازایران خارج نموده وصورت اسامی آلمانی‌های مزبور را

برای موافقت نمایندگان انگلیس وشوروی درتهران تسلیم نماید ودولت باید تعهد کند که اتباع آلمانی دیگر بخاك ایران وارد نشوند .

۳ ـ دولت ایران باید تعهد نماید که مانعی در راه حمل و نقل لوازمی که شامل ادوات جنگی نیز خواهد بود واز وسط خاك ایران بین نیروهای شوروی وانگلیس بعمل خواهد آمد قرار نداده بلکه تعهد نماید وسایل تسهیل حمل ونقل این قبیل لوازم را که بوسیلهٔ راه‌آهن ویا ازطریق هوا حمل میشود فراهم سازد .

درمقابل دولتین انگلیس وشوروی موافقت مینمایند که :

الف ـ حقوق مربوط بنفت وغیرهٔ ایران را کمافی‌السابق بپردازند .

ب ـ وسایل تسهیل لوازم مورد احتیاجات اقتصادی ایران رافراهم‌سازند.

ج ـ پیشروی زیادتر نیروهای خودرا متوقف ساخته وبمحض اینکه وضعیت نظامی اجازه دهد ارتش خودرا ازخاك ایران خارج نمایند.

د ـ علاوه براین دولت ایران تعهد نماید که بیطرفی خود را ادامه داده وهیچگونه عملی که برخلاف منافع دولتین انگلیس وشوروی باشددر این مبارزه که براثر تجاوز آلمان برآنها تحمیل گردیده است ننماید .

دولت ایران تقریباً تمام تقاضاهای دولتین انگلستان وروسیهٔ شوروی را قبول واصلاحات جزئی پیشنهاد نمود که مورد موافقت دودولت نامبرده واقع نشد وتمام درخواستهای آنان بموقع اجرا درآمد معهذا به بهانه های مختلف سربازان دول مذکور حرکت خودرا متوقف نساختند ومخصوصاً قوای روسیه ازقزوین عازم تهران شد که آنجا را تصرف کند .

رضا شاه که برخلاف میل باطنی باجبار تن به تقاضا های اجانب داده بود چون عهدشکنی وتخلف ازپیشنهادات آنانرا دید یقین حاصل کرد که

آنچه تا کنون مورد مذاکره وبحث قرار گرفته واوقات دولت ایران را بخود مشغول داشته بهانه‌ای بیش‌نیست ودولتین انگلستان وروسیهٔ شوروی معناً با سلطنت وبرقراری پادشاهی وی مخالف هستند بدین جهت برای جلوگیری ازخرابی کشور وقتل وغارت که ممکن بودبدست قوای بیگانه صورت گیرد به صلاح مردم ایران تصمیم گرفت که ازسلطنت استعفا داده و کناره گیری کند وقبل ازظهر روز بیست وپنجم شهریور ماه سال ۱۳۲۰ برابر باشانزدهم ماه سپتامبر سال ۱۹۴۱ نخست‌وزیر کناره گیری رضاشاه پهلوی را ازسلطنت بشرح ذیل درمجلس رسماً اعلام داشت :

یکی ازمهمترین قضایاوامور را که واقع‌شده است‌باید بعرض‌مجلس شورایملی وباطلاع عموم ملت برسانم وآن‌این است که اعلیحضرت رضاشاه پهلوی بموجباتی که حالا خواهم گفت اراده کرده اند که ازسلطنت کناره کنند وامر سلطنت را بجانشین قانونی خودشان تفویض فرمایند ایشان استعفا نامه‌ای نوشته‌اند ووالاحضرت همایون ولایت‌عهد زمام‌امور رابدست گرفتند . متن استعفا نامهٔ ایشان این است .

نظر باینکه همهٔ قوای خودرا دراین چندساله مصروف امور کشور کرده وناتوان شده‌ام حس میکنم که اینك وقت‌آن رسیده است که قوه و بنیهٔ جوانتری بکار کشور که مراقبت‌دائم لازم‌دارد بپردازد که اسباب‌سعادت ورفاه ملت را فراهم‌آورد بنابراین امور سلطنت‌را بولیعهد وجانشین خود تفویض وازکار کناره‌نمودم ازامروز که روزبیست وپنجم شهریور ۱۳۲۰ است عموم‌ملت از کشوری ولشکری ولیعهد وجانشین قانونی مرا بایدبه سلطنت بشناسند وآنچه ازپیروی مصالح کشور نسبت‌بمن میکردند نسبت بایشان منظوردارند .کاخ مرمر تهران بیست وپنجم شهریور۱۳۲۰ . رضاشاه

ضمناً اعلیحضرت جدید مرا مأمور فرمودند باطلاع مجلس شورای ملی برسانم که در امر ملك و مملکت داری کاملا یك پادشاه قانونی هستند و تصمیم قطعی ایشان بر این است که قانون اساسی ومصالح عالیهٔ دولت و مملکت وملت ایران را کاملا رعایت کرده ومحفوظ بدارند امیدوارم این سلطنت نو بر ملت ایران مبارك باشد وتقاضا میکنم فردا باز مجلس شورای ملی تشکیل شود که اعلیحضرت همایونی تشریف آورده بوظایف قانونی خودشان عمل کنند .

روز بیست وهشتم شهریور ماه ۱۳۲۰ محمدرضا شاه پهلوی پادشاه جدید درجلسهٔ علنی مجلس شورای ملی حاضر وقسم نامه را که متن آن بقرار ذیل است :

بسمه تعالی

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته به کلام‌الله مجید وبآنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام‌هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت وحقوق ملت را محفوظ ومحروس بدارم قانون اساسی مشروطیت را نگهبان وبرطبق آن وقوانین مقرره سلطنت نمایم ودر ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم ودرتمام اعمال و افعال خداوند عزشأنه را حاضر وناظر دانسته منظوری جزسعادت وعظمت دولت وملت ایران نداشته باشم وازخداوند متعال درخدمت به ترقی ایران توفیق می‌طلبم وازارواح طیبهٔ اولیاء اسلام استمداد میکنم .

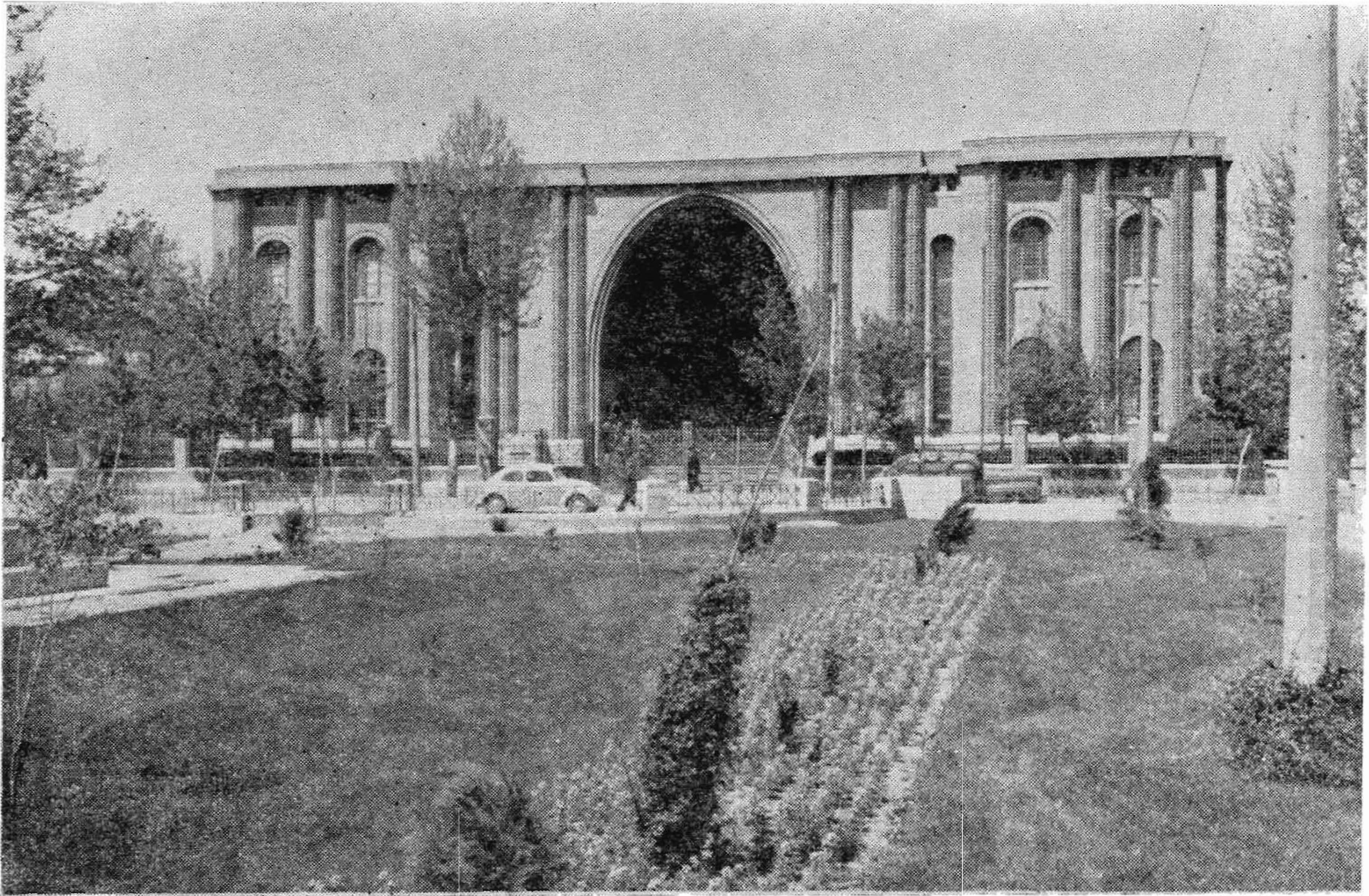
خواندند وامضاء کردند وسپس خطابه ای مبنی بر رعایت اصول مشروطیت مخصوصاً تفکیك قوا واحترام به قانون اساسی ولزوم همکاری

دولت ومجلس قرائت کردند وباین طریق رسماً برتخت سلطنت نشستند و پادشاه قانونی کشور شدند .

رضاشاه بعد ازاعلام کناره گیری خود ازسلطنت بااتوموبیل بطرف اصفهان و کرمان حرکت کردند وقرارشد با کشتی پستی موسوم‌به (بندرا) به‌هندوستان‌وازآنجا به‌شیلی واقع درامریکای جنوبی بروند. رضاشاه پس‌از عزیمت ازتهران بمنظور رسیدن کشتی بندرا به بندر عباس چند روزی در اصفهان‌توقف کردنددرهمین ایام‌کلیهٔ اموال منقول وغیر منقول خود را به فرزندش‌اعلیحضرت‌همایون‌محمدرضاشاه پهلوی بخشیدندتابمقتضای مصلحت کشور به مصرف امور خیریه وفرهنگی برسانند . متن صلحنامهٔ صادره از طرف اعلیحضرت رضا شاه کبیر بدین قراراست :

بنام خداوند متعال

چون‌ازابتدای تأسیس وتشکیل سلطنت خود پیوسته درفکرعمران وآبادی کشور بوده واین مطلب را در مقدمهٔ برنامهٔ اصلاحات کشور خود قرار داده بودم وهمواره درنظر داشتم‌آن رویهٔ عمران سرمشق‌کلیهٔ صاحبان زمین واملاك گردد تادرموقع خود بتوانم ازثمرهٔ این املاك‌کلیهٔ ساکنین و رعایای کشور خودرا بهره‌مندسازم این‌فرصت دراین موقع که فرزندارجمند عزیزم اعلیحضرت محمدرضا شاه‌پهلوی زمام امور کشوررا بدست گرفته‌اند حاصل شده است بنابراین مصالحه نمودم‌کلیهٔ اموال ودارائی خود را اعم از منقول‌وغیر منقول وکارخانجات وغیره ازهرقبیل که باشد بایشان بمال‌الصلح ده گرم نبات موهوب تابمقتضای مصالح کشور بمصارف خیریه وفرهنگی و غیره بهرطریقی که صلاح بدانند برسانند .



موزهٔ ایران باستان ازآثار دورهٔ سلطنت رضاشاه کبیر

رضا شاه کبیر روزپنجم مهرماه ازبندر عباس به کشتی پستی بندرا نشستندوبسمت‌هندوستان‌حرکت کردندوامیدوار بودندهمانطوریکه‌وعده‌داده بودند وسایل عزیمت ایشان را به کشور شیلی در امریکای جنوبی فراهم سازند اماچون کشتی بندرا انگلیسی بود برخلاف وعده وتعهد فوق‌الذکر انگلیسیها معظم‌له رابجزیرهٔ موریس واقع در افریقای جنوبی که ازجزایر بدآب وهوا میباشد بردند ورضاشاه ازاین عهد شکنی انگلیسیها خصوصاً اینکه اورا درجزیرهٔ بدآب وهوائی پیاده میکنند بسیار ملول ومکدرشد و پس ازآن این پادشاه وطن پرست و عالیقدررا بجزیرهٔ ژوهانسبورگ انتقال دادند که قدری قبل‌ازطلوع آفتاب روزچهارشنبه چهارم مرداد ماه‌سال۱۳۲۳ درجزیرهٔ اخیرالذکر دارفانی را وداع گفت وبا مرگ این پادشاه‌وطن-پرست وفداکار کشور ایران یکی ازلایق‌ترین‌وگرامی‌ترین‌فرزندان خودرا ازدست داد ولی باید باطلاع خوانندگان ارجمند برسانم که کشورو‌ملت ایران فداکاریها و اصلاحات اساسی این مرد بزرگ راکه درتمام شئون اداری واجتماعی درزمان سلطنت خود بعمل آورده است ودرفصول گذشته بتفصیل در این باره بحث شده است فراموش نخواهد کرد و همانطوریکه نویسندهٔ این کتاب دریادداشت دوم خود نوشته است باید نام رضاشاه کبیر جزءِ فرمانروایان بزرگ درتاریخ جاویدان ثبت گردد .

فصل پنجاه ودوم

پیمان اتحاد سه گانه

درموقعیکه جنگ دوم جهانی درسراسر کرهٔ ارض جریان داشت و کشور ایران ازطرف قوای متفقین اشغال شده بود اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی پادشاه جوان ایران و شادروان محمد علی فروغی نخست وزیر وسیاستمدار باتدبیر آن زمان بافعالیت های شبانه روزی بانمایندگان تام الاختیار کشور های انگلستان وروسیهٔ شوروی مشغول مذاکره شدند و پس از مدت ها گفتگو وتبادل نظر پیمان اتحاد سه گانه‌ای بادو کشور مذکور منعقد ساختند که چون این پیمان درتاریخ کشور ایران بسیارمؤثر است برای اطلاع خوانندگان گرامی درج میگردد .

این پیمان روزپنجشنبه نهم بهمن ماه ۱۳۲۰ (۲۹ ژانویه ۱۹۴۲) ساعت هیجده وپانزده دقیقه درکاخ وزارت‌امور خارجه بامضاءِ رسید .

پیمان اتحاد

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران ازیکطرف واعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر وایرلندومستملکات انگلیس ماوراء بحاروامپراطورهندوستان

وهیئت رئیسهٔ شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از طرف دیگر، نظر باصل منشور اتلانتیك که رئیس جمهور دول متحدهٔ امریکا و نخست وزیر دولت انگلستان درچهاردهم ماه اوت ۱۹۴۱ بر آن توافق کرده و بجهان اعلام نموده‌اند ودولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیز دربیست و چهارم سپتامبر ۱۹۴۱ اصل مزبور راتأیید نموده ودولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران هم توافق کامل خودرا باآن اصل ابراز مینمایند ومایلند که باملل دیگر جهان بطور یکسان از آن بهره‌مندشوند وچون آرزومند میباشند که رشتهٔ دوستی وحسن تفاهم فیمابین استوار شودونظر باینکه این مقاصد بوسیلهٔ عقد پیمان اتحاد بهتر حاصل میشود؛ توافق نمودند که برای این منظورپیمانی منعقدسازند ونمایندگان مختارخودرا ازاین قرار تعیین نمودند:

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران :

جناب آقای علی سهیلی

وزیر امور خارجهٔ شاهنشاهی

اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر وایرلندومستملکات انگلیس ماوراء بحار وامپراطورهندوستان بنام مملکت متحدهٔ بریتانیای کبیر وایرلند شمالی :

جناب آقای سر ریدر ویلیام بولارد

وزیرمختار ونمایندهٔ فوق‌العاده اعلیحضرت پادشاه انگلستان درایران

هیئت رئیسهٔ شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی :

جناب آقای اندریویچ اسمیرنوف

سفیر کبیر فوق‌العاده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درایران .

ونمایندگان مزبور اختیارات تامهٔ خود را ارائه نمودند که صحیح ومعتبر بوده وبرمقررات ذیل موافقت کردند :

فصل اول

اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر وایرلند ومستملکات انگلیس ماوراءِ بحار وامپراطور هندوستان وهیئت رئیسهٔ شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (که ازاین پس آنهارادول متحده‌خواهیم نامید)مشترکاً وهریك منفرداً تعهد میکنند که تمامیتٔ خاكِ ایران وحاکمیت واستقلال سیاسی ایران را محترم بدارند .

فصل دوم

مابین دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران از یکطرف ودول متحده ازطرف دیگر پیمان اتحادی بسته میشود .

فصل سوم

۱ ـ دول متحده مشترکاً وهریك منفرداًمتعهد میشوند که بجمیع وسایلی که دراختیار دارند ایران را درمقابل هرتجاوزی ازجانب آلمان یا هردولت دیگر دفاع نمایند .

۲ ـ اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران متعهد میشوند که :

الف ـ بجمیع وسایلی که دردست دارندوبهر وجه ممکن‌شود بادول متحده همکاری کنند تعهد فوق انجام یابد ولیکن معاضدت قوای ایرانی محدود بحفظ‌امنیت داخلی درخاك ایران‌خواهد بود .

ب ـ برای‌عبورلشکریان‌یامهمات‌ازیك‌دولت‌متحدبدولت‌متحد دیگریا

برای مقاصد مشابه دیگر بدول متحده حق غیرمحدود بدهند که آنها جمیع وسایل ارتباطی را درخاك ایران بکارببرند ونگاهداری کنند وحفظ بنمایند ودرصورتیکه ضرورت نظامی ایجاب نماید بهرنحوی که مقتضی بدانند دردست بگیرند. راههای آهن وراهها ورودخانه‌ها ومیدانهای هواپیمائی وبنادر ولوله‌های نفت وتأسیسات تلفنی وتلگرافی وبی‌سیم مشمول این فقره میباشند.

ج- هر نوع مساعدت وتسهیلات ممکنه بنمایند که برای منظور نگاهداری وبهبود وسائل ارتباطیهٔ مذکور درفقرهٔ (ب) مصالح وکارگر فراهم شود.

د - باتفاق دول متحده هرگونه عملیات سانسوری که نسبت بوسایل ارتباطیهٔ مذکور درفقرهٔ (ب) لازم بدانند برقرار کنند ونگاه بدارند.

۳ - واضح ومسلم است که دراجرای فقرات (ب - ج - د) ازبند دوم این فصل دول متحده حوائج ضروری ایران راکاملا منظور نظر خواهند داشت.

فصل چهارم

۱ - دول متحده میتوانند درخاك ایران قوای زمینی ودریائی وهوائی بعده‌ای که لازم بدانند نگاه دارند وتاجائیکه مقتضیات استراتژیك اجازه بدهد نقاطیکه این قوا آنجا نگاهداشته خواهندشد باموافقت دولت ایران تعیین خواهد شد. جمیع مسائل مربوط بروابط بین قوای دول متحده و ادارات دولت ایران حتی‌الامکان باهمکاری ادارات ایران تسویه خواهدشد بنحوی که مأمونیت قوای مزبور محفوظ باشد. مسلم است که حضور این قوا درخاك ایران اشغال نظامی نخواهد بودونسبت بادارات وقوای تأمینیهٔ ایران وزندگانی اقتصادی کشور ورفت وآمد عادی سکنه واجرای قوانین ومقررات ایران هرقدر ممکن باشد کمتر مزاحمت خواهند نمود.

۲ ـ هرچه زودتر ممکن شود بعد ازاعتبار یافتن این پیمان یك‌یا چند قرارداد راجع بتعهدات مالی که دول متحده بسبب مقررات این فصل وفقرهٔ (ب ـ ج ـ د) ازبند دوم فصل سوم برعهده خواهند داشت درامور از قبیل خرید های محلی واجازهٔ ابنیه وتأسیسات صنعتی وبکار گرفتن کارگران ومخارج حمل‌ونقل وامثال آن فیمابین منعقد خواهدشد . قرارداد مخصوصی منعقدخواهدشد مابین دول متحده ودولت شاهنشاهی ایران که معین خواهد کرد که بعد ازجنگ ابنیه واصلاحات دیگری که دول متحده در خاك ایران انجام داده‌باشندبچه‌شرایط بدولت شاهنشاهی ایران واگذارمیشوددر قراردادهای‌مزبور مصونیتهائی‌هم که‌قوای‌دول متحده‌درایران‌ازآن برخوردار خواهند بود مقرر خواهد گردید .

فصل پنجم

پس ازآنکه‌کلیه مخاصمه مابین دول متحده بادولت‌آلمان وشرکای آن بموجب یك‌یا چند قرارداد متارکهٔ جنگ متوقف شد دول متحده در مدتیکه زیاده از ششماه نباشد قوای خود را ازخاك ایران بیرون خواهند برد واگر پیمان صلح مابین‌آنها بسته شد ولواینکه قبل ازششماه بعد از متارکه باشد. بلافاصله‌قوای خود را بیرون خواهند برد . مقصود ازشرکای دولت‌آلمان هردولت دیگری‌است که‌اکنون یادرآینده‌بایکی ازدول‌متحده بنای مخاصمه گذاشته یابگذارد .

فصل ششم

۱ ـ دول متحده متعهد میشوند که درروابط خودبا کشور های دیگر

روشی اختیار نکنند که بتمامیت خاك وحاکمیت یااستقلال سیاسی ایران مضر باشد وپیمانهائی نبندند که بامقررات این پیمان منافات داشته باشد ومتعهد میشوند که درهر امری که مستقیماً بامنافع ایران مرتبط باشد با دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مشاوره نمایند .

۲ ـ اعلیحضرت همایون شاهنشاه متعهد میشوند که در روابط خود باکشور های دیگرروشی اختیار نکنند که بااتحاد منافی‌باشد یاپیمانهائی منعقد نکنند که بامقررات این پیمان منافات داشته باشد .

فصل هفتم

دول متحده مشترکاً متعهد میشوند کـه بهترین مساعی خودرا بکار ببرند که حیات اقتصادی ملت ایران را درمقابل تضییقات واشکالاتی که در نتیجهٔ جنگ حاضر پیش بیاید محفوظ بدارند .

پس ازآنکه این پیمان اعتبار یافت برای بهترین وجه عمل کردن باین تعهد مابین دولت ایران ودول متحده مذاکرات شروع خواهد شد .

فصل هشتم

مقررات این پیمان مابین اعلیحضرت همایون شاهنشاه وهر یك از دوطرف معظم متعـاهد دیگر مـانند تعهدات دوطرفی یکسان الزام آور است .

فصل نهم

این پیمان پس ازامضاء معتبر است وتـا تاریخی که برای بیرون

بردن قوای دول متحده ازخاك ایران برطبق فصل پنجم مقرر شده باعتبار باقی خواهد بود .

بنابراین نمایندگان مختار مذکور درفوق این پیمان‌راامضاء ومهر کرده‌اند .

درتهران بسه نسخه فارسی وانگلیسی وروسی تحریر شد وهرسه نسخه یکسان معتبر خواهد بود .

علی سهیلی
ر . دبلیو . بولارد
ا . اسمیرنوف

ضمیمهٔ اول

سفارت کبرای اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی درایران

تهران ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ *

آقای وزیر

باعطف به بند اول ازفصل ششم ازپیمان اتحادی که امروز امضا شد مفتخراً ازجانب‌دولت اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی بجنابعالی‌اطمینان میدهم که‌مقررات‌این‌بندرا دولت متبوع‌من‌چنین‌معنی‌میکنند که‌آن‌مقررات بهر کنفرانس صلحی‌خواه‌یك کنفرانس خواه کنفرانسهای‌متعدد که درپایان جنگ حاضر منعقد شود وهمچنین بکنفرانسهای بین‌المللی دیگر تعلق خواهد گرفت‌وبنابراین‌متعهدمیشوند که در کنفرانسهای مزبورهیچ امری‌را که بتمامیت خاك ایران وحاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد تصویب ننمایند ونیز در کنفرانسهای مزبور وارد هیچ مذاکرهٔ نشوند که

بمنافع مستقیم ایران مرتبط باشد مگر اینکه بادولت ایران مشاوره کنند .

علاوه براین دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نهایت کوشش رابکار خواهند برد که ایران درمذاکرات صلحی که مستقیماً بمنافع او مرتبط باشد بادول دیگر بطور تساوی نماینده داشته باشد .

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

ا . اسمیرنوف

جناب آقای علی سهیلی

وزیر امور خارجهٔ شاهنشاهی ایران - تهران

☆ ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ مطابق است با ۹ بهمن ۱۳۲۰

ضمیمهٔ اول

سفارت انگلیس - تهران

۹ بهمن ۱۳۲۰

آقای وزیر

باعطف به بند اول از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضا شد مفتخراً از جانب دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بجنابعالی اطمینان میدهم که مقررات این بند را دولت متبوع من چنین معنی میکنند که آن مقررات بهر کنفرانس صلحی خواه یك کنفرانس خواه کنفرانس های متعدد که درپایان جنگ حاضر منعقد شود وهمچنین بکنفرانسهای بین المللی دیگر تعلق خواهد گرفت و بنابراین متعهد میشوند که در کنفرانسهای مزبور هیچ امری را که بتمامیت خاك ایران وحاکمیت یااستقلال سیاسی ایران مضر باشد تصویب ننمایند ونیز

در کنفرانسهای مزبور وارد هیچ مذاکرهٔ نشوند که بمنافع مستقیم ایران مرتبط باشد مگر اینکه بادولت ایران مشاوره کنند.

علاوه براین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نهایت کوشش رابکار خواهند برد که ایران درمذاکرات صلحی که مستقیماً بمنافع اومرتبط باشد بادول دیگر بطور تساوی نماینده داشته باشد.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید.

ر . دبلیو . بولارد

جنـاب آقـای علی سهیلی

وزیر امور خارجهٔ شاهنشاهی ایران - تهران

ضمیمهٔ دوم

وزارت امور خارجه

شمارهٔ (۴۹۵۲)

تاریخ نهم بهمن ۱۳۲۰

آقای سفیر کبیر

باعطف به بند دوم‌ازفصل ششم ازپیمان اتحادی که‌امروز امضا شد مفتخراً ازجانب‌دولت ایران‌بجنابعالی‌اطمینان میدهم که‌دولت‌ایران‌بنابربند مزبور خلاف تعهدات خود میداند که چنانچه این دودولت هردوبا دولت

دیگری روابط سیاسی نداشته باشند دولت ایران با آن دولت روابط سیاسی نگاه بدارد .

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

علی سهیلی

جناب آقای آندره آندریویچ اسمیرنوف

سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - تهران

ضمیمه دوم

وزارت امورخارجه

شمارهٔ (۴۹۵۲)

تاریخ نهم بهمن ۱۳۲۰

آقای وزیر مختار

باعطف به بند دوم ازفصل ششم ازپیمان اتحادی که امروزامضاءِ شد مفتخراً ازجانب دولت ایران بجنابعالی اطمینان میدهم که دولت ایران بنابربند مزبور خلاف تعهدات خود میداند که چنانچه این دودولت هردو بادولت دیگری روابط سیاسی نداشته باشند دولت ایران باآندولت روابط سیاسی نگاه بدارد .

موقع رامغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

علی سهیلی

جناب سر ریدرویلیام بولارد

وزیرمختار ونمایندهٔ فوق‌العادهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلستان - تهران

ضمیمه سوم

سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

درایران

تهران ۲۹ ژانویهٔ ۱۹۴۲

آقای وزیر

افتخار دارم از طرف دولت (اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی) بجنابعالی اطمینانهای زیررا ابلاغ نمایم :

۱ـ راجع بفقرهٔ (۲) فصل سوم ازپیمان اتحادی که امروزامضا شده است دول متحده از دولت ایران معاضدت قوای نظامی اورادرهیچ جنگ ویا عملیات نظامی برضد یك یاچند دولت خارجه تقاضا نخواهند نمود .

۲ـ راجع بفقرهٔ (۲) فصل ٤ مسلم است که این پیمان متضمن شرایطی نیست که مستلزم آن باشد که دولت ایران مخارج عملیاتی راکه دول متحده برای مقاصد نظامی خود انجام داده باشند وبرای حوائج ایران ضرورت نداشته باشد عهده‌دار شوند .

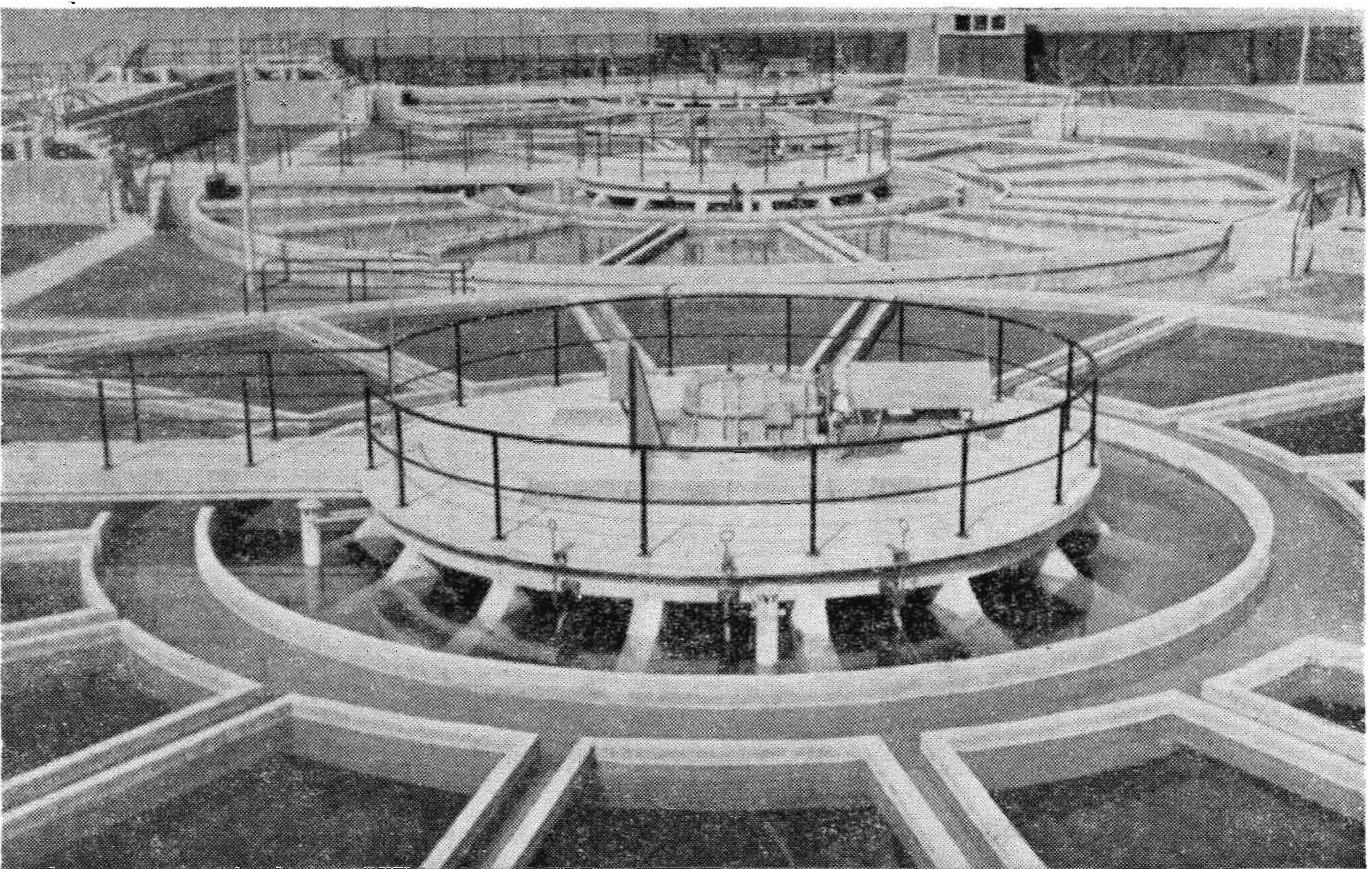
۳ـ مسلم است درصورتی هم که پیمان مطابق مقررات فصل نهم قبل از انعقاد صلح از درجهٔ اعتبار ساقط شود ضمیمهٔ یك بازبقوت خود باقی خواهد ماند .

موقع رامغتنم شمرده احترامات فائقه راتجدید مینماید .

ا . اسمیرنوف

جناب آقای علی سهیلی

وزیر امورخارجهٔ دولت شاهنشاهی ایران ـ تهران



تصفیه خانهٔ آب تهران که در زمان سلطنت اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی بنا گردیده است .

ضمیمهٔ سوم

سفارت انگلیس ـ تهران

۹ بهمن ۱۳۲۰

آقای وزیر

افتخار دارم ازطرف دولت (اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ممالك متحده) بجنابعالی اطمینانهای زیر را ابلاغ نمایم:

۱ ـ راجع بفقرهٔ (۲)فصل سوم از پیمان‌اتحادی که امروز امضاشده است دول متحده از دولت ایران معاضدت قوای نظامی او را درهیچ‌جنگ و یاعملیات نظامی برضدیك یاچند دولت خارجه تقاضا نخواهند نمود.

۲ ـ راجع بفقرهٔ(۲) فصل ٤ مسلم است که این پیمان‌متضمن‌شرایطی نیست که مستلزم‌آن‌باشد که دولت‌ایران مخارج عملیاتی را که دول‌متحده برای‌مقاصد نظامی‌خود انجام داده باشندو برای‌حوائج‌ایران ضرورت‌نداشته باشد عهده دار شوند.

۳ ـ مسلم است در صورتی هم که پیمان مطابق‌مقررات فصل‌نهم‌قبل ازانعقادصلح‌ازدرجهٔ‌اعتبارساقط شود ضمیمهٔ‌یك‌باز بقوت‌خودباقی‌خواهدماند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید.

ر . دبلیو . بولارد

جناب آقای علی سهیلی

وزیر امور خارجهٔ دولت شاهنشاهی ایران ـ تهران

بمناسبت امضای پیمان اتحاد سه گانه تلگرافاتی بین مرحوم‌فروغی

نخست وزیر ایران ونخست وزیر انگلستان ورئیس شورای کمیسرهای ملی شوروی رد وبدل شده‌است که متن آن دراینجا درج میگردد :

جناب آقای استالین رئیس شورای کمیسرهای
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مسکو

اجازه میخواهم مراتب تقدیرکامل واحساسات قلبی خودرا بمناسبت امضای پیمان اتحادبین ایران واتحاد جماهیرشوروی وانگلستان بجنابعالی اظهاردارم یقین دارم که‌این پیمان موجب تشیید‌مناسبات دوستی‌وحسن‌تفاهم بین دو کشور ماخواهد شد وایران واتحاد جماهیر شوروی ازمزایای‌همکاری که براساس احترام منافع متقابل استوار است بهره‌مند خواهند گردید .

م . ع . فروغی

نخست وزیرایران ۱۳۲۰/۱۱/۱۱

***

جناب آقای فروغی نخست وزیرایران تهران

جناب آقای نخست وزیر بمناسبت امضای پیمان اتحاد بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وبریتانیای کبیر و ایران بجنابعالی وبوسیله آنجناب بدولت ایران‌صمیمانه‌شادباش میگویم‌قویاً‌اطمینان دارم که‌مناسبات اتحاد نوین بین کشورهای ما دوستی بین مردم‌ایران و مردم اتحاد جماهیر شوروی را تحکیم مینمایدو بنفع کشورهای‌ما باموفقیت‌توسعه‌خواهدیافت .

ی ـ استالین

رئیس شورای کمیسرهای ملـی اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی

۱۳۲۰/۱۱/۱۲

جناب آقای وینستون چرچیل **لندن**

بمناسبت امضای پیمان اتحاد بین بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی و ایران بدین وسیله استظهارخودرا ابراز و امیدوارم که این پیمان منافع متقابله را دربرداشته وموجب تشیید مناسبات دوستانه وحسن تفاهم بین دو کشورخواهدبود ضمناً اجازه میخواهم که مراتب تقدیرکامل واحساسات قلبی خود را بمناسبت تشریك مساعی آنجناب درحفظ منافع ایران تقدیم دارم.

م . ع . فروغی

نخست وزیر ایران

۱۳۲۰/۱۱/۱۱

***

جناب آقـای محمدعلی فروغی نخست‌وزیر ایران **تهران**

از تلگراف شادباش جنابعالی بمناسبت امضای پیمان اتحاد نهایت متشکرم این نخستین مرتبه‌ایست که ایران وبریتانیای کبیرواتحادجماهیر شوروی گرد هم آمده و برای منظور مشترك ومنافع متقابله هم‌عهد گشته‌اند مساعی جمیله‌ای که جنابعالی درایجاداین حسن تفاهم بکار برده‌ایدفال نیکی است برای آینده.

وینستون چرچیل

۱۳۲۰/۱۱/۱۲

فصل پنجاه وسوم

اعلامیهٔ ملل متحده ـ اعلام جنگ ایران به آلمان ـ اعلامیهٔ سران سه دولت

در تاریخ اول ژانویه سال ۱۹۴۲ مطابق با یازدهم دیماه ۱۳۲۰ در شهر واشنگتن پیمان اتحادی بین بیست وشش کشور برعلیه محور امضاء شد که این پیمان بعداً بنام اعلامیهٔ ملل متحده (Declaration by United Nations) معروف گردید ـ واینك متن آن برای اطلاع خوانندگان ارجمند درج میگردد.

نظر باینکه دول امضاء کننده به برنامهٔ مشترك اصول ومقاصد مندرجه در اعلامیهٔ رئیس جمهوری کشورهای متحدهٔ امریکا ونخست وزیر بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی مورخ ۱۴ اوت ۱۹۴۱ معروف به منشور اتلانتیك ملحق شده اند ونظر باینکه یقین دارند دفاع از جان وآزادی و استقلال و حریت مذهبی و همچنین صیانت حقوق بشرو اجرای عدالت در کشورهای خود و کشورهای دیگر مستلزم اینست که بر دشمنان خودکاملا مظفر و پیروز گردند ونظر باینکه هم اکنون مشترکاً بمبارزه برعلیه قوای خشن و وحشی که درصدد است دنیارا تحت سلطه و انقیاد خود در آورد مشغول هستند علیهذا اعلام میدارند :

۱ ـ هریك از دول امضاء کننده متعهد میشود کلیهٔ منابع اقتصادی و نظامی خودرا برعلیه آن عضو یا اعضای دول پیمان سه گانه ومتحدینشان

که با آنها درحال جنگ است بکار برد .

۲ ـ هریك از دول امضاء کننده متعهدمیشود باسایر دول امضاء کننده همکاری کرده به ترك مخاصمه وصلح جداگانه با دشمنان مشترك مبادرت ننماید.

ملل دیگری که هم اکنون در این مبارزه برعلیه هیتلریسم کمك مادی یا مساعدتهای دیگری مینمایند یا ممکن است بعداً باین اقدام مبادرت نمایند میتوانند باین اعلامیه ملحق شوند .

در تاریخ اول ژانویه ۱۹۴۲ در واشنگتن تحریر یافت .

این اعلامیهٔ مشترك از طرف دول زیر امضاء شده است:

کشورهای متحدهٔ امریکا

بریتانیای کبیر وایرلند شمالی

اتحاد جماهیر شوروی .

چین	هائیتی
استرالیا	هندوراس
بلژیك	هندوستان
کانادا	لوکزامبورك
کستاریکا	هلند
کوبا	زلاندجدید
چك اسلواکی	نیکاراگوا
جمهوری دومی نیك	نروژ
سالوادر	پاناما
یونان	لهستان
گواتمالا	افریقای جنوبی
	یوگوسلاوی

درساعت نه‌وسی دقیقهٔ صبح روز پنجشنبه هفدهم شهریور ماه ۱۳۲۲ (نهم سپتامبر ۱۹۴۳) فرمان اعلام حالت مخاصمه بین دولت ایران و دولت آلمان بشرح ذیل صادر گردید :

باتأییدات خداوند متعال

مـا

محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران

بنابه پیشنهاد دولت وبرطبق اصل پنجاه‌ویکم قانون اساسی ازتاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۲۲ حالت جنگ را بین کشور خودمان وآلمـان مقرر و اعلام میداریم .

هفدهم شهریور ماه یکهزار وسیصد وبیست ودو

محل صحهٔ همایونی

ودرساعت ده‌صبح همانروز مرحوم سهیلی نخست وزیرایران باهیئت دولت درمجلس شورایملی حاضر شدند ومقارن ساعت یازده‌ونیم قبل ازظهر نخست وزیر بیاناتی بشرح ذیل :

بطوریکه خاطر نمایندگان محترم مستحضر است دولت شاهنشاهی درآغاز جنگ کنونی بیطرفی خودرا بدول متخاصم اعلام ودرحفظ شرایط آن نهایت مراقبت را معمول داشت ولی درنتیجهٔ پیش‌آمد هائی که منتهی بوقایع شهریور ۱۳۲۰ گردید پیمانی بین‌دولت ایران ازیکطرف ودولتین انگلیس وشوروی ازطرف دیگر منعقد شدوازآن پس این قرار داد مبنای سیـاست خارجی نسبت بمتخاصمین قرار گرفت ورویهٔ دولت شاهنشاهی‌در مقابل دول‌محور روشن واعلام‌شد وانتظار میرفت‌دول محور بادر نظر گرفتن

وضع خاص ایران و تعهداتیکه این کشور درمقابل متفقین دارد مبادرت باقدامات وعملیاتی ننمایند تابالنتیجه موجب انحراف دولت‌ایران ازتعقیب رویه‌ای که‌درپیمان‌سه گانه اتخاذنموده گردد لیکن وقایعی که اخیراً بروز کرده وشواهد ومدارکی که دردست است منجمله تحریك جمعی ازعشایر بر علیه دولت که منجر بوقایع اسف‌آوری گردید وهمچنین اعزام افراد مخصوص بوسیلهٔ هواپیماها بمنظور تخریب راه‌آهن وقطع وسائط ارتباطیه وتشکیل سازمانهای جاسوسی‌وسایر اقداماتی که خاطر نمایندگان محترم ازچگونگی آنهاآگاه میباشدآشکار ساخت که عمال آلمانی برخلاف انتظار دست بفعالیتهای وخیمی درایران‌زده وسعی کرده‌اند باایجاداختلاف وتفرقه بین مردم این کشورآتش فتنه وانقلاب داخلی را برپا ساخته وموجبات سلب‌آسایش عامه واختلال امنیت مملکت را فراهم کنند .

دولت ایران این قبیل عملیات نامشروع دولت‌آلمان را درداخلهٔ ایران خصمانه تلقی کرده وتحریکات ودسائسی‌را هم که بمنظور ایجادفتنه وآشوب درسراسر کشور بعمل‌آمده‌است مخاطره‌آمیز تشخیص وبرای‌حفظ مصالح عالیهٔ کشور خود حقاً موظف میباشد اقداماتی درخاتمه دادن باین وضعیت واوضاع ناگوار که مورد انزجار قاطبهٔ ملت ایران است بعمل آورد بنابراین دولت بامداقه درجمیع جهات امر وتشخیص منافع مملکت درحال واستقبال خودرا ناگزیردید بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی حالت مخاصمه‌را بین ایران وآلمان اعلام دارد ودرهمین حال الحاق خود را باعلامیهٔ مشترك ملل متفقه مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ اعلام میدارد .

ایراد نموده وفرمان همایونی را بشرح مذکور قرائت کرد والحاق کشور ایران را باعلامیهٔ مشترك ملل متحده اعلام داشت .

پس ازصدور فرمـان مزبور ونطق تـاریخی نخست وزیـر ازطرف اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه‌پهلوی تلگرافهائی برای پادشاه انگلستان ورئیس شورایعالی اتحاد جماهیر شوروی ورئیس جمهوری ایـالات متحدهٔ امریکا وفرمانده کل قوای چین مخـابره شده است که اینك ازنظر اهمیت عین‌تلگراف‌اعلیحضرت همایونی‌وجوابهائی که رسیده‌است ذکر میگردد .

۱۸ شهریور ۱۳۲۲ (۳۱ اوت ۱۹۴۳)

اعلیحضرت جرج ششم پادشاه انگلستان وامپراطور هندوستان لندن

بمناسبت الحاق ایران باعلامیهٔ ملل متفق موقع را غنیمت شمرده درود صمیمـانهٔ خویش را بآن اعلیحضرت ابراز داشته وایشان را مطمئن میگردانم که همهٔ مساعی‌من درراه‌ادامه وتوسعهٔ همکاری مؤثری که تاکنون برای پیروزی منظور مشترك ما وشکست نهائی‌آلمان ازطرف ایران بعمل آمده مصروف خواهد گردید .

محمدرضا پهلوی

* * *

۲۳ شهریور ۱۳۲۲ (۱۵ سپتامبر ۱۹۴۳)

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران تهران

درود مودت‌آمیز اعلیحضرت همایون شاهنشاه بمناسبت الحاق‌ایران باعلامیهٔ ملل متحده موجب نهـایت مسرت اینجانب گردید ـ اظهـارات اعلیحضرت مبنی برادامه وتشیید معاضدت وهمکاری در نبرد برعلیه دشمن مشترك ومامایهٔ خشنودی واطمینان خاطر است . منهم مانندآن اعلیحضرت

بااشتیاق زیاد منتظر آن روزی هستم که مساعی مشترك ملل آزادی طلب منتج به‌پیروزی نهائی گردد .

جرج پادشاه انگلستان وامپراطور هندوستان

۱۳۲۲/۶/۲۰(۱۲ سپتامبر ۱۹۴۳)

جناب آقای میخائیل ایوانویچ کالینین

رئیس شورای عالی اتحاد جماهیرشوروی‌سوسیالیستی‌مسکو

اکنون که کشور ایران باعلامیهٔ ملل‌متحده ملحق گردیده موقع را بی‌اندازه مناسب ومطبوع میدانم که درودصمیمانهٔ خویش را بآنجناب‌ابراز داشته و ایشانرا مطمئن گردانم که عزم راسخ دارم به همکاری صمیمانه و مؤثری که تاکنون ازطرف ایران نسبت بمنظورمشترك متفقین بعمل‌آمده و همچنین به پیروزی اتحاد جماهیر شوروی و شکست نهائی آلمان ادامه داده وبرآن بیفزایم .

محمد رضا پهلوی

***

۱۳۲۲/۷/۳(۲۶ سپتامبر ۱۹۴۳)

اعلیحضرت محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران تهران

از درودمحبت‌آمیز آن اعلیحضرت تشکر نموده خوشوقتم از اینکه به نوبهٔ خود میتوانم الحاق ایران را باعلامیهٔ ملل متحده تهنیت بگویم . موقع را مغتنم میشمارم که بهترین آرزوهای خود را بشخص اعلیحضرت و ملت دوست ایران ابراز دارم .

م . کالینین

۱۸ شهریور ۱۳۲۲ (۱۰ سپتامبر ۱۹۴۳)

جناب آقای فرانکلین روزولت رئیس جمهور کشورهای متحد امریکا

واشنگتن

کمال مسرت را دارم که بآنجناب تهنیت گفته واطمینان دهم که با الحاق به اعلامیهٔ ملل متحده کشور من قصد دارد باشتراك مساعی مؤثر و صمیمانهٔ خود که تابحال جهت رسیدن بهدف مشترك متفقین وشکست نهائی آلمان مبذول داشته ادامه داده وبرآن بیفزاید .

محمدرضا پهلوی

* * *

۲۵ شهریور ۱۳۲۲ (۱۷ سپتامبر ۱۹۴۳)

اعلیحضرت همایون محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران

از تلگرافی که آن اعلیحضرت شاهنشاه ..... مخابره فرموده‌اند صمیمـانه تشکر میکنم . اطمینانی که درتلگراف ابراز شده است دائر براینکه باالحاق‌به اعلامیهٔ ملل متحده کشور شاهنشاهی بقوت همکاری‌خود درراه نیل بمقصود مشترك خواهد افزود موجب مسرت فوق‌العادهٔ مردم‌ملل متحده کـه بمنظور شکست قطعی هیتلریسم‌کلیهٔ منـابع خود را بمیـان گذارده اند گردید .

فرانکلین د . روزولت

۱۸ شهریور ۱۳۲۲ (۱۰ سپتامبر ۱۹۴۳)

جناب آقای چانك کای‌شك فرمانده کل قوای‌چین . چونك کینك

دراینموقع که کشور ایران باعلامیهٔ ملل متحده پیوسته لازم میدانم

بآنجناب درود فرستاده وایشانرا مطمئن گردانم که ایران درراه منظور مشترك متفقین وشکست نهائی آلمان بیش ازپیش کمك نموده وباجدیت تمام همکاری مؤثر خواهد نمود .

محمدرضا پهلوی

* * *

۲۵ شهریور ۱۳۲۲ (۱۷ سپتامبر ۱۹۴۳)

اعلیحضرت محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران تهران

من باشعف زیادی تلگراف مورخ دهم سپتامبر آن اعلیحضرت راکه درآن الحاق دولت شاهنشاهی رابااعلامیهٔ ملل متحده مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ اشعار فرموده بودند دریافت داشتم . موقع را مغتنم شمرده عقیدهٔ باطنی خود را باستحضار آن اعلیحضرت میرسانم که همکاری مابین دو کشور ماچه هنگام جنگ برعلیه متجاوز وچه درموقع برقراری یك صلح عادلانه وطولانی بزودی موفقیت های بزرگی را نصیب ماخواهد نمود .

چانك کای شك

دراثر سعی و کوششی که ایران درراه پیروزی متفقین معمول داشت سران سه کشورمعظم دربحبوحهٔ جنگ درتهران گردآمدند واعلامیهٔ بسیار مهمی راجع بهایران منتشرساختند که ابتدا تذکاریهٔ دولت ایران وپس از آن متن اعلامیهٔ کنفرانس تهران دراینجا ذکرمیشود .

تذکاریه

در اینموقع که بیاری خداوند متعال این سعادت و افتخار نصیب

سرزمین ایران باستان میهن عزیزما شده است که محل ملاقات پیشوایان معظم سه‌دولت بزرگ متفق ایران واقع گردد ویکی ازوقایع مهم تاریخی این‌عصر برای حل مشکلات بین‌المللی واستقرار صلح وصفای دائم وتأمین زندگانی آتیهٔ کلیهٔ ملل جهان برپایهٔ عدالت ومساوات که کمال مطلوب ملل متحده است ومنشوراتلانتیك برآن‌استوار گردیده درایران‌روی میدهد بهترین فرصت مناسبی است که آرزوهای ملت ایران را باگاهی برساند.

وضعیت کنونی ایران که بر اثر مجاهدت و زحمات و از خود گذشتگیهای چندین سالهٔ تمام‌طبقات‌این کشور ایجاد گردیده ومورد استفادهٔ کامل متفقین برای پیشرفت مقصود وتسریع‌پیروزی واقع‌شده ایجاب مینماید که دولت وملت‌ایران یقین‌داشته باشند که متفقین در کمك به‌ایران در حال وآتیه از بذل هرگونه مساعدتی مضایقه نخواهند نمود.

ایران ازنظرتمایلات قلبی وقدمهای برجسته ومؤثری که در کمك بمتفقین برداشته عملا آرزوی خود رانشان داده است که جنگ کنونی با پیروزی متفقین هرچه زودتر انجام یابد.

ایران که با ابرازهمکاری صمیمانه و خالصانه طبق پیمان سه‌گانه وتشریك مساعی‌کامل بامتفقین دراین ظفر وفیروزی سهیم میباشد قطع دارد که متفقین تمام زحمات وخساراتی را که ازاوضاع‌جنگ به‌ایران‌وارد آمده کاملا درنظر خواهند گرفت.

با امتحاناتیکه دولت وملت ایران دراینمدت ازهمکاری صمیمانه و تشریك مساعی خالصانهٔ خود درتمام شئون و مراحل نشان داده وبرای تأمین پیروزی متفقین وبرافکندن ریشهٔ ظلم وستم ازجهان مافوق قدرت و توانائی خود و با تحمل مشکلات اقتصادی بیشمار بذل مساعی نموده و

بالنتیجه بااعلان‌جنگ به‌آلمان‌اعتماد واطمینان‌کامل متفقین راجلب نموده انتظار دارد که متفقین درتحویل‌رشته‌های حیاتی امور مملکتی که فعلا در دست آنها است وواگذاری امنیت کشور بقوای نظامی‌وانتظامی خود ایران وتأمین جمیع وسائل اینکار اهتمام خاص معمول دارند تابدین نحو اعتماد واطمینان موجوده صورت عمل بخود گیرد .

دولت وملت ایران رجاءِ واثق دارند که تعهدات کتبی واطمینان‌های شفاهی که ازطرف متفقین نسبت بتمامیت واستقلال کامل ایران داده شده است با کمك ومساعدتهای‌مادی ومعنوی درتمام رشته‌های سیاسی واقتصادی تقویت یافته وایران بتواند بدینوسیله نقش باافتخاری راکه در گذشته بین کشورهای متمدن جهان بعهده داشته درآتیه نیزادامه دهد .

دولت وملت ایران درقبال این ابراز صمیمیت و یگانگی اطمینان میدهد همانطور که درسخت‌ترین موقع جنگ درهمکاری صمیمانه ودوستی صادقانه برای پیروزی عاجل متفقین خودداری ننموده ازاین پس نیزاین رویهٔ دیرینه را در مسائل مربوطهٔ بین‌المللی ادامه داده وبا متفقین خود تشریك مساعی کامل بنمایند .

دولت وملت ایران انتظار دارند دراین موقع که پیشوایان معظم سه دولت بزرگ در ایران اقامت دارند برای تأیید مراتب بالا اعلامیه صادر وبدینوسیله‌حسن‌نیتی راکه کراراً کتباً وشفاهاً نسبت به‌ایران ابرازداشته‌اند باردیگر تصریح نمایند .

تهران بتاریخ ۹ آذرماه ۱۳۲۲

اعلامیه سران سه دولت معظم در کنفرانس تهران باین قراراست :

اعلامیهٔ سه دولت راجع بایران

مورخ اول دسامبر ۱۹۴۳ـ نهم آذرماه ۱۳۲۲

رئیس جمهوری کشورهـای متحدهٔ امریکا ، نخست وزیر اتحـاد جمـاهیرشوروی و نخست وزیرممالك متحدهٔ انگلستان پس از مشورت بین خود و بانخست وزیرایران مایلند موافقت سه دولت راراجع بمناسبات خود باایران اعلام دارند .

دولتهای کشورهای متحدهٔ امریکا واتحاد جماهیر شوروی وممالك متحدهٔ انگلستان کمکهـائی راکه ایران در تعقیب جنگ برعلیه دشمن مشترك ومخصوصاً درقسمت تسهیل وسائل حمل ونقل مهمـات از ممـالك ماوراء بحار به‌اتحادجماهیرشوروی بعمل آورده تصدیق دارند .

سه دولت نامبرده تصدیق دارند که این جنگ مشکلات اقتصادی خاصی برای‌ایران فراهم‌آورده‌وموافقت دارند که بادرنظر گرفتن احتیاجات سنگینی که عملیات جنگی جهانی برآنها تحمیل میکند و کمی وسائل حمل‌ونقل دردنیا وهمچنین کمی مواد خام وسایرحوائج کشوری کمکهای اقتصادی خود را تاحد امکان بدولت ایران ادامه بدهند .

راجع بدورهٔ بعد ازجنگ دول کشورهای متحدهٔ امریکا واتحـاد جماهیرشوروی وممالك متحدهٔ انگلستان با دولت ایران موافقت دارند که هرنوع مسائل اقتصادی که در پایان مخاصمات ایران باآن مواجه باشد از طرف کنفرانسها یامجامع بین‌المللی که برای مطالعهٔ مسائل اقتصادی



فرودگاه عظیم و مجهز مهرآباد که در زمان سلطنت اعلیحضرت محمدرضاشاه‌پهلوی بنا گردیده است .

بین‌المللی تشکیل یاایجاد شود بـا مسائل اقتصادی سایرملل متحده مورد توجه کامل قرار گیرد .

دولتهای کشورهای متحدهٔ امریکا و اتحاد جماهیرشوروی وممالك متحدهٔ انگلستان درحفظ استقلال وحاکمیت وتمامیت ارضی ایران بادولت ایران‌اتفاق نظردارند وبمشارکت ایران باسایرملل‌صلح دوست دربرقراری صلح بین‌المللی‌وامنیت وسعادت بعدازجنگ برطبق اصول منشور اتلانتیك که مورد قبول هرچهار دولت است استظهار دارند .

وینستون چرچیل

امضاء **ژ. و. استالین**

فرانکلین . د . روزولت

کشور ایران بـاستناد منشور ملل متحد درسال ۱۳۳٤ بـه پیمان بغداد ملحق گردیده است که درفصل‌چهل ویکم چگونگی‌آن ومتن‌پیمان درج شده است ونیز درتاریخ چهاردهم اسفند ماه سال ۱۳۳۷ موافقت نامهٔ همکاری بین دولت شاهنشاهی ایـران و کشور هـای متحدهٔ امریکا منعقد گردیده است.(۱)

---

۱ ـ موافقت نامهٔ همکاری بین دولت‌شاهنشاهی‌ایران ودولت کشور-های متحدامریکا

دولت شاهنشاهی‌ایران ودولت کشورهای متحدامریکا :

نظر باینکه مایلنداعلامیه‌ای راکه درتاریخ ۲۸ژوئیه ۱۹۵۸ درلندن به‌آن‌ملحق شده‌اند بمورد اجرا گذارند .

نظرباینکه بموجب ماده اول پیمان همکاری متقابل که در بغداد در تاریخ ۲٤ فوریه ۱۹۵۵ بامضاءرسیده امضاء کنندگان موافقت کرده‌اند که برای امنیت ودفاع خود اشتراك مساعی نمایند و همچنین چون بشرح‌مندرج در اعلامیهٔ‌مذکوردرفوق دولت کشورهای‌متحدامریکا بمنظورصلح‌جهانی ←

قبول کرده است که با دولتهائی که اعلامیهٔ مذکور رابرای امنیت ودفاع کشور خود امضا کرده اند اشتراك مساعی نماید.

باملاحظهٔ اینکه در اعلامیهٔ فوق اعضاء پیمان همکاری متقابل که اعلامیه را امضاء کرده‌اند تصمیم خودرا در حفظ امنیت دست جمعی ومقاومت در مقابل تجاوز مستقیم و غیرمستقیم تأیید نموده‌اند.

بعلاوه نظر باینکه دولت کشورهای متحدامریکادر کارهای کمیته‌های عمده پیمان همکاری متقابل که در بغداد در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ بامضاء رسیده پیوستگی دارد.

نظر بعلاقه بتحکیم صلح برطبق اصول منشورملل متحد.

نظر باینکه دودولت حق خود رادر اشتراك مساعی برای امنیت و دفاع خودطبق ماده ۵۱ منشور ملل متحدتأیید مینمایند.

نظر باینکه دولت کشورهای متحد امریکا حفظ استقلال و تمامیت کشورشاهنشاهی ایران را برای منافع ملی خود و صلح جهانی امر حیاتی تشخیص میدهد.

نظر باینکه اختیاراتی راکه کنگرهٔ کشورهای متحد امریکا برای دادن مساعدتهای مقتضی بموجب قانون امنیت مشترك مصوب سال ۱۹۵۴ و اصلاحات آن و همچنین بموجب قطعنامهٔ مشترك برای‌ایجاد صلح وثبات‌در خاورمیانه برئیس جمهوری امریکا داده است برسمیت میشناسد.

نظر باینکه موافقتنامه‌های مشابهی بین‌دولت امریکا ودولت ترکیه‌و دولت پاکستان جداگانه منعقد شده است.

بشرح زیر موافقت میکنند:

۱ ـ دولت شاهنشاهی ایران‌مصمم است که در مقابل تجاوز مقاومت کند. در صورت تجاوز بکشور ایران دولت کشورهای متحد امریکا طبق قانون اساسی امریکا اقدامات مقتضی راکه شامل استفاده از نیروی نظامی خواهد بود بطوریکه مورد توافق طرفین باشد و بشرح مندرج درقطعنامهٔ مشترك برای ایجاد صلح و ثبات درخاورمیانه بمنظور مساعدت با دولت شاهنشاهی ایران برحسب درخواست آن دولت بعمل خواهدآورد.

۲ـ دولت کشورهای متحدامریکاطبق‌قانون‌امنیت مشترك مصوب سال ۱۹۵۴ و اصلاحات آن وقوانین مربوطه کشورهای متحد امریکا وطبق قراردادهای‌مربوطه که بین‌دولت ایران ودولت کشورهای متحدامریکا تا ←

کنون بسته شده یا بعد از این بسته خواهد شد باردیگر تأیید میکند که مساعدتهای نظامی‌واقتصادی بنحویکه دولت ایران و دولت کشورهای‌متحد امریکا توافق کنند برای کمك بدولت‌ایران در حفظ استقلال ملی وتمامیت خود و پیشرفت مؤثر اقتصادآن کشور ادامه خواهدداد .

۳ ـ دولت شاهنشاهی ایران‌تعهدمیکند که اینگونه مساعدتهای‌نظامی و اقتصادی راکه دولت کشورهای متحد امریکا بعمل میآورد بنحویکه با منظورهاو مقاصدی که دوَل‌امضاء کنندهٔ اعلامیهٔ لندن مورخ۲۸ ژوئیه۱۹۵۸ مقررداشته‌اند موافق باشدوبمنظور ایجاد وسیلهٔ مؤثر برای توسعهٔ اقتصاد کشور ایران و حفظ استقلال و تمامیت‌آنکشور مورد استفاده قراردهد.

٤ـ دولت‌شاهنشاهی‌ایران‌ودولت کشورهای‌متحدامریکاباسایردولیکه به‌اعلامیهٔ لندن‌مورخ ۲۸ ژوئیه۱۹۵۸پیوستگی دارند بمنظورتهیه وشرکت در اقدامات دفاعی که طرفین آنرا مطلوب تشخیص دهند بشرط موافقت با سایر شرایط مندرج در این موافقتنامه اشتراك مساعی خواهند نمود.

۵ ـ مواد این موافقتنامهٔ فعلی در اشتراك مساعی که دو دولت‌بشرح پیش بینی شده در قرار دادهای بین‌المللی یا ترتیبات دیگر بعمل خواهند آورد مؤثر نخواهد بود .

٦ ـ این موافقت از تاریخ امضای آن مجری است وتا مدت‌یکسال پس از وصول‌یاد داشت کتبی ازهریك ازدودولت مبنی براینکه قصددارند به‌آن خاتمه دهند بقوت خودباقی خواهد بود .

این قرارداد دردونسخه در تاریخ ١٤ اسفندماه ۱۳۳۷ تحریریافت.

از طرف دولت شاهنشاهی ایران   سرلشگر ارفع

از طرف دولت کشورهای متحدامریکا فلیجروارن

واین‌است پیمان تدافعی دولت شاهنشاهی ایران بادولت‌ایالات‌متحدهٔ امریکاکه برای خوانندگان‌گرامی درج‌گردید .   (مترجم)

فصل پنجاه وچهارم

حملهٔ ژاپن به‌ایالات متحدهٔ امریکا

روزبیستم ماه نوامبرسال ۱۹۴۱ دولت ژاپن درخصوص اختلافی که در مورد هندوچین فرانسه باایالات متحدهٔ امریکا داشت یادداشتی برای آندولت فرستاد مبنی براینکه ژاپن نیروی خود را ازهندوچین بعد ازختم زد و خورد در چین فراخواهدخواند بشرط آنکه دولت ایالات‌متحدهٔ امریکا اولا مقدار کافی نفت به ژاپن بفروشد وکلیهٔ‌احتیاجات را ازاین حیث‌مرتفع سازد تاکارخانجات و مؤسسات نظامی ژاپن قادر برفع نیازمندی خودباشند و ثانیاًازکمك به کشورچین طبق قانون‌وام واجاره که‌من غیرمستقیم‌خصومت باژاپن محسوب میشود خودداری کند .

روز بیست وششم ماه‌نوامبر سال ۱۹۴۱ دولت ایالات متحدهٔ امریکا پیشنهادات متقابلی بدولت ژاپن داد مبنی براینکه برای فرستادن‌نفت‌کافی به ژاپن حاضر است بشرط‌آنکه اولادولت مذکور از تسلط خود برهند و۔ چین فرانسه دست بردارد و کماکان حاکمیت فرانسه را بر کشور نامبرده برسمیت بشناسد و ثانیاً دولت ایالات متحدهٔ امریکا مجاز باشد کمك‌خودرا به کشور چین‌ادامه دهد ومانند گذشته بدولت مزبور مساعدت نماید .

دولت ژاپن شرایط پیشنهادی ایالات متحدهٔ امریکا را که مخالف

و مغایر مقاصد ونیات باطنی خودمیدید نپذیرفت وحاضر به قبول پیشنهاد آن دولت نشد اما مذاکرات خودرا هم قطع نکرد وبـرای بدست آوردن زمینهٔ مساعد وتحمیل نظریات خود مذاکرات را ادامه داد.

روز اول ماه دسامبر سال ۱۹۴۱ در کنفرانسی که امپرطور ژاپن ریاست آنرا داشت تصمیم قطعی به جنگ وحمله به قوای نظامی و بنادر وسوق الجیشی امریکا گرفته شد و فردای همانروز عده‌ای ازجهازات جنگی وچند نـاو هواپیمابر بزرگ رااز پایگاههای خود بمقصد غیرمعلوم روانه ساختندوروز دوم ماه دسامبر بقیهٔ جهازات جنگی را بطرف خلیج سیام فرستادند و روز هفتم ماه دسامبر دولت ژاپن بدولت ایالات متحدهٔ امریکا اطلاع داد کـه پیشنهادآن دولت را ازنظر اینکه مخالف منافع ژاپن است نمیتواند قبول کند وچند ساعت بعد یعنی شب هشتم ماه دسامبر سال ۱۹۴۱ بدون اعلان جنگ غفلتاً هواپیماهای بمب افکن ژاپنی به پایگاههای بزرگ دریائـی امریکا در پرل هاربور (Pearl Harbour)وجزایر هاوائی (Havaie)حمله کردند و تمام ناوهای امریکائی راکه در پایگاههای مزبور لنگرانداخته بودند و انتظار چنین پیش آمدی را نداشتند ازبین بردند وخسارات قابل توجهی وارد ساختند . چهارهزار نفر افسر وملوان امریکائی در این حملهٔ ناگهانی تلف شدند و دوهزار نفر هم مجروح گشتند و نـاوهـای جنگی آریزونا (Arizona) و آکـلاهومـا (Oklahoma) و وست ویـرجینیا (West Virginia) وکالیفرنیا (California) و چندین رزمناو کوچك دیگر را غرق کردند که مجموعاً شش رزمناو بزرگ و سه رزمناو زرهی و سه مین انداز و دویست وچهل وهفت فروند هواپیمای امریکائی از بین رفته و نابود شدند و با این خسارات و تلفات بی حد تعادل قوای ایـالات متحدهٔ امریکا در اقیانوس کبیر بهم خورد .

روز هشتم ماه دسامبر سال ۱۹۴۱ کنگرهٔ امریکا بدولت ژاپن اعلان جنگ داد وروز یازدهم ماه دسامبر پس از آنکه دولتین آلمان و ایتالیا به ایالات متحدهٔ امریکا اعلان جنگ دادند کنگرهٔ امریکا بدو کشور اخیر-الذکر هم که در هواخواهی از ژاپن وارد صحنهٔ کارزار شده بودند درمقام مقابلهٔ بمثل اعلان جنگ داد با این ترتیب ایالات متحدهٔ امریکابا منابع سرشار وجمعیت کثیر وقوای نظامی‌عظیم خود دراثراقدامات خصمانهٔ کشور ژاپن پا بمیدان نبرد گذارد و ازآن تاریخ‌جنگ جهانگیردوم درتمام کرهٔ ارض باشدت ادامه یافت .

بعد از ورود ایالات متحدهٔ امریکا و ژاپن بجنگ انگلستان نیز به طرفداری کشور امریکابه ژاپن اعلان‌جنگ‌داد وروزولت رئیس‌جمهوری امریکا با چرچیل نخست وزیر انگلستان در ماه دسامبر سال ۱۹۴۱برای تنظیم برنامه‌ای واحد بین متفقین با حضور لیتوینف (Litvinov) سفیر کبیر روسیهٔ شوروی در امریکا و نمایندهٔ مخصوص‌آن دولت در آرکادی (Arcadie) ملاقات کردند و راجع به امورجنگ بادول محور مذاکرات مفصلی بعمل‌آوردند و نتیجهٔ ملاقات مزبور این شد که خطر ژاپن هر چه مهم وزیاد باشد متفقین بمسائل اروپائی حق تقدم میدهند بدین معنی که به موضوعات‌ناشی ازجنگ‌دراروپا و میدانهای جنگ‌این‌قاره توجه‌بیشتری مبذول کرده قوای خود را دراروپا برای مغلوب ساختن محور بکارخواهند بردوپس از فراغت ازخطر دشمن درقارهٔ اروپا بمسئلهٔ ژاپن فیصله خواهند داد و ضمناً فرماندهی واحد متفقین نیز مورد مذاکره قرار گرفت ولی به نتیجهٔ قطعی نرسید اما بعد ازآن‌تاریخ دراین مورد هم موافقت طرفین‌جلب شد وفرماندهی کل ارتش متفقین‌تشکیل یافت وتاپایان جنگ دوم‌جهانی وظایف خودرا انجام میداد .

فصل پنجاه و پنجم

تسلیم آلمان وژاپن وپایان جنگ دوم جهانی

در کنفرانسی که درکازابلانکا تشکیل یافت متفقین اعلام داشتند که غیر ازتسلیم بلاشرط دول محور به هیچ صورت دیگر حاضر بمذاکرهٔ صلح باآنان نیستندوفقط تسلیم بدون‌قید وشرط دول آلمان وایتالیا وژاپن‌ممکن است ازادامهٔ زدوخورد وخونریزی جلوگیری کند .

ایتالیا باهمین کیفیت حاضر بمذاکره با متفقین گردید وآلمان هم هرگاه ختم جنگ را میخواست بایستی بهمین نحو بلاشرط تسلیم گرددتا متفقین نبرد وبمباران‌آن کشور را پایان بخشند وبمذاکره پردازند .

باین علت بود که به اظهارات هیملر برای ترك مخاصمه ترتیب اثر ندادند منتظر شدند حکومتی که جانشین هیتلر میشود درحدود مذاکرات کنفرانس‌کازابلانکا باآنان‌تماس بگیرد تابتوانندبه خونریزی درقارهٔ اروپا خاتمه دهند .

ژنرال کرب رئیس ستاد ارتش‌آلمان بعد ازمرگ هیتلر بامارشال ژوکف وارد مذاکره وشرایط اورابرای متارکهٔ جنگ خواستار شدولی مارشال ژوکف حاضر به گفتگو وبیان شرایط متارکه‌نشد وتسلیم بدون قید وشرط آلمان راخواستار گردید .

دریا سالار دونیتز جانشین هیتلر که وضع را بدین منوال دید ناچار تن درداد واسلحه را زمین گذاشت وفرمان تسلیم ارتش آلمان را صادر کرد وقرار شد نمایندگان آلمان ازیك طرف درآموزشگاه ریمس (Reims) که محل ستاد آیزنهاور فرمانده کل قوای امریکا ومتفقین وفرانسویان آزاد بود حاضر شده پیمان را امضاء کنند وازطرف دیگر دربرلن با مارشال ژوکف فرمانده قوای روسیهٔ شوروی نظیر همین عمل را تکرار وپیمان ترك مخاصمه را امضاء نمایند.

درساعت دوو چهل ویك دقیقهٔ صبح روز هفتم ماه مه سال ۱۹۴۵ جنرال جادی (Jodi) ودریا سالار فریدبورگ (Freid Burg) به نمایندگی دولت آلمان درریمس حضور یافته وقرارداد مربوطه را امضاء کردند وجنگ بعد ازنصف شب هشتم ماه مه درتمام جبهه‌ها خاتمه یافت وبعداً مارشال کیتل به نمایندگی آلمان بامارشال ژوکف کمی بعد ازنصف شب نهم ماه مه سال ۱۹۴۵ نظیر همان پیمان راامضاء کرد.

دراین جلسه مارشال تدرانگلیسی ودریاسالار بوروگ (Bourough) نمایندگان جنرال آیزنهاور هم حضور داشتند وچون شخص جنرال آیزنهاور نمایندهٔ حکومت موقتی فرانسه را به آموزشگاه ریمس هنگام امضای ترك مخاصمه دعوت نکرده بود روس‌ها هم ازحکومت نامبرده دعوت بعمل نیاوردند امابنا بدستور ژنرال دوگل رئیس حکومت موقتی فرانسه ژنرال دولاتردوتاسینی (De Lettre. Detassigny) به برلن حرکت کرد تا علیرغم نیت متفقین درجلسهٔ منعقده حضوریابد روس‌ها هم که وضع رابدین منوال دیدند بمنظور جلوگیری ازحدوث اختلاف رضایت به‌حضوردولاتر دوتاسینی دادند بشرط آنکه‌بعنوان گواه صورت‌مجلس قراردادراامضاء کنند

شرح جلسهٔ مذکور ازاین‌قرار است که مارشال کیتل بالباس نظامی وعصای مارشالی باظاهری که حکایت‌ازجلال وشکوه‌آلمان‌میکرد با کمال وقار دراطاق حاضر شد ومارشال ژوکف پس ازرسمیت جلسه ازمشارالیه پرسید که‌آیا ازمواد پیمان تسلیم‌آلمان اطلاع حاصل کرده‌اید یانه ؟

کیتل بزبان‌آلمانی جواب دادبلی.ژوکف گفت‌آیا صلاحیت امضاءِ پیمان را دارید ؟

کیتل جواب داد بلی .

ژوکف دوباره گفت اوراقی که دال برصلاحیت شماست ارائه کنید .

کیتل اوراق مورد درخواست را نشان داد .

ژوکف گفت اگر ایرادی‌به طرز اجرای پیمان دارید بیان کنید ؟

کیتل جواب داد برای دادن فرمان‌آتش بس بیست وچهار ساعت مهلت لازم است .

ژوکف گفت‌این‌تقاضا قبلارد شده‌اگر ایراد دیگری دارید بگوئید.

کیتل سکوت کرد .

ژوکف‌اشاره به پیمان منعقده نموده گفت :

پس امضاءِ کنید .

کیتل بلند شد وبه انتهای میزی که پیمان روی آن گسترده شده بود رفت وبیست وهشت دقیقهٔ بعد ازنصف شب‌نهم ماه مه سال ۱۹۴۵ پیمان راامضاءِ نمودوسپس سایر نمایندگان پیمان متارکهٔ جنگ‌را امضاءِ کردند وجلسه پایان یافت کیتل هم‌ازاطاق خارج گردید .

بدین نحو جنگ عظیم وبی‌سابقه ای که روز اول ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ میلادی شروع شده بود روز نهم ماه مه سال ۱۹۴۵ رسماً وعملادر اروپا خاتمه یافت فقطدولت ژاپن یکی ازمتحدین دول محور وهمکار ایتالیا

وآلمان باقی ماند که جنگ را درشرق اقصی واقیانوس کبیر کماکان ادامه میداد وطبق تعهد متفقین در کنفرانس یالتاقرار بودبعد ازتسلیم آلمان همگی متوجه شرق اقصی و کشورژاپن شده کار آن دولت رایکسره سازند و کرهٔزمین را ازخونریزی نجات بخشند .

دولتین انگلستان وامریکا بعد ازفراغت ازکار آلمان فعالیت جنگی خود را درشرق اقصی تشدید وقوای عظیمی روانهٔ آن سامان نمودند .

انگلیسی ها در بیرمانی (Birmanee) وامریکائی ها درفیلی‌پین (Philippines) وجزایر اطراف آن دست به‌حملات دامنه‌داری زدند مقصود امریکائی‌هاازتمرکزفعالیت خود درفیلی‌پین این‌بود که اگر ژاپنی‌هاراازآنجا خارج‌می‌نمودندوسربازوهواپیمای کافی در آن جزیره جمع میکردندقوای ژاپن بدونیمه تقسیم میشد نیمی درجزایر هند شرقی واسترالیا ونیم دیگر در ژاپن وجزایراطراف آن میماند که استیلای بر آنان وشکست نهائی سهلتر میگردید و ازطرف دیگر از فیلی پین که نزدیکتر به ژاپن بود حملات هوائی وبمباران توکیووسایر شهرهای صنعتی اشکالی نداشت .

انگلیسی‌ها در سال ۱۹٤٥ تحت فرماندهی لرد مونت باتن (Mount · Batten) بمقصود خود توفیق یافتند وژاپنی‌ها را ازبیرمانی خارج ورانگون (Rangoun) را تصرف کردند .

امریکائی‌ها تاپنجم‌ماه ژوئیه سال۱۹٤٥ بتمام فیلی‌پین که دراوایل جنگ ازدست داده بودند مسلط شدند ومانیل (Manille) را بعد ازنبرد سختی‌آزاد کردند وهواپیما های دژپرنده ازآنجا پرواز کرده مراکز مهم صنعتی ژاپن را بزیر بمب‌های سنگین وآتش زای خود گرفتند .

چیانك‌کای چك (Chiang - Kai - Tchek) رئیس دولت چین که مهمات واسلحهٔ زیادی ازامریکائی‌ها دریافت‌داشته بودازفرصت استفاده کرد وبحملات بزرگی دست زد .

روز هیجدهم ماه مه بندر فوچئو (Fou - tcheou) را گرفت وخود رابه ساحل اقیانوس کبیر ودریای زرد رسانید .

ژنرال مك‌آرتور (Mac - Arthur) فرمانده قوای امریکا بعد از تصرف فیلی‌پین جزیرۀ اکیناوا (Okinawa) را که تاژاپن ششصد کیلومتر بیشتر فاصله نداشت متصرف شد وروزشانزدهم ماه ژوئیۀ سال ۱۹۴۵ بدون آنکه قوای بحری ژاپن عکس العملی نشان دهد کشتی های جنگی متفقین ساحل هاندو (Hondo) رابه باد گلوله گرفتند وخسارات بسیاری وارد ساختند.

بعد ازفوت فرانکلین روزولت رئیس جمهوری ایالات متحدۀ امریکا هاری ترومن (Harry - Truman) معاونش جانشین اوشد وبرای اینکه زودتر ژاپن را مجبور به تسلیم وترك خونریزی کند تصمیم گرفت برای اولین دفعه بمب اتمی را که علمای امریکائی ساخته بودند مورد عمل قرار داده یکی ازشهرهای ژاپن را باآن بمب جدیدالاختراع بمباران کند .

روز شانزدهم ماه اوت سال ۱۹۴۵ یك فروندهواپیمای دژپرنده ب۲۹ موسوم به گریت آرتیست (Great Artist) یك بمب اتمی روی شهر هیروشیما افکند که تمام شهر را خراب وتبدیل به تل خاکستری ساخت ودویست هزار نفر ساکنین آن شهر تلف ومجروح گردیدند .

تصادفاً شهردار هیروشیما که خارج ازشهر منزل داشت ازین واقعه جان سالم بدربرد ومشاهدات خود را چنین نقل کرد :

ازشهر هیروشیما اثری جزتل خاك باقی نماند وبکلی ازبین رفت و تاشعاع یك کیلومتر ازمحل سقوط بمب جنبنده‌ای جان سالم بدرنبرد وهر چه‌بود تلف‌شد وتاشعاع دو کیلومتر چند نفری که پناهگاه محکم وعمیق داشتند نیمه جانی بدر بردند وبعداً دراثر معالجه بهبودی یافتند وبقیه به هلاکت رسیدند تاشعاع سه کیلومتر که خانۀمنهم درآن نقطه بودکلیۀمنازل

به روی ساکنین ازجمله من وخانواده‌ام خراب‌شدوقبل ازخرابی روشنائی خیره کننده‌ای همه جا را فرا گرفت ودراطراف خانهٔ من چندکلبه ازنی و پوشال ساخته شده بود که حریق آنها را سوزانده وازبین برد .

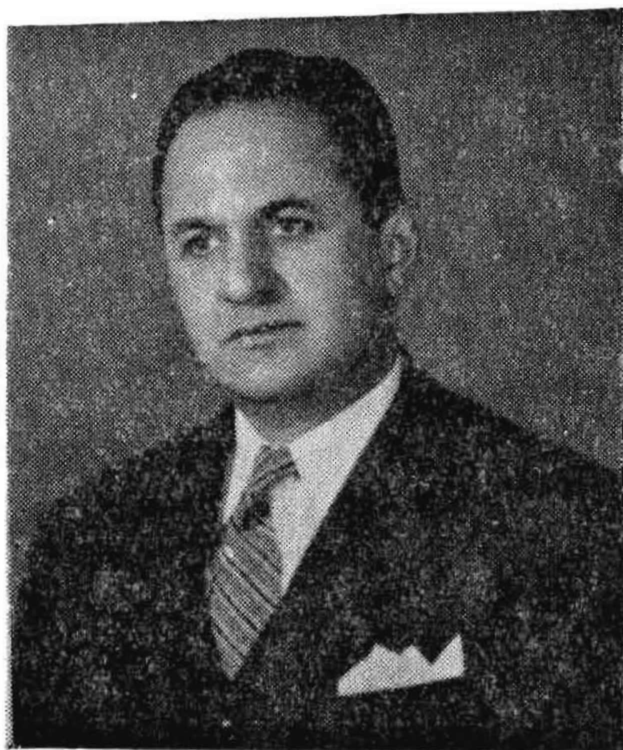
فردای واقعه تأسف‌آور شهر هیروشیما بمب اتمی دیگری به روی ناگازاکی(Nagasaki) افکنده‌شد که دولت‌ژاپن دیگرتاب مقاومت‌نیاورد ویك روز بعد باشرط اینکه حقوق‌امپراطورمحترم‌شمرده‌شود تسلیم‌شدواسلحه‌را زمین گذاشت. یك‌روزقبل‌ازتسلیم‌ژاپن‌روسیهٔ‌شوروی به‌آن کشوراعلان‌جنگ دادوسربازان روس واردخاك منچوری‌شدند وبسرعت بتصرف آن پرداختند.

فعالیت روسیه درجنگ علیه ژاپن بسیار ناچیز وغیر قابل توجه بود وبطوریکه فوقاً ذکرشد یك روزقبل ازتسلیم‌آن کشور تعهداتی را که در کنفرانس یالتا دائر بمخاصمهٔ باژاپن به گردن گرفته بودبعد ازمغلوبیت مسلم‌آن کشور اجرا نمود .

بدیهی است اینگونه مخاصمات جز بقصد شرکت درنتایج حاصله ازپیروزی وسهیم بودن دراراضی منتزع ازژاپن نبود .

موقعیکه کشور ژاپن مانند سایر متحدین بلاشرط تسلیم گردید و اسلحه را زمین گذاشت متفقین برای امضای پیمان‌لازم نمایندگان خود را به شهرمانیل پایتخت‌جزیرهٔ فیلی‌پین اعزام‌داشتند وازدولت مزبورخواستند که نمایندگان مختار خود را بآن شهر بفرستند .

روز نوزدهم ماه اوت سال ۱۹۴۵ فرستادگان ژاپن به شهر مانیل پایتخت فیلی‌پین وارد شدند ودرعرشهٔ کشتی جنگی میسوری (Missouri) باحضور ژنرال مك‌آرتور ودریا سالار نی‌میتز (Nimitz) نمایندگان دول متفق پیمان تسلیم کشور خود را امضاء کردند وجنگ دوم جهانی خاتمه پذیرفت ودنیاازقتل وخونریزی بامیدبرقراری صلح وآرامش نجات‌یافت .



• مترجم کتاب «رضاشاه کبیر یا ایران نو»



پایـان

